

راهنمای روزنامه نگاری

ریچارد کیبل



ترجمه مریم تاج فر

راهنمای روزنامه نگاری

دینچاد کیبیل

ترجمهٔ سریم تاج فر



۱

۸۰۰

۳۱

۱۲

The Newspapers Handbook

Richard Keeble

Translated by:

Maryam Tajfar

راهنمای روزنامه‌نگاری

در این کتاب، ریچارد کیبل روزنامه‌نگار برجسته و استاد دانشگاه با ذکر نمونه‌ها و مثال‌های متنوع شیوه‌های نوین روزنامه‌نگاری را به زبانی ساده شرح می‌دهد. چگونگی تنظیم خبر، تهیه گزارش و مصاحبه، و نحوه انتخاب عنوان خبر از مواردی است که وی به تفصیل از آنها سخن می‌گوید و ضمن آن، روزنامه‌نگاران جوان و علاقه‌مندان به این حرفه را گام به گام با مباحث نظری و عملی فن روزنامه‌نگاری آشنا می‌سازد. در بخشی از کتاب نیز ویژگی‌های زبان خبری و عناصر خبر را برمی‌شمارد و در پی آن، تهیه گزارش از گردهمایی‌ها و همایشها را آموزش می‌دهد. نویسنده همچنین به نکاتی اشاره می‌کند که روزنامه‌نگاران در تهیه و تدوین گزارشها و مقالات توصیفی ناگزیر از رعایت آنستند. افزون بر آن، اصول اخلاقی و آداب‌ی را یادآور می‌شود که هر روزنامه‌نگاری در حین انجام وظیفه باید بدان آراسته باشد.





۹۳۵۹۲ :

راهنمای روزنامه‌نگاری

نوشته ریچارد کیبل

ترجمه مریم تاج‌فر

انتشارات همشهری

کیبل، ریچارد، ۱۹۴۸-
 راهنمای روزنامه‌نگاری / ریچارد کیبل؛ مترجم مریم تاج‌فر-
 تهران: همشهری، ۱۳۷۹.
 ۴۷۸ ص. (انتشارات همشهری؛ ۳۴)
 ISBN: 964 - 6274 - 23 - 4: ۲۴۰۰ تومان
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
 The newspapers handbook. عنوان اصلی:
 ۱. روزنامه‌ها -- نشر -- دستنامه‌ها. ۲. روزنامه‌نگاری --
 دستنامه‌ها. الف. تاج‌فر، مریم، ۱۳۵۰ - مترجم. ب. همشهری، روزنامه.
 ج. عنوان.
 ۰۷۰/۴ PN۴۷۳۴/۵/۵۹۲
 ۱۳۷۹
 کتابخانه ملی ایران
 ۷۸-۲۳۹۸۵ م

The Newspapers Handbook
 By Richard Keeble, 1998

این کتاب ترجمه‌ای است از:

نام کتاب: راهنمای روزنامه‌نگاری

نویسنده: ریچارد کیبل

مترجم: مریم تاج‌فر

ناشر: انتشارات همشهری

چاپ: مجتمع چاپ و نشر رویداد

چاپ اول: پاییز ۷۹

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

بها: ۲۴۰۰ تومان

ISBN: 964 - 6274 - 23 - 4

شابک: ۹۶۴ - ۶۲۷۴ - ۲۳ - ۴

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

سخنی با خواننده

سابق بر این می‌گفتند: «وقتی سیاست به بن‌بست برسد، جنگ آغاز می‌شود». ولی در حال حاضر کارشناسان ارتباطات اعتقاد دارند که: «هرگاه سیاست و جنگ هر دو به بن‌بست برسد، رسانه‌ها وارد میدان می‌شوند».

دلیلش این است که رسانه‌ها در جهان امروز میداندار صحنه سیاست و روابط دولتها و ملتها شده‌اند، و چنان قدرت تحرک یافته‌اند که توان اجرایی سیاستمداران و طراحان امور استراتژیک را تحت الشعاع قرار داده‌اند. علت هم البته جز این نیست که تقریباً همه امور سیاسی و دیپلماتیک و استراتژیک جهان از حالت «بسته» و سَرّی به حالت آشکار و باز تبدیل شده است. این وضع دیپلماتها را به صورت عناصر منفعل در مقابل دولتها درآورده، ولی ملتها را برعکس از نقش منفعل خارج ساخته و عمیقاً درگیر مسائل دیپلماتیک و سیاست کشورها کرده است. تا جایی که دولتها در موارد متعدد، حتی اگر هم بخواهند قادر نیستند بدون کسب موافقت و پشتیبانی مردم (افکار عمومی) دست به بعضی اقدامات دیپلماتیک و نظامی بزنند.

دیپلماسی باز و کاهش هیبت دیپلماتها، همراه با اجبار دولتها به کسب پشتیبانی افکار عمومی، همه از قدرت و عظمتی ناشی می‌شود که امروزه در اختیار رسانه‌ها است و دایم نیز بر دامنه و وسعت عملکردش افزوده می‌شود. تا جایی که مردم، حتی بی‌تفاوت‌ترینشان، چنانچه بخواهند

قادر نیستند نسبت به آنچه در محافل سیاسی کشورشان یا جهان می‌گذرد بی‌توجه بمانند، زیرا رسانه‌ها کاری کرده‌اند که برای بسیاری از مردم دستیابی به اخبار و آگاهی به اوضاع و احوال، حتی از به اصطلاح نان شب هم واجب‌تر شده است.

اما در مورد رسانه‌ها باید حتماً به این نکته توجه داشت که اثر رسانه‌های نوشتاری بر مردم، به مراتب بیشتر و عمیقتر از اثر رسانه‌های دیداری و شنیداری و گفتاری است. زیرا آنها (رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، نمایشگاه، سخنرانی، ...) به دلیل گذرا بودنشان، قادر نیستند مثل رسانه‌های نوشتاری (مطبوعات و کتاب) بر جامعه اثر عمیق و پایدار و ریشه‌ای بگذارند (این مسأله دلیل فیزیولوژیک و روان‌شناختی دارد، که فعلاً جای بحثش اینجا نیست)

از طرف دیگر می‌دانیم که آنچه بر افکار و ذهنیات مردم اثر می‌گذارد، همان است که نخبگان و روشنفکران و متفکران جامعه می‌خواهند. و آنچه این سه گروه را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مطبوعات و انتشارات است، نه رادیو و تلویزیون و ماهواره و سایر رسانه‌ها غیرمکتوب.

مطبوعات قادرند (البته اگر بخواهند) بر نخبگان جامعه اثر بگذارند و از طریق نفوذ در آنها یا بهره‌گیری از توانمندیهایشان، رهبران فکری جامعه را در مسیرهای خاص پیش ببرند و یا به آنها اجازه دهند تا جامعه را در مسیرهای مورد نظر خودشان هدایت کنند. درست در همین جاست که متوجه می‌شویم چرا مصلحین جوامع از مطبوعات (و بخصوص کثرت مطبوعات) استقبال می‌کنند، و دیکتاتورها از مطبوعات وحشت دارند (ولی دم به دم بر کانالهای تلویزیونی و رادیویی می‌افزایند). زیرا مسیرهای مورد نظر مصلحین متعدد و مبتنی بر این اصل است که هر یک از موزائیکهای تشکیل دهنده جامعه باید صدایی شنیده شود. ولی دیکتاتورها معتقدند که همه موزائیکها باید فقط یک صدا بشنوند و صدایشان هم غیر از انعکاس صدای حاکمیت نباشد.

به همین دلیل است که ناپلئون می‌گفت: «من از قلم بیش از هزار نیزه می‌ترسم». و هیتلر و استالین و موسولینی و رضاشاه همه روزنامه‌ها را (جز یکی دو تا) تعطیل کردند، و محمدرضا شاه نیز در سال ۱۳۵۳ دستور داد همه روزنامه‌ها و مجلات غیر دولتی را توقیف کنند.

هرکس از مطبوعات می‌ترسد، از رشد فکر مردم در هراس است و یک جامعه «توده‌دار» را

ترجیح می‌دهد. چرا که مطبوعات، هم جولانگاه اهل اندیشه است، و هم تاثیرگذارنده بر آنها. و در حالی که می‌دانیم خط فکری و عقیدتی مردم هر جامعه نیز همان است که توسط متفکران و نخبگان ترسیم می‌شود، پس نباید لحظه‌ای تردید کرد که هر چه در یک کشور پیش می‌آید، مستقیم یا غیر مستقیم با وضعیت حاکم بر مطبوعاتش ارتباط دارد. به همین دلیل اگر مطبوعات در شرایطی باشند که بتوانند مسئولانه رفتار کنند و مردم را بسازند، مسیر فرهنگ جامعه در جهت توسعه و تکامل هموار می‌شود. ولی اگر وضع مطبوعات به گونه‌ای باشد که خام‌طبعان و جاهلان و مغرضین بر آن تسلط یابند و هدفشان نیز تاثیرگذاری بر عوام و ساده‌پسندان باشد، جامعه به کوره راه‌های سنگلاخ کشیده می‌شود و فاجعه‌ای مضاعف رخ می‌دهد. زیرا به جای کوشش در راه روشنی فکر جامعه، هم اطلاعات تحریف شده و شعارآمیز و نامتعادل باعث گمراهی مردم و بازداشتن آنها از یافتن مسیر صحیح می‌شود؛ و هم کسانی از همکاری با مطبوعات باز می‌مانند که اهل فکر و قلم‌اند و بدون آنها هیچ رسانه‌ای به‌طور صحیح و اصولی تغذیه نمی‌شود.

اطلاعات نادرست و تحریف شده، حتی اگر برای زشت جلوه دادن دشمن و زیبا نمودن دوست هم باشد باز ناپسند و گمراه‌کننده است. زیرا وقتی محاسن دشمن را عیب دانستیم و عیوب دوستان را خوبی به حساب آوردیم، از مسیر واقع‌گرایی دور می‌شویم و به قضاوت‌های ظاهر‌پسندانه و احساسی عادت می‌کنیم ... ناگفته پیداست که چنین جامعه‌ای هرگز رو به توسعه فرهنگی نخواهد گذاشت و در جامعه ملل به پایین‌ترین درجات از نظر تفکر و بینش اجتماعی سقوط خواهد کرد.

بیهوده نیست که به مطبوعات لقب «رکن چهارم» (Fourth Estate) داده‌اند و این لقب را هم در دوران قبل از ظهور دموکراسی و هم بعد از آن، شایسته مطبوعات دانسته‌اند. این امر البته دلیلی ندارد جز آن که مطبوعات از همان آغاز ظهورشان به صورت یک قدرت تعیین‌کننده در آمدند و نفوذ و اهمیت خود را در زمینه‌های گوناگون نشان دادند. بنابراین، وقتی در حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی این اصل مسلم پذیرفته شده که حاکمیت مردم فقط در صورت استقلال قوای سه‌گانه و تفکیک آنها میسر است و لاغیر؛ پس قوه چهارم (یعنی مطبوعات) هم باید از استقلال

برخوردار باشد تا بتواند وظیفه خود را به عنوان رکن چهارم این مجموعه کاملاً انجام دهد. هر وظیفه‌ای اگر بخواهد درست انجام شود، باید آنرا به دست کارشناسان و خبرنگاران سپرد. مطبوعات هم در راه اجرای وظایف خود باید از کارشناسان و خبرنگاران بهره بگیرند و این امر البته جز با رشد مهارت‌های گوناگون در رشته روزنامه‌نگاری انجام‌پذیر نیست.

آموزش روزنامه‌نگاری در ایران بعد از پیروزی انقلاب مورد توجه و علاقه بسیار قرار گرفت و کار تا جایی پیش رفت که حتی دوره‌های کارشناسی ارشد روزنامه‌نگاری نیز برای توسعه هر چه بیشتر این رشته تاسیس شد. رشد اعجاب‌آور مطبوعات و روزنامه‌خوانی طی سالهای اخیر، یکی از عوامل روی آوردن دانشجویان به تحصیل در رشته روزنامه‌نگاری بوده است. و این نویدبخش آینده‌ای هر چه درخشانتر برای مطبوعات کشور و قهرماً فرهنگ و بینش اجتماعی - سیاسی جامعه است.

ترجمه کتاب حاضر یکی از گام‌هایی است که برای فراهم ساختن زمینه‌های آگاهی به فنون روزنامه‌نگاری برداشته شده است؛ کتابی سراسر آکنده از تجربه‌ها، آموخته‌ها، و رهنمودهای ضروری برای ارتقاء دانش روزنامه‌نگاری؛ به گونه‌ای که شاید بتوان ادعا کرد تاکنون کتابی چنین کاربردی در رشته روزنامه‌نگاری کمتر انتشار یافته است.

این کتاب گرچه عمدتاً مسائل مربوط به روزنامه‌نگاری در کشور انگلستان را در بر می‌گیرد، لکن چون مسائل و شیوه‌های روزنامه‌نگاری - غیر از برخی افتراق‌های وابسته به فرهنگ و قوانین ملی - در همه کشورها تقریباً مشابه و یکسان است، پس می‌توان به خوبی از محتوای کتاب حاضر بهره گرفت و از آن توشه‌ای مطلوب و مقبول برای پیشرفت دانش روزنامه‌نگاری کشور فراهم آورد.

دکتر حسین ابوتراییان

فهرست

صفحه

عنوان

۱۱	سخن مترجم.....
۱۳	کسانی که نویسنده را در نگارش کتاب یاری کرده‌اند.....
۱۵	پیشگفتار.....
۱۹	تقدیر و تشکر.....
۲۱	فصل اول / حرفه روزنامه‌نگاری و رای افسانه‌های هالیوودی.....
۶۵	فصل دوم / اصول اخلاقی.....
۹۷	فصل سوم / استفاده از منابع خبری: سوء استفاده، تهدید یا همکاری؟.....
۱۳۷	فصل چهارم / مصاحبه کوتاه، مصاحبه طولانی و هنر جذاب مصاحبه‌گری.....
۱۶۹	فصل پنجم / فراگیری زبان خبری.....

فصل ششم / گزارش خبری: کاربرد عناصر خبری	۱۹۷
فصل هفتم / تصادفات، آتش‌سوزیها، تظاهرات و ماجراهای عامه‌پسند	۲۳۵
فصل هشتم / تهیه گزارش از همایشها، کنفرانسهای مطبوعاتی، سخنرانی‌ها و نگارش مشهودات	۲۶۹
فصل نهم / اطلاعات مهم: گزارش اقدامات دولت ملی و محلی	۳۰۹
فصل دهم / قانون و بی‌نظمی: تهیه گزارش از دادگاهها	۳۳۱
فصل یازدهم / گزارشهای توصیفی؛ عمیق، متنوع و مشروح	۳۴۵
فصل دوازدهم / ستونهای شخصی، نقدنویسی و روزنامه‌نگاری آزاد	۳۹۱
فصل سیزدهم / کاوش تکان‌دهنده: روزنامه‌نگاری تحقیقی	۴۲۷
فصل چهاردهم / فن‌آوری جدید: چگونه روزنامه‌نگاری به تندرستی آسیب می‌رساند	۴۵۱
فصل پانزدهم / آموزش و مشاغل	۴۵۹
پیوستها	۴۷۱

سخن مترجم

رسانه‌ها تأثیر مستقیمی بر افکار عمومی دارند. از همین روست که قضاوت اغلب مردم درباره مسائل مختلف متأثر از رسانه‌هاست؛ به ویژه مطبوعات در این امر از جایگاه خاصی برخوردارند. اگر مطبوعات صرفاً به انعکاس مسائل شخصی، کم‌اهمیت، احساسی و جانبدارانه دست زنند، شمار بسیاری از مردم به آگاهیهای محدودی از اتفاقات جاری دست می‌یابند.

امروزه، مطبوعات ما در نتیجه پاره‌ای از مسائل و مشکلات از ایفای نقش و جایگاه واقعی خود بازمانده‌اند. بی‌اطلاعی روزنامه‌نگاران ما از شیوه‌های نوین دانش روزنامه‌نگاری از جمله این مسائل به شمار می‌آید. از سوی دیگر، سنتهای رایج و حاکم بر روابط کاری در مطبوعات به گونه‌ای است که محصول تلاش روزنامه‌نگاران، نشانه‌های رشد یافتگی را ندارد. اساسی‌ترین عامل این مسأله در واقع نبود منابع نو در این زمینه است. با آن که کتابها و تحقیقات بسیاری در این خصوص تهیه و تدوین شده، اما بسیاری از آنها هنوز در دسترس دانشجویان و

روزنامه‌نگاران ما قرار نگرفته است.

در این کتاب «ریچارد کیبل»، روزنامه‌نگار برجسته و استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه «سیتی» لندن بر آن است با ارائه نمونه‌ها و مثالهای متنوع و گوناگون از نشریات مختلف، همچنین نقد و تحلیل آنها، شیوه‌های نوین تهیه خبر، مصاحبه و گزارش از رویدادهای گوناگون را به دست دهد.

وی با توجه به آن که، اینترنت یکی از منابع گسترده و عمده اطلاع‌رسانی برای روزنامه‌نگاران تلقی می‌شود، در بخشی از کتاب، از کاربرد اینترنت و دیگر مسائل مربوط به آن سخن به میان آورده است؛ همچنین مطالب جالب و متنوعی در مورد روزنامه‌نگاری آزاد و روزنامه‌نگاری تحقیقی عرضه کرده است که امیدوارم مورد توجه دانشجویان روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاران و سایر علاقه‌مندان قرار گیرد.

ترجمه این کتاب را به روح پاک برادر مرحومم، منوچهر تاج‌فر تقدیم می‌کنم.

مریم تاج‌فر

کسانی که نویسنده را در نگارش کتاب یاری کرده‌اند

- «هنری کلوتر» در سال ۱۹۷۷ استاد روزنامه‌نگاری در دانشگاه «سیتی» بوده است و اکنون نیز به تدریس دروس بین‌المللی روزنامه‌نگاری در دوره‌های کارشناسی ارشد و بالاتر اشتغال دارد. مشاغلی که وی در زمینه روزنامه‌نگاری بر عهده داشته، از این قرار است: دبیر خبر نشریه «نیچر» و اولین گزارشگر صنعتی و سپس گزارشگر آموزشی نشریه «سان» (قبل از مالکیت «مردوخ»)، نیز سرپرستی روابط عمومی «اتحادیه ملی آموزگاران» از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۷.
- «دیوید نورتمور» عضو سابق کمیته اجرایی «شورای ملی آزادیهای فردی»، نویسنده کتاب «راهنمای آزادی اطلاعات» که جایزه سال ۱۹۹۰ «بهترین کتاب مرجع جامع» نشر دانشگاه «ام.سی.بی.» را به خود اختصاص داده است. وی همچنین با روزنامه‌ها و نشریات بسیاری از جمله «گاردین»، «ایندپندنت»، و «گازت» همکاری داشته است.
- «جان ترنر» رییس واحد مطالعات دولت دانشگاه «اکسفورد بروکز» که در این دانشگاه، در زمینه سیاستهای انگلیس و سیاست رسانه‌ها تدریس می‌کند، با برنامه‌های آموزشی بی.بی.سی نیز همکاری دارد و از اعضای کمیته مشاوره‌ای منطقه «میدلندز» از «کمیسیون تلویزیون مستقل»

به شمار می‌آید. تحقیقات و تألیفات اخیر او درباره پوشش خبری رسانه‌ها در انتخابات ۱۹۹۲،
ترفندها و سیاستهای پلید انگلیس و همچنین تغییرات سیاسی در اروپا است.

پیشگفتار

در این کتاب مهارت‌های گزارشگری با شیوه‌ای متفاوت بررسی و تبیین می‌شود. نویسنده برای نخستین بار، دو سنتی را که اغلب در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند با هم مطرح نموده است: فرهنگ غالب روزنامه‌نگاری که بر فراگیری مهارت‌های این حرفه در «حین کار» تأکید دارد و همچنین سنتی که بر بسیاری از دروس ارتباطات جمعی کالجها و دانشگاهها غالب است و برخوردار از نگرشی متفکرانه و منتقدانه را نسبت به مطبوعات ترغیب می‌کند. در نتیجه این دوگانگی، روزنامه‌نگاران و نظریه‌پردازان رسانه‌ها ظاهراً در دو دنیای متفاوت به سر می‌برند و از همین روست که آنان با زبانهای متفاوتی سخن می‌گویند.

در این کتاب، تلاش شده چنین تقابلی به شیوه‌های مختلف مطرح شود. برای این منظور با عنایت به برخی نظریه‌های مطبوعاتی که دیدگاههای تازه و مفیدی درباره مهارت گزارشگران در امر گزارشگری و همچنین ارزشهای خبری مطرح می‌سازند، مهارت‌های گزارشگری شرح و تفسیر شده است.

در چاپ جدید این کتاب، مطالبی در خصوص افزایش مالکیت‌های انحصاری غولهای مطبوعاتی مانند «مردوخ» آمده است؛ همچنین مطالبی درباره کار با غول جدید اطلاع‌رسانی -

اینترنت - مطرح شده، زیرا در سالهای اخیر اینترنت به منزله منبع وسیع و عمده اطلاع‌رسانی برای روزنامه‌نگاران کاربرد داشته است. همچنین مسائل اخلاقی که روزنامه‌نگاران هنگام استفاده از اینترنت ملزم به رعایت آن هستند مطرح می‌شود.

پیام اصلی این کتاب، ساده است. از آنجایی که عمل، آگاهانه یا به‌طور ناخودآگاه بر اساس نظریه شکل می‌گیرد، معیارهای روزنامه‌نگاران نیز اگر بر اساس ارزشهایی استوار باشد که شالوده‌کاری آنان و به‌طور کلی مطبوعات را تشکیل می‌دهد، به‌طور قطع پیشرفت بیشتری در پی خواهد داشت.

شعار «کوتاه و ساده بیان کن» در روزنامه‌نگاری بسیار به کار رفته است. در این کتاب به منظور تحقق شعار یاد شده نمونه کارهایی از روزنامه‌ها عرضه می‌شود. این نمونه‌ها، برای کمک به گزارشگران ارائه شده است، گزارشگرانی که با «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران»، «خصوصیات حرفه‌ای ملی روزنامه‌نگاری» یا کارهای مختلف روزنامه‌نگاری روبه‌رو می‌شوند؛ همچنین ارائه این نمونه‌ها برای روزنامه‌نگاران آزاد که نمی‌دانند چگونه به تنهایی، اولین گامهای آزمایشی خود را در دنیای دلهره‌آور گزارشگری بردارند، مفید خواهد بود. افزون بر آن، خوانندگان عام و دانشجویان ارتباطات جمعی نیز با مطالعه این کتاب با دیدگاه متفاوت کاربرد ارزشهای خبری گزارشگران، آشنا می‌شوند.

من تلاش کرده‌ام با ارائه نمونه‌های مختلف از نشریات گوناگون تنوع مطبوعات را نشان دهم. روزنامه‌نگاری از ماهیتی گذرا برخوردار است و همواره با سرعت تولید می‌شود و این امری بدیهی است، از این رو، تفسیرهای من در مورد نمونه‌های نشریات را نبایستی امری مسلم پنداشت، بلکه این تفسیرها را باید آغازی برای بحثهای دیگر تلقی کرد.

افراد بسیاری در نگارش این کتاب مرا یاری دادند. نخست همکارانم در دانشگاه «سیتی» که در طراحی پروژه و تهیه پیش‌نویس آن مرا یاری دادند.

در فصلهای مهمی نیز از همکاری و یاری «هنری کلوتر» (دانشگاه سیتی)، «جان ترنر» (دانشگاه آکسفورد بروکز) و «دیوید نورتمور» (روزنامه‌نگار آزاد) برخوردار بوده‌ام، با این همه

مسئولیت نهایی کتاب بر عهده من است.

دیگر کسانی که مساعدت خود را از من دریغ نکرده‌اند عبارت‌اند از: «هومفری ایوانز» که در فصل روزنامه‌نگاری آزاد پیشنهادهای سودمندی ارائه داد.

«رابرت استیج ول»، «پیترولز» و «اماندا هولمز» (از نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز»); «پیترو دورتی»، «پیتروکوک» و «سارانایت» (از نشریه «دربی هراللداندپست»); «پیترومورتاگ» و «آنجلانسون» (از نشریه «گاردین»); «دایاکیشان‌توسو» و «درک اینگرام» (از خبرگزاری «ج. مینی») و «ریچاردگارنر» (از نشریه «دیلی میروور»); «دیویدشاو» (از نشریه «ایونینگ استاندارد لندن»); «نگایوکروکر» و «گرتوداربک» (از نشریه «ایندپندنت»); «فواد ناهدی» (از نشریه «کیونیز») و «جک اکلستون» (از اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران)، «استوارت پاتریک» (از نشریه «دیلی تلگراف»); «دیوید فلتون» (از نشریه «ایندپندنت»); «دایان هافکینز» (از ضمیمه آموزشی نشریه «تایمز»); «کریستی کمپبل» (از نشریه «ساندی تلگراف»); «کلیر فرمونت» و «کارولین فالدر» (روزنامه‌نگار آزاد) که از همه آنها سپاسگزارم.

همچنین از «والترود باکسل» (از دانشگاه «لیورپول») و «ویراستاران «راتلیج»: «ربکا باردن»، «جیمز کارن» و «کارولین کاتلی» تشکر می‌کنم.

در پایان از «مارلین گاگنر» و «گابی کیبل گاگنر» تشکر می‌کنم که با حمایت و صبرشان مرا در ماههایی که سرگرم نگارش کتاب بودم، یاری دادند.

«گریت ایینگتون»، «کمبریج شایر»

آگوست - ۱۹۹۷

تقدیر و تشکر

در تهیه مطالب کتاب از نشریات متعددی استفاده شد که در اینجا از همه آنها تشکر می‌شود این نشریات عبارت‌اند از: «کمبریج ایونینگ نیوز»، «دیلی اکسپرس»، «دیلی میل»، «ایونینگ استاندارد»، «گاردین»، «لیورپول دیلی پست»، «لیورپول اکو»، «میل ان ساندی»، «مورنینگ استار»، «نیوزاودی‌ورلد»، «ناتینگهام ایونینگ پست»، «ناتینگهام ویکلی پست و رکورد»، «آبزور»، «سان»، «ساندی اکسپرس»، «ساندی میرور»، «تلگراف» و «تایمز».

فصل اول

حرفه روزنامه‌نگاری و رای افسانه‌های هالیوودی

یکی از ویژگی‌های مطبوعات انگلیس، گونه‌گونی و تنوع آن است. این تنوع در روزنامه‌نگاری در روزنامه‌نگاران نیز به چشم می‌خورد.

یک روزنامه‌نگار که با دستمزدی ناچیز در نشریه رایگان محلی به کار اشتغال دارد در دنیایی کاملاً متفاوت از مثلاً مقاله‌نویس ستون ثابت نشریه‌ای سراسری زندگی می‌کند. از همین رو زندگی گزارشگری که به طور ماهیانه در مورد اتحادیه‌های تجاری مطلب می‌نویسد با زندگی نویسنده‌ای که به طور آزاد مطالب سیاحتی می‌نویسد، شباهت اندکی دارد. میزان دستمزد، منابع و همچنین کارهای روزمره آنان، بسیار متفاوت است. همچنین ارزشهای اخلاقی و تصور آنها از دستاوردهای شغلی‌شان متفاوت است.

کل نشریات سراسری انگلیس، شامل ۹ هفته‌نامه روزهای یکشنبه و ۱۲ روزنامه (اگر نشریه «ایونینگ استاندارد» چاپ لندن را هم به حساب آوریم) و همچنین یک روزنامه اروپایی است.

مطبوعات محلی به دو دسته غیر رایگان و رایگان تقسیم می‌شوند. نشریات محلی غیررایگان شامل ۹۰ روزنامه صبح و عصر، ۱۰ هفته‌نامه روزهای یکشنبه و در حدود ۴۳۰ هفته‌نامه دیگر است. همچنین در این کشور ۹۵۰ نشریه رایگان وجود دارد که بیشتر به‌طور هفتگی منتشر می‌شوند.

ورای گونه‌گونی؛ سلطه

با وجود این، در ورای این گونه‌گونی قابل توجه، صنعت روزنامه‌نگاری قرار دارد که تحت نفوذ انحصارها و انطباق‌گرایی است. مطبوعات دیگری نیز وجود دارند که شامل نشریات چاپ‌گرا، مذهبی، شهری، اتحادیه‌های تجاری و اقلیتهای قومی است اما تیراژ این نشریات نسبتاً کم است و در شبکه بزرگ مطبوعات، نقشی حاشیه‌ای دارند.

مسائل قدرت، نفوذ و منابع مالی از حیطه مطبوعات که در سطح محلی و کشوری منتشر می‌شوند، جدا نیست. در این مورد، رقابت موجب گسترش تنوع در کیفیت نشریات نشده است. تا سال ۱۹۷۴، فقط «لندن»، «ادینبورگ» و «بلغاست» دارای روزنامه‌های محلی صبح و عصر بودند که به‌طور مستقیم با هم رقابت داشتند. از آن زمان به بعد، تمرکز مالکیت رسانه‌ها به گونه‌ای افزایش یافت که بسیاری از روزنامه‌ها به صورت پایگاه کوچکی در یک امپراتوری عظیم چند ملیتی تنزل یافتند.

مطالعاتی که از سوی «باب فرانکلین» و «دیوید مورفی» در مورد نشریات محلی صورت گرفته، بیانگر آن است که ۷۰ درصد توزیع نشریات رایگان در دست ۲۲ ناشر عمده متمرکز است! شش ناشر که عمده‌ترین ناشران این گروه را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از «ناشر منطقه‌ای رید» که بخشی از امپراتوری بین‌المللی «رید» است؛ «روزنامه‌های منطقه‌ای تامسون» که بخشی از امپراتوری بین‌المللی «تامسون» محسوب می‌شود؛ «گروه تبلیغاتی یلو»، «ای.ام.ای.پی.»؛ «روزنامه‌های متحده» (که مالکیت سهم قابل توجهی از گروه تبلیغاتی «یلو» و همچنین روزنامه‌های «اکسپرس» را بر عهده دارد) و «نشریات وست مینیستر». همین شرکتها به

استثنای گروه تبلیغاتی «یلو» بخش روزنامه‌های محلی غیررایگان را نیز در اختیار دارند.

انقلاب آزاد

طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، افزایش میزان مصرف‌کننده‌ها و پیشرفت امر تبلیغات، انقلابی آزاد در این قلمرو پدید آورد. «لیونل پیکرینگ»، مؤسس «گروه بازرگانی دربی» و همچنین «ادی ادیس شاه» پدیدآورنده چند هفته نامه در محدوده منچستر و «روزنامه امروز»، از زمره تهیه‌کنندگان محلی بودند که پیشگامان این انقلاب به شمار می‌رفتند. در نتیجه، تعداد هفته‌نامه‌های غیررایگان در سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ به نصف کاهش یافت. اما در اوایل دهه ۱۹۹۰، نشریات رایگان که تحت سلطه شرکت‌های با سابقه‌تر و «انجمن روزنامه‌های رایگان» بودند و هدفشان افزایش منافع خود بود، به‌طور جدی آسیب دیدند.

مالکیت‌های انحصاری؛ در سطح محلی

دهه ۹۰ شاهد تغییرات عمده‌ای در ساختار مالکیت مطبوعات محلی بوده است. در نوامبر ۱۹۹۵، شرکت سهامی بین‌المللی «ترینیتی» که دفتر مرکزی آن در «چستر» واقع شده و در دهه ۱۹۸۰ از گروه «لیورپول پست» منشعب شده است، روزنامه‌های محلی «تامسون» را به قیمت ۳۲۷/۵ میلیون پوند خریداری کرد و با در اختیار داشتن بیش از ۱۳۰ روزنامه محلی، عنوان بزرگترین گروه مطبوعاتی کشور را کسب کرد. همچنین «نیوز کوست» بزرگترین ناشر روزنامه‌های انگلیس با پرداخت ۲۰۵ میلیون پوند، گروه مطبوعاتی محلی «رید» را در اختیار گرفت. در همین ماه، «سات نیوز» گروه روزنامه‌های «پورتز مات» و «ساندرلند» را به مبلغ ۱۲/۹۵ میلیون پوند خریداری کرد. سپس جولای ۱۹۹۶، گروه مطبوعاتی «جانستون» برای خرید روزنامه‌های محلی «ایمپ» مبلغ ۲۱۱/۱ میلیون پوند پرداخت؛ در حالی که ماه بعد «پیرسون» روزنامه‌های محلی را که تحت عنوان «مطبوعات وست مینیستر» در دست داشت به مبلغ ۳۰۵ میلیون پوند به «نیوز کوست» واگذار کرد.

اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران در این مورد، این‌گونه اظهار نظر کرد: «این تصمیم وزارت بازرگانی و صنایع مبنی بر صدور اجازه تملک روزنامه‌های محلی «ایمپ» از سوی «جانستون» بدون انجام تحقیقات توسط «کمیسیون مالکیت‌های انحصاری»، بیانگر آن است که چگونه دولت برای آن که سود کلانی نصیب بانکدارها شود، نقض آشکار مقررات را نادیده می‌گیرد.» در واقع، به‌رغم این تغییرات عمده، ساختار کلی مالکیت انحصاری مطبوعات محلی همچنان دست نخورده باقی مانده است. در سال ۱۹۹۷، شرکت‌های «نورت کلیف»، شرکت تابعه «دیلی میل» و همچنین «جنرال تراست» و «نیوزکوست» بیش از ۳۶ درصد از کل مطبوعات محلی انگلیس را در دست داشتند.

مالکیت‌های انحصاری؛ در سطح ملی

در سطح ملی نیز مالکیت انحصاری به همان‌گونه شدت یافته است. در سال ۱۹۴۷ سه شرکت عمده مطبوعاتی، مالکیت ۶۲ درصد نشریات روزانه سراسری و ۶۰ درصد نشریات سراسری روزهای یکشنبه را در دست داشتند. در سال ۱۹۸۸ این ارقام به ۷۳ و ۸۱ درصد افزایش یافت.

فوریه ۱۹۹۶ کمپانی «یونایتد نیوز» و «مدیا» صاحبان نشریه «اکسپرس» همراه با چند کمپانی دیگر، غولهای مطبوعاتی ۳ میلیارد پوندی را تشکیل دادند.

چنین امری صرفاً در مورد رسانه‌های اروپایی صدق نمی‌کند بلکه در صنعت رسانه‌ها نمودی جهانی دارد. به‌عنوان نمونه، چهار نشریه سراسری «روبرت مردوخ» (نشریات «تایمز»، «ساندی تایمز»، «سان»، «نیوزاو دی ورلد») بخش کوچکی از این امپراتوری را تشکیل می‌دهند. بر اساس تازه‌ترین آمار، این بخش از امپراتوری موارد زیر را دربرمی‌گیرد:

- سهم عمده کمپانی برنامه‌های ماهواره‌ای بی‌اسکای بی که برنامه‌های آن سراسر اروپا را پوشش می‌دهد (با برخورداری از حق انحصاری پخش رویدادهای مهم ورزشی).
- ۱۳ درصد سهام بزرگترین آژانس مطبوعاتی انگلیس.

- روزنامه‌هایی در مجارستان، فیجی، گینه‌نو و هنگ‌کنگ.
- یک کمپانی فیلمسازی امریکایی و شبکه تلویزیونی «یو.اس.»؛ نشریات «تی.وی. گاید»؛ «نیویورک پست»؛ «استاندارد مگزین» و همچنین «دلفیک ان لاین». خریداری ایستگاههای تلویزیونی «ارتباطات دنیای نوین» در ژوئن ۱۹۹۶ (به مبلغ ۲۵۰۰ میلیون دلار) از سوی این امپراتوری، موجب شد که برنامه‌های تلویزیونی تحت نظر وی به بیش از ۴۰ درصد منازل خانواده‌های امریکایی راه یابد.
- خانه‌های نشر کتاب در آمریکا، انگلیس و استرالیا.
- کمپانی ماهواره‌ای عمده آسیا، استار-تی - وی که ۵۴ کشور جهان را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ تلویزیون «زی» هندوستان؛ سیستم ماهواره‌ای آسیا و رادیو استار؛ و نیمی از مجلات پاسیفیک.
- مالکیت انحصاری مطبوعات پرتیراژ استرالیایی، مالکیت نشریات «استرالین» و «هرالدسان» و بیش از ۱۰۰ نشریه دیگر در استانهای مختلف.
- توجه روزافزون به تکنولوژی اینترنت: در ژوئن ۱۹۹۵ کمپانی مردوخ، «شرکت نیوز» قرارداد مشترکی را با نشریه «پی‌پل دیلی» که روزنامه اصلی حزب کمونیست چین است، به امضاء رساند که بر اساس آن در زمینه نشر الکترونیک، پایگاههای اطلاع‌رسانی ان لاین و شبکه‌های انتقال اطلاعات و همچنین نقشه‌کشی توسط رایانه با آن همکاری متقابل داشته باشد.
- در سال ۱۹۹۷ با همکاری شرکت مخابرات انگلیس خدمات «لاین وان» را ارائه داد تا با «ان لاین» آمریکا (ای.اوال) و «کامپیو سرو» مستقیماً به رقابت پردازد. این مطالب نیز در نشریات «سان»، «نیوز او دی ورلد» انعکاس یافت.
- اکتبر ۱۹۹۵، مجله «ونیتی فیر»، مردوخ را فرد اول فهرست ۵۰ نفری افراد قدرتمند در مسائل اطلاع‌رسانی قرار داد. نام وی حتی از نام «بیل گیتز» رییس میکروسافت نیز بالاتر قرار گرفت. در این نشریه چنین آمده است: «روبرت مردوخ» قدرتمندترین شهروند غیر دولتی در جهان محسوب می‌شود.

«اندرومار»، سردبیر نشریه «ایندپندنت» درباره «مردوخ» چنین اظهار نظر کرده است: «این امر کاملاً آشکار است که «مردوخ» در تلاش ایجاد مالکیت انحصاری مطلق بر نشریات سراسری انگلیس است. هدف او از جنگ قیمتی که به راه انداخته از بین بردن نشریه «ایندپندنت» و گروه مطبوعاتی «هولینگر» است که نشریه «تلگراف» را در دست دارد، و پس از آن نیز نوبت سایر نشریات فراخواهد رسید.»

رشد روزافزون مالکیت انحصاری بر مطبوعات، کاهش جدی تیراژ نشریات را به دنبال داشته است. از نیمه دهه ۱۹۵۰ که اوج فروش نشریات سراسری محسوب می‌شود تاکنون، تیراژ نشریات سراسری ۲۱ درصد کاهش داشته است (انگلیسی‌ها علی‌رغم محدودیت‌ها هنوز به خواندن ادامه می‌دهند)؛ «برایان مک آرتور»، نقد روزنامه‌نگاری انگلیس، جلد ۳ شماره ۴، ۱۹۹۲. تیراژ نشریات صبح و عصر محلی از سال ۱۹۷۸ به بعد ۲۰ درصد کاهش داشته است؛ از میزان فروش هفته‌نامه‌ها نیز تا ۴۰ درصد کاسته شده است. همچنین در تیراژ نشریات در اواخر دهه ۱۹۹۰ به دلایل مشابه، افت زیادی مشاهده می‌شود.

انقلاب مشاغل

روزنامه‌نگاری، شغلی است که پادشاهای فردی برجسته‌ای را برای روزنامه‌نگاران به ارمغان می‌آورد. روزنامه‌نگاری، حرفه‌ای دشوار، چالش‌گونه (به لحاظ سیاسی، اخلاقی، جسمی) و همچنین سرگرم‌کننده است. این شغل مستلزم برخورداری از مهارت‌ها و آگاهی‌های فوق‌العاده است. گزارشگران بایستی دارای استعداد ادبی و ریاضی باشند. برای آنان لازم است از قانون، تا جایی که به روزنامه‌ها مربوط می‌شود، و همچنین از مهارت‌های اجتماعی آگاهی کافی داشته باشند تا توانایی‌های خود را در برخورد و گفت‌وگو با قشرهای مختلف مردم ارتقا دهند. برخی روزنامه‌نگاران دست‌کم به یک زبان خارجی مسلط هستند.

گزارشگر بایستی کنجکاو، دارای پشتکار، خلاق و با شهامت باشد همچنین در امر مقابله با نوشته‌های کلیشه‌ای، افسانه‌های ساختگی و دروغ‌بافی‌ها توانا باشد. جنبه پرجاذبه‌ای که در این

حرفه وجود دارد، از سوی هالیوود برجسته‌تر شده است. از این‌رو تعجبی ندارد که صف افراد مشتاق ورود به این حرفه چنان دراز باشد.

با ورود فن‌آوری جدید و همچنین کاهش درآمد تبلیغات، این حرفه دستخوش تغییرات زیادی شده که همه آن مثبت نبوده است: در حالی که تعداد کارکنان کاهش یافته است، میزان روزنامه‌نگاران آزاد افزایش یافته است؛ شعبه‌های محلی «اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران» برای به رسمیت شناخته شدن خود تلاش می‌کنند و همچنین عقد قراردادهای شخصی نیز به‌طور روزافزونی بر کارکنان رسمی تحمیل می‌شود. بررسی «اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران» در سال ۱۹۹۲ حاکی از آن است که عقد قراردادهای شخصی در ۵۶ درصد از شعبه‌های محلی، تا اندازه‌ای رواج یافته است.

تعیین دقیق میزان بیکاری روزنامه‌نگاران امکان‌پذیر نیست، زیرا اغلب روزنامه‌نگاران می‌کوشند حتی از راه همکاری آزاد نیز گذران زندگی کنند. اما بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰، هزینه کل مقرری هفته‌ای ۲۰ پوند برای شش ماه که از سوی «اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران» به اعضای بیکار پرداخت می‌شد از ۱۰ هزار پوند به ۱۰۰ هزار پوند افزایش یافته است.

در راستای این روند، استخدام روزنامه‌نگاران به صورت قراردادی و موقتی نیز افزایش یافته است. وضعیت استخدامی برخی از اعضای کارکنان به صورت «پاره‌وقت دائمی» درآمده است. مدیران، این‌گونه همکاری را به دلیل این که برای آنان با صرفه‌تر است، ترجیح می‌دهند؛ نبود امنیت شغلی نیز روزنامه‌نگاران بیشتری را به سوی هم‌رنگی با جماعت سوق می‌دهد. همچنین کاهش قدرت اتحادیه‌ها، امکان سوء استفاده مدیران را افزایش داده است. هنگامی که گزارشگران به اجبار به کارهای تبلیغاتی و غیر روزنامه‌نگاری روی می‌آورند، در نتیجه با امر تخصص‌زدایی روبه‌رو می‌شویم. برنامه‌های بحث برانگیز کسب «مهارت‌های چندگانه»، مورد توجه گزارشگران، عکاسان و ویراستاران برخی روزنامه‌ها که از افت و کاهش استانداردهای شغلی هراس دارند، قرار گرفته است.

گزارشگران جوان ناچارند هزینه آموزش خود را شخصاً تأمین کنند؛ زیرا برخی از آنان از

حمایتهای شغلی ناشی از عقد قرارداد، برخوردار نیستند. در حالی که جنبه‌های تجاری و تبلیغاتی این حرفه افزایش گسترده‌ای داشته است، روزنامه‌نگاری تحقیقی-جدی به امری حاشیه‌ای مبدل گشته است.

مسائل مالی

برخی از روزنامه‌نگاران محلی که درباره مسائل حقوق و دستمزد گزارش می‌نویسند، از این موضوع که دستمزد آنان نسبت به دستمزد معمول روزنامه‌نگاران نشریات سراسری بسیار کمتر است، آگاهی دارند. دستمزد سالیانه یک تازه وارد ۱۸ ساله به هفته‌نامه‌های منطقه‌ای که کمتر از ۷۵۰۰ پوند است، در اوایل دهه بیست سالگی به ۹۵۰۰ پوند افزایش می‌یابد. اما یک گزارشگر جوان که در روزنامه عصر شاغل است سالیانه ۱۲۰۰۰ پوند دریافت می‌کند و در صورت ارتقا شغلی، این رقم به ۱۵۰۰۰ پوند بالغ می‌شود. نرخ اولیه دستمزد در نشریات سراسری، در حدود ۲۷۰۰۰ پوند در سال است. (گرچه معمولاً تازه واردانی که از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده و هنوز تجربه کاری ندارند، کمتر دریافت می‌کنند) در حالی که مدیران سالیانه ۴۰ هزار پوند دریافت می‌کنند و برخی از مقاله‌نویسان ستونهای ثابت که شهرت چشمگیری برهم زده‌اند، بیش از ۱۰۰ هزار پوند در سال دریافت می‌کنند. اما میزان دستمزد روزنامه‌نگاران آزاد در سالهای اخیر افزایشی نداشته و برخی نیز کاهش یافته است.

ماشین خبری

کارگزارشگران، ارتباط نزدیکی با بخش خبری نشریه دارد. تعداد مدیران صاحب عنوان در تحریریه به میزان کار اجرایی آنان بستگی دارد. در یک هفته‌نامه رایگان، ممکن است دبیر اخبار نشریه، فعالیتی دوگانه را با عنوان جانشین سردبیر و همچنین نویسنده گزارش خبری دنبال کند. در یک روزنامه عصر، دبیر اخبار می‌تواند سرپرستی بخش شهری و همچنین بخش ناحیه‌ای

را بر عهده گرفته و (از طریق اتصال کامپیوتری) فعالیتهای دفاتر ناحیه‌ای نشریه را نیز سازماندهی کند.

از سوی دیگر، یک روزنامه سراسری می‌تواند از فعالیت پنج روزنامه‌نگار که مسئولیت بخش اخبار داخلی را دارند نیز بهره‌مند باشد. این افراد، فهرست اخبار و یادداشتها را تنظیم می‌کنند، از طریق تلفن با گزارشگران خارج از تحریریه در ارتباط‌اند، مسئولیت پیگیری نگارش مطالب مربوط به حوادث و اخبار و سرپرستی تماسهای تلفنی از سوی گزارشگران و یا سایر رسانه‌ها را بر عهده دارند، همچنین مطالب ارسالی گزارشگران نشریه را بررسی می‌کنند و در جلسات شورای نشریه که به بررسی مسائل گذشته و طرح‌ریزی برای مسائل آینده می‌پردازد حضور می‌یابند.

میزان ابتکار عمل گزارشگران فردی در نشریات مختلف متفاوت است. در روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی، معمولاً دبیر سرویس خبر نشریه، موضوع گزارش را برای گزارشگران تعیین می‌کند. گزارشگران ساعت ۸ صبح در تحریریه حاضر می‌شوند و اغلب نیز ایده خاصی برای پیگیری و تهیه گزارش ندارند و معمولاً دبیر سرویس خبر، موضوع مورد پیگیری را برای آنان تعیین می‌کند.

کارشناسان که گزارشگران با تجربه و کهنه کاری هستند، معمولاً خود موضوع نگارش مطلب را انتخاب می‌کنند. کارشناسان روزنامه‌های عصر معمولاً به نگارش مطلب در مورد اخبار تازه و دست اول در موضوعات مختلف از قبیل جنایی، آموزشی، صنعتی، دولت محلی، کشاورزی (در جایی که مربوط باشد) و محیط زیست می‌پردازند. کارشناسان نشریات سراسری در حوزه وسیع‌تری از موضوعهای مختلف فعالیت می‌کنند؛ موضوعهایی از قبیل: آموزش، محیط زیست، جرایم، هنر، دولت محلی، رسانه‌ها، مسائل مصرف‌کنندگان، دفاع، کار، «خبرهای وست مینیستر»، بهداشت، مذهب، سیاست، حمل و نقل و قانون.

در مرکز - جلسه شورای نشریه

در مرکز کلیه فعالیت‌های خبری تمامی نشریات به جز هفته‌نامه‌های کوچک، جلسه شورا قرار دارد. در طول یک روز در نشریه‌ای سراسری ممکن است شش جلسه شورا تشکیل شود؛ تشکیل جلسه شورا در روزنامه‌های عصر محلی ممکن است دو تا سه بار در روز باشد؛ اما در هفته‌نامه، فقط یک بار جلسه شورا در آغاز هر فعالیتی تشکیل می‌گردد. افراد شرکت‌کننده در جلسات شورا بستگی به نوع نشریه دارد؛ در یک روزنامه کوچک، تمامی کارکنان در جلسه شورا شرکت می‌کنند. در روزنامه سراسری، یک جلسه به اعضای تحریریه اختصاص دارد، اما بقیه جلسات فقط با حضور دبیران سرویس‌ها و بخش‌های مختلف روزنامه از قبیل مقالات، ورزشی، اقتصادی، خبر، خارجی، هنر و مدیران ارشد تشکیل می‌شود.

موضوعها مورد بحث شورا، اخبار و گزارشهایی است که توسط گزارشگران تهیه شده، همچنین بررسی مجموعه کارهایی است که از سوی عکاسان، هنرمندان و کاریکاتوریست‌های نشریه ارائه شده است.

درون و یا خارج از تحریریه؟

یکی از پیامدهای فن‌آوری جدید و کاهش اعضای تحریریه نشریات، افزایش میزان گزارشهایی است که در تحریریه تهیه می‌شوند. بنابر اظهار برخی از گزارشگران محلی، ۹۰ درصد گزارشهای آنان از طریق تلفن انجام می‌گیرد؛ و گزارشگران نشریات سراسری نیز بیش از ۷۰ درصد وقت خود را در تحریریه می‌گذرانند. حرفه روزنامه‌نگاری به‌طور روزافزونی به یک شغل دفتری نزدیک می‌شود. برخی روزنامه‌نگاران، دیگر گزارش خود را به دست ویراستار خبر نمی‌رسانند و یا حتی در مورد آن به بحث و گفت‌وگو با یکدیگر نمی‌پردازند؛ بلکه پس از اتمام مطلب و گزارش خود (هم مطالب مهم و جدی و هم مطالب نه چندان مهم) آن را از طریق رایانه مستقیماً برای ویرایش نهایی ارسال می‌کنند.

نقش معاونان سردبیری

یک گزارش پس از تأیید ویراستاران از طریق سیستم رایانه‌ای به دست معاونان سردبیری می‌رسد. آنان، صحت مطلب را بررسی کرده و در صورت لزوم، اگر پرسشی داشته باشند با گزارشگر تماس می‌گیرند؛ همچنین مطلب ارسالی از لحاظ مسائل حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از احتمال افترا و هتک حرمت به افراد جلوگیری شود (در برخی از نشریات سراسری، در چنین مواردی گروهی از وکلا مورد مشورت قرار می‌گیرند). گاه در صورت لزوم، معاونان سردبیری، تغییراتی در مطالب اعمال می‌کنند و یا از حجم مطلب می‌کاهند. آنان سبک کلی نگارش مطلب، ساختار، عنوان، سرفصل و اشاره در مطالب را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، سپس مستقیماً روی صفحه نمایشگر رایانه به صفحه‌بندی مطالب می‌پردازند.

میزان ویرایش نهایی مطالب به نوع صفحه و یا بخش بستگی دارد. اما تمامی گزارشگران ناچارند بروز تغییرات احتمالی در گزارش خود را بپذیرند. گاه، متن مطلب خبری در تابلویدهای^(۱) سراسری کاملاً تغییر می‌کند؛ همچنین ممکن است در متن مقاله‌ای توصیفی، تغییرات بسیاری ایجاد شود. در مطالب گزارشگران روزنامه‌های سراسری معمولاً تغییرات اندکی ایجاد می‌شود. گزارشگران از تعداد مجاز کاربرد کلمات در مطلب خود آگاهی دارند، و از این جهت معمولاً نیازی به ایجاد تغییرات عمده در مطلب آنان نیست.

معمولاً در مطالب روزنامه‌نگاران تازه واردی که هنوز با شیوه‌های نشریات محلی آشنایی ندارند، در مرحله ویرایش نهایی تغییرات بسیاری داده می‌شود. اما هنگامی که روزنامه‌نگاران با شیوه‌های نگارش در نشریه جدید آشنا شدند، مطالبشان دچار تغییرات کلی نمی‌شود؛ به گونه‌ای که خود گزارشگران قبل از ارسال مطلب برای معاونان سردبیری، به ویرایش مطالب خود (بررسی رعایت سبک نشریه، وضوح، ایجاز و صحت) می‌پردازند.

برای روشن‌تر ساختن کار گزارشگران، روزنامه‌نگارانی از پنج بخش متفاوت در صنعت

۱- تابلوید: به روزنامه‌ای گفته می‌شود که از قطع معمولی روزنامه کوچکتر است. در ایران این قطع روزنامه را قطع

«متروبی» می‌گویند. مترجم.

روزنامه‌نگاری، در مورد چالشها، کارهای روزمره، هیجانها، اضطرابها، مهارتهای لازم و همچنین دستاوردهای شخصی حرفه‌ای خود به گفت‌وگو پرداخته‌اند. این پنج روزنامه‌نگار از روزنامه عصر محلی، هفته‌نامه رایگان محلی، تابلوید سراسری، روزنامه سراسری و همچنین آژانس خبری برگزیده شده‌اند.

◀ چهره‌روز: برجسته‌سازی نکات مثبت

گزارش تشریحی از نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز»

«روبرت ساچ ول»، سردبیر، می‌گوید هدف نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز»، برجسته‌سازی نکات مثبت در جامعه محلی است.

«انتقاد نشریات از خدمات بهداشتی، مشاغل و مدارس موجب می‌شود افرادی که در آن زمینه فعالیت دارند دچار یأس شوند. در حالی که شکی نیست تعداد بسیاری از این افراد، کار خود را به بهترین نحو انجام می‌دهند. ما قصد نداریم مسأله را سیاسی کنیم، اما معتقدیم که کار برخی از این افراد شایسته تقدیر است.»

بخشی از گروه «یاتندان» که با «برتون میل»، «روزنامه‌های هرترز واسکس»، «فالموت پاکت» و «ساندی ایندپندنت»، «پلیموت» و «دنیوز» همکاری دارد، دفاتر محلی در «سن ایوس»، «سن نوتز»، «روستون»، «سافرن والدن»، «هاور هیل»، «نیومارکت» و «الی» دارند. تیراژ این روزنامه روزهای عادی هفته در حدود ۴۱۰۰۰ نسخه و شنبه‌ها ۳۴۰۰۰ نسخه است، این روزنامه دوبار در روز چاپ می‌شود. چاپ اول ۱۱ صبح و چاپ دوم ساعت ۲ بعداز ظهر.

روند کار این روزنامه در جهت برجسته‌سازی نکات مثبت است و در همین راستا مجموعه‌ای از مقالات ثابت را که بیانگر این برتریهاست انتشار می‌دهد و همواره با دید مثبت به دستاوردهای دانشگاه می‌نگرد.

مبارزه، بخش مهمی از فعالیتهای روزنامه را تشکیل می‌دهد. مبارزات اخیر عبارت است از:

- مبارزه برای حفظ «شور و شوق زنده ماندن»؛
 - حمایت از مسأله تحریم دوچرخه در منطقه مرکزی شهر که ویژه تردّد عابرین پیاده است؛
 - در خواست اصلاحات دولت محلی و خلق یکپارچگی در قدرت اجرایی و حذف سیستم دو قشری شوراهای استانی و منطقه‌ای. به گفته «ساج ول»، «فقدان این اصلاح حیاتی، مانعی اساسی در روند توسعه منطقه محسوب می‌شود.»؛
 - حمایت از اعتراضهای کسبه «نیومارکت» NEW MARKET نسبت به افزایش مالیات؛
 - اعتراض نسبت به تعطیلی بیمارستان «راف» در «الی».
 - درخواست از اداره پلیس برای ارائه آمار صحیح جرم و جنایت به گونه‌ای منظم‌تر؛ چراکه «بهترین راه مشارکت مردم در نبرد علیه جرم و جنایت، آگاه ساختن آنان از واقعیات است.»
- علاوه بر آن، این روزنامه به افزایش میزان کمکهای ارسالی برای امور خیریه و اهداف عام‌المنفعه کمک می‌کند.

«ساج ول» که در مراسم اهدای جوایز به مطبوعات انگلیس در سال ۱۹۷۷ به‌عنوان گزارشگر جنایی نمونه سال شناخته شد و سمت معاونت سردبیر نشریه «نیوزاودی ورلد» را بر عهده داشت، بر موضع سیاسی عاری از تعصبات و جانبداری‌های کورکورانه این روزنامه تأکید می‌ورزد. در جریان مبارزه انتخابات رهبری محافظه‌کاران در سال ۱۹۹۰، این روزنامه حامی سرسخت «جان میجر» بود. «هانتینگدون» رئیس حوزه انتخاباتی آقای میجر، در روزنامه‌ها بسیار مطرح بود اما هنگامی که آقای میجر در انتخابات پیروز شد، دیگر جانبداری‌های سرسختانه پایان یافت و او نیز مانند بقیه سیاستمداران در معرض انتقادهای مطبوعات قرار گرفت.

معمولاً یک سوم اعضای تحریریه را زنان تشکیل می‌دهند. گرچه این تعداد در سالهای اخیر تغییراتی داشته است و در برخی نشریات، بیش از نیمی از اعضای تحریریه را زنان تشکیل داده‌اند. در تحریریه، علاوه بر جانشین سردبیر، معاون سردبیر، دبیر گزارشهای خبری و گزارشگر اصلی، ده گزارشگر تمام وقت و کارآموز مشغول به کار هستند؛ همچنین

چهارکارشناس در مسائل بهداشتی، هنری، اقتصادی و فرهنگی و هفت گزارشگر پاره‌وقت و مقاله‌نویس، یک دبیر مطالب بازرگانی، دبیر ورزشی و شش گزارشگر ورزشی از دیگر اعضای تحریریه هستند.

در بخش عکس، معاون سردبیر در زمینه عکس و همچنین شش عکاس فعالیت دارند. همچنین یک دبیر، مسئولیت هفته‌نامه‌های ضمیمه رایگان و یک دبیر نیز مسئولیت اخبار محلی را بر عهده دارند. ویرایش نهایی مطالب نیز توسط ۱۴ ویراستار و یک سرویراستار صورت می‌گیرد. همچنین پنج ویراستار به صورت تمام وقت و یک ویراستار به صورت نیمه‌وقت فقط مسئولیت ویرایش هفته‌نامه‌های ضمیمه رایگان را بر عهده دارند. از آوریل ۱۹۹۲، روزنامه به صورت تمام رنگی عرضه شد و از سال ۱۹۹۳ نیز طراحی آن به صورت تمام رنگی در صفحه نمایشگر کامپیوتر آغاز شد.

جلسه شورای نشریه هر روز صبح ساعت ۷:۴۵ برای دبیران گروه‌ها و در ساعت ۳:۱۵ بعدازظهر برای طرح‌ریزی برنامه روز بعد تشکیل می‌شود. وانگهی، هر پنج‌شنبه بعد از ظهر، یک نماینده از بخش تیراژ در جلسه شرکت کرده و نظرسنجی‌ها را بررسی و ارزیابی می‌کند. «ساج‌ول» می‌گوید روزانه، دو یا سه تقاضا نامه شغلی برای همکاری با روزنامه دریافت می‌کند. به راستی وی هنگام بررسی درخواستهای شغلی کارآموزان، چه مسائلی را مدنظر قرار می‌دهد؟

«آموزش عمومی خوب و نمرات خوب. من هیچ ارجحیتی برای دانش‌آموختگان قائل نمی‌شوم. آنان بایستی علاقه و شور خاصی نسبت به دنیای پیرامون خود نشان داده و غیر از مطالب تئوری دانشگاهی، تجارب عملی نیز داشته باشند. برخی از آنان ممکن است فعالیت ورزشی یا سیاسی داشته یا حتی عضو انجمن پشاهندگان دختر نیز باشند. در هر صورت من افراد محلی را ترجیح می‌دادم؛ زیرا آنان با کوله‌باری از تجربه که از دوستان و اقوام خود داشتند، می‌آمدند. اما امروزه به دلیل افزایش سیر و سیاحت افراد به نقاط مختلف کشور، دیگر از ضرورت استخدام افراد محلی کاسته شده است.»

◀ چهرهٔ روز: آماده‌سازی برای گزارش محلی

گزارش تشریحی از: «آماندا هولمز» گزارشگر

«آماندا هولمز» می‌گوید پرداختن به گزارشهایی دربارهٔ مردم که مورد علاقهٔ مردم است، شور و حال خاصی برای گزارشگر به ارمغان می‌آورد. وی از آگوست سال ۱۹۹۲ تاکنون در نشریه «نیوز» مسئولیت گزارشگر عمومی را بر عهده داشته و اذعان می‌کند که این امر برای او بسیار لذتبخش است.

یک نمونه از گزارشهای دلگرم‌کننده‌ای که وی برمی‌شمرد گزارشی دربارهٔ ۱۷ پناهنده بوسنیایی است که از سوی باشگاه ورزشی محلی، بلیت رایگان برای تماشای مسابقه فوتبال دریافت کرده بودند. البته با مسائل کسل‌کننده نیز در این حرفه روبه‌رو هستیم، اما بیش از ۴۰ درصد آن خیلی جذاب است.

هولمز ۲۵ ساله، پس از پایان تحصیلات در دانشگاه «هال»، کارش را در «لینکلن شایراکو» شروع کرد و همزمان در کالج «استراد بروک» در «شیفیلد» در رشته روزنامه‌نگاری ادامه تحصیل داد. وی پس از دوبار شرکت در آزمون موفق به کسب مدرک «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران» شد.

نود درصد از وقت حرفه‌ای وی با حقوق سالیانه ۱۲۰۰۰ پوند، در دفتر تحریریه نشریه به اموری چون پیگیری تلفنی و گزارشها اختصاص دارد. از کار در دفتر نزدیک کالج لذت می‌برد و از موقعیتهایی که برای تهیه گزارش در خارج از تحریریه پیش می‌آید، استقبال می‌کند.

در اغلب گزارشهای خبری او، قریب به ۳۰۰ واژه به کار رفته است. هولمز معتقد است گزارش ۴۰۰ واژگانی، طولانی است و محدودیت در میزان کاربرد واژگان، زمینه‌سازی لازم برای تهیه گزارش را با مشکل مواجه می‌سازد، اما مجموعه اخباری که به‌طور معمول از خارج دریافت می‌شود، زمینه لازم را برای گزارش خبری فراهم می‌آورد.

هولمز در شش روز هفته به‌شدت کار می‌کند با این همه در آخر هفته یا بعد از ظهر، پس از

پایان ساعات کاری، هنوز سرشار از انرژی است و احساس خستگی نمی‌کند.

یک هفته از زندگی «آماندا هولمز»

دوشنبه

کار با رسیدگی به گزارشها و جریانهایی که از روز شنبه ناتمام مانده، آغاز می‌شود، سپس بقیه روز با این کارها پیش می‌رود:

● تهیه مطالب و گزارشهایی که در سایر روزنامه‌ها مطرح نشده و یا به فراموشی سپرده شده است برای طرح در جلسات شورا؛

● قبل از برگزاری جلسات شورا، تهیه مطالبی که در آن دیدگاه شرکت‌کنندگان اصلی و نتیجه احتمالی جلسه منعکس شده است؛

● تهیه دو یا سه بند مطلب از اطلاعات سازمانها و سایر گزارشهایی که ارسال شده است؛

● پیگیری مسائل مورد بحث در گردهمایی عمومی و نگارش جزییات نتایج و دستاوردهای

آن از طریق گفت‌وگوی تلفنی با شرکت‌کنندگان اصلی پس از برگزاری مراسم؛

● طبق برنامه‌ای منظم، برقراری تماس تلفنی با نیروهای پلیس، مأموران آتش‌نشانی و

آمبولانسها در پنج منطقه: «کمبریج شایر»، «سوفولک»، «اسکس»، «هرتفورد شایر» و «بدفورد شایر»؛

● بررسی عملکردهای بخش خبری و جلسه شورا؛

● افزودن بخشهایی به گزارش برجسته و مهمی که لید^(۱) آن از سوی گزارشگر دیگری

مورد بحث قرار گرفته است؛

● پیگیری بخش مهم خبری از یک گزارش مهم و مطرح؛

● نگارش شرح عکسها.

معمولاً روز کاری دوشنبه از ۸ صبح آغاز و تا ساعت ۵ بعدازظهر ادامه می‌یابد. برای نمونه،

۱- لید: به چکیده‌ای از محتوای متن اطلاق می‌شود. مترجم.

این گزارشگر در یک روز وضعیت عمومی افرادی را پی می‌گیرد که در پنج سال اخیر بر اثر ناتوانی بیمارستانهای محلی، انگشتانشان بریده شده است. وی برای نگارش گزارش و کسب آگاهی کافی از رویدادها، بریده‌های جرایدی را که دربارهٔ این موضوع تهیه شده، بررسی می‌کند. مسأله تازه‌ای که بدان پرداخته می‌شود، کارایی عضو جدیدی است که با پیوند جایگزین عضو قبلی شده است.

هولمز پیش از برگزاری گردهمایی کمیته بهداشت محیط در شورای «کمبریج شایر» جنوبی که برای بحث در مورد نگرش این کمیته نسبت به شرایط یکشنبه بازار تشکیل می‌شود، یادداشت‌هایی را تهیه می‌کند. وی در تهیه این یادداشتها این نکته را مورد نظر قرار می‌دهد که آیا کمیته مصمم است شکایات خود را پیگیری کند یا از آن صرف‌نظر کرده، و نتیجهٔ آن را پس از برگزاری گردهمایی بررسی می‌کند. موضوع دیگر طرح ایجاد پارکینگ در بیمارستان «ادینبورگ» در کمبریج است.

سه‌شنبه

کار روزانه را از ساعت ۲ بعدازظهر با بررسی تماسهای تلفنی روز و گوش دادن به گزارش خبری رادیویی ساعت ۲ بعدازظهر آغاز می‌کند. اگر بخش خبری نشریه، بررسی موضوع مهمی را فراموش کرده باشد، آن موضوع را پی می‌گیرد. از طریق تماسهای تلفنی، نتیجه گردهمایی دیروز کمیته بهداشت محیط در شورای «کمبریج شایر» جنوبی را بررسی و ارزیابی می‌کند و در پی آن با مسؤول اصلی بهداشت محیط دربارهٔ نتایج گردهمایی به بحث و گفت‌وگو می‌نشیند.

بازدید کوتاهی از گروه مشاور پلیس «کمبریج شایر» جنوبی در «کامرتون» دهکده‌ای در نزدیکی کمبریج، سه موضوع را در ذهن گزارشگر ایجاد می‌کند: موتورسواران متخلفی که بیش از سرعت مجاز می‌رانند؛ دستمزد پاسبانهای ویژه و اذیت و آزار کودکان. «تمامی موضوعها

دارای اهمیت است و هیچ یک بر دیگری ارجح نیست.» هنگامی که ساعت کاری از ۲ بعدازظهر شروع می‌شود معمولاً برنامه جلسات عصر مورد بررسی قرار می‌گیرد. ساعت ۱۱ شب پایان می‌یابد.

چهارشنبه

ساعت ۸:۳۰ کار شروع می‌شود (زیرا دیشب تا دیروقت کار ادامه داشته است). دانشجویی به علت سقوط از ساختمان جان خود را از دست داده است. در این باره گزارشی توسط مأمور پلیس، دانشکده و دفتر مطبوعاتی دانشگاه تهیه شده است. از آنجا که این دانشجو اهل «لیسستر» است برای تحقیق در گذشته او با «لیسستر ماکوری» تماس حاصل می‌شود. قرار است در این باره با والدین دانشجو گفت‌وگو نشود. در مقدمه این گزارش، مسأله افسردگی و خودکشی دانشجویان مورد بحث قرار گرفته است.

پنج‌شنبه

امروز، روز مرخصی است (زیرا شنبه گذشته کار کرده است).

جمعه

شروع کار در ساعت ۸ صبح است. موضوع گزارش امروز، گردهمایی جمعی شورای حزب محافظه کار منطقه است. تحقیقات جدیدی درباره تظاهرات دانشجویی (که در مورد بدهی‌های دانشجویان برگزار شده بود) انجام شد؛ نظرهای نیروهای پلیس و دانشجویان نیز به گزارش افزوده شد. شرح عکسها نوشته شده و تحقیقات جدیدی در مورد گردهمایی مسئولان رودخانه‌های ملی ارائه شد. موارد مورد بحث در جلسه آینده شورای نشریه مورد بررسی قرار گرفت.

شنبه

ساعت ۷:۳۰ صبح کار شروع می‌شود. نشریات محلی و سراسری برای یافتن موضوع مناسب بررسی می‌شود. برنامه‌های رادیوی محلی بی.بی.سی و ایستگاه رادیویی مستقل «سی.ان.اف.ام» که پایگاه آن در «هیستون» در نزدیکی کمبریج قرار دارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. عناوین از طریق سیستم رایانه‌ای به معاون خبری سردبیر، «پیترولز» ارسال می‌شود. بخشی از کار به کسب اطلاعات و تجارب اختصاص می‌یابد. شرح تصویر و گزارش از مطالب مندرج در مطبوعات تهیه و در ادامه چند نامه نوشته می‌شود.

◀ چهره روز: عامل احساس خوب و آزاد

گزارش تشریحی از نشریه «هرالداندپست»

مانند سایر روزنامه‌ها که گاه دچار رکود اقتصادی می‌شوند، روزنامه هرالد اند پست نیز در سالهای اخیر با مشکلاتی مواجه شده است. این روزنامه ابتدا بخشی از «گروه تریدر» به شمار می‌آمد که در سال ۱۹۶۶ از سوی «لیونل پیکرینگ» تأسیس شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰، رقم تیراژ این گروه از یک میلیون نیز فراتر رفت.

سپس در ژوئن سال ۱۹۸۹، گام بزرگتری در امر خرید نشریات مستقلی که در دهه ۱۹۶۰ ایجاد شده بودند، برداشته شد و در نتیجه این نشریه توسط «تامسون» خریداری شد. نشریات منطقه شمالی این گروه از عناوین آزادی مانند: «دربی»، «برتون ان ترنت»، «لیسستر»، «لانگیتون»، «نایتون اند بدورث»، «هینکلی»، «ایلکستون اند ریلی» و «ناتینگهام اند لوبورگ» برخوردارند. اما در سال ۱۹۹۳، تیراژ آن به ۷۵۰ هزار نسخه کاهش یافت؛ از این رو فعالیتهای آن متمرکز شده و برخی از دفاتر منطقه‌ای آن بسته شد.

سردبیر «پتر دورتی» این‌گونه استدلال می‌کند که اختصاص ۲۵ درصد نشریه به سرمقاله، دیگر فضایی را برای انتشار مطالب برای رقابت با روزنامه‌های عصر باقی نمی‌گذارد. در عوض،

۲۷ روزنامه‌نگار این گروه (شامل شش ویراستار، که در دفاتر آن اشتغال داشتند) توجه خود را به «مسائل خاص در سطح محلی یا کشوری و همچنین انتخاب مسائل قشر خاصی از مردم به عنوان موضوع مورد بحث نشریه»، معطوف کردند. آنان مسأله تحلیل، تفسیر و تهیه اطلاعات مربوط به یک گزارش واقعی را همراه با اخبار و گزارشهای توصیفی مورد تأکید بسیار قرار دادند.

در زمینه ورزش، اخبار عمده مورد بحث هفته گذشته درباره جراحی عمیق چند ورزشکار بود. برای جلب توجه خوانندگان، ستونی از سوی «نیل هالام» منتشر شد که در آن بیشتر واژگان تند و بحث‌برانگیز به کار رفته بود؛ همچنین مجموعه‌ای از مقالات تفسیری ورزشی همراه با مطالب غیرورزشی برای جلب نظر علاقه‌مندان به ورزش و سایر قشرهای مردم منتشر شد. «دورتی» که در سال ۱۹۹۷ دوره‌های «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاری» را در «هالرو» گذرانده است با نشریات «سات‌ایست لندن مرکوری»، «سیدنی سان»، «استمفورد مرکوری» و «پیتربورگ ایونینگ تلگراف» همکاری داشته است.

وی در سال ۱۹۹۱، در نشریه «تامسون» در «نورت‌امپتون» و سپس در «هینور» مشغول به کار شد. وی بر تعهد گروه همکارانش در ایجاد «احساس خوب» از طریق برجسته نمودن دستاوردهای مثبت جامعه تأکید می‌ورزد. به گفته وی «نمایندگان یک روزنامه، در کانون جامعه قرار دارند؛ از این رو باید در منطقه و محدوده خود به خوبی عمل کنند».

◀ چهره روز: انگیزش درونی - بدون در نظر گرفتن دستمزد

گزارش تشریحی از «سارانایت» گزارشگر کارآموز

«سارانایت»، ۲۷ سال دارد و به کارش بسیار علاقه‌مند است. در دفتر کوچک «هینور» که یک سردبیر و یک دبیر خبر و همچنین سه نویسنده در آن مشغول به کار هستند، سارا علیرغم دستمزد کمتر از ۱۰ هزار پوند در سال، گزارشگری را چالشی در خور ارزش می‌داند.

وی می‌گوید: «این حرفه، اغلب اوقات بسیار متنوع است. در این حرفه با افراد بسیاری آشنا شده و گفت‌وگو می‌کنی. من این حس رضایت ناشی از آگاه ساختن مردم را از موضوعی که آگاهی از آن به شیوه‌ای دیگر امکان‌پذیر نبوده است، بسیار دوست می‌دارم. شخصاً مطالب بسیاری حین تهیه گزارش آموخته‌ام. این منطقه را به خوبی می‌شناسم و به آن عشق می‌ورزم.»

سارانایت همیشه آرزو داشت روزنامه‌نگار شود، اما طی سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰، ابتدا در یک شرکت هواپیمایی و سپس در یک آژانس مسافرتی مشغول به کار بود. جریان جنگ خلیج [فارس] که موجب بیکاری وی شده بود سبب شد تا با نشریات محلی و سراسری مکاتبه کرده و تقاضای کار کند. نشریه پروپین با تقاضای وی موافقت کرده و وی در زمینه تحقیقات برای تهیه خبر و مقالات، از ژوئن تا دسامبر ۱۹۹۰ با این نشریه همکاری داشته است.

جالب‌ترین لحظات سارانایت، هنگامی بود که درباره احتمال برخورد سیاره کوچکی با زمین (که البته برخورد هم نکرد) تحقیق می‌کرد، در انتهای این مقاله، دو صفحه به ارائه تفسیر علمی در مورد این موضوع، اختصاص داد.

سارا پس از گذراندن سه ماه دوره روزنامه‌نگاری در مرکز آموزش روزنامه‌نگاری در «استرادروک»، در نشریه «هینور» مشغول به کار شد. به اعتقاد وی، این حرفه همیشه با اوست. وی می‌گوید: «وقتی گزارشگر خبری هستی، هیچگاه نمی‌توانی در مرخصی باشی. اگر من در رستورانی باشم و اتفاقی در آنجا روی دهد، دبیر خبر از من انتظار دارد که حتماً از این رویداد خبری تهیه کنم. اشتغال به حرفه گزارشگری، کنجکاوای فرد را افزایش می‌دهد. در برخورد با مسائل، من همواره به این موضوع می‌اندیشم: آیا این موضوع، سوژه خوبی برای گزارش است؟ این حرفه، «بسیار پرهیجان است» به ویژه در روزهایی که مهلت تهیه گزارش به پایان رسیده و باید گزارش را به معاون سردبیر تحویل دهی؛ یعنی دوشنبه‌ها، چهارشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها.»

سارا از زمانی که با این نشریه همکاری دارد، دوره کارآموزی ۱۲ هفته‌ای را گذرانده و همچنین پس از گذراندن دوره آموزشی تندنویسی توانسته مهارت نگارش ۹۰ واژه در یک دقیقه را کسب کند؛ ولی به اعتقاد وی، کسب این مهارت در پیشرفت کاری‌اش تأثیر چندانی ندارد.

خصوصیات ضروری یک گزارشگر از نظر وی، برخورداری از پشتکار و استقامت در پیگیری موضوع گزارش است. وی می‌گوید: «خیلی از افراد مایل نیستند با گزارشگران گفت‌وگو کنند زیرا آنان می‌پندارند گفته‌هایشان به طرز دیگری انعکاس می‌یابد و این مسأله برای آنان دردسرساز خواهد بود. اما گزارشگر باید برای پیگیری موضوع گزارش خود، اشتیاق داشته باشد. هنگامی که با فردی مصاحبه می‌کنید ولی اشتیاق لازم را برای مصاحبه ندارید، این بی‌علاقه‌گی نمایان می‌شود. گزارش باید کوتاه و آسان باشد و این مسأله‌ای نیست که خود به خود ایجاد شود بلکه باید این مهارت را آموخت.» گروه سارانایت از شیوه‌کاربرد حداکثر ۲۵ واژه در هر جمله پیروی می‌کنند.

نگارش یک ستون ثابت هفتگی به عهده اوست و وی نیز با اشتیاق بسیار می‌کوشد، تا حد امکان مطالب این ستون را بحث‌برانگیز سازد تا بتواند توجه مردم را به خود جلب کرده و آنان را وادار کند دیدگاه‌های خود نسبت به مطالب این ستون را به دفتر نشریه ارسال کنند. به‌طور متوسط وی هفته‌ای شش نامه از خوانندگان مطالب خود دریافت می‌کند. مقالات تفسیری وی در این ستون، همواره با یک عنوان و تصویر وی به چاپ می‌رسد. او می‌گوید یک روز که برای خرید گل به گل‌فروشی رفته بودم، خانمی به من گفت «من شما را می‌شناسم، هر هفته مطالب‌تان را می‌خوانم و آنها را بسیار دوست دارم.» سارا می‌گوید: «از گفته‌های این خانم سرخ شدم؛ اما خیلی خوشحالم که مردم به خواندن مطالب من رغبت نشان می‌دهند.»

یک هفته از زندگی «سارا نایت»

چهارشنبه بعد از ظهر

برای پیگیری گزارشی در مورد افزایش اجاره‌بهای خانه‌شورا با بخش مربوط تماس گرفتم و با یکی از اعضای شورا گفت‌وگو کردم.

در این گفت‌وگوی تلفنی، عضو شورا در مورد مسائل اخلاقی و وضعیت ناخوشایند پاسگاه

پلیس و همچنین تعداد اتومبیل‌های پلیس که نیاز به تعمیر دارد، توضیح داد. این مکالمه تلفنی، ۲۰ دقیقه طول کشید. عکسی در مورد این موضوع تهیه و با پلیس تماس حاصل شد ولی آنان در این مورد هیچ نظری ابراز نکردند. سپس برخی از نامه‌های ارسالی بررسی گردید.

پنج‌شنبه

بیشترین ساعات روز در خارج از دفتر نشریه می‌گذرد که طبیعی به نظر نمی‌رسد. دیدار با زنانی که سرپرستی گروه حمایت از مادران افسرده پس از زایمان را بر عهده دارند، یکی از فعالیت‌های خارج از تحریریه پنج‌شنبه است. تنها یک گروه از این قبیل در «دربی شایر» وجود دارد. سارا می‌گوید: «من نمی‌دانستم این موضوع تا چه اندازه ناخوشایند است، برخی از مادران بر اثر افسردگی پس از زایمان خودکشی می‌کنند و برخی نیز به قتل فرزندان خود مبادرت می‌ورزند.» با پزشک بیمارستان دربی که فقط با موارد بسیار حاد سروکار دارد، گفت‌وگومی شود. وی می‌گوید: «شواهد بیانگر آن است که انتشار این مقاله، تأثیر بسیار خوبی داشته است، اگر من بتوانم هر روز مانند این مورد به افراد دیگر کمکی بکنم، بسیار خوشایند خواهد بود.»

سپس سارا به ملاقات دو زن مشاور در امور قربانیان هتک حرمت و زنانی که از لحاظ جسمی یا جنسی مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، می‌رود. اما نمی‌تواند نشانی این زنان را چاپ کند چون ممکن است مورد مزاحمت قرار گیرند. این تجربه برای وی بسیار غم‌انگیز است. در صفحه وی در نشریه همیشه یک مسابقه برای خوانندگان وجود دارد و او به یک کارخانه کریستال می‌رود تا جوایزی را که برای خوانندگان برنده در نظر گرفته است بیاورد.

جمعه

تمام روز در دفتر نشریه می‌گذرد. از ساعت ۹ صبح تا ۵/۳۰ بعد از ظهر (اغلب زمان ناهار را در دفتر به صرف ساندویچ سر می‌کند) اخبار کوتاه رسیده را جمع‌آوری می‌کند و به بررسی

نامه‌ها می‌پردازد. تماس‌های تلفنی را نیز پاسخ داده و با افرادی از جمله اعضای شورای محلی و منطقه‌ای، انجمن «هریتیج»، انجمن‌های نمایشی غیرحرفه‌ای، کارمندان شهری و پلیس تماس می‌گیرد.

آخر هفته

سارانایت اغلب با کامپیوتر دستی‌اش در منزل روی مقالات هفته کار می‌کند. او می‌گوید: «کار روی مقالات، در آخر هفته بسیار خوب است. زیرا آرامش منزل، کمک زیادی به نگارش مقالات می‌کند.»

دوشنبه

معمولاً در دفتر نشریه به رسیدگی مقالات هفته می‌گذرد. این هفته وی به یک کلینیک جراحی زیبایی در «شیفیلد» می‌رود. در آنجا با سرپرست، جراح و همچنین زنی که در کلینیک، تحت عمل جراحی زیبایی شکم قرار گرفته، دیدار می‌کند. او ناچار می‌شود لباس مخصوص اتاق عمل بپوشد تا شاهد عمل جراحی زنی باشد که تحت عمل برداشت چربی‌های اضافی ران قرار گرفته است. وی می‌گوید: «هنگام حضور در اتاق عمل، با مشاهده خون حالت بدی داشتم و احساس تهوع می‌کردم ولی هرطوری بود تا آخر عمل صبر کردم.»

سه‌شنبه

متن گزارش نوشته می‌شود. جوایز مسابقه مرتب شده و پیگیری چند گزارش خبری نیز انجام می‌شود. روز پرکاری است. وقتی برای استراحت نیست. مطلب تبلیغاتی در مورد جوایز غیر معمول روز «والنتین» در سایر نشریات (مانند هدایای یک شاخه گل رز به بهای ۶۰۰ پوند، نگهداری میمون و دیدار از یک هتل که تختخوابهای آنجا به شکل قلب است) نوشته می‌شود. با چند جا تماس تلفنی گرفته شده و در چند مورد نیز تحقیق صورت می‌گیرد. سارا می‌گوید: «ما

همواره می‌کوشیم تا مطالب تبلیغاتی و مطالب جالب خبری تهیه کنیم. ولی گاهی امکان‌پذیر نیست.»

◀ چهرهٔ روز: مقابله با کلیشه‌های «گاردین»

گزارش تشریحی از: «آنجلا جانسون»، گزارشگر خبری

آنجلا جانسون گزارشگر عمومی گاردین از مهم‌ترین خصوصیت حرفه‌ای‌اش - خلق انگیزه برای ادامهٔ کار - به خوبی آگاه است. او می‌گوید: «هنگامی که گزارش را می‌نویسم و مردم نسبت به آن واکنش نشان داده و مثلاً در پاسخ می‌نویسند: «از گزارش شما متشکریم. خیلی خوب است که شما به این مسائل اهمیت می‌دهید»، بازتابی از این قبیل موجب می‌شود که احساس کنم توانایی ایجاد تغییر را دارم.»

در پاسخ به یکی از مقالات آنجلا که طی آن شرح دستگیری‌اش در سال ۱۹۹۰ به علت سوارشدن قاچاقی به اتوبوس در دیدار از آفریقای جنوبی درج شده بود، سیل نامه‌های همدردی به سوی وی ارسال شد.

آنجلا که یک زن سیاهپوست متولد جامایی کاست، اولین تصویری که در بدو دیدار از آفریقای جنوبی در ذهنش ایجاد شد، شگفت‌انگیز بود.

آنجلا می‌گوید: «من انتظار مشاهدهٔ خشونت را داشتم، اما چیزی ندیدم. هنگامی که برای خرید به فروشگاه رفته بودم، سیاهپوستان و سفیدپوستان را دیدم که با هم مشغول خرید هستند، من واقعاً دچار حیرت شده بودم.» سپس، هنگام سوار شدن به اتوبوس در «پرتوریا»، وی با تبعیض نژادی آشکار روبه‌رو می‌شود. راننده می‌گوید: «این اتوبوس فقط به سفیدپوستان اختصاص دارد و من نمی‌توانم تو را سوار کنم.»

آنجلا جانسون می‌گوید: «در آن لحظه، من خیلی عصبانی شده بودم. هرگز تصور نمی‌کردم با چنین صحنه‌ای روبه‌رو شوم. اما به دلیل این که جثهٔ من بزرگتر از راننده بود، راننده جرأت نکرد

حرف دیگری بزند و من سوار اتوبوس شدم. اما بار دومی که می‌خواستم اتوبوس مخصوص سفیدپوستان را سوار شوم، دستگیر شدم. هنگام بازداشت، من سکوت کامل اختیار کردم، از این رو افراد پلیس مرا اذیت نکرده آزادم کردند.»

این تجربه‌ای است که یک روزنامه‌نگار سفیدپوست هرگز با آن روبه‌رو نخواهد شد. وی می‌گوید: «زنان در پاسخ به این مقاله من، برایم نوشتند که آنان چگونه جرأت کردند با شما این‌گونه رفتار کنند، شما یک انگلیسی هستید. در مترو، کودکان سیاهپوستی را دیدم که مشغول خواندن مقاله من بودند. آموزگاران از مقاله من رونوشت گرفته و در کلاسهای درس با دانش‌آموزان در مورد آن صحبت کردند. من تصور می‌کنم انتشار این مقاله موجب آگاهی افرادی شد که تصور نمی‌کردند در آفریقای جنوبی چنین تحقیر شوم.»

آنجلا در مورد نگرش کلی مطبوعات انگلیس نسبت به مسائل سیاهپوستان انتقاد می‌کند. او برای نمونه به انتخابات جامایی‌کا اشاره می‌کند و اذعان می‌دارد که گزارشها در این مورد معمولاً با ذکر مسائل کلیشه‌ای اعمال خشونت همراه است. به اعتقاد وی، حل این مشکل زیاد هم آسان نیست. برای مثال، استخدام سیاهپوستان در سمت کارشناس اقلیتهای قومی مترادف با جداسازی آنان است.

اما آنجلا جانسون معتقد است سیاهپوست بودنش معمولاً موجب برجسته‌تر شدن امتیازهای شخصی‌اش شده است، و می‌گوید: «حتی متعصب‌ترین افراد نیز تلاش می‌کنند خود را عاری از تعصب نشان دهند. گاه مردم در پاسخ به پرسشهای من می‌گویند با تو حرفی نداریم. سپس، وقتی خود را معرفی می‌کنم که روزنامه‌نگار گاردین هستم، آنان متعجب می‌شوند زیرا انتظار ندارند یک سیاهپوست، روزنامه‌نگار گاردین باشد!»

در بخش گزارش مسائل داخلی روزنامه، ۴۸ تن فعالیت دارند، ۱۵ تن از آنان گزارشگر عمومی هستند. که آنجلا یکی از آنهاست - ۵ گزارشگر دیگر در دفتر «منچستر»، یک گزارشگر در دفتر ایرلند شمالی، اسکاتلند، «یورکشایر» و «بروکسل» و همچنین ۶ گزارشگر در بخش سیاسی واقع در «وست مینیستر» فعالیت دارند، بقیه افراد نیز به عنوان کارشناسان

بخش‌های تخصصی فعالیت می‌کنند. ساعات کار روزانه آنجلا معمولاً از ساعت ۱۰:۳۰ صبح تا ساعت ۶:۳۰ بعدازظهر است، اما معمولاً تا ساعاتی از شب نیز ادامه می‌یابد و به ندرت هنگام صرف ناهار، وقت استراحت پیدا می‌کند. وقتی کار زیاد است و مهلت نگارش گزارش‌ها روبه پایان است، آنجلا داوطلبانه روزهای تعطیل هم کار می‌کند.

بیش از ۶۰ درصد وقت آنجلا در دفتر نشریه می‌گذرد. در واقع، هنگامی که در مورد تعداد گزارش‌های نگاشته شده در دفتر سخن به میان می‌آید، ویراستار مطالب او «پیترمورتاگ» فوراً می‌گوید: «خیلی زیاد، بیش از حد مفصل است» معمولاً تعداد متوسط‌واژگانی که در یک گزارش به کار می‌رود، ۶۰۰ واژه است، اما آنجلا می‌گوید گاه این مقدار نیز توسط ویراستار تغییر می‌یابد. به اعتقاد وی، تندنویسی ارزشی ندارد و او فقط برای مصاحبه‌های طولانی بیش از یک ساعت، از ضبط صوت استفاده می‌کند (همراه با یادداشت‌برداری).

آنجلا در جاهای مختلفی اشتغال داشته است. پس از اتمام تحصیلات در رشته زبان و تاریخ در دانشگاه «لیسستر»، و روزنامه‌نگاری در دانشگاه «سیتی» لندن و گذراندن دوره شش ماهه آموزش گزارشگری مطبوعات که از سوی جامعه اروپا در «بروکسل» تشکیل شده بود، وی با نشریه «تایمز نیوز» و سرویس جهانی بی‌بی‌سی به‌طور آزاد همکاری می‌کند. وی ۱۸ ماه نیز با نشریه «آبزور» (در آنجا مهارت گزارشگری صنعتی را کسب کرد) و همچنین مدت زمانی کوتاه با «تایمز» و «لندن دیلی نیوز» متعلق به «رابرت ماکسول» که سرنوشت خوبی نداشت، همکاری داشت. تا این که در سال ۱۹۸۷ همکاری با گاردین را آغاز کرده و تاکنون ادامه داده است.

این حرفه همیشه با فشارروانی همراه بوده اما تجربه به وی آموخته که چگونه با چنین مشکلاتی کنار بیاید. وی می‌گوید: «سالهای اول، واقعاً هراس داشتم که توانم از عهده این کار برآیم اما اکنون این اعتماد به نفس را کسب کرده‌ام که توانایی یافتن موضوع مناسب گزارش را دارم. دیگر راه یافتن به موارد غیر معمول و قابل توجه را آموخته‌ام.»

یک هفته از زندگی «آنجلا جانسون»

پنج‌شنبه

والدین دانش‌آموزان در ناتینگهام به دفتر تحریریه زنگ زده و نگرانی خود را در مورد مسائل آموزش خاص در شهر عنوان کردند. آنجلا مسؤول پیگیری این قضیه می‌شود.

جمعه

امروز کار از ساعت ۱۰:۳۰ صبح شروع شده و تا ۹ شب ادامه می‌یابد. برقراری تماس تلفنی با والدین دانش‌آموزان در ناتینگهام مشکل است. مادر یکی از دانش‌آموزان، مطالب یک روزنامه محلی را که به روشن‌تر شدن مسأله کمک می‌کند، با نمابر به دفتر نشریه می‌فرستد. ترتیب دریافت یک عکس از طریق پست الکترونیک از سوی نشریه «ناتینگهام ایونینگ پست» داده می‌شود. نقل قولهایی که درباره موارد مشابه دیگر گفته شده آماده می‌گردد. با افراد اصلی معترض (در انجمن بیماران مبتلا به فلج) تماس گرفته می‌شود. همچنین از مسؤولین محلی نیز برای پاسخگویی نسبت به اتهامات وارده، دعوت به عمل می‌آید.

شنبه

جانسون برای والدین دانش‌آموزان در «ناتینگهام» پیغام گذاشته که با منزل وی تماس گیرند. مادر یکی از دانش‌آموزان امروز صبح تماس گرفت و جانسون (برای اینکه هزینه تلفن مادر دانش‌آموز زیاد نشود) تماس تلفنی را به سرعت قطع کرده و شخصاً با او تماس می‌گیرد.

یکشنبه

در اداره نشریه گاردین در «فارینگدان رود» لندن، ساعت ۱۲ ظهر است و کار همچنان بر روی مطلب آموزش خاص مدارس ادامه دارد. از خبرگزاری‌های محلی خبر می‌رسد که

«بارونس وارناک» نویسنده گزارش مؤثر و جنجال برانگیز در مورد آموزش خاص در مدارس، نکته‌ای را گوشزد کرده که قرار است در آینده‌ای نزدیک، از طریق برنامه شبکه بی‌بی‌سی دنبال شود. وی خاطر نشان کرده که بخش‌هایی از این آموزش خالی از اشکال نیست و موجب افت آموزشی برخی از دانش‌آموزان شده است. آنجلا معتقد است: «نصف صفحه را می‌توان به این موضوع اختصاص داد، زیرا این خبر «ناتینگهام» به روشن شدن گزارش در سطح وسیع‌تر جامعه، کمک بسیاری می‌کند.»

دوشنبه

قرار است یک مورد دادگاهی برای تهیه گزارش دنبال شود و سپس وی برای پیگیری گزارشی به «لیک دیستریکت» (Lake District) اعزام شود. پس از ساعت ۹، دبیر اخبار با آنجلا تماس گرفته و او را به‌عنوان مسؤل پیگیری گزارش «جنگ ماهی»، که میان انگلیس و فرانسه در جزایر تنگه مانش روی داده است، تعیین می‌کند. وی ابتدا به دفتر نشریه می‌رود و مجموعه‌ای از خبر را که برای زمینه‌گزارش لازم است جمع‌آوری می‌کند. سپس به فرودگاه «هیترو» می‌رود تا با پرواز ساعت یک بعدازظهر به «گورنسی» برود. حضور گسترده روزنامه‌نگاران از مناطق مختلف در جزیره مشهود است. یک ناوگان از کشتی‌های ماهی‌گیران فرانسوی در بندر «سنت پیتر» پهلو گرفته‌اند و اعتراض‌ها و خواسته‌های خود را مطرح کرده‌اند. آنجلا با عجله به سوی مسؤلان و ماهی‌گیران می‌شتابد و با آنان گفت‌وگو می‌کند. و می‌گوید: «من در صدد یافتن اصل خبر نبودم، زیرا وقتی ۹۰ کشتی در یک بندر پهلو می‌گیرند، خبر اصلی مشخص است. کاربرد واژگانی مانند ناوگان و ناوتیپ و غیره تأثیر خود را در گزارش خواهد گذارد.»

اولین گزارش از طریق تلفن در ساعت ۷ بعدازظهر تنظیم می‌شود. «من گزارش را تمام کرده‌ام؛ اما اکنون که چند بند اول گزارش را دوباره خوانی می‌کنم، تصمیم گرفتم آن را تغییر داده و پربارتر بنویسم.» یکی از گزارشگران مستقر در لندن، نقل قول‌هایی را از مسؤلان مختلف دولتی و نمایندگان مجلس ارسال می‌کند که به گزارش افزوده می‌شود. هنگامی که ماهی‌گیران به

دولتی و نمایندگان مجلس ارسال می‌کند که به گزارش افزوده می‌شود. هنگامی که ماهیگیران به توافق‌هایی دست می‌یابند، محاصره «پایان یافته» تلقی می‌شود و در ساعت ۱۰:۳۰ شب، وی برای چهارمین بار گزارش خود را تغییر می‌دهد و سپس ساعت ۱۱ شب به سوی هتل محل اقامتش می‌شتابد.

سه‌شنبه

آنجلا قصد دارد به تنگه مانش برود و از نزدیک موقعیت قایق‌های فرانسوی را مشاهده کرده و نقض احتمالی توافق‌نامه را بررسی کند. اما دریا خیلی توفانی است. پس با دفتر نشریه تماس می‌گیرد و مأموریت می‌یابد که به «جرسی» برود. در جرسی، ماهیگیران این ادعای خود را که در این توافق سرشان کلاه رفته است، عنوان کرده‌اند. ماهیگیران مایل به گفت‌وگو نیستند. پس از انجام چند مصاحبه، با تحریریه نشریه تماس می‌گیرد و دبیر خبر به او توصیه می‌کند تا گزارش کوتاهی از جو حاکم بر جزیره تهیه و ارسال کند.

آنجلا ساعت ۴ بعدازظهر، نگارش گزارش جذاب ۷۰۰ کلمه‌ای را آغاز می‌کند و ساعت ۶ بعدازظهر آن را به پایان می‌رساند. او امروز چندین بار با مسؤلان در «گورنسی» تماس تلفنی داشته است، از این رو می‌تواند گزارش ۵۰۰ کلمه‌ای اضافه بر گزارش اصلی نیز در مورد این بحث‌ها بنویسد.

چهارشنبه

با دفتر تحریریه تماس می‌گیرد تا پایان «درگیری‌ها» را اعلام کند. اما ناچار است تا ساعت ۱۰:۳۰ صبر کند تا جلسه شورای تحریریه پایان یافته و وظایف و مسؤولیت‌های تازه به وی اعلام شود. با پرواز ساعت یک بعدازظهر به هیتروی لندن باز می‌گردد. سپس با اتومبیل به دفتر نشریه رفته و از طریق تلفن با «جرسی» و «گورنسی» تماس می‌گیرد. با استفاده از خبرهای ارسالی از خبرگزاری‌ها، نسخه‌نهایی گزارش خود از این درگیری‌ها را می‌نویسد.

پنج‌شنبه

امروز تعطیل است و آنجلا در مرخصی به سر می‌برد.

◀ چهره‌روز: از دیدگاه یک کودک

گزارش تشریحی از: «ریچارد گارنر»، خبرنگار مطالب آموزشی از نشریه «دیلی میروور»

به اعتقاد ریچارد گارنر از نشریه دیلی میروور کسب تخصص در مسائل آموزشی، بسیار مطلوب است.

گارنر، یکی از با تجربه‌ترین کارشناسان مسائل آموزشی در مطبوعات انگلیس است. وی می‌گوید: «قطعاً این مسأله سیاسی است. اما تهیه گزارش در مورد دستاوردهای افراد و مسائل و اخباری که مردم به آن علاقه‌مندند، جالب خواهد بود. در تهیه این گزارشها با عملکردهای مختلف افراد تحت سیستمهای موجود برخورد می‌کنیم.»

گارنر که همواره گزارشهای خود را از دیدگاه دانش‌آموزان تهیه می‌کند، می‌گوید: «در حقیقت، به این علت که به طور روزانه با دانش‌آموزان در تماس نیستم، هنگام گفت‌وگو با آنان بیش از گفت‌وگو با مسؤولان مدرسه و آموزگاران دچار تشویش می‌شوم.»

شهرت تابلوید آموزشی وی میان آموزگاران، تأثیر گوناگونی بر حرفه‌اش گذارده است. به گفته وی «برخی مدیران از ما استقبال می‌کنند، در حالی که برخی دیگر بسیار بدگمان و بی‌اعتماد برخورد کرده و تابلوید ما را با سایر تابلویدها یکسان می‌پندارند، البته من می‌توانم این مسأله را درک کنم.»

شهرت وی به‌ویژه در زمینه نگارش مقالات تند و کارآمد نشریه «میروور» در مسائل آموزشی است. شاهد این مدعا، نامه‌های بیشماری است که به دفتر نشریه ارسال می‌شود. برای مثال، هنگامی که یکی از کارشناسان آموزش و پرورش در مقاله‌ای از نبودن یکی از والدین در کنار

فرزند به منزله معضلی یادکرده بود، گارنر در پاسخی از این مقاله انتقاد کرد، در پی این انتقاد ۳۴۴ نامه حمایت‌آمیز و شش نامه انتقاد آمیز به دفتر نشریه ارسال شد. نامه‌هایی که در پاسخ به مقالات وی دریافت می‌شوند، معمولاً از اتحادیه آموزگاران، حزب کارگر، مسؤولان محلی و سایر منابع مهم ارسال شده‌اند. تصمیم اولیه گارنر برای انتخاب حرفه روزنامه‌نگاری، تا حد زیادی از «درک اینگرام»، سردبیر خبرگزاری «جمینی» متأثر بود. پس از آن که «گارنر» دوره مدرسه را به پایان رساند، پدرش تعدادی از دوستانش را برای شام دعوت کرد تا پسرش با مشاغل آنها آشنا شود. گارنر می‌گوید: «در آن شب، من با چند وکیل و حسابدار آشنا شدم. اما تنها فردی که حرفه‌اش برای من جالب توجه بود، همان درک اینگرام بود.»

هر چند درک اینگرام مستقیماً به سراغ حرفه روزنامه‌نگاری نرفته بود، اما در سال ۱۹۶۷ به‌عنوان کارمند بایگانی مشغول به کار شد. سپس مدتی به‌عنوان مفسر رادیویی به کار پرداخته و حتی مدتی نیز به‌عنوان گوینده رادیو شبکه یک کار کرده بود. وی می‌گوید: «مسئولان تصور کردند که صدای من برای اجرای برنامه‌های آخر شب رادیو مناسب است؛ ولی من پس از مدتی به این نتیجه رسیدم که ادامه این حرفه برایم عذاب‌آور خواهد بود.» هنوز به انتخاب یکی از حرفه‌های روزنامه‌نگاری، شعرنویسی و نگارش داستانهای کوتاه می‌اندیشید؛ تا این که بالاخره تحصیل در دوره آموزشی روزنامه‌نگاری در «هارلو» را انتخاب کرد. در سال ۱۹۷۰ در نشریه «نورت لندن پرس» در «ازلینگتن» مشغول به کار شد. سپس در نشریه «کمدن جورنال» آغاز به کار کرد؛ در اینجا بود که دبیر خبر نشریه تأثیر زیادی در اندیشه روزنامه‌نگاری وی بر جای گذارد.

وی می‌گوید: «او به من آموخت که گزارشگری، صرفاً گوش دادن به مسائل و نگارش آنها نیست، بلکه باید در مورد مسائل چالش‌دار، تلاش و تحقیق بسیاری نموده و سپس چکیده آن را به نگارش درآورد.»

پیش از آن که اینگرام کارش را به‌عنوان خبرنگار آموزشی در روزنامه میرور شروع کند، به‌طور جدی فعالیت‌های متعددی در نشریات مختلف داشت. در سال ۱۹۷۴ به‌عنوان خبرنگار

دولت محلی در نشریه «کنت ایونینگ پست» در «کاتهام» شروع به کار کرد. به مدت چهار سال به عنوان کارشناس آموزشی در نشریه «بیرمنگام ایونینگ میل» فعالیت داشت. وی می‌گوید: «این نشریه، یک نشریه تابلوید دست راستی بود که تمایلات و گرایش‌های سیاسی مشخصی داشت. به عنوان نمونه، مدیران نشریه همواره نگران نفوذ مارکسیست‌ها در شورای بازرگانی محلی بودند و همیشه در مورد این که آموزگاران سخت‌کوش نیستند، گله داشتند.» درک به سبب ارائه راه‌های مختلف برای رفع این تعصبات بیهوده، کنار گذاشته شد.

در سال ۱۹۸۰، وی به عنوان گزارشگر عمومی به دفتر روزنامه در لندن انتقال یافت. سپس، در سال بعد در نشریه آموزشی «تایمز اجوکیشنال ساپلیمنت» به سمت دبیری خبر ارتقا یافت. در سال ۱۹۹۰ نیز در میان حیرت و ناباوری همکارانش به روزنامه «میرور» پیوست.

وی همیشه از مهارت تندنویسی استفاده می‌کند و به اعتقاد وی نیمی از کارکنان نشریه «میرور» نیز چنین می‌کنند. این‌گرام می‌گوید: «تصور می‌کنم که بدون استفاده از تندنویسی قادر به انجام هیچ کاری نخواهم بود.» وی فقط مصاحبه‌های خیلی مهم را ضبط می‌کند؛ مصاحبه‌هایی مانند گفت‌وگو با وزیران که دارای حساسیت بوده و در آنها بایستی از اشتباهات هر چند کوچک نیز پرهیز شود.

وی ۳۹ هزار پوند در سال دریافت می‌کند و حرفه‌اش را استرس‌زا می‌داند و می‌گوید: «مشکل این نیست که گزارش خوبی را پیدا کنی، بلکه بحث و جدل‌هایی که برای انتشار گزارش در روزنامه درگیرشان می‌شوی، مشکل‌زا هستند. قضاوت شخصی به شما می‌گوید که گزارش خوبی تهیه کرده‌اید. اما وقتی با انتشار آن در روزنامه مخالفت می‌کنند، این احساس به شما دست می‌دهد که وقت و انرژی بسیاری را هدر داده‌اید، بعد هم حیران می‌مانید که چرا این گزارش را چاپ نمی‌کنند.»

وی تدابیر مختلفی را برای این که مطالبش پس از تأیید سردبیر به چاپ رسد، به کار می‌برد و می‌گوید: «من سعی می‌کنم در مقدمه مطلب ایهام به کار برم و همچنین گزارش را تا حدی غیرعادی سازم. به عنوان نمونه، وزیر آموزش و پرورش فعلی را متهم می‌کنند که دسترسی به او

بسیار دشوار است. از این رو، من هم گزارش خود را با مقدماتی با درون مایه «مرد نامریی» آغاز کرده و در متن گزارش غیر مستقیم به وزیر اشاره کردم. این گزارش نیز انتشار یافت.»

هنگامی که با «ریچارد گارنر» صحبت می‌کردم، جوّ عمومی روزنامه خیلی متزلزل بود؛ زیرا با مرگ «رابرت ماکسول» صاحب «میرور» در نوامبر ۱۹۹۱، روزنامه به دست چند بانک ائتلافی افتاد. در روز بازدید من از روزنامه، ۱۲ روزنامه‌نگار اخراج شده بودند. رئیس اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران و معاونش نیز به علت امتناع از پذیرش افزایش یک شب به ساعات کاری‌شان (از چهار شب به پنج شب در هفته) جزو اخراج شدگان بودند. اخراجی بعدی «پائول فوت» گزارشگر تحقیقی و مقاله‌نویس بود که پس از ۱۳ سال سابقه کار در روزنامه، نشریه را ترک گفت.

گارنر می‌گوید: «هیچ فردی نمی‌داند نفر بعدی که قرار است روزنامه را ترک کند، کیست؟»

یک هفته از زندگی ریچارد گارنر

دوشنبه

گارنر اغلب روزها از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ بعدازظهر کار می‌کند. اما برخی اوقات، ساعات کاری وی از این هم فراتر می‌رود. به عنوان نمونه، زمانهایی وی در جلسه شورا است، یا در بخش شهرستانها به فعالیت مشغول است و یا گردهمایی بعدازظهر را پیگیری می‌کند.

ریچارد در مورد تهیه گزارشی با عنوان «دیگر تعطیلی کودکانها کافی است» فکر می‌کند. فکر تهیه این گزارش به دنبال تماس تلفنی والدینی که فرزند کودکستانی دارند و نسبت به تعطیلی یک کودکستان در «بارنت» ابراز نگرانی کرده بودند، شکل گرفت. گارنر می‌گوید: «به نظرم رسید که پرداختن به مسائل مطرح در سیمت قبلی مارگارت تاچر، موضوع خوبی برای گزارش باشد، زیرا که تاچر هنگام تصدی‌اش به عنوان وزیر آموزش و پرورش در دهه ۱۹۷۰، قول افزایش کودکانها را داده بود.»

این مسأله در بخش زنان نشریه می‌رور عنوان شد. گارنر می‌گوید: «من به ویژه به کار در این بخش نشریه علاقه مندم. در چند سال اخیر، این بخش نشریه، حتی از قسمتهای اصلی نیز جنجال برانگیزتر بوده است.»

وی به اداره کل آموزش و پرورش می‌رود تا در مورد اطلاعیه وزارت آموزش و پرورش مبنی بر احتمال کاهش بیشتر بودجه آموزشی، گزارشی را تهیه کند.

سه‌شنبه

به دنبال دریافت نامه دیگری از خوانندگان به «لیسستر» می‌رود تا در مورد مدرسه‌ای که ۱۲ سال پیش قول احداث ساختمانهای جدید را داده بود، گزارشی تهیه کند. سقف کلاسهای این مدرسه چگه می‌کند و برخی کلاسها در اتاقک‌های پیش ساخته‌ای که والدین خریداری کرده‌اند، تشکیل می‌شود. وی می‌گوید: «سعی می‌کنم هر هفته از یک مدرسه بازدید کنم. این وظیفه‌ای است که بر عهده من گذارده شده است، زیرا نمی‌توان تنها از طریق گفت‌وگوی تلفنی با مردم، گزارش احساسی و خوبی برای نشریه می‌رور تهیه کرد.»

گارنر بیشتر ایده‌های خود را در تحریریه مطرح می‌کند و می‌گوید: «چنین شیوه‌ای برای خبرنگار آموزشی امری بی سابقه بوده است.» دبیر بخش زنان نیز مایل است قبل از ارسال مطلبی برای انتشار، یک نسخه از آن را به وی نشان دهد و نظرش را جویا شود. وی می‌گوید: «اگر من در مورد موضوعی نگرانی داشته باشم می‌توانم با سردبیر در مورد آن صحبت کنم.» بیشتر مطالب جدی وی توسط ویراستاران دوباره نویسی می‌شود. او معمولاً ۱۵ بند (حدود ۴۰۰ کلمه) می‌نویسد، اما ویراستاران از میزان آن کاسته (به غیر از بخش‌های اصلی) آنها را به پنج یا شش بند کاهش می‌دهند (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه).

چهارشنبه

گارنر به بخش نامه‌های ارسالی می‌رود. به‌طور متوسط هفته‌ای ۳۰ نامه از خوانندگان دریافت می‌کند. به‌عنوان نمونه، یکی از نامه‌ها حاوی این مطلب است: «آنچه در مورد آموزش کودکانها انجام می‌دهید، خیلی خوب است، ادامه دهید.» وی با کمیته انتخابی مجلس برای مسائل آموزش و پرورش دیدار می‌کند و گزارشی در این مورد می‌نویسد، اما این گزارش چاپ نمی‌شود.

پنج‌شنبه

گارنر گزارشی ۱۵۰ صفحه‌ای در مورد تعداد دانش‌آموزان ترک تحصیل کرده در سنین ۱۶ تا ۱۹ سال را می‌خواند. درباره این موضوع، ۱۵ بند مطلب می‌نویسد که توسط ویراستاران به چهار بند کاهش می‌یابد. گزارشی در مورد دیکته‌نویسی توسط کودکان دبستانی می‌نویسد. می‌گوید: «امروز روز خوبی نبود؛ در واقع می‌توان گفت، وقت امروز هدر رفت. من واقعاً احساس آزرده‌گی می‌کنم، زیرا هر دو گزارش سزاوار منتشر شدن بودند، ولی مورد استفاده قرار نگرفتند.»

جمعه

گارنر به یک پیروزی دست یافت. گزارش وی در مورد میزان دستمزد آموزگاران، بخش اصلی صفحه را به خود اختصاص داد.

◀ چهاره‌روز: کاری بزرگ با تجهیزات اندک

گزارش تشریحی از خبرگزاری جمینی

در مورد خبرگزاری جمینی، علی‌رغم به‌دفا تر کوچکی که در شمال لندن دارد، می‌توان گفت این خبرگزاری مجموعه کوچکی است که فکر انجام کارهای بزرگ را در سر دارد و هدفش

مقابله با تعصبات ضد جهان سومی در رسانه‌های غربی است.

این خبرگزاری تا اندازه‌ای هم در انجام این امر موفق بوده است. گرچه در انگلیس، افراد کمی با این خبرگزاری آشنایی دارند، اما در بسیاری از کشورهای جهان سوم، خبرگزاری جمینی از غولهای خبری مانند رویتر و خبرگزاری فرانسه نیز مشهورتر است.

«جان موکلا» از سرویس جهانی بی.بی.سی این‌گونه اظهارنظر می‌کند: «به اعتقاد من، خبرگزاری جمینی نوع دیگری از فرهنگ خبری را پایه‌گذاری کرده است که امتیاز خود را از طریق رد اتکای سنتی بر شیوه خاصی از ارائه حقیقت (حتی در بسیاری مواقع، حدس و گمان) کسب کرده است. این خبرگزاری راهی تازه را آغاز نموده و به مسائل و مطالبی می‌پردازد که معمولاً در حاشیه قرار داده می‌شوند.

خبرگزاری جمینی در اول ژانویه سال ۱۹۶۷ توسط «درک اینگرام» که در نشریه «دیلی میل» اشتغال داشت و همچنین «اولیور کارتر روز»، روزنامه‌نگار انگلیسی که در زامبیا فعالیت دارد، تأسیس شد. اولین گزارشگر آن فردی سری لانکایی به نام «گامینی سنویراتن» بود.

اینگرام هنوز سرپرست این خبرگزاری است. وی می‌گوید: «توجه من بیشتر معطوف گسترش راههای تهیه گزارش در مورد کشورهای مشترک‌المنافع در دفتر لندن بود. در سالهای آخر دهه ۱۹۶۰ با پایان یافتن فعالیتهای استعمارزدایی، متوجه شدم مطالبی را که روزنامه‌نگاران انگلیسی نوشته‌اند، بیشتر روزنامه‌های جهان سومی را پر کرده‌اند. اما به اعتقاد من، مطالب یک نشریه هندی بایستی توسط روزنامه‌نگاران هندی تهیه شود و همچنین در مورد نشریه زامبیایی یا کشورهای دیگر نیز به همین گونه عمل شود. هدف اصلی خبرگزاری جمینی، گسترش این دیدگاه است.»

جالب توجه این که اولین مطلبی که از سوی این خبرگزاری ارسال شد، مصاحبه یک روزنامه‌نگار برجسته هندی با ایندیرا گاندی بود. اما با این حال جمینی اغلب از گزارشهایی با گرایشات جهان سومی که توسط روزنامه‌نگاران مستقل در انگلیس تهیه شده بود، استفاده می‌کرد.

از آغاز فعالیت، خبرگزاری جمینی بر گسترش «روزنامه‌نگاری توسعه» اصرار می‌ورزید. هدف «روزنامه‌نگاری توسعه» مقابله با ارائه تصاویر منفی و سنتی مانند قحطی، خشونت، فقر و بدبختی از کشورهای جهان سوم است. در مقابل، تصاویر مثبت‌تری از دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرند.

در دهه ۱۹۷۰، در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، بحث‌های روزنامه‌نگاری توسعه، نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات (نویکو) و مبارزه علیه تسلط پنج خبرگزاری عمده، یونایتدپرس، آسوشیتدپرس، رویتر، خبرگزاری فرانسه و تاس بر سیستم خبری بین‌المللی مطرح شد. اینگرام می‌گوید: «پیش از آنکه یونسکو حتی تصور آن را بکند، ما در طرح بحث‌های نویکو، هسته اصلی بودیم.»

اینگرام، کاهش توجه مطبوعات انگلیس چه در سطح محلی و یا کشوری نسبت به مسائل جهان سوم را با نگرانی می‌نگرد. در گذشته، روزنامه‌های محلی در «کمبریج»، «لیورپول» «لیسستر» و «بريستول»، گزارش‌های خبرگزاری جمینی را دریافت می‌کردند. در سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰، روزنامه «ایونینگ استاندارد» لندن، هفته‌ای سه یا چهار روز گزارش‌های این خبرگزاری را دریافت می‌کرد. اما اکنون، این توجه کاهش بسیار یافته است.

اینگرام می‌گوید: «پس از پایان جنگ سرد، دیگر به آفریقا توجه خیلی اندکی می‌شود؛ زیرا دیگر مهم نیست کنترل آن کشورها، در دست غرب و یا شرق باشد.»

در سالهای ۱۹۷۰، خبرگزاری جمینی، بخشی از گروه نشریات گاردین شد و دفتر اصلی آن در روزنامه «منچستر ایونینگ نیوز» در «فلیت استریت» قرار داشت. اما در سال ۱۹۸۲، بار دیگر این خبرگزاری کاملاً مستقل گردید و اخیراً از سوی یک مؤسسه (به ریاست گوینده اخبار «ترورمک دونالد») خریداری شده است؛ این مؤسسه، استقلال بخش تحریریه خبرگزاری را تضمین کرده است.

خبرگزاری جمینی، شش مقاله ۱۰۰۰ کلمه‌ای را دوبار در هفته به ۱۴۰ نمایندگان خود ارسال می‌دارد؛ این نمایندگان بیشتر در کشورهای مشترک‌المنافع افریقایی، آسیایی، خاورمیانه و شرق

اروپا قرار دارند. فعالیتهای دیگر این خبرگزاری عبارت است از توسعه طرح «گزارشگران روستایی» که روزنامه‌نگاران را به مناطق روستایی ۱۷ کشور اعزام می‌کند تا از آنچه در مناطق روستایی می‌گذرد، گزارش تهیه کنند. گزارشهای ارسالی از جهان سوم، عمدتاً از مسائل شهری تهیه شده‌اند و هدف این طرح مقابله با مطالب کلیشه‌واری است که معمولاً به مسائل شهرها می‌پردازند.

در ۱۵ سال اخیر، چند روزنامه‌نگار کانادایی به دفتر لندن خبرگزاری جمینی پیوسته‌اند، در حالی که بقیه روزنامه‌نگاران عمدتاً از آفریقا و آسیا هستند. وانگهی، این خبرگزاری ارتباطات نزدیکی با مرکز فارغ‌التحصیلان روزنامه‌نگاری دانشگاه «سیتی» دارد، به گونه‌ای که حداقل سالی یک دانشجوی فارغ‌التحصیل به این خبرگزاری می‌پیوندد.

◀ چهره روز: تلفیق دانشگاه و رسانه

گزارش تشریحی از «دایاکیشان توسو»، معاون سردبیر

دایاکیشان توسو می‌گوید: «نگرش مطبوعات غربی به مسائل جهان سوم، معمولاً سطحی بوده و بازتابی از مواضع دولتها نسبت به این مسائل است. همواره لحن و برخورد مطبوعات غربی با مسائل جهان سوم از سوی دولت حاکم تعیین می‌گردد.»

دایاکیشان با اقتدار سخن می‌گوید زیرا سابقه وی حاوی تجربیاتی در قلمرو علم و رسانه است. وی دارای درجه دکترا در رشته روابط بین‌الملل از دانشگاه لعل نهر در دهلی نو است و همچنین تحقیقاتی را در مورد چگونگی مبادله اطلاعات و اخبار در جهان سوم انجام داده است. وی بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸، همزمان با تحصیل، به‌عنوان دبیر سرویس خارجی خبرگزاری «پرس تراست» هندوستان فعالیت می‌کرد. این خبرگزاری، یکی از بزرگترین خبرگزاری‌های جهان سوم است که اخبار و گزارشهای متنوعی از نمایندگیهای متعددش و همچنین صدها روزنامه‌نگارش در هندوستان و سراسر جهان دریافت می‌کند.

یک هفته از زندگی دایا کیشان توسو

دوشنبه

ساعت کار امروز از ساعت ۱۰ صبح آغاز و تا ۶ بعد از ظهر ادامه می‌یابد. زمان استراحت و صرف ناهار بسیار کوتاه است. معمولاً یک ساعت اول، صرف خواندن روزنامه‌های روز و آخر هفته گذشته می‌شود. از مقالات مهم رونوشت گرفته شده و در پوشه مخصوص بریده‌های جراید نگهداری می‌شود. به مطالب «فایننشال تایمز» توجه خاصی می‌شود. وی می‌گوید: «فایننشال تایمز، به مطالب خارجی خیلی خوب می‌پردازد و در این مورد اطلاعات بسیاری ارائه می‌دهد که برای ما مفید است.»

سپس، طرح ریزی برای نگارش مطالبی که تا روز سه‌شنبه بایستی آماده شوند، آغاز می‌گردد. برخی از مطالب توسط روزنامه‌نگارانی تهیه می‌شود که از زبان دوم و یا سوم خود استفاده کرده‌اند، از این رو در مورد آنها ویراستاری امری حیاتی است. بررسی آمارها انجام می‌شود و مواردی افزوده می‌گردد تا مطلب را غنی‌تر سازد. دایا کیشان برای نگارش گزارشهای مختلف با سایر روزنامه‌نگاران تحریریه در تماس است. وی مطلب خود را تایپ کرده و در صورت لزوم طرحهای گرافیکی برای آن به کار می‌برد. خبرگزاری جمینی حتی پیش از آنکه شیوه‌های کاربرد گرافیک کامپیوتری در سطوح گسترده مورد استفاده قرار گیرد، از نظر کاربرد طرحهای خاص گرافیکی شهرت داشت. طی این سالها، هفت مقاله از این خبرگزاری به نشریات سراسری و همچنین به خبرگزاری‌های اصلی راه یافته است.

وی همواره بیش از ۱۰۰ مطلب مناسب برای گزارش در دست دارد که با کمی تنظیم می‌توان برای انتشار آماده نمود. وی می‌گوید: «به‌عنوان نمونه، من گزارش خوبی در مورد مسأله بنیادگرایی در مصر در دست دارم، اما هنوز شرایط مناسب برای انتشار آن ایجاد نشده است. من این مطلب را تا هنگامی که شرایط لازم برای ارائه چنین مطلبی فراهم گردد، نگه می‌دارم.»

خبرگزاری جمینی با ۱۰۰ گزارشگر فعال در سراسر جهان همکاری دارد. وی می‌گوید: «اگر در کشور زئیر اتفاقی روی دهد، کارشناس امور آفریقایی ما در دفتر لندن، مأمور تهیه گزارشی از

آن رویداد خواهد شد، زیرا ما در ژئیر گزارشگری نداریم.» این خبرگزاری همچنین شماری گزارشگر منحصر به فرد در انگلیس، دارد.

معمولاً گزارشها توسط پست به نمایندگان ارسال می‌شود و دریافت آن در حدود ده روز طول می‌کشد؛ از این رو، معمولاً برای اغلب گزارشها از پیش برنامه‌ریزی می‌کنند. او می‌گوید: «به‌عنوان نمونه، ما مطلع می‌شویم که اواخر ماه جاری در هند قرار است بودجه‌ای به تصویب رسد، از این رو مانند همیشه از انتشار تاریخ دقیق خودداری می‌کنیم.» همچنین سرمقاله‌ها از طریق خدمات پست الکترونیکی مطبوعات، به مشترکین در اروپا و آمریکای شمالی ارسال می‌شود.

سه‌شنبه

امروز کار از ساعت ۹ صبح آغاز شده و تا ساعت ۵ بعدازظهر ادامه می‌یابد. زمان ارسال مقالات توسط پست، بعدازظهر خواهد بود. کلیه اعضای تحریریه به دوباره خوانی و ویرایش مطالب مشغول‌اند. در یک دسته از مقالات، مقاله‌ای به چشم می‌خورد که به روابط سازمان آزادیبخش فلسطین و گروه‌های بنیادگرای اسلامی اختصاص دارد. مقاله دیگر به بررسی وضعیت مردم گمنام «کونا» که در ۳۰۰ کیلومتری جزایر حوالی پاناما زندگی می‌کنند، می‌پردازد. بررسی شرایط زندگی کودکانی که قربانی بروز خشونت در پنجاب می‌شوند، موضوع گزارش دیگر است. مسأله انتخاب «کارول موزلی بران»-اولین زن سیاهپوستی که به مجلس ایالات متحد راه یافته- در گزارش دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در یک گزارش تحلیلی به نتایج اولین انتخابات چند حزبی در کنیا پرداخته می‌شود. ششمین گزارش به بررسی این مضمون اختصاص دارد که چگونه توجه مردم چین به‌طور روزافزونی از مسائل انقلاب فاصله گرفته و به مسائل مادی معطوف شده است.

طرح‌های گرافیکی بار دیگر بررسی می‌شوند. از نسخه‌های کامپیوتری مطالب که از طریق چاپگر آماده شده‌اند، رونوشت تهیه می‌شود. سپس تمام روزنامه‌نگاران و کادر اداری، گزارشها

را در ۱۴۰ پاکت نامه می‌گذارند، انجام این کار دو ساعت و نیم طول می‌کشد.

چهارشنبه

کار ۱۰ صبح شروع و تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه می‌یابد. در جلسه شورا از ساعت ۱۱ تا ۱۲ خدمات گذشته و برنامه‌ریزی‌های آینده بررسی می‌شود. مطالب مورد نیاز از طریق نما بر به نویسندگان حق الزحمه‌ای اطلاع داده می‌شود. توسو یک ساعت به تنظیم مطالب و بریده‌های جراید می‌پردازد. او هر ماه با تهیه خبرنامه داخلی، اخبار و جزئیات مسائل داخلی و نیز برنامه‌ریزی‌های آینده را به آگاهی همکاران می‌رساند. همچنین فرصت پیدا می‌کند تا در یکی از گزارشهای خود به تحلیل مجموعه تلویزیونی انگلیس که نگرشی غیر معمول به مسائل جهان سوم دارد، بپردازد یا این که در مورد کتابهایی از این قبیل نقد کوتاهی بنویسد.

پنج‌شنبه

ساعت کار از ۱۰ صبح آغاز و تا ۶ بعد از ظهر ادامه می‌یابد. تقریباً همان برنامه‌های دوشنبه تکرار می‌شود. برنامه‌ریزی مسائل آینده از رئوس کار است. توسو دایم برنامه‌های خبری بی.بی.سی، برنامه رادیویی «جهان در یک نگاه» بی.بی.سی و همچنین اخبار کانال ۴ تلویزیون را از نظر می‌گذرانند. او در این مورد می‌گوید: «این کار لازم است، زیرا اگر ما درباره فردی، گزارش تهیه و ارسال کرده‌ایم، بایستی از اتفاقات احتمالی مربوط به او آگاه بوده و مثلاً مطمئن باشیم که این فرد کشته نشده است.»

همچنین پیگیری دایمی اخبار اصلی و رویدادهایی که ممکن است پوشش خبری آن از سوی سایر رقیبان صورت نگرفته باشد، یک ضرورت است. وی می‌گوید: «ما تلاش می‌کنیم با دیدی جهان‌سومی به مسائلی که در جای دیگر به فراموشی سپرده شده‌اند، نگاه کنیم. به عنوان نمونه؛ مسأله بمباران هتلی در بغداد در ژانویه ۱۹۹۳، از سوی نیروهای آمریکایی. این حمله زمانی صورت گرفت که یک کنفرانس اسلامی در هتل بغداد برگزار شده بود. در هیچ جای

دیگری، گزارش کامل کنفرانسی که در آن هتل جریان داشت، انعکاس نیافته بود، اما خبرگزاری ما، گزارشگری در آنجا داشت که گزارش کاملی از حادثه و همچنین واکنشی را که در قبال بمباران ایجاد شده بود به دفتر خبرگزاری ارسال کرد.»

امروز زمان دیدار برخی از سردبیران نشریات کشورهای جهان سوم و همچنین روزنامه‌نگارانی فرا رسیده است که از اخبار خبرگزاری جمینی استفاده کرده‌اند و مایل‌اند مقر آن را از نزدیک ببینند. وی می‌گوید: «در برخی کشورهای جهان سوم، خبرگزاری ما از رویت سرشناس‌تر است. از این رو هنگامی که روزنامه‌نگاران جهان سوم به دیدار ما می‌آیند از سادگی فعالیتهای ما دچار شگفتی می‌شوند.»

جمعه

از ساعت ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر کار ادامه داشت و در ساعت ۴/۴۵ بعد از ظهر آخرین مرحله ارسال مطالب از طریق پست صورت گرفت.

فصل دوم

اصول اخلاقی

روزنامه‌نگاران معمولاً به ارزش بحث‌های اخلاقی در حرفه روزنامه‌نگاری واقف نیستند. همان‌گونه که گزارشگر فایننشال تایمز، «ریموند اسنودی» در این مورد می‌گوید: «این مسأله، مطبوعات انگلیس و آمریکا را از یکدیگر مجزا می‌سازد. حداقل در آنجا می‌توان واژه «اصول اخلاقی» را بدون استهزا شدن بیان کرد.»

یک استاد روزنامه‌نگاری می‌گوید؛ هنگامی که وی از سردبیر برجسته یک نشریه معتبر درخواست می‌کند تا برای دانشجویانش از اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری سخن بگوید، با این جمله سردبیر که با حالت تعجب ادا می‌کند، روبه‌رو می‌شود: «این دیگر چیست؟» و پس از ادای این جمله به صحبت‌های خود در مورد تجارب حرفه روزنامه‌نگاری اش ادامه می‌دهد. اغلب متون روزنامه‌نگاری فقط با نگاهی گذرا به مسائل اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری پرداخته‌اند. دلایل متعددی برای این بی‌توجهی وجود دارد. برخی از روزنامه‌نگاران عمیقاً آرمان‌گرا هستند. این

روزنامه‌نگاران در مورد مسائل اخلاقی حساس بوده و برای ارتقای معیارها تلاش می‌کنند. با وجود این، نگرش غالب، معمولاً حق تقدم را به تهیه خبر و گزارش به موقع می‌دهد. ملاحظات اخلاقی و سیاسی اگر در نظر گرفته شوند، در درجه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. این ایده که «بهترین روش فراگیری گزارشگری، تهیه گزارش است»، از همان نگرش ناشی می‌شود. زیرا اعتقاد به اصول حرفه‌ای جدید که بر ارزیابی هنگام کار تأکید می‌ورزد، از جایگاه خاصی برخوردار است.

مهم‌تر از آن، برخی روزنامه‌نگاران از نیروی فردی خود برای ارتقای معیارهای رسانه‌ها بی‌اطلاع‌اند. روزنامه‌ها نیز که در ظاهر امر فقط به بازگویی مسائل روزمره اختصاص یافته‌اند، بیش از حد انتظار به ساختارهای سیاسی و اهداف حفظ موجودیت اقتصاد بازار آزاد وابسته‌اند. اغلب روزنامه‌ها با حفظ سلسله مراتب، سازماندهی شده‌اند. به گونه‌ای که افراد در رأس این سلسله مراتب از قدرت زیادی برخوردارند؛ برخی با خوار شمردن سلسله مراتب قدرت، خود را در این شیوه سازماندهی، ناتوان می‌بینند و حضور خود را مانند دنده‌های کوچکی در یک ماشین بزرگ می‌پندارند. سخن از آزادی مطبوعات بسیار است اما از کسب آزادی روزنامه‌نگاران برای تغییر ساختاری که در آن مشغول به کارند، صحبتی نمی‌شود.

عوامل تصنعی و غیرواقعی که در کانون مسائل مورد بحث جاری قرار دارند، به رخوت اخلاقی موجود دامن می‌زنند. از سال ۱۹۹۲ در مورد حفظ حریم شخصی افراد و استفاده روزنامه‌نگاران از دوربینهایی که از فاصله دور عکسبرداری می‌کنند، بحثهای جدی آغاز شد؛ این بحث‌ها به دنبال چاپ عکسهای رسواکننده رابطه «سارافرگسون» با مشاور مالی اش در چند روزنامه و مجله مطرح شد. و به دنبال گزارش سال ۱۹۹۲ «کلکات»^(۱) و درخواست آن مبنی بر وضع محدودیتهای قانونی برای روزنامه‌نگاران در مورد استفاده از ابزار استراق سمع و دوربین عکسبرداری از فاصله دور، بحث‌های جدی‌تری آغاز گردید. این در حالی است که فقط تعداد

۱- در سال ۱۹۸۹ دولت تاجرهایانی را مأمور تحقیق و بررسی مفاد قانون حفظ حریم شخصی کرد. ریاست این هیأت را «دیوید کلکات» بر عهده داشت. مترجم.

اندکی از روزنامه‌نگاران، آن هم در مدت زمان کوتاه با این مسائل روبه‌رو بوده‌اند. اما در مورد مسائل بسیار اساسی‌تر و مهم‌تر مانند تأثیر صاحبان تبلیغات یا مالکیت انحصاری بر شکل‌گیری معیارهای مطبوعاتی، همواره به صورت حاشیه‌ای برخورد شده است.

تنش‌های اخلاقی در حرفه روزنامه‌نگاری

تردید روزنامه‌نگاران در مورد معیارهای این حرفه، تا حدی در نتیجه تناقضات اخلاقی موجود در حرفه روزنامه‌نگاری ایجاد شده است. موقعیت اصلی آن به‌عنوان حرفه‌ای انحصارگرایانه در سیستم اقتصادی سودمدار بدین معناست که مسائل اقتصادی و سرگرمی‌ها در تقدم قرار دارند. در نتیجه، خیر به‌کالایی قابل فروش تبدیل می‌شود.

با وجود این، زبان روزنامه‌نگاران (که در ستونهای سرمقاله نمود می‌یابد) بر باورهایی مانند حفظ منافع مردم، برخورداری از حق آگاهی و مطبوعات آزاد صحه می‌گذارد و این باورها معمولاً با اولویتهای اقتصاد مبتنی بر بازار در تضاد است.

وانگهی، در حالی که روزنامه‌نگاران بر اهمیت عینیت‌گرایی و واقعیت‌نگری تأکید می‌ورزند (خبر را آینه‌ای از واقعیت می‌پندارند)؛ اما در عمل، مطبوعات به نشر غرض‌ورزی‌ها، مطالب غیرواقع و تبلیغات مختلف دست می‌زنند که با عینیت‌گرایی در تعارض است.

اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری متداول

با توجه به اهمیت بعد اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری، تردید گسترده‌ای که معمولاً از سوی روزنامه‌نگاران نسبت به اصول اخلاقی این حرفه ابراز می‌شود، مایه شگفتی است. تمامی روزنامه‌نگاران از ارزش‌های خبری سخن می‌رانند. در حالی که، ارائه مظاهر خوبی و بدی، عادلانه و غیرعادلانه در رسانه‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد.

هر روزنامه‌معرفة معروفی را که ورق بزنید با مطالبی درباره «تجاوزکاران شرور»، افراد شروری که به پیرزنها حمله کرده‌اند، یا مادران شیطان صفتی که فرزندان خود را به سوی فحشاء سوق

می‌دهند و یا صربهای نژادپرستی که بوسنیایی‌های معصوم را قتل عام کرده‌اند، روبه‌رو می‌شوید.

در درگیری‌های سال ۱۹۹۱ خلیج [فارس]، مطبوعات با مطرح کردن «جورج بوش» به عنوان شخصیت خوب و قهرمانی که با «صدام حسین»، شخصیت بد، آدم‌کش و قصاب بغداد درگیر شده است، این شیوه گزارشگری را به اوج خود رساندند.

«جاستین گریسورد» این بعد اخلاقی روزنامه‌ها را با جنبه‌های افراطی احساسی داستانهای اخلاقی قرون وسطایی بی‌شباهت نمی‌داند. امروزه مطبوعات، (به‌طور کلی رسانه‌های جمعی) مطالب اخلاقی را ارائه می‌دهند که به معرفی موارد خوب و بد می‌پردازد.

حرفه روزنامه‌نگاری با مسأله معیارها در مقایسه با سایر مسائل دانش روزنامه‌نگاری که در صدد ارتقای آن است، به گونه‌ای محوری برخورد می‌کند. تأکید برمفاهیمی مانند عینیت، بی‌طرفی، عدالت، صراحت و تمایز میان واقعیت و عقیده نیز در راستای این روند قرار داد. از زمان جنگ جهانی دوم مسأله تلاش اتحادیه‌ها و مدیریت برای توسعه آموزش روزنامه‌نگاری با معیارها و دانش حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، ارتباطی تنگاتنگ داشته است.

برخی معضلات اخلاقی

در ورای این اظهارنظرهای کلی بهتر است به چند نمونه از مسائل اخلاقی مبتلا به روزنامه‌نگاران اشاره شود:

- آیا روزنامه‌نگاران می‌توانند برای پیگیری مطلب و گزارش خود، دستاویزی مانند دروغ‌گویی و فریبکاری را به کار ببرند؟
- آیا آنان می‌توانند نقل قول مستقیمی را تغییر دهند؟
- آیا ضبط کردن صحبت‌های مصاحبه‌شونده بدون آگاهی وی، عملی مجاز است؟
- آیا روزنامه‌نگار می‌تواند هدایای مصاحبه‌شونده را بپذیرد؟ آیا او فقط تحت شرایط خاصی می‌تواند این هدایا را قبول کند؟ آیا معیار اخلاقی متفاوتی برای دریافت یک کتاب

اهدایی، بلیت رایگان نمایش و یا سفر رایگان به مجمع‌الجزایر زیبای «سیشلز» وجود دارد؟

● تأثیر دریافت هدایای بیش از حد متعارف، بر معیارها چیست؟

● هنگام مصاحبه با کودکان، روزنامه‌نگاران چه ملاحظاتی را باید در نظر بگیرند؟

● آیا گزارشگر مجاز است با والدین دانشجویی که دست به خودکشی زده است، تماس

بگیرد؟

● آیا روزنامه‌ها می‌توانند ستون‌هایی از روزنامه خود را به مطالب مبلغین مسیحی اختصاص

بدهند ولی ادیان دیگر را نادیده بگیرند؟

● تا چه اندازه روزنامه‌ها، امکان پاسخگویی به مطالب غیرواقع را برای خوانندگان فراهم

آورده‌اند؟

● روزنامه‌نگاران هنگام برخورد با بیماران روانی، چه ملاحظاتی را باید مراعات کنند؟

● حفظ منابع خبری روزنامه‌ها تا چه اندازه برای روزنامه‌نگاران دارای اهمیت است؟

● آیا «روزنامه‌نگاری دسته چکی» یعنی پرداخت پول به منابع خبری برای کسب خبر،

مجاز است؟

● آیا نقض حریم خصوصی افراد برای تهیه خبر، مجاز است؟ آیا معیارهای متفاوتی برای

اشخاص معروف و عامه مردم وجود دارد؟

● تا چه میزان تعهد به احزاب سیاسی یا فعالیت در جنبش‌ها، با مسائل حرفه روزنامه‌نگاری

و جنبه حفظ عدالت و بی‌طرفی در این حرفه، سنخیت دارد؟

● آیا روزنامه‌ها مجازند اطلاعات نادرستی را که از سوی دولتها در زمان جنگ (یا حتی

صلح) اعلام می‌شود، ارائه کنند؟

● آیا نقض تحریم‌ها مجاز است؟

● آیا پرداختن به مسائل سلیقه‌ای و یا کاربرد عکسهای «جنجال برانگیز» و یا زبان عاری از

نزاکت امکان‌پذیر است؟

● تا چه میزان کاربرد زبان در روزنامه، در مصطلح ساختن بعضی کلمات در جامعه مؤثر

است و چگونه روزنامه‌نگاران می‌توانند با این مسأله مقابله کنند؟
 برای درک ارتباط این بحث‌های اخلاقی با آنچه عملاً در حرفه روزنامه‌نگاری وجود دارد،
 بایستی با روزنامه‌نگاران مختلف جهان گفت‌وگو کرد.

تاریخچه کوتاهی از فعالیتهایی که برای ارتقای معیارهای مطبوعات صورت گرفته است

از زمان جنگ جهانی دوم، معیارهای مطبوعاتی در انگلیس بارها از دولتمردان و سیاستمداران
 تأثیر پذیرفته است. هیأت‌های تحقیق سلطنتی مأمور بررسی مطبوعات شده‌اند و به بررسی
 مسائلی از قبیل غرض‌ورزی‌ها، نشر موارد نادرست، جنجال برانگیزی، پرداختن به مسائل
 بی‌اهمیت، نقض حریم شخصی و دخالت‌های تملک‌جویانه در مطبوعات پرداخته‌اند. ولی تمام
 این فعالیتها، نتیجه خاصی در بر نداشته است و طرح درخواستهایی برای اصلاحات در
 مطبوعات، از سوی دست‌اندرکاران مطبوعاتی نادیده گرفته شده است.

اولین هیأت تحقیق سلطنتی (۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹) به دلیل تشدید انحصارگرایی در مطبوعات
 تشکیل شد و فعالیتهای افرادی چون لرد «روترمیر» صاحب روزنامه «دیلی میل»، لرد
 «بیوربروک» صاحب روزنامه «دیلی اکسپرس» و همچنین لرد «کمسلی»، صاحب نشریات
 «دیلی اسکچ» «دیلی گرافیک» و ساندی‌تایمز، تحت نظارت دقیق هیأت قرار گرفت.

«بیوربروک» با صراحت تمام در برابر هیأت تحقیق اعلام کرد که تنها هدف وی از نشر
 روزنامه، تبلیغات صرف بوده و انگیزه‌ای جز این نداشته است. با وجود این، هیأت تحقیق که
 ریاست آن با سر «ویلیام روس»، فیلسوف و رییس دانشگاه آکسفورد بود نتوانست نتیجه‌گیری
 کند که این حرفه در خطر روزافزون انحصارگری‌های شدید قرار دارد.

همچنین این هیأت نتوانست تلاش جمعی صاحبان تبلیغات را در تأثیرگذاری بر سیاست
 روزنامه‌ها اثبات کند. اما این هیأت، نگرانی خود را در مورد اعمال غرض‌ورزی‌های سیاسی،
 نشر موارد نادرست و پرداختن به مسائل بی‌اهمیت در مطبوعات اعلام نمود. این هیأت،

طرحهای پیشنهادی در مورد اعمال محدودیت روزنامه‌ها و کاهش تیراژ و عواید آنان و همچنین قانون منع نقض حریم شخصی از سوی مطبوعات را رد کرد.

برجسته‌ترین اقدام هیأت، پیشنهاد تأسیس شورای عمومی مطبوعات برای تضمین آزادیهای مطبوعاتی و ارتقای حس مسؤولیت اجتماعی در روزنامه‌نگاران بود. پس از گذشت چهار سال در ۲۱ جولای ۱۹۵۳، شورای عمومی مطبوعات تشکیل گردید. اولین تصمیم این شورا، بررسی مسأله نظرسنجی نشریه «دیلی میور» در این مورد بود که آیا ازدواج پرنسس «مارگارت» با سرهنگ نیروی هوایی «تانزند» باید انجام گیرد یا خیر؟ که این امر با آداب روزنامه‌نگاری انگلیسی، در تناقضی آشکار قرار داشت (و بیانگر آن بود که تا چه حد تصمیم‌گیری هیأت تحقیق سلطنتی در مورد ماهیت این شورا تحریف شده است).

دومین هیأت تحقیق سلطنتی در سال ۱۹۶۱ تشکیل شد. این بار نیز توجه هیأت به مسأله انحصارگرایی در مطبوعات معطوف بود. این هیأت به ریاست لرد «شاکراس» از حزب کارگر و دادستان کل سابق، تشکیل شد و اولین اقدامش، انتقاد نسبت به عدم تحقق پیشنهادات هیأت اول در سال ۱۹۴۹ از دست‌اندرکاران مطبوعاتی بود.

همچنین این هیأت بر اهمیت عضویت افراد غیر حرفه‌ای در شورای عمومی مطبوعات تأکید ورزید. از این رو در جولای سال ۱۹۶۳، شورای مطبوعات با ۲۰ نماینده از نشریات و ۵ عضو غیرحرفه‌ای آغاز به کار کرد.

هیأت، نخست پیش‌بینی کرده بود که افزایش قابل توجهی در سهم مالکان عمده مطبوعات مشاهده نخواهد شد. اما گذشت زمان خلاف این امر را نشان داد. در سال ۱۹۶۲، سه نفر از صاحبان عمده مطبوعات، ۸۹ درصد سهم کل مطبوعات روزانه سراسری را در دست داشتند. انحصارگرایی در نشریات ادواری روبه افزایش بود و تنها در هفته‌نامه‌های محلی، نقش مالکان عمده مطبوعات زیاد چشمگیر نبود.

در همین راستا، تشکیل دادگاه بررسی مسأله ادغام مالکیت مطبوعات پیشنهاد شد. قانونی که در سال ۱۹۶۵ تصویب گردید، برخی از نکات این ایده را در برداشت. براساس این قانون،

مالکیت‌های عمده مطبوعاتی بایستی مورد تأیید وزیر قرار می‌گرفت. اما «جیمز کارن» و «جین سیتون» دو روزنامه‌نگار برجسته انگلیسی، در این مورد می‌گویند: «تأثیر این قانون بر مطبوعات را می‌توان از این امر دریافت که در سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۷ حتی یک درخواست از ۵۰ درخواست مالکیت روزنامه‌ها از سوی مالکان عمده مورد مخالفت قرار نگرفت.»

نکته قابل توجه این که «روبرت مردوخ» در سال ۱۹۸۱، اجازه خریداری ساندی تایمز و تایمز را دریافت کرد و بدین گونه بدون کوچکترین مانعی در برابر این انحصارگرایی مالکیت ۳۰ درصد نشریات روزانه سراسری و ۳۱ درصد نشریات سراسری روزهای یکشنبه را در دست گرفت.

پس از آن که دولت کارگری، لایحه حق عمومی حریم شخصی را رد کرد، هیأت دیگری در مورد حفظ حقوق حریم شخصی در سال ۱۹۷۰ تشکیل شد. این هیأت، مسائل بسیاری را بررسی کرد. برای نمونه: مسأله تعارض حق کسب اطلاعات از سوی خبرنگار با حفظ حریم شخصی افراد، و این مسأله که تهیه گزارشی از سوی یک گزارشگر ممکن است بیش از آن که منافع عموم را دربر داشته باشد، حریم شخصی افراد را نقض کرده و موجب آزار افراد شود که این مسأله بالاخره مغایر قانون حفظ حریم شخصی شناخته شد.

سومین هیأت تحقیق سلطنتی پس از انجام سلسله تحقیقاتی در سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ با ابراز نگرانی گزارش داد که سه مالک عمده مطبوعات بازار عمده نشریات روزانه و هفته‌نامه‌های سراسری و مالکیت روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی را در اختیار دارند. این هیأت همچنین با انتقاد از عملکرد شورای مطبوعات، ۱۲ پیشنهاد را برای تغییر روشهای عملی این شورا ارائه داد. اما این پیشنهادها پذیرفته نشد و این شورا همچنان بدون قدرت اجرایی و اطمینان لازم برای مدیریت و نمایندگی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران باقی ماند.

گزارش «کلکات» در مورد حفظ حریم شخصی و مسائل مربوطه

در سال ۱۹۸۹، در پی بروز بحثهایی مبنی بر دخالت مطبوعات در زندگی خصوصی افراد، دولت تاجر هیأتی را مأمور تحقیق و بررسی مفاد قانون حفظ حریم شخصی کرد. پیش از آن، لایحه حق پاسخگویی به افراد، از سوی نمایندگان مجلس و اعضای حزب کارگر نظیر «فرانک آلان»؛ «آن کلیود» و «تونی ورتینگتون» و همچنین لایحه حفظ حریم شخصی افراد از سوی نماینده محافظه کار مجلس «جان براون» در پارلمان انگلیس مطرح شده و رأی لازم را کسب کرده بود.

این هیأت که ریاست آن را «دیوید کلکات»، رییس کالج «ماگدالین» در کمبریج بر عهده داشت، شواهد بسیاری از افراد مختلف جمع آوری کرد. به عنوان نمونه، پدر یک هنریشه فیلم «ایست اندرز» که دست به خودکشی زده بود، از دخالت های بی مورد مطبوعات در مسأله خودکشی پسرش، شکایت کرده بود. ولی همان گونه که انتظار می رفت، پیشنهاد این هیأت مبنی بر دخالت قانون حفظ حریم شخصی در ایجاد محدودیت در فعالیتهای مطبوعاتی گزارشگران و خبرنگاران، اعتراض گسترده سردبیران و مقاله نویسان مطبوعات را در پی داشت.

دست اندرکاران مطبوعات، واکنش تندی نسبت به درخواست هیأت، مبنی بر تشکیل هیأت ناظر رسیدگی به شکایات مطبوعاتی به جای شورای مطبوعات نشان دادند و بر آن شدند تا این قانون را تغییر دهند. با این که یکی از اعضای هیأت، «برایان هیتن» سردبیر روزنامه «دیلی استار» بود، اما اولین قدم هیأت، انتقاد از روزنامه «استار» به خاطر انتشار گزارشی از پیشنهاد کمیته منتخب مبنی بر پذیرش ورود همجنس بازان به ارتش، در صفحه اول روزنامه بود.

اغلب روزنامه های سراسری نیز افرادی را به عنوان مسؤول بررسی شکایات خوانندگان به کار گماردند. در حالی که، بر اساس بند ۱۹ شکواییه، «شواهد بیانگر آن است که مسؤولان بررسی شکایات مردم، نقش ناچیزی در روند انتشار شکایات دارند.»

دومین گزارش کلکات در مورد حفظ حریم شخصی و مطبوعات

در ژانویه ۱۹۹۳، کلکات (که به لقب «سر» نیز نایل شده بود)، دومین گزارش خود را در مورد مطبوعات و مسائل حفظ حریم شخصی افراد، ارائه نمود. هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی نیز به بی‌کفایتی و دخالت بیش از اندازه دست‌اندرکاران مطبوعاتی در مسائل مربوط به آن متهم شد. توجه «کلکات» بیشتر بر مسأله افشای اسرار از سوی «اندرو مورتون» در کتاب «پرنسس دایانا»، متمرکز بود. در این داستان به افتضاح جنسی اشاره شده بود که اشخاص مشهوری مانند «پادی اشدان» رهبر لیبرال دموکراتها و «دیوید ملور» وزیر میراث ملی در آن دخالت داشتند. بخشی از گزارش نیز به نشریه «پی‌پل» اختصاص داشت که با چاپ تصاویری از جمله تصویر کودکی از خاندان سلطنتی که برهنه در حال دویدن بود، عملکرد هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی را تحقیر کرده بود.

در واکنش نسبت به این مسأله، کلکات از سوی گزارشگران پیشنهاد کرد مطبوعاتی که در حریم خصوصی افراد دخالت می‌کنند و گزارشگران مطبوعاتی که از ابزار استراق سمع استفاده می‌کنند پنج هزار پوند جریمه شوند. روزنامه‌نگاران در دفاع از خود اعلام کردند که این اقدامات و استفاده از این وسایل؛ برای پیشگیری، پیگیری و افشای جرایم و رفتارهای ضد اجتماعی و همچنین ممانعت از گمراهی مردم در نتیجه برخی گفته‌ها و اعمال غیر مقبول افراد مسؤول است.

دولت «جان میجر»، واکنش مثبتی نسبت به این مسأله نشان داد و طرح تثبیت قانون حفظ حریم شخصی را پیشنهاد داد. در عین حال، این مسأله مورد تأکید قرار گرفت که این محدودیتها مشمول عملکرد نیروهای امنیتی نخواهد بود. همان‌گونه که نشریه «یوکی پرس گازت» نوشت:

بزرگترین عامل نقض حریم شخصی افراد، نیروهای امنیتی هستند؛ دخالت‌های روزمره آنان هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد و معمولاً بدترین عواقب را نیز برای زندگی و اشتغال افراد به دنبال دارد. در مقایسه با آنان، دخالت‌های عوامل مطبوعاتی بسیار ناچیز است.

دولت نسبت به نظریاتی که از سوی نماینده مستقل مجلس عوام انگلیس «کلایوسولی» برای تقویت قانون کیفری در مورد مطبوعات ارائه شد، تردید بیشتری نشان داد. بدین سان، پیشنهاد کمیته منتخب میراث ملی، مبنی بر تشکیل هیأتی داوطلب، با داشتن اختیار تعیین جریمه برای روزنامه‌های خاطی، حمایت دولت یا روزنامه‌نگاران برجسته را کسب نکرد.

هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی در پاسخ به این بحثها، به اقداماتی دست زد؛ این هیأت، مواد جدیدی در مورد استفاده از وسایل استراق سمع و لنزهای تله فوتو را به اصول و ضوابط حرفه‌ای افزود و همچنین شمار اعضای غیرحرفه‌ای هیأت را افزایش داد.

اینها از جمله مسائلی است که روزنامه‌نگاران در حرفه خود با آن مواجه‌اند. پس چرآنظر روزنامه‌نگاران را در مورد ارائه قانون حفظ حریم شخصی جویا نشویم؟ آیا آنان تاکنون از وسایل استراق سمع برای پیگیری گزارشی استفاده کرده‌اند؟ آیا آنان طرح این بحثها را بی‌مورد می‌دانند؟ آیا روزنامه‌ای که شما با آن سروکار دارید، به‌نگام نشر مطالب نادرست، حق پاسخگویی برای خوانندگان را تأمین کرده است؟

چه راهی در پیش است؟

شکی نیست که بررسی دقیق مسائل اخلاقی حرفه‌ای، یک ضرورت است. از این رو، اقداماتی که در جهت کاهش تمرکز مالکیت انحصاری بر مطبوعات صورت می‌گیرد، از اولویت عمده‌ای برخوردار است. دولتهای اتریش، فرانسه، هلند، نروژ و سوئد برای نشریاتی که با مشکلات مالی مواجه‌اند و همچنین برای افزایش تنوع نشریات، یارانه‌هایی را در نظر گرفته‌اند. در کشور انگلیس نیز باید اقداماتی از این قبیل صورت پذیرد. به همین صورت، روش‌هایی که به استقلال سردبیری نشریات از مالکیت‌های انحصاری کمک می‌کند نیز بایستی مورد حمایت قرار گیرد. از این نظر، روزنامه‌نگاران می‌توانند از سایر همکاران خود در قاره اروپا الگو بپذیرند. در آلمان، برخی روزنامه‌ها، نظر هیأت تحریریه را در تصمیمات سردبیری و انتخاب سردبیر دخالت می‌دهند. در نروژ، قانون و ضوابط سردبیران که در سال ۱۹۵۳ مورد تصویب قرار گرفته

و در سال ۱۹۷۳ نیز مورد تجدید نظر واقع شد، از سوی دادگاهها به‌عنوان مظهري از عرف در حقوق عرفی شناخته می‌شود. بر اساس این قانون، سردبیران در تصمیم‌گیری برای آنچه باید انتشار یابد، اختیار تام دارند و اعضای هیأت تحریریه نیز برای مقابله با دخالت‌های صاحبان روزنامه‌ها از قدرت قابل توجهی برخوردارند. در ماده ۱۹ چنین آمده است:

صاحبان روزنامه‌هایی که در تصمیمات سردبیری دخالت کرده‌اند، حمایت اعضای تحریریه را از دست داده‌اند؛ در یک مورد، روزنامه‌ای در معرض ورشکستگی قرار گرفت؛ زیرا اعضای تحریریه آن به‌دنبال دستور صاحب روزنامه مبنی بر حذف مقاله‌ای که در مورد مسائل حرفه‌ای خانواده وی بود، از حضور در سرکارشان امتناع ورزیدند. حمایتی که روزنامه‌نگاران نسبت به این اصل و همچنین اقتدار سردبیری ابراز داشته‌اند، تأثیرات بالقوه منفی را که از مالکیت انحصاری مطبوعات ناشی می‌شود کاهش داده است.

مقابله با تعصبات غالب در جنسیت

آیا باز هم همان بحث قدیمی است؟

در حرفه روزنامه‌نگاری برای برخی از معضلات اخلاقی نمی‌توان راه حل آسانی به دست داد. حتی هنگامی که در مورد اهمیت اصول مشخصی (مانند گرایش‌های ضدطبقاتی، ضدنژادپرستی) اتفاق نظر وجود دارد، در خصوص روش‌های به‌کارگیری آن اختلاف‌نظرهایی بروز خواهد کرد. در حالی که خط‌مشی‌ها و گرایش‌های مشخصی بر جریان کلی رسانه‌ها حاکم است، هر روزنامه‌ای فرهنگ متمایز خویش را دنبال می‌کند. برای مثال، آنچه در یک روزنامه ممکن است، شاید در روزنامه‌ای دیگر امکان‌ناپذیر باشد.

در برخورد با مسأله جنسیت در حرفه روزنامه‌نگاری، روش‌های مختلفی مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه، زمانی که به تازگی کاری را شروع کرده‌اید ممکن است در مورد مسائل اخلاقی حرفه‌ای خود اظهار نظر چندانی نکنید و آن را برای موقعی بگذارید که در حرفه خود اعتباری کسب کرده‌اید.

ممکن است مسائل اخلاقی حرفه‌ای خود را از طریق اتحادیه‌های حرفه‌ای دنبال کنید.

روزنامه شما ممکن است به طور متداول تصویر دست چندی از زنان ارائه دهد، در حالی که نقش مردان را برجسته جلوه می دهد. در برخورد با این مسائل ممکن است با احتیاط عمل کرده و در مورد آنها با همکاران به بحث بپردازید و همچنین آزادانه بتوانید مقاله و منابعی را انتخاب کنید که به مسأله جنسیت پرداخته است. یا اینکه ممکن است بحث در مورد مسأله جنسیت را همان مبحث خسته کننده قدیمی که از تعصبات سیاسی ناشی می شود، تلقی کرده و طرح آن را بی ارزش بدانید.

برخی از روزنامه نگاران حتی هنگامی که تصمیمی خارج از مسائل اخلاقی حاکم بر جریان مطبوعات اتخاذ می کنند، کار کردن در مطبوعات، سازش های اخلاقی بسیاری بر آنان تحمیل می کند. آنان ممکن است تعصبات نژادپرستی، جنسیتی و طبقاتی را بیش از اندازه تثبیت شده بدانند و مقابله دایمی با این مسائل، خسته کننده و بی نتیجه تلقی شود. در مقابل ممکن است جریان های فرهنگی، مطبوعات کم تیراژ را رشد یابنده تر و سازگارتر با خط مشی حرفه روزنامه نگاری قلمداد کنند. هر جا را که برای اشتغال انتخاب کنید، برخورداری از حس طنز و میل به قرار دادن دیدگاه های خود در معرض نقد، همیشه ارزشمند خواهد بود.

روش طرح پرسش

چون بحث های اخلاقی معمولاً در حاشیه فرهنگ غالب روزنامه نگاران قرار دارد، طرح پرسش های مربوط به آن، به منزله اولین گام، اقدامی مهم در این زمینه تلقی می شود. برخی پرسش های اخلاقی از توزیع ناعادلانه قدرت در جامعه ناشی می شود و معمولاً بر روی افراد «تحت ستم» از قبیل زنان، کودکان، سالمندان، معلولان و گروه های اقلیت قومی تاکید می کنند. همچنین اغلب پرسشها در مورد چگونگی کاهش تبعیض های متداولی است که علیه این گروهها اعمال می شود.

اما آیا تأکید بر این گروهها به عنوان قربانی، کار درستی است؟

مسأله تعصبات جنسی

تعصبات جنسی معمولاً در حول و حوش یکی از پرسشهای زیر می‌باشد:

- آیا ارائه تصویر حقارت‌آمیز از زنان و وجود گرایش‌های تعصب‌آمیز جنسی، خشونت علیه زنان را افزایش می‌دهد؟ آیا باید این نوع نگرش را تحریم نمود؟
 - آیا پیروی از روشهای معمول؛ نقش زنان، فعالیتها و دیدگاههای حامی مسائل زنان را به امری حاشیه‌ای تبدیل می‌کند؟
 - صفحات ویژه زنان در روزنامه‌ها در تداوم و یا تقابل با تعصبات جنسی چه نقشی بر عهده دارند؟ آیا باید مانع همکاری مردان در صفحات زنان شد؟
 - آیا تصویر زنان در اغلب نشریات به‌عنوان قربانیان خشونت و هتک حرمت و چیزهایی از این قبیل نشان داده شده است؟ آیا می‌توان با طرح مسائل زنانی که به‌طور فردی و یا جمعی علیه نشانه‌های قربانی بودن و عذابهای ناشی از آن تلاش کرده‌اند، قدری در مطالب ویژه زنان، تعدیل ایجاد نمود؟
- مطالب بسیار مهمی هست که در زمان و مکان مناسب، ارزش پرداختن به آنها وجود دارد. به عنوان نمونه، تمامی گزارشگران بایستی نسبت به مسائلی که از سوی حامیان حقوق زنان مطرح می‌شود، آگاهی داشته و با طرح مسائل زنان به صورت حاشیه‌ای، آنچنان که در مطبوعات مرسوم است، مقابله کنند. در گزارشها و مقالات، تا آنجا که امکان دارد بایستی به گوناگونی جنسیت (همچنین در مورد نژاد و طبقه) در فرهنگ عامه پرداخته شود.
- سردبیران بایستی متقاعد شوند که پرداختن به مسائل زنان در چند صفحه ویژه مقالات ساده کافی نیست. آیا همان گونه که روزنامه‌ها، دارای کارشناس مسائل دفاعی و زیست محیطی هستند، نباید از کارشناس مسائل زنان نیز برای پرداختن به اخبار مربوط به زنان در روزنامه‌ها بهره جویند؟

مردان و تعصبات جنسی

طرح این پرسشها، زنان را دچار مشکل می‌سازد، بگذارید به جای پرداختن به زنان، به مردان بپردازیم. تا چه اندازه، نقش مردان در مطبوعات همراه با پیش‌داوری مطرح شده است؟ تا چه اندازه تصویری که از مردان در مطبوعات ارائه می‌شود، با برجسته نمودن پایداری، خشونت، قدرت، نظامی‌گری، قهرمانی و پیروزی مردانه همراه است؟ آیا منتقدان، مسئولیت مقابله با ارائه چنین پیش‌ذهنهایی را از مردان در فیلمها، نمایشها، کتابها و مطبوعات بر عهده ندارند؟

تا چه اندازه مطبوعات، در ترغیب مردان برای دور ماندن از دلمشغولی‌های عاطفی، مشکلات شغلی و یا نقش سنتی خود در مسائل خانه و تربیت فرزندان می‌کوشند؟ تا چه اندازه مطبوعات در بهبود واکنش مردان در قبال خشونت‌های جنسی علیه زنان و یا آزارهای جنسی علیه آنها در محیط‌های کاری تلاش می‌کنند؟

ذکر این نکته که گاه تعصبات جنسی، به نفع زنان تمام می‌شود، به پیچیدگی این بحث می‌افزاید. برخی خبرنگاران مسائل خارجی که زن هستند بر این باورند که جنسیت آنان و عدم توجه به زنان در برخی جوامع، گاه امکان دستیابی به مکانهایی را که مردان قادر به حضور در آنجا نیستند، برایشان فراهم می‌سازد. سردبیران معمولاً به این علت که مردان با مصاحبه‌کنندگان زن راحت‌تر صحبت می‌کنند، ترجیح می‌دهند که زنان را به منزلهٔ مسئول نگارش مقالات تشریحی، تعیین کنند.

زبان مردانه

معمولاً طرح مسائل زنان به صورت حاشیه‌ای و همچنین برجسته نمودن ارزشهای مردانگی در مطبوعات، از سیاست خاصی ناشی نمی‌شود. بلکه این مسأله در نتیجه شکل‌گیری فرهنگ سیاسی با نگرشهای مشخص در قبال مسائل خاصی ایجاد می‌شود.

یکی از زمینه‌هایی که تمایز جنسی نمادی آشکار دارد، زمینهٔ زبان است. معمولاً تعصبات

مردانه غالب در زبان، نقش زنان را نامحسوس می‌سازد. مقابله با این تعصبات کار آسانی نیست. برخی از کتابهای مربوط به شیوه نگارش در روزنامه‌ها که به سبک روزنامه‌ای نگارش می‌یابند، معمولاً به جز استفاده از واژگان «Ms»، «Miss»، «Mrs» از ذکر موارد ناشی از تمایز جنسی خودداری می‌کنند. نشریه تایمز در مورد واژه «میز» (MS) این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «این واژه در زبان انگلیسی و آمریکایی هم برای زنان مجرد و هم متأهل به کار می‌رود.» اکنون اغلب روزنامه‌ها کاربرد واژه «میز» (MS) در موارد مناسب را پذیرفته‌اند و همچنین زمانی که بتوان از ضمیر «They» (که به هر دو جنس - هم زن و مرد - اطلاق می‌شود) استفاده کرد از ذکر واژه «He» یا «She» خودداری می‌کنند. بحث در مورد تغییرات رایج در شیوه‌های نگارش کتاب، معمولاً زمینه بحث برای پرداختن به مسائل کاربرد زبان را فراهم می‌کند. اما معمولاً تغییرات در شیوه‌های نگارش به دست نخبگان صورت می‌پذیرد و مشارکت سایر افراد نیز در این زمینه اندک است. در شرایط خاصی می‌توان در بحث مقابله با پیش‌داوری‌های جنسی زبان در اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران مشارکت نمود. برای مشارکت در این امر، اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران با انتشار راهنمای کاربرد واژگان، لغاتی را که نشریات برای دوری جستن از تعصبات جنسی بایستی از کاربرد آن خودداری کنند و همچنین واژگان جایگزین آن را ارائه داده است.

فقط مسأله «سیاه و سفید» نیست

مطبوعات و نژادپرستی

می‌توان این‌گونه استدلال کرد که مطبوعات انگلیس در زمینه نژادپرستی به بدترین شکل ممکن عمل می‌کنند. در زمینه کاربرد واژگان، آنان بیش از اندازه در برابر سایر ملیتها موضع منفی می‌گیرند. کاربرد عباراتی مانند «موشهای عرب»، «فرانسوی‌های مضحک»، «بلژیکی‌های کسل‌کننده» و «ایرلندی‌های تنبل» در موسیقی پاپ بسیار معمول است.

اما از آنجایی که سرکوب نژادپرستانه از لحاظ تاریخی در پیشینه سلطنتی انگلیس ریشه دارد، آیا مطبوعات انگلیس که تقریباً بخشی از این سیستم اقتصادی غالب محسوب می‌شوند، باید در ارزشهای خبری جمعی، منعکس‌کننده این تعصبات نژادی باشند؟ همان‌گونه که «ماکس هاستینگر»، سردبیر «دیلی تلگراف» می‌گوید: «در انعکاس اخبار، به‌طور نهانی از گرایش‌های نژادپرستانه بر حذر نیستیم. برای نمونه، به این دلیل که مردم بوسنی از نظر قیافه و ظاهر شبیه ما هستند و قادرند انگلیسی صحبت کنند، ما به مسائل آنان و آنچه بر آنان می‌گذرد، بیش از آنچه بر مردم سودان می‌گذرد، توجه داریم و با بوسنیایی‌ها بیش از سودانی‌ها همدردی می‌کنیم.»

اغلب مسائل نژادی، پرسشهای بسیاری را مطرح می‌سازند. مثلاً، شما سرگرم نگارش مقاله‌ای در مورد رویدادی هستید که در خیابانی از شهرتان اتفاق افتاده است، و تقریباً تمامی منابع خبری حاکی از آن است که اهالی آن محل خواستار خروج پاکستانی‌ها از آنجا هستند، شما چه می‌کنید؟ آیا دقیقاً تمام مطالب مطرح نژادپرستانه در مورد این رویداد را در آن مقاله منعکس می‌کنید؟ یا این که سخنان سایر افراد را که با این مسأله موافق نیستند نیز در مقاله خود می‌آورید؟ آیا اگر تمامی سخنان افراد در حمایت از پاکستانی‌ها بود نیز همین‌گونه برخورد می‌کردید؟

مورد دیگری را در نظر بگیرید. شما تنها زن سیاهپوستی هستید که در یک روزنامه مشغول به کارید و همچنین دیگر از این برجسب «سیاه ستم‌دیده» که از سوی افراد ضد نژادپرستی با شور و شوق ادامی‌شود، خسته شده‌اید. شما فقط مایل‌اید کارتان را خوب انجام داده و فردی موفق باشید. آیا اگر به شما کاری تحت عنوان کارشناس مسائل اقلیتهای قومی پیشنهاد شود، آن را می‌پذیرید؟

علی‌رغم مشکلاتی که در این امر وجود دارد، گزارشگران موظف‌اند با مسأله کم توجهی به مسائل اقلیتهای قومی در مطبوعات به‌طور جدی برخورد کنند. با آن دسته از منابع خبری ثابت که بر این کم توجهی دامن می‌زنند نیز بایستی مقابله شود، گرچه تحقق این مسأله در

روزنامه‌های مختلف، یکسان نخواهد بود. اقداماتی که در جهت افزایش تعداد روزنامه‌نگاران سیاهپوست صورت می‌گیرد، مانند اعطای کمک هزینه تحصیلی و سایر امکانات به آنان بایستی مورد حمایت قرار گیرد.

اغلب اوقات، تأکید مطالب روزنامه‌ها که در مورد گروه‌های اقلیت قومی انتشار می‌یابد روی مشکلاتی از قبیل آشوبها، خشونت‌ها، جرایم و مواد مخدر دور می‌زند. به همین ترتیب، تصویر اغراق آمیزی که از بنیادگرایی اسلامی در مطبوعات ارائه می‌شود به نحوی است که این مسأله ثبات جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهد. همچنین بررسی احساسی مسائل نژادپرستی در مطبوعات موجب افزایش هراس مردم می‌شود. اغلب روزنامه‌ها بایستی این مسائل را در شیوه‌های نگارش مطالب خود مد نظر قرار داده و روشهایی را برای مقابله با این پیش‌داوری‌ها به کار بندند.

عدم دقت در شیوه کاربرد زبان در مطبوعات بر مسأله نژادپرستی در مطبوعات دامن زده و موجب تداوم آن می‌گردد. بنابراین، روزنامه‌نگاران بایستی در کاربرد واژه «سیاه» در مطالب خود، خیلی با احتیاط عمل کنند. روزی که انگلیس در سال ۱۹۹۲، از سیستم تعیین قیمت ارزهای اروپایی خارج شد، «چهارشنبه سیاه» نامیده شد.

آیا روزنامه‌نگاران بایستی قبل از کاربرد چنین توصیف‌هایی، هشیارتر عمل کنند؟

آیا بایستی برای اصطلاحاتی مانند «لکه سیاه» که به معنای محل تصادف و «پای سیاه» که به

معنای نقض کننده اعتصاب در زبان انگلیسی کاربرد دارد، جایگزین مناسبی یافت؟

اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران، رهنمودهایی را در مورد پرداختن به مسأله نژادپرستی و همچنین تهیه گزارش از گروه‌های نژادپرست ارائه داده است که روزنامه‌نگاران می‌توانند به آن مراجعه کرده و موارد آن را به کار بندند.

اول مردم؟

مسأله معلولیت

در حالی که افراد معلول، یک دهم جمعیت را تشکیل می‌دهند، با این حال مسائل آنان در مطبوعات معمولاً در حاشیه قرار می‌گیرد و خیلی به ندرت به مسائل آنان پرداخته می‌شود و همچنین پیش‌داوری‌های رایجی در رسانه‌ها در مورد آنان به کار می‌رود.

پرداختن به مسائل معلولان، روزنامه‌نگاران را با مجموعه‌ای از مسائل اخلاقی روبه‌رو می‌سازد که در طرح «اول مردم»، از سوی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران و «مبارزه برای آزادی مطبوعات و خبرگزاری‌ها» مورد تأکید قرار گرفته است.

بر اساس این طرح، گزارشگران هرگز نباید تصور کنند که مخاطبان آنان افراد کاملاً تندرست هستند. در مورد آگهی‌ها نیز روزنامه‌ها، مسئولیت اتخاذ شیوه‌هایی برای دستیابی معلولان به آن را بر عهده دارند. همچنین، با ارزشهای خبری سنتی نیز که به مسائل معلولان کم توجهی کرده و فقط در ستونهای ویژه‌ای به مسائل آنان می‌پردازد بایستی مقابله شود.

این طرح مقابله، پرسشهای بسیاری را در این زمینه مطرح می‌سازد: تا چه میزان مسائل افراد معلول از سوی کارشناسان تندرستی در مطبوعات منعکس می‌شود؟ و تا چه اندازه با مسائل معلولان، احساسی برخورد می‌شود؟ اغلب، پیش‌داوریهای مربوط به مسأله معلولیت، این نظریه را که امور خیریه می‌تواند مشکلات آنان را حل کند، ترویج می‌کنند و همچنین این دیدگاه را مبنی بر لزوم تغییرات سیاسی و اقتصادی برای پایان بخشیدن به تبعیضاتی که معمولاً بر آنان روا داشته می‌شود، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

به همین گونه، در برخوردهای احساسی اغلب صفاتی از قبیل شجاع، قربانی دردناک، سپاسگزار، همواره قانع، ترحم‌انگیز برای افراد معلول آورده می‌شود. اما واقعاً تا چه اندازه به این مسأله توجه می‌شود که ممکن است آنان سیاهپوست هم باشند؟

زبان

همان گونه که در بسیاری از شیوه‌های نگارش خاطرنشان می‌شود، کاربرد واژه «افراد معلول» بهتر از کاربرد واژه «معلولان» است؛ زیرا هنگام استفاده از واژه «معلولان» صرفاً بر مسأله معلولیت آنان تأکید شده و شخصیت آنان نادیده گرفته می‌شود. از کاربرد واژگانی مانند «افلیج»، «کروال» و «غیر عادی» بایستی پرهیز شود. از کاربرد واژه‌هایی که به مسأله معلولیت اشاره دارد در واژگان و عبارات منفی باید پرهیز کرد. برای نمونه، «اردک لنگ» و یا «حماقت کور»^(۱) و «کر در برابر منطق». عبارت «دارای مشکل فیزیکی» به منزلهٔ جاننشینی برای واژه «معلول» پذیرفته نشده است.

در پرداختن به مسائل افراد مبتلا به ایدز

از ارائه نشانه‌های مبتلایان پرهیز شود

هنگام پرداختن به مسائل افراد مبتلا به ایدز، روزنامه‌نگاران با مسائل اخلاقی ویژه‌ای روبه‌رو می‌شوند. تهیه گزارش در مورد بیماری ایدز در اوایل دهه ۱۹۸۰، در پایین‌ترین سطح خود بود؛ زیرا افراد مبتلا را معمولاً همجنس‌بازان، معتادین به موادمخدر و آفریقایی‌هایی که معمولاً در حاشیهٔ مسائل مطرح در مطبوعات قرار می‌گیرند، تشکیل می‌دادند. از آن زمان به بعد پرداختن به مسائل مربوط به بیماران ایدزی، با ایجاد فضایی از «دردهای اخلاقی» و هراس دایمی از موقعیتهای خطرناک و به‌طور کلی از عمل جنسی، به طرز اغراق آمیزی همراه شد. برخی از کتابهای شیوه نگارش نشریات، زمینه‌هایی را که نیازمند رعایت اصول خاصی در نگارش است مشخص کرده‌اند. مثلاً در کتاب شیوه نگارش رویت در خصوص تهیه گزارش در مورد ادعاهایی که برای ارائه راههای درمان بیماری ایدز صورت می‌گیرد، چنین آمده است:

۱- اردک لنگ نیز تقریباً با عبارت «گره‌گر» در زبان فارسی معادل است. مترجم.

اگر ادعایی که در مورد ارائه راه تازه درمان بیماری ایدز یا سرطان مطرح شده از منابع موثق نیست، قبل از انتشار و یا مخالفت با انتشار آن، این ادعا بایستی از سوی کارشناسان مسائل پزشکی بررسی شود. اگر چنین مطلبی به چاپ رسید، بایستی دلایلی نیز که برای اثبات آن ادعا از سوی مراجع صلاحیت‌دار عنوان شده است همراه مطلب فوق انتشار یابد.

در اطلاعیه‌ای که از سوی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران و مسئولان آموزش بهداشت تحت عنوان «اچ.آی.وی و ایدز: کتاب راهنما برای روزنامه‌نگاران» به چاپ رسیده، چنین آمده است: روزنامه‌نگاران بایستی از انتشار گزارش‌های نادرست مبنی بر انتقال ویروس ایدز از طریق تماس‌های معمولی مانند بوسیدن خودداری ورزند. ویروس ایدز تنها از طریق تماس‌های نزدیک جنسی، استفاده مشترک از سوزن‌های تزریق که معمولاً از سوی معتادان به مواد مخدر صورت می‌گیرد، انتقال خون و از طریق مادر مبتلا به ایدز در دوران بارداری به نوزاد، انتقال می‌یابد. بر اساس این اطلاعیه، انتشار گزارش‌های بسیاری در مورد کودکان حامل اچ.آی.وی موجب شده تا نگرانی‌های بسیاری در دانش‌آموزان و اولیای آنان ایجاد شود.

امر رازداری در مورد ابتلا به یک بیماری چه در مورد یک کودک و یا بزرگسال، همیشه بایستی مراعات شود. تحت هیچ شرایطی نباید افراد را برای افشای هویتشان تحت فشار قرار داد. حتی اگر اسامی و نشانی افراد در اختیار نیروهای پلیس قرار گرفته باشد، تنها با کسب اجازه از افراد می‌توان آن را در نشریات منتشر کرد.

اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران همچنین دستورالعمل ویژه‌ای را در مورد افراد مبتلا به ایدز منتشر کرده است. به جای کاربرد عباراتی مانند «متقل‌کننده ایدز»، «حامل ایدز» و یا «دارای ایدز» بهتر است عبارت «افراد مبتلا به اچ.آی.وی» به کار برده شود. معمولاً افراد از آزمایش ایدز سرباز می‌زنند زیرا در این آزمایش وجود پادتن‌هایی که برای مقابله با اچ.آی.وی (ویروس عامل نقص سیستم ایمنی بدن انسان) در بدن وجود دارد، مشخص می‌شود. افرادی که در بدنشان این پادتن مشاهده می‌شود، بدان معنی است که آنان به اچ.آی.وی مبتلا هستند؛ اما نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که این افراد حتماً به بیماری ایدز مبتلا خواهند شد. پس بهتر است به

جای عبارت «آزمایش ایدز»، عبارت «آزمایش پادتن اچ.آی.وی» به کار برده شود. هنگامی که تفاوت‌های میان اچ.آی.وی و ایدز روشن شد دیگر نیازی به استفاده از عبارت «ایدز تمام عیار» نخواهد بود. به هیچ وجه، ابتلا به بیماری ایدز مانند ابتلا به سرماخوردگی و یا آنفلوآنزا نیست. پس بهتر است عبارت «مبتلا به اچ.آی.وی» را به جای «مبتلا به ایدز» به کار بریم. زیرا افراد، بر اثر ابتلا به بیماری ایدز جان خود را از دست نمی‌دهند، بلکه مبتلایان به ایدز معمولاً در نتیجه ابتلا به انواع سرطانها و ذات‌الریه ناشی از تضعیف سیستم ایمنی بدن جان خود را از دست می‌دهند.

بسیاری از افراد مبتلا به اچ.آی.وی، از برخورد مطبوعات با بیماری آنها که تصویری مانند قربانیان بیچاره از آنان ارائه می‌دهد، ناراضی‌اند. روزنامه‌نگاران بایستی در گزارش‌های خود از عباراتی مانند «قربانی ایدز» استفاده نکنند، زیرا افراد مبتلا به ایدز حتی پس از آگاهی از بیماری‌شان نیز می‌توانند تا مدتی به کار خود ادامه دهند. به جای عبارت فوق، باید عبارت «فرد دارای ایدز» را به کار برد. همچنین از کاربرد عبارت «قربانی بی‌گناه» بایستی پرهیز شود؛ زیرا از این عبارت این‌گونه تداعی می‌شود که سایر مبتلایان، گناهکارند.

بر اساس کتاب شیوه نگارش، گزارشگران بایستی از کاربرد عبارت «گروه‌های در معرض خطر» پرهیز کنند؛ زیرا کاربرد عبارت «رفتار خطرناک» بهتر از عبارت «گروه‌های در معرض خطر» است. این مسأله که افراد در چه گروه خاصی طبقه‌بندی شوند، آنان را در معرض خطر بیشتر قرار نمی‌دهد، بلکه رفتار و عملکرد آنان ممکن است موجب افزایش این خطر برای آنان شود.

وانگهی، اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران، دستورالعملی حاوی ۹ اصل ارائه کرده است که افزایش حمایت‌های شغلی برای افراد مبتلا به اچ.آی.وی و همچنین مبتلایان به ایدز را مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین در اطلاعیه‌ای که از سوی سازمان غیردولتی انگلیس تحت عنوان «مشارکت در درمان ایدز برای جهان سوم» انتشار یافته، دستورالعمل‌های لازم را برای روزنامه‌نگاران مشخص نموده است تا از کاربرد پیش‌داوری‌های نژادپرستانه در تهیه گزارش در

مورد افراد مبتلا به اچ.آی.وی و یا افراد مبتلا به ایدز خودداری ورزند.

سانسور و خودسانسوری

مسأله افزایش سانسور برای روزنامه‌نگارانی که در هفته‌نامه‌های کوچک اشتغال دارند ممکن است عجیب به نظر رسد. در برخی روزنامه‌ها، مشکل سانسور وجود ندارد، بلکه برعکس، تهیه مطلب کافی برای پر کردن صفحات در شماره بعدی روزنامه، مشکل محسوب می‌شود. مشکل دخالت‌های تملک جویانه در برخی روزنامه‌ها وجود ندارد. به همین گونه، ممکن است بیش از اندازه مطلوب، فضا در اختیار صاحبان آگهی‌ها قرار گیرد، اما این امر هنگام رکود اقتصادی، اجتناب‌ناپذیر است؛ اینطور نیست؟

با وجود این، پرداختن به مسأله سانسور، برای تمامی روزنامه‌نگاران دارای اهمیت است. در ابتدایی‌ترین سطح نیز، ارزشهای خبری غالب، استفاده از منابع و دیدگاه‌های خاصی را در اولویت قرار داده و برخی دیگر را یا در حاشیه قرار می‌دهد و یا این که به کلی حذف می‌کند. در هر صورت، آیا این خود، شکلی از سانسور تلقی نمی‌گردد؟

تأثیر صاحبان آگهی‌ها

تأثیری که صاحبان آگهی‌ها بر مطبوعات می‌گذارند، بسیار قابل توجه است. گاه آنان سردبیران را برای برجسته نمودن برخی گزارشها و همچنین کمرنگ ساختن و حتی حذف برخی دیگر تحت فشار می‌گذارند. نشریات رایگانی که برای انتشار، صرفاً به کسب درآمدهای ناشی از چاپ آگهی‌ها وابسته‌اند، در این مورد بسیار آسیب‌پذیرند. اما به طور کلی، در اعمال این فشارها بسیار زیرکانه عمل می‌شود. در محیط‌های عمومی اقتصادی، صاحبان آگهی‌ها به ارزشهای مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی و همچنین به احترام محافظه‌کارانه برای حفظ وضعیت موجود، دامن می‌زنند.

«کارن» و «سیتون» این‌گونه استدلال می‌کنند که ظهور صنعت روزنامه‌نگاری که بر تبلیغات

متکی است، در اواخر قرن ۱۹ به روند ممانعت از رشد مطبوعات آزادخواه کمک کرد. عامل بسیار مهمی که در سیستم کنترل جدید نقش داشت، لغو مسئولیت آگهی‌ها در سال ۱۸۵۳ از سوی صاحبان آنها بود.

حتی در سال ۱۹۶۴ نیز روزنامه «دیلی هرالده» که طرفدار کارگران بود و شمار خوانندگان آن از مجموع شمار خوانندگان نشریات «تایمز» و «فایننشال تایمز» بسیار بیشتر بود، تعطیل شد. علت آن نیز مشخص است. این روزنامه توانست از حمایت صاحبان آگهی‌ها برخوردار گردد.

تأثیر دخالت‌های تملک‌جویانه

«ماکسول» و دیگران

فیلم «همشهری کین» دربرگیرنده تمامی رمز و رازی است که غول رسانه‌ها در تاریخ فرهنگی غرب با آن روبه‌رو بوده است. از افرادی مانند «ویلیام راندولف هیرست» آبر مرد رسانه‌های آمریکایی که بر اساس زندگی وی این فیلم ساخته شد، و در انگلیس نیز از شخصیت‌هایی مانند «نورت کلیف»، «بیوربروک»، «روت‌میر»، «رولند»، «مردوخ» و «ماکسول»، تصاویر بسیار اغراق آمیزی ارائه شده و صفاتی مانند استثنایی، خود محور، ابرقدرت و ابرثروتمند را با اسامی آنان همراه ساخته است. شواهدی چند دال بر دخالت‌های روزانه مالکان نشریات در عملکردهای روزنامه‌ها وجود دارد.

سرمقاله‌ها، نوشته و یا بازنویسی شده‌اند؛ صفحه‌آرایی‌ها تغییر یافته و به سیاست‌های وطن‌پرستانه (که عمدتاً هنگام بروز بحرانها و جنگ‌های راست‌گرایانه و ستیزه‌جویانه بروز کرده) دامن‌زده شده است. تعداد روزنامه‌نگاران نور چشمی افزایش یافته است و سایرین نیز یا اخراج شده و یا تحت فشار قرار گرفته و این حرفه را ترک گفته‌اند. تاریخچه مطبوعات، اغلب تصویر شگفت‌آوری در مورد این شخصیت‌ها ارائه می‌دهد.

تأثیر فزاینده این حامیان فداکار مطبوعات آزاد بر محدود ساختن توافق روزنامه‌های انگلیس بسیار قابل توجه است. با توجه به رسانه‌های عمده در سراسر کشور، عمل سانسور به صورتی

جدی، ارزشهای خبری را حتی در استانها دچار تحریف ساخته است. اغلب روزنامه‌هایی که در سطح کشور منتشر می‌شوند هنگام انتخابات به شدت از حزب محافظه‌کار حمایت کرده و علیه حزب کارگر جهت‌گیری کرده‌اند. جهت‌گیری‌های ناشی از تعصبات بیجا، به‌طورجدی فضای بحث سیاسی کشور را آشفته ساخته است.

به‌ویژه، تلفیق امپراتوری رسانه‌ها با دنیای صنعت و اقتصاد بین‌المللی موجب شده است که مرزهای بالقوه محدودکننده‌ای برای عملکرد روزنامه‌ها ایجاد شود. طبیعی است که صاحبان روزنامه‌ها از استخدام گزارشگرانی که در مورد فعالیتهای مشکوک آنان دست به تحقیق می‌زنند، خودداری کنند. ماکسول در زمان حیات خود برای مخفی نگه‌داشتن افتضاح کلاهبرداری‌اش از صندوق بازنشستگی تلاش بسیاری کرد. وی از طریق ایجاد ارباب و سوء استفاده بی‌مهابا از دادگاهها و قوانین افترا، همچنین سوء استفاده از خواسته روزنامه‌نگاران مبنی بر استفاده از زندگی آرام، مانع فاش شدن فعالیتهای غیرقانونی خود شد.

وانگهی، بدون تردید غولهای رسانه‌ها به تلاش هر چه بیشتر برای افزایش منافع مالی‌شان از طریق روزنامه‌های خود دست می‌زنند. «تینی رولند» صاحب نشریه «آبزور» به مقابله با «ال فاید»‌ها که به خرید «هارودز» دست زده بودند، برخاست. ماکسول همواره سعی داشت خود و فعالیتهای خیریه و سیاسی‌اش را در محافل عمومی مطرح سازد. مردوخ منافع حاصل از ایستگاه تلویزیونی خود را از طریق انتشار اطلاعیه‌های متعدد افزایش داده و همچنین در هر فرصتی به مخالفت با بی‌بی‌سی دست می‌زد.

در بحث قدرت صاحبان نشریات، خطر اغراق نیز وجود دارد. تمامی آنان از شخصیت‌های جذاب برخوردار بوده و یا هستند. اما در واقع، کلیه صنایع امروزی در سطوح محلی، کشوری و یا بین‌المللی از سوی گروه‌های کوچکی از شرکتهای بزرگ اداره می‌شوند. غولهای رسانه‌ها صرفاً نمود مطبوعاتی از این امر به شمار می‌روند: صاحبان شکلی از انحصارگرایی در سرمایه‌داری پیشرفته. تأکید مستمر بر میزان قدرت آنان، خودپرستی‌های آنان را افزایش می‌دهد؛ آنان نیز روزنامه‌نگاران را که گرفتار بدترین شکل افراط شده‌اند، از این امر

جدا می‌دانند.

برادر بزرگ

همواره قدرتمندترین عامل در روزنامه‌نگاری، شیوه‌کاربرد ارزش خبری غالب بوده است. اعمال سانسور از سوی دولتها، همواره جوّی از تهدید واضطراب را در لحظات بحرانی ایجاد کرده است. اما دخالت‌های افراطی که از سوی دولتها در عملکرد روزنامه‌ها صورت گرفته، از این قانون مستثنی بوده است. عوامل مختلف دیگر مانند تأثیر صاحبان آگهی‌ها، نقش سیستم حاکم بر ارزشهای خبری، فشارهای وارده از سوی صاحبان نشریات، خودسانسوری روزنامه‌نگاران و افزایش شمار قوانین سرکوبگرانه در مسأله دست‌یابی به اصل پیروی از اکثریت، بیشتر قابل توجه است.

دولتها، در هر صورت در امور خبرگزاری‌ها بیش از امور مطبوعات مداخله می‌کنند؛ شاید علت این امر آن است که صاحبان روزنامه‌ها معمولاً اشتیاق بسیاری در حمایت از محافظه‌کاران دارند و همچنین نسبت به خبرگزاری‌ها وابستگی بیشتری به دولت دارند.

نمایش فیلم «بازی جنگ»، اثر «پیتر واتکینز» که برای بی‌بی‌سی ساخته شده بود و داستان آن در مورد حمله هسته‌ای خیالی به انگلیس بود، در سال ۱۹۶۵ ممنوع شد. این فیلم دو دهه بعد اجازه نمایش گرفت. در اوایل دهه ۱۹۸۰ در بحث‌های هسته‌ای رادیو تلویزیونی، معمولاً به طرح دیدگاه‌های طرفداران خلع سلاح یکجانبه، کم توجهی می‌شد. کمپانی بی.بی.سی، طی درگیری «مجمع‌الجزایر فالکلندز» در سال ۱۹۸۲ و همچنین طی حمله ایالات متحده به لیبی در سال ۱۹۸۶، مورد تهدید قرار گرفت. ممنوعیت فعالیت خبرگزاری ایرلند در سال ۱۹۸۸، به طرز قابل توجهی مطبوعات را از پابندی به شروط خود محروم ساخت. در همان زمان، دولت در صدد بود تا نمایش برنامه مستند تلویزیونی «تیمز» تحت عنوان «مرگ در صخره» را که در مورد کشتار در یگان ویژه هوایی انگلیس در سال ۱۹۸۸ بود، متوقف سازد.

در اغلب موارد، به نظر می‌رسد که اقتدارگرایی دولت بیش از اندازه افزایش یافته است. در

مورد حمله لیبی نیز، «نورمن تبیت»، از رهبران محافظه کار، شخصاً عملکرد «کیت ادی» را که یکی از محترمترین و صادقترین خبرنگاران خارجی بی بی سی بود بدون انگیزه مشخصی مورد حمله قرار داد. تحریم خبرگزاری ایرلند نیز به نظر مسخره می رسید، زیرا هنرپیشه ها و یا روزنامه نگاران نیز همان سخنان را تکرار می کردند.

بارزترین موردی که دولت طی آن به سانسور ناشیانه ای دست زد، تلاش مستمر، بی وقفه، مضحک و همچنین بیهوده ای بود که در ممانعت از نشر کتاب «جاسوس گیر» اثر یک افسر بازنشسته سازمان جاسوسی ام ۱۵ به نام «پیترایت»، به عمل آورد. در ژوئن ۱۹۸۶، قبل از نشر این کتاب، نشریات «آبزور» و «گاردین» به دلیل انتشار اتهاماتی که از سوی سازمان اطلاعات و امنیت مبنی بر فتنه انگیزی به «رایت» وارد شده بود، تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. سپس نشریات «نیوز آن ساندی» که مدت کوتاهی انتشار یافت، «ساندی تایمز» و «ایندپندنت» نیز هر یک ۵۰ هزار پوند جریمه شدند و علت اخذ جریمه تلاش برای تأثیرگذاری بر روند قانونی پیگیری پرونده، از طریق انتشار اطلاعاتی از کتاب عنوان شد.

بالاخره، در نتیجه فرجام خواهی، امر اخذ جریمه در این مورد منتفی شد. به همین گونه، احکام حقوقی که علیه نشریات «آبزور» و «گاردین» صادر شده بود نیز منتفی گردید. و صدور حکم نهایی حاکی از آن بود که از نظر قوانین نشر جهانی، امر نشر در انگلیس به هیچ وجه مسأله امنیت ملی را مورد تهدید قرار نمی دهد.

دخالت بیجای قانون

بر اساس تحقیقات «دیوید نورتمور»، بیش از ۱۰۰ قانون در مورد منع افشای اطلاعات وجود دارد. وی به اتفاق سایر مفسرین چنین نتیجه گیری می کند که انگلیس، پنهان کارترین دولت در جهان به اصطلاح پیشرفته امروزی است. مشخصاً، انگلیس تنها کشور اروپای غربی است که فاقد قانون آزادی اطلاعات است.

سال ۱۹۸۹، مخفی کاری دولت در نتیجه تصویب قانون جدید امنیتی افزایش یافت. قانون

۱۹۱۱ وجهه بدی پیدا کرده بود؛ به‌ویژه بازداشت یک کارمند دولت به نام «ساراتیزدال» در سال ۱۹۸۳ به دلیل افشای طرح‌های دولت برای زمانبندی تحویل موشک‌های هدایت‌شونده در انگلیس، در مصاحبه‌ای که با خبرنگار «گاردین» داشت، وجهه بدی از این قانون ارائه داد. امنیت ملی ظاهراً با این افشاء مورد تهدید جدی قرار گرفت. سپس مسأله تبرئه کارمند عالی رتبه دولت «کلیوپوتینگ» مطرح شد؛ وی پس از افشای اطلاعاتی حاکی از گمراه‌سازی مجلس عوام از سوی دولت در مسأله غرق‌گشتی آرژانتینی «بلگرانو» طی درگیری «فالکلندز»، بر اساس ماده ۲ این قانون، تحت پیگرد قرار گرفت.

قانون ۱۹۱۱ برای دولت، دردسر ساز شده بود؛ از این رو قانون ۱۹۸۹ برای سروسامان بخشیدن به این اوضاع آشفته ارائه گردید.

در فضایی از دوگونه اندیشی تفکر «ارولی»، وزیر کشور وقت انگلیس «داگلاس هرد» اظهار داشت که تصویب این قانون، اقدام قابل توجه و بی‌سابقه‌ای بوده که به منظور ایجاد فضای باز بیشتری صورت گرفته است. اما عکس آن به واقعیت نزدیکتر است. این قانون، پنج زمینه عمده را دربرمی‌گیرد: الزام قانونی، اطلاعاتی که از سوی دولتهای خارجی به‌طور سری تهیه می‌شود، روابط بین‌المللی، دفاع و امنیت و سازمان امنیت. انتشار و افشای اطلاعات در هر یک از این موارد ممنوع است. روزنامه‌نگاران حامی منافع عموم شناخته نمی‌شوند؛ همچنین روزنامه‌نگاران نمی‌توانند ادعا کنند که افشای اطلاعات از سوی آنان، ضرری برای امنیت ملی در بر ندارد. آشکارا هیچ عملی مانند افشای اطلاعات، به امنیت ملی آسیب نمی‌رساند.

برای نمونه، از روزنامه‌نگاران بایستی پرسید تا چه اندازه «فرهنگ پنهان‌کاری»، مانع انجام روند طبیعی حرفه‌شان است؟ چه تعدادی از روزنامه‌نگاران خواهند گفت که برخورداری از حق نگارش آزاد برای آنان لذتبخش است؟

هدفمند و یابی هدف؟ اصول رفتاری

روزنامه‌نگاران تحت فشارهای بسیاری به حرفه روزنامه‌نگاری می‌پردازند؛ فشارهایی که عمدتاً از سوی صاحبان نشریات، صاحبان آگهی‌ها، قانون و غیره اعمال می‌شود. راهی که در آن روزنامه‌نگاران فعالیت‌های خود را با هدف ارتقای معیارهای اخلاقی سامان می‌بخشند، همان اصول رفتار حرفه‌ای است.

آغاز ضربت - اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران

ماندگارترین اصول، همان ۱۲ نکته‌ای است که از سوی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران، اواخر دهه ۱۹۳۰ انتشار یافت. (به ضمیمه یک مراجعه کنید) این مطالب دارای فواید آشکار است. همان گونه که «نیجل هریس» معتقد است مجموعه این قوانین بیانگر نگرش جست‌وجوگرانه مغز آدمی است.

از سوی دیگر، اصول ضمیمه این قانون هر روزه از سوی اعضای اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران در سراسر کشور نقض می‌شود. اگر این اصول هیچ پشتوانه‌ای نداشته باشد و برای افرادی که آن را نقض می‌کنند تنبیهی در نظر گرفته نشده باشد، هدف برخورداری از چنین مقرراتی چیست؟ تلاشهایی که برای اجرای این قوانین و تعیین تنبیهات لازم برای نقض‌کنندگان آن صورت گرفته، شورای اصول اخلاقی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران را، با مشکل روبه‌رو ساخته است. آگاهی از مفاد قوانین از سوی عموم و همچنین تعیین تنبیهات احتمالی برای رفتارهای غیراخلاقی روزنامه‌نگاران از سوی شورای اصول اخلاقی بسیار اندک بوده است.

اصول رفتاری هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی

در پی هشدارهای جدی هیأت «کلکات» در سال ۱۹۹۲ مبنی بر این که مطبوعات بایستی عملکرد خود را سامان بخشند در غیر این صورت با قوانین کیفری روبه‌رو شوند، هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعات (با حالتی تدافعی و بدون این که اشاره‌ای به اتحادیه ملی

روزنامه‌نگاران داشته باشد) اصول رفتاری مشخصی را تعیین نمود. از آن موقع به بعد، برخی روزنامه‌ها آن را به کتاب شیوه‌نگارش خود الحاق نمودند. برخی دیگر حتی تعهد کردند مقررات آن را در نشریات خود مراعات کنند، گرچه روزنامه‌نگاران بسیاری هنوز از محتوای مطالب آن بی‌اطلاع بودند. این اصول، در نتیجه پیشنهادات هیأت «کلکات»، شورای سابق مطبوعات و انجمن ناشران روزنامه‌ها در آن زمان تدوین شده بود. سپس، به دنبال تهدیدهای کیفری «کلکات» در مورد استفاده از ابزار استراق سمع و دوربینهای عکسبرداری از راه دور، اصلاح شد.

متن این اصول فراتر از اصول اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران بود. (به ضمیمه دو مراجعه شود) بخش مربوط به بیمارستان آن نیز احتمالاً به دنبال جنجال عظیمی که در پی ورود روزنامه‌نگاران نشریه «ساندی اسپورت» به بیمارستان «چارینگ کراس» در لندن برپا شده بود، تنظیم گردید. ورود روزنامه‌نگاران به این بیمارستان، برای تهیه گزارش از هنرپیشه معروف «گوردون کای» که بر اثر تصادف شدید رانندگی در آن بیمارستان بستری بود، صورت گرفت. این خبرنگاران بدون کسب اجازه، وارد اتاق بیماران شده و از این هنرپیشه عکس انداخته و حتی تلاش کردند مصاحبه‌ای با وی ترتیب دهند. تلاش برای دستیابی به حکم دادگاه عالی مبنی بر ممانعت از انتشار این مطلب با شکست روبه‌رو شد؛ زیرا قوانین انگلیس، حقی برای حفظ حریم شخصی افراد قائل نبود. اقداماتی که برای افزودن به مواد این اصول صورت گرفت این قوانین را هر چه بیشتر به شکل سنتی آمریکایی آن شبیه ساخت. وسعت بخشیدن به مواد این اصول، مواردی مانند تضاد منافع، امتیازات ویژه‌ای که روزنامه‌نگاران از آن برخوردار می‌شوند، استفاده از منابع ناشناخته، موارد سرقت ادبی و یا استفاده از تصاویری که شوک عمومی ایجاد کند را مطرح نمود. و نیز امکاناتی از قبیل سفر به خارج که به‌طور رایگان در اختیار روزنامه‌نگاران قرار می‌گیرد (اما برخی روزنامه‌نگاران از دریافت آن امتناع می‌ورزند، زیرا به اعتقاد آنان این امر مانع تداوم نگرش عینی‌گرا می‌شود).

این اصول تا آنجا که بیانگر توجه روزافزون صنعت روزنامه‌نگاری به تعیین معیارهای

اخلاقی عمده است، مورد استقبال صاحب نظران قرار می‌گیرد. اما معمولاً در ایالات متحده، از این اصول به مثابه سلاح تنبیهی برای حذف روزنامه‌نگاران استفاده می‌شود که بر خلاف مسیر مدیران گام برمی‌دارند. برخی اصول در ایالات متحده در مورد تضاد منافع با صراحت بیان شده است.

بر اساس اصول اخلاقی سردبیران کارآمد آسوشیتد پرس، «از دخالت در مواردی مانند سیاست، مسائل جامعه، گردهمایی‌ها و آرمانهای اجتماعی که موجب بروز تضاد منافع و یا درگیری‌هایی از این قبیل می‌شود بایستی پرهیز کرد.»

طبق این اصول، روزنامه‌نگاران پیشرو را که در راهپیمایی‌ها و گردهمایی‌های سیاسی شرکت می‌کنند می‌توان بر کنار نمود. در حالی که، برخی روزنامه‌نگاران برجسته که بیش از اندازه از اسرائیل یا یکی از دو حزب عمده سیاسی حمایت می‌کنند، همچنان به حرفه خود ادامه می‌دهند.

برای مثال، می‌توان نظر روزنامه‌نگاران مختلف را در مورد این اصول رفتاری جویا شد: آیا آنان از وجود چنین اصولی آگاه‌اند؟ این اصول چه تأثیری بر حرفه آنان دارد؟ می‌توان با چند تن از اعضای اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران صحبت کرده و نظر آنان را در مورد تاریخ شکل‌گیری این اصول جویا شد؛ آنان خواهان چه تغییراتی هستند؟ چگونه می‌توان این اصول را به نحو مؤثرتری میان روزنامه‌نگاران ترویج داد؟ با بررسی اجمالی از روزنامه‌هایی که در منطقه شما منتشر می‌شوند، می‌توانید دریابید که چه تعداد از اصول هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی را در کتاب شیوه نگارش خود گنجانده‌اند.

همچنین می‌توانید با برخی روزنامه‌نگاران خارجی که در انگلیس هستند در مورد اصول و قوانین رسانه‌های کشورشان به گفت‌وگو پردازید. مواردی مانند این که آیا ضبط صحبت‌های مصاحبه‌شونده بدون اطلاع و رضایت وی مجاز است؟ آیا دریافت رشوه ممنوع است؟ تا چه میزان روزنامه‌نگاران قوانین عدم کاربرد ابتدال را رعایت می‌کنند؟

فصل سوم

استفاده از منابع خبری: سوء استفاده، تهدید یا همکاری؟

استفاده از منابع خبری، جایگاه ویژه‌ای در روزنامه‌نگاری دارد. موفقیت روزنامه‌نگار تا حد زیادی به استفاده از منابع خبری بستگی دارد. یک روزنامه‌نگار بایستی از مطالب بسیاری آگاهی داشته باشد. وی باید بداند برای کسب اطلاعات کجا برود و از چه فردی پرسش کند. ارتباط با دیگران، عامل مهمی برای پیشرفت در حرفه روزنامه‌نگاری به شمار می‌رود.

دفترچه حاوی اطلاعات مربوط به منابع خبری

دفترچه حاوی اطلاعات مربوط به منابع خبری، یکی از با ارزش‌ترین ابزار دستی هر روزنامه‌نگار محسوب می‌شود. دفترچه‌ای که در آن شماره‌های تلفن منابع خبری (معمولاً به همراه نشانی و شماره‌های نمابر آنان) درج شده باشد. برای حفظ اطلاعات مندرج در این دفترچه، روزنامه‌نگاران بایستی نسخه دیگری از این دفترچه را تهیه کرده و در جای مطمئنی

نگهداری کنند؛ زیرا مفقود شدن این دفترچه برای روزنامه‌نگاری که فقط یک نسخه از آن را دارد، فاجعه است. برخی روزنامه‌نگاران برای اطمینان بیشتر اطلاعات حاوی فهرست اسامی و شماره‌های تماس منابع خبری خود را در حافظه کامپیوتر نگهداری می‌کنند.

گزارشگرانی که در مورد مسائل حساسی (مانند امنیت ملی، جاسوسی، ارتش، تجارت مواد مخدر و معاملات سهام) تحقیق می‌کنند، معمولاً جزئیات مربوط به منابع اختصاصی و مهم خود را صرفاً به خاطر می‌سپارند و در جایی یادداشت نمی‌کنند. برخی اوقات، منزل روزنامه‌نگارانی که در زمینه‌های حساس فعالیت می‌کنند از سوی نیروهای پلیس تحت بازرسی قرار می‌گیرد؛ از این رو، چنین روزنامه‌نگارانی بایستی همواره مراقب باشند، منابع خبری خود را افشا نکنند.

تلفن، ابزار مهم دیگری برای یک روزنامه‌نگار محسوب می‌شود؛ از این رو دفترچه تلفن نیز برای روزنامه‌نگاران، یکی از حیاتی‌ترین منابع دسترسی به اطلاعات است. به‌عنوان نمونه اگر شما برای تهیه گزارشی در مورد دین اسلام، مشغول تحقیق هستید، بهترین روش، مراجعه به دفترچه تلفن و دستیابی به شماره‌های تلفن سازمانهای ملی و محلی مسلمانان خواهد بود. دفترچه تلفن همچنین منبع خوبی برای یافتن موضوع نگارش مقالات گوناگون است. شماره تلفن تراشکاران الماس، دودکش پاک‌کن‌ها، زنانی که تعمیرکار اتومبیل هستند و پناهگاههای رادیواکتیو را می‌توان در دفترچه‌های تلفن پیدا کرد؛ بسیاری از آنان ارزش پیگیری برای نگارش مقاله را دارند.

استفاده از منابع: نظرهای کلی

نزدیکی جنبه‌های خبری

با استفاده درست از منابع خبری می‌توان به بسیاری از مطالب جنبه خبری بخشید. ارائه اطلاعات تازه و یا اظهارنظر یک منبع خبری موجب می‌شود مسأله‌ای که همواره موجود بوده

ولی توجهی به آن نشده است، به خبری قابل توجه تبدیل شود. وضعیت اقتصاد ملی، مسأله‌ای است که همواره مورد توجه خواهد بود. هشدارهای وزیر دارایی مبنی بر ورشکستگی‌های اجتناب‌ناپذیر سال آینده، خبر محسوب می‌شود، همان‌گونه که انتشار گزارش گروه اقتصاددانان دانشگاه کمبریج مبنی بر برجسته نمودن مشکلات صاحبان مشاغل کوچک از ارزش خبری برخوردار است.

نخبه‌گرایی و سلسله‌مراتب

پژوهشهای رسانه‌ها حاکی از آن است که روزنامه‌نگاران از منابع بسیار محدود در گزینش اخبار خود استفاده می‌کنند (برداشت کلی از این پژوهشها در کتاب عملکرد رسانه‌ها: ارتباط جمعی و توجه عمومی؛ اثر «دنيس مک کویل»؛ سیچ؛ لندن؛ ۱۹۹۲ منعکس شده است). اجزای تشکیل دهنده این سلسله‌مراتب در روزنامه‌های مختلف، یکسان نیست؛ به‌عنوان نمونه، مطالب مربوط به چهره‌های سرشناس سریالها و نمایشهای تلویزیونی، بیشتر در نشریات تابلوید سراسری، به چشم می‌خورد و نشریاتی که در قطع بزرگ منتشر می‌شوند کمتر به این مسائل می‌پردازند. با این همه، در جریان کلی مطبوعات، در زمینه ارزیابی ارزشهای خبری و روال معمول استفاده از منابع، اتفاق نظر قابل توجهی وجود دارد. برخی از منابع برجسته می‌شوند، برخی در حاشیه مطلب قرار می‌گیرند و برخی دیگر حذف شده و یا با آنان برخوردی منفی می‌شود. در گزارشهای خارجی، امر نخبه‌گرایی بسیار محسوس است. وانگهی، مسأله اتفاق نظر در مورد استفاده از منابع خبری به علت رشد تمرکزگرایی و مخفی‌کاری دولت و اختلاف نظر میان سه حزب عمده سیاسی، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

منابع اولیه و ثانویه

بسیاری از روزنامه‌نگاران، منابع خبری خود را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کنند: منابع اولیه و ثانویه. در سطح محلی، شوراها، مجلس و پارلمان اروپا، دادگاهها، پلیس، آتش‌نشانی،

آمبولانسها، بیمارستانها، صنایع محلی و نمایندگان آنان (اتاق بازرگانی یا انجمن بازرگانان و تجار)، اتحادیه‌های تجاری، شورای بازرگانی و باشگاههای محلی فوتبال، منابع خبری اولیه محسوب می‌شوند.

مدارس، کالج‌ها، کلیساها، باشگاههای محلی و انجمنها، ارتش، پایگاههای نیروی دریایی و هوایی، شاخه‌های محلی گروههای فشار ملی و مراکز خیریه نیز منابع خبری ثانویه به شمار می‌روند. در مناطق روستایی نیز دفاتر پستی روستایی، رستورانها، محل فروشندگان محصولات کشاورزی، مرکز دلالان حیوانات اهلی و دامها و ستاد جنگلبانی، و در نواحی ساحلی نیز گارد ساحلی، دفاتر سرپرستی بنادر و ایستگاه قایقهای سفری منابع خبری ثانویه محسوب می‌شوند. تأکید بر منابع خبری اولیه و ثانویه، بیانگر سلسله مراتبی است که شالوده ارزشهای خبری معمول را تشکیل می‌دهد. دسته سوم منابع خبری که معمولاً «سایر منابع خبری» نامیده می‌شوند، شامل نمایندگان ادیان غیر مسیحی، گروههای اقلیت قومی، اعضا و نمایندگان احزاب سیاسی به غیر از سه حزب اصلی، گروههای طرفدار حقوق زنان، افراد دارای انحرافات جنسی، صلح‌طلبان، طرفداران محیط زیست و حامیان حقوق حیوانات می‌باشد. اما مسائل سایر افراد (مانند فقیران، پدران که به تنهایی سرپرستی فرزندان را بر عهده دارند، مسافران در مانده و غیره) در کجای این طبقه‌بندی قرار می‌گیرند؟

ترتیب منابع خبری روزمره روزنامه‌نگاران، بیانگر توزیع قدرت در جامعه است. مسائل مربوط به نمایندگان مؤسسات و خدمات عمومی عمده، بیش از سایرین به مطبوعات راه می‌یابد؛ اما مسائل نمایندگان دسته سوم منابع خبری به ندرت در مطبوعات محلی و سراسری که معمولاً بر ضعف نسبی آنان در جامعه دامن می‌زنند، مطرح می‌شود و گاه نیز به‌طور کلی نادیده گرفته می‌شود. مسائل زنان و اقلیتهای قومی در سیستمهای سیاسی از جایگاه اندکی برخوردار است؛ به همین ترتیب، مطبوعات نیز به مسائل آنان بهای چندانی نمی‌دهند.

برنامه‌های روزمره حرفه‌ای: منابع روزانه و منابع خارج از برنامه روزانه

معمولاً منابع خبری براساس رابطه‌شان با برنامه روزمره گردآوری خبر روزنامه‌نگاران، شناخته می‌شوند.

بنابراین، منابع روزانه روزنامه‌های سراسری از این قرار است: دولت؛ مجلس و هیأت‌های منتخب؛ احزاب عمده سیاسی؛ کنفدراسیون صنایع انگلیس (سی بی آی) و کنفرانس‌های کنگره اتحادیه بازرگانی؛ گردهمایی‌های شورای کلیساهای انگلیس؛ موارد برجسته در دادگاه؛ کنفرانس‌های مطبوعاتی که از سوی گروه‌های برجسته (مانند عفو بین‌الملل) تشکیل می‌شود؛ شرکتها؛ پلیس؛ اتحادیه‌های تجاری و انجمن‌های خیریه. در یکی از تحقیقات مختصری که از عملکرد روزنامه‌نگاران در این زمینه تهیه شده است، «فیلیپ شلسینجر» به این نکته دست یافت که ۸۰ درصد اخبار بی.بی.سی از منابع خبری روزمره تأمین می‌شود. «منابع خبری خارج از برنامه روزانه» نیز منابعی هستند که خارج از این منابع خبری روزمره قرار می‌گیرند.

در سطح محلی نیز روش «تماس تلفنی»، اساس منابع خبری روزمره را تشکیل می‌دهد. دبیر خبر، اعضای تحریریه و کارشناسان از طریق تلفن در فاصله‌های زمانی ثابت (معمولاً ساعتی یک بار) با گروه‌هایی مانند پلیس، آمبولانس، آتش‌نشانی تماس می‌گیرند تا در صورت وقوع خبری خاص و یا یک بحران، از آن اطلاع حاصل کنند. گزارشگران محلی معمولاً از روی عادت از طریق مشارکت تلفنی با منابع ارتباط برقرار می‌کنند.

همین گونه، گزارشگران محلی در فاصله زمانی ثابت با افراد برجسته و مهم محلی (افرادی مانند نمایندگان، رهبران مشاغل و اعضای برجسته اتحادیه‌های کارگری) دیدار کرده و گفت‌وگوی غیررسمی دوستانه‌ای را با آنان انجام می‌دهند که جنبه‌های خبری آن نمود زیادی نداشته باشد. «باب فرانکلین» و «دیوید مورفی» در تحقیقات خود از ۸۶۵ گزارشی که در مطبوعات محلی منتشر شده بود، بدین نتیجه دست یافتند که مطالب مربوط به دولت محلی یا منطقه‌ای، سازمانهای غیردولتی، دادگاهها، پلیس و مشاغل در حدود ۶۷/۷ درصد کل مطالب را تشکیل داده‌اند.

چنین گروه‌ها و افرادی، به‌عنوان منابع روزانه شناخته می‌شوند و معمولاً اطلاعات مربوط به فعالیتهای آنان در یادداشتهای روزانه که به‌طور سنتی در پرونده‌های تاریخ‌دار (و امروزه نیز در فایل‌های کامپیوتری) نگهداری می‌شود، به ثبت می‌رسد.

نمایندگی

در منابع خبری روزانه روزنامه‌نگاران، تصورات مشخصی در مورد نمایندگی وجود دارد. یک منبع خبری که معمولاً چهره‌ای سرشناس و برخوردار از حقوق مشخص در ارائه نظریاتش است، هنگامی برای روزنامه‌نگاران دارای اهمیت است که فقط به بیان دیدگاه شخصی خود نپردازد، بلکه دیدگاه گروه‌های بزرگتر یا مؤسسات را نیز انتقال دهد.

از این رو، معمولاً اسم منبع خبر نیز در عنوان مطلب یا در جای دیگر همراه مطلب به چاپ می‌رسد. به‌عنوان نمونه، خانم «الف» معتقد است که «جان میجر» (نخست‌وزیر پیشین انگلیس) بایستی پس از افشای رسوایی «عراق‌گیت» استعفا می‌داد. اما نظریات او زمانی برای یک روزنامه‌نگار اهمیت خاصی می‌یابد که سخنان وی به نمایندگی گروه بزرگتری مانند انجمن محلی محافظه‌کاران که وی از موقعیت برجسته‌ای در آن برخوردار است، ایراد شود.

گاهی اوقات به‌دلیل اصول حاکم بر منابع خبری، روزنامه‌نگاران عناوینی را همراه اسامی افراد می‌آورند که صحت ندارد. اوایل دهه ۱۹۸۰ هنگامی که زنان «گرینهام» در نزدیکی پایگاه‌های هوایی ایالات متحده سرگرم برپایی تظاهرات بودند، روزنامه‌نگاران با تعدادی از آنان مصاحبه کرده و سپس در انتشار گزارش مربوط به این تظاهرات، از این افراد به‌عنوان سخنگویان معترضین نام برده بودند. اما در حقیقت، هدف عمده دیگرزنان معترض، مقابله با تصور سنتی از نمایندگی بود؛ به این شکل که هر فردی نماینده خویش بود و میان آنان، سخنگو و یا نماینده‌ای وجود نداشت و هر فردی عقیده خویش را ابراز می‌داشت. اما روزنامه‌نگارانی که در گزارش، از این زنان به‌عنوان نماینده و سخنگوی گروه نام برده بودند، در حقیقت این بعد سیاسی عمده در اعتراضات آنان را درک نکرده بودند.

اعتبار و صلاحیت

همراه با اصول حاکم بر منابع خبری روزانه روزنامه‌نگاران و همچنین در ارتباط با نظریاتی که در مورد «نمایندگی» مطرح می‌شود، مسأله اعتبار و صلاحیت در این زمینه، نمودی بارز می‌یابد. معمولاً دیدگاه‌های سیاستمداران حزبی در نشریات محلی و سراسری برجسته می‌شوند؛ علت هم آن است که این افراد نماینده افراد بسیاری که آنان را به شیوه‌ای دموکراتیک انتخاب نموده‌اند، تلقی می‌شوند. واژه نمایندگی با مسأله اعتبار و صلاحیت معنا می‌یابد. به‌عنوان نمونه، خانم «الف» ممکن است در مورد مسأله «سقط جنین» اعتقاد قاطعی داشته باشد. اما آیا وی صلاحیت اظهارنظر در این مورد را دارد؟ و یا این که نظرات وی تا چه حد اعتبار دارد؟ عباراتی که همراه اسم خانم «الف» برای توصیف جایگاه وی می‌آید، خود پاسخگوی چنین پرسشهایی خواهد بود.

همچنین ممکن است این توضیح همراه با نام خانم «ب» در گزارش انتشار یابد: «خانم ب» اعتراض وسیعی را در کلیسای محل اقامتش علیه «سقط جنین» به راه انداخته است. این توضیح بلافاصله تعهد وی نسبت به این هدف و همچنین اعتبار وی را به‌عنوان یک منبع خبری روشن می‌سازد. به همین صورت، هنگامی که از شخصی به‌عنوان «شاهد عینی تصادف رانندگی در جاده» نام برده می‌شود، اعتبار ادعای وی مشخص می‌شود (هر چند ممکن است اشتباهی در این زمینه رخ داده باشد).

ارائه چنین جزئیاتی در گزارش، مطلب را پیچیده‌تر می‌سازد. اما وجود افراد معمولی (که دارای عنوان و یا نمایندگی خاصی نیستند) مطلب را ساده‌تر جلوه می‌دهد.

پیشداوری و امر بی‌طرفی

گزارشگران برای جدا ساختن خود از مسائل مورد بحث‌شان، معمولاً از منابع خبری استفاده می‌کنند. گزارشگران، به جای ابراز دیدگاه‌های خود در مورد موضوع مورد گزارش، با استفاده از منابع خبری، نظریات سایر افراد را مطرح کرده و خود به‌عنوان ناظری بی‌طرف، موضوع

گزارش را پیگیری می‌کنند. ارائه عناوین افراد و همچنین عبارات توضیحی همراه نام افراد، گرایش‌های آنان را روشن می‌سازد. این امر البسته گرایش و پیشداوری منبع خبری را روشن می‌سازد و ربطی به دیدگاه گزارشگر ندارد.

در امر منابع خبری باید مسأله توازن رعایت شود؛ گروهی معترض، مقامی محلی را به بی‌کفایتی در امری متهم می‌کنند؛ این وظیفه گزارشگر است که با این مقام تماس گرفته و با انتشار پاسخ وی به این اتهام، در گزارش توازن ایجاد کند. ارائه دیدگاه «الف» همراه با ارائه دیدگاه مخالف آن یعنی «ب» ایجاد توازن می‌کند.

اما چنین روندی، موجب می‌شود سایر دیدگاهها نادیده گرفته شوند. در واقع، بسیاری از نظریه پردازان رسانه‌ها، تصور روزنامه‌نگاران را از مسأله توازن و وجود واقعیتی عینی زیر سؤال می‌برند. با توجه به روند گزینشگری در گردآوری خبر، فشارهای مالی، سیاسی و حقوقی که بر روزنامه‌ها اعمال می‌شود و همچنین نبود زبانی بی‌طرف، این‌گونه برداشت می‌شود که در چنین شرایطی رعایت عینیت، دست‌نیافتنی و افسانه‌ای خواهد بود.

کارشناسان

روزنامه‌نگاران معمولاً کارشناسان را به‌عنوان منابع خبری در نظر می‌گیرند. این افراد به علت برخورداری از اعتبار و استقلال در دیدگاه‌هایشان، نقش عمده‌ای را بر عهده دارند. روزنامه‌نگاران معمولاً هنگامی از دیدگاه‌های کارشناسان بهره می‌گیرند که می‌خواهند دیدگاه خود (یا صاحبان نشریات) را تقویت کنند. به‌عنوان نمونه، نشریه «سان»، اغلب نظریات کارشناسان و متخصصان روانپزشکی را در مورد دیوانگی افراد مشخصی که در خبرها آمده است، ارائه می‌دهد (مثلاً از صدام حسین به‌عنوان «مرد دیوانه»، از «تونلی بن» به‌عنوان «چپی حُل» و از «برنی گرانٹ» نماینده حزب کارگر به‌عنوان «مجنون» نام می‌برد). اما کارشناسان نیز دچار اشتباه می‌شوند.

منزلت حرفه‌ای

الف) روزنامه‌نگارانی که تماس نزدیکی با افراد سطح بالای سلسله مراتب خبری دارند، معمولاً از منزلت حرفه‌ای رفیعی برخوردارند. در روزنامه‌های عمده سراسری، گزارشگران پارلمانی از منزلت بالایی برخوردارند. دقیقاً مانند گزارشگران امور خارجی (که با رییس‌جمهورها و سایر افراد بسیار مهم و برجسته کشورهای نیز تماس دارند) که به عنوان افراد سطح بالای روزنامه‌نگاری شناخته می‌شوند. عکس این امر نیز وجود دارد: گزارشگری که با افراد درگیر در مبارزات خلع سلاح هسته‌ای یا سازمان حمایت از حیوانات تماس دارد از هیچ منزلت حرفه‌ای خاصی بهره‌مند نخواهد شد. در سطح محلی نیز، روزنامه‌نگاری که با اعضای شورا و انجمنهای محلی تماس روزانه دارد از منزلت بالایی برخوردار است و در عوض، روزنامه‌نگاری که در مورد مؤسسات زنان و یا مسائل کودکان مطلب تهیه می‌کند معمولاً در پائین‌ترین سطح سلسله مراتب حرفه‌ای جای می‌گیرد.

ب) شهرت یک روزنامه‌نگار می‌تواند در نتیجه توانایی دریافت اطلاعات و نقل قولهای مهم از منابع خبری کسب شود. «آیا توانستی از او مطلب به درد بخوری درآوری؟» معمولاً از سوی سایر همکاران از فردی که از مأموریت باز می‌گردد، پرسیده می‌شود. «آنتونی هولدن»، در مراسم گرامیداشت «دیوید بلاندی» گزارشگر معروف «فلیت استریت» که هنگام تهیه گزارش از جنگ داخلی در آمریکای مرکزی جان خود را از دست داد، مهارت وی را چنین توصیف کرد: «وی از چنان استعداد فوق‌العاده‌ای برخوردار بود که می‌توانست محتاطترین مصاحبه‌شونده را نیز به حرف آورد.» همچنین وی از نامادری «ادوارد هیت» که در آن زمان نخست‌وزیر بود، توانست اطلاعات قابل توجهی را به دست آورد؛ به گفته نامادری وی «تد» خیلی ملاحظه‌کار است و هرگز بدون این که مقصدش را بگوید از خانه خارج نمی‌شود. او هیچ‌گاه، تاریخهای تولد را فراموش نمی‌کند و به‌طور مرتب، هفته‌ای یک بار به پدرش زنگ می‌زند. (آخرین بند روزنامه‌نگاری «دیوید بلاندی»؛ «آنتونی هولدن» «هینمان»؛ لندن؛ ۱۹۹۰).

ج) حرفه‌ای بودن معمولاً لزوم رعایت عینیت و بی‌طرفی را در برخورد با منابع خبری

دربردارد. اما در حقیقت، دستیابی به آن دشوار است. برخی بر این باورند که روزنامه‌نگاران اغلب بیش از اندازه به منابع خبری خود نزدیک می‌شوند. تماس معمول روزنامه‌نگاران با منابع خبری برجسته بدان معناست که این روزنامه‌نگاران در اتهام نشر دیدگاه‌های متعارض نخبگان قرار می‌گیرند. روزنامه‌نگاران نیز به‌عنوان بخشی از محیط اجتماعی و فرهنگی نخبگان سیاسی محسوب می‌شوند، زیرا به همان زبان سخن می‌گویند و معمولاً از زمینه‌های آموزشی و اجتماعی نزدیک به هم برخوردارند.

کسب اطلاعات از سایر مطبوعات

استفاده از رسانه‌ها به‌عنوان منبع خبری

تمامی روزنامه‌نگاران، زمان قابل توجهی در روز را به بررسی آنچه در رسانه‌ها می‌گذرد، اختصاص می‌دهند. آنان بایستی نسبت به آنچه می‌گذرد، منتشر می‌شود و به ویژه نسبت به آنچه منتشر نشده است، آگاهی داشته باشند. آنان در واقع به استفاده از رسانه‌ها اعتماد پیدا می‌کنند.

هر احساسی که نسبت به مطبوعات وزین و یا عامه‌پسند دارید فرقی نمی‌کند، بلکه نکته مهم آنجاست که تا حد امکان از مطالب مندرج در روزنامه‌های مختلف آگاهی داشته باشید. شما ممکن است به نشریات عامه‌پسند به دلیل برخورداری از مطالب آشکار نژادپرستی و جنسی با دیده تحقیر بنگرید؛ اما توجه داشته باشید که این مطالب نیز به‌طور روزافزونی در نشریات سراسری مطرح می‌شوند؛ از این رو، به این مطالب نیز بایستی توجه داشت. به همین‌گونه، شما ممکن است مطالب نشریات وزین را خسته‌کننده و ملال‌آور بدانید، اما فراموش نکنید که این نشریات، حاوی اخبار ملی و بین‌المللی عمده‌ای است که می‌تواند موضوعهای جالبی را برای پیگیری در ذهن شما ایجاد کند. در اغلب دفاتر روزنامه‌ها، نشریات سراسری و همچنین نشریات عمده محلی موجود است. اما اغلب اعضای تحریریه روزنامه‌ها و افرادی که

به طور آزاد با این روزنامه‌ها همکاری دارند، دو روزنامه مورد علاقه خود را خریداری می‌کنند و همچنین روزنامه‌سومی را نیز هر روز به طور اتفاقی خریداری کرده و از بریده‌های آن برای بایگانی استفاده می‌کنند.

اما توجه داشته باشید که تمام وقت مطالعه خود را به بررسی نشریات عمده محلی و نشریات سراسری اختصاص ندهید؛ زیرا این نشریات، بخشی (گرچه قدرتمندترین) از مجموعه روزنامه‌ها و مجلات موجود را تشکیل می‌دهند. به نشریات قومی فعال («ویس»، «کارین تایمز»، «اشین تایمز»، «نشریات مذهبی» («چرچ تایمز»، «متودیسٹ رکوردز»، «جویش کرائیکل»، «کاتولیک هرالد»، «کیونیز»، «نشریات چپی» («مورنینگ استار»، «سوسیالیست ورکر»، «نیوورکر»، «تربیون»، «نیوزلین») و نشریات منحرفان جنسی («پینک پیپر»، «کاپیتال‌گای») نیز نگاهی بیاندازید.

نشریاتی که از تیراژ اندکی برخوردارند مانند «انتی آپارتاید نیوز» (روزنامه جنبش ضد آپارتاید)، نشریه «پس نیوز» (نشریه صلح‌طلبان)، نشریه «بداتیتود» (نشریه طرفداران حقوق زنان) و نشریه «کریستین ایدنیوز» نیز ارزش بررسی دارند.

● کارشناسان این نشریات اغلب به مطالبی پرداخته‌اند که در نشریات عمده کمتر بدان پرداخته شده است، ولی ارزش پیگیری دارند.

● فهرست گردهمایی، کنفرانسها و ملاقاتهایی که شخصیتی معروف در آن شرکت داشته و به آن ارزش خبری بالقوه می‌دهد، نیز ارزش پیگیری دارد.

● ارتباط با روزنامه‌نگارانی که در این نشریات مشغول کارند، مفید است و همچنین این نشریات برای همکاری به طور آزاد (در صورتی که قرارداد شما با سایر نشریات چنین امری را ممکن سازد) مکان مناسبی خواهد بود.

بررسی روزنامه‌های خارجی را نیز نبایستی از یاد برد. نشریه «اینترنشنال هرالد تربیون» مجموعه‌ای از گزارشهای نشریات «نیویورک تایمز» و «واشنگتن پست» را گردآوری کرده است که مطالعه آن برای افرادی که مایل‌اند دیدگاه کلی از مطالب مطرح در نشریات آمریکایی را به

دست آورند، ضروری خواهد بود. اغلب روزنامه‌نگاران یا به یک زبان خارجی تسلط داشته و یا این که در صدد فراگیری آن هستند؛ از این رو مطالب نشریاتی را که به آن زبان منتشر می‌شود، پیگیری می‌کنند. در مطبوعات انگلیس، عواملی مانند محتوی، عکس، طرح و مطلب برای سلیقه‌های مختلف در مقایسه با روزنامه‌های خارجی، بسیار متنوع است.

حتی خریدن بخش کوچکی از این نشریات به‌طور مرتب، امکان‌پذیر نخواهد بود و هزینه بالای این خرید، روزنامه‌نگاران را بامشکل مالی روبه‌رو خواهد ساخت.

اما راه‌های دیگری نیز وجود دارد، کتابخانه‌های عمومی و دانشگاه‌ها، مجموعه‌ای وسیع از روزنامه‌ها و مجلات را تهیه می‌کنند. اغلب روزنامه‌نگاران معمولاً نشریاتی را که بسیار ضروری تشخیص می‌دهند، به‌طور مرتب خریداری می‌کنند.

روزنامه‌هایی که خود روزنامه‌نگاران در آن مشغول کارند نیز منبع خوبی برای کسب اخبار محسوب می‌شوند. نامه‌هایی که به سردبیر ارسال می‌شوند نیز منبع مناسبی برای پیگیری و تهیه گزارش به شمار می‌روند. به همین گونه، نامه‌های مندرج در سایر روزنامه‌ها و مجلات را که دارای ارزش خبری هستند نیز می‌توان پیگیری نمود. آن دسته از روزنامه‌های محلی و سراسری که به رویدادهای ورزشی و امور خیریه می‌پردازند، معمولاً صفحات رنگی اضافه را به این امر اختصاص می‌دهند.

بریده جراید

اغلب روزنامه‌ها بریده جراید را در کتابخانه خود حفظ می‌کنند. این منبع از اهمیت بسیاری برخوردار است. روزنامه‌نگاران نیز به‌طور جداگانه گزارش‌های مختلف نشریات گوناگون را جدا کرده و نگهداری می‌کنند. به ویژه برای روزنامه‌نگارانی که به‌طور آزاد با نشریات همکاری می‌کنند، نگهداری آرشیو شخصی بریده جراید ضروری است؛ زیرا آنان به‌طور منظم به کتابخانه نشریه دسترسی ندارند. برای اغلب روزنامه‌نگاران به ویژه روزنامه‌نگاران آزاد، انتخاب زمینه مشخصی برای تحقیق و نگهداری منظم مطالب مختلف نشریات و مجلات،

رونوشت و یادداشت‌هایی از کتابهای مختلف و همچنین مقالات گوناگون در زمینه مورد تحقیق، از لحاظ محتوایی بسیار مفید خواهد بود.

اما گاهی گزارشگران مطالب غیر واقعی را در گزارشهای خود می‌آورند و اگر مطالب بریده جراید از لحاظ صحت بررسی نشوند، همواره این خطر وجود خواهد داشت که گزارشگران اشتباهات یکدیگر را تکرار کنند.

پیگیری

همواره گزارشگران، برخی مسائل مطرح شده در اخبار رسانه‌ها را برای پیگیری انتخاب می‌کنند. هفته‌نامه‌ها از مطالب روزنامه‌های عصر الگو می‌گیرند، روزنامه‌های عصر نیز از مطالب روزنامه‌های صبح و همچنین روزنامه‌های سراسری از همه افراد برای پیگیری گزارش ایده می‌گیرند.

مثلاً بحثی در مطبوعات عمده شکل می‌گیرد. یک روزنامه محلی، موضوع را برای پیگیری از آنها انتخاب کرده، سپس دیدگاههای افراد محلی مرتبط به آن موضوع و همچنین اطلاعات محلی در مورد آن را در گزارش مربوطه قید می‌کند. به همین گونه، مطلبی که در یک روزنامه محلی مطرح شده است و به عنوان نمونه، یک بحث آموزشی که احساسی، فراگیر و غیر معمول به نظر می‌رسد، ممکن است از سوی روزنامه‌های سراسری با رجوع به منابع جدید و ارائه اطلاعات تازه مورد پیگیری قرار گیرد.

روزنامه‌ها به طور مستمر برنامه‌های خبری رادیویی و تلویزیونی منتخب را ضبط کرده و گزارشهایی را در مورد مصاحبه‌های مطرح در این رسانه‌ها تهیه می‌کنند و همچنین از آن برنامه‌ها برای تهیه گزارشهای آینده ایده می‌گیرند.

بسیاری از مطالب نشریات وزین روزهای یکشنبه به پیگیری مطالب برجسته هفته گذشته اختصاص می‌یابد؛ مطالب روزهای دوشنبه نیز به دنبال انتشار اخبار نه چندان تازه روز یکشنبه، معمولاً حاوی گزارشهایی در مورد مصاحبه با افراد برجسته هستند که در برنامه‌های رادیویی و

تلویزیونی روزهای آخر هفته پخش شده است.

گهگاه، تحقیقاتی که روزهای یکشنبه منتشر شده‌اند، از سوی نشریات سراسری پیگیری می‌شوند. برخی اوقات، گزارشگری یک مطلب را از روزنامه‌ای انتخاب کرده و با افزودن چند بند و تغییر مختصری در جمله بندی آن، گزارشی جدید از آن تهیه می‌کند.

اغلب اوقات مقاله‌نویسان نشریات سراسری در مورد رویدادها و دیدگاههایی که در سایر روزنامه‌های عمده برجسته شده‌اند، تفسیرهایی می‌نویسند. روزنامه‌نگاران همچنین بنا بر عادت، از همکاران روزنامه‌نگار خود به عنوان منابع خبری استفاده می‌کنند. گاه، کارشناس در یک زمینه مورد مشورت سایر گزارشگرانی قرار می‌گیرد که به تازگی در این زمینه فعالیت خود را آغاز کرده‌اند، و ایده‌های خود را به آنان ارائه می‌دهد. میزان همکاری در قبال چنین درخواستهایی برای روزنامه‌نگاران، امری شخصی است. اما هنگامی که درخواست از سوی دوست و یا همکاری که در روزنامه رقیب اشتغال دارد به عمل می‌آید، اجابت آن امر ساده‌ای به نظر نمی‌رسد. برخی روزنامه‌نگاران به تمامی درخواستها پاسخ منفی می‌دهند. برخی دیگر اطلاعات و شماره تماسهای معمولی را در اختیار می‌گذارند، اما راه دسترسی به منابع خاص را که با تلاش بسیار کسب کرده‌اند برای خود محفوظ می‌دارند.

برای تهیه گزارشهای مربوط به رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران معمولاً منابع عینی به شمار می‌روند.

اغلب در گزارشهای خارجی نیز دیدگاههای روزنامه‌نگاران محلی موثق و معتبر مطرح می‌شود.

نظرخواهی‌ای که از ۳۶ سردبیر روزنامه انگلیسی انجام شد، نشان داد که ۸۶ درصد از سردبیران بر این باورند که مقالات سایر روزنامه‌ها، مفیدترین منبع کسب اطلاعات برای آنان به شمار می‌رود. از نظر آنان دومین منبع کسب اطلاعات نیز خود روزنامه‌نگاران بودند. همچنین مجلات، رادیو و تلویزیون نیز جزء ۱۰ منبع اصلی به شمار می‌روند. این امر بیانگر میزان وسیع استفاده رسانه‌ها از مطالب یکدیگر است.

تحکیم نظر جمعی

با افزایش رقابت میان روزنامه‌ها، فشارهای بیشتری در جهت پیروی از ارزشهای خبری حاکم اعمال می‌شود. به جای برخورداری از اعتماد به نفس و پیروی از ارزشهای خبری خویش، روزنامه‌ها همواره در این زمینه به عملکرد رقبای خود توجه دارند. از این رو، همواره مجموعه دیدگاهها و تجاربی محدود در روزنامه‌ها مطرح می‌شوند و این دیدگاهها نیز به‌طور روزافزونی؛ قابل پیش‌بینی شده‌اند.

اتکای بیش از اندازه رسانه‌ها به یکدیگر نیز شکل غیرفعالی از روزنامه‌نگاری را تقویت می‌کند. روزنامه‌نگار تحقیقی به نام «تام بوور» از «فرهنگ عدم تحرک» سخن رانده است. در حالی که گزارشگری، در صورت همراهی با کمی تخیل و شجاعت، به صورت فعالیتی خلاق در می‌آید.

خطر نشر اطلاعات نادرست

بررسی گزارشهای سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی، نشان‌دهنده آن است که تا چه میزان از روزنامه‌ها به عنوان ابزار نشر اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده و همچنین در راه اهداف تبلیغاتی استفاده شده است.

به عنوان نمونه، ممکن است مطلب ساختگی که جنبش ضد آمریکایی خاصی را به انجام وحشیگری‌های مختلف متهم می‌کند، در یک روزنامه خارجی به چاپ برسد؛ شاید سازمان اطلاعات و امنیت از لحاظ مالی چنین روزنامه‌ای را حمایت کرده باشد. بعد هم این احتمال می‌رود که چنین مطلبی از سوی خبرگزاری‌های عمده بین‌المللی برای مخابره انتخاب شود و متن گزارش نیز به عنوان عامل صحت و اعتبار برای سایر گزارشها مورد استفاده قرار گیرد.

کاربرد رسانه‌ها برای مقابله با سانسور

در برخی از موارد، روزنامه‌نگاران مطالبی را که برای انتشار در روزنامه خود نامناسب تشخیص داده‌اند، برای استفاده نشریات دیگر ارسال می‌کنند. گاه نیز رسانه‌های یک کشور با انتشار مطالبی، قوانین سانسور در کشور دیگر را نقض می‌کنند. در سال ۱۹۸۶، فردی مخالف کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در اسرائیل به نام «موردخای وانونو»، از نشریه «ساندی تایمز» برای افشای جزئیات طرح مخفی هسته‌ای اسرائیل که تحت سانسور شدید رژیم، پنهان نگاه داشته شده بود، استفاده کرد. (سپس وی از سوی موساد، سازمان امنیت اسرائیل، دستگیر و به ۱۸ سال زندان محکوم گردید).

طی تدارک برای جنگ خلیج [فارس] در سال ۱۹۹۱، پس از آن که جزئیات «استراتژی یکپارچه» از خودروی مأموران وزارت دفاع ربوده شد، از سوی هیأت ویژه دولتی بیانیه‌ای اکید مبنی بر منع روزنامه‌ها از انتشار این خبر صادر شد؛ اما خبر از سوی یک روزنامه ایرلندی فاش شد و جزئیات آن به آگاهی عموم رسید. سپس روزنامه‌های لندن نیز دست به کار شده و گزارش‌های خود را در این مورد منتشر کردند. ولی ظاهراً انتشار آن، به مسأله امنیت ملی لطمه زیادی وارد نساخت.

مطالبی که انتشارشان آزاد است و مطالبی که انتشار آنها ممنوع است

مطالبی که انتشار آنها منع قانونی ندارد

اساس برقراری هر ارتباط نیک میان روزنامه‌نگار و منبع خبری، اطمینان است. هنگامی که این اطمینان سلب شود، منبع خبری از دست رفته است. در صورت وجود اطمینان بین منبع خبر و روزنامه‌نگار اغلب اخبار را می‌توان منتشر کرد؛ اظهاراتی که از سوی سازمانی ارائه می‌شود، فردی که با شما از طریق تماس تلفنی و یا رودرو صحبت می‌کند و یا آنچه را که در یک کنفرانس می‌گذرد می‌توانید گزارش کنید. همچنین می‌توانید تمامی اطلاعات و دیدگاه‌ها را منتشر سازید

و منعی در این مورد وجود ندارد.

مطالبی که انتشار آن دارای اشکال است

خبری که نمی‌توان آن را منتشر کرد، کاملاً متفاوت است. اطلاعات داده شده است، اما به دلیل برخورداری از ماهیتی حساس، نمی‌توان آن را منتشر کرد. اگر مطلبی که صرفاً برای اطلاع روزنامه‌نگار ارائه شده، انتشار یابد، اطمینان منبع خبری از روزنامه‌نگار سلب می‌شود. ولی این امر، دست روزنامه‌نگار را برای کسب اطلاعات مشابه از منبعی دیگر که ممکن است با انتشار آن مخالفتی نداشته باشد، نمی‌بندد.

انتشار مطالب مطرح در گردهمایی‌های عمومی مانعی ندارد. حتی اگر فردی در یکی از این گردهمایی‌ها اظهار کند: «تصادفاً، گزارش چنین مطلبی دارای اشکال است.» شما اجباری در رعایت آن نخواهید داشت، به همین گونه، صحبت‌های خصوصی را می‌توان منتشر نمود، مگر آن که لزوم عدم انتشار آن قید شود.

اظهارنظرهایی که انتشار آن بدون ذکر منبع اشکالی ندارد

مطالبی که میان آن دسته که انتشارشان منع شده و آن دسته که انتشارشان اشکالی ندارد قرار دارند، مطالب «برای اطلاع بیشتر» نامیده می‌شوند. در گزارشها می‌توان چنین نقل قولهایی را بدون ذکر منبع به‌طور مشخص ارائه کرد. به‌عنوان نمونه، این گزارش را که در نشریه ایندپندنت دوّم آوریل ۱۹۹۳ درج شده است در نظر بگیرید:

تحقیق «اسکات» در مورد شواهد ضد و نقیض

قانون تحریم ارسال سلاح به عراق از سوی کابینه تغییر نیافته است.

«آنتونی بوینز» دبیر سیاسی

تحقیقات قاضی دادگاه عالی «اسکات» در مورد ارسال ابزار نظامی به عراق، بیانگر آن است که تسهیلات برقرار شده توسط دولت در مورد مقررات صادرات سلاح به عراق که در دسامبر ۱۹۸۸ صورت گرفت، هرگز مورد تأیید کابینه قرار نگرفته بود.

بر اساس اظهارات یک منبع موثق دولتی، تحقیقات نشان داده است مقررات اولیه صادرات سلاح که از سوی «سرجفری هو» در سال ۱۹۸۵ - زمان تصدی وی در وزارت امور خارجه - انتشار یافته بود، تا هنگام حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ نیز - که تحریم کامل علیه عراق اعمال شد - همچنان تداوم داشت.

اما دست‌کم یک مقام دولتی دیگر نیز آماده است در مورد تغییراتی که در این مقررات از سوی وزیران اعمال شده و سپس توسط مقامات به اجرا در آمده است، به قاضی دادگاه عالی «اسکات» توضیح دهد. این تناقض آشکار به‌عنوان مسأله اصلی در تحقیقات «اسکات» مورد توجه قرار گرفته است.

قاضی دادگاه عالی «اسکات» در هفته اخیر اظهار داشت که می‌خواهد میزان آگاهی و همچنین میزان دخالت دولت در امر صادرات سلاح به عراق را که نقض آشکار مقررات بوده است، مشخص کند.

این پرسش از سوی منابع نشریه «ایندپندنت» برای هر دو طرف اختلاف، مطرح می‌شود که آیا این مقررات، غیررسمی و یا آزاد بوده‌اند که وزیران ارشد، تمامی مسؤولیت نقض آن را انکار می‌کنند.

«جان میجر» قبلاً اظهار کرده بود که مقررات اولیه «هو» از سوی هیأت داخلی «وایت هال» با دقت بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است.

اما در مورد آقای میجر و یا وزیران هیچ مدرکی دال بر انکار تغییر این مقررات در سال ۱۹۸۸ وجود ندارد. منبع دیگری به نشریه «ایندپندنت» اطلاع داده بود که این مقررات در گردهمایی دسامبر ۱۹۸۸ که در تالار وزارت امور خارجه تشکیل شده بود، تغییر یافت. در این گردهمایی

سه وزیر دولت - «ویلیام والدگریو» وزیر امور خارجه، «آلن کلارک» وزیر دفاع و «لرد ترفگارن» وزیر بازرگانی و صنایع و همچنین مقامات دیگری از دفاتر شخصی آنان - حضور داشتند. همراه این اتهام، مدارک لازم دادگاه سال گذشته «اولد بیلی» از سه مدیر «ماتریکس چرچیل»^(۱) ارائه شد؛ اما این سه مدیر از اتهام بی‌کفایتی در امر کنترل صادرات، تبرئه شدند؛ این امر نشان‌دهنده آن است که پیشنهاد تجدید نظر در مقررات در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸، مورد پذیرش قرار گرفته بود.

گواه ایجاد تغییرات در مقررات به هیأت منتخب بازرگانی و صنایع مجلس عوام که در زمینه مسأله ابرسلاح در ژانویه ۱۹۹۲، تحقیق می‌کرد، ارائه گردیده است. ژانویه ۱۹۹۲ نیز «جان گولدن»، مقام عالی‌رتبه وزارت امور خارجه، که تا آن زمان سمت سفیر کبیری ترکیه را عهده‌دار بود، اظهار داشت: «مقرراتی که توسط «سرجفری هو» در سال ۱۹۸۵ ایجاد شده بود تا دسامبر ۱۹۸۸، سه بار مورد تجدید نظر قرار گرفت.»

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد تغییر مقررات دسامبر ۱۹۸۸، به نشریه «این‌دیندنت» اظهار داشت: «آری، در این مقررات تغییراتی ایجاد شد و سپس قرار بر این شد که این امر مخفی بماند و جایی اعلام نشود.»

«منزیز کمپل»، سخنگوی لیبرال دموکراتها گفته بود: «اگر آنان مدعی شوند که چنین تصمیماتی اتخاذ نشده است، پس چه کسی راست می‌گوید؟»

روزنامه‌نگاران با وزیرانی گفت‌وگو کرده‌اند که به دلایل متعدد به انتشار دیدگاههای خود در نشریات رضایت داده ولی مایل نیستند نامشان فاش شود. از این رو، هویت اصلی افراد با عباراتی مانند «یک منبع موثق دولتی»، «منبع دیگری» و «یکی از عوامل مؤثر در ایجاد تغییر مقررات دسامبر ۱۹۸۸» در پرده ابهام باقی می‌ماند.

۱- نام پرونده ارسال غیرقانونی سلاح به عراق.

توضیح وضعیت

در نشریات عمده انگلیس همواره عباراتی مانند «منابع نزدیک به نخست‌وزیر»، «منابع دیپلماتیک» و «منابع نزدیک به رهبری حزب کارگر» به چشم می‌خورند. در مطالب مفصل سال ۱۹۹۲ که در مورد جدایی پرنس چارلز و پرنسس دایانا به نگارش در می‌آمد، عباراتی چون «منابع نزدیک به پرنسس» و یا «منابع نزدیک به قصر باکینگهام» کاربرد بسیاری داشت.

مطالبی که فقط برای اطلاع روزنامه‌نگاران است و قابل چاپ نیست و یا مطالبی که ذکر آن صرفاً بدون نام منبع ممکن است، هم برای منبع خیر و هم برای روزنامه‌نگاران مفید است. گزارشگر از جزئیات مطلب که ممکن است کارشناسان از آن بی‌اطلاع باشند، آگاه می‌شود و همچنین در مورد تعصبات منابع خبری نیز مطالبی فرا می‌گیرد. منابع خبری اغلب در گردهمایی‌ها راحت‌تر سخن می‌گویند. برای منبع خبری نیز توضیح بیشتر، موقعیتی را فراهم می‌آورد تا وی بتواند با ارائه نظریات خود روزنامه‌نگاران را تحت تأثیر قرار دهد.

همان‌گونه که «رادنی تیفن» اظهار می‌کند:

معمولاً اقدامات پنهانی برای شکل‌گیری برداشتهایی از رویدادهای عمومی، پیروزی‌ها یا شکستها، اهداف و هشدارها به کار می‌روند. با وجود پیشرفتهای فنی و پیچیده، چنین توضیحاتی قادر است مفاهیم ضروری و جزئیات آن را برجسته سازد و آنچه را که روزنامه‌نگاران آسان‌ترین راه برای گذر از این اوضاع پیچیده می‌دانند فراهم آورد؛ در نتیجه چنین عملکردی، فرصت مناسب‌تری برای انتخابی مفید ایجاد می‌شود. نظرسنجی‌ها و نتایج برخی از انتخابات، مفاهیم گزارشهای اقتصادی و شاخصها و همچنین قراردادهای بین‌المللی، اغلب پس از گذر از صافی‌های توضیحی به صورت خبر ارائه می‌شوند.

گروهها، افراد و مؤسسات حاکم در نتیجه توانایی دسترسی به مطبوعات قادرند چنین توضیحاتی را سازماندهی کرده و بر مباحث خبری روز تأثیر گذارند. گروهها و افراد ضعیف‌تر، فرصتهای بسیار کمتری برای انجام چنین اقداماتی در اختیار دارند.

حقیقت، خیال یا دسته‌بندی؟

انتشار مطالب بدون ذکر منبع، معمولاً مرز میان حقیقت و خیال را مخدوش می‌سازد. به‌عنوان نمونه، نشریه «ساندی تلگراف» روز ۱۰ ژانویه ۱۹۹۳، گزارشی را مبنی بر افزایش نگرانی حزب کارگر در مورد اقدامات ملال آور «جان اسمیت» رهبر آن، به چاپ رساند. در هیچ یک از این نقل قولهای اساسی، نام منبع ذکر نشده بود. به جای آن، عباراتی مانند «یک مقام ارشد حزب کارگر در مجلس»، «یک مشاور» و «منتقدان وی» به عنوان منابع به چاپ رسیده بود. البته روزنامه مغلوب نمی‌شود؛ لکن انتشار این گزارش، آسیب خود را رسانده است و هیچ فردی قادر به انکار این ادعاها نخواهد بود؛ چون نام فرد مشخصی برده نشده است. بنابراین تمامی این مطالب می‌تواند خیالی و تصور محض بوده باشد.

موارد دیگر نیز وجود دارد که روزنامه‌نگاران مایل‌اند از لحاظ قانونی، هویت منابع خود را حفظ کنند. به‌عنوان نمونه:

● به دلیل افزایش میزان بیکاری، افراد به‌طور روزافزون جرأت انتقاد از صاحبکاران خود را از دست می‌دهند زیرا از عواقب آن هراس دارند. پرستاران ممکن است از اعلام آشکار تأثیر حذف هزینه‌های خدمات بهداشتی سرباز زنند، زیرا افرادی که در این مورد با مطبوعات سخن گفته‌اند مورد تهدید قرار گرفته‌اند. آموزگاران نیز معمولاً از ذکر نام خود در اعتراضات علیه تغییرات اساسی آموزشی سالهای اخیر خودداری می‌کنند. روزنامه‌نگاران نیز بایستی به این اقدام احتیاطی آنان احترام گذارده و برای تحکیم گزارش خود دست به افشای نام آنان نزنند.

● مصاحبه با افرادی که در مورد جنبه‌های خصوصی زندگی خود مانند مشکلات جنسی، بیماریها و خشوتهای خانوادگی شان سخن می‌گویند، معمولاً با نام‌های ساختگی به چاپ می‌رسد. اسامی مکان، سن و سال و سایر توضیحات یا تغییر یافته و یا این که به کلی حذف می‌شوند. در صورت کاربرد این روش، روزنامه بایستی در آغاز مقاله، این مسأله را خاطر نشان سازد. اگر ذکر این مطلب در پایان مقاله آورده شود، ممکن است این احساس به خواننده مطلب دست دهد که فریب خورده است.

● در صورتی که روزنامه‌نگاران تحقیقی، اطلاعاتی را بدون افشای هویت حرفه‌ای خود کسب کنند، روزنامه از ذکر نام منبع خبر خودداری می‌کند. به‌عنوان نمونه «ایستراکسفورد» روزنامه‌نگار شاغل در روزنامه «ایندپندنت» توانست به اطلاعات وسیعی در مورد آژانس‌هایی که در قبال دریافت مبالغی از زنان، برای آنان مردهایی را برای انجام امور حفاظت شخصی و خدمات جنسی به کار می‌گمارند، دست یابد. وی با یکی از این آژانسها تماس گرفت و سپس تجارب خود را به نگارش درآورد. البته واضح است که وی نمی‌توانست دفتر یادداشت خود را همراه ببرد. لذا تمامی نقل قولها و توصیف مکانها را از آنچه به خاطر سپرده بود، نوشت. اما این جمله همراه مقاله به چاپ رسید که «در این مقاله اسامی افراد تغییر یافته است».

افشای مطالب و توجه عموم به آن

به اعتقاد «رودنی تیفن»، افشای یک نام می‌تواند به‌عنوان افشای غیرمسئولانه اطلاعات محرمانه تلقی گردد:

این افشاگری ممکن است در نتیجه اقدام یک ناراضی یا فردی که دارای قدرت بوده و تلاش در کسب امتیاز سیاسی برای خویش دارد، ایجاد شده باشد. محرمانه بودن مسائل درجات مختلفی دارد و از مسائل بسیار حساس تا بی‌خطر را دربرمی‌گیرد: از مسائلی که بایستی برای همیشه پنهان بماند، تا مسائلی که می‌توان آن را برای اطلاع عموم انتشار داد، در این محدوده قرار دارند.

افشاء و یا کاربرد نقل قولهای بدون نام از سوی روزنامه‌نگاران می‌تواند به منظور اجرای مقاصد خاصی صورت گیرد. مأموران دولتی ممکن است تعمداً مطالبی را بدون ذکر نام افراد فاش سازند تا عکس‌العملهای عمومی را بررسی کنند. اگر هم فریاد اعتراضی برخاست، دولت می‌تواند این امر را بدون آن که دخالت خود را در آن آشکار سازد، تقیح کند. در این میان فقط گزارشگرانی که تعهد کرده‌اند آن را مخفی نگاه دارند، می‌توانند از ماهیت موضوع اطلاع داشته باشند. ریشه‌یابی یک افشاگری در عین حال می‌تواند انتشار دروغی سازمان یافته را آشکار

سازد.

افشاگری همچنین می‌تواند ابزاری برای بی‌اعتبار ساختن مخالفان باشد. داستان «هارولد ویلسون» بیانگر آن است که تا چه اندازه افشای اطلاعات از سوی سازمان اطلاعات و امنیت به روزنامه‌نگاران دلسوز در روزنامه‌های سراسری، از روی نقشه قبلی و برای بدنام کردن نخست‌وزیر و برخی همکاران نزدیک وی صورت گرفته است.

چون مسائلی که مخفی نگاه داشته می‌شوند معمولاً از جذابیت خاصی برخوردارند؛ از این رو اطلاعاتی که از چنین منابعی به دست می‌آید، بیش از اندازه مورد توجه قرار می‌گیرد و سایر اطلاعاتی را که در همین زمینه از منابع دیگر کسب شده‌اند، کم ارزش جلوه می‌دهند. تمایل نسبت به دستیابی به اطلاعات انحصاری از طریق امتیاز دسترسی به منابع مخفی، وابستگی خاصی را میان منبع خبر و روزنامه‌نگار مربوطه ایجاد می‌کند. وسوسه دسترسی به اطلاعاتی که مخفی نگاه داشته می‌شوند ممکن است گزارشگر را از تلاش برای دستیابی به سایر دیدگاهها باز دارد.

دستورالعمل سردبیران

اغلب روزنامه‌نگاران، نسبت به کاربرد بیش از اندازه منابع بدون ذکر نام معترض‌اند. به‌عنوان نمونه، نشریه «ساندی اکسپرس» (۱۰ ژانویه ۱۹۹۳)، ۱۱ مورد از این نقل قولهای گمنام را به کار برد.

در ایالات متحده، قوانین «ذکر نام منابع»، سخت‌تر از انگلیس است. سردبیران چندین روزنامه عمده از مقررات زیر پیروی می‌کنند:

- منابع را تا حد امکان بایستی بدون ذکر مستقیم نام، ولی با ارائه اطلاعات بیشتری مشخص نمود. مثلاً به جای کاربرد عبارت «منابع آگاه» باید گفت «یک مشاور شهری»؛
- بایستی علت عدم ذکر نام منبع توضیح داده شود؛
- تلاش شود تا دیدگاههای حداقل یک منبع دیگر نیز در مورد اطلاعات ارائه شود؛

در کتاب شیوه‌نگارش نشریه تایمز چنین آمده است:

ارائه نقل قول بدون ذکر منبع، معمولاً منع شده است؛ به‌ویژه در مورد نقل قولهای بدون ذکر منبع که در گزارشهای کسالت‌آور سیاسی، تعدادشان افزایش می‌یابد، بایستی با احتیاط رفتار شود؛ زیرا برخی خوانندگان تصور می‌کنند که این سخنان ساختگی است. نشریه «تایمز» از مجموعه قوانینی که اکنون در آمریکا معمول است، پیروی می‌کند. نقل قول بدون ذکر منبع، صرفاً هنگامی باید ارائه شود که پنهان‌کاری، ضرورتی آشکار داشته باشد و انگیزه کاربرد آن افزودن به جذابیت مطلب نباشد. حتی در آن موقع نیز نویسنده گزارش بایستی از منبع آگاهی داشته باشد و سردبیر را نیز از آن آگاه سازد. جز در موارد خاص، هدف ارائه نقل قول بدون ذکر منبع، نبایستی به منظور توهین و تحقیر به افراد و یا مؤسسات باشد. چنین نقل قولهایی، بز دلانه خواهد بود و مورد پسند قرار نخواهد گرفت.

(* راهنمای کاربرد لغات و روش نگارش در تایمز انگلیسی؛ تایمز بوکز؛ لندن؛ ۱۹۹۲.)

نقل قولهای بدون ذکر نام منبع، هنوز در گزارشهای خبری بین‌المللی دیده می‌شوند. می‌توانید نمونه‌های آن را در این گزارشها بررسی کنید. به‌عنوان نمونه، دو صفحه از نشریه «ساندی تایمز» (۲۴ نوامبر ۱۹۹۳) شامل این منابع بوده است: «یک مقام رسمی نزدیک به صدام حسین»، «یک مسؤول سابق دولتی در ایالات متحده»، «یک منبع در وزارت امور خارجه»، «یک دانش‌آموخته دانشگاه در عراق»، «یکی از مقامات آمریکایی»، «مقامات عراقی»، «یک منبع سازمان ملل»، «یک استاد دانشگاه»، «منابع عراقی»، «مقامات ارشد در دولت کلیتون».

دست انداختن

استفاده بیش از اندازه از منابع گمنام، روزنامه‌نگاران را بیشتر در معرض فریب افرادی که از دست انداختن دیگران لذت می‌برند، قرار می‌دهد. برخی افراد حرفه‌شان، دست انداختن مطبوعات است. یکی از بدنام‌ترین این افراد «راکی رایان» است که سازمانهای خبری را فریب داده و خود را به دروغ به جای افراد مختلفی معرفی کرده است: از جمله؛ قاتل حرفه‌ای سیسیلی، «روکوسالواتوره» یا سرباز ثروت، «مایک کلی» یا دلال معروف خاورمیانه و

«میجر سیورت».

۱۷ می ۱۹۹۲، نشریه «ایندپیندنت» فاش ساخت که یکی از فعالترین منابع خبری و اطلاعاتی روزنامه‌های عمده، به ویژه در زمینه هوانوردی، فرد شیادی بوده که مدعی شده بود یکی از مقامات عالی‌رتبه در نیروی هوایی انگلیس است. اما اظهارات وی دروغ محض بوده است. یکی از معروفترین موارد نشر مطالب غیر واقع، نشر نکات تازه‌ای از زندگی «آدولف هیتلر» در نشریه «ساندی تایمز» بود.

روزنامه‌های محلی نیز از نیرنگهای چنین افرادی در امان نیستند. اعتبار منابع جدید، به ویژه در زمینه‌های بحث‌برانگیز بایستی به‌طور مرتب بررسی شود و همچنین دیدگاهها و اطلاعاتی که از سوی این منابع ارائه می‌شود، باید به‌طور مرتب از سوی منبع موثقی مورد تأیید قرار گیرد. روزنامه‌نگاران به‌ویژه در مورد دروغ‌هایی که قبل از اول آوریل ممکن است در نامه‌های ارسالی به آنان برسد، بایستی محتاط باشند.

بحث گزارشگران ویژه مجلس عوام

یکی از معروفترین نموده‌های سازمان یافته‌ای که مطالب بدون ذکر نام منبع، در مورد گزارشگران ویژه مجلس عوام دیده می‌شود. هر روز که مجلس جلسه دارد، اخبار پارلمانی بدون ذکر نام منبع در دو نوبت، در اختیار خبرنگاران مجاز پارلمانی که شمار آنان در حدود ۲۰۰ نفر است، قرار می‌گیرد. این افراد را عمدتاً روزنامه‌نگاران انگلیسی و ایرلندی تشکیل می‌دهند. اولین جلسه در خیابان «دانینگ» محل سکونت نخست‌وزیر انگلیس ساعت ۱۱ صبح تشکیل می‌شود؛ تشکیل جلسه دوم نیز در مجلس عوام و ساعت ۴ بعد از ظهر خواهد بود. تمامی گزارشگران پارلمانی متعهد به حفظ رازداری هستند. پس از دریافت توضیحات که از سوی منشی مطبوعاتی نخست‌وزیر، رییس مجلس و یا رهبر مخالفین داده می‌شود، روزنامه‌نگاران نام افراد را در گزارشهای خود قید نمی‌کنند، بلکه عباراتی مانند «منابع نزدیک به مقرر نخست‌وزیری» یا «منابع دولتی» یا «اعضای نزدیک به رهبری حزب کارگر»، به‌عنوان منابع

خبر در مطبوعات انتشار می‌یابند.

وانگهی، این اظهاراتی است که از سوی وزیران و یا سخنگویان تبلیغاتی آنان خطاب به گروهها و روزنامه‌نگاران مختلف در شرایطی یکسان بیان می‌شود و البته گاهی سخنانی ایراد می‌شود که روزنامه‌نگاران مجازند همراه با آن نام منبع را نیز در نشریه خود ذکر کنند.

درست پنج سال پیش از تصویب اولین قانون رسمی حفظ اسرار در سال ۱۸۸۴، اولین گروه گزارشگران ویژه پارلمانی تشکیل شد. همان‌گونه که «مایکل کوکرل»، «پیتروهنسی»، و «دیوید واکر» در مطالعات خود در مورد خبرنگاران پارلمانی ابراز می‌دارند:

تناقض در این نکته بود که همان‌گونه که انگلیس از طریق اعطای حق رأی به تمامی طبقات مردم، به سوی برقراری دموکراسی پیش می‌رفت (زنان مجبور بودند که ۴۰ سال دیگر نیز صبر کنند) شرایطی ایجاد شده بود که مانع مشارکت همگانی در دولت و یا کنترل اخبار سیاسی بود.

گزارشهای ویژه خبرنگاران پارلمانی، شور عظیمی را در هواخواهی و یا مخالفت با آنها برانگیخت. ماههای متوالی که «برنارد اینگهام»، سمت منشی مطبوعاتی مارگارت تاچر را بر عهده داشت (یعنی تا اکتبر سال ۱۹۹۱) نمایندگان سه روزنامه روشنفکر، «ایندپندنت»، «گاردین» و «اسکاتزمن» دیگر اجازه شرکت نیافتند. در واقع «اینگهام»، از این گزارشگران مطبوعاتی برای ارائه اطلاعات نادرست در مسائل سیاسی و علیه افراد داخل و یا خارج کابینه استفاده کرد. ولی جانشین وی «گاس اودانل» شیوه او را دنبال نکرد.

«دس ویلسون»، عضو جنبش مبارزه برای آزادی اطلاعات معتقد است که دولت مرز میان ارائه اطلاعات و تبلیغات را مخدوش کرده است. انرژی و منابعی که اکنون صرف دستکاری و تغییر اخبار رسانه‌ها و همچنین صرف تلاش برای ارائه اطلاعات نادرست می‌شود، بسیار فراتر و مخربتر از گذشته بوده است و رسانه‌ها نیز به گونه‌ای حیرت‌آور، اجازه چنین عملی را به دولت‌ها می‌دهند.

«آنتونی بوینز» از نشریه «آبزرور» اظهار می‌دارد که این شیوه گزارشگران پارلمانی، عامه‌پسند است «زیرا ترسی فراگیر در مورد روزنامه‌نگاری وجود دارد که حاصل عملکرد

کورکورانه سردبیران و هیأت‌های تحریریه است.»

در حمایت از برقراری گفت‌وگوی خبرنگاران با پارلمان، «کریس مونکریف» که سالها خبرنگار سیاسی بوده است می‌گوید: «در هر صورت، گردهمایی گزارشگران پارلمانی فقط سی دقیقه طول می‌کشد، بنابراین محققان مردم و روشنفکرانی که در جست‌وجوی حقیقت‌اند، بیست و سه ساعت باقی مانده شبانه‌روز را وقت دارند تا به کندوکاو بپردازند»

یکی دیگر از گزارشگران پارلمانی، «استوارت تروتکس» می‌گوید:

اظهارات سخنگوی دولت، فقط منبعی از اطلاعات محسوب می‌شود که باید با نظر احزاب مخالف، حامیان دولت و یا هر فرد دیگری مورد ارزیابی قرار گیرد. هنگامی که وجهه ناخوشایندی از وزیران در مطبوعات ارائه می‌شود، آنان مایل‌اند دخالت‌های بی‌جای گزارشگران پارلمانی را در این مورد مقصر بدانند.

برخی دیگر نیز شیوه گزارشگری خبرنگاران پارلمانی را نتیجه بسط فرهنگ پنهان کاری در شاخه‌های مختلف دولت و همچنین خودشیرینی برخی روزنامه‌نگاران می‌دانند. اغلب تصمیم‌های اساسی که امنیت ملی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند پشت درهای بسته، از سوی گروهی از وزیران و اغلب بدون اطلاع کلیه اعضای کابینه صورت می‌گیرد. عموم مردم که از طریق رسانه‌ها نتایج را مشاهده می‌کنند، صرفاً تماشاچیان این بازی سیاسی‌اند که از سوی گروه اقلیتی در داخل ترتیب داده می‌شود و کنترلی بر تصمیم‌های آن اعمال نمی‌شود.

بحثهایی در مورد پنهان کاری

مسئله اظهاراتی که بدون ذکر منبع انتشار می‌یابند، در برخی موارد برای روزنامه‌نگاران جنبه حیاتی دارد. مقررات و اصول رفتاری اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران (ماده هفت) از روزنامه‌نگاران می‌خواهد که اصل رازداری را در مورد منابع خود حفظ کنند. با این همه، پنهان نگه‌داشتن منابع در قانون جایی ندارد و بر اساس ماده ۱۰ قانون ۱۹۸۱ (در بخش اهانت به دادگاه)، دادگاهها از این حق برخوردارند که روزنامه‌نگاران را وادار به افشای منابع خبری خود سازند. در حقیقت، به غیر از کشور نروژ، انگلیس تنها کشور اروپایی است که حق پنهان نگه‌داشتن منبع خبری را

برای روزنامه‌نگاران خود به رسمیت نشناخته است.

بر همین اساس، «جرمی وارنر» از نشریه «ایندپندنت» در سال ۱۹۸۸ از سوی دادگاه مکلف گردید تا منبع خبری گزارش خود مبنی بر معاملات داخلی و تلاش‌های مشکوک نقل و انتقال در شهر را افشا سازد. وی از افشای منبع خبری خود سر باز زد. از این رو دادگاه، وی را به پرداخت ۲۰ هزار پوند جریمه و دادگاه عالی نیز وی را به پرداخت جریمه ۱۰۰ هزار پوندی محکوم نمود. روزنامه «ایندپندنت» پرداخت این جریمه را تقبل نمود و در نتیجه از وجهه خوبی میان مردم برخوردار شد.

در سال ۱۹۹۰ «ویلیام گودوین»، کارآموز گزارشگری در هفته نامه تجاری «اینجینیر»، به اتهام اهانت و خودداری از تحویل و افشای اطلاعات دریافتی اش (طی یک تماس تلفنی مبنی بر وضعیت مالی یک شرکت کامپیوتری) که ماهیت منبع خبری اش را برملا می ساخت، به پرداخت ۵ هزار پوند جریمه محکوم گردید.

«گودوین»، چهارمین روزنامه‌نگار در انگلیس است که به دلیل خودداری از افشای منبع خبری اش زندانی می شود. در سال ۱۹۶۳، «برندان مله‌لاند»، گزارشگر «دیلی میل» و «رجینالد فاستر»، گزارشگر «دیلی اسکچ» به علت خودداری از افشای منابع موضوع جاسوسی «واسال» به ترتیب به شش و سه ماه حبس در زندان «بریکستون» محکوم گردیدند.

«فاستر» که «واسال» را هنگام خرید لباس زنانه در فروشگاهی در لندن دیده بود، اظهار داشت: «تا آنجایی که من متوجه شدم مسأله در مورد خرید لباس زیر زنانه بود. در آن لحظه اگر می دانستم این خبر داغ چقدر با ارزش است، مستقیماً به سفارت روسیه می رفتم.»

در سال ۱۹۷۱ نیز «برنارد فالک» در مورد این موضوع که یکی از دو عضو ارتش جمهوری خواه ایرلند که با آنان برای بی بی سی مصاحبه کرده بود همان فردی است که متعاقباً به علت عضویت به حبس محکوم گردید، از ارائه توضیح به دادگاه خودداری کرد.

پس از آن که «بیل گودوین»، مورد خود را در کمیسیون اروپایی حقوق بشر مطرح نمود، فشارهای وارده بر دولت مبنی بر به رسمیت شناختن حق روزنامه‌نگاران در حفظ هویت منابع خبری خود افزایش یافت. در سپتامبر ۱۹۹۳، کمیسیون اروپایی حقوق بشر، اعتراض «گودوین»

را موجه شمرد و از دولت خواست تدابیری دوستانه برای رفع این معضل اتخاذ کند.

تهدیدهای افزون‌تر

در سالهای اخیر، تهدیدهای تازه‌ای در جهت جلوگیری از تلاشهای روزنامه‌نگاران برای پنهان‌نگه داشتن منابع خبری خود، اعمال شده است. بر اساس قانون ادله کیفری و برقراری نظم ۱۹۸۴، افسر پلیسی که در مورد امر مهمی مشغول تحقیق است می‌تواند حکمی را مبنی بر التزام روزنامه‌نگار به افشای اطلاعات و شواهدی که برای حل پرونده مذکور مفید خواهد بود کسب کند. یادداشتها و عکسهای منتشر نشده نیز شامل این امر می‌شوند.

اولین بحث اساسی در این مورد، هشت ماه پس از تصویب قانون ادله کیفری و برقراری نظم آغاز گردید. نشریه «بريستول ایونینگ نیوز» از سوی دادگاه موظف گردید تا حلقه‌های فیلمی را که از جریان کشف یک باند مواد مخدر در دست داشت به نیروهای پلیس تحویل دهد؛ اما این نشریه از اجرای این امر امتناع ورزید. نیروهای پلیس نیز با مجوز از سوی دادگاه، ۲۶۴ قطعه عکس و نگاتیو آنها را با خود بردند. به دنبال تظاهرات خشونت‌آمیزی که خارج از محوطه ساختمان مؤسسه بین‌المللی خبری «روبرت مردوخ» واقع در «واینگ»، شرق لندن در اوایل سال ۱۹۸۷ بوقوع پیوست، نشریات «ایندپندنت»، «میل ان ساندی» و «آبزور» و دو کمپانی تلویزیونی و چهار عکاس آزاد در مقابل این حکم دادگاه مبنی بر تحویل عکسها و تصاویر ایستادگی کردند.

روز ۲۳ مه ۱۹۸۸، قاضی «الیوت» حکم کرد که تصاویر بایستی در موقع لزوم تحویل داده شوند و چنین امری به آزادی و استقلال مطبوعات خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. تمامی عکاسان از این حکم پیروی کردند به جز چهار عکاس آزاد که گام بی‌سابقه‌ای برداشته و عکسهای خود را از طریق اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران به فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در «بروکسل» فرستادند. در اکتبر ۱۹۸۸ اتهامات علیه این عکاسان آزاد منتفی گردید زیرا دیگر آنان صاحبان عکسها محسوب نمی‌شدند و آن را پیش از تاریخ مقرر برای فدراسیون فرستاده بودند.

در پی شورشهایی در مورد میزان مالیات سرانه در ۳۱ مارس سال ۱۹۹۰، نیروهای پلیس بر اساس قانون ادله کیفری و برقراری نظم، خواستار دسترسی به تمام مطالب منتشر شده و یا منتشر نشده، فیلمها، نوارهای ویدئویی، عکسها و همچنین نگاتیو عکسهای تظاهرات و پیامدهای آن که از دید روزنامه‌نگاران ارزش خبری داشته است شدند؛ برخی روزنامه‌های سراسری نیز از این امر پیروی کردند. بار دیگر اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران سریعاً دست به کار شد و تمامی مطالب و عکسها را از کشور خارج نمود.

«جک اکلستون»، قائم مقام دبیرکل اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران، معتقد است «قانون ادله کیفری و برقراری نظم» بیانگر ظهور دولت «برادر بزرگ» (از نوع داستانهای جورج ارول) می‌باشد. دادگاهها، عوامل دولت محسوب می‌شوند و نیروهای پلیس نیز از عوامل دادگاهها به شمار می‌روند؛ در حالی که روزنامه‌نگاران دیگر عامل پلیس محسوب نمی‌شوند. باید به این روند پایان داده شود، چون در غیر این صورت، ادامه حرفه روزنامه‌نگاری امکان‌پذیر نیست. گزارشگران و عکاسانی که تظاهرات، شورشها و سایر ناآرامی‌های داخلی را پوشش خبری می‌دهند، به‌طور روزافزونی، مورد حمله واقع می‌شوند، زیرا تظاهرکنندگان آنها را به عنوان عوامل دولت سرکوبگر می‌شناسند.

دولت از قانون «منع اقدامات تروریستی» استفاده کرده و آن را به عنوان ابزاری برای تهدید روزنامه‌نگاران در مورد افشای منابع خبری‌شان به کار می‌برد. به‌دنبال پخش برنامه‌ای از سوی یک کمپانی مستقل تهیه‌کننده برنامه‌های تلویزیونی به نام «باکس پروداکشنز» در سال ۱۹۹۱ مبنی بر همدستی «جوخه‌های مرگ و فاداران به حکومت وقت» و «اعضای نیروهای امنیتی» در ایرلند شمالی، کانال چهار تلویزیون به علت امتناع از افشای منبع خبری خود به پرداخت ۷۵۰۰۰ پوند جریمه محکوم شد.

به‌دنبال آن، یکی از پژوهشگران برنامه به نام «بن همیلتون» از سوی نیروهای پلیس ویژه سلطنتی به ایراد شهادت دروغ متهم شد. گرچه این اتهام در نوامبر سال ۱۹۹۲ ناگهان پس گرفته شد، اما نیروهای پلیس کلیه لوازم و مطالبی را که از آقای «همیلتون» ضبط کرده بودند، نزد خود نگه‌داشتند. این لوازم و مطالب عبارت بودند از دستگاه کامپیوتر شخصی، تمامی دیسکها،

بریده‌های جراید و کلیه یادداشتهایی که از تماسهای تلفنی و ملاقات با سایر روزنامه‌نگاران علاقه‌مند به برنامه تهیه شده بود.

روزنامه‌نگاری با دستیاری کامپیوتر

یکی از باارزشتترین منابع اطلاع‌رسانی هر روزنامه‌نگاری، کتابخانه روزنامه است. به‌عنوان نمونه، کتابخانه وابسته به روزنامه‌های لندن که نشریات «میل»، «میل آن ساندی» و «ایونینگ استاندارد» را سرویس می‌دهد، ۲۴ ساعته کار می‌کند و ۸۰ میلیون بریده جراید و ۱۲ میلیون تصویر را که از سال ۱۹۱۰ تاکنون تهیه شده است، دربر می‌گیرد. این کتابخانه هر روزه به درخواستهای ۶۰۰ روزنامه‌نگار رسیدگی می‌کند و مطالب مورد نظرشان را در اختیار آنان قرار می‌دهد.

پیشرفتهای تکنولوژیکی، حرفه روزنامه‌نگاری را در سالهای اخیر با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو ساخته و انقلابی در روشهای سرویس دهی کتابخانه روزنامه‌ها بوجود آورده است. اکنون به جای نگهداری بریده‌های جراید و متون مرجع، پیشرفته‌ترین کتابخانه‌های روزنامه‌ها از امکانات کامپیوتری، حافظه دیسکهای فشرده و مجموعه وسیعی از پایگاههای اطلاع‌رسانی قابل دسترسی برخوردارند. به‌عنوان نمونه، شما می‌خواهید به گزارشی در شماره گذشته یک نشریه دست یابید، دستورهایی را در دستگاه کامپیوتر خود تایپ کرده و در فاصله چند ثانیه، مطلب مورد نظر خود را در دو قسمت، بر روی صفحه نمایشگر کامپیوتر مشاهده می‌کنید. حیرت‌آور است. پس از گذشت چند سال اکنون می‌توان به تمامی بریده‌های جراید همراه با تصاویر مربوطه در مدت زمانی بسیار کوتاه دست یافت.

عصر گزارشگری با کمک کامپیوتر آغاز شده است. در آمریکا حداقل ده روزنامه دارای گزارشگرانی هستند که در کار با پایگاههای اطلاع‌رسانی کامپیوتری تخصص دارند. در انگلیس، گاردین اولین نشریه‌ای بود که پایگاه اطلاع‌رسانی کامپیوتری را در سال ۱۹۸۴ راه‌اندازی کرد. بدین شیوه می‌توان به تمامی روزنامه‌های سراسری و برخی تابلویداها به صورت تمام وقت

دسترسی داشت و تمامی تابلویدها نیز در دو سال آینده به سیستم «on line» خواهند پیوست. روزنامه‌های سراسری مانند «امریکن نکسیس» و «دایالوگ» به‌طور روزافزونی به جای استفاده از بریده‌های جراید روزنامه‌های انگلیسی، اروپایی و آمریکایی، به کاربرد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری روی می‌آورند.

اما نشریات سراسری در مدت زمانهای متفاوتی به امکانات کتابخانه‌ای مدرن دست می‌یابند. یکی از کتابداران شاغل در «آبزور» به خاطر نبود سیستم جست‌وجوی «آن‌لاین» در این نشریه، فضای کتابخانه آن را قرن نوزدهمی توصیف کرد. در روزنامه‌های مربوطه، روزنامه‌نگاران از سیستمی استفاده می‌کنند که فقط روزنامه‌های خودشان و همچنین تایمز، ساندی تایمز و تودی را برای تبادل اطلاعات از نظر اخبار بین‌المللی دربرمی‌گیرد.

سرپرست کتابخانه، «استفن تورینگتون» اظهار می‌دارد که روزانه به‌طور متوسط، روزنامه‌نگاران ۱۶۰ جست‌وجوی «آن‌لاین» انجام می‌دهند و همچنین حدود ۱۶۰۰ دستور جست‌وجوی مطالب به دستگاه‌های کامپیوتری ارسال می‌شود. این میزان استفاده از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری نسبت به سال گذشته به سه برابر افزایش یافته است. در آینده‌ای نزدیک قرار است روزنامه‌های «میرورگروپ»، روزنامه‌های اکسپرس و دیلی تلگراف نیز به این قرارداد تبادل اطلاعات بپیوندند.

میزان مجاز استفاده روزنامه‌نگاران از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در هر روزنامه متفاوت است. هزینه‌های استفاده از خدمات تمام وقت آن اگر جست‌وجوها هدفمند نباشد، بسیار سرسام‌آور خواهد بود. از این‌رو برخی روزنامه‌ها مانند «ایندپندنت» جست‌وجوی مطالب را فقط به کتابداران متخصص واگذار می‌کنند. در جاهای دیگر مانند دیلی تلگراف خود روزنامه‌نگاران مراحل جست‌وجو را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی انجام می‌دهند.

بر اساس تحقیقات کارشناسان اطلاعات، «دیوید نیکلاس» و «کوین کانولی» در نیمه دهه ۱۹۸۰، اختلال در جست‌وجو از سوی کتابداران ۹۰ درصد و از سوی روزنامه‌نگاران ۱۰ درصد بوده است؛ اما امروزه این میزان ۵۰-۵۰ است.

روند تحول کتابخانه‌ها در نشریات محلی بسیار کندتر بوده است. اولین نشریاتی که پایگاه اطلاع‌رسانی در داخل نشریه ایجاد نمودند، «والورهمتون اکسپرس» و «استار» در سال ۱۹۸۵ بودند. کلیه روزنامه‌نگاران این نشریات از طریق کامپیوترهای خود همه روزه به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دسترسی دارند.

نشریه «نورترن ایپی» در نوامبر ۱۹۸۸، به جمع‌آوری بریده‌های جراید پایان داده و به سیستم اطلاع‌رسانی آن‌لاین پیوست. «کارل برن» کتابدار، مانند بسیاری دیگر از پیش‌تازان روزنامه‌نگاری با کمک کامپیوتر، معتقد است که استفاده از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری بسیار سریع‌تر و مفیدتر از جریان سنتی نگهداری بریده‌های جراید است. وی با اشاره به تحقیقات یک روزنامه‌نگار که مشغول تهیه گزارشی از تعرض به کودکان بوده است، می‌گوید که فقط گزارش مهمی را که در آن اتومبیل قرمز رنگی نقش داشته، به یاد می‌آورده است. این کتابدار با استفاده از این دو واژه «اتومبیل قرمز» توانست از طریق کامپیوتر به گزارش مورد نظر خود از میان شش موردی که بر روی صفحه نمایشگر کامپیوتر نقش بسته بود، دست یابد. آقای «برن» می‌گوید: «هرگز از طریق جست‌وجو در بریده جراید نمی‌توان به این سرعت و سهولت به گزارش مورد نظر خود دست یافت.» تمامی روزنامه‌نگاران نشریه «اکو» به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری نشریه خود دسترسی دارند. این اطلاعات هر شش ماه یک بار در دیسک‌های فشرده ذخیره می‌شوند؛ اما فقط کتابداران، مرحله جست‌وجوی مطالب پایگاه اطلاع‌رسانی را انجام می‌دهند. «گرتروود ارباک»، سرپرست کتابداران در نشریه «این‌دیندنت» نیز کارایی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نشریات را ارزشمند توصیف می‌کند. وی می‌گوید که کاربرد بریده‌های جراید به‌ویژه زمانی که جنبه تصویری یک مقاله تحت جست‌وجو دارای اهمیت است، ارزش چندانی ندارد ولی تا زمانی که مطالب تابلویدها نیز در اطلاعات on line، قابل دسترسی شود، نگهداری مطالب آنان برای نشریه از اهمیت بسیاری برخوردار است. حتی وی آینده‌ای را مجسم می‌سازد که کتابدار متخصص در کنار دبیر اخبار نشریه‌ای نشسته و توانایی‌های تخصصی جست‌وجو را در محیطی که استفاده از پایگاه اطلاع‌رسانی کامپیوتری کاربرد بسیاری دارد، به

نمایش می‌گذارد.

با آغاز عصر «گزارشگری با کمک کامپیوتر» مسائل مهم متعددی مطرح شده است. برخی بر این باورند که این امر به‌طور جدی افزایش بار اطلاعاتی برای روزنامه‌نگاران را به همراه خواهد داشت. همچنین نگرانی‌هایی در مورد استفاده افراد غیرمطبوعاتی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی کامپیوتری روزنامه‌ها ابراز شده است. نشریات «والور همتون اکسپرس» و «استار»، تحت شرایط خاصی امکان دستیابی مسزولان کتابخانه‌های عمومی و نیروهای پلیس را به پایگاه اطلاع‌رسانی کامپیوتری خود فراهم می‌سازند. در سال ۱۹۸۸، استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی کامپیوتری از سوی نیروهای پلیس، در دستگیری قاتلین و یا پیگیری نامه‌های تهدیدآمیزی که برای سیاستمداران و یا مقام‌های عالی‌رتبه محلی ارسال شده بسیار مؤثر بوده است.

«جک اکلستون»، قائم مقام دبیرکل اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران معتقد است فراهم نمودن امکان دستیابی نیروهای پلیس به پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نشریات خدشه‌ای به آزادی مطبوعات وارد نمی‌سازد. برخی نیز بر این باورند که روزنامه‌ها می‌توانند با اتخاذ این روش به اجتماع خود خدمت کنند.

کار با غول جدید اطلاع‌رسانی: اینترنت

در سال‌های اخیر اینترنت به‌عنوان منبع وسیع و عمده اطلاع‌رسانی برای روزنامه‌نگاران کاربرد داشته است. «Web» در اواخر دهه ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا طرح‌ریزی شد. در نیمه دهه ۱۹۹۰، دهها میلیون تن از طریق مدارس، دانشگاه‌ها، محله‌های کار و منازل به اینترنت دسترسی داشته‌اند.

«وین الود» در این مورد می‌گوید: «برقراری سیستم رایانه‌ای محور اصلی تحولات در محله‌های کار است، که از جمله آنها باید به کاهش تعداد افراد شاغل اشاره کرد و همان‌گونه که طرفداران اقتصاد آزاد ادعا می‌کنند، برای تداوم رقابت جهانی دهه ۱۹۹۰، دسترسی به اینترنت امری ضروری است.»

در حقیقت، Web صنعت نشر را دچار تحولی عظیم ساخته است. حتی کوچکترین ناشران نیز می‌توانند در کمترین زمان از طریق اینترنت مخاطبان جهانی پیدا کنند. در برخی از روزنامه‌ها دستیابی به اطلاعات اینترنت از طریق کتابداران صورت می‌پذیرد؛ در حالی که بسیاری از روزنامه‌نگاران از منازل خود با شبکه جهانی اطلاع‌رسانی ارتباط دارند. دانشگاه‌ها به‌طور روزافزونی به Web وصل شده و برای دانشجویان روزنامه‌نگاری به‌طور رایگان امکان دستیابی به اطلاعات بزرگراه‌های اطلاع‌رسانی را فراهم می‌آورند. این روزها خوانندگان انتظار دارند بتوانند از طریق شبکه‌ها پیام‌های خود را به سردبیران نشریات ارسال دارند.

شبکه جهانی Web، در حقیقت پس از تلویزیون یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها محسوب می‌شود. «راندی ردویک» و «الیوت کینگ» در کتاب خود تحت عنوان «روزنامه‌نگار آن‌لاین»، کاربرد اینترنت و سایر منابع الکترونیکی «این‌گونه اظهار می‌دارند: «اینترنت این امکان را برای روزنامه‌نگاران فراهم می‌آورد تا به اطلاعات سراسر جهان در کمترین زمان دست یابند. همچنین گزارشگران می‌توانند از طریق اینترنت اطلاعات گسترده‌ای را از منابعی که تاکنون دسترسی نداشته‌اند، دریافت کنند. کاربرد اینترنت از سوی روزنامه‌نگاران عملکرد آنان را دقیق‌تر، موثوق‌تر و کامل‌تر از پیش می‌سازد. همچنین این شبکه عظیم اطلاع‌رسانی این امکان را برای افراد فراهم می‌آورد تا با شیوه‌ای مؤثر و نسبتاً کم هزینه برای پیام‌هایشان، مخاطبان بین‌المللی ایجاد کنند. برآستی که Web روزنامه‌نگاری را دچار تحولی عمیق و شگرف ساخته است.»

اما گزارشگر تحقیقی، «جان پیلجر» در مورد اینترنت می‌گوید: «همواره کاربرد فن‌آوری پیچیده و مدرن تا زمانی که مشخص شود کنترل آن به دست کیست بایستی با احتیاط صورت گیرد. اینترنت فوق‌العاده است. اما کنترل آن عمدتاً دست دولت آمریکا و مجموعه‌ای از کمپانی‌های چند ملیتی است.»

روزنامه‌های سراسری و محلی مانند «هودرز فیلد دیلی اگزماینر»، «لیسستر مرکوری»،

«لنکشایر ایونینگ تلگراف»، «سری ادور تایزر»، «سرلند اکو» و «کمبریج ایونینگ نیوز» (همراه با مجلات و ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی) در انگلیس و سراسر جهان نیز به درجات متفاوتی از شبکه اینترنت استفاده می‌کنند.

بسیاری از روزنامه‌هایی که به شبکه متصل هستند روزنامه‌نگاران خود را تشویق می‌کنند تا با خوانندگان روزنامه ارتباطی دو سویه برقرار کرده و در مورد مطالب مهم و تازه با آنان گفت‌وگو کنند. وانگهی این ابزار جدید، این امکان را برای روزنامه‌نگاران فراهم می‌آورد تا آماری از میزان خوانندگان مطالب خود بدست آورند. به اعتقاد «بروک ان میکز»، کارشناس کامپیوتر در واشنگتن اینترنت موجب ظهور نوع جدیدی از روزنامه‌نگاری شده است. «اینترنت امکان ارتباط دو سویه با خوانندگان را فراهم آورده است. بازتاب هر واژه یا عبارتی که از سوی روزنامه‌نگاران در هر موردی بیان می‌شود، از سوی کارشناسان مختلف ارائه می‌شود.»

در پاسخ به این همه پیشرفت و توسعه در امر روزنامه‌نگاری، واحدهای مختلف در مورد اینترنت و نشر الکترونیک به‌طور روزافزونی به واحدهای دروس آموزش روزنامه‌نگاری افزوده می‌شود. این بخش جدید در رسانه‌ها، فرصتهای شغلی فراوانی را در آینده ایجاد خواهد نمود در حالی که روزنامه‌نگاری سنتی با کاهش تیراژ و کاهش نیروی انسانی روبه‌روست.

اینترنت: منبع حیاتی برای روزنامه‌نگاران

«دایانا کلمنت» دبیر بخش مالی نشریه «ساندی بیزنس»، یکی از روزنامه‌نگاران بیشماری است که اینترنت برای آنان ابزار حیاتی کار محسوب می‌شود. به گفته وی تقریباً تحقیق درباره تمام مطالبی که او تهیه می‌کند به نوعی توسط اینترنت صورت گرفته است. وی می‌گوید: «مرور سریعی هم که هر روز صبح بر روزنامه‌ها دارم از طریق اینترنت صورت می‌پذیرد. من هر روز از Web برای بررسی آخرین شماره الکترونیک نشریات تجاری استفاده می‌کنم؛ نشریاتی مانند «اینشورنس ایج»، «یورومانی»، «فایننشال ریویو» و «فوربس» و همچنین منابع اخبار مالی در اینترنت مانند «مانی ورلد»، هر روزه مورد استفاده‌ام قرار می‌گیرد.»

وی به‌ویژه پایگاه اطلاع‌رسانی «پروفاند» را ارزشمند می‌خواند زیرا خدماتی که این پایگاه اطلاع‌رسانی ارائه می‌دهد دارای اهمیت بسیاری است. از جمله ارسال آخرین اطلاعات و مقالات در مورد موضوعاتی که وی از پیش تعیین کرده است. سایت دیگری به نام «اف تی» این امکان را فراهم آورده است که افراد در مورد موضوعات مورد علاقه‌شان به بحث و گفت‌وگو بپردازند و «دایانا» نیز از هر کدام که مفید بداند استفاده لازم را خواهد نمود.

اینترنت همچنین برای روزنامه‌نگاران منابع اطلاع‌رسانی را فراهم آورده است که پیش از این دسترسی به آن بسیار مشکل و یا غیرممکن بوده است. به‌عنوان نمونه، دسامبر ۱۹۹۶ اداره درآمد‌های مالیاتی از طریق اینترنت شرایط معافیت پرداخت از مالیات در مورد آثار هنری را اعلام کرد. بنابر توافقی که با اداره درآمد‌های مالیاتی صورت گرفته بود در صورتی که افراد اطلاعات مربوط به کلکسیون‌های خصوصی هنری خویش را برای استفاده عموم از طریق اینترنت ارائه دهند می‌توانند از پرداخت مالیات بر ارث معاف شوند. به‌گفته «تیم ویکز»، روزنامه‌نگار «این فوق‌العاده است و تحولی عظیم برای دستیابی عموم به اطلاعات و همچنین منبع بسیار مفیدی برای نگارش مقالات مختلف توسط روزنامه‌نگاران محسوب می‌شود.»

خانه شرکتها در انگلیس امکان تحقیقات آن‌لاین و استفاده از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی را در مورد شرکت‌های با مسؤلیت محدود در هفت سایت مختلف فراهم آورده است. از طریق همین پایگاه اطلاع‌رسانی بود که مشخص شد «جان بیرت» مدیر کل بی‌بی‌سی، رسماً استخدام این مؤسسه نبوده است.

چند مسأله اخلاقی در مورد اینترنت

کاربرد اینترنت در سال‌های اخیر افزایش بسیار چشمگیری داشته است؛ از این رو جای تعجبی ندارد که روزنامه‌نگاران تعیین مسأله اخلاقی و محدوده استفاده از آن را کار دشواری بدانند. هنوز هیچ مقررات مشخصی در مورد آن ایجاد نشده است. به‌عنوان نمونه، تا چه اندازه روزنامه‌نگاران در انعکاس بحثها و گفت‌وگوهای گروهی که از طریق پست الکترونیک انجام

می‌شود، مختارند؟ چگونه روزنامه‌ها منابع آن‌لاین خود را معتبر می‌یابند؟ آیا روزنامه‌نگاران هنگام شرکت در بحث‌های گروهی از طریق اینترنت، بایستی هویت خود را مشخص نمایند؟ آیا روزنامه‌نگاران می‌توانند بین سایتهای خود و سایتهای تبلیغاتی ارتباط ایجاد کنند؟ مسائل مربوط به کپی رایت مطالب اینترنت هنوز حل نشده باقی مانده است.

«اندرویبی» روزنامه‌نگار، استفاده‌کنندگان از اینترنت را به رعایت مسائل کپی رایت فرا می‌خواند. وی در پیامهای خود از طریق اینترنت این مسأله را خاطر نشان می‌سازد: «کپی رایت این مطلب متعلق به «اندرویبی» است و بدون اجازه کتبی از صاحب کپی رایت، استفاده تجاری از آن ممنوع است. این مطلب صرفاً برای استفاده‌کنندگان از اینترنت است که اهداف تجاری و تبلیغاتی نداشته و فقط تحقیق شخصی انجام می‌دهند. در مطالب این متن بایستی تغییری ایجاد شود و همچنین جمله مربوط به کپی رایت نیز بایستی حذف گردد.»

بحث‌های گروهی روزنامه‌ها از طریق اینترنت در صورت دارا بودن مطالب افترآمیز، فوق‌العاده مبتذل و یا اهانت آمیز با مشکلات حقوقی روبه‌رو خواهد شد. در چنین مواقعی، این افراد ممکن است به اتهام افتر او یا انجام عمل خلاف، با استناد به قانون ۱۹۸۴ محاکمه شوند. با توجه به ابعاد جهانی اینترنت، ارسال برخی مطالب نیز ممکن است طبق قوانین انگلیس بلامانع باشد ولی بر خلاف قوانین برخی از کشورها محسوب شود. همراه با ارسال مطالب ممکن است مطالبی مبنی بر عدم مسؤولیت در مورد صحت یا عدم صحت مطلب از سوی نویسنده درج شود. این امر لزوماً مانع بروز مشکلات فوق نخواهد شد اما بیانگر برخورد مسؤولانه استفاده‌کننده از اینترنت خواهد بود.

«رد دیک» و «کینگ» در این مورد بر این باورند: «روزنامه‌نگاران برای استفاده از اطلاعات اینترنت بایستی همواره هویت خویش را مشخص کنند. در اغلب موارد، روزنامه‌نگاران الزام اخلاقی دارند که این امکان را برای مردم فراهم آورند تا نسبت به انتشار و یا عدم انتشار مطالبی که از سوی آنان عنوان شده است، نظر دهند. وارد شدن در بحث‌های گروهی در اینترنت و نقل قول کردن مطالبی که افراد عنوان کرده‌اند، بدون اطلاع آنان کار درستی نخواهد بود.»

متون مرجع

اغلب روزنامه‌نگاران در طول زندگی حرفه‌ای خود، همواره نیازمند مراجعه به کتابخانه‌ها و کتابهای مرجع خواهند بود. معمول‌ترین کتابهای مرجع که مورد استفاده روزنامه‌نگاران قرار می‌گیرد، عبارت است از دائرةالمعارف بریتانیکا؛ فرهنگ «چمبرز»؛ کتاب گزارشها از «گوینس»؛ آرشیو معاصر «کیزینگ» (این کتاب شامل مجموعه‌ی جامعی از اخبار جهانی است)؛ معرفی شخصیتها (به ویژه برای نگارش مقالات آگهی‌های درگذشت و دستیابی به نشانی و شماره‌تلفن افراد مفید است)؛ معرفی شخصیتهای تئاتر؛ معرفی شخصیتهای رادیو و تلویزیونی؛ معرفی شخصیتهای بین‌المللی؛ اطلس تایمز و مجله جهانی (برای نگارش درست اسامی مکانهای خارجی)؛ گرایشهای اجتماعی (آخرین اخبار و گزارشهای سالیانه)؛ نشانی دفاتر فروش نشریات دولتی؛ فرهنگ نقل قولها؛ کتاب راهنمای فیلم هالی‌ول؛ فرهنگ اصطلاحات علمی و پزشکی و فرهنگ هنر و هنرمندان برای روزنامه‌نگاران. اغلب کتابخانه‌های روزنامه‌ها نسخه‌هایی از کتابهای فوق را در اختیار دارند.

در زمینه‌های تخصصی نیز روزنامه‌نگاران نسخه‌هایی از کتابهای مهم و ضروری را برای کتابخانه‌های شخصی خویش خریداری می‌کنند.

فصل چهارم

مصاحبه کوتاه، مصاحبه طولانی و هنر جذاب مصاحبه‌گری

پویایی مصاحبه‌ها متفاوت است. مصاحبه ممکن است کوتاه یا طولانی باشد؛ در رستوران، سالن انتظار فرودگاه یا در حمام سونا انجام شود، دوستانه صورت گیرد یا با درگیری توأم باشد. ممکن است این مصاحبه در مورد زندگی خصوصی یا در مورد مسائل مهم مملکتی باشد. برخی مصاحبه‌ها غیرقابل پیش‌بینی هستند. گاه ممکن است مصاحبه‌ای زندگی‌تان را به کلی تغییر دهد. این امر در مورد «فتربراک وی»، صلح‌طلب فعال و روزنامه‌نگار روی داد. وی پس از مصاحبه با «کایرهاردی» به سوسیالیسم گرایید.

پس چگونه می‌توان در مورد چنین مسائل غیرقابل پیش‌بینی، مطلب نوشت؟ یکی از برجسته‌ترین مصاحبه‌گران به نام «لین باربر» از «ساندی تایمز» که قبلاً در «ایندپندنت آن ساندی» اشتغال داشت، می‌گوید: «من تلاشهای فراوانی در جهت خلق شیوه‌ای برای مصاحبه کردن به کار برده‌ام، اما هر بار بدین نتیجه دست یافته‌ام که در روزنامه‌نگاری، ایجاد دلهره روش

اصلی است.»

آنچه در پی می‌آید شما را با گوشه‌ای از دنیای شگفت‌انگیز مصاحبه‌آشنایی سازد. بهترین شیوه فراگیری مصاحبه، مبادرت به انجام آن است. اما همواره بایستی با دیدی منتقدانه به آن نگرست. مصاحبه‌های همکاران را با دقت نظاره کنید، عملکرد مصاحبه‌گران را در برنامه‌های تلویزیونی تماشا کنید و به مصاحبه‌های رادیویی گوش فرادهید. همواره به تفاوت‌های روش مصاحبه‌گران توجه داشته باشید و در جهت ارتقا آنچه انجام می‌دهید بکوشید.

چرا مصاحبه؟

مصاحبه، گفت‌وگویی هدفدار است. روزنامه‌نگاران بایستی همواره از اهداف خاص مصاحبه آگاه باشند. هدف مصاحبه ممکن است کسب اطلاعات و یا کسب ایده و یا شواهد از افراد باشد. ممکن است مصاحبه‌گر در مورد موضوعی تحقیق کند و یا در صدد بر ملا ساختن خلافتکاری یا دروغی باشد.

برای مصاحبه‌شونده نیز، مصاحبه هدفدار است: آنان نیز انتظار دارند ایده و یا اطلاعات خود را ارائه نمایند، یا مطلبی را پنهان نگه‌داشته و یا صرفاً به بیان احساس خود پردازند. در مصاحبه، نسبت به این موارد هشیار باشید:

- مصاحبه‌شونده ممکن است دستپاچه شود، اما از اعتراف به آن نیز هراس داشته باشد.
- ممکن است آنان از بیان نظرات واقعی خود هراس داشته باشند؛ زیرا ممکن است این مصاحبه، عواقب بدی برای آنان داشته باشد مثلاً کار خود را از دست داده و یا با انزوای اجتماعی و یا حرفه‌ای روبه‌رو گردند.
- مصاحبه‌شونده ممکن است دروغ بگوید و یا اطلاعات نادرست ارائه داده و یا حتی در صدد تبلیغ باشد.
- ممکن است آنان در حضور گزارشگر دچار وحشت شده و قادر نباشند احساسات واقعی خود را بروز دهند.

- مصاحبه شونده ممکن است بر اثر توجه روزنامه‌نگار به وی زیادی دلخوش شده و بیش از حالت طبیعی‌اش سرزنده به نظر آید.
- ممکن است آنان بیان جزئیات را فراموش کرده و یا عمدتاً پنهان دارند.
- ممکن است مصاحبه‌شونده به زبان خارجی صحبت کند و از این رو قادر نباشد منظور خود را به درستی بیان کند.
- شخصیت گزارشگر و همچنین اعتقادش، حتی حرکات بدنی وی بر ارتباط با مصاحبه شونده و همچنین بر پاسخهایی که وی ابراز می‌دارد تأثیرگذار خواهد بود. گزارشگران مختلف ممکن است پاسخ‌های متفاوتی را از مصاحبه‌شوندگان درآورند. برخی ممکن است با گزارشگر زن راحت‌تر گفت‌وگو کنند، برخی دیگر نیز با افراد مسن‌تر بهتر صحبت می‌کنند. بر اساس تحقیقات، مصاحبه با افراد سفیدپوست و سیاهپوست، پاسخ‌های متفاوتی دربرداشته است.

مصاحبه سریع

برخی مصاحبه‌ها کوتاه هستند. ممکن است شما در حال تهیه گزارشی در مورد عملکرد یک هیأت منتخب در مجلس بوده و مایل باشید سخنان نماینده‌ای در مجلس را پیگیری کنید. ولی فقط برای پرسیدن چند سؤال وقت دارید؛ پس باید برای مصاحبه، هدف روشنی داشته باشید. از همین رو، به اطلاعات و نقل قولهای بیشتری نیازمندید. بنابراین، بدون حمل ضبط‌صوت، در حالی که قلم و دفترچه یادداشت در دست دارید، برای مصاحبه نزد نماینده مجلس می‌روید و پیش از آنکه او به دنبال کار دیگری برود، گفت‌وگوی خود را انجام می‌دهید.

صدای مردم

روزنامه‌نگاران اغلب از مجموعه نقل قولهای کوتاهی که از مصاحبه‌های خیابانی و یا تماسهای تلفنی گردآوری شده گزارشی تهیه می‌کنند. موضوعی مشخص می‌شود و به دنبال آن فهرستی از افراد با نقل قولهای مستقیمی از آنان در گزارش جای می‌گیرد. صدای مردم نیز

بخشی از یک مقاله را تشکیل می‌دهد. مطلب اصلی گزارش از اخبار و جزئیات مهم آن نشأت می‌گیرد. ارائه مجموعه‌ای از نقل قولها، دیدگاههای مختلفی را به گونه‌ای که به راحتی خواننده شوند، برجسته می‌سازد.

تلفن‌ها و روزنامه‌نگاری تلفنی

پدیده روزنامه‌نگاری تلفنی روبه افزایش است. سرعت، جوهر روزنامه‌نگاری است و تلفن نیز راحت‌ترین و سریع‌ترین راه تماس با منبع است. برای پیگیری موضوعی از منبعی نه چندان دور از دسترس، تلفن بسیار مؤثر است. روزنامه‌نگاران بایستی توانایی گفت‌وگو از طریق تلفن را در خود رشد دهند، معمولاً «روابط تلفنی» خاصی میان گزارشگران و منابع شکل می‌گیرد. اما تلفن، بیش از اندازه مطلوب به زندگی روزنامه‌نگاران راه یافته است. در حقیقت، «فرهنگ تلفنی» غالب در روزنامه‌نگاری غربی شکل گرفته است. صاحبان روزنامه‌ها، روزنامه‌نگاری تلفنی را می‌پسندند؛ زیرا تقریباً هزینه‌ای دربر ندارد. اما بسیاری از مردم تلفن نداشته و یا در محل کار خود نیز به آن دسترسی ندارند. از این رو صدای آنان تا حد زیادی در مطبوعات انعکاس نمی‌یابد. مطبوعات در انعکاس صدای مردم، تبعیض آمیز عمل می‌کند. راه حل آشکار است: هر جا که امکان دیدار رودرویی با منبع ایجاد شود، از آن استفاده کنید. اگر قرار است در مورد آن منبع گزارشی تهیه شود، بایستی با وی دیدار شود. مصاحبه‌های تلفنی از مصاحبه‌های رودرو کوتاه‌ترند. گزارشگران ناچارند در طرح پرسشهای خود و کسب اطلاعات مورد نیاز صریح عمل کنند. زمان کمی برای صحبت‌های متفرقه وجود دارد.

گزارشهای تشریحی به ندرت از طریق تلفن تهیه می‌شوند؛ زیرا از طریق تلفن، تماس میان گزارشگر و منبع بسیار سطحی و غیرشخصی است. در عین حال، گزارشگری که از طریق تلفن مصاحبه می‌کند، ناچار است بیش از اندازه نسبت به تفاوت‌های ظریف در صدای مصاحبه‌شونده حساس باشد. مکث، تند، لرزش صدا، همه اینها حامل مفاهیمی است که گزارشگر بایستی

سریعاً درک کرده و نسبت به آنها واکنش نشان دهد.

گزارشگر بایستی در صدد رفع جنبه غیر شخصی مصاحبه تلفنی نیز باشد و در گفت‌وگوی خود با عاطفه رفتار کند. حرکات چهره و دست می‌تواند مؤثر باشد؛ اگر شما بر نکته‌ای تأکید می‌ورزید، دستان خود را حرکت دهید؛ اگر طنزی بیان می‌شود، بخندید. هنگام تماسهای تلفنی دشوار، ایستادن می‌تواند اعتماد به نفس بیشتری برای گزارشگر ایجاد کند.

برخی روزنامه‌نگاران، گوشی تلفن را روی شانه خود قرار داده و همزمان با گفت‌وگو از طریق تلفن، سخنان مصاحبه‌شونده را تایپ می‌کنند. این عمل می‌تواند برای منبع ایجاد هراس کند، پس اگر راه دیگری ممکن نیست، بهتر است گزارشگر با قلم به یادداشت برداری نکات مهم پردازد.

توس از مصاحبه: یک راه حل

دشواری در برقراری اولین تماس با منبع برای افرادی که به تازگی وارد حرفه روزنامه‌نگاری شده‌اند، امری معمول است. پرسش از یک غریبه (که ممکن است به زبان خارجی باشد) و ایجاد گفت‌وگویی مشخص در حالی که نکات مهم نیز یادداشت می‌شود، امری دشوار است. برخی بر این باورند که «فاصله مکانی» که در تماس تلفنی میان افراد وجود دارد، به آرامش آنان کمک می‌کند. برخی دیگر معتقدند مصاحبه رودررو هراس کمتری برای افراد ایجاد می‌کند. اگر شما هنگام مکالمه تلفنی احساس هراس می‌کنید، بدانید که تنها شما چنین احساسی را ندارید، بلکه بر اساس تحقیقات دکتر «گای فیلدینگ» کارشناس ارتباطات، ۲/۵ میلیون تن در انگلیس از اضطراب هنگام مکالمات تلفنی رنج می‌برند.

در اولین ماههای گزارشگری، بهتر است برای انجام مصاحبه، همراه یک همکار بروید. در حالی که روزنامه‌نگاری، حرفه‌ای فردی است، اما تنها از طریق کار خوب گروهی می‌توان در آن موفق بود. گزارشگری مشترک به هیچ وجه با قواعد معمول روزنامه‌نگاری تعارضی ندارد. یکی از مشهورترین نمونه‌های آن، افشای مسأله «واترگیت» بود که در نتیجه کار مشترک «کارل

برنستین» و «باب وودوارد» از نشریه «واشنگتن پست» صورت گرفت. گزارشگران تحقیقی اغلب دو نفری کار می‌کنند؛ زیرا امن‌تر خواهد بود و در حالی که یک نفر به طرح پرسشها مشغول است، نفر دوم می‌تواند واکنشهای مصاحبه‌شونده و فضای محیط را زیر نظر داشته باشد.

اگر شما در انجام مصاحبه طی اولین ماههای کار خود یا هر زمان دیگر تنها هستید، بهتر است از فرد مصاحبه‌شونده در خواست کنید که آهسته‌تر صحبت کند. بدون تردید، از مصاحبه‌شونده بخواهید لغات مشکل را برایتان هجی کند، یا نقل قول‌ها و اطلاعات مهم را تکرار کند. آمارها، شخصیتها، اسامی و عناوین ارزش توجه خاص را دارند. برای تماس تلفنی با مصاحبه‌شونده به منظور بررسی اطلاعات داده شده و یا کسب اطلاعات جدید به خود تردیدی راه ندهید. این امر صرفاً بازتاب کارایی شماست نه ناتوانی‌تان.

کسب اطلاعات محرمانه از طریق تلفن

گاهی با روزنامه‌نگاران در منزل و یا دفاتر کارشان تماس گرفته شده و به آنان اخباری داده می‌شود. در این مواقع روزنامه‌نگار، وقتی برای طرح پرسش ندارد و بایستی سریع فکر کند. اطلاعاتی را که از منابع ناشناخته و بدین صورت کسب می‌شود بایستی بررسی کرد. معمولاً شماره تلفن تماس منبع درخواست می‌شود تا در صورت ضرورت با وی تماس گرفته شود.

نقش دفاتر روابط عمومی مطبوعات

اگر می‌خواهید با گروههای فشار، احزاب سیاسی و یا افراد حرفه‌ای تماس بگیرید، بهتر است با دفاتر روابط عمومی آنان ارتباط برقرار کنید. برقراری ارتباط خوب با چنین افرادی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

آنان گاه منابع مهمی برای کسب اطلاعات و همچنین نقل قول محسوب می‌شوند. آنان

می‌توانند در تهیه شماره‌های تماس با سایر منابع و همچنین تهیه مترجم در مواقع مصاحبه با افراد ناشنوا و یا خارجی زبان و یا در برپایی ملاقاتها، شما را یاری کنند. اما دفاتر روابط عمومی معمولاً آگاهیهای اصلی مشخصی را از گزارشگران طلب می‌کنند. دفاتر روابط عمومی دولت محلی معمولاً تمایلی برای پاسخگویی به پرسشهای گزارشگران کنجکاودر مورد جزئیات مالیات‌ها را ندارند.

معمولاً در گزارشها نام سخنگویان رسمی برده نمی‌شود. از آنان صرفاً به‌عنوان سخنگوی فلان نهاد و یا سازمان یاد می‌شود؛ همچنین ممکن است شما را به فرد دیگری در یک سازمان، که دارای اطلاعات تخصصی و مسؤلیت در زمینه مورد تحقیقتان باشد، معرفی کنند.

بروز دلهره در مصاحبه‌شونده

برخی افراد هنگام مواجهه یا تماس تلفنی با روزنامه‌نگاران دچار دلهره می‌شوند. ممکن است این اولین تجربه آنان با چنین نهاد به ظاهر قدرتمند و پرهیبتی باشد. به اصطلاح، همان مطبوعاتی که می‌توانند وجهه افراد را از بین ببرند.

گاه ممکن است به آنان وقت دهید تا در مورد پاسخ به پرسشهای شما فکر کنند. شما می‌توانید چند پرسش اصلی را برای آنان مطرح کرده و پس از ۲۰ دقیقه، بار دیگر با آنان تماس گرفته و پاسخ پرسشهای خود را دریافت کنید. در این صورت شما نوعی حس اطمینان در مصاحبه‌شونده ایجاد کرده‌اید و از این رو، به سایر پرسشهای شما با تمایل بیشتری پاسخ خواهد داد. اما اگر مصاحبه‌شونده از نژادپرستانی است که به منازل پاکستانی‌ها در شرق لندن حمله می‌کنند، شما نیز بایستی شیوه متفاوتی را در پیش گیرید. اغلب در گزارشها، مسائل سیاسی و اخلاقی نمود می‌یابند.

مصاحبه حضوری

در مصاحبه حضوری بایستی فردی مؤدب، آرام و کارا به نظر آید. تعیین مدت زمان مصاحبه در آغاز کار ضروری است؛ زیرا مصاحبه‌شونده نیز مایل است برنامه زمانی خود را تنظیم کند. این کار همچنین نشان‌دهنده عمق سؤالات می‌باشد. مصاحبه‌هایی که هدفشان کسب اطلاعات تخصصی است معمولاً نیم ساعت طول می‌کشد. برای گزارشهای تشریحی، حداقل سه ربع ساعت تا یکساعت وقت لازم است.

معمولاً بایستی قبل از انجام مصاحبه (که گزارش تشریحی یا بخشی از یک مقاله یا تحقیق خواهد بود) به‌طور کلی به پرسشهایی که مطرح خواهد شد، اشاره مختصری بشود. بایستی روزنامه‌ای که شما در آن اشتغال دارید و یا اگر روزنامه‌نگار آزاد هستید، نشریه‌ای که قرار است مصاحبه در آن چاپ شود برای فرد مصاحبه‌شونده دقیقاً مشخص شود. در برخی موارد، مصاحبه در مورد یک موضوع، از سوی چند گزارشگر انجام می‌شود. در این صورت بهتر است به‌طور مختصر به وجه تمایز مصاحبه‌تان از سایر مصاحبه‌ها اشاره کنید. اگر قرار است عکاس نیز طی مصاحبه حضور داشته باشد، آن را خاطر نشان سازید.

تعیین زمان و مکان

مکانهای بالقوه بسیاری برای مصاحبه وجود دارد:

● مکان مصاحبه‌گر. اگر عضو هیأت تحریریه هستید دفتر روزنامه؛ اگر روزنامه‌نگار آزاد هستید؛ در منزل یا دفتر و در صورتی که دانشجوی هستید در دانشکده خواهد بود. به ندرت، مکان مصاحبه از سوی گزارشگر انتخاب می‌شود؛ معمولاً دفاتر روزنامه از آرامش نسبی که برای مصاحبه لازم است، برخوردار نیستند و ممکن است برای برخی افراد هراس‌آور نیز به نظر آیند.

● مکان مصاحبه‌شونده (منزل - به‌ویژه اگر مصاحبه‌شونده بیکار است - و یا دفتر و مغازه). روزنامه‌نگاران معمولاً برای نگارش گزارشهای تشریحی به منزل مصاحبه‌شوندگان می‌روند.

زیرا افراد در منزل خود احساس آرامش دارند و راحت تر صحبت می کنند. منزل مصاحبه شونده بیانگر شخصیت وی است؛ ممکن است مصاحبه شونده مایل باشد آن را نشان دهد. گزارشگر نیز می تواند مشاهدات خود از محل اقامت مصاحبه شونده و همچنین رفتار مصاحبه شونده در منزل را برای افزایش جذابیت به گزارش خود اضافه کند.

همچنین گزارشگر هنگامی که حساسیت مصاحبه شونده را در برگزاری مصاحبه در محل کار می بیند، می تواند برای مصاحبه به محل زندگی وی رود.

البته دیدار در منزل نیز چندان عاری از اشکال نیست. مصاحبه شونده با روی باز گزارشگر را به منزل خود یعنی حریم شخصی اش، دعوت کرده است. از این رو گزارشگر، انتقاد از مصاحبه شونده را پس از ایجاد چنین ارتباطی به مراتب دشوارتر می بیند.

دفتر کار مصاحبه شونده، محل معمول مصاحبه محسوب می شود (کارگران به ندرت موضوع تهیه گزارشهای تشریحی قرار می گیرند). می توان محل کار را به طور نسبی از سایر عوامل بازدارنده عاری نمود و همچنین در این مکان شواهد و اطلاعات مربوطه بیشتری در دسترس خواهد بود.

● مکان بی طرف (کافه و یا رستوران). این مکانها، زمانی که شما می خواهید ارتباط نزدیکتری با مصاحبه شونده برقرار نمائید، بسیار مناسب هستند. جنبه های غیررسمی این مکانها، ارتباط پربارتری را ایجاد می کند. این مکان برای مصاحبه شونده دلپذیرتر خواهد بود؛ از این رو جریان مصاحبه، راحت تر ادامه می یابد. روزنامه نگار هدفش از انجام مصاحبه مشخص است؛ اما فضای غیررسمی این مکان، بیان چند جمله معترضه، شوخی و یا طنز را امکان پذیر می سازد. تمامی این عوامل به شکل گیری ارتباط کمک می کند. همچنین روزنامه نگار می تواند دانسته ها و نظرات خود را در مورد موضوع طرح کرده و در نتیجه اطمینان خاطر بیشتری برای مصاحبه شونده ایجاد کند.

گاه ایجاد اطمینان خاطر برای مصاحبه شونده در این مورد که پذیرش انجام مصاحبه، خطری برای مصاحبه شونده به دنبال نخواهد داشت، ضروری است. گاه اعضای گروههای پیشرو مانند

صلح‌طلبان، طرفداران حقوق زنان، اتحادیه‌ها و افراد با انحرافات جنسی، در رسانه‌ها به تمسخر گرفته می‌شوند و هراس آنان از انجام مصاحبه را می‌توان درک نمود. حتی در انگلیس مدرن امروزی نیز شمار زیادی از مردم تمایلی به طرح دیدگاه‌های خود در رسانه‌ها ندارند و یا از این امر هراس دارند.

در چنین شرایطی، توضیح این مسأله که برای چه فردی می‌نویسید و چه انتظاراتی از انجام مصاحبه دارید، اهمیت بسیاری دارد. هرگز بدون مشورت با مصاحبه‌شونده، مصاحبه‌وی را برای نشریه دیگری نفرستید؛ به‌ویژه زمانی که هنگام مصاحبه، چاپ مصاحبه را در نشریه‌ای وعده داده بودید که برای مصاحبه‌شونده نیز قابل قبول بوده است. انجام مصاحبه برای دانشجویان روزنامه‌نگاری، با اطلاع از این موضوع که مصاحبه‌شان در نشریه‌ای منتشر نمی‌شود، کار دشواری است. آنان بایستی اطمینان مصاحبه‌شونده را جلب کنند.

برخی ممکن است تنها در شرایطی پیشنهاد مصاحبه با شما را بپذیرند که قبلاً فهرست پرسشها را دیده باشند. اکنون برخی سیاستمداران و ستاره‌های تلویزیونی چنین روشی را در پیش گرفته‌اند و این روشی است که به‌طور کلی بایستی با آن مقابله کرد. روزنامه‌نگاران بایستی به آلت دست سیاستمداران و یا افراد برجسته تبدیل شوند.

اما مخالفت همه جانبه در برابر چنین تقاضاهایی نیز کار نادرستی است. روزنامه‌نگار ممکن است از دیدگاه‌های مصاحبه‌شونده آگاه باشد؛ مصاحبه‌شونده‌ها بیشتر به‌عنوان منابع کسب اطلاعات مطرح‌اند. به این علت که سرعت، جوهر روزنامه‌نگاری را تشکیل می‌دهد، مصاحبه‌شونده ممکن است خود را به بی‌اطلاعی زده و اطلاعات ضروری از دست رود. برخی ممکن است شرط کنند که قبل از پاسخگویی به پرسشها، بایستی تحقیق انجام داده و یا با همکاران خود مشورت کنند. ارسال پرسشها برای آنان، حداقل زمانی را در اختیار آنان قرار می‌دهد و دیگر در مصاحبه رودررو، بهانه‌ای باقی نمی‌ماند.

هنگامی که مصاحبه‌شونده منبع خبری مهمی محسوب می‌شود و هیچ راه دیگری وجود ندارد، ارسال فهرست پرسشهای مصاحبه از سوی گزارشگر به مصاحبه‌شونده مانعی ندارد. در

این صورت، حداقل پاسخی دریافت می‌گردد و ممکن است ارسال پرسشها در مصاحبه‌شونده تأثیر گذارد و او شما را برای مصاحبهٔ حضوری دعوت کند.

در مقابل افرادی که از مطرح شدن در رسانه‌ها هراس دارند، افرادی نیز هستند که خیلی مایل‌اند بدین صورت مطرح شوند. هر دفتر نشریه‌ای، با چنین افرادی که به شدت علاقه‌مند به مطرح شدن در مطبوعات هستند، روبه‌رو شده است. گزارشگران بایستی در مقابل چنین افرادی جنبهٔ احتیاط را رعایت کنند.

آمادگی برای مصاحبه‌ای عمیق

آمادگی قبلی برای انجام هر مصاحبه‌ای ضروری است. اگر شما در مورد موضوع مصاحبه، آگاهی کافی دارید می‌توانید اطلاعات جدیدتر و جالبتری از مصاحبه‌شونده کسب کنید و نسبت به جانبداری‌های بیهوده مصاحبه‌شونده نیز حساسیت بیشتری نشان دهید. پیش از انجام مصاحبه، بریده‌های جراید در مورد موضوع مصاحبه را بررسی کرده و تحقیقات بسیاری در این مورد انجام دهید و همچنین با دوستان و همکاران خود در مورد موضوع مورد بحث صحبت کنید. گزارشگری که در مورد موضوع مصاحبه آگاهی نداشته باشد به آلت دست مصاحبه‌شونده تبدیل می‌شود. مصاحبه‌شونده می‌تواند دروغ بگوید، مطالب مهم را مخفی کند، اطلاعات نادرست بیان کند و همچنین با زرنگی مسیر اصلی بحث را تغییر دهد.

اغلب حرفه‌ها، مجموعهٔ واژگان تخصصی خود را دارند؛ از این رو گزارشگر بایستی با آن واژگان تا حدی آشنایی داشته باشد. مصاحبه‌شونده‌ها هر یک انتظارهای متفاوتی از روزنامه‌نگاران دارند. گزارشگر تخصصی معمولاً آگاهیهای بیشتری از گزارشگر عمومی دارد. اما هر دو نبایستی از اعتراف به آنچه آگاهی ندارند، هراسی داشته باشند. زیرا بهتر است گزارشگر با پرسش از مصاحبه‌شونده، موضوع را روشن کند تا خواننده دچار سردرگمی نشده و یا اطلاعات نادرست دریافت نکند.

پرسشها

میزان طرح پرسشهای اختصاصی از سوی هر روزنامه‌نگاری متفاوت خواهد بود. برخی بر این باورند که بهتر است اغلب پرسشهای اصلی به ترتیبی منطقی نوشته شده و پس از آن که در جریان مصاحبه به ترتیب مطرح شدند در کنار هر یک علامتی زده شود. برخی معتقدند که این‌گونه طرح پرسش، جریان آزاد صحبت را با مانع روبه‌رو می‌سازد و گفت‌وگوها معمولاً چنان سریع هستند که فرصتی برای علامتگذاری باقی نمی‌ماند. اگر هم فهرست کاملی از پرسشهای مصاحبه تهیه می‌شود، بایستی بجای داخل دفترچه، بر روی برگ کاغذ جداگانه نوشته شوند. در هر صورت مسیر مصاحبه گاهی غیرقابل پیش‌بینی است. از این رو رعایت ترتیب از پیش تعیین شده پرسشها، عقلانی نخواهد بود.

شیوه دیگر، طراحی پرسشها هنگام مصاحبه و نگارش آن به ترتیبی منطقی می‌باشد. نوشتن متن مصاحبه برای یادآوری‌های بعدی مؤثر خواهد بود. برای انجام مصاحبه می‌توان سه یا چهار سرفصل اصلی در نظر گرفت و سپس طی مصاحبه به جزئیات آن پرداخت.

حسی که لباس گزارشگر در مصاحبه شونده ایجاد می‌کند

روزنامه‌نگاران بایستی نسبت به تأثیر شیوه لباس پوشیدن خود بر ذهن مصاحبه‌شونده آگاه باشند. لباس غیررسمی برای موارد مصاحبه با اعضای گروههای پیشرو و یا گروه محققان مناسب خواهد بود. پوشیدن لباس رسمی، زمانی که با سیاستمداران و یا صاحبان حرفه در رده‌های بالا مصاحبه می‌شود مناسب است. یک پرسش همواره در ذهن روزنامه‌نگار وجود خواهد داشت: «اگر من طرز دیگری لباس بپوشم آیا مصاحبه‌شونده راحت‌تر با من سخن خواهد گفت و یا در آن صورت می‌توانم اطمینان وی را جلب کنم؟»

رعایت احترام مقدماتی

دیدار اول از اهمیت بسیاری برخوردار است. گزارشگر بایستی آرام، با اعتماد به نفس،

مؤدب و خوش صحبت باشد. مراسم معرفی و صحبت‌های اولیه بایستی همراه با دست دادن صمیمانه و خوشایند باشد و گاه نیز به چشمان مخاطب نگاه شود. گاهی ضروری است که گزارشگر، بار دیگر هدف مصاحبه را عنوان کند (گرچه بر اساس تحقیقات معمولاً هدف اصلی پنهان می‌ماند).

چنانچه بخشی از مصاحبه بنا بر دلایلی نبایستی انتشار یابد و یا این که لازم است بدون ذکر منبع انتشار یابد، باید این نکته خاطر نشان شود. سیاستمداران و اغلب مسئولان روابط عمومی سازمانها نسبت به این مقررات آگاهی دارند. اما برخی مردم آگاهی کافی ندارند و ممکن است ابتدا به پاسخگویی پرسشها پردازند و سپس اظهار دارند که این مطالب نبایستی منتشر شوند. روزنامه‌نگاران بایستی مراقب باشند که چنین اتفاقی نیفتد. گاه ممکن است مصاحبه‌شونده مطالبی را برای انتشار ابراز دارد که در صورت چاپ، به حیثیت فردی وی به صورتی نابجا لطمه وارد سازد. در چنین مواردی روزنامه‌نگار بایستی به خودسانسوری دست بزند.

اگر قرار است طی مصاحبه از ضبط صوت استفاده کنید، ابتدا آن را به مصاحبه‌شونده اطلاع دهید زیرا ممکن است مایل باشد از دستگاههای ضبط شخصی اش استفاده شود. برخی اوقات ممکن است مایل نباشید دفتر یادداشت را به سرعت بیرون آورید، بلکه ترجیح می‌دهید مدتی از صحبتها و تعارفات اولیه بگذرد. دفتر یادداشت هرگز نبایستی بیش از اندازه نمایان باشد.

مصاحبه واقعی: نکات عمومی یادداشت برداری

در هفته‌های اول آغاز حرفه گزارشگری ممکن است ادامه صحبت با مصاحبه‌شونده همراه با یادداشت برداری برای شما مشکل به نظر آید. اما این مسأله‌ای نیست، شما حتی ممکن است به وی بگویید: «این نکته مهمی است، ممکن است بار دیگر تکرار کنید؟»

استفاده بجا از اطلاعات و نقل قولهای مفید، هنر است. گاه تمامی یادداشتها، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ولی معمولاً بخشی از آن مفید خواهد بود. نویسنده گزارش که به توانایی حافظه خود اطمینان دارد ممکن است جزییات دیگری را که یادداشت نکرده است به آن بیفزاید. اما

این امر بایستی با دقت صورت گیرد به ویژه اگر موضوع گزارش بحث برانگیز و یا احتمالاً افتراآمیز باشد؛ زیرا بدون یادداشت و یا نوار ضبط، روزنامه‌نگاران شانس برای دفاع از خود نخواهند داشت.

ارائه شخصیت

برخی روزنامه‌نگاران بر این باورند که حذف شخصیت گزارشگر هنگام مصاحبه، غیرممکن است. انتخاب پرسشها، رفتار و طرز لباس پوشیدن شما همه بیانگر شخصیت شماست. میزان تأثیرگذاری شخصیت شما بر روند انجام مصاحبه، بر اساس شرایط متفاوت است. در اغلب مصاحبه‌ها که هدف مصاحبه کسب دیدگاهها و اطلاعات مصاحبه‌شونده است، دخالت شخصیت گزارشگر بهتر است محدود شود. همچنین تبادل نظر یا ارائه یک یا دو مطلب طنز، برای تغییر فضای گفت‌وگو و کمک به تداوم جریان مصاحبه مؤثر خواهد بود. در مصاحبه برای گزارشهای تشریحی، شخصیت گزارشگر دخالت بیشتری در روند مصاحبه خواهد داشت. زیرا فرد هنگام رویارویی با گزارشگری که سعی دارد عامل دخالت شخصیت خود را در مصاحبه به حداقل رسانده و صرفاً به ذکر پرسشها می‌پردازد، در ارائه نظریاتش با دشواری روبه‌رو می‌شود. همچنین گزارشگر هرگز نبایستی نظرات شخصی خود را بیش از اندازه در جریان مصاحبه طرح کند. دیدگاهها و تجارب گزارشگر، اهمیتی ثانویه دارند و فقط زمانی بایستی ارائه شوند که در کسب اطلاعات بیشتر از مصاحبه‌شونده مؤثر واقع می‌شوند. گاه بیان برخی دانسته‌های گزارشگر در مورد موضوع مصاحبه می‌تواند مصاحبه‌شونده را تحت تأثیر قراردادده و اطمینان خاطر بیشتری برای او فراهم آورد. اما گزارشگر هرگز نبایستی افراط کرده و به خودنمایی بپردازد.

انجام مصاحبه

اغلب کتابهای آموزش روزنامه‌نگاری به گزارشگران توصیه می‌کنند که همواره مصاحبه را با پرسشهایی که هراس‌آور نیستند، آغاز کنند و دیدگاهها و اطلاعات اولیه را بدین صورت کسب کنند. این امر موجب می‌شود در مصاحبه‌شونده اطمینان خاطر ایجاد شود؛ سپس می‌توان پرسشهای حساس‌تر را مطرح نمود. در عمل، گزارشگران شیوه‌های متفاوتی را برای تغییر فضای مصاحبه به کار می‌برند. برخی بر این باورند که طرح پرسشهای دشوار بلافاصله پس از آغاز مصاحبه، بهترین راه است. همان‌گونه که «لین باربر» اظهار می‌دارد: «طرح پرسشهای دشوار در آغاز مصاحبه موجب می‌شود که ادامه مصاحبه برای گزارشگر با آرامش خاطر همراه باشد.» با وجود این، اگر این روش موفقیت‌آمیز نباشد، همواره این خطر وجود دارد که مصاحبه‌شونده مصاحبه را ناتمام بگذارد.

مسائل حساس را با ظرافت مطرح سازید: «امیدوارم پرسش بیجایی نکرده باشم، ولی ممکن است بگوئید حقوق دریافتی شما چقدر است؟» پرسشها بایستی دقیق باشند. اما مصاحبه هم نباید فقط طرح پرسش باشد. گاه تبادل ایده‌ها میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده نتیجه‌بخش است. از طرح پرسشهایی که پاسخ بلی یا خیر دارند بپرهیزید. بلکه ترکیبی از پرسشهای خاص و پرسشهایی را که مستلزم جواب است، مطرح سازید.

بادقت گوش دادن

اغلب مصاحبه‌گران بر این نکته تأکید می‌ورزند که گوش دادن فعال، یکی از مهم‌ترین توانایی‌ها در هنگام مصاحبه است. اغلب روزنامه‌نگاران از مشاهده این مسأله که هنگام گزارشهای تشریحی، مصاحبه‌شونده‌ها تا چه حد راحت‌تر صحبت می‌کنند، دچار حیرت می‌شوند. گاه، احساس غرور آنان ارضا شده است، زیرا فردی به کارهای آنان علاقه نشان داده است؛ اگرچه زودگذر است، اما در نتیجه انتشار مقاله مربوط به آنان، شهرت کمی نصیبشان خواهد شد.

در برخی جنبه‌ها، مطبوعات (یا به‌طور کلی رسانه‌ها) نقش کلیسا را بر عهده گرفته‌اند زیرا در مطبوعات افراد به اعتراف دست می‌زنند و رازهای شخصی‌شان را بر ملا می‌سازند. هر روزه، مطبوعات به انتشار و افشای اسرار دست می‌زنند: اسرار زندگی خصوصی فلان شخص، یادداشت پنهانی یک وزیر کابینه به وزیر دیگر و یا فروش پنهانی سلاح. شگفت این‌که، این امر در جامعه‌ای روی می‌دهد که دولت و صنایع به‌طور روزافزونی پنهان کار شده و از معیارهای دموکراتیک فاصله می‌گیرند.

هنگام صحبت مصاحبه‌شونده، نقش روزنامه‌نگار آن است که با هوشیاری گوش فراداده و مصاحبه را با پرسشهای صریح و دقیق تداوم ببخشد.

روش انعطاف‌پذیر

گزارشگران بایستی آرام و انعطاف‌پذیر بوده و در صورت لزوم، آمادگی تغییر پرسشهایی را که از پیش طرح کرده‌اند، داشته باشند. همچنین بتوانند در مواقع لزوم، مسائل جالبتری را دنبال کنند.

آنان بایستی همواره از هدف مصاحبه آگاه باشند. انجام مصاحبه بدون هدف و به این امید که بالاخره نتیجه خواهد داد، کار خطرناکی است. در واقع چنین امری به ندرت نتیجه بخش است و گزارشگر در پایان چنین مصاحبه‌ای صرفاً اطلاعات بیهوده‌ای کسب خواهد کرد. در مقابل، پاسخ‌های طفره آمیز مصاحبه‌شونده به پرسش اساسی، بیانگر آن است که گزارشگر روی نکته مهمی دست‌گذاشته است.

بهترین مکان برای صحبت‌های بی‌هدف و دوستانه میان روزنامه‌نگار و منبع خبری او هنگام صرف غذا است. در چنین مواردی تماس صمیمانه‌تر خواهد بود و گاهی مطالب جالبی نیز مطرح می‌گردد. اما باید دانست که صحبت‌های دوستانه با مصاحبه تفاوت بسیاری دارد.

بازی‌های قدرت

توزیع قدرت در برخی روزنامه‌ها ارتباطی پیچیده و تغییرپذیر است. گاه ممکن است یک منبع از گزارشگر به عنوان ابزاری برای انتقال دیدگاهها و ارائه اطلاعات نادرست و حتی تبلیغ خود استفاده کند. گاه گزارشگر از منبع خبری خود به عنوان گوینده نقل قول و تأمین‌کننده اطلاعات بهره می‌جوید. در چنین مواردی مصاحبه بیشتر شبیه به یک مبارزه می‌شود. روزنامه‌نگار بایستی تا حد امکان از پویایی مصاحبه آگاه باشد و تلاش کند تا جریان مصاحبه را تحت کنترل خود در آورد. اگر هم نکات بیهوده‌ای در مصاحبه مطرح می‌شود، روزنامه‌نگار بایستی صلاحیت خود را نشان داده و با طرح پرسشهای اساسی مسأله را سامان بخشد.

رفتارهای غیرکلامی

نگاه کردن به چشمان مخاطب دارای اهمیت است. اما خیره شدن به مصاحبه‌شونده می‌تواند هراس آور باشد. در گزارشهای تشریحی، رفتارهای غیرکلامی و ارتباط غیر کلامی مانند آه کشیدن، شانه بالا انداختن، سکوت، لبخند و سرفه کردن مصاحبه‌شونده با دقت مورد توجه گزارشگر قرار می‌گیرد.

انجام مصاحبه‌های دشوار

مصاحبه‌شونده خشمگین

مصاحبه‌شونده ممکن است به دلایل مختلف خشمگین باشد. امکان دارد او به‌طور کلی نظر مساعدی نسبت به مطبوعات نداشته و یا از سوی مطبوعات مورد انتقاد قرار گرفته باشد. مصاحبه‌شونده ممکن است بر اثر طرح سؤالات خاصی احساس تحقیر و یا تهدید کند؛ یا این که اصلاً صدای گزارشگر و یا رنگ لباس او برایش ناخوشایند باشد. گزارشگر ناچار است مصاحبه‌شونده را از معیارهایی که روزنامه و گزارشگران دنبال می‌کنند، آگاه سازد. گاه گزارشگر

ناچار می‌شود آگاهی خود را از حساسیت مصاحبه‌شونده نسبت به موضوع خاصی اعلام کند. هر اتفاقی که می‌افتد خونسردی خود را از دست ندهید. هرگز با مصاحبه‌شونده به بحث و جدل نپردازید. تلاش کنید مسیر مصاحبه را از جنجال خارج کنید. اگر مصاحبه‌شونده شخص مهمی است و در پاسخ به پرسشهای شما با عصبانیت برخورد کرده است، شما می‌توانید متن مصاحبه را قبل از انتشار به وی نشان دهید. گاهی ممکن است مصاحبه‌شوندگان جلسه را ترک کنند.

مصاحبه‌شونده عجول

چنین فردی معمولاً می‌گوید: «من وقت صحبت با شما را ندارم.» یک پاسخ مناسب برای چنین مواردی آن است که گفته شود: «من وقت شما را نمی‌گیرم، اما این موضوع مهمی است و من می‌خواهم نظر شما را بدانم.» با وی همدردی کنید و مستقیم سر اصل مطلب بروید. باید خجالت آنان را برطرف کنید.

مصاحبه‌شونده ساکت

در چنین مواردی به نظر می‌رسد که نتیجه‌ای نمی‌گیرید. پاسخ چنین مصاحبه‌شونده‌هایی با صدای بی‌روح و لحنی یکتواخت ارائه می‌شود. با طرح پرسشهای جالب و با تأییدهای مکرر از طریق تکان دادن سر خود، تلاش کنید در وی اشتیاق ایجاد کنید. اگر تمام این تدابیر با شکست مواجه شد، ساکت مانده و منتظر وقایع بعدی باشید.

بدون ارائه نظر

بایستی مصاحبه‌شونده را از این مسأله که بدون اظهار نظر وی، مطلب ناقص خواهد بود، آگاه سازید. بر این مسأله تأکید ورزید که شما نمی‌خواهید گزارشی یک‌جانبه چاپ کنید و به اظهار نظرهای وی برای اصلاح موارد نادرست نیاز دارید. علت خودداری از اظهار نظر در مورد

موضوع را از وی جویا شوید. فردی ممکن است شما را تا روز بعد معطل نگه دارد. این مسأله را تأکید کنید که گزارش قرار است چاپ شود و بدون ارائه نقل قولهای وی امکان پذیر نخواهد بود.

فرار از بحث

مصاحبه شونده‌ها ممکن است نسبت به مسأله مهمی اظهار بی اطلاعی کنند، زیرا سعی دارند از بحث فرار کنند. شما بایستی آنان را توجیه کنید. گاهی مدعی می‌شوند که در جلسه مورد نظر غیبت داشته‌اند، اما ارائه چنین پاسخی از سوی شما که: «من در آن جلسه شاهد بودم که شما تمام مدت حضور داشتید» می‌تواند مطالب را به آنان یادآوری کند.

افراد بیهوده گو

آنان ممکن است از روی عادت به داستان پردازی مشغول شوند و از مسائل اصلی مورد بحث خارج شوند؛ یا ممکن است از مسائل حساس طفره روند. اجازه ندهید کنترل بحث در دست آنان افتد. بحث را متمرکز کنید.

پایان بخشیدن به مصاحبه

- گاهی اوقات لازم است از مصاحبه شونده بپرسید: «آیا مطلب دیگری را مایل‌اید ذکر کنید؟»
- رعایت ادب در جای مناسب لازم است. به‌عنوان نمونه، تشکر از وقتی که وی در اختیار شما گذارده است.
- ترتیب بررسی تماسهای آتی داده شود (شاید همراه با عکاس). اگر مصاحبه در دفتر کار مصاحبه شونده انجام شده، می‌توانید شماره تلفن منزل وی را جویا شوید.
- ممکن است مصاحبه شونده درخواست بازدید نسخه مصاحبه را قبل از چاپ داشته باشد. شما ناچارید در برابر خواسته وی ترتیبی را اتخاذ کنید.

پس از مصاحبه

این مرحله مهم دیگری است. شما ممکن است برای روشن ساختن برخی نکات بار دیگر با وی تماس بگیرید. مصاحبه‌شوندگان نیز ممکن است با شما تماس بگیرند. اغلب پس از گزارش‌های تشریحی ادب حکم می‌کند که با ارسال نوشته‌ای برای وی از وقتی که در اختیار شما گذارده است تشکر کنید. همچنین سعی کنید بلافاصله پس از انجام مصاحبه به تنظیم و آماده‌سازی آن پردازید. اگر درنگ کنید ممکن است مطالب بیشتری از یادتان برود؛ یا برخی مطالب دستخوش تحریف شوند و یا این که یادداشت‌هایتان برای شما مفهوم نباشند. هنگامی که مصاحبه، بخشی از تحقیق برای نگارش مقاله توصیفی باشد نیز بایستی سریعاً به نگارش درآید و همچنین لزوم انجام مصاحبه‌های جدید و یا مسائل دیگری برای تکمیل مقاله بررسی شود.

نقل قولها

نقل قولهای مستقیم

- این نقل قولها برای بیان نظر افراد بسیار مناسب است. به‌عنوان نمونه؛ وی اظهار داشت: «مارگارت تاچر، نخست‌وزیر برجسته قرن حاضر بود.»
- نقل قول مستقیم، عامل خبری را در گزارش تقویت می‌کند. همچنین صحت و جذابیت مطلب را افزایش داده و بُعد حیاتی انسانی را در گزارش نمودار می‌سازد؛ و به لطافت مطلب نیز می‌افزاید.
- ارائه نقل قول در گزارش موجب می‌شود اخبار ملموس‌تر شود. همواره بیان دیدگاهی از سوی یک فرد بهتر از ارائه نظر غیرشخصی و سازمانی است. به جای کاربرد چنین جمله‌ای «انجمن پزشکی انگلیس اعلام کرد» بهتر است جمله «سخنگوی انجمن پزشکی انگلیس اعلام کرد» را به کار ببرید. هنگامی که از مطالب سایر مطبوعات استفاده می‌شود ممکن است افزودن

جزئیات به مطلب از طریق تماس تلفنی ضروری باشد.

● اندازه نقل قول مستقیم متفاوت است. اما با مراجعه به کتابهای نقل قول می‌توان دریافت که اغلب نقل قولهای معروف، از جملات کوتاه تشکیل شده‌اند. برخی از مشهورترین نقل قولها صرفاً دارای چند واژه هستند. معمولاً در نشریات وزین، جملات طولانی تری نسبت به جملات نشریات عامه پسند به کار می‌رود. از این رو نقل قول نیز در این نشریات طولانی‌تر خواهد بود. اما آیا مردم در گفت‌وگو با روزنامه‌نگاران نشریات تابلوید از جملات کوتاه‌تر استفاده می‌کنند؟

● مبحث میزان آزادی روزنامه‌نگاران در ویرایش نقل قول مستقیم، برای روزنامه‌نگاران قدری آزاردهنده است. اغلب بر این باورند که عباراتی نظیر «می‌دانید»، «همانطور که گفتم» و «ا، ا» را که در گفت‌وگوها آمده است، می‌توان به راحتی حذف نمود. اما برخی معتقدند که در نقل قول مستقیم نبایستی کوچکترین تغییری صورت گیرد.

هنگامی که فردی جملات نادرست از لحاظ دستوری را به کار برده باشد، می‌توان آن را ویرایش نمود. ارائه نقل قول مستقیمی که در آن جملات نادرست از لحاظ دستور زبان وجود دارد، صرفاً به منظور برجستگی عمدی اشتباه‌گوینده خواهد بود. بنابراین، بایستی دقت ویژه‌ای را در ارائه نقل قول افرادی که زبان اصلی‌شان متفاوت است، به کار برد.

● هنگامی که موضوع گزارش ایجاب می‌کند حتی می‌توان نقل قولهای مزخرف را نیز به کار برد. به عنوان نمونه، روزنامه‌ها عمداً صحبت‌های تعدادی از سیاستمداران برجسته آمریکایی (ریگان، هیگ و بوش) را که از لحاظ دستوری نادرست است، انتخاب نموده و در نشریات خود به صورت مشخص با استفاده از خطوط فاصله برجسته کرده‌اند.

● گاه شیوه خاص گفتاری و حتی لهجه افراد در نقل قولهای مستقیم ارائه می‌شود تا الگوهای خاص گفتاری منبع نشان داده شود، اما این امر به ویژه در مقالات بایستی با دقت صورت پذیرد.

● ارائه انواع خاص جملات کلیشه‌ای، تخصصی و یا لفاظی در نقل قولها، امتیازی محسوب نمی‌شود. جملاتی مانند «رییس جمهور اظهار داشت: این گردهمایی تاریخی سران کشورهای

صنعتی جهان دستاورد عظیمی را دربرداشته است؛ از این رو ما از آنچه در این گردهمایی انجام داده‌ایم، مفتخریم.» و جمله «وی از کمک به کودکان معلول بسیار مسرور است.» و نظایر آن، چون لفاظی و جملات کلیشه‌ای محسوب می‌شوند، بهتر است در گزارشها از ارائه آن صرف نظر شود.

● دقت کنید که تغییر نقل قول غیرمستقیم به نقل قول مستقیم در مطبوعات کار نادرستی است. به عنوان نمونه، چنین جمله‌ای: «نلسون ماندلا، دولت آفریقای جنوبی را به سرکوب بیرحمانه حقوق سیاهپوستان متهم کرد.» را نمی‌توان بدین شیوه تغییر داد: «نلسون ماندلا گفت: دولت آفریقای جنوبی بیرحمانه، حقوق سیاهپوستان را زیر پا می‌گذارد.» زیرا هیچ مدرکی دال بر این که نلسون ماندلا چنین جمله‌ای را اظهار کرده باشد، وجود ندارد. نقل قول مستقیم ممکن است بیان دیگری از جمله‌ای طولانی‌تر و یا ترکیب چند جمله باشد.

● نقل قول غیرمستقیمی را که داخل یک جمله نقل قول مستقیم بیان شده، نمی‌توان به نقل قول مستقیم تغییر داد. به عنوان نمونه مطلب: «وی گفت که نظر همسرش را در مورد استعفای فردایش جو یا شده است.» را نمی‌توان بدین صورت تغییر داد: «وی از همسرش پرسید: آیا باید فردا استعفا دهم؟»

● اغلب جملات نقل قول در گزارشها، ترکیبی از نقل قول مستقیم و غیرمستقیم است. گزارشی که در آن بیش از اندازه نقل قول غیرمستقیم آورده شود، فاقد رسایی و جذابیت خواهد بود؛ و به همین گونه از خواندن گزارشی که صرفاً نقل قول مستقیم در آن آورده شده است، این احساس در خواننده ایجاد می‌شود که روزنامه‌نگار صرفاً نقش یک انتخابگر و مفسر را در مورد گفته‌های منبع بر عهده گرفته است.

نقل قولهای موضعی

این نقل قولها برای برجسته نمودن واژگان خاصی در جمله به کار می‌روند. همان گونه که نشریه «ایونینگ استاندارد» در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ چنین گزارش کرده است:

بنابر اظهارات قاضی دادگاه عالی، طی انجام تحقیقات در مورد قتل یک زن بدکاره در «کاردیف»، یکی از افراد مظنون در این پرونده «طی مضحکه باجویی» مورد «تهدید و اهانت» نیروهای پلیس قرار گرفت.

معمولاً روزنامه نگاران کمتر از نقل قولهای موضعی در گزارشهای خود استفاده می‌کنند، زیرا معمولاً این نقل قولها در مقدمه گزارش کاربرد دارند و اگر در متن گزارش آورده شوند، گاه موجب سردرگمی خواننده می‌شوند.

خطرات ارائه نقل قولها

● افراد به ندرت جملات کاملاً یکسان بر زبان می‌آورند. هنگام گزارش از یک گردهمایی عمومی، نسبت دادن یک نقل قول مستقیم به دو نفر قدری عجیب به نظر می‌آید. بنابراین ارائه این مطلب که، دو مشاور محافظه کار دیروز اعلام کردند: «کمپانی بی‌بی‌سی بایستی سریعاً به بخش خصوصی واگذار شود»، نادرست خواهد بود.

اما افراد می‌توانند در مورد مسأله‌ای اتفاق نظر داشته باشند و بیان نظر آنان از طریق نقل قول غیرمستقیم، عاری از اشکال خواهد بود. از این رو، بیان این مطلب «دو مشاور محافظه کار دیروز اعلام کردند که کمپانی بی‌بی‌سی بایستی سریعاً خصوصی شود.» امکان‌پذیر خواهد بود.

روزنامه «ایندپندنت»، (روز یکشنبه، ۲۷ دسامبر ۱۹۹۲) چنین گزارشی منتشر ساخت:

دیروز، پس از آن که نیروهای مسلمان، صربها را به سرپیچی از مقررات و نقض حریم هوایی مناطق پرواز ممنوع به خاطر استفاده از چرخبال برای تقویت شهر «جراداکا» متهم کردند، فشارهای مداخله‌جویانه شدت یافت. شهر «جراداکا» شهری است واقع در شمال بوسنی که تحت حملات نیروهای مسلمان قرار دارد. اما در ژنو، «آندره کوزیرو» وزیر امور خارجه روسیه و «پطروس غالی» دبیرکل سازمان ملل متحد، اظهار داشتند که با هرگونه مداخله خارجی برای توقف جنگ در یوگسلاوی سابق مخالف‌اند. آقای «پطروس غالی» اظهار داشت: «روند مذاکرات صلح بایستی نتیجه دهد.»

دقت کنید چگونه با نقل قول غیرمستقیم، دیدگاه مشابهی به دو گوینده نسبت داده شده است؛ اما در نقل قول مستقیم فقط نام یک گوینده به چشم می‌خورد.

● توجه داشته باشید گزارشی را با انتخاب جهت دار نقل قولها، دچار تحریف نسازید. فردی ممکن است بخشی از سخنان خود را به جنبه‌های حمایت از مسأله‌ای و همچنین بخش دیگری را به مخالفت با آن اختصاص دهد؛ می‌توان بخشی از بحث را برجسته نمود ولی حذف کل یک بخش امری غیرمسئولانه خواهد بود.

● گاه روزنامه‌نگاران در ارائه نقل قولها از تخیل خود نیز استفاده می‌کنند. هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی به روزنامه‌نگارانی که به ابداع نقل قول در گزارشهای خود دست می‌زدند، اخطار داده است. یکی از معروفترین نمونه‌های آن مصاحبه ساختگی نشریه «سان» با همسر قهرمان جنگ «فالكند» بود که در درگیری‌ها کشته شد (زن روزنامه‌نگاری که در این جریان دست داشت بعداً به کار ویراستاری در یک روزنامه سراسری ادامه داد).

● یکی از انواع روشهای ابداع، «گذاردن واژه در دهان مصاحبه‌شونده» است. هنگامی که مصاحبه‌شونده در پاسخ خود مکث می‌کند، معمولاً روزنامه‌نگار درصدد برمی‌آید تا مطلب را در دهان وی بگذارد. او ممکن است از مصاحبه‌شونده بپرسد: «آیا فکر نمی‌کنید این طرح اهانت‌آمیز است و هرگز نبایستی مورد حمایت قرار گیرد؟» وقتی مصاحبه‌شونده با تردید پاسخ می‌دهد: «آه... بله...» روزنامه‌نگار می‌تواند چنین گزارش کند: «وی اظهار داشت که تصور می‌کند این طرحی اهانت‌آمیز است و هرگز نبایستی مورد حمایت قرار گیرد.» چنین روشهایی بایستی به میزان کم مورد استفاده قرار گیرد، اما برخی از روزنامه‌های عمده اغلب از این روش استفاده می‌کنند. یکی از روزنامه‌نگاران سابق نشریه «ساندی میروور» به نام «وندسلی کلارکسون» که چندان هم خوشنام نبود با توسل به چنین روشهایی از زمانی سخن می‌گوید که بیتل سابق «پل مک کارتنی» را دیده است که همراه همسرش (!) سوار بر اتومبیل شخصی از ویلای خود خارج می‌شده‌اند.

● گاه اغراق و احساسات‌گرایی نیز با ابداع همراه می‌باشد. به‌عنوان نمونه، نقل قول از دو شهروند که با طرح ساخت فروشگاهی عظیم در مکان ورزشی مدرسه مخالف‌اند، در گزارشی بدین صورت آمده است که «شهروندان با این امر مخالف‌اند.» در حالی که گزارشگر به اغراق‌گوئی در روزنامه‌نگاری دست زده و از میزان مخالفت شهروندان تصویر نادرستی ارائه می‌دهد. فقط در صورتی که یکی از این دو شهروند که نقل قولهای آنان آورده شده است، سخنگوی شهروندان باشد، می‌توان گزارش را این‌گونه آغاز کرد که شهروندان با این امر مخالف‌اند.

● هنگامی که دیدگاه‌های متفاوتی در گزارشی منعکس می‌شود ضرورتاً نبایستی متن گزارش به صحنه جنجال و یا جدال طرفین مبدل گردد و یا این که یکی از این طرفین مورد حمایت ویژه گزارشگر قرار گیرد.

● گاه این احتمال می‌رود که جمله‌ای به صورت نقل قول مستقیم ارائه شود ولی منبع آن ذکر نگردد. چنین نقل قولهایی خواننده را دچار سردگمی می‌سازد. همواره منبع هر نقل قولی بایستی آشکار باشد.

● توجه داشته باشید که هرگز دو بخش جداگانه از یک نقل قول مستقیم را که جمله‌ای نیز در بین آنان وجود دارد، پشت سر هم نیاورید. بلکه جمله اول را با علامت نقل قول مستقیم تمام کرده و سپس جمله بعدی را با «وی افزود:» و علامت آغازین نقل قول شروع کنید.

افعال نسبی

«گفت»، معمول‌ترین واژه‌ای است که معنای نسبت دادن را دربردارد. این واژه، کوتاه و خنثی است و به همین دلایل کاربرد فراگیری دارد. اما اگر در تمامی شرایط از واژه «گفت» استفاده شود، قطعاً کسل‌کننده خواهد بود، از این‌رو سایر واژگان مانند «پاسخ داد»، «اظهار نظر کرد»، «خاطر نشان ساخت»، «اعتراض کرد»، «هشدار داد»، «مشخص نمود»، «توضیح داد»، «افزود»، «اشاره کرد»، «فاش ساخت»، «ادعا کرد» و «اظهار داشت» که بار معنایی خاصی دارند، به دقت مورد استفاده قرار می‌گیرند. این واژگان اغلب در ابتدای مطالب که تأکید زیادی را دربردارند،

آورده می‌شوند. این واژه‌ها صرفاً نایستی برای تنوع به کار روند. واژه «ادعا کرد» صرفاً برای جملات بحث‌برانگیز و اظهار موضوعهایی به کار می‌رود که در مورد آن موضوع تردیدهایی ابراز می‌شود. هنگامی که شواهد موضوع غیر قابل تردید هستند، کاربرد فعل «ادعا کردن»، تردیدهای نابجایی را برمی‌انگیزد. هنگامی که روزنامه‌ای حاوی چنین گزارشی است: «این هیأت در گزارش خود که به دنبال بررسی کاملی از عملکرد قانون روابط نژادی سال ۱۹۷۶ منتشر شده است، ادعا کرد که اقلیت‌های قومی هنوز از تبعیضها و کمبودهای بسیاری رنج می‌برند.»؛ در اینجا واژه «ادعا کرد» به طرز نژادپرستانه به کار برده شده است تا حقیقت وجود تبعیض گسترده را زیر سؤال ببرد.

واژه «اعتراف کرد» فقط موقعی به کار می‌رود که منبع به اشتباه، شکست، محدودیت، مسؤلیت و یا جرم خود اعتراف نموده است. به عنوان نمونه، نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز» (۱۹ دسامبر ۱۹۹۲) چنین گزارشی را منتشر کرد:

یک سرپرست آمبولانس اعتراف نمود که موسسه خدماتی «کمبریج شایر» پس از آن که هیأت تحقیق اعلام کرد زنی به علت چندساعت تأخیر مأموران آمبولانس جان سپرده، با کاهش درآمد روبه‌رو شده است.

واژه «افزود»، صرفاً موقعی به کار می‌رود که قبلاً مطلبی از منبع نقل شده باشد. معرفی منبعی جدید با واژه‌ای مانند «افزود»، نادرست خواهد بود.

واژه «فاش ساخت» نیز فقط موقعی به کار می‌رود که اطلاعات تازه و مهمی نقل شده است. «بیان کرد» واژه‌ای قدیمی است و معمولاً به کار نمی‌رود. «به طعنه گفت»، «به تمسخر گفت» و «به خنده گفت» نیز واژگان کلیشه‌ای هستند و بهتر است به کار برده نشوند.

شیوه‌ای مؤثر برای نسبت دادن یک مطلب، کاربرد عبارت «بر اساس» می‌باشد. این عبارت یکی از معمولترین عباراتی است که در ابتدای مطلب به کار می‌رود؛ به عنوان نمونه به مطلب نشریه «ایونینگ استاندارد» در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ توجه کنید:

بر اساس آمارهای محرمانه که از سوی هیأت تحقیق فاش شد، رادیو تجارتي که از سوی کمپانی بی‌بی‌سی اداره می‌شود با کاهش شدید شنوندگان روبه‌رو شده است.

نقل قولها را کوتاه کنید

روشهای ثبت نقل قول

تندنویسی

یکی از مهارتهای ضروری هر روزنامه‌نگاری ثبت دقیق مطالب است. «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاری» و «شرایط جدید حرفه‌ای - ملی»، معیار کسب موفقیت داوطلبان را توانایی نگارش ۱۰۰ واژه در هر دقیقه تعیین کرده‌اند. برخی درسهای آموزش روزنامه‌نگاری، زمان قابل توجهی را به کسب مهارت تندنویسی اختصاص داده است و اغلب روزنامه‌های استانی از داوطلبان استخدام، برخورداری از مهارت تندنویسی را طلب می‌کنند.

سیستمهای تندنویسی که میان روزنامه‌نگاران طرفدار دارد، «پیتمنز» و «تی لاین» می‌باشد. سیستم «تی لاین» عمدتاً برای آموزش روزنامه‌نگاری ایجاد شده است.

در قرن نوزدهم، کاربرد تندنویسی به‌عنوان مهارت ویژه روزنامه‌نگاری، به توسعه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری کمک کرد. این بدان معناست که یک فرد می‌تواند در امر مشاهده کردن، گوش فرادادن و ثبت کردن دقیق مسائل تخصص داشته باشد... این مسأله، گزارشگر را در فضای بی‌طرفی میان رویداد و خواننده نگه می‌دارد.

امروزه تناقضی در این امر وجود دارد؛ در روزنامه‌نگاران موفق‌تر مهارت تندنویسی کمتری مشاهده می‌شود. تمامی روزنامه‌نگاران از توانایی تندنویسی برخوردار نیستند و بطور کلی کمتر روزنامه‌نگارانی پیدا می‌شوند که مانند نشریات استانی انگلیس برای مهارت تندنویسی اهمیت قایل باشند.

با این همه برای روزنامه‌نگاران بلندپرواز، برخورداری از مهارت تندنویسی - حداقل ۱۰۰ واژه در دقیقه - دارای اهمیت است. هیچ فردی از تلاشی که در جهت فراگیری تندنویسی به کار برده است، پشیمان نخواهد شد. در مکانهای خاصی مانند مجلس، کمیته‌های منتخب، دادگاهها

و همچنین دادگاه‌های تحقیق در مورد مرگ‌های مشکوک که همراه داشتن ضبط صوت ممنوع است و همچنین در گردهمایی شوراها، دانستن تندنویسی ضروری است. اگر گزارشگران، روش‌های بهتری برای ثبت رویدادها به کار می‌بردند، اشتباهات کمتری در گزارشها منعکس می‌شد و عادت ابداع نقل قولها نیز برای همیشه از بین می‌رفت.

روشهای دیگر

● **تندنویسی شخصی:** معمول‌ترین روش «تندنویسی»، سیستم «استبرگ» است. گاه ممکن است شما مایل باشید روش تندنویسی شخصی برای خود ابداع کنید. به‌عنوان نمونه، حذف حروف صدا دار و صرفاً نگارش حروف بی‌صدا و روشهایی از این قبیل.

● **روش تندنویسی جدید:** روش «اجیلی رایتینگ» از سوی «آن‌گرشام» ابداع شده است. خصوصیت برجسته این روش، همراهی کامپیوتر است به گونه‌ای که نویسنده به روش تندنویسی مطلب را تایپ می‌کند و سپس این مطلب در کامپیوتر به نوشتار معمولی تبدیل می‌شود.

۲ بنابراین در آینده‌ای نزدیک روزنامه‌نگاران می‌توانند همراه با کامپیوترهای دستی خود در همایش‌های مطبوعاتی شرکت جویند و با برخورداری از مهارت تندنویسی مطالب را تایپ کنند و از طریق دستگاه «مودم»، این مطلب را که به نوشتار معمولی تغییر یافته است به دفتر نشریه ارسال کنند.

● **کسب مهارت یادداشت‌برداری انتخابی:** این روش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ثبت تمامی مطلب ارائه شده ضروری نیست. زیرا یادداشت‌برداری جزئیات، مانع برقراری ارتباط سودمند میان گزارشگر و مصاحبه‌شونده می‌شود. بهترین تندنویسان لزوماً بهترین نویسندگان نیستند.

روزنامه‌نگار خوب می‌تواند صحبت‌های مهم و قابل توجه را به راحتی تشخیص دهد. روزنامه‌نگار خوب همیشه گوش به زنگ بوده و تمامی حواسش به صحبتها، دیدگاهها و

احساس مصاحبه‌شونده معطوف است تا مطالب مهم را از میان آنها برگزینند. اگر در نگارش برخی سخنان مصاحبه‌شونده به حافظه خود شک کردید، بار دیگر بررسی کرده و یا مفهوم کلی آن را در جملات دیگری (اگر در مورد دریافت منظور وی مطمئن هستید) به صورت نقل قول غیرمستقیم ارائه کنید.

در برخی موارد روزنامه‌نگاران ابدأ یادداشت بر نمی‌دارند. گاه در موارد روزنامه‌نگاری تحقیقی، روزنامه‌نگار هویت خود را پنهان می‌کند. در مصاحبه‌هایی که از حساسیت خاصی برخوردارند، روزنامه‌نگار ممکن است وجود دفتر یادداشت را مانعی برای روند طبیعی گفت‌وگو دانسته و معتقد باشد که وجود دفتر یادداشت، ملاقات را بیش از اندازه رسمی می‌سازد. ممکن است مصاحبه‌شونده آمادگی صحبت را داشته باشد ولی مشاهده دفتر یادداشت وی را دچار هراس کند. در این مواقع، گزارشگر بایستی بر قدرت حافظه خود تکیه کند و البته صرفاً افرادی که از حافظه خوبی برخوردارند می‌توانند این شیوه را به کار برند.

● **نظم و ترتیب:** گزارشگران، معمولاً از دفتر یادداشتهای سبک و کوچک که راحت در جیب جای گرفته و به آسانی ورق می‌خورند، استفاده می‌کنند. هرگز نبایستی یادداشتهای را بر روی تکه کاغذهای غیرمعمولی و به صورت مجزا نوشت، زیرا چنین اوراقی به راحتی جا گذاشته می‌شوند.

رعایت روش مرتبی برای نگهداری دفاتر یادداشت ضروری است؛ زیرا گاه مراجعه مجدد به دفاتر لازم است. هنگامی که نسبت به انتشار مطلبی، شکایتی صورت گیرد، دسترسی سریع به یادداشت مربوطه ضروری است. یکی از هشدارهای هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی به روزنامه‌ها، در مورد عادت روزنامه‌نگاران به از دست دادن یادداشتهای مهم می‌باشد. هنگامی که شکایتی صورت گیرد، در صورت عدم دسترسی به یادداشتهای مربوطه، روزنامه‌ها امکانات محدودی برای دفاع از خود خواهند داشت.

یادداشت برداری از منابع مکتوب

برای دستیابی به اطلاعاتی در مورد سابقه افراد، رویدادها و مسائل، مراجعه به منابع مکتوب الزامی است.

در رجوع به کتابخانه‌ها (که حاوی دیسکهای فشرده، بریده جراید و سایر منابع مکتوب هستند) ممکن است از کامپیوتر دستی و یا اغلب از قلم و کاغذ برای درج مطالب استفاده کنید. همواره نام کتاب و یا مقاله را همراه با نام کامل نویسنده، ناشر، مکان و سال انتشار، ذکر کنید. همچنین توصیه می‌شود هنگام یادداشت برداری از مطالب کتاب و مجله، شماره صفحات آن مشخص شود. این امر در مواقعی که تصمیم دارید مقاله و یا کتابی در مورد موضوع بنویسید، بسیار یاری‌دهنده خواهد بود. برخی روزنامه‌نگاران در اوقات فراغت خود بر روی کتاب کار می‌کنند که بسیار پسندیده است.

حتماً میان نقل قول مستقیم و یا جملاتی که از نقل قول برداشت می‌شود، تمایز قائل هستید؛ زیرا استفاده از نقل قول فردی، بدون آن که نام گوینده ذکر شود، می‌تواند اتهاماتی از قبیل «سرقت ادبی» را به دنبال داشته باشد.

مهارت انتخاب مطالب در کتاب، گزارش و مقاله را فراگیرید. شما به ندرت می‌توانید تمامی مطالب را بخوانید؛ زیرا وقت این کار را ندارید. گاه شما بایستی خیلی سریع مطلبی را خوانده و یا پیام آن را به‌طور کامل یادداشت کنید. گاه ممکن است کتاب و یا مقاله بسیار مهم بوده و شما مجبور شوید برای درک صحیح آن سه بار مطلب را بخوانید. از فهرست راهنمای کتابها استفاده کرده و مستقیماً به مطلب مورد نیاز خود رجوع کنید. برای دستیابی به سایر منابع لازم به کتابنامه‌ها مراجعه کنید.

ضبط: سخنان موافق و مخالف

برخی روزنامه‌نگاران به‌طور فزاینده‌ای از ضبط صوت برای ثبت مطالب مصاحبه‌ها استفاده می‌کنند. قیمت دستگاههای ضبط صوت از ۳۰ تا ۲۰۰ پوند و یا بالاتر است. دستگاههای ضبط

صوت خبرنگاری، کوچک و بی‌دردسرنند و افراد کمی از حضور آن دچار هراس می‌شوند. اگر میان مصاحبه‌شونده و گزارشگر در مورد نقل قولی اختلاف ایجاد شد، برای رفع این اختلاف، هیچ راهی بهتر از مراجعه به نوار کاست حاوی مطالب مصاحبه نخواهد بود.

همواره بایستی مصاحبه‌شونده را هنگام کاربرد ضبط صوت در مصاحبه آگاه نمود. بسیاری از روزنامه‌ها از امکانات دستگاههای تلفنی که صدای مصاحبه‌شونده را ضبط می‌کند، برخوردارند و برخی روزنامه‌نگاران نیز در منازل خود از چنین دستگاههایی استفاده می‌کنند.

استفاده از ضبط صوت در مصاحبه بایستی با دقت صورت گیرد. هرگز نبایستی کاملاً به ضبط صوت متکی بود؛ زیرا ممکن است نوار کاست آن از بین رود و یا این که هنگام ایراد سخنان با اهمیت، دستگاه به‌طور اتفاقی خاموش باشد. بسیاری از روزنامه‌نگاران چنین تجربه غم‌انگیزی را داشته‌اند. گاه ممکن است باتری دستگاه تمام شود و همچنین میکروفون دستگاه صداهایی از قبیل صدای ضربات انگشتان بر روی میز و یا سایر صداهای ناخواسته را نیز ضبط کند. اگر شما هنگام مصاحبه با چند نفر دستگاه ضبط صوت را در وسط میز قرار دهید، ممکن است صدای فردی که در انتهای میز مشغول صحبت است ضبط نشود؛ از این رو، همواره یادداشت‌برداری لازم است.

برای گزارشهایی که خیلی سریع بایستی آماده شوند، دستگاه ضبط صوت یک مشکل دارد، زیرا امکان دستیابی خیلی سریع به اطلاعات و نقل قولهای ضبط شده وجود ندارد و دستیابی به آن مستلزم صرف وقت برای پیاده کردن مطالب نوار است. معمولاً استفاده از ضبط صوت برای گزارشهای تشریحی و مقالات توصیفی که شما برای نگارش آن وقت یادداشت‌برداری و تحلیل مطالب را دارید، بسیار مطلوب است.

به ندرت روزنامه‌نگاران تمامی مطالب نوار را پیاده می‌کنند. پس از مصاحبه در اولین فرصت ممکن، بخشهای مهم مصاحبه را پیاده کنید؛ سپس هنگام نگارش نسخه اصلی گزارش بار دیگر مطالب ضبط شده را مرور کنید.

استراق سمع

ابزارهای استراق سمع به قیمتهای بسیار ارزان در دسترس هستند. برخی روزنامه‌نگاران از این ابزار برای گزارشهای تحقیقی استفاده می‌کنند. در گذشته تصور می‌شد که ابزار استراق سمع - و نه دستگاههای ردیابی - برای افشای گفت‌وگوهای خصوصی و رماتیک افراد مختلف خانواده سلطنتی است تا اینکه در اواخر سال ۱۹۹۲ ملکه، این کاربرد را «فاجعه سال» نامید. اما ظاهراً روزنامه‌نگاران در چنین استراق سمع‌هایی دخالت نداشتند. در سپتامبر ۱۹۹۲ در آفریقای جنوبی صاحبان نشریه «ویکلی میل» که به همراه نشریه «گاردین ویکلی» منتشر می‌شود، برای استراق سمع گفت‌وگوهای یک مأمور نیروهای امنیتی، کارآگاهان خصوصی را به کار گرفتند.

آئین‌نامه هیأت رسیدگی به شکایات مطبوعاتی (ماده جدید ۵ و ضمیمه ۲) کاربرد ابزار استراق سمع را حتی در موارد استثناء منع کرده است. ظاهراً دولت برای راضی نگه داشتن حزب راست‌گرای محافظه کار در صدد است قانونی در این مورد وضع کند. البته استفاده از ابزار استراق سمع از سوی دولت و سازمان امنیت و اطلاعات و همچنین جاسوسان صنعتی بسیار گسترده‌تر است، لذا جای تعجبی ندارد که دولت ظاهراً مایل است این موارد را در قانون مربوطه به نقض حریم شخصی مطرح نکند.

هنوز موضع قانون در مورد کاربرد دستگاههای پوشگر^(۱) مشخص نیست. مالکیت این دستگاهها غیرقانونی نیست و می‌توان آنها را به قیمت تقریبی ۳۰۰ پوند در خیابانهای اصلی شهر خریداری نمود. امروزه برای گوش دادن به «رادیوهای تلفنی»^(۲) و گزارشهای هواشناسی دریایی از آن استفاده می‌کنند. حتی امواج تحت کنترل مثل سیستم حفاظت فرودگاه، واحدهای انهدام بمب و ارتباطات حساس وزارت دفاع را نیز می‌توان ردیابی کرد، در حالی که گوش دادن به گفت‌وگوهای رسمی و یا خصوصی و تلفنهای همراه که قابل ردیابی‌اند نیز غیرقانونی محسوب می‌شود.

فصل پنجم

فراگیری زبان خبری

زبان خبری کنونی، حاصل قرن‌ها تحول زبانشناسی است. این نوع زبان، از شکل طبیعی نوشتاری برخوردار نیست، بلکه گفتمان ویژه‌ای است که آهنگ، لحن، واژه و عبارت خاص خود را داراست. این زبان را باید آموخت.

بیان کوتاه و ساده

برخی گزارشگران جوان با تحصیلات دانشگاهی، که در دوران تحصیل عادت به نگارش مقالات ۲۰۰۰ کلمه‌ای داشته‌اند، خبرنگاری را کاری دشوار می‌پندارند: یعنی نگارش مطلبی با ۳۰۰ کلمه که تک‌تک کلمات آن حساب شده است. شیوه انتقال ارزش خبری بایستی صریح و تند باشد و فقط تمرین و ممارست آن را ممکن می‌سازد.

جمله «کوتاه و ساده بیان کن» می‌تواند شعار هر روزنامه‌نگاری باشد. بایستی از ارائه جملات

پیچیده همراه با عبارتهای طولانی پرهیز شود. جملات کوتاه و دقیق بهترین هستند. «جورج ارول» چنین توصیه می‌کند:

یک نویسنده دقیق در هر جمله‌ای که می‌نویسد، دست‌کم پاسخ چهار پرسش را مدنظر قرار می‌دهد: «چه می‌خواهم بگویم؟ کدام واژگان بیان‌کننده آن است؟ کدام تصویرسازی و اصطلاح، آن را روشنتر می‌سازد؟ آیا این تصویرسازی، آن‌قدر تازگی دارد که تأثیرگذار باشد؟» و احتمالاً دو پرسش دیگر نیز از خود خواهد پرسید: «آیا می‌توانم آن را ساده‌تر بیان کنم؟ آیا جمله‌ای ناخوشایند به کار برده‌ام؟»

نشریه «آیندپندنت»، حتی کتاب نمونه خود را نیز با این نقل قول آغاز می‌کند. احتیاجی نیست که همواره تعداد کلمات شمرده شود؛ بلکه برای بیان هر جمله خبری حداکثر ۳۲ تا ۳۵ کلمه به کار برده شود. کاربرد حداکثر ۱۶ تا ۲۰ کلمه برای هر جمله در تابلوید و روزنامه محلی کافی است.

سه نمونه زیر را در نظر بگیرید: نشریه گاردین در شماره ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲، گزارش خود را با بندهای ۲۸ تا ۳۲ کلمه‌ای آغاز می‌کند.

«دیوید برسفورد» از «ژوهانسبورگ» گزارش داد: شواهد قطعی در آفریقای جنوبی گواه آن است که توطئه‌ای از سوی نیروهای امنیتی برای ترویج خشونت در شهرها طرح‌ریزی شده است تا پیشرفتهای سیاسی کشور را تحت‌الشعاع قرار دهد.

دو تن از اراذل جوان سیاهپوست به تشریح چگونگی تحریک، تجهیز و آموزش خود توسط نیروهای امنیتی برای دست زدن به اعمال جنایتکارانه علیه مراکز وابسته به کنگره ملی آفریقا پرداختند.

بندهای زیر از نشریه «ناتینگهام هرالداند پست» (شماره ۱۱ فوریه ۱۹۹۳) نقل شده که از ۱۱ تا ۱۵ کلمه تشکیل شده است.

در جست‌وجوی دزدان پارکینگ‌ها

نیروهای انتظامی برای برخورد با دزدان پارکینگ‌ها در «ناتینگهام» به عملیاتی دست زده‌اند. ارتکاب جرایم در پارکینگ‌های تجاری در سال ۱۹۹۲ در کشور، بیش از دو میلیون پوند خسارت

وارد آورده است.

بندهای زیر از نشریه «سوسیالیست ورکر» (شماره ۲۷ مارس ۱۹۹۳) حاوی ۱۴ تا ۱۵ کلمه است.

اتحادیه‌ها باید مبارزه کنند

«حقیقتش را بخواهید اتحادیه‌ها زیاد هم خوب نیستند؛ آنان سالها مشی نژادپرستانه داشته‌اند.»
 یک عضو فعال اتحادیه‌های کارگری در «هودرزفیلد»، موضع اتحادیه‌های کارگری نسبت به نژادپرستی را این‌گونه توصیف می‌کند.

اساس اقتصادی کوتاه‌نویسی

عوامل بسیاری در ایجاد زبان فشرده خبری مؤثر بوده‌اند. استفاده از تلگراف طی قرن اخیر در ایجاد زبان پیراسته بسیار مؤثر بوده است. با توجه به رقابت موجود میان صاحبان آگهی‌ها و سردبیران در مورد فضای روزنامه، انتشار هر واژه مستلزم صرف هزینه است. مختصر نویسی از لحاظ اقتصادی در امر تولید بسیار با صرفه است.

سرعت، اساس کار انتشار روزنامه‌هاست. ساختار جمله و طراحی صفحه باید به گونه‌ای باشد تا خوانندگان قادر باشند به سرعت مطالب روزنامه را از نظر بگذرانند. هر چه سرعت زندگی روزمره افزایش می‌یابد، میزان متوسط انباشتگی کلمات کاهش می‌یابد. جملات کوتاه‌تر شده و عناوین از چند واژه خبری قوی تشکیل می‌شوند. کاربرد ترکیبی حروف اختصاری نیز افزایش یافته است و واژه‌هایی که از حروف اختصاری کلمات ساخته شده‌اند، دارای اعتبار شده‌اند. عبارتهایی که در چند واژه کوتاه، معنای پیچیده و عمیقی را بیان می‌کنند، به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند. (مانند «اکثریت خاموش»، «نظم نوین جهانی»).

طراحی روزنامه‌ها نیز بر اندازه جملات و کاربرد زبان تأثیر گذارده‌اند. همان گونه که

«فردفلر» عنوان می‌کند:

روزنامه‌ها با اندازه کوچک، ستونهای باریک و با کاغذهای ارزان انتشار می‌یابند. کاربرد بندهای طولانی - با قالب بزرگ حروف - خوانندگان را خسته می‌کند. از این رو، گزارشگران، مطالب خود را به بخشهای کوتاه که خواندن آن راحت باشد، تقسیم می‌کنند. همچنین خالی گذاردن فضای سفید در انتهای بندها، جلوه خاصی به هر صفحه می‌بخشد.

کوتاه بنویسید

هنگامی که کاربرد یک واژه، معنای مورد نظر را می‌رساند، هرگز دو یا سه واژه را به کار نبرید؛ به عنوان نمونه، به جای کاربرد عبارت «در حال حاضر» از واژه «اکنون» استفاده کنید. واژگان کوتاه را بر واژگان بلند ترجیح دهید. از کاربرد صفتها و قیدهایی که چندین واژه را دربرمی‌گیرند، و همچنین توصیف‌کننده‌هایی که حاوی معنای خاصی نیستند، می‌توان صرف‌نظر کرد. از کاربرد حروف اضافه غیر ضروری نیز پرهیز کنید. از تکرار یک واژه و یا واژگان شبیه به هم در یک جمله پرهیزید، مگر آنکه ارائه مفهوم خاصی مورد نظر باشد.

واژه «که» را اغلب می‌توان حذف نمود. به عنوان نمونه، «وی اعتراف کرد که یک قلم از دفتر دزدیده است.»؛ معمولاً می‌توانید عبارات را مختصرتر به کار ببرید. به جای عبارت «در بخش شمالی عراق» بهتر است عبارت «در شمال عراق» نوشته شود. در کاربرد کلمات دقت کنید و در استفاده از کلماتی که از لحاظ شکل شبیه به هم هستند، دچار اشتباه نشوید. به طور کلی از کاربرد واژه «چیز» پرهیزید، این واژه مبهم و نازیباست.

جملات معلوم به کار برید

به جای جمله «گردهمایی از سوی رهبران کنگره اتحادیه‌های کارگری در هفته آینده برگزار خواهد شد.» بهتر است جمله «رهبران کنگره اتحادیه‌های کارگری هفته آینده دیدار خواهند داشت» را به کار ببرید.

بازی با الفاظ برای خلق جذابیت

کاربرد «جناس» و «ایهام» در روزنامه‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در ایهام با کلمات و معنای چند جانبه آنها بازی می‌شود. کاربرد برخی از این قبیل کلمات گریزناپذیر است؛ و ترفندهای بکار گرفته بخشی از جذابیت آنها را تشکیل می‌دهد. برای کاربرد ایهام، برخورداری از شوخ طبعی لازم است، زیرا ممکن است ایهام حاوی طنز خاصی نیز باشد. نشریات وزین ایهام را بیشتر برای عناوین گزارشهای خبری ساده به کار می‌برند. اما بسیاری از نویسندگان پارلمانی هم مانند «اندرورانسلی» از گاردین و «ماتیوپاریس» از تایمز، اغلب در گزارشهای خود ایهام به کار می‌برند.

کلیشه‌ها: از آن همچون طاعون پرهیزید

نگارش کلیشه‌ای از نظر مقاله‌نویس معتبری مانند «کیت واترهاوس»، میان «هفت گناه مرگبار نگارش»^(۱)، گناه شماره یک به شمار می‌رود. هزاران کلیشه نوشتاری وجود دارند که در پوشش‌های مختلف بروز می‌کنند. به عنوان نمونه، عباراتی مانند: «صحیح و سالم»، «آرام ولی مطمئن»، «تغییر و تحول»، «سهم پنجاه پنجاه»، «پاجای پاگذاردن»، «تک و توک». گاه برخی صفت‌های بسیار احساسی، بی‌معنی جلوه می‌کنند. صفاتی مانند: «باران رونده»، «فرار معجزه آسا»، «تصادف غمبار»، «کشتار وحشیانه»، «مرگ ناگهانی»، «جراحات دردناک»، «اصلاحات فراگیر»، «بحث داغ»، «والدین سربلند»، «حداقل محض»، «گزارش عمده شوک آور» و «شفقت آمیز».

برخی از استعاره‌ها بر اثر کثرت کاربرد، دیگر تازگی ندارند. استعاره‌هایی مانند: «بستر برف»، «ستون قدرت»، «برج قدرت»، «قله کوه یخی».

یکی از معروفترین کلیشه‌های روزنامه‌نگاری واژه «انحصاری» است که بر اثر کثرت

استعمال دیگر بار معنایی خود را از دست داده است. به عنوان نمونه، نشریه «ساندی میرو» (۷ مارس ۱۹۹۳) از واژه «انحصاری» در ۱۶ گزارش خود استفاده کرد. نشریه «لین نیوز» در شماره ۲۷ آگوست ۱۹۹۳، در صفحات ۴ و ۵، چهار بار واژه «انحصاری» را به کار برد.

روزنامه‌ها به طور آشکار از واژه‌های کلیشه‌ای استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه، هر روزه مطبوعات عامه‌پسند در دوران فراقهرمانی^(۱) (زمانی که ماشین‌ها و فن‌آوری بر اثر پیشرفت‌های علمی و نظامی در بسیاری از رشته‌ها، جای انسان را گرفته‌اند) از مفهوم قهرمانی، تصویرهای کلیشه‌ای^(۲) ارائه می‌دهند.

طی درگیری خلیج [فارس] در سال ۱۹۹۱، مطبوعات انباشته از تصاویر «قهرمانان بلند مرتبه جنگ» بودند. گروه‌گانه‌های انگلیسی (قربانیان ناگهانی که در لحظات غمبار تاریخ گرفتار آمده بودند) همه به قهرمان مبدل شدند. همین روند در دوران صلح نیز مصداق دارد. به همین منوال، در ۲۵ مارس ۱۹۹۳، نشریه «دیلی استار» چنین گزارش می‌دهد: «قهرمانان چرخبال انگلیسی روز گذشته چگونگی عملیات قهرمانانه خود را برای نجات قربانیان مجروح جنگ از جهنم بوسنی تشریح کردند.» و «پسر مدرسه‌ای قهرمان به نام «سیمون دون»، با آوازخوانی و طنزگویی همراه هفت همکلاسی خود در دریای یخ‌زده برای زنده ماندن تلاش می‌کردند.» و «بابی مارک» قهرمان، دیروز از تأثر خود هنگام مشاهده جسد کودک سه ساله «جاناتان بال» که بر اثر انفجار بمب ارتش جمهوری خواه ایرلند در منطقه پوشیده از گل در «وارینگتون» جان سپرده بود، سخن گفت.»

یکی از برجسته‌ترین کلمات کلیشه‌ای، استعاره‌های مربوط به خشونت و جنگ است. «اصابت به»، «نبرد تلخ»، «تحت محاصره»، «درگیری»، «قتل عام»، «انفجار»، «حمله پلید» و «افزایش دفاع» کاربرد بسیاری دارند. عوامل بسیاری در شکل‌گیری این جنبه نظامی زبان مؤثر بوده‌اند. این امر بیانگر نظامی شدن فرهنگ است که بر اثر صرف هزینه‌های هنگفت برای سلاح‌های جنگی و همچنین اهمیتی که تجارت سلاح از لحاظ صنعتی دارد، ایجاد شده است.

1- Post - Heroic Times.

2- Cliched Images.

وانگهی، مقامهای علمی عالی رتبه‌ای از نظر اجتماعی وجود دارند که از وضعیت نظامی‌گری و حضور دایمی جنگ‌افزارها و جلوه بخشیدن به خشونت و مسائل جنگی از سوی بازی‌های کامپیوتری و رسانه‌ها و همچنین کم اهمیت جلوه دادن پایداری، احساس رضایت می‌کنند. هنگامی که پدیده‌های توخّش و خشونت در فرهنگ کشوری برای خودجا باز می‌کنند، زبان خبری نیز از آن مصون نمی‌ماند.

این مسأله که بسیاری از گزارشها به درگیری‌ها و جنگها پرداخته‌اند، نیز استعاره مشخصی بر اثبات این امر است. علاوه بر این، همان‌گونه که رسانه‌ها برای جلب توجه مردم شیوه افراط‌گرایی درپیش گرفته و دایماً خوانندگان را با مسائل احساسی کم اهمیت مشغول می‌دارند؛ زبان خشونت نیز به‌عنوان ابزار این بمباران فرهنگی به کار می‌رود. «جفری هیوز» این‌گونه اظهارنظر می‌کند: «به‌طور کلی هر چه استعاره بیان ضدیتها از جذابیت بیشتری برخوردار باشد، بیشتر از سوی مطبوعات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ وجود استعاره در مطلب مانع قطعیت کامل تحلیل مطلب می‌شود و در عین حال به زبان اشاره‌ای مطلب کمک می‌کند.»

سیاست و ورزش، دو زمینه‌ای هستند که بیش از سایر زمینه‌ها، نگارش کلیشه در مورد آنان کاربرد دارد. از این رو نشریه «دیلی تلگراف» (۲۵ مارس ۱۹۹۳) می‌نویسد: «شب گذشته، دولت در نبرد طاقت‌فرسای پارلمانی با مجلس عوام برای شتاب بخشیدن به دستاوردهای «پیمان ماستریخت» به موفقیت دست یافت.» نشریه «ساندی میرو» (۲۱ مارس ۱۹۹۳) نیز در گزارشی چنین آغاز می‌کند: «پس از شکست تیم کانتی در پارک «سن جیمز»، این تیم حملات سنگین خود را کاهش داد.» و «رونی رازنتال» در آخرین لحظه زوین حملات خود را متوجه حریف متکبر، «اورتون» نمود... گزارش مستقیمی از مسابقه بین‌المللی فوتبال بین انگلیس و ترکیه در نشریه «دیلی میرو» (در اوایل آوریل ۱۹۹۳) از سوی «نیجل کلارک» با این عنوان: «انگلیس شجاع، از نبرد ترکیه سرافراز بیرون می‌آید» ارائه شد و این مطلب دروغ آوریل نبود.

مطبوعات برای بیان مختصر سوابق تاریخی و برجسته نمودن جنبه مقابله‌ای مسائل، اغلب

به طبقه‌بندی متوسل می‌شوند: صلح طلبان، جنگ طلبان، تندروها، موافقان و مخالفان، چپ تندرو، ملایم، دوست داشتنی، چپ افراطی، طرفداران خلع سلاح یک جانبه، طرفداران خلع سلاح چند جانبه، نظامی‌ها، طبقات مهم‌گو غرب و شرق، محافظه‌کاران و اصلاح طلبان. رسانه‌های جمعی امروزی نوع جدیدی از کلمات کلیشه‌ای را ارائه می‌کنند. سپس در فیلمها، ترانه‌ها، تکیه کلام‌ها، برنامه‌های تلویزیونی یا شعارهای روز، آن کلمات را به کار می‌برند و ناگهان در سطح گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از آن که ملکه انگلیس عبارت «فاجعه سال» را به کار برد، تا یک ماه تمام روزنامه‌ها در مورد این عبارت قلمفرسایی می‌کردند.

حُسن تعبیر: چگونه «کاهش اشتغال» به «بهینه‌سازی» تبدیل می‌گردد

روزنامه‌نگاران بر تعهد خود در کاربرد صریح و روان زبان تأکید می‌ورزند. از این رو جای تعجب نیست که حُسن تعبیر در نوشته‌های روزنامه‌نگاران، جایی نداشته باشد. به همین دلیل هرگز ننویسید که فلان شخص «دارفانی را وداع گفت» یا «جان به جان آفرین تسلیم کرد» بلکه واژه «درگذشت» را به کار ببرید.

«فیلیپ هوارد» از حسن تعبیر به‌عنوان بدسلیقگی در شناخت زبان انگلیسی یاد می‌کند. گرچه کاربرد عبارت حُسن تعبیر با ما بسیار عجین شده است و عدم استفاده از آن برای روزنامه‌نگاران دشوار خواهد بود.

به جای واژه احساسی «تنزل»، واژه «رکود اقتصادی» را که تعبیر رساننده‌تری از آن است داریم. در اشتغال، «بهینه‌سازی» و «تجدید ساختار» به معنای تعدیل نیرو است. اغلب بیمارستانها برای افرادی که جراحتهای سخت دیده‌اند واژه خوشبینانه‌تر آن را به کار می‌برند. واژه‌ای که در زمان «ارول» برای خانه بدوشان به کار می‌رفت جای خود را به «مراکز توانبخشی برای بی‌خانمانها» داده است.

امروزه دیگر وقوع جنگها مانند گذشته نیست و مردم غیرنظامی نیز دیگر در جنگها کشته نمی‌شوند (به جز در موارد استثنایی). اهداف مشخصی بوسیله موشکهای تیز تک و بسیار دقیق

مورد اصابت قرار می‌گیرند. به‌جای حمله با بمب اتمی واژگان ملایمتری (مانند «عامل بازدارنده هسته‌ای مستقل»، «پاسخ‌های انعطاف پذیرانه»، «خسارت متقابل» و «تکافوی استراتژیکی») وارد زبان شده است تا وحشت و صف‌ناپذیر کشتار هسته‌ای را کاهش دهد.

زبان خاص گروهی: رهایی از زبان پرطمطراق

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که روزنامه‌نگاران جوان با آن روبه‌رو هستند، کنار گذاردن پیچیدگی زمینه‌های آکادمیک و زبان خاص آن می‌باشد. هر گروه اجتماعی (مقامات محلی، مسؤلان آموزش، نظامیان، حقوق‌دانان، متخصصان کامپیوتر، کتابداران، تروتسکیستها، محافظه‌کاران و ...) زبان ارتباطی و واژگان خاص خود را به کار می‌برند. دانشگاهیان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. به‌عنوان نمونه، «ژنرال نورمن شوارتسکف»، طی درگیری خلیج [فارس] در سال ۱۹۹۱، این جمله پرطمطراق نظامی را به کار برد: «هنوز ممکن نیست منطقه KTO را از BDA عاری کنیم. حضور مستمر و سه جانبه A به معنای خطر دایمی است که هم پیمانان را به سوی KIA یا WIA سوق می‌دهد.»

با کاربرد چنین لغات تخصصی نظامی، دیگر زبان خصوصیت ارتباطی خود را از دست داده و به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت گروهی خاص و حذف افراد ناآشنا و بیگانه تبدیل می‌شود.

حرفه‌گزارشگر ایجاب می‌کند که زبان خاص گروهها را فرا گرفته و آن را به صورت واژگانی قابل فهم برای عموم خوانندگان در آورد. البته این کار آسانی نیست، به‌ویژه هنگامی که گوینده با سرعت صحبت کند.

روزنامه‌نگاری نیز زبان خاص خود را داراست. صرفاً واژگان روزنامه‌نگاری مورد نظر نیست. بلکه بسیاری واژه‌های کلیشه‌ای روزنامه‌نگاری به صورت نوعی زبان خاص ژورنالیستی در آمده‌اند.

تایمز: تغییرات آن

یک راه بررسی زبان روزنامه‌های امروزی، بررسی تغییراتی است که در «شیوه کاربرد زبان تایمز» در سالهای اخیر ایجاد شده و همچنین در سالهای آینده بوقوع خواهد پیوست:

۱۰۷ سال قبل در این روز، اول ژانویه ۱۸۸۵

«جوزف استورج» (۱۸۵۹ - ۱۷۹۳) نقش عمده‌ای را در مبارزات لغو بردگی برعهده داشت. وی همچنین یکی از اعضای هیأتی از «انجمن دوستان» بود که در سال ۱۸۵۴ به روسیه رفته و اعتراضهای خود را علیه «جنگ کریمه» به تزار ابراز داشتند.

سه عضو برجسته انجمن صلح و انجمن دوستان پنج‌شنبه شب در همایش کریسمس کارگران در «گلوستر» در مورد جنگ صحبت کردند: آقای «جوزف استورج» یکی از اعضای هیأت اعزامی انجمن دوستان به روسیه و دربار تزار، آقای «اس بولی»، از هواداران جمعیت صلح و خویشنداری و آقای «تی.ام. استورج» از «گلوستر».

آقای «جوزف استورج»، پس از اشاره ضمنی به مأموریتش در «سن‌پترزبورگ» که با دیدگاه پایان بخشیدن به مخاصمات انجام گرفت، اعتقاد قاطع خویش را ابراز کرد. به اعتقاد وی به‌رغم تمامی آنچه علیه امپراطور روسیه اظهار می‌شود و به‌رغم بدی‌های دولت وی، هیچ فردی در اروپا جدی‌تر از امپراتوری، خواهان بازگشت به صلح نیست؛ زیرا وی دستیابی به صلح را موجب سرفرازی کشورش می‌داند.

وی همچنین با اشاره به اتهامات خاصی که علیه وی در نامه‌ای انتشار یافته ابراز داشت که به جنگ‌طلبی متهمش کرده‌اند، زیرا موجب تداوم قیمت فعلی غله می‌شود. و نیز در بخش دیگری از آن نامه وی را متهم کرده‌اند که صرفاً به‌خاطر منافع حاصل از تجارت شخصی مایل است به جنگ پایان بخشد.

به گفته استورج مشیت الهی وی را در سمتی قرار داده است که شخصاً اثرات جنگ را احساس نکند، جز آن که دیگر قادر نخواهد بود غله را از جایی که سابقاً به‌دست می‌آورد، تهیه کند و اکنون نیز دیگر مانند سابق قادر به استخدام افراد بسیاری نیست؛ زیرا هراس دارد که از این بابت، اوضاع بدتر هم بشود.

در حال حاضر قیمت گندم در انگلیس حدود ۱۰ پنس برای هر بوشل^(۱) است؛ در حالی که در روسیه می‌توان هر بوشل گندم را به قیمت ۲ پنس خریداری نمود؛ از این رو صرف‌نظر از وظیفه یک

۱ - Bushel، پیمان‌ه‌ای معادل ۳۶/۴ لیتر، که عمدتاً برای اندازه‌گیری غلات بکار می‌رود.

مسیحی برای پایان بخشیدن به صحنه‌های اسفبار خونریزی که در «کریمه» به وقوع پیوسته است، از نظر اقتصادی نیز خاتمه جنگ مطلوب خواهد بود. وی مایل نبود مقصر اصلی جنگ را مشخص کند. اما معتقد بود اگر هر یک از دوستانش بتوانند نفوذ خود را برای دستیابی به صلح به کار ببرند، بایستی از فرصت استفاده کرده و بی‌درنگ دست بکار شد.

آقای «توماس استورج»، از فجایع جنگ امپراتوری فرانسه یاد نمود که طی آن همان‌گونه که از سوی موثق‌ترین مورخان اعلام شده بود، حدود ۵ میلیون انسان کشته شدند. طی هفت سال درگیری‌های «ولینگتون» ۷۰ هزار انگلیسی جان خود را از دست دادند، در نبرد «واترلو» نیز که ۴۰ هزار انگلیسی در آن شرکت داشتند، ۸۰۰ تا ۹۰۰ افسر و بیش از ۱۰ هزار سرباز جان خود را از دست دادند. به اعتقادی وی، در صورت تداوم «جنگ کریمه» نیز همان تعداد انسان جان خواهند باخت. تایمز، ۱ ژانویه ۱۹۹۲؛ (روزنامه اصلی در ۱ ژانویه ۱۸۸۵)

به تغییراتی که در زبان برای انتقال جریان خبری ایجاد می‌شود، توجه کنید. در متن بالا جمله «در مورد جنگ صحبت کردند...»، عمومیت داده شده و بر اساس ارزشهای خبری امروزی، هیچ بار حسی را به خواننده انتقال نمی‌دهد. جمله دوم، فاقد فعل است و صرفاً نامهای سه عضو برجسته جمله اول ذکر شده است.

ذکر اسامی افراد در شیوه جدید نگارش روزنامه‌ای از محدودیت بیشتری برخوردار است. در مورد آقای «جوزف استورج»، اسم کوچک به‌طور کامل آمده، اما در مورد «بولی» و «استورج» فقط حروف اول اسامی شان ذکر شده است. امروزه، ذکر اسامی افراد بدین شیوه، نقض مقررات شیوه نگارش محسوب می‌شود. تکرار عبارت «انجمن دوستان» نیز غیرضروری است.

کاربرد ۸۰ کلمه و پنج جمله‌واره در بند دوم با توجه به معیارهای امروزی نگارش روزنامه‌ای بسیار زیاد است. این بند، حسی ادبی و اغراق آمیز را به خواننده انتقال می‌دهد. امروزه کاربرد عباراتی مانند «پس از اشاره به»، «با دیدگاه پایان بخشیدن به» و «به رغم» دیگر قدیمی شده است.

بند سوم نیز با کاربرد ۶۸ کلمه و تکرار کلماتی مانند «جنگ»، «نامه» و کلمات ناخوشایند «اتهامات» و «متهم»، طولانی به نظر می‌رسد. در این بند، کلمات اضافی مانند «مشخص»، و

«بسادگی» و عباراتی مانند «نامه‌ای که انتشار یافته است» («نامه منتشره» بهتر است) و «پایان بخشیدن به جنگ» (کاربرد «اتمام جنگ» بهتر است) آمده است.

بند چهارم از ۵۹ کلمه تشکیل شده که با توجه به معیارهای امروزی طولانی است. در جمله بعدی ۶۳ کلمه به کار رفته است. دو جمله بعدی نیز در مقایسه با سایر جملات (کاربرد به ترتیب ۳۸ و ۳۲ کلمه) کوتاه هستند. دو جمله آخر نیز به ترتیب از ۴۱ و ۲۱ کلمه تشکیل شده‌اند.

● جالب این جاست که این گزارش حاوی سخنان فردی است، ولی هیچ نقل قول مستقیمی به کار برده نشده است.

اگر این گزارش را به زبان خبری امروز تغییر دهیم، بدین صورت درخواهد آمد:
آقای «جوزف استورج» که اخیراً با تزار دیدار کرده است، روز پنج‌شنبه اعلام کرد که امپراطور روس خواهان برپایی صلحی عاجل در «کریمه» است.
وی در گردهمایی کارگران در «گلوستر» گفت: «برپایی هر صلحی برای تزار بایستی حافظ عزت روسیه باشد.»

آقای «استورج» که از سوی انجمن دوستان با هدف مأموریت صلح در «سن‌پترزبورگ» با تزار دیدار داشته است، گفت وقوع جنگ در امر خرید غله اشکال ایجاد کرده و وی ناچار به اخراج تعدادی از کارگران شده است.

در انگلیس قیمت گندم ۱۰ پنس برای هر بوشل است، در حالی که قیمت میزان مشابه آن در روسیه ۲ پنس است. بنابراین صرفاً ادای تعهد مذهبی، انگیزه وی برای خاتمه بخشیدن به این کشتار نبوده است، بلکه انگیزه‌های مالی نیز برای چنین اقدامی وجود داشته است.

هیچ یک از طرفین را نمی‌توان مقصر وقوع جنگ شناخت، وی از همگان درخواست کرد تا حداکثر توان خود را برای پیشرفت صلح به کار برند.

آقای «توماس استورج» نیز که عضو انجمن صلح است، گفت پنج میلیون نفر طی جنگهای امپراتوری فرانسه، قتل عام شده‌اند.

حدود ۷۰ هزار انگلیسی، طی جنگ هفت ساله «ولینگتون» جان خود را از دست داده‌اند، در حالی که در نبرد «واترلو» بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ افسر و ۱۰ هزار سرباز انگلیسی کشته شدند. وی ابراز نگرانی کرد که ادامه جنگ «کریمه» نیز همان میزان کشتار را به دنبال خواهد داشت. گزارش بعدی تایمز (۱۸ ژانویه ۱۹۴۰) چگونگی کوتاه شدن ساختار جملات و زبان را نشان می‌دهد، گرچه این گزارش فاقد صراحت روزنامه‌نگاری امروزی است.

۵۲ سال پیش در این روز - ۱۸ ژانویه ۱۹۴۰

فنلاند که در نوامبر ۱۹۳۹ از سوی روسیه مورد تهاجم قرار گرفته بود، علی‌رغم مقاومت قهرمانانه در مارس ۱۹۴۰ ناچار به تسلیم شد.

پیروزی تازه فنلاند

نبرد نابرابر هوایی

از گزارشگر ویژه نشریه؛ هلسینکی، ۱۷ ژانویه

گرچه سردی هوا در ۳۵ سال اخیر بی‌سابقه بوده است، اما گشتی‌های فنلاندی هنوز به فعالیت مشغول‌اند و به آرایش نظامی نیروهای خود در منطقه «سالا» می‌پردازند. در ناحیه «سالا»، روسها بر اثر فشار وارده از سوی نیروهای فنلاندی، ۱۲ مایل عقب‌نشینی داشته و هنوز به آن ادامه می‌دهند. «کامیونیک» امروز اعلام کرد که در شمال شرقی دریاچه «لودوگا» بین نیروهای خودی و دشمن که از توان مشابهی برخوردار بودند، درگیری ایجاد شده است و در این درگیری، نیروهای فنلاندی بر نیروهای دشمن یورش بردند که ۷۰ کشته، دو تانک معدوم و حدود ۱۰۰ ویرانی برجای گذارد. نتایج مخرب حملات هوایی روسیه نسبتاً کمتر بوده است. حتی هنگامی که حملات با ۴۰۰ ماشین جنگی صورت گرفت، نیز خسارات وارده بر شهروندان سنگین بود. در حالی که اغلب خانه‌های شهر هنوز پابرجا هستند، اما انفجار بمبها موجب شد تا شیشه‌های هزاران پنجره در محدوده وسیعی از شهر شکسته شوند. از این رو. هر روز خانه‌های بیشتری در این هوای قطبی که درجه برودت آن در فنلاند بی‌سابقه بوده است، خالی از سکنه می‌شوند. در روستای «راتیایلا» که هیچ هدف نظامی در آنجا وجود ندارد، نیروی هوایی شوروی یک مراسم تشییع جنازه را هدف قرار داد.

اندازه سرزمین فنلاند به حدی وسیع است که حفاظت از تمامی بخش‌های آن حتی بخش‌های جنوبی و مرکزی که بیشترین جمعیت را داراست و به سلاح‌های ضد هوایی و پناهگاه‌های ضد بمب مجهز شده است، امکان‌پذیر نیست. اما نیروی هوایی فنلاند که از ماشین جنگی ضعیفی برخوردار است، قادر بوده تا بسیاری از هواپیماهای جنگی دشمن را سرتگون سازد؛ این امر نشان‌دهنده آن است که وجود نیروهای سریع و جنگنده‌های مدرن، بهترین ابزار برای خاتمه بخشیدن به حملات شهری می‌باشند. فنلاندی‌ها اعلام کردند که در حال حاضر واردات هواپیمای جنگی از خارج برای آنان ضروری‌ترین و مهم‌ترین مسأله است.

نمونه زیر بیانگر روحیه ملتی است که با خطر جنگنده‌های هوایی دشمن مقابله کرده است. در مرکز صنعتی عظیمی که غالباً مورد هجوم هوایی دشمن قرار می‌گرفت، مدیریت کارخانه از کارکنان درخواست کرد که در صورت تمایل در زمان حملات هوایی نیز به کار خود ادامه دهند تا تولیدات محصول کارخانه را که در جنگ بسیار مورد نیاز است در مدت زمان کوتاه‌تری افزایش دهند؛ در قبال آن تعطیلات تابستانی کارکنان افزایش خواهد یافت. کارکنان کارخانه طرح ادامه کار در زمان حملات هوایی را پذیرا شدند ولی از قبول پاداش امتناع ورزیدند. آنان اعلام کردند «ما این کار را انجام می‌دهیم تا نیروهای روسی را شکست دهیم.» روزنامه تایمز ۱۹۴۰

از پنج جمله آغازین متن بالا، چهار جمله با جمله‌واره آغاز می‌شود. اکنون روزنامه‌ها، شیوه نگارش متضادی را در پیش گرفته‌اند و جمله رابه جز در موارد استثنایی که به منظور ایجاد تنوع صورت می‌گیرد، با جمله‌واره اصلی آغاز می‌کنند. اندازه جملات بالا طولانی است: شش جمله اول به ترتیب از ۴۳، ۳۷، ۳۱، ۴۴، ۱۷ و ۷۹ کلمه تشکیل شده است.

بند اول بدون هیچ تأثیری با جمله‌واره‌ای، در مورد هوا آغاز می‌شود. اگر روسها مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند، کاربرد عباراتی مانند «هنوز به فعالیت مشغول‌اند» و یا «به آرایش نظامی نیروها می‌پردازند»، اضافی است.

جمله دوم به جای تأکید بر یورش دشمن بر صحبت‌های «کامیونیک» تأکید می‌کند. بند بعدی نیز همان گزارش معمولی و منفعل را منعکس می‌کند. به جای کاربرد «۴۰۰ حمله هوایی»، جمله «حملات با ۴۰۰ ماشین جنگی صورت گرفت» به کار رفته است. به همین صورت، به جای این که جمله «شهروندان خسارات سنگین را متحمل شدند» به کار رود، جمله «خسارت وارده بر

شهروندان سنگین بود» آمده است.

جمله بعدی نیز همان جمله‌ای را که ابتدا در مورد سرمای هوای زمستان آمده بود، تکرار کرده است.

● به تعصبات مطرح در گزارش توجه کنید: فنلاندی‌ها که درگیر جنگ با متحدین بوده‌اند، به‌عنوان قهرمان مطرح شده‌اند و خسارت وارده بر شهروندان بیگناه برجسته شده است. در مقابل، روسهای دشمن به‌عنوان جنگجویان بیرحم و حتی حمله‌کننده به مراسم عزاداری نشان داده شده‌اند. ولی پس از حمله نازی‌ها به کشورشان، فنلاندی‌ها موضع خود را تغییر داده و گزارشهایی که در مورد نیروهای روسی ارائه می‌کردند تغییرات شگرفی یافت.

۵۳ سال پس از گزارش جنگ جهانی دوم، انگلیس بار دیگر درگیر جنگ شد. این بار از ایالات متحده در حمله به عراق پشتیبانی کرد. به تغییراتی که در کاربرد زبان و ساختار در این گزارش نسبت به گزارش ۵۳ سال پیش، ایجاد شده است توجه کنید:

آمریکا شب گذشته با حمله ۴۰ موشک «تام هاوک» به محل نگهداری سلاحهای هسته‌ای در نزدیکی بغداد، به دومین حمله نظامی خود علیه عراق دست زد.

مقامات رسمی پنتاگون اعلام کردند که موشکهای هدایت‌شونده، از مقر کشتی‌های جنگی در خلیج [فارس] و دریای سرخ آتش شدند. حمله در دومین سالگرد شروع جنگ خلیج [فارس] انجام شد و با سرنوشتی جنگنده میگ عراقی در ناحیه ممنوعه شمالی ادامه یافت.

در ژانویه سال ۱۹۹۱، نیز بار دیگر این صحنه رعب‌انگیز تکرار شده و آسمان بغداد در نتیجه نور آتش ضدهوایی و موشکهای زمین به هوا روشن گردیده بود. بر اساس گزارش‌ها سه تن در مرکز پایتخت کشته شدند. ساختمان آسیب دیده، هتل «الرشید» بود که دیدارکنندگان خارجی بسیاری در آن اقامت داشتند.

«مارلین فیتز واتر»، سخنگوی کاخ سفید گفت هدف این حمله این بود که به پرزیدنت صدام حسین نشان دهیم که «نقض قطعنامه‌های سازمان ملل تحمل‌پذیر نخواهد بود» وی گفت هدف آمریکا، کارخانه «ظفاریه» بوده که در ۱۳ مایلی مرکز شهر واقع شده است؛ این کارخانه سازنده قطعات برای برنامه‌های هسته‌ای عراق است، اما از آسیب‌دیدگیهای احتمالی آن اطلاعی در دست نیست.

آقای «فیتزواتر» افزود که باور ندارد موشک آمریکایی، هتل «الرشید» را مورد اصابت قرار داده

باشد. به احتمال قوی این هتل در نتیجه آتش ضد هوایی عراق آسیب دیده است. وی تأکید کرد که این حمله عمدتاً برای پاسخگویی به امتناع صدام در صدور اجازه فرود به هواپیماهای بازرسان سازمان ملل در عراق بدون در نظر گرفتن شرایط احتمالی که برای واشنگتن پذیرفتنی نیست، انجام شده است.

وی گفت: «تمامی سلاحهای کشتار جمعی عراق بایستی نابود شوند» و همچنین خاطر نشان کرد که در صورت ادامه نقض قطعنامه‌های سازمان ملل از سوی عراق، حملات بیشتری انجام خواهد شد. شب گذشته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد کارخانه «ظفاریه» قبلاً از سوی نیروهای سازمان ملل تخریب شده است.

اصابت مستقیم موشکها به دو منطقه مسکونی و هتل «الرشید»، دست کم سه کشته و ۱۶ زخمی برجای گذارد. هنگام اصابت موشک به هتل «الرشید»، صدها نماینده شرکت‌کننده در کنفرانس اسلامی و تعداد بسیاری از روزنامه‌نگاران خارجی در هتل اقامت داشتند و در نتیجه اصابت موشک، بخش وسیعی از سالن مرمر هتل تخریب و مدیر هتل نیز کشته شد.

دکتر «عبدالمنصوری» در بیمارستان «یرموک» گفت: «اغلب مجروحین در نتیجه اصابت ترکش از ناحیه شکم و صورت، زخمی شده‌اند. واقعاً برای من خیلی ناراحت‌کننده است که شاهد وقوع چنین حوادثی باشم.»

«عمر اسماعیل» بازمانده ناحیه «کارادای» بغداد گفت که بدون هشدار قبلی یک موشک در خیابان محل سکونتشان فرود آمده و چهار خانه را ویران ساخته است. وی با اشاره به زن جوانی که روی تخت بیمارستان از درد به خود می‌پیچید، گفت: «در نتیجه این حمله، مادرم کشته شد و من فقط توانستم همسایه‌مان را از زیر آوار بیرون آورده و به بیمارستان منتقل سازم.»

دولت عراق در برابر تلفات سنگین غیرنظامیان واکنش تندی نشان داده و آمریکا را متهم کرد به جای حمله به امکانات هسته‌ای، یک کارخانه غیرنظامی در جنوب بغداد را مورد اصابت موشک قرار داده است.

دولت کویت پس از این حمله اعلام کرد که در پی درخواست نظامیان سازمان ملل، عراق برچیدن شش پایگاه مرزی عراقی مستقر در خاک کویت را آغاز کرده است. پیش از این، عراق تمامی اتمام حجت‌های سازمان ملل در این مورد را نادیده می‌گرفت.

این حمله، یک روز پس از ادامه خصومت میان عراق و سازمان ملل صورت گرفت. صدام حسین گفت که وی امنیت پرواز بازرسان سازمان ملل به عراق را در صورتی تضمین می‌کند که سازمان ملل به تمامی عملیات خود در مناطق پرواز ممنوع پایان بخشد، اما واشنگتن اعلام کرد که چنین شرطی پذیرفتنی نیست. همچنین از سه سرباز عراقی که از مرز کویت گذشته و با نیروهای گشتی کویتی

درگیر شده بودند، یک تن کشته شد، سرباز دیگر دستگیر گردید و سرباز سومی گریخت. دیروز صبح، یک میگ عراقی توسط یک اف ۱۶ آمریکایی سرنگون شد. دولت بوش اعلام کرد این حادثه هنگامی بوقوع پیوست که سلاحهای ضدهوایی عراقی به دو جنگنده اف ۱۶ آمریکایی در ساعت ۱۰ صبح به وقت بغداد آتش گشودند. هواپیمای میگ عراقی در منطقه ممنوعه سازمان ملل به پرواز درآمد و در ساعت ۱۱ صبح، موشک عراقی، هواپیمای اف ۱۶ آمریکایی را هدف قرار داد. ساعت ۱۲ و ۳۸ دقیقه، یک اف ۱۶ آمریکایی با موشک هوا به هوا به یک میگ ۲۳ عراقی در داخل منطقه ممنوعه حمله کرد.

در دومین سالگرد جنگ خلیج، صدام طی نطق تلویزیونی ۹۰ دقیقه‌ای، اعتراض خود را نسبت به نقض حریم مناطق ممنوعه پرواز اعلام کرد. وی همچنین گفت که میگ عراقی در منطقه ممنوعه پرواز نکرده است. رهبر عراق از همسایگان عرب خود نسبت به عقد پیمان «خیانت آمیز» با غرب انتقاد کرده و گفت: «عراق همچنان با ثبات باقی خواهد ماند و بدون تردید از درگیری‌های کنونی نیز پیروزمند بیرون خواهد آمد.»

به دنبال این حمله، جلسات مشاوره فشرده‌ای میان پرزیدنت بوش، جان میجر و پرزیدنت میتران شرکای ائتلافی وی برگزار شد. آقای کلینتون نیز از مسائل مورد بحث به طور کامل مطلع گردید. رییس جمهور آمریکا شب گذشته اعلام کرد «تحریکات مداوم صدام حسین با پاسخ مناسب و زورمندی روبه‌رو گشته است». آقای میجر نیز گفت «صدام قبلاً در دسر ایجاد کرده بود و حالا صرفاً آن را افزایش داده است.»

متن بالا گزارش مهمی است که خبر آن ۱۸ ژانویه ۱۹۹۳ در صفحه اول روزنامه تایمز منتشر شد. بندهای اولیه آن برای تحلیل مناسب است؛ در مقایسه این گزارش با نمونه گزارشهای پیشین می‌توان دریافت که جملات بسیار کوتاه‌تر شده‌اند: جملات اول بندها به ترتیب از ۲۲، ۱۸، ۳۲، ۳۸، ۱۳، ۲۶ و ۳۲ کلمه تشکیل شده‌اند.

زبان و ساختار دقیق

اغلب جمله‌ها با جمله واره اصلی شروع می‌شوند و زبان آنها نیز دقیق و با احساس است. افعالی که در «لید» آمده‌اند از لحاظ دستوری معلوم هستند و به صورت مجهول یعنی «شب گذشته، دومین حمله نظامی با ۴۰ موشک «تام هاوک» به کارخانه سلاحهای هسته‌ای نزدیک

بغداد از سوی آمریکا علیه عراق صورت گرفت» ذکر نشده‌اند. بند دوم به توضیح بیشتر در مورد نکات مطرح در بند آغازین می‌پردازد و این اطلاعات را به مقامات پنتاگون نسبت می‌دهد. جمله بعدی، جمله‌ای کوتاه است که به اولین حمله نظامی می‌پردازد. در نشریات وزین، صفت و قید با احتیاط به کار می‌روند و در تابلویدها نیز معیار متفاوتی به کار گرفته می‌شود. در بند سوم، صفت «رعب انگیز» دقیق است و معانی بسیاری را تداعی می‌کند. اغلب جملات بیش از یک جمله واژه را همراه ندارند.

لحن زبانی و تقابل در تعلقات انسانی

جنبه توجه انسانی در اینجا کمرنگ شده و به طور غیرمستقیم در جمله آمده است، تأثیر بیان کشتارها به علت کاربرد «گزارش شده»، کاهش یافته است. معنای ضمنی جملات، بیانگر آن است که این گزارشها ممکن است نادرست بوده و هیچ فردی جان خود را از دست نداده باشد. لحن مهیج (به جای لحن احساسی و عاطفی) گزارش در نتیجه تأکید جملات بر حمله آمریکا (با موشکهای کروز «تام هاوک»)، بیش از تلفات انسانی این جمله (که مرگ غیرنظامیان بی‌گناه است) تأثیرگذارده است. جنبه تعلقات انسانی مطبوعات همواره کاربرد نخواهد داشت. هنگامی که موضوع مردم «ما» یا مردم «آنان» (دشمنان ما) باشد، معیارهای متفاوتی به کار گرفته می‌شوند؛ و لحن‌های متفاوتی از زبان بروز خواهد کرد. جمله بعدی بر خسارات وارده بر ساختمانها تأکید می‌کند و مطلب مربوط به کشته‌ها و زخمی‌ها بعد از آن قرار می‌گیرد. اما اگر این کشتار در مورد مردم «ما» صورت گرفته بود، معیار متضادی برای بیان آن به کار گرفته می‌شد.

فقدان تفسیر آشکار

هیچ تفسیر آشکاری در این مطلب از سوی گزارشگران ارائه نشده است. هیچ عامل

آرامش دهنده، ذهنی و یا گفتاری در این جا دیده نمی‌شود. همان گونه که «وان دیجک» معتقد است (اخبار به عنوان گفتمان؛ «لورنس اربام» نیوجرسی؛ ۱۹۸۸):

زبان خبری که بر عناصر خبری تکیه دارد و در آن توصیف اندکی به کار رفته است، زبانی غیر شخصی است. زیرا اگرچه ممکن است همراه با ذکر نام نویسنده باشد، اما ضرورتاً لحن خشک سازمانی و یا اداری خواهد داشت. به همین گونه مشخص می‌گردد که برخورداری از تعصبی خاص برانتخاب و ترتیب ارائه منابع و حقایق تأثیر می‌گذارد.

زبان و تأثیر منابع اصلی

زبان خبری عمیقاً از زبان، تعصبات، واژگان، لحن و آهنگ منابع نقل شده تأثیر می‌پذیرد. در اینجا و بندهای آغازین، دیدگاه‌های منبع اصلی، یعنی سخنگوی کاخ سفید ارائه شده است. هیچ تلاشی برای ارائه گزارش از دیدگاه دیگری در بخش حیاتی آغازین صورت نگرفته است. همچنین کاربرد عبارات در بندهای آغازین، صریح و بدون شاخ و برگ است.

در مقابل گفته می‌شود که دولت عراق «واکنش تندی نشان داده است» و «متهم کرده است» (بند دهم)، سایر بندهای تعادل بخش در گزارش که به ارائه دیدگاه‌های عراقی‌ها پرداخته است، فقط بندهای هشتم، نهم و چهاردهم است.

زبان

در این جنبه، مطبوعات تعصبات سیاستمداران را انعکاس می‌دهند. اینجا «فیتزواتر» می‌گوید که حمله با این هدف انجام شد که به «صدام حسین» نشان داده شود «نقض قطعنامه‌های سازمان ملل، تحمل‌پذیر نخواهد بود». طی جنگ ۸ ساله ایران و عراق در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ از عراق (که در آن زمان هم پیمان غرب بود) معمولاً با واژگان «عراق» و یا «بغداد» یاد می‌شد. معادل سازی «صدام حسین» با عراق، بعدها صورت گرفت. در اینجا، تایمز بدون هیچ مشکلی، زبان نخبگان نظامی و دولتی را به کار گرفته است.

روند ساده‌سازی

زبان خبری همچنین به ساده‌سازی رویدادها می‌پردازد تا پویایی پیچیده تاریخ را قابل فهم سازد. شخصی‌سازی خبر، بخشی از این روند محسوب می‌شود. در اینجا، عناصر سنتی «که» (آمریکایی‌ها)، «چه» (اهداف حمله)، «کجا» (در عراق) و «چگونه» (با «تام هاوک») آشکار است. همواره عامل «چرا» بیشتر مشکل‌ساز است. به‌عنوان نمونه، منشأ جنگ ایالات متحده با عراق، ریشه در تاریخ خاورمیانه با مسائل چند جانبه آن دارد. «فیتز واتر»، دیدگاه اصلی ایالات متحده را عنوان می‌کند: علت حمله «نقض قطعنامه‌های سازمان ملل از سوی صدام حسین» است. این امر بدون هیچ تردیدی از سوی گزارشگران پذیرفته شده است. اما دیدگاهها و لحنهای دیگری نیز وجود دارند که در این گزارش نادیده گرفته شده‌اند. به‌عنوان نمونه، جنبه خطرآفرین بودن احتمالی این حملات به مراکز سلاحهای هسته‌ای در هیچ‌جا عنوان نشده است.

زبان خبری، عینی و غیرتجربیدی است

در سطح بنیادی‌تر، شیوه خاصی برای بررسی پیچیدگی‌ها و تجربدهای عوامل تاریخی وجود ندارد. زبان خبری در اینجا عینی بوده و به ندرت تجربیدی است.

امریکایسم

با توجه به فرهنگ هالیوودی، نگارش مفاهیم و ساختار دستوری آمریکایی به زبان انگلیسی وارد شده است. بسیاری از اصطلاحات آمریکایی نیز در زبان انگلیسی وارد شده‌اند.

بازی با واژگان: ابداع واژه

یکی از جذابترین جنبه‌های کارروزنامه‌نگاری، روشی است که از طریق آن تغییرات زبانی ثبت شده، و همزمان با آن کلماتی تازه با مفاهیمی جدید خلق می‌شوند. کلمات تازه را که هر

ساله در روزنامه‌ها و مجلات ثبت و ابداع می‌شوند، مشاهده کنید. اگر مطالب روزنامه‌ای را که انتخاب کرده‌اید، به دقت بررسی کنید، خواهید دید که گزارشگر (یا ویراستاری که مسئول نگارش عناوین بوده است) با واژگان بازی کرده و لغات تازه‌ای ابداع کرده است. به عنوان نمونه: پیوند سیاسی نزدیکی که میان پرزیدنت «بیل کلینتون» و همسرش «هیلاری» وجود دارد موجب شده تا روزنامه‌نگاران واژه جدید «بیلاری» را ابداع کنند.

بسیاری از واژگان تازه در نتیجه بازی با پیشوند و پسوندهای شناخته شده ایجاد می‌شوند. به دنبال جریان «واترگیت»، واژه‌های جدید «ایران گیت»، «عراق گیت» و غیره ایجاد شد.

رعایت سبک

تمامی روزنامه‌نگاران در مورد سبک روزنامه‌نگاری، دیدگاه خاص خود را دارند. در کتابی تحت عنوان: «کتاب شیوه نگارش»، یا «جزوه راهنمای تحریریه»، این امر برجسته شده است؛ در این کتاب، عواملی مانند نحوه نگارش، نقطه‌گذاری، خلاصه‌نگاری، استفاده از حروف بزرگ، عناوین، اجتناب از کاربرد واژگان امریکایی، کاربرد نقل قولها و غیره مورد بحث قرار گرفته است. البته این یک نظریه است و در عمل، کار بسیار متفاوت خواهد بود. در شیوه‌های نگارش روزنامه‌نگاری، تنوع بسیاری وجود دارد. نشریه «تایمز» تا بدانجا پیش رفت که کتاب شیوه نگارش ویژه نشریه «تایمز» را منتشر کرد. مجله «اکونومیست» نیز کتاب شیوه نگارش خود را تحت عنوان «راهنمای سبک نگارش اکونومیست»، در ۱۹۹۱ انتشار داد.

آژانس بین‌المللی خبری رویتر و نشریه «ایندپندنت» نیز کتابهای شیوه نگارش خود را منتشر کرده‌اند. کتاب «کیت واترهاوس» تحت عنوان «روش «میرور» در کاربرد واژگان» نیز نقدی پویا بر شیوه نگارش در نشریات تابلوید است.

کتاب شیوه نگارش تایمز با چند تعریف کلی کوتاه در مورد ایجاز، تجرید، نقطه‌گذاری، پاراگراف‌بندی، نقل قول و عنوان نویسی آغاز می‌شود. در این کتاب، فهرست چند کتاب به منزله ابزار ضروری درج شده است: فرهنگ انگلیسی «کولینز» (از سوی بنگاه نشر هارپرکولینز متعلق

به روبرت مردوخ انتشار یافته و کتاب شیوه نگارش تایمز بخشی از آن است؛ کتاب «واژگان» از «سارنست گورز»، فرهنگ کاربرد زبان انگلیسی امروزی از «اچ.و. فولر»، فرهنگ آکسفورد برای نویسندگان و سردبیران، اطلس جهان تایمز (از سوی تایمز بوکز انتشار یافته است)؛ فرهنگ جدید جغرافیایی «وبستر» و کتاب معرفی شخصیتها.

کتاب شیوه نگارش «برایتون ایونینگ ارگس» متشکل از ۳۴ صفحه قطع رحلی است. کتاب با دیباچه‌ای از «کریس فولر»، سردبیر، با این مضمون همراه است: «ما با خوانندگان خود در جنگ نیستیم و با جوامعی که در آن به خدمت مشغولیم نیز ستیزی نداریم.» به نظر می‌رسد که در این کتاب افعال منفی غیرضروری بیش از اندازه به کار رفته است.

در دیباچه کتاب نکاتی چند در مورد نگارش سرفصلها و بخش‌هایی در مورد کاربرد حروف بزرگ، عناوین، نشانه نقل قول، ۹۰ صفحه فهرست الفبایی و همچنین ۸ صفحه فهرست اسامی مکانها آمده است.

کتاب راهنمای شیوه نگارش «ریدینگ ایونینگ پست» شامل چهار صفحه رحلی، نکات خاص مورد نظر را بر اساس حروف الفبا تقسیم‌بندی کرده است. در بخش «روبال»، در این کتاب خاطر نشان شده است که در چه مواردی «روبال» برای خاندان سلطنتی و در چه مواردی به‌عنوان نام تیم فوتبال به کار می‌رود.

کتاب راهنمای گاردین از ۱۶ بخش تشکیل شده که شامل دستور زبان انگلیسی، قوانین کاربرد حروف بزرگ، عناوین و اسمهای شخصی، کاربرد واژگان، واژگان مذهبی، علمی، تجاری و اسامی مکانها، زبان خارجی و تخصصی کامپیوتر و همچنین واژه‌های ورزشی است.

در بخش آغازین این کتاب پیشنهاد شده است که از موارد زیر پرهیز شود:

● عبارات و کلمات متکلف: مانند «زبان به تحسین گشودن» که بهتر است «تحسین کردن» به کار رود.

● حروف اضافه‌ای که همراه افعال می‌آید ولی هیچ نقشی در جمله ندارند.

● شیوه محاوره‌ای در گزارشهای خبری؛ به‌عنوان نمونه: «شاهزاده شب گذشته به منزل

مامانش رفت... یا... «مگی تاچر همراه بچه‌ها به نوشیدن چای مشغول بود.»

● زبان توطئه‌آمیز همراه با ارائه سوابق، پرونده‌های مخفی، ملاقاتهای محرمانه و افشای مطالب محرمانه در گاردین.

● واژگان مبهم مانند: قابل توجه، کامل، تا حدی.

● اطناب مانند: اکثریت گسترده، در موارد متعدد، در ارتباط با.

● از اصطلاحات غیرضروری آمریکایی پرهیز و اصطلاحات مفید آن حفظ شود.

● عبارتهای خارجی.

● واژگان کلیشه‌ای.

● کاربرد حرفه به عنوان تیترا؛ به عنوان نمونه؛ و کیل دعاوی «لرد گیفورد»، نمایشنامه‌نویس

«جان مورتایمز»

● تفسیر سیاسی گزارشهای خبری و عناوین خبر. (زیرا مردم بایستی نسبت به عینیت

گزارشهای ما اطمینان حاصل کنند).

در نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز»، سردبیر «روبرت ساچ ول» بر اهمیت رعایت سبک

نگارش نشریه از سوی کلیه اعضای تحریریه تأکید می‌ورزد و تمامی تازه واردین یک نسخه از راهنمای شیوه نگارش نشریه را دریافت می‌کنند.

بروز واکنش از سوی گروهی از خوانندگان نسبت به یک گزارش روزنامه، تغییر روش در

کتاب شیوه نگارش آن نشریه را به دنبال خواهد داشت. انتشار گزارشی در مورد تصادفی که

کودکان معلول در آن نقش داشتند، موجب شد تا تعدادی آموزگار با نشریه تماس گرفته و نظر

خود مبنی بر ارائه تصویر منفی از مسأله معلولیت در گزارش را ابراز کنند. «ساج ول» به بازدید

مدرسه رفت و با آموزگاران دیدار کرد و سپس بخشی در مورد شیوه برخورد با امر معلولیت را

به کتاب شیوه نگارش نشریه افزود.

کتاب شیوه نگارش نشریات مختلف از لحاظ میزان مطالب و جنبه‌های تأکیدی آن متفاوت

است؛ برخی روزنامه‌ها نیز بدون پیروی از آن به کار خود ادامه می‌دهند. یک ویراستار نشریه

«سان» می‌گوید که این نشریه فاقد کتاب راهنمای شیوه نگارش است، اما ویراستاران نشریه، جزوه کوچکی دارند که در مورد مشکلات بالقوه راهنمایی‌های لازم را کرده است. برخی روزنامه‌های محلی به «یادداشتهای سردبیر و ویراستار نهایی» مراجعه می‌کنند و کتاب راهنمای شیوه نگارش ندارند. نشریه «ایونینگ اکو» مانند بسیاری از نشریات محلی از سبک نگارش خاص به همراه یادداشتهای سردبیر پیروی می‌کند.

«آنتالی»، سرویراستار گزارشهای غیرخبری در نشریه «دیلی اکسپرس» (نشریه‌ای که از کتاب شیوه نگارش استفاده نمی‌کند)، از نشریاتی که نگرش آسانتری نسبت به شیوه نگارش دارند، استقبال می‌کند. به گفته وی، کتاب راهنمای شیوه نگارش، محدودکننده است در حالی که بایستی همواره با مسائل روز هماهنگ باشد: «همواره مسائل تازه‌ای در روزنامه‌ها مطرح می‌گردد. تصمیمات نیز بایستی در همین چارچوب اتخاذ شوند». «چارلز ویلسون» مدیر اجرایی نشریه «دیلی میور» می‌گوید کتابهای شیوه نگارش با مسائل روز هماهنگ نیستند: «همگی ما عادت کرده‌ایم تا از روش یکی از این کتابها پیروی کنیم، اما امروزه تجربیات حرفه‌ای روزنامه‌نگاری بیش از آن دارای اهمیت است. اگر افراد مشکلی در این مورد داشته باشند، می‌توانند با سردبیران در میان گذارند.»

ارائه نسخه نهایی

گزارشی که برای دانشکده، روزنامه و یا نشریه‌ای آزاد تهیه می‌شود، بایستی مرتب و آراسته بوده و مقررات اولیه در آن رعایت شده باشد. همواره از انتشار گزارش نامرتب جلوگیری می‌شود. روزنامه‌نگاران آزادی که هنوز از دستگاہهای تایپ استفاده می‌کنند نیز، بایستی این نکته را مد نظر داشته باشند.

مقررات صفحه‌آرایی در روزنامه‌های مختلف کمی متفاوت است؛ اما اصول ضروری آن در تمامی روزنامه‌ها یکسان است.

گزارش معمولاً روی صفحه نمایشگر رایانه نوشته شده و به ویراستار مربوطه داده می‌شود.

گزارشها صرفاً پس از ایجاد تغییرات لازم در نسخه نهایی روزنامه منتشر می‌شوند. ارائه نسخه تاپی از سوی روزنامه‌نگاران آزاد که از دیسک کامپیوتری یا ارتباط از طریق مودم در مراحل انتشار استفاده نمی‌کنند، انجام می‌شود. این نسخه معمولاً روی یک طرف کاغذ رحلی سفید تاپ می‌شود. نسخه دست‌نویس هرگز مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد، مگر آن که از سوی روزنامه‌نگار مشهور و سرشناسی، که نامتعارف عمل می‌کند، ارائه شود.

تمامی روزنامه‌نگاران آزاد بایستی در صورت امکان با کامپیوتر شخصی کار کنند. امکانات کامپیوتر شخصی برای تصحیح مطالب و ارائه نسخه تمیز و همچنین روشهای آسان طبقه‌بندی آن بسیار ارزشمند است. در طبقه‌بندی گزارشها در کامپیوتر، نام مشخصی برای گزارشها بگذارید تا دستیابی به آن آسان باشد. اسامی مانند مطلب ۱، مطلب ۲ و غیره بر روی آن نگذارید، زیرا جست‌وجو در فایل‌هایی بدین صورت و با این اسامی مستلزم صرف وقت بسیاری خواهد بود.

درج نام نویسنده

در بالای صفحه، سمت چپ اسم نویسنده درج می‌شود. اگر جای دیگری در مطلب نامی ذکر نشود، نگارش کل اثر از این نویسنده به حساب می‌آید. سپس به دنبال درج یک خط مایل، نام ناشر ذکر می‌شود.

تاریخ نشر

در وسط، تاریخ نشر که با تاریخ نگارش متفاوت است، درج می‌شود. این امر به ویژه برای هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها بسیار دارای اهمیت است. هنگام کاربرد واژگانی مانند «دیروز» یا «فردا» بهتر است تاریخ آن روز را در کرونشه قرار داد تا خواننده دچار سردرگمی نشود.

واژه، نمایانگر نوع گزارش

در بالای صفحه، گوشه سمت راست واژه‌ای نوشته می‌شود که نوع گزارش را مشخص می‌کند. در صفحه اول گزارش و در صفحات بعدی نیز این واژه نوع گزارش را مشخص می‌کند. از ارائه واژگانی که معنای خاصی در فرهنگ روزنامه‌نگاری دارند، پرهیزید. هنگامی که گزارش در مورد سانحه، گردهمایی شورا و یا آتش‌سوزی است، از واژه‌های نمایانگر گزارش مانند «سانحه»، «شورا» و یا «آتش» پرهیزید زیرا گزارش چنین رویدادهایی ممکن است از سوی روزنامه‌نگاران دیگر هم صورت گرفته باشد، از این رو برای پرهیز از تکرار، بایستی واژگانی به کار رود که این گزارش را از سایر گزارشها متمایز سازد.

گزارش

در صفحه اول گزارش معمولاً فضای خالی در بالای صفحه حفظ می‌شود. این فضای خالی برای ثبت نشانه‌هایی است که از سوی ویراستاران لحاظ می‌شود. اندازه گزارش‌شهایی که در کامپیوترهای روزنامه تایپ می‌شوند از طریق دستگاه مرتب می‌شوند، اما در گزارش روزنامه‌نگاران آزاد که بر روی کاغذ تایپ می‌شود بایستی بین خطوط، فاصله لازم رعایت شود. در دو طرف صفحه گزارش، فضای خالی زیادی در نظر گرفته شود و همچنین در بالا و پایین صفحه. وجود فضای خالی بین بندها ضروری است. هرگز خط پیوند واژگان از یک سطر به سطر پایین گذارده نشود. و یک جمله از صفحه‌ای به صفحه دیگر منتقل نشود. به جز صفحه آخر در پایین هر صفحه معمولاً در وسط، واژه ادامه (یا اختصار این واژه) درج می‌شود. این شیوه معمولاً در بخشی از صفحه‌بندی کامپیوتری دنبال می‌شود، اما روزنامه‌نگاران آزاد نیز بایستی این شیوه را در گزارش‌های خود به کار گیرند. گزارش با درج واژه «پایان» در وسط صفحه تمام می‌شود.

نام نویسنده، ناشر، تاریخ نشر و واژه بیانگر نوع گزارش در بالای هر صفحه خواهد آمد. معمولاً فضای زیادی میان عناوین و مطلب در صفحات دوم و بعد از آن ایجاد نمی‌گردد.

همواره بایستی گزارش را قبل از ارائه بار دیگر کاملاً بررسی کرد. گزارش روی صفحه نمایشگر کامپیوتر را بایستی تا حد امکان تصحیح نمود. همچنین ممکن است در صورت ضرورت، تصحیح در نسخه نهایی انجام شود. به کارگیری این روش بهتر از احتمال وجود اشتباه در مطلب است. هرگز فایل گزارش خود بر روی دیسک کامپیوتر را حذف نکنید؛ زیرا ممکن است نسخه گزارش از دست رفته و یا گم شود. گاه ممکن است شما نیازمند مراجعه به گزارشهای قبلی شوید؛ اگر دیسکتی را ارسال می‌کنید حتماً یک کپی از دیسکت داشته باشید. هرگاه نگارش واژه‌ای به صورت غیرمعمول باشد و یا ذکر اسامی که دارای دو شکل نگارش هستند در میان باشد، شکل درست واژه را در گروه‌های پس از واژه مورد نظر بیاورید تا در صورت لزوم ویراستار آن را حذف کند. در مورد نامهای دشوار خارجی نیز همین شیوه بایستی به کار رود تا برای ویراستار مشخص گردد که شما از طرز نگارش درست واژه آگاهی داشته‌اید. ویراستار نیز ممکن است دوبار متنی را بررسی کند.

اگر به عنوان روزنامه‌نگار آزاد، گزارشی را تحویل می‌دهید، جزییاتی از قبیل نشانی و شماره تلفن تماس را به آن بیفزایید. گاه ارائه چکیده‌ای از مدارکی که صلاحیت شما را برای نگارش گزارش تأیید کند نیز کافی است. شمارش کلمات برای سردبیران از اهمیت بسیاری برخوردار است.

نمونه گزارش

«مایک رید» / گاردین ۸۹/۸/۳۱

«مدلین ۲»

دیروز (چهارشنبه) دولت کلمبیا، به دنبال چند بمباران و حمله ناکام با راکت و تانک، در شهر «مدلین»، مرکز مواد مخدر، حکومت نظامی اعلام کرد.
دولت از ساعت ۱۰ شب تا ۶ بامداد در این شهر که مرکز نیرومندترین کارتل کوکائین است، مقررات منع عبور و مرور وضع کرد.
دیروز سربازان در خیابانهای شهر به گشت‌زنی پرداختند و عابرین را برای یافتن سلاح، بازرسی

بدنی کرده و از آنان کارت شناسایی درخواست کردند.
 «مدلین»، دومین شهر بزرگ کلمبیا، از پنج‌شنبه گذشته که گروهی به نام «اکسترا دیتیبلز» (دار و دسته‌ای که از طریق رؤسای باندهای مواد مخدر حمایت مالی می‌شوند) با دولت اعلام جنگ نمودند، مورد حمله ۱۷ بمب قرار گرفته است.

مایک رید/گاردین ۸۹/۸/۳۱

مدلین ۲

صبح روز سه‌شنبه، شش مغازه مشروب‌فروشی که با دولت مصالحه کرده‌اند، با بمب منفجر شدند. نیروهای پلیس اظهار داشتند که مأمورین در یک کارخانه مشروب‌سازی دولتی، حمله آنان را خنثی کردند؛ مأمورین به سوی سه مرد که در حال بیرون آوردن راکت‌انداز دستی از کیف‌های خود بودند، آتش گشودند.

رهبران کلمبیایی، درخواستهای مجدد برای گفت‌وگو با قاچاقچیان مواد مخدر را به شدت رد کرده و اظهار داشتند که دولت پرزیدنت «ویرگیولیو بارکو» به مبارزه علیه تجارت کوکائین ادامه خواهد داد.

آقای «کارلوس لموس سیموندر» وزیر ارتباطات که موقتاً مسئولیت وزارت دادگستری را برعهده گرفته است می‌گوید: «دولت امکان گفت‌وگو با افرادی را که جرایم مربوط به مواد مخدر انجام داده‌اند در نظر نگرفته است.»

بر اساس گزارشها، آقای «پابلو اسکوبار» که ثروتمندترین و قویترین قاچاقچی مواد مخدر محسوب می‌شود گفته است که وی صرفاً در قبال دریافت عفو آماده است جنگ با دولت را بلافاصله پایان بخشد. در غیر این صورت، وی «جنگی تمام عیار... تا پایان» را ادامه خواهد داد.

این هشدار نهایی، هنگام گفت‌وگوی رادیو تلویزیونی میان آقای «اسکوبار» و فردناشناسی ابراز گردید؛ مشروح این گفت‌وگو روز سه‌شنبه در روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس منتشر شد.

پایان

فصل ششم

گزارش خبری: کاربرد عناصر خبری

توصیف ساده اخبار جدی عبارت است از گزارش مسائل و رویدادهایی که در گذشته اتفاق افتاده و یا در شرف وقوع می باشند. در این گزارش، جزئیات منتخب و نقل قولهای مستقیم و غیر مستقیم بسیاری به کار گرفته می شود.

اخبار جدی، با نگارش مهم ترین و برجسته ترین مسائل آغاز شده، به تدریج از اهمیت اطلاعات موجود در آن کاسته می شود. گاه ارائه جزئیاتی برای قابل فهم ساختن مطلب ضروری است؛ اما توصیف، تحلیل، تفسیر و دخالت مستقیم گزارشگر به کلی حذف و یا به صورت اندک آورده می شود.

اخبار جدی از سایر انواع خبرها متفاوت است. این انواع عبارت اند از:

● اخبار ساده: در این نوع خبر، عامل خبرساز به ویژه در آغاز مطلب دارای اهمیت و

برجستگی است، اما نسبت به اخبار جدی، از برجستگی کمتری برخوردار است. ارائه جزئیات واقعی و نقل قول در این نوع مطلب، فراوان به چشم می‌خورد؛ اما این موضوع نسبت به اخبار جدی از انعطاف بیشتری برخوردار است و معمولاً توصیف و تفسیر بیشتری در آن به کار می‌رود. عصاره خبر که در بخش لید خبر می‌آید، ممکن است طعنه‌دار و یا طنزآمیز باشد. نظریه اخبار جدی و اخبار ساده، به قرن گذشته بازمی‌گردد. اخبار جدی با برخورداری از صحت، عینیت و بیطرفی، برای ارائه اطلاعات به کار می‌رفت، در حالی که در اخبار ساده جنبه سرگرمی، بیشتر مدنظر بود.

● **مطلب خبری توصیفی:** معمولاً از یک مطلب خبری ساده، طولانی‌تر است. جنبه خبری آن که لزوماً در بند آغازین نخواهد بود، برجسته است و ارائه نقل قول در آن نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. این نوع خبر می‌تواند توصیف، تفسیر، تحلیل، پیش‌زمینه تاریخی، گزارش مبتنی بر شهود عینی، بررسی عمیق‌تر و گسترده‌تر مسائل و همچنین بهره‌گیری از منابع مختلف را دربرگیرد. در مقابل، مطلب توصیفی که فاقد زمان است از بُعد خبری خاصی برخوردار نیست (به‌عنوان نمونه، ممکن است این مطلب در مورد تعمیر سقف بامهای منازل باشد).

● **مطلب پیش‌زمینه‌ای:** اساس این مطلب بر خبر استوار نیست، بلکه بر توضیح خبر یا تشریح صحنه رویدادی که در شرف وقوع است، تأکید دارد. یا زمینه‌های تاریخی مطلب و مسائل و شخصیت‌هایی که در آن رویداد دخالت دارند، مورد تأکید قرار می‌گیرند. مروری بر گذشته نیز مطلبی است که گذشته رویداد را بررسی می‌کند.

● **مطلب توصیفی متنوع:** این مطلب حالت مقاله توصیفی دارد و بر توصیف، گزارش مبتنی بر شهود عینی، نقل قول و ارائه جزئیات واقعی رویداد تکیه دارد. همچنین این مطلب می‌تواند زمینه‌های تاریخی موضوع را نیز دربرگیرد. اما وجود جنبه قاطع خبری در این مقاله، ضروری نخواهد بود.

امتناع از حاشیه‌روی

لید

لید که در انگلیس، «اینترو» (intro)؛ در آمریکا «لید» یا «نوز» (lead or nose) و در فرانسه «attaque» نامیده می‌شود مهم‌ترین بند خبر محسوب می‌شود. لید با ایجاد حس فوریت، توجه خوانندگان را جلب می‌کند و آنان را به پیگیری مطلب فرا می‌خواند. لید بایستی هدف یا نکته اصلی مطلب را برجسته سازد و همچنین لحن مطلب را نیز مشخص کند.

هنگامی که خواننده‌ای صفحات روزنامه را بررسی می‌کند، کانونهای عمده‌ای که توجه وی را به خود جلب می‌کنند، عبارت‌اند از: تصاویر، عناوین، لیدها و توضیح تصاویر. کاربرد شیوه نگارش و محتوای مطالب بیانگر لحن و ویژگی کل روزنامه است.

انتخاب مناسبترین نکته لید، یکی از دشوارترین نکات برای هر روزنامه‌نگاری است. گزارشگران معمولاً بر این باورند هنگامی که نکته اصلی آغازین مطلب نوشته شد، باقی مطلب نیز خود به خود، به دنبال خواهد آمد. وجود لید خوب در مطلب، ویراستار را نیز در انتخاب عنوان مناسب برای آن یاری خواهد داد.

پنج عنصر معروف خبری

«که»، «چه»، «کجا»، «کی» و «چرا»، پنج عنصر معروف لید محسوب می‌شوند. علاوه بر آن، برخی مطالب، عنصر «چگونه» را نیز در بر دارند. اما لید، پاسخگوی تمامی این پرسشها نخواهد بود، زیرا در این صورت کلمات لید زیاد می‌شود و اندازه لید نیز طولانی خواهد شد. معمولاً لید، تعیین‌کننده نکته اصلی خبری مطلب بوده و دو یا سه عنصر خبری را نیز مشخص می‌سازد. بقیه مطلب پاسخگوی سایر عناصر خبری خواهد بود.

به‌عنوان نمونه به این مطلب از نشریه «ویس» voice (۱۳ آوریل ۱۹۹۳) توجه کنید:

پسر ۱۵ ساله دانش‌آموزی هنگام کار در یک مرکز تفریحی، در استخر شنا غرق شد.

که: پسر ۱۵ ساله دانش آموز

چه: غرق شد

کجا: در استخر شنا

کی: هنگام کار در یک مرکز تفریحی

لید مطلبی از نشریه تایمز: (۱۵ آوریل ۱۹۹۳)

زندانیان در یکی از شلوغ‌ترین دادگاه‌های سلطنتی انگلیس، به دلیل عدم کفایت مأموران امنیتی، معمولاً در حالی که با دستبند و زنجیر بسته شده‌اند، به دستشویی برده می‌شوند.

که: زندانیان

چه: معمولاً با دستبند و زنجیر بسته شده‌اند

کی: هنگام انتقال به دستشویی

کجا: در یکی از شلوغ‌ترین دادگاه‌های سلطنتی انگلیس

چرا: به دلیل عدم کفایت مأموران امنیتی

لید مطلبی از نشریه «دیلی میروور»: (۲۰ آوریل ۱۹۹۳)

جوانان خشمگین، دیروز هنگام برگزاری مراسم خاکسپاری «کریس هانی» رهبر سیاهپوستان افریقای جنوبی با پرتاب سنگ و بمبهای آتش‌زا به نیروهای پلیس حمله کردند.

که: جوانان خشمگین

چه: با پرتاب سنگ و بمبهای آتش‌زا به نیروهای پلیس حمله کردند

کی: دیروز هنگام برگزاری مراسم خاکسپاری رهبر سیاهپوستان افریقای جنوبی.

جمله‌واره اصلی

اغلب مطالب خبری، مانند سه نمونه بالا با جمله‌واره اصلی آغاز می‌شوند. علت این امر آن است که عناصر خبری «که» و «چه» مهم‌ترین عناصر خبری محسوب می‌شوند. خوانندگان مایل نیستند قبل از آن که نکته اصلی مطلب را دریابند، جزئیات کسل‌کننده پیشینه رویداد و یا تفسیر در مورد آن را نیز بخوانند. بنابراین روزنامه‌نگار نشریه «میور» هرگز مطلب بالا را بدین صورت نمی‌نویسد:

قتل رهبر سیاهپوستان افریقای جنوبی «کریس هانی»، احتمال بروز ناآرامی‌های جمعی در افریقای جنوبی را افزایش داده است؛ زیرا سیاهپوستان در سراسر کشور با نیروهای پلیس درگیر شده‌اند. دیروز هنگام برگزاری مراسم خاکسپاری «هانی»، جوانان با پرتاب‌سنگ و بمبهای آتش‌زا به نیروهای پلیس، بحران موجود را دامن زدند.

چنین لیدی به دلیل برخورداری از جمله غیرضروری مقدمه، میزان تأثیرگذاری خبری مطلب را کاهش می‌دهد.

مردم

خبر عمدتاً بر بُعد انسانی رویداد تکیه می‌کند. بنابراین، اگر شما گزارشگر خبرگزاری بودید و در مورد حمله ارتش جمهوری خواه ایرلند به کنفرانس حزب محافظه‌کاران در سال ۱۹۸۴ خبر تهیه می‌کردید، شروع مطلب به روش زیر نادرست می‌بود:

گراندهتل برایتون، هنگام برگزاری کنفرانس حزب محافظه‌کاران، از سوی ارتش جمهوری خواه ایرلند بمب‌گذاری شد اما خانم تاجر بدون هیچ آسیبی جان سالم بدر برد.

تأکید مطلب بایستی بر سرنوشت نخست‌وزیر باشد. نکته اصلی مطلب بایستی در پایان اولین جمله ارائه شود:

خانم تاجر نخست‌وزیر، از یک سوءقصد جان سالم بدر برد. وی برای شرکت در کنفرانس سالیانه حزب محافظه‌کار به گراند هتل در برایتون که امروز از سوی ارتش جمهوری‌خواه ایرلند بمب‌گذاری شد، رفته بود.

در انتخاب میان دو نکته در این مطلب (آسیب‌دیدگی ساختمان هتل، و سرنوشت نخست‌وزیر)، مسلماً دومی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

توصیفها / عناوین

همواره نام افراد مطرح در خبرها با عنوان و یا توصیفی همراه است. خواننده می‌خواهد بداند این افراد با چه صلاحیتی و یا بر چه اساسی اظهارنظر می‌کنند. از این رو، یک مطلب ممکن است بدین‌گونه آغاز گردد: «بوش رییس‌جمهور، شب گذشته از این مسأله انتقاد کرد...» و یا «رییس سازمان آزادیبخش فلسطین یاسر عرفات، دیروز این مسأله را محکوم کرد...» ذکر نام افرادی که از عناوین طولانی برخوردارند در لید دشوار خواهد بود؛ زیرا تعداد واژگان به کار رفته در لید را به صورت غیر ضروری افزایش می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه، «آقای داگ مک‌آوی دبیر کل اتحادیه ملی آموزگاران دیروز اعلام کرد...»؛ یک راه برای مقابله با این مشکل، استفاده از عبارتی جایگزین مانند «رهبر اتحادیه آموزگاران دیروز اعلام کرد...» است. آنگاه در جمله و یا بند بعدی می‌توان نام و عنوان را ذکر نمود.

توصیف اشخاص مطرح در اخبار، لزوماً به صورت ذکر عناوین رسمی آنان مانند دبیر کل، نماینده مجلس، مشاور و سرپرست نیست، بلکه می‌توان عناوین غیررسمی‌تری مانند «عضو حزب سبز» یا «شاهد سانحه قطار» و یا «نویسنده نادین گودیمر» را به کار برد. در نشریه «ایست انجلیان دیلی تایمز» (۲ آوریل ۱۹۹۳)، عبارت توصیفی در لید به کار رفته که نام آن نیز در بند دوم آمده است:

مترجم کر و لاله‌ها که عمر خود را در فعالیتهای امور خیریه صرف کرده بود، درگذشت.
 «مابل پالمر»، ۶۱ ساله که در خیابان «سنت مارتین»، «بری سنت ادموندز» زندگی می‌کرد و به مدت ۴۵ سال، دبیر افتخاری انجمن کر و لالان «وست سافولک» بود، به‌طور مرتب در سفرهای جمع‌آوری اعانه امور خیریه شرکت می‌کرد.

زمان

الف) ریشه خبر در زمان است و هر چه این خبر تازه‌تر باشد از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود. بنابراین عنصر خبری «کی» («دیروز»، «شب گذشته»، «اوایل صبح امروز»، «اوایل هفته جاری» و غیره) در بسیاری از لیدهای اخبار جدی از اهمیتی حیاتی برخوردار است. روزنامه‌های صبح در چاپهای مختلف خود، اغلب بر رویدادهای روز گذشته و طرحها، هشدارها و پیش‌بینی‌های حوادث آینده تأکید دارند. هفته‌نامه‌ها نیز ترکیبی از بررسی رویدادهای هفته گذشته، اخبار تازه و همچنین مطالبی که به آینده اشاره دارد را منعکس می‌سازند. روزنامه‌ها بر انتشار تازه‌ترین اخبار داغ تأکید دارند و در طول روز در چاپهای مختلف مطالب را تغییر می‌دهند. در ستون «ایستگاه مطبوعات» نیز تازه‌ترین اخبار که در لحظات قبل از چاپ به روزنامه ارسال شده است، منعکس می‌شود.

تأکید بر تازگی خبر، از لحاظ تجاری دارای اهمیت است. هر چه خبر داغتر باشد، خریداران بیشتری خواهد داشت. با ظهور تکنولوژی جدید ماهواره‌ها و دوربینهای ویدئویی که اخبار در شرف وقوع را به‌طور همزمان روی صفحه‌های تلویزیون به نمایش می‌گذارند، اینک انتظارات برای دریافت اخبار تازه از سوی عامه مخاطبان رسانه‌ها افزایش یافته است.

لیدها به‌ندرت با واژه‌های عنصر خبری «کی» مانند «شب گذشته»، «دیروز» و «اوایل هفته جاری» آغاز می‌گردند؛ معمولاً فقط هنگامی که زمان دارای اهمیت است، برجسته می‌گردد؛ مانند مطلب زیر که در «ایندیندنت» (۱۵ آوریل ۱۹۹۳) آمده است:

۲۰ ماه پس از تلاش کودتا از سوی تندروهای مسکو، سرانجام دیروز محاکمه ۱۲ شخصیت اصلی طراحی کودتا آغاز گشت و در ابتدا، وکیل مدافع صلاحیت دادگاه و صداقت دادیار، «والنتین استپانکو» را زیر سؤال برد.

معمولاً اعمال دقت بسیار در عنصر خبری «کی» در لید الزام آور نیست. به عنوان نمونه، بدین صورت ننویسید: «خانم گاندی، نخست وزیر هند توسط محافظان شخصی «سیک» در ساعت ۲ و ۵۹ دقیقه امروز به قتل رسید.»، بلکه در لید این گزارش، کاربرد عبارت «اوایل صبح امروز» کافی است. جزئیات دقیق‌تر را نیز می‌توان بعداً به مطلب افزود.

ب) نوع دیگر ارائه خبر تازه که کاربرد بسیاری دارد در نشریه «کیونیز» (۱۶ تا ۲۳ آوریل ۱۹۹۳) آمده است:

در یک برنامه تلویزیونی بی‌بی‌سی، مسلمانان انگلیس به عنوان دلال، قاچاقچی مواد مخدر و جانی معرفی شده‌اند؛ پخش این برنامه، واکنش گسترده‌ای را از سوی فعالان و رهبران جامعه مسلمانان برانگیخته است. پنج مشاور حقوقی و یک وکیل دعاوی در «هادرز فیلد»، کمپانی بی‌بی‌سی را به علت تهیه برنامه «طبقه فقیر در انزوا» که ۲۹ مارس پخش شده است تحت پیگرد قانونی قرار داده‌اند.

در نشریه «ایلفوردر رکورد» ۱۱ مارس ۱۹۹۳ چنین آمده است:

«کارولین جونز»

مادر ناامیدی برای یافتن دختر ۳۰ ساله‌اش که دچار بیماری روحی است و دو هفته پیش ناپدید شده، تقاضای کمک کرده است.

«جوی هانسل»، ۶۰ ساله ساکن «وسترود»، «چادول هیت» در این مورد می‌گوید دختر وی، معمولاً هر روز با وی تماس تلفنی داشت و هرگز بدون اطلاع دیگران جایی نمی‌رفت.

«ترسی» دچار شیذوفرنی است و بایستی به‌طور مرتب دارو مصرف کند؛ بدون مصرف دارو، وضعیت طبیعی وی مختل شده و صداهای عجیبی در گوش وی می‌پیچد.

«ترسی» در اولین ساعات روز ۲۸ فوریه از منزلش در «اگلتروپ رود»، «داگن‌هام» در حالی که فقط ۵ پوند همراه داشته خارج شده و دیگر بازنگشته است. سه روز قبل از ناپدید شدنش، وی فراموش می‌کند داروی حیاتی راکه هر چهارشب، یک‌بار بایستی مصرف شود، تزریق کند.

در مطلب بالا، عنصر خبری «کی» در جمله اول نیامده است. در جای دیگر مطلب این عنصر

خبری ذکر شده است. اما هفته‌نامه‌ها اغلب عنصر خبری «کی» را حذف می‌کنند. آوردن عباراتی مانند «چهارشنبه گذشته» و یا «اوایل هفته گذشته» تأثیرگذاری مطلب را کاهش می‌دهد.

مکان

روزنامه‌های محلی، اغلب عنصر خبری «مکان» را در لید برجسته می‌سازند؛ زیرا این امر نکته اصلی محلی آن را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ از این رو، نشریه «استامفورد مرکبوری» (۹ فوریه ۱۹۹۳) همراه با ارائه نمونه‌های متعدد، این مطلب را نیز منتشر کرده است:

پانسیون‌دارها، آن قدر دچار وحشت شده‌اند که می‌ترسند درهای پانسیون را به روی دیگران باز کنند؛ همچنین پس از وقوع سرقت‌های نفرت‌انگیز اخیر در «استامفورد و دپینگ»، آنان خواهان حضور هرچه بیشتر نیروهای پلیس در این مناطق شدند.

روزنامه‌های سراسری نیز گاهی اوقات ذکر عنصر خبری «مکان» را برای افزایش ابهام و ترغیب خوانندگان سراسر کشور به خواندن مطلب، به بخش‌های دیگر مطلب موکول می‌کنند، به عنوان نمونه در نشریه سان (۳۱ مارس ۱۹۹۳) چنین مطلبی دیده می‌شود:

یکی از مأموران پلیس به نام «الیستیر شیلدز» مبلغ ۸۷۰ پوند را از صندوق جشن کریسمس که برای کودکان همکاران پس‌انداز شده بود، سرقت کرد. وی که مسئولیت خزانه‌داری صندوق را برعهده داشت، دو تن از شهروندان معتمد را به امضای چک سفید صندوق وادار ساخته بود. این افسر پلیس که در «ایلسبوری» «باکز» خدمت می‌کرد هنگامی که قصد داشت چک ۱۲۰ پوندی را نقد کند، دستگیر شد. وی ۳۹ ساله، متأهل و دارای دو فرزند است. دادگاه سلطنتی «ایلسبوری» دیروز وی را محکوم به حبس نکرد.

وی از نیروی پلیس اخراج و مجبور به ترک خانه سازمانی نیروهای پلیس شد؛ مقرری اندکی نیز برایش تعیین گردید و همچنین او را به سه ماه تعلیق خدمت محکوم کردند.

«سیمون تیسدال» از «واکو» و «مارتین واکر» از «واشنگتن»:

آتش‌سوزی وسیعی که دود آن آسمان تکزاس را فراگرفته بود به محاصره ۵۱ روزه «واکو»، پایانی خوشونت‌بار بخشید؛ این آتش‌سوزی در نتیجه خودسوزی دسته جمعی فرقه دیویدی‌ها روی داد که از شیفتگان «دیوید کورش» رهبر فرقه به شمار می‌رفتند.

هنگامی که عنصر خبری «مکان» از اهمیت خاصی برخوردار است، جا دارد که مطلب با عنصر خبری «مکان» آغاز شود مانند گزارش زیر در نشریه «آبزرور» (۴ آوریل ۱۹۹۳).

«بن»، «تونی کترال»

در کتابی که از فروش کم‌نظیری برخوردار شده، صدراعظم سابق «لموت اشمیت»، سیاستمداران آلمانی را به باد انتقاد گرفته است. وی سیاستمداران دوره پس از اتحاد آلمان را به عدم کفایت در رهبری متهم کرده و همچنین به هموطنان خود هشدار داده که سالهای آینده درآمد کمتری در انتظار آنان خواهد بود.

اختصار

همان‌گونه که در فصل مربوط به زبان خبری خاطر نشان شد، لید را باید تا حد امکان مختصر نوشت. حداکثر تعداد کلمات در اولین جمله لید، ۳۰ واژه می‌باشد. گرچه، لید در نشریات پرتیراژ و وزین نسبت به نشریات محلی و عامه‌پسند طولانی‌تر است. تعداد متوسط کلمات در اولین جمله ۱۶ مطلب خبری که در دو صفحه اول نشریه «ایندپندنت» منتشر شده، ۲۹ واژه بود (طولانی‌ترین جمله از ۴۸ واژه و کوتاه‌ترین جمله از ۱۰ واژه تشکیل شده بود). در مورد نشریه «دیلی اکسپرس» در همان روز نیز تعداد متوسط کلمات در ۱۳ مطلب خبری در دو صفحه اول، ۲۱ واژه بود (حداکثر ۳۰ واژه و حداقل ۱۰ واژه). ۱۶ مطلب در نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز» در سه صفحه اول خبر، به‌طور متوسط دارای ۱۶ واژه بود (طولانی‌ترین جمله ۳۰ واژه و کوتاه‌ترین جمله ۱۱ واژه).

روشنی

در حالی که شیوه نگارش نشریه‌تان را دنبال می‌کنید، در حد امکان نیز بکوشید تا مطالب خود را به روشنی بیان کنید. حتی المقدور افعال معلوم و اسامی تأثیرگذار به کار برید. لید زیر را که از نشریه «ایونینگ استاندارد» لندن (۱۴ آوریل ۱۹۹۴) انتخاب شده است در نظر بگیرید: عبارتها و کلماتی مانند «سیل انتقاد»، «سرازیر شد»، «ارسال اسلحه» و «کشتار» از تأثیر واژگانی خاصی برخوردارند.

امروز سیل انتقاد به سوی بارونس تاچر سرازیر شد، زیرا دولت هشدار داده بود که ارسال اسلحه برای مسلمانان بوسنی فقط دستورالعملی برای کشتارهای افزونتر خواهد بود.

نشریات عامه‌پسند با کاربرد بیش از اندازه صفت و قید در صددند بر جنبه‌های احساسی و عاطفی مطالب خود بیفزایند.

ارائه صفت و قید اغلب قضاوت‌های ارزشی ایدئولوژیکی قاطعی را به دنبال خواهد آورد. به عنوان نمونه در شماره ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ نشریه «میل ان ساندی» چنین آمده است:

به اعتقاد رهبران حزب کارگر، «گلنیس کینناک» در برابر تب انتخابات عمومی بهتر از «نور مامیجر» ایستادگی خواهد کرد. بنابراین در اقدامی مخاطره‌آمیز، اساس مبارزات آنان بر روی شخصیتها خواهد بود.

کاربرد صفت «مخاطره آمیز»، تمایلات سیاسی نشریه را منعکس می‌کند.

نقل قولها

تفسیرهای زنده و بحث‌برانگیز، موضوع مناسبی برای برخی از لیدها خواهد بود. اما اخبار جدی به ندرت با ارائه نقل قول مستقیم آغاز می‌شوند. در نقل قول مستقیم سهولت کاربردی وجود دارد که کاربرد آن در اخبار ساده، مقالات توصیفی خبری و یا گزارشهای تشریحی

مناسبت‌تر خواهد بود.

البته چنین قاعده‌ای جهانی نیست. در فرانسه اخبار جدی معمولاً با نقل قول مستقیم آغاز می‌شوند.

همچنین توجه کنید که روزنامه‌های فرانسوی اغلب نقل قولهای مستقیم را با کاربرد حروف «ایتالیک» و خطوط مایل، برجسته می‌کنند؛ اما چنین قاعده‌ای در نشریات انگلیسی وجود ندارد. اکنون به این مقاله از نشریه «هرتس انداسکس آبزور» (۲۵ فوریه ۱۹۹۳) توجه کنید:

این هفته مسافران روزانه «بیشاپزاستورنفورد» طرح دولت مبنی بر خصوصی‌سازی راه‌آهن انگلیس را «دستورالعملی برای فاجعه» خواندند.

عبارت «دستورالعملی برای فاجعه» از سوی گزارشگر نوشته نشده است؛ بلکه عبارتی است که این هفته مسافران روزانه «بیشاپز استورنفورد» برای توصیف طرح دولت مبنی بر خصوصی‌سازی راه‌آهن انگلیس به کار برده‌اند. مطلبی که نقل قول را از گوینده آن جدا کرده است، غیرمنسجم به نظر می‌رسد.

ارائه نقل قولهای مستقیم اغلب به بند دوم و یا سوم موکول می‌شود؛ اتخاذ این شیوه معمولاً درون مایه آغازین را تشریح کرده و مطالب بند اول را تأیید می‌کند. علامت نقل قول در اطراف کلمات و یا عبارتها گذارده می‌شود تا آنان را برجسته نموده و گوینده نقل قول را نیز مشخص نماید؛ مانند نمونه زیر از نشریه «ایونینگ استاندارد» (۱۲ مارس ۱۹۹۳):

«دآگلاس هرد» امروز هشدار داد که نهادهای بزرگ انگلیس - خاندان سلطنتی، مجلس، کلیسا و دستگاه قضایی - بر اثر ورزش «بادهای شدید» انتقاد و دشنام، آسیب دیده‌اند.

گاه واژگان شخصی و عبارتهای کوتاه دارای علامت نقل قول هستند، اما گوینده آن مشخص نیست. معمولاً این مسأله در مورد کلمات و یا عبارتهای مهم و جذاب که بعداً در مطلب مشخص خواهد شد مصداق پیدا می‌کند. ارائه نام گوینده نقل قول در لید، موجب طولانی‌تر شدن لید

می شود.

به لید زیر از نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز» (۱۸ مارس ۱۹۹۳) توجه کنید:

به گزارش دادگاه، مردی که «تحریک شده بود» تا دعوایی راه بیاندازد، نوجوانی را با وارد آوردن چهار ضربه کارد مجروح ساخت.

عبارت نقل قول «تحریک شده بود»، در دنباله مطلب به «استفن تاملینسون»، دادیار دادگاه سلطنتی پیتزبورگ نسبت داده می شود.

نسبت

نام فردی که ایده ای را ابراز کرده است معمولاً در لید می آید. به نمونه ای از این دست در نشریه «ایندپندنت» (۲۷ مارس ۱۹۹۳) توجه کنید:

به نوشته پاتریشیا وین دیویس، نخست وزیر محافظه کار سابق «ادوارد هیث» دیروز اظهار داشت که مخالفان پیمان «ماستریخت»، بایستی از پرگویی درباره این پیمان دست بردارند و یا خود حزبی را تشکیل دهند.

همچنین به مطالب زیر از نشریه «لیورپول اکو» (۱۵ می ۱۹۹۲) توجه کنید:

بر اساس نظرخواهی بی بی سی، محبوبیت خاندان سلطنتی در نزد مردم، در پایینترین سطح خود قرار گرفته است.

«دی جی سیمون مایو» از شبکه اول رادیو اعلام کرد که طرح تازه ۲۸ میلیون پوندی آموزش جوانان، موفقیت حتمی برای آنان به دنبال خواهد داشت.

لزوم مشخص کردن گوینده نقل قول به ویژه در موارد دادگاهی که دعوای اتهامات علیه افراد مورد بررسی قرار می گیرد، از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما گاهی این رویه نادیده گرفته

می‌شود؛ به‌ویژه در مورد نظریات و یافته‌هایی که نیازی به بحث و بررسی نداشته و از نظر نشریه حقیقت محض پنداشته شوند؛ به نمونه زیر در نشریه «سندی می‌رور» (۲۱ مارس ۱۹۹۳) توجه کنید:

هر روزه در انگلیس، شمار باورنکردنی ۵۲ هزار مرد، زن و کودک از جراحتهای ناشی از ورزشهای مختلف رنج می‌برند.
از طرفی آمار بهت‌آور ۱۹ میلیون آسیب‌دیده در سال، هزینه درمانی معادل ۲۴۰ میلیون پوند را بر خدمات ملی بهداشت کشور تحمیل می‌کند.
این یافته تکان‌دهنده، روز سه‌شنبه به‌دنبال مرگ تکان‌دهنده «سیموس لاولی» بازیکن جهانی راگی از سوی شورای ورزش اعلام شد.

زمانها

طی بحث و درگیریهای جاری، راه‌آهن انگلیس به‌صورت دستاویزی در دست دولت درآمده است؛ این مطلب شب‌گذشته از سوی اتحادیه حمل و نقل دریایی و زمینی و راه‌آهن اعلام شد.

گزارش گاردین (۱۹ آوریل ۱۹۹۳) با زمان حال آغاز شده است. معمولاً عباراتی مانند «هشدار داد»، «اظهار داشت»، «خاطر نشان ساخت» و «انتقاد کرد» و جمله‌واره‌های همراه آنها از قانون نقل قول پیروی کرده و در نقل قول غیرمستقیم، یک زمان به عقب باز می‌گردند. اما در لید معمولاً چنین نظامی نادیده گرفته می‌شود و همین امر، حس فوریت فزاینده‌ای به گزارش می‌بخشد. به همین‌گونه با توجه به این که رویداد در گذشته اتفاق افتاده است، عناوین در زمان حال نوشته می‌شوند.

اهمیت

هر جا که لازم است سعی کنید اهمیت رویداد را مورد تأکید قرار دهید. تعداد افراد، اشیاء، ساختمانها و مبالغی که در این رویدادها هزینه می‌شوند، اغلب در لید برجسته می‌شوند. به

نمونه‌ای از این دست در نشریهٔ ایندپندنت (۲ آوریل ۱۹۹۳) توجه کنید: به ادعای یکی از زندانیانی که به طولانی‌ترین زمان حبس در کشور محکوم شده است، اسناد مربوط به محکومیت وی، از دفتر دادستان عمومی ربوده شده و به دست وی رسیده است تا به کمک این اسناد بی‌گناهی خویش را اثبات کند.

اشتباهاتی که بایستی از آن پرهیز شود

پرسشها

لید در اخبار جدی با پرسش آغاز نمی‌شود. در عناوین خبری نیز به ندرت علامت پرسش مشاهده می‌شود. لید برای ارائهٔ اطلاعات مهم به خوانندگان نوشته می‌شود، نه این که از آنان پرسش شود. گاه مقالات توصیفی و مطالب خبری ساده با پرسش آغاز می‌شوند.

لیدهای مبهم

جملات ملال‌آوری وجود دارند که هیچ‌گونه حس خبری را انتقال نمی‌دهند. یک لید خوب، به جز ارائهٔ خبر صرف در مورد «برپایی یک اجلاس»، «ارائهٔ یک سخنرانی» و یا «انتشار یک گزارش»، اطلاعات بیشتری هم به خوانندگان ارائه می‌دهد. به عنوان نمونه، این مطلب که «آقای یلتسین دیروز در مقر سازمان ملل نیویورک با ارائهٔ سخنرانی طولانی به مسائل مختلفی از قبیل تهدید علیه جنگلهای باران‌زا و خلع سلاح هسته‌ای اشاره نمود»، بسیار مبهم است. تأکید بر نکته مهمی از مطلب، آن را شاخصتر می‌کند. به عنوان نمونه: «رییس جمهور یلتسین دیروز از جامعهٔ جهانی خواست تا با ادای ۵۰ درصد مالیات تجارت سلاح، به مبارزهٔ جهانی علیه فقر در جهان سوم کمک کنند.»

حال استمراری

در جمله آغازین لید، فعل زمان حال استمراری به کار نبرید. به عنوان نمونه، به جای کاربرد «در حالی که به قحطی اتیوپی اشاره می‌کرد، «باب گلداف» اظهار داشت...» یا «در حالی که به دلیل بی‌لیاقتی در حفظ آثار باستانی از دولت انتقاد می‌کرد، «جان اسمیت» گفت: «بهرتر است بدین صورت نوشته شود: «باب گلداف هشدار داد میلیون‌ها تن در اتیوپی در معرض مرگ ناشی از گرسنگی قرار دارند.» و «دولت از سوی آقای «جان اسمیت» به بی‌لیاقتی در حفظ آثار باستانی متهم شد.»

ضمیر نامشخص

شروع جمله با جمله تابعی، هنگامی که ضمیر نامشخص وجود دارد، بسیار نامناسب خواهد بود؛ به عنوان نمونه، «با آنچه همکارانش به عنوان ندای حزب توصیف می‌کردند، «پادی اشدان»...»

منفی

همواره راهی برای اجتناب از ارائه جملات منفی وجود دارد. به عنوان نمونه، به جای جمله «امروز، وزارت امور خارجه، آزادی دو خلبان انگلیسی را نه تأیید و نه تکذیب کرد.» می‌توان نوشت: «بر اساس گزارشها، عراقی‌ها دو خلبان انگلیسی را آزاد کرده‌اند، اما وزارت امور خارجه در این مورد سکوت اختیار کرده است.»

عددی

جمله هرگز به صورت عددی آغاز نمی‌شود. به عنوان نمونه، هرگز ننویسید: «۵ تن شب گذشته بر اثر تصادف یک اتومبیل «رولزرویس» با دو خوک وحشی در منطقه «اوکدان» مجروح

شدند. بلکه بایستی نوشته شود: «پنج تن شب گذشته...»

اشکال مختلف لید اخبار جدی

برخی نمونه‌ها از ۶۸ نوع لید ویا بیشتر، از این قرار است:

لید طنابی

این نوع لید بدین جهت طنابی خوانده می‌شود، که تمامی عناصر خبری را در بردارد. به‌عنوان نمونه: «خانم «گودیوا» امروز برای اعتراض نسبت به افزایش مالیاتها در خیابانهای «کاوتری» برهنه رانندگی کرد.» این جمله، شش عنصر خبری را در خود دارد، عناصر: «که»، «چه»، «کجا»، «کی»، «چرا» و «چگونه».

لید تعیین هویت فوری

این لید زمانی کاربرد دارد که فرد مطرح در لید بسیار مهم و از لحاظ خبری بسیار با ارزش باشد، به‌گونه‌ای که حضور وی بخش اصلی مطلب را تشکیل دهد. به‌عنوان نمونه: «آقای میجر امروز در پایگاه «بریز نورتون» نیروی هوایی سلطنتی اقدام به پرش با چتر نجات کرد، اما چتر نجات وی باز نشد و نخست‌وزیر روی یک واگن باری سه تنی سقوط کرد و به واگن آسیب وارد آمد.»

نگارش این مطلب به صورت زیر نادرست خواهد بود: «واگن باری سه تنی بر اثر باز نشدن چتر نجات آقای میجر آسیب دید. این اتفاق امروز، هنگامی روی داد که وی در نیروی هوایی سلطنتی «بریز نورتون» اقدام به پرش کرد.»

لید تعیین هویت با تأخیر

این لید هنگامی به کار می‌رود که فرد مطرح در لید دارای ارزش خبری نیست؛ فقط به دلیل انجام کار و یا بیان مطلب خاصی در آن خبر مطرح شده است.

لید چکیده

این لید هنگامی کاربرد دارد که گزارشگر با نکات برجسته زیادی در خبر روبه‌روست که اغلب از ارزشهای خبری یکسانی برخوردارند و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد. از این رو گزارشگر، نکته اصلی را برای آوردن در لید برمی‌گزیند. به عنوان نمونه «پرزیدنت کلینتون دیروز در نشست تاریخی مجمع عمومی سازمان ملل متحد چند پیشنهاد انقلابی در مورد خلع سلاح ارائه داد.»

لید تک عنصری

این لید در مقابل لید چکیده قرار دارد و هنگامی به کار می‌رود که یک نکته در گزارش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و بایستی برجسته گردد. به عنوان نمونه، «آقای شیراک، رئیس جمهور فرانسه دیروز (دوشنبه) در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مسابقه تسلیحاتی را «یک جنایت علیه بشریت» خواند که بایستی سریعاً متوقف شود.»

لید گلوله‌ای یا منقطع

این لید زمانی کاربرد دارد که بتوان نکته اصلی مطلب را بسیار مختصر بیان کرد. به عنوان نمونه، «مرگ نظم نوین جهانی فرارسیده است، البته این ظاهر قضیه است.»

لید شخصی

معمولاً در خبر، عامل «من» روزنامه‌نگار حذف می‌شود؛ زیرا در صورت کاربرد «من»، گزارش خبری، بیش از اندازه ذهنی می‌شود. لید شخصی این رسم را بر هم زده و عامل «من» روزنامه‌نگار را در مرکز مطلب قرار می‌دهد. دخالت فردی روزنامه‌نگار در رویداد، ارزش خبری خاص خود را داراست. از این رو نشریه «دیلی میل» در شماره ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ چنین گزارشی را منتشر کرده است:

«دیوید گاردنر»

از نشریه «دیلی میل»

همراه با قافله فراریان

من شب گذشته به قافله خسته زنان و کودکان انگلیسی که از کویت به بغداد سفر می‌کردند، پیوستم.

۱۴۸ زن و ۱۵۵ کودک خیلی خسته از سفری ۱۵ ساعته در گرمای طاقت‌فرسای کویر، سرانجام به پایتخت عراق وارد شدند. در حالی که یک گام با آزادی فاصله داشتند، اما آثار شادی در چهره‌هایشان دیده نمی‌شد. فقط افسردگی و نومیدی از این که مردان خود را در کویت تنها گذارده‌اند، بر آنها حاکم بود.

من امروز در یکی از هفت اتوبوسی که آخرین گروهها را به بغداد می‌برد، سوار بودم و به سه هتلی که خانواده‌ها شب قبل از پرواز به انگلیس را در آن گذرانند، سرزدم.

طاقت‌فرسا

علی‌رغم وجود دستگاه تهویه در اتوبوس، هوای آنجا بسیار دم کرده بود. قوطیهای نوشابه در کف اتوبوس انباشته شده بود. کودکان از اینکه پس از سفر ۷۵۰ مایلی هنوز نتوانسته بودند به دستشویی بروند، بسیار ناراحت بودند.

لید تفسیری

افزودن تفسیر شخصی روزنامه‌نگار به اخبار اغلب نمودی عینی به آن می‌دهد. به نمونه زیر از نشریه «نیوزاودورلد»، ۱۹ آوریل ۱۹۹۲ توجه کنید:

دبیر سرویس سیاسی «ایان ماکاسکیل»

وزیر جدید کار، «جیلیان شفر» یک هفته است به این مخمصه دچار شده است. قبل از آن، وی صرفاً به مسأله تضمین برخورد عادلانه کارفرمایان با جوانان تازه استخدام شده، توجه داشت.

افزودن عبارت «صرفاً به مسأله... توجه داشت»، دیدگاه نشریه را منعکس می‌کند.

لید بازی با کلمات

این لید به ویژه در نشریات عامه پسند و روزنامه‌های محلی مشاهده می‌شود (به فصل پنج مراجعه شود). این نوع لید جلوه خاصی به مطلب می‌بخشد. اسامی برنامه‌های تلویزیون، هنرپیشه‌های معروف یا فیلمهای سینمایی و یا عبارات شناخته شده محلی در این لید اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

لید نقلی

این لید هنگامی که جنبه غیر معمولی مطلب را می‌توان از طریق ارائه چکیده رویدادها براساس ترتیب زمانی نشان داد، به کار می‌رود. در اینجا نمونه‌ای از این دست از نشریه «ایندپندنت» (۲۳ اکتبر ۱۹۹۱) آمده است که با چکیده‌ای آغاز می‌شود و سپس سریعاً به صورت نقلی بیان می‌گردد:

بن - به نوشته «جان ایسن هامر» دیروز چهره‌های شرمگین زیادی در میان نیروی پلیس آلمان مشاهده می‌شد؛ زیرا به‌رغم اقدامات امنیتی، چهار زندانی خطرناک و مسلح توانستند با در اختیار گرفتن یک اتومبیل و مبلغ ۲ میلیون مارک اسکناس فرار کنند.

لیدهای اخبار ساده

در مطالب خبری ساده، عنصر خبری در شروع و یا در جوار شروع گزارش مشاهده می‌شود. اخبار ساده از جذابیت بیشتری برخوردار هستند. برخی قوانین گزارش خبری جدی که بدان اشاره شد در اخبار ساده کاربرد چندانی ندارند تا حس روانی مطلب را در خواننده پدید آورند.

نقل قول مستقیم

شروع مطلب با نقل قول مستقیم، گزارش را ساده می‌کند. مانند نمونه زیر از نشریه «ایندپندنت» (۲ آوریل ۱۹۹۳):

«ما ممکن است آنچه را در نظر داشتیم برپا نکرده باشیم، اما هنوز تصور می‌کنیم موزه «جان ناکاس» از «سن پاتریک» برجسته‌تر خواهد بود.» این یکی از آخرین نگرانیهایی بود که سازندگان موزه جدید ۶ میلیون پوندی هنر و زندگی مذهبی که امروز در «گلاسگو» گشایش یافت، در حالی که آخرین اقدامها را برای بهره‌برداری از موزه انجام می‌دادند، ابراز داشتند. مردم این شهر بر این باورند که این موزه جدید، اولین موزه‌ای است که صرفاً نمایانگر تلاش بشری برای دستیابی به مفهوم زندگی است.

پرسش

شروع مطلب با جمله پرسشی نیز گزارش را ساده می‌سازد. نمونه زیر از «دیلی میرو» (۲۵ آوریل ۱۹۹۳) که بیانگر طنز نژادپرستانه ضد ایرلندی است، از این دست می‌باشد:

سرقت مسلحانه در حضور پلیس

آیا در مورد سارق ایرلندی بانک که ماسک خود را پشت و روزه بود، مطلبی شنیده‌اید؟ هنگام سرقت بانک، این سارق فوراً ماسک خود را زد ولی چون پشت و رو بود، دیگر چشمهایش جایی را ندید، از این رو نتوانست اسلحه قلبی خود را به سوی صندوق‌دار بانک نشانه رود؛ اولین واکنش در برابر این عمل، شلیک خنده‌بسیار شدیدی بود که خودش سر داد!

این مطلب طنز نیست؛ بلکه رویدادی واقعی است که در شعبه بانک «لیویدز» در «لوتون بدز» اتفاق افتاده است. افراد پلیس آن حوالی «جان هگارتی» و همدستش «ادوارد کولپند» که هر دو ۲۳

سال دارند را دستگیر کردند.

دیروز هر دو سارق؛ نسبت به مبادرت به سرقت و همراه داشتن اسلحه قلبی اعتراف کردند.
«کوپلند» به ۱۳ سال حبس و «هگارتی» به ۹ سال حبس محکوم شدند.

لید تعویقی

به تعویق انداختن بیان نکته اصلی در مطلب، روش دشواری است و کاربرد آن بایستی با احتیاط صورت گیرد. کاربرد این لید، حس کنجکاوی خواننده را تحریک می‌کند؛ اما اگر خواننده خسته شود و نخواهد پایان مطلب را بداند، این روش با شکست مواجه شده است. بهترین موقع کاربرد آن، هنگامی است که رویدادی غیر معمول اتفاق افتاده و خواننده نیز در تب و تاب نگه داشته می‌شود تا این که سرانجام راز مسأله بروی آشکار شود. در نمونه زیر که از نشریه «گاردین» (۱ آوریل ۱۹۹۳) انتخاب شده است، پیش زمینه جذابی را قبل از شروع خبر در بند چهارم شاهد هستیم:

پدر «گولیم لوئیس» مرد بسیار کم حرف و گزیده گویی بود. هنگامی که «گولیم» اعلام کرد قصد پیوستن به نیروی هوایی سلطنتی را دارد و می‌خواهد به عنوان خلبان در نبردها شرکت کند، پدرش وی را «مرد جوان بسیار خطرناکی» توصیف کرد. همین پیشگویی هم تحقق یافت. چون «گولیم»، با سرنگون ساختن ۱۲ هواپیمای دشمن که وی را بی نظیر ساخته بود، این امر را به اثبات رساند. هنگامی که جنگ جهانی اول پایان یافت، پدر وی پیش بینی دیگری کرد: «بسیار زود از اذهان فراموش خواهی شد و این برایت بسیار ناگوار است.»

«گولیم»، این نکته را دریافت و برخلاف سایر همدوره‌های خود که با ادامه پروازها به اقدام مهیج خود ادامه دادند، پرواز را کنار گذارد. با گذشت زمان وی نیز مثل سایرین به دست فراموشی سپرده شدند، تا این که چند فیلمساز درصدد برآمدند از زندگی این مردان پرواز فیلمی بسازند. امروزه از «گولیم» و ۲۵ هزار همدوره وی، با احترام زیاد یاد می‌شود تا جایی که ملکه نیز از بازماندگان این گروه قدردانی و تجلیل کرد.

در این مراسم، که برای گرامیداشت هفتاد و پنجمین سالگرد تشکیل نیروی هوایی سلطنتی برگزار شده بود، ۱۴۸ جنگنده نیروی هوایی به پرواز درآمدند.

روان و آشکار بنویسید

ساختار مطلب خبری

مطالب خبری چه از ۵ یا ۳۵ بند تشکیل شده باشند، یا بیشتر و کمتر، بخشهای مختلف آن از لحاظ مضمون با یکدیگر پیوند خواهند داشت. خوانندگان به ترتیب اهمیت مطالب، اطلاعات ارائه شده در مطلب را دریافت می‌کنند، به جز مواردی که درج نکته اصلی مطلب برای افزایش توجه خوانندگان به تعویق می‌افتد. حس خبری روزنامه‌نگار نه تنها در لید، بلکه در سراسر مطلب انعکاس می‌یابد.

مهم‌ترین شخصی که در این مطلب مطرح شده، کیست؟ بعد از وی، مهم‌ترین فرد چه کسی است؟ چه جزئیاتی از مطلب بایستی برجسته شوند و کدام یک بایستی در آخر مطلب ارائه شده و یا حذف گردد؟ چه میزان ارائه اطلاعات پیش زمینه‌ای لازم است و در چه بخشی ارائه آن مناسبتر خواهد بود؟ تمامی این پرسشها بر اساس ارزشهای خبری مورد نظر گزارشگر، پاسخ داده می‌شوند.

بخشهای مضمونی

همان‌گونه که سرعت، جوهره خواندن خبر را تشکیل می‌دهد، جمع‌آوری و ارائه خبر نیز از این قاعده مستثنی نیست. اطلاعات بایستی به صورتی منطقی و روان در مطلب قید شود. ساختار پیوستگی مطالب نیز بایستی چنان ظریف باشد که برای خواننده محسوس نباشد. فقط هنگامی که پیوستگی مطلب نامتناسب بوده و مطالب بدون ترتیب منطقی و نیز نقل قولها، نامرتب باشند، خواننده از ساختار مطلب آگاه می‌شود.

بخش آغازین

بندهای آغازین نکته اصلی خبری را برجسته می‌سازند. اغلب بند دوم و سوم با ارائه اطلاعات مهم بیشتری در مورد لید، مطلب را روشن‌تر می‌سازند. مطالب سرمقاله‌ها دارای

فوریتی است که به ویژه در بندهای آغازین آن، نکته اصلی بایستی روشن شود. اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و تفسیر و توصیف غیرضروری، بایستی مانع تأثیرگذاری مطلب گردند. به نمونه‌هایی از بندهای آغازین که از نشریه «ایونینگ پست» چاپ ناتینگهام (۲۵ ژانویه ۱۹۹۲) انتخاب شده است، توجه کنید:

فاتحه حزب کارگر به دست خویش خوانده شد

یک وزیر عضو حزب محافظه‌کار ادعا کرد که حزب کارگر به دلیل افزایش بیکاری که در نتیجه تعهدات انتخاباتی آنان ایجاد می‌شود، دو کرسی در ناتینگهام را از دست خواهد داد. وزیر کار، «مایکل هوارد» اظهار داشت در «ناتینگهام نورت» و «منسفیلد» مجموعاً ۳۷۵۰ نفر در نتیجه سیاست‌های حزب کارگر، کار خود را از دست خواهند داد. وی اظهار داشت طرح‌های حزب کارگر مبنی بر تعیین حداقل دستمزد و مالیات پنج درصد حقوق‌بگیران که برای تمامی کارفرماها تعیین شده است، بیکاری گسترده‌ای را موجب خواهد شد. وی افزود: طرح‌های آنان مبنی بر ارائه منشور اجتماعی جامعه اروپا که دولت در «ماستریخت» آن را رد نمود نیز به مشاغل، آسیب جدی وارد می‌سازد. «آن سه سیاست پیشنهادی، بر عملکرد اقتصادی انگلیس و همچنین بر امکانات کاری مردم، تأثیر اسفناکی گذارده است.» «گراهام آلن»، نماینده «ناتینگهام نورت» در پارلمان که با کسب اکثریت آرا به پارلمان راه یافته است از آقای «هوارد» دعوت کرده است در حوزه انتخاباتی وی راجع به مسأله بیکاری با بیکاران مناظره کند.

در لید، اظهارات یک وزیر برجسته شده است. در بند دوم اسم، عنوان وزیر و دو کرسی پارلمان مشخص شده و همچنین آمار دقیق بیکارانی که در لید عنوان شده بود، نیز آورده شده است.

بیوه یک افسر نیروی هوایی سلطنتی در «سنت ادموندز»، کمپانی بی‌بی‌سی را به دلیل نمایش برنامه‌ای که به اعتقاد وی توهین به افرادی است که در جنگ خلیج [فارس] جان خود را از دست داده‌اند، محکوم کرد.

خانم «دیورابولز» به همراه ۱۶ بیوه افسران نیروی هوایی سلطنتی، مجموعه جدید تلویزیونی به نام «جمعه در یاد من» را که توسط کمپانی بی‌بی‌سی تهیه شده است محکوم کردند.

بخش دوم این مجموعه تلویزیونی که در مورد رابطه نامشروع یک بیوه افسر نیروی هوایی سلطنتی با یک مستشار نیروی هوایی است، امشب از تلویزیون پخش خواهد شد.

این سه بند از نشریه «بوری فری پرس» (۲۲ می ۱۹۹۲)، ارزشهای خبری مشابهی را نشان می‌دهد. در بند اول، با اشاره به برنامه تلویزیونی و یک بیوه افسر نیروی هوایی سلطنتی در «سنت ادmondz» خلاصه مطلب آمده است. در بند بعدی، جریانهای تأثیرگذار خبری با ارائه اطلاعات دقیقی از خانم «دوبرابولز» و همچنین عنوان مجموعه تلویزیونی «جمعه در یاد من» مشخص می‌شوند. تأثیر خبری این مطلب، با خبر پیوستن این بیوه به ۱۶ بیوه دیگر در طرح شکایت علیه کمپانی بی بی سی، افزایش می‌یابد.

بند سوم، قبل از آن که گزارشگر به نقل قولهای مستقیم پردازد، اطلاعات پیش زمینه‌ای برای آگاهی خوانندگان فراهم آورده است. جابجایی بندهای سوم و دوم، جریان طبیعی تأثیرگذاری مطلب را مختل می‌سازد.

● در بند دوم می‌توان به جای اطلاعات بیشتر، اطلاعات جدیدی را مطرح نمود. در این صورت بایستی سریعاً به نکته اصلی آغازین پرداخته شود و از سردرگمی خوانندگان جلوگیری به عمل آید.

نمونه دیگر:

بیل کلینتون، با انتخاب اولین زنی که به ریاست شعبه دیوان عالی کشور رسیده است، به‌عنوان آخرین انتخاب برای کابینه‌اش، متنوع‌ترین کابینه را در تاریخ ایالات متحده معرفی کرده است. رئیس‌جمهور همچنین چهارمین سیاهپوست و دومین «هیسپانیک»^(۱) را در رده همکاران ارشدش برگزید.

«زوبایرد» که اخیراً به‌عنوان مشاور کل کمپانی بیمه عمر و حوادث «آتنا» برگزیده شده بود، به سمت وزیر دادگستری منصوب شد.

نماینده سیاهپوست، «مایک اسپای» به‌عنوان وزیر کشاورزی کابینه آقای کلینتون معرفی شده است و «دنور فدریکوپنا» که «هیسپانیک» است، مسؤولیت امور حمل و نقل را برعهده خواهد داشت.

این گزارش از نشریه «دیلی میل» (۲۶ دسامبر ۱۹۹۲) مطلب تازه ولی مرتبط با لید را در بند

۱- به فردی از اهالی اسپانیا، پرتغال یا آمریکای لاتین اطلاق می‌شود.

دوم مطرح می‌سازد. بند سوم نیز توضیحات بیشتری را در مورد نکته مطرح در لید عنوان می‌کند. در حالی که بند چهارم، مطالب مطرح شده در بند دوم را تشریح می‌کند.

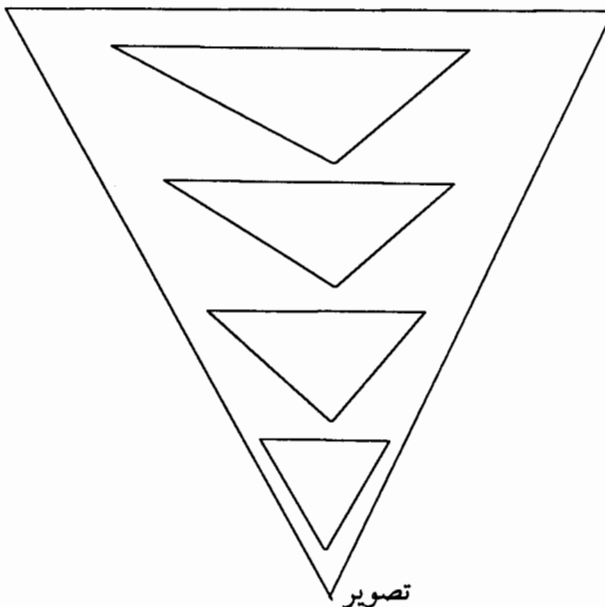
بخش‌های بعدی: مفهوم هرم‌های وارونه

در تحلیل سنتی مطالب خبری با تأکید بر هرم وارونه روبه‌رو هستیم. در هرم وارونه، مهم‌ترین عناصر در بالا و کم‌اهمیت‌ترین مطالب (که اغلب به عنوان پیش‌زمینه توصیف می‌شود) به‌طور خلاصه در پایین هرم قرار می‌گیرند.

تصویر

(به تصویر توجه کنید):

خلاصه داستان و توضیح لید



بخش دوم:

منابع خبری

بخش سوم:

توضیحات پیش‌زمینه‌ای

بخش چهارم:

بازگشت به منبع لید

مفهوم هرم‌های وارونه

این امر برای مطالبی که از منبع خبری واحد برخوردارند، مفید خواهد بود. روند نگارش برای اغلب مطالب آن بسیار آسان است. ارزشهای خبری در بخشهای جداگانه مطلب دیده می‌شوند، در حالی که پیش‌زمینه مطلب می‌تواند در هر قسمت مطلب به کار رود. هرگاه ارائه مطلبی بدون اطلاعات پیش‌زمینه‌ای مبهم باشد، این اطلاعات در اول مطلب مطرح می‌شود. مطالب خبری معمولاً متشکل از مجموعه‌ای از نقل قولها (مستقیم و غیرمستقیم)، جزئیات واقعه، اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و گاهی نیز تحلیلهای کوتاه و تفسیر و توصیف می‌باشند. هر یک از این عناصر معمولاً مضمونی جداگانه را تشکیل می‌دهند. ارزشهای خبری در همه بخشها کاربرد خواهند داشت، مهم‌ترین ارزشها در ابتدا و کم‌اهمیت‌ترین آنان در آخر مطلب آورده می‌شوند.

به جای یک هرم وارونه انفرادی، بهتر است مجموعه‌ای از هرم‌های وارونه را داخل یک هرم وارونه در نظر بگیرید.

ساختار بخشها

هر بخش معمولاً با موضوع اصلی و عناصر خبری مربوط به آن آغاز می‌شود. در این قسمت می‌توان مهم‌ترین نقل قول (مستقیم و غیرمستقیم) یا جزئیات دیگر را به کار برد. به این گزارش از نشریه «نیوزاودورلد» (۱۹ آوریل ۱۹۹۲) توجه کنید:

دستگیری سه تن به اتهام قتل «جولی»

پلیس مسلح دیروز سه مرد را به اتهام قتل جهانگرد انگلیسی، «جولی استات» دستگیر کرد. یکی از این افراد درصدد ریودن اسلحه گروهی از پلیس‌های مخفی بود که به مخفیگاه آنان در مخروبه‌ای در «نئوآورلئانز» حمله کرده بودند.

شب گذشته، جنازه «جولی» توسط پدر و مادر داغ‌دیده‌اش «ری» و «مارگارت» به منچستر بازگردانده شد. هنگامی که مادر «جولی»، از دستگیری قاتلین دخترش اطلاع یافت، گفت: «خدا را شکر. اما دستگیری آنان دخترمان را به ما باز نمی‌گرداند».

«روبرت جونز»، ۱۹ ساله به اتهام قتل درجه یک که محکومیت اعدام را در «لوویزانا» در پی خواهد داشت بازداشت شده است.

«کریستوفر بوردر»، ۱۸ ساله و «دیوید آلیور»، ۱۹ ساله نیز به اتهام مشارکت در قتل دستگیر شده‌اند.

«جونز» با اتهامات آدم‌ربایی، هتک حرمت و سرقت مسلحانه نیز روبه‌روست.

کوکابین

«جولی» ۲۷ ساله مدیر طراحی، هنگامی که همراه نامزد خود «پیتربلیس» ۲۷ ساله در مرکز شهر می‌گشتند، از سوی سارقین مورد حمله قرار گرفتند.

سخنگوی پلیس نثواورلئانز، «بری فلچر» می‌گوید جوایز مختلف و به عنوان نمونه ۱۰۰۰۰ دلاری که از سوی نشریه «سان» تعیین شده بود، موجب شد تا اطلاعات ارزشمندی را دریافت کنیم.

کارآگاهان، انگیزه سرقت را تهیه پول نقد برای خرید کوکابین اعلام کرده‌اند.

یکی از افراد پلیس که در حمله دیروز شرکت داشت، گفت: «ما، سه‌پانک وحشتزده را بازداشت کرده‌ایم که ممکن است برای این عمل خود اعدام شوند».

ستوان «ال.جی. کانال» که سرپرستی حمله پلیس را برعهده داشت، گفت: «جرایمی که اینها مرتکب شده‌اند، در اینجا حکم اعدام را به دنبال دارد».

اگر آنان مجرم شناخته شوند، محکومیت «مرگ از طریق تزریق مواد سمی» در مورد آنان اعمال خواهد شد.

ساختار بخشها در نمونه بالا آشکار است

بخش ۱: بندهای ۱ و ۲ جزییات دستگیری.

بخش ۲: بند ۳ واکنش والدین مقتول، عنصر خبری با ارائه عبارت «شب گذشته» مورد تأکید قرار گرفته است.

بخش ۳: بندهای ۴ تا ۶ جزییات اتهامات سه مرد بازداشتی.

بخش ۴: بند ۷ جزییات بیشتر در مورد سرقت.

بخش ۵: بندهای ۸ تا ۱۲ واکنش پلیس و منابع بند اول را مشخص نموده است (سخنگوی

پلیس نثواورلئانز «بری فلچر») همچنین با ارائه خبر جایزه پیشنهادی نشریه سان، عناصر خبری برجسته شده است.

توجه کنید چگونه مطلب بالا با اصول اخبار جدی مطابقت دارد. در مطلب بالا با جزئیات واقعی و تأثیرگذار («دستگیر شد»، «قتل»، «سعی در ربودن»، «سرقت»، «مورد حمله سارقین قرار گرفت») و نقل قول روبه‌رو هستیم، این مطالب برجسته می‌نماید. اما تفسیر، توصیف و تحلیل در گزارش بالا دیده نمی‌شود.

به گزارش زیر از نشریه «لیورپول دیلی پست» (۲۳ می ۱۹۹۲) توجه کنید:

«دیویدرز» - دبیر سرویس سیاسی

معاون وزیر بهداشت، «تام ساکویل» دیروز ابراز امیدواری کرد به وضعیت بخش مصدومین بیمارستان «لیورپول» که در آستانه تعطیلی قرار گرفته است، سامان داده شود.

وی به نمایندگان مجلس اظهار داشت مقامات بهداشتی «لیورپول»، آینده این واحد در منطقه «بوردرگین» را مورد بررسی قرار داده‌اند.

این معاون وزیر همچنین گفت مقامات بایستی نظرات پزشکان خانوادگی محلی و شورای بهداشت را نیز مورد توجه قرار دهند.

این بیانات، پس از نخستین نطق «جین کندی»، نماینده جدید «لیورپول» و بوردرگین» در پارلمان ابراد شد. وی از نخستین نطق پارلمانی خود، استفاده کرده و خواستار عدم تعطیلی بخش مصدومین بیمارستان شد.

در حالی که میزان جمعیت «لیورپول» همچنان روبه کاهش است، وی گفت شمار افرادی که در حاشیه بیمارستان زندگی می‌کنند ثابت بوده و در پی ساخت مسکن‌های جدید در آینده نیز افزایش خواهد یافت.

نماینده حزب کارگر در پارلمان اظهار داشت که پس از اصلاحات دولت در مسائل بهداشت و تصمیم‌گیری در مورد اداره مستقل بیمارستانهای «لیورپول»، ضرورت دوره باثبات، احساس می‌شود. وی گفت: «کادر بیمارستان، در پی تجدید سازماندهی مکرر، خسته و درمانده شده‌اند و این عدم ثبات و قاطعیت، مسائل اخلاقی پزشکی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است.»

آقای «ساکویل» اظهار داشت مطالعاتی در مورد آینده بخش مصدومین بیمارستان انجام شده که از سوی مسئولین بهداشت تحت بررسی قرار خواهد گرفت.

«الن دوران»، مدیر اجرایی امور بهداشت لیورپول گفت طرحهایی که برای تمامی بیمارستانهای

محلی در نظر گرفته شده، در بولتنی منتشر شده است.

«ما اکنون با بررسی جزئیات این گزارش، به پیگیری موارد ذکر شده در آن پرداخته‌ایم»
 آقای «دوران» افزود: «ما با همه گفت‌وگو خواهیم داشت و قطعاً در این مورد مشورت‌های کاملی با
 عموم انجام خواهد شد.»

بخش‌های مضمونی گزارش بالا آشکار است

بخش ۱: بندهای ۱ تا ۳ دیدگاه‌های معاون وزیر بهداشت.

بخش ۲: بندهای ۴ تا ۷ دیدگاه‌های نماینده حزب کارگر در مجلس، «جین کندی».

بخش ۳: بند ۸ به بررسی دیدگاه معاون وزیر بهداشت باز می‌گردد.

بخش ۴: بندهای ۹ تا ۱۱ دیدگاه‌های مدیر اجرایی امور بهداشت لیورپول.

این گزارش از ساختار ساده‌ای برخوردار است که بر اساس نقل قولها شکل گرفته است؛ نقل قولها به صورت مستقیم و غیرمستقیم از سه شخص بر اساس ارزشهای خبری، در گزارش آورده شده‌اند. ارائه تحلیل مفصلتر، سایر جنبه‌های ساختاری گزارش را برجسته خواهد کرد.
 بند ۱: لید گزارش: لحن اخبار جدی را در خود دارد و در آن بر ارائه جزئیات واقعه (که، چه، کی)، ایجاز، زبان تأثیرگذار و همچنین نبود جذابیت توصیفی، تحلیل و پیش‌زمینه تأکید شده است.

که: معاون وزیر بهداشت، «تام ساکویل» (سمت معاونت وزیری وی، صلاحیت بیشتر و همچنین ارزش خبری بیشتری به اظهارات وی می‌بخشد).

کی: دیروز

چه: ابراز امیدواری در مورد ساماندهی بخش مصدومین بیمارستان «لیورپول» که در آستانه تعطیلی قرار گرفته است.

کاربرد عبارت «ابراز امیدواری برای ساماندهی»، بر جنبه مثبت تأکید می‌ورزد و جذابیت آن از جمله «اظهار داشت که می‌توان بخش مصدومین را از تعطیلی نجات داد»، بیشتر است. با اشاره به «لیورپول»، جنبه محلی آن مورد تأکید قرار گرفته است.

بند ۲: توضیحات بیشتری در مورد بند آغازین ارائه می‌دهد: بند ۱، تأثیرگذار و در عین حال مبهم است. این بند طبیعتاً با این توضیح که چرا ابراز امیدواری شده است، آغاز می‌شود. ارائه جمله «وی به نمایندگان مجلس اظهار داشت» در واقع عنصر «کجا» در گزارش را نشان می‌دهد. این وزیر در پارلمان سخنرانی کرده است، اما گزارشگر، مکان سخنرانی وی را به شیوه‌ای کوتاه شده آورده است.

پس از ارائه فعل «اظهار داشت»، بر اساس قواعد ارائه نقل قول غیرمستقیم، فعل بعدی به صورت «مورد بررسی قرار داده‌اند» آمده است. کاربرد واژه «واحد» مانع از تکرار عبارت «بخش مصدومین» می‌شود.

بند ۳: سرانجام این بند، نکته اصلی لید مبنی بر «ابراز امیدواری» که از سوی دیدگاه‌های محلی مطرح شده و مخالف تعطیلی این بخش بیمارستان بوده را بار دیگر بررسی کرده است. همچنین این بند بیانگر آن است که این مطلب، آخرین جریان از مجموعه رویدادهاست که به احتمال تعطیل شدن بخش مصدومین بیمارستان پرداخته است. این تصور به خواننده دست می‌دهد که دیدگاه محلی با طرح‌های تعطیلی این بخش بیمارستان مخالف است. توضیحات بیشتری در این زمینه ارائه شده است اما تأکید اصلی آن بر اخبار مربوط به درخواست نمایندگان حزب کارگر مجلس عوام و همچنین به پاسخ وزیر استوار است. بر همین اساس سایر اطلاعات حذف شده است. توجه کنید پس از واژه گفت، دیگر نیازی به کاربرد «که» نخواهد بود.

بند ۴: عبارت «این بیانات پس از»، عبارت ربطی مناسبی است که برای ارائه منبع جدید خبری به کار برده شده است. این امر بیانگر آن است که چگونه ارزشهای خبری، مسیر طبیعی رویدادها را بر هم می‌زنند. اظهارات معاون وزیر، پس از سخنان نماینده حزب کارگر در مجلس صورت گرفته است، اما دیدگاه‌های وی با ارزشتر تلقی شده و در ابتدا آمده است. کاربرد عبارت ربطی، ارتباط طبیعی وقوع حوادث با یکدیگر را نشان می‌دهد.

این بند، دومین بخش مضمونی را آغاز می‌کند و کاربرد ارزشهای خبری نیز در این بند به دقت صورت گرفته است. این حقیقت که سخنان نماینده پارلمان، اولین نطق پارلمانی وی بوده

دارای ارزش خبری است و از این رو در بند برجسته می‌شود. همچنین نکته مهمی در مورد «لیورپول» مورد تأکید قرار می‌گیرد.

به جای کاربرد این جمله «در نخستین نطق پارلمانی خود اظهار داشت بخش مصدومین بیمارستان بایستی همچنان مورد استفاده قرار گیرد»، گزارشگر جمله جذباتری را به کار برده است: «از ایراد نخستین نطق پارلمانی خود استفاده کرده و خواستار عدم تعطیلی بخش مصدومین بیمارستان شد.» با توجه به کاربرد واژه «واحد» در بند ۲ که به منظور احتراز از تکرار صورت گرفته است، در اینجا گزارشگر می‌تواند عبارت شاخصتر «بخش مصدومین» را به کار ببرد.

بند ۵: هنگامی که گزارش خبری از مجموعه‌ای نقل قول به صورت مستقیم و غیرمستقیم تشکیل شده است، بیم آن می‌رود که هر بند با ساختار مشابهی آغاز گردد، مانند کاربرد فاعل و همچنین فعل «گفت» یا در سایر موارد: بند ۲، «وی اظهار داشت»؛ بند ۳، «معاون وزیر گفت»؛ بند ۶، «نماینده حزب کارگر در پارلمان اظهار داشت»؛ بند ۷، «وی گفت»؛ بند ۸، «آقای ساکویل اظهار داشت»؛ بند ۹، «آلن دوران...گفت» این تکرار موجب می‌شود، داستان کسالت‌بار گردد. از این رو در بند ۵، نویسنده مطلب برای ایجاد تنوع، جمله را با جمله واره تابع «در حالی که میزان جمعیت «لیورپول» همچنان روبه کاهش است» آغاز می‌کند؛ این جمله واره، ارائه «وی گفت» را به تعویق می‌اندازد. بر اساس قواعد ارائه نقل قول غیرمستقیم، عبارت «ثابت بوده» و «افزایش خواهد یافت» باهم آمده است. نیازی به کاربرد «که» پس از واژه «گفت» نیست.

بند ۶: پس از اولین اشاره به «جین کندی»، نماینده جدید «لیورپول» و «بوردرگین» در پارلمان در بند ۴، در بندهای ۵ و ۶ نیز از او به صورت «وی» و «نماینده حزب کارگر در پارلمان» یاد شده است. (کاربرد «نماینده پارلمان» نیز کافی خواهد بود زیرا در این مطلب، نماینده دیگری ذکر نشده است).

پس از «اظهار داشت»، کاربرد «که» ضروری است، زیرا به دنبال آن جمله واره تابعی آمده است. در یک مورد، فعلی که به کار رفته است، بر اساس قواعد تبدیل نقل قول مستقیم به

غیر مستقیم، زمان آن بایستی یک زمان به عقب بازگردد.

بند ۷: در اینجا، بند با نقل قول مستقیم آغاز شده که نشان دهنده ارائه ایده‌ای قاطع است. این مسأله که «جین کندی» گوینده نقل قول می‌باشد، کاملاً مشخص است؛ زیرا در بند قبلی، وی آخرین فردی بود که ذکر شده بود. از این رو، «وی گفت» را می‌توان حذف نمود.

بند ۸: در اینجا منبع خبر تغییر یافته و معاون وزیر، منبع خبر است؛ از این رو، هویت وی در آغاز بند مشخص می‌شود. اما این بند، هیچ اطلاعات تازه‌ای را ارائه نمی‌کند و ارائه این بند بین نقل قولهایی از «کندی» و «دوران»، انسجام مطلب را بر هم می‌زند.

بند ۹: منبع جدید همراه با سمت وی در آغاز بند ارائه می‌شود. گزارشگر، صحبت‌هایی را که در مجلس مطرح شده اساس گزارش خود قرار داده است؛ اما در ادامه مطلب، وی گفت‌وگویی را (که احتمالاً از طریق تماس تلفنی بوده است) با سرپرست مسؤولان بهداشت آورده است تا تأییدی رسمی بر اظهارات معاون وزیر باشد. به جای واژه «گفت» نیازی به کاربرد واژگانی نسبتاً تند چون «فاش ساخت»، «افشا کرد» یا حتی «خاطر نشان ساخت» احساس نمی‌شود.

بندهای ۱۰ و ۱۱: نقل قولهای مستقیم ارائه می‌شود؛ هر دو بند از لحاظ اندازه با حد متوسطی که در بندهای پیشین مشاهده شده است، مطابقت دارد. شیوه نگارش در نشریه «پست» بدین گونه است که ابتدا نام و نام خانوادگی گوینده نقل قول آورده می‌شود. سپس در موارد بعدی، صرفاً عنوان و نام خانوادگی گوینده ذکر می‌شود. همچنین آشکار است که گوینده دو بند آخر، آقای «دوران» است؛ از این رو، ذکر عبارت «آقای دوران افزود» غیر ضروری است.

واژگان و عبارتهای انتقالی

برای حفظ ارتباط بخشهای مختلف، واژگان و عبارتهای انتقالی به کار می‌رود. برای رعایت ایجاز در مطلب، این عبارتها بایستی دقیق بوده و به میزان اندک به کار روند. در گزارش نشریه «پست»، عبارت «این بیانات پس از»، دو منبع خبری را به یکدیگر ارتباط می‌دهد و همچنین بیانگر ترتیب وقوع حوادث است. کاربرد «و» که به منظور حفظ ارتباط دوبار در ابتدای جمله‌ها

قرار می‌گیرد، غیر ضروری است.

«لزلی» زن پلیس مجروح، در آستانه مرگ قرار دارد «استفن تامسون»

زن پلیس جسور، «لزلی هریسون»، شب گذشته پس از آن که برای چهارمین بار در دوران کوتاه حرفه‌ای خود به شدت مجروح شد، در آستانه مرگ قرار گرفت. هنگام درگیری با دزد مظنون، قلب وی با ضربه پیچ‌گوشتی به شدت آسیب دید. هنگامی که لزلی می‌خواست دزد را دستگیر کند، وی لزلی هریسون ۲۹ ساله را به شدت مجروح ساخت.

مراقبت شدید

علی‌رغم جراحات وارده، این زن ورزشکار که از آمادگی جسمانی بسیار خوبی برخوردار بود، قبل از آن که به علت خونریزی شدید ناشی از شدت جراحی بر زمین افتد، مجرم را ۵۰ یارد^(۱) تعقیب کرد.

همزمان با ارسال کارت و دسته‌های گل از سوی افرادی که آرزومند بهبودی وی بودند، والدین لزلی، سه تن از پنج برادرش و همچنین نامزدش که سابقاً پلیس بوده به مراقبت شدید از وی پرداخته و شب را بیدار ماندند.

یک مقام ارشد نیروی پلیس، ضمن قدردانی از وی اظهار داشت: «ما به تو افتخار می‌کنیم». پیش از این حادثه، سه بار دیگر نیز «لزلی» هنگام انجام وظیفه به سختی مجروح شده بود. به همین دلیل، او یک سال از پنج سالی را که به این حرفه اشتغال دارد در مرخصی گذرانده است. در یکی از این موارد، وی توسط یک تبهکار آسیب دید؛ در مورد دیگری هنگام تعقیب یک سارق دچار آسیب دیدگی شانه شد؛ در مورد سوم نیز توسط ضربه‌آجر از ناحیه سر صدمه دید. در اوایل سال جاری، لزلی پس از پنج هفته مرخصی برای بهبود جراحی ناشی از یکی از این حوادث، اظهار داشت: «من به این حرفه عشق می‌ورزم و به هیچ وجه این حرفه را ترک نمی‌کنم». اما وی که سابقاً منشی و مسؤول میز کازینو بوده است، اعتراف می‌کند: «برخی افسرها در تمام طول خدمت خود، حتی با جراحی کوچکی نیز روبه‌رو نمی‌شوند. گویا من از همه بدشانس‌تر هستم».

در این مطلب که از نشریه «دیلی اکسپرس» (۲۹ دسامبر ۱۹۹۲) انتخاب شده است،

۱- یک یارد معادل سه فوت و دوازده اینچ است و هر اینچ تقریباً معادل ۲۵ میلی‌متر است. یک یارد در سیستم متریک دقیقاً معادل ۰/۹۱۴۴ متر است.

عبارتهای انتقالی متنوعی مشاهده می‌شود. در بند ۴، جمله‌واره کوتاه «علی‌رغم جراحات وارده»، به حفظ این ارتباط کمک می‌کند؛ در بند بعدی، «همزمان با ارسال کارت و دسته‌گل‌ها از سوی افرادی که آرزومند بهبودی وی بودند» همان کاربرد را در حفظ ارتباط دارد و به همین‌گونه «در اوایل سال جاری» و «اما» در جملات بعدی نیز به حفظ ارتباط میان مطالب کمک می‌کنند.

واژگان و عبارتهای انتقالی به چند دسته تقسیم می‌شوند:

● تقابلهای: به‌عنوان نمونه، «اما»، «اگرچه»، «با این همه»؛

● مقایسه‌ها: به‌عنوان نمونه، «به همین نحو»، «همان‌گونه»؛

● ترتیب زمانی: به‌عنوان نمونه، «همزمان»، «زودتر»، «دیرتر»، «در گذشته»، «در نتیجه/در آخر»، «رویداد پس از آن»، «در بررسی‌ای که به دنبال آمده»، «در روندی جداگانه»، «آخرین رویداد در مجموعه‌ای از حوادث»؛

● موقعیت مکانی: به‌عنوان نمونه، «هنگام سخنرانی در همایش مطبوعاتی در لندن»، «در مجلس ناتینگهام»؛

● تداوم مضمونی: «در طرحهای دولت مبنی بر خصوصی سازی راه آهن انگلیس»، «در بحران جهانی زیست محیطی» و از این قبیل؛

جمله‌ها به ندرت برای حفظ ارتباط میان بخشهای مضمونی کاربرد دارند: «وی در مورد موضع رسانه‌ها در قبال اختلافات خانواده سلطنتی سخن گفت». این جمله بیش از اندازه بی‌روح است و فاقد جنبه تأثیرگذاری است. بهتر است واژه همچنین به‌عنوان واژه انتقالی به کار رود و برخی جزئیات خاص نیز به آن افزوده گردد؛ به‌عنوان نمونه، جمله «وی همچنین هوچی‌گریهای بیمورد رسانه‌ها در مورد وجود اختلاف در خانواده سلطنتی را برجسته نمود». به همین صورت پرسشها نیز برای به‌تعویق انداختن جریان طبیعی اخبار جدی کاربرد دارند و به همین دلیل نبایستی به‌عنوان ابزار انتقالی مورد استفاده قرار گیرند. از این رو به جای این مطلب: «نظر وی در مورد برنامه ایالات متحده برای مبارزان مراکز صربها چیست؟ وی می‌گوید: این کاملاً بیهوده است و فقط به بحران موجود دامن می‌زند.» بایستی این‌گونه نوشت: «وی در

مورد برنامه ایالات متحده برای بمباران مراکز صربها می‌گوید: این کاملاً بی‌مورد است...»

پیش زمینه

میزان ارائه اطلاعات پیش زمینه‌ای در هر گزارشی متفاوت است. در برخی گزارشها، ارائه اطلاعات بیشتر برای این که گزارش را قابل فهم سازد، ضروری است؛ اما اغلب محدودیتهای زمانی و مکانی ایجاب می‌کند که از ارائه اطلاعات بیشتر در گزارش صرف‌نظر شود. اطلاعات پیش زمینه‌ای را می‌توان در هر قسمت از گزارش گنجانید. در برخی گزارشها، این اطلاعات به آخر مطلب افزوده می‌گردد؛ در برخی دیگر کمی پس از آغاز گزارش این اطلاعات آورده می‌شود.

جنگ سالاران، تقسیم‌بندی «خط سبز» را لغو می‌کنند

خبرگزاری موگادیشو

دو جنگ سالار اصلی موگادیشو، دیروز در گردهمایی صلح که در مورد تقسیم‌بندی «خط سبز» در پایتخت سومالی برگزار شده بود، اظهار داشتند آنان برای اتحاد کشور مصیبت‌زده خود تلاش خواهند کرد.

علی مهدی محمد، مدعی ریاست‌جمهوری موقتی سومالی و ژنرال محمد فرح عیدید، رهبری بیش از ۱۰۰۰۰ جنگجو را که با شاخه‌های گل به نشانه صلح گردهم آمده بودند، برعهده داشتند. آنان برای قرار داد لغو تقسیمات میان نیروهای خود، مراسم جشنی ترتیب داده بودند.

ژنرال «عیدید» در حالی که گل‌های صورتی به پیراهن خود زده بود به گزارشگران اظهار داشت: «ما با هم دوست هستیم و برای نشان دادن وحدت، صلح و آشتی گردهم آمده‌ایم.»

اما وقوع نبردی مسلحانه در خیابانهای موگادیشو که طی آن سربازان ایالات متحده سه مرد مسلح سومالیایی را کشتند، نشان‌دهنده هرج و مرج در موگادیشو است.

این درگیری مقابل در ورودی فرودگاه تحت کنترل آمریکایی‌ها، میان سه مرد مسلح سومالیایی روی داد. این سه مرد که دوربین فیلمبرداری تلویزیونی حاوی فیلمهایی از پایگاه دریایی آمریکایی‌ها را در دست داشتند، با سربازان آمریکایی درگیری پیدا کردند.

ژنرال «عیدید» و آقای «علی مهدی» روز شنبه ۱۱ دسامبر، دو روز پس از ورود نیروهای آمریکایی

به موگادیشو، در مورد الغای تقسیم‌بندی «خط سبز» و توقف درگیری‌های فرقه‌ای، با امضای یک عهدنامه صلح هفت ماده‌ای به توافق رسیده بودند.

این دو تن پس از عزل دیکتاتور سابق «محمد زیادباره» در ژانویه ۱۹۹۱ از سوی نیروهای مشترک، با یکدیگر درگیر شدند. نبرد قدرت، بروز هرج و مرج و ناآرامیهای خونین و قحطی را به دنبال داشت که بیش از ۳۰۰ هزار تلفات در سومالی برجای گذارده است.

سخنگوی نیروی دریایی دیروز اعلام کرد رییس‌جمهور بوش، شب‌سال نو از نیروهای آمریکایی در سومالی دیدن خواهد کرد.

کلنل «فردپک» اظهار داشت آقای بوش همچنین در ۱۲ مایلی حومه موگادیشو از محل استقرار نیروها دیدار خواهد داشت و برای بازدید از یک یتیم‌خانه به شهر «بای دوها» خواهد رفت.

این گزارش که در نشریه «گاردین» (۲۹ دسامبر ۱۹۹۲) منتشر شده است حاوی اطلاعات پیش زمینه‌ای در بندهای ۶ و ۷ است. ارائه اطلاعات پیش زمینه‌ای در این گزارش، در بندهای آغازین و همچنین دو بند آخر عنوان شده است که بند اولی در مورد اقدامات صلح‌جویانه و نبردهای مسلحانه و دو بند آخر در مورد آینده و دیدار بوش از سومالی است.

دندانپزشکان برای تعیین مهلت استفاده از خدمات بهداشت و درمان رأی‌گیری کردند
دندانپزشکان منطقه با رأی اکثریت مطلق تصمیم گرفتند که مهلت سه ماهه‌ای را برای ثبت‌نام مردم منطقه در نظر بگیرند، در غیر این صورت افراد حق استفاده از خدمات بهداشت و درمان را نخواهند داشت.

این طرح در گردهمایی ویژه‌ای در کمیته محلی دندانپزشکی «ویکفیلد» از سوی ۴۹ دندانپزشک مورد حمایت قرار گرفت و فقط یک نفر با آن مخالفت کرد.

این تصمیم، بخشی از اقدامات مخالفت‌آمیز دندانپزشکان علیه تعیین میزان حقوق دریافتی آنها از دولت محسوب می‌شود.

هفته گذشته، وزارت بهداشت هفت درصد کاهش در میزان دستمزد دندانپزشکان را تصویب کرد. از این رو، با کاهش ۶ تا ۷ هزار پوند در کل حقوق آنان، درآمد دندانپزشکان به طور متوسط سالیانه از ۳۵۰۰۰ پوند فراتر نمی‌رود.

اقدام اخیر بدین معناست که افرادی که نامشان تا اول اکتبر، در فهرست دندانپزشکان قرار

نداشته باشد، از حق برخورداری از خدمات ملی بهداشت و درمان محروم بوده و ناچارند به بخش خصوصی روی آورند. پس از تاریخ مقرر آنان باید به جای پرداخت ۷۵ درصد، مبلغ ۲۲۵ پوند یعنی کل دستمزد را بپردازند.

دندانپزشکان معتقدند دستمزدها ابدأ مطابق آنچه در نشریات سراسری نقل شده نیست و لذا آنان در نظر دارند در ۹۴ مطب دندانپزشکی منطقه میزان دستمزد یکسانی را دریافت کنند. از هفته گذشته که این خبر از سوی رسانه‌ها اعلام شد، بیماران بیشتری با مراکز درمانی تماس گرفته و در مورد شرایط برخورداری از امکانات خدمات ملی بهداشت و درمان پرسیده‌اند.

این گزارش در صفحه اول نشریه «ویکفیلد اکسپرس»، ۱۷ جولای ۱۹۹۲ منتشر شده است. بند ۴ (حاوی اقدام هفته گذشته وزارت بهداشت مبنی بر کاهش دستمزد دندانپزشکان) و بند ۷ (بازتاب سردرگمی بیماران)، جزئیات اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در اصل گزارش را غنا بخشیده‌اند.

فصل هفتم

تصادفات، آتش‌سوزیها، تظاهرات و ماجراهای عامه‌پسند

آمادگی برای تهیه گزارش از حوادث غیرمترقبه

پوشش دادن به خبرهای آتش‌سوزیها و تصادفات و سائط نقلیه گزارش مربوط به آتش‌سوزیها و تصادفات و سائط نقلیه معمولاً به‌طور مرتب در نشریات محلی انعکاس می‌یابد. در واقع همان‌گونه که روزنامه‌نگاران بر «تازه بودن» اخبار تأکید می‌ورزند، جامعه‌شناسان اغلب جنبه «تکرار پایان نیافتنی» آن را برجسته می‌سازند. هر چه عواقب رویداد وخیمتر باشد، انعکاس آن در مطبوعات برجسته‌تر خواهد بود. نشریات سراسری، فقط زمانی به حوادث و آتش‌سوزیها می‌پردازند که این حوادث، تلفات جدی انسانی (و همچنین بروز فاجعه) را موجب شده و یا افراد سرشناس به نحوی در این جریانها درگیر باشند.

روزنامه‌نگاران خود به ندرت شاهد وقوع حوادث هستند. گاه اخبار از طریق اطلاعات مردمی یا معمولاً از طریق تماسهای روزمره گزارشگران با نیروهای پلیس، بیمارستانها و یا

آتش‌نشانی‌ها به دست روزنامه‌نگاران می‌رسد. اما در آتش‌سوزیهای عمده امکان حضور خبرنگاران وجود دارد.

ارتباط خوانندگان با اخبار حوادث، ارتباطی دو سویه است. از یک طرف، رنج انسانها در رویدادهای غم‌انگیز و تلاشهایی که در راه نجات آنها مبذول می‌گردد، خوانندگان را جذب کرده و از این که خود در این ماجرا صدمه‌ای ندیده‌اند، نفس راحتی می‌کشند. از سوی دیگر، کراهت حادثه و این امر که سرنوشت شوم و حوادث غیرقابل پیش‌بینی فردی را درگیر حادثه ساخته و در عین حال افراد دیگر از شر آن در امان مانده‌اند، (به‌عنوان نمونه، خواننده نشریه) در خواننده نوعی احساس بی‌زاری ایجاد می‌کند.

پرداختن به حوادث رانندگی، حمل و نقل و آتش‌سوزیها، به‌عنوان بخش عمده‌ای از مسائل مطرح در مطبوعات بیانگر آن است که اخبار را مجموعه‌ای از حوادث اغلب ناخوشایند و در عین حال بی‌ارتباط با یکدیگر تشکیل می‌دهد. پرداختن به مسائل فرهنگی و مذهبی دشوارتر است و معمولاً زمان قابل توجهی را می‌طلبد. اما در مقابل، حوادث به‌عنوان رویدادی مجزا با آغاز و پایانی مشخص در گزارش ارائه می‌شوند. پرداختن به حوادث معمولاً از محدوده تحقیقات روزمره روزنامه‌نگاری فراتر نمی‌رود.

همواره جمع‌آوری جزئیات رویدادها در گزارشهای حوادث، دارای اهمیت است. با این همه، تحقیقات بیانگر آن است که خوانندگان، جزئیات اندکی از این حوادث را به خاطر می‌سپارند. پرداختن به حوادث در مطبوعات، دنیایی از رنج، غمها و شهادتهای بالقوه انسانها را باز می‌تاباند.

جزئیات مهم

جنبه توجه انسانی

مهم‌ترین جنبه در هر گزارشی، جنبه‌ای است که به جان انسانها مربوط می‌شود، جنبه‌های مالی و یا وسایل نقلیه، در درجات بعدی اهمیت قرار دارند.

بنابراین ارائه لید گزارش بدین صورت نادرست خواهد بود: «کارخانه صنعتی در بیرمنگام دیروز (دوشنبه) بر اثر آتش سوزی ویران شد؛ در این حادثه، چهار کارگر به شدت مجروح شده و دو تن نیز جان خود را از دست دادند.»

بهتر است گزارش بدین گونه تنظیم شود: «دو کارگر صنعتی کشته و چهار تن به شدت مجروح، تلفات انسانی آتش سوزی دیروز (دوشنبه) کارخانه صنعتی بیرمنگام بود.»
به همین گونه ارائه لید گزارش حوادث بدین صورت چندان مطلوب نخواهد بود: «اتومبیل رولزروسی که توسط مردی اهل بیرمنگام رانده می شد، دیروز (پنجشنبه) در تصادف با یک اتومبیل استرالیایی در «مولزورث»، به شدت آسیب دید.»

به موارد خاص توجه کنید

معمولاً بیمارستانها پس از وقوع آتش سوزیها و حوادث، آماده پاسخگویی به پرسشهای رسانه ها در مورد این حوادث می باشند. سخنگویان بیمارستانها این کار را (چه از طریق مصاحبه های رودررو و یا از طریق تماسهای تلفنی) انجام می دهند تا در مورد وضعیت مجروحین اطلاعات منظمی جمع آوری شود.

هنگامی که در مورد مجروحین و خسارتهای گزارش تهیه می کنید، شمار دقیق آنها را مشخص کنید. به جای نگارش این مطلب: «چندتن بر اثر آتش سوزی در کلوب شبانه ای در «بونور رجیز» شب گذشته (جمعه) مجروح شدند» بهتر است این گونه گزارش شود: «شب گذشته (جمعه) ۱۲ تن بر اثر سوختگی ناشی از آتش سوزی در کلوب شبانه، «بونور رجیز»، در بیمارستان بستری شدند.»

هنگام بروز آتش سوزیها و حوادثی که خیلی سریع به وقوع پیوسته اند، مقامات بیمارستانها و آمبولانسها اغلب اطلاعات کاملی در مورد شمار مجروحین در دست ندارند. به عنوان نمونه، هنگام بروز آتش سوزی در هتلی، تعداد افرادی که در محل آتش سوزی و یا در بیمارستان جان خود را از دست داده اند، ۱۲ تن اعلام می شود؛ در حالی که وضعیت سه کشته دیگر هنوز معلوم

نیست. در این موارد، می‌توان بدین صورت گزارش کرد: «بیم آن می‌رود که حدود ۱۵ تن بر اثر وقوع آتش‌سوزی در هتلی در برایتون دیروز (دوشنبه) جان خود را از دست داده باشند.» نام، سن و نشانی افراد درگیر حادثه، از سوی نیروهای پلیس تهیه می‌شود اما در صورت بروز تلفات انسانی، صرفاً پس از مطلع نمودن بستگان آنان، این اطلاعات کسب می‌شود. گاهی اوقات جزییاتی در مورد وضعیت شغلی آنان نیز تهیه می‌شود، این اطلاعات را می‌توان از دوستان و وابستگان آنان کسب نمود.

در گزارشهای حوادث روزنامه‌های محلی، تعیین محل و زمان وقوع حادثه، دارای اهمیت است. تعداد و نوع وسایل نقلیه نیز بایستی مشخص گردد.

زمان گذشته به کار برید

هنگام گزارش در مورد آتش‌سوزیها و حوادث، وسوسه استفاده از زمان حال برای تشدید جنبه تأثرانگیز رویداد وجود دارد. به عنوان نمونه: «بیم آن می‌رود که هفت تن در آتش‌سوزی‌ای که ساعات اولیه امروز (جمعه) در کارخانه‌ای در «دانکستر» روی داد، جان خود را از دست داده باشند. ده مأمور آتش‌نشان با حضور در محل حادثه برای مهار کردن شعله‌های آتش تلاش می‌کنند.» اما هنگامی که روزنامه منتشر می‌شود (به‌ویژه زمانی که خواننده گزارش را می‌خواند) شرایط تغییر کرده است. ممکن است در آن زمان آتش‌سوزی مهار شده باشد. بنابراین برای ثبت تمامی این جزییات بایستی زمان گذشته به کار رود: «بیم آن می‌رفت که هفت تن بر اثر آتش‌سوزی در کارخانه‌ای در «انکستر» که ساعات اولیه امروز (جمعه) به وقوع پیوست، جان خود را از دست داده باشند.»

توسط گزارشگران خبری

بر اساس گزارشها، امروز بیش از ۳۰ تن در برخورد قطار مسافری با کامیون در «کمبریج‌شایر» مجروح شدند.

این تصادف، هنگامی که مه غلیظی منطقه «دیموک کوت» در «ویکن» نزدیک «الی» را پوشانده بود،

روی داد. مأموران خدمات حوادث غیرمترقبه اعلام کردند وجود مه غلیظ در صحنه تصادف، مانع دید طبیعی شده و فقط تا ۵۰ یاردی آن مکان قابل رؤیت بوده است. یکی از واگنها از خط خارج و در مزرعهای سرنگون شد. واگن دیگر نیز به دنبال آن از خط خارج گردید.

اولین گزارشها حاکی از آن بود که پنج مسافر قطار، بشدت آسیب دیدند. قطار آسیب دیده ساعت ۸:۴۸ از مبدأ فرودگاه «استانستد» به سوی مقصد «لیورپول لایم» حرکت کرده بود.

یک سخنگوی آتش نشانی «کمبریج شایر» اظهار داشت این حادثه حوالی ساعت ۹:۴۰ روی داده است. گفته می شود قطار مسافربری در محل تقاطع هم سطح ریل و جاده با یک تریلر برخورد کرده است.

هنوز از احتمال جراحت راننده کامیون، خبری در دست نیست. سخنگوی آتش نشانی اعلام کرد مسافران قطار دچار آسیب دیدگی شدند؛ برخی از این آسیب دیدگیها، بر اثر شکستگی شیشه های قطار ایجاد شده است.

وی افزود: «هیچ مسافری در قطار واژگون شده باقی نمانده، کلیه مسافران از قطار خارج و اقدامات لازم جهت پیشگیری از انفجار هر دو وسیله نقلیه انجام شده است.» خدمات آمبولانس منطقه «کمبریج شایر»، چهار آمبولانس به محل تصادف اعزام کرده است تا به درمان جراحتهای سطحی مسافران قطار بپردازد. یک پزشک نیز به محل تصادف فرستاده شده است.

انتظار می رفت بخشی از خط راه آهن در هر دو طرف این مسیر تا مدتی بسته بماند.

این مطلب که در صفحه اول نشریه «کمبریج ایونینگ نیوز» (۸ فوریه ۱۹۹۳) به چاپ رسیده است، حاوی چنین مطالبی است: «اولین گزارشها حاکی از آن بود که پنج مسافر قطار به شدت آسیب دیدند»، به جای آن که این گونه نوشته شود: «به شدت آسیب دیده اند». در بند آخر نیز به جای «انتظار می رود» با جمله «انتظار می رفت بخشی از خط راه آهن در هر دو طرف این مسیر تا مدتی بسته بماند»، مواجه ایم.

صحنه غم‌انگیز

صحنه غم‌انگیز حوادث را مورد توجه قرار دهید. تلاشهایی که برای نجات مسافران صورت می‌گیرد و همچنین فعالیتهای مأموران آتش‌نشانی و خدمه آمبولانس را بایستی برجسته نمود. ارائه سخنان شهود عینی حادثه، اغلب بر جنبه غم‌انگیز گزارش می‌افزاید.

نکات متمایز را برجسته سازید

سعی کنید با ارائه لیدی خاص، بر تمایز این آتش‌سوزی و حادثه، از سایر حوادث مشابه تأکید کنید. به جای این مطلب: «آتش شب گذشته (سه‌شنبه) کارخانه‌ای در «بیرمنگام» را ویران ساخت»، بهتر است گزارش شود: «آتش‌سوزی شب گذشته در کارخانه‌ای در «بیرمنگام» که دقیقاً دو هفته از زمان افتتاح آن می‌گذشت، حدود ۲ میلیون پوند خسارت بر جای گذارد.» به همین گونه، ممکن است حادثه در محلی که زیاد شناخته شده نیست روی دهد. از این رو ممکن است لازم باشد برای دستیابی به اطلاعات بیشتر در مورد محل حادثه، به بریده‌های جراید و یا پایگاه‌های اطلاعاتی رجوع کنید.

شرح علتها

همواره پس از وقوع حوادث غم‌انگیز مانند آتش‌سوزی، یکی از پرسشهای اولیه که مطرح می‌شود این است که چرا این حادثه روی داد. بنابراین، عنصر «چرا» در اغلب مطالب آتش‌سوزی، عنصری برجسته خواهد بود. حتی اگر مقامات، هیچ توضیحی برای ارائه به مطبوعات در دست نداشته باشند، بهتر است گزارش شود: «پلیس نتوانست علت وقوع حادثه را روشن سازد.»

امتناع پلیس از تأیید و یا تکذیب شایعاتی که در مورد علل وقوع آتش‌سوزی وجود دارند را نیز مورد توجه قرار دهید. پلیس ممکن است بگوید: «ما شایعاتی در مورد بروز آتش‌سوزی تعمدی شنیده‌ایم؛ اما در حال حاضر هیچ مدرکی در حمایت از این نظریه در دست نداریم ولی

در عین حال احتمال آن را نیز رد نمی‌کنیم.» اگر با مراجعه به یادداشتهای خود با این مطلب روبه‌رو شدید که: «ما هیچ مدرکی در تأیید نظریه آتش‌سوزی تعمدی در دست نداریم.» و سخنگوی پلیس نیز این گفته را تأیید کرده است، پس می‌توان با اطمینان لید را این‌گونه آغاز کرد: «دو زن سالمند دیروز (دوشنبه) در آتش‌سوزی در بیرمنگام جان خود را از دست دادند. با این حال، پلیس از ارائه توضیحاتی در مورد علل وقوع آتش‌سوزی امتناع ورزید.»

بدین سان، در مورد حوادث و سائط نقلیه نیز یکی از عمده‌ترین مسائلی که در گزارشهای مربوطه بایستی مورد توجه قرار گیرد، علت وقوع آن است. در این مورد نظریه‌هایی را می‌توان ارائه نمود (به عنوان نمونه، خرابی چراغ راهنمایی چهارراه)؛ اما در انتقادات اسامی افراد را نبایستی آورد.

منابع خبری عمده

نیروهای پلیس: علت بروز آتش‌سوزی را بررسی می‌کنند؛ زمان وقوع و نحوه اطلاع از آن را مشخص می‌کنند و اغلب فهرست جزئیاتی از خسارتها را نیز تهیه می‌کنند. پس از حوادث، پلیس می‌تواند در مورد بروز حادثه اظهار نظر کند؛ گاه دوربینهای مستقر برای کنترل ترافیک در خیابانها در این زمینه سودمند است. توجه کنید راننده خاصی را مقصر این حادثه به شمار نیاورید. بهتر است این‌گونه گزارش کنید: «دو اتومبیل درگیر تصادف شدند»، به جای آن که بنویسید «اتومبیل «الف» با اتومبیل «ب» تصادف کرد» و بدتر آن است که بنویسید: «اتومبیل «الف» به اتومبیل «ب» خسارت وارد ساخت.»

خدمات آمبولانس: در مورد تعداد دستگاههای آمبولانس اعزامی به محل حادثه توضیح می‌دهند (گاه چرخ بالهای مجهز به آمبولانس به محل حادثه اعزام می‌شوند)؛ در مورد تعداد مجروحینی که به بیمارستان انتقال می‌یابند نیز اطلاعاتی ارائه می‌کنند.

بیمارستانها: در مورد جزییات مربوط به مجروحین و همچنین وضعیت مجروحین بستری شده در بیمارستان و نوع جراحی توضیح می‌دهند؛ در مورد تعداد مجروحینی که تحت

مراقبت‌های ویژه قرار گرفته‌اند و همچنین در مورد تعداد کشته‌ها، توضیحاتی ارائه می‌کنند. توجه داشته باشید که برای توصیف وضعیت مجروحین و خیم، از ارائه مفاهیمی مانند «میان مرگ و زندگی دست و پا می‌زد» خودداری کنید؛ بهتر است بنویسید: «در شرایط بحرانی به سر می‌برد». از ارائه دو واژه پزشکی، «دریدگی» و «خون مردگی» در گزارش بپرهیزید. به جای آنها، به ترتیب واژگان «بریدگی» و «کبودی» را به کار ببرید. جمله‌ها «تَرَک» برمی‌دارند، اما استخوانها دچار «شکستگی» می‌شوند.

با توجه به محدودیت زمانی که در ارائه گزارش دارید، می‌توانید با دوستان و بستگان کشته‌های حادثه تماس گرفته و نظر آنان را جویا شوید. در این مورد بایستی با حساسیت برخورد کنید.

آتش‌نشانیها: در مورد تعداد ماشینهای آتش‌نشانی که در محل حادثه حضور داشتند، عملیات نجات و مشکلات خاصی که در عملیات با آن روبه‌رو بوده‌اند، آتش‌نشانیها توضیحاتی ارائه می‌دهند. گاه آنان، تحقیقات شخصی در مورد علل بروز آتش‌سوزی انجام می‌دهند و معمولاً هشدارها و نصایحی را برای پیشگیری از تکرار این‌گونه حوادث غم‌انگیز ارائه می‌دهند. توجه داشته‌باشید از کاربرد واژه «مرد آتش‌نشان» بپرهیزید (زیرا ممکن است آتش‌نشانیها زن باشند). برخی از کتابهای شیوه‌نگارش نشریات، کاربرد واژه «سخنگوی آتش‌نشانیها» را پیشنهاد می‌دهند.

شهود عینی - بازماندگان: اغلب، مطالب تأثرآوری در مورد واکنش افراد هنگام بروز آتش‌سوزی و همچنین چگونگی سرایت آتش‌سوزی به سایر بخشهای ساختمان ارائه می‌دهند. در ارائه نقل قولهایی که تقصیر بروز آتش‌سوزی و یا وقوع حادثه را متوجه فرد خاصی می‌سازد، با احتیاط عمل کنید. تحقیقات رسمی برای تعیین فرد مقصر انجام خواهد شد؛ شهود عینی ممکن است دچار اشتباه شوند.

شما ممکن است شخصاً از محل آتش‌سوزی و یا وقوع حادثه‌ای که احتمال دارد بسیار دلخراش باشد، دیدار کنید؛ در این دیدار ممکن است یک عکاس نیز همراه شما باشد. تحت

هیچ شرایطی برای دستیابی به گزارش مطلوب خود، کارگروه نجات را مختل نسازید. به احساسات افرادی که به هر صورت در حادثه یا آتش سوزی درگیر بوده‌اند و یا شهود عینی حادثه توجه داشته باشید. آنان ممکن است آمادگی گفت‌وگو را نداشته باشند. اگرچه گاهی شهود عینی برای کاهش اضطراب و نگرانی خود تمایل زیادی به گفت‌وگو دارند.

صاحبان اموال: در بروز آتش سوزیها، آنان می‌توانند میزان خسارت وارده را برآورد کنند و همچنین در صورت بیمه بودن اموال، جزییات آن را اطلاع دهند.

سازمان امداد اتومبیل، در مورد تأثیر حوادث رانندگی بر جریان ترافیک، توضیحاتی ارائه می‌دهد. اداره راه آهن نیز اطلاعاتی در مورد تأثیر حوادث راه آهن بر زمان بندی حرکت قطارها ارائه می‌دهد.

پیگیری‌ها

اغلب، پیگیری حوادث امکان پذیر است. فهرست مجروحین ممکن است با گذشت زمان تغییر یابد؛ از این رو نیازمند پیگیری خواهد بود. خدماتی که هنگام بروز حوادث غیرمترقبه ارائه می‌شود، ممکن است به دلیل عدم کارایی لازم مورد انتقاد قرار گیرد و یا به دلیل سرعت واکنش مورد تحسین واقع شود. پژوهشهای مأموران تحقیق در مرگهای مشکوک و گاه تحقیقات عمومی برای تعیین دلایل وقوع حوادث مورد بررسی قرار می‌گیرند. معمولاً تقاضاهایی برای بالابردن ضریب امنیت وسایط نقلیه عمومی، هنگام تعیین دلایل وقوع حوادث مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مورد، احزاب سیاسی و گروههای مبارز سیاسی، منابع خبری خوبی به شمار می‌روند.

معمولاً آسیبهای عاطفی قربانیان آتش سوزی و حوادث و همچنین آسیبهای عاطفی شهود عینی اینگونه حوادث، نه تنها از سوی رسانه‌ها، بلکه از سوی مقامات بهداشت و درمان و بستگان و دوستان آنان نیز مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در یک مقاله توصیفی، می‌توان به دردهای آنان و راههای فائق آمدن بر این آلام پرداخت. به عنوان نمونه، «انجمن ملی مصدومین مغزی

دارای ۹۰ گروه در سراسر کشور است که به قربانیان حوادث یاری می‌رسانند.»

تحلیل گزارش «رقصنده موریس»^(۱) در تصادف جاده جان سپرد، «مات لاک مرکوری» (۲۶) فوریه ۱۹۹۳

رقصنده «موریس» در تصادف جاده جان سپرد

رقصنده «موریس» از گروه «وینستر» دوشنبه گذشته در تصادف اتومبیل کشته شد. وی دومین فرد این گروه است که طی چهارماه اخیر دچار سانحه غم‌انگیز جاده‌ای شده است.

«دوبیت» ۴۸ ساله از «بارنکلیف»، در ساعت ۷:۵۰ سوار بر اتومبیل «واکسال» خود با اتومبیل پژوی ۲۰۵ در جاده شماره ۶۰۱۲ ب در «ادنسور» «چاتزورت» تصادف کرد و در دم جان سپرد.

اکتبر گذشته «ویلیام روی ویتهم»، ۵۹ ساله از «التون رود»، «وینستر» رییس گروه رقص «وینستر» - در سانحه‌ای در «انتون این دپیک»، پای راست خود را از دست داد و برای یک هفته تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفت.

سخنگوی پلیس اعلام کرد که این دو اتومبیل در مسیر مخالف در حال حرکت بودند که با یکدیگر برخورد کردند.

آقای «دوبیت» - که در بخش برنامه‌ریزی شورای استان «در بی‌شایر» شاغل بود - در این سانحه جان سپرد و سپس به غسلخانه «های‌پیک» در «باکستون» برده شد.

آقای «ویتهم» گفت از دست دادن آقای بیت بسیار ناگوار است. وی اظهار داشت: «از دست دادن او برای همه ما، واقعاً غم‌انگیز و تکان‌دهنده بود.»

آقای بیت از سال ۱۹۷۸، عضو گروه رقص وینستر بود و قصد داشت ماه «مه» امسال همراه با گروه و پسر جوانش به «مونتروبیانو» ایتالیا برود.

«راندن» پژو، «جواناکانن»، ۲۵ ساله از «اشبورن»، از ناحیه صورت آسیب دید و به «چستر فیلد» و بیمارستان سلطنتی «نورت دربی‌شایر» انتقال یافت.

پلیس از شاهدان عینی درخواست کرده است با شماره ۵۸۰۱۰۰ بخش ترافیک جاده‌ها در پاسگاه مات لاک تماس بگیرند.

بند ۱: تأکید بر جنبه غم‌انگیز مطلب است. اشاره به حادثه پیشین بخش اصلی مطلب را تشکیل می‌دهد. برای جلوگیری از عبارات تکراری، گزارشگر ابتدا «تصادف اتومبیل» و سپس عبارت «سانحه غم‌انگیز جاده» را به کار برده است. در اینجا برای روزنامه‌نگار آزادی عمل وجود دارد. کاربرد عبارت «سانحه غم‌انگیز» ممکن است مرگ دومین قربانی را نیز تداعی کند. اما در دنباله مطلب در می‌یابیم که قربانی سانحه، زندگی اش را از دست نداده بلکه یک پای خود را از دست داده است. بنابراین، کاربرد عبارت «سانحه غم‌انگیز» نادرست نیست، بلکه بر جنبه تأثرانگیز «لید» مطلب می‌افزاید.

بند ۲: در ادامه لید، این مسائل مطرح می‌شود: چه فردی کشته شده و چه وسائط نقلیه‌ای در این سانحه درگیر بوده‌اند؟ کجا و به‌ویژه چه وقت این سانحه روی داده است؟ کاربرد واژه «در دم» همراه با «جان سپرد» اضافی است؛ بهتر است واژه «درگذشت» به کار رود.

بند ۳: بعد از خط فاصله، بخش دوم لید آمده است. کاربرد خطوط فاصله به جای ویرگول، مغایر شیوه نگارش معمول روزنامه‌نگاری است.

بند ۴: اظهارات پلیس در مورد این تصادف آورده شده است.

بند ۵: مطالب بیشتری در مورد فرد «کشته» شده در تصادف آمده است. کاربرد ویرگول به جای خطوط فاصله بهتر خواهد بود.

بند ۶: نقل قول، ابتدا به صورت غیرمستقیم و سپس به صورت مستقیم از فردی که از حادثه‌ای مشابه جان سالم بدر برده، آورده شده است. هر دو جمله تا حدی کلیشه‌ای است.

بند ۷: جزئیات توأم با احساس در مورد فرد «کشته شده» در تصادف آمده و به ویژه درباره هدف گروه «رقاصان موریس» نیز توضیح داده شده است.

بند ۸: جزئیاتی در مورد راننده دیگر این سانحه آمده است.

بند ۹: در خواست پلیس از شاهدان عینی ماجرا مطرح شده است. مشخصاً هیچ نقل قولی از شاهدان عینی حادثه در مطلب آورده نشده است.

ارائه این گزارش در صفحه اول چندان مناسب نیست. در صفحه ۱۰ نشریه «مرکوری»،

مطلبی در مورد «روی ویتنام» که پای خود را در حادثه مشابهی از دست داده است، (تحت عنوان رقصنده «موریس» قول داده است بار دیگر روی صحنه برود) شاهدیم. مشخص است که این مطلب قبل از گزارش صفحه اول تهیه شده است. از این رو اشاره‌ای جزئی به مطلب صفحات داخلی در پی گزارش سانحه صفحه اول ضرورت داشت.

تحلیل گزارش «زنی در آتش‌سوزی جان سپرد»؛ نشریه «ویکلی پست‌اند رکورد»،
ناتینگهام (۲۱ ژانویه ۱۹۹۳)

زنی در آتش‌سوزی جان سپرد

«تام تانر»

زن مسنی که شعله‌های آتش منزل وی را فرا گرفته بود، علیرغم تلاش‌های بسیار برای نجاتش، بر اثر سرایت آتش‌سوزی به اتاق خواب، جان سپرد.

پسر ۴۰ ساله وی، چند بار تلاش کرد داخل خانه شده و مادرش را نجات دهد، اما بار آخر مأموران آتش‌نشانی «بیستون» و «دانکریک»، مانع ورود او به داخل اتاقها شده و وی را از منزل خارج کردند.

فرزند زن متوفی که شوکه شده و در پی استنشاق دود حالش به هم خورده بود، به مرکز پزشکی «کوبین» منتقل شد.

سیگار

همسایگان پس از مشاهده دود ناشی از آتش‌سوزی در خانه، با مرکز خدمات اورژانس «اوک اکرز» تماس گرفتند. کلیه وسایل منزل در اثر آتش‌سوزی از بین رفت.

شعله‌های آتش به اتاقهای زیرشیروانی خانه همسایه نیز سرایت کرد، اما مأموران آتش‌نشانی، مانع گسترش آتش‌سوزی شدند.

آتش‌نشانان در حالی که ماسکهای اکسیژن بر صورت زده بودند، منزل را جست‌وجو کردند و در اتاق خواب، زن صاحبخانه را یافتند.

پلیس معتقد است که علت بروز آتش‌سوزی آتش‌سیگار بوده است و آتش‌نشانان نیز به تحقیق در مورد علت این حادثه که آن را «آتش‌سوزی بسیار شدید» توصیف کردند، پرداختند.

همچنین آنان منتظر ورود بستگان این زن از «سوسامپتون» شدند تا هویت زن حادثه دیده مورد تأیید واقع شود.

«ان پیکرینگ» که به مدت هفت سال همسایه و دوست این زن بوده است در ساعات اولیه بروز آتش سوزی بر اثر صدای کوبیدن چندضربه به پنجره اش بیدار شده بود. پسر این زن که در خانه مقابل سکونت دارد، در حالی که به پنجره همسایه می کوبید فریاد می زد: «خانه آتش گرفته، خانه آتش گرفته».

خانم «پیکرینگ» اظهار داشت: «ما بیرون دویدیم؛ در حالی که شعله های آتش خانه را فرا گرفته بود. بناچار از راه پشت بام بیرون آمدیم، جهنمی از آتش برپا شده بود.»
«زن سانه دیده موجود بسیار نازنینی بود و هر کاری از دستش بر می آمد برای دیگران انجام می داد.»

خانم «پیکرینگ» در نظر دارد در محل خانه سوخته به یاد دوست مرحومه اش گل بکارد.
مأموران مرکز نجات و مقابله با آتش سوزی «ناتز» تأکید کردند دود ناشی از آتش سوزی هشدار می است به ساکنان خانه تا از نایه های حیاتی استفاده کرده از محل آتش سوزی دور شوند.

مضمون ۱: مرگ زن و شکست پسر در اقدام برای نجات مادر

بند ۱: برجنبه های غم انگیز و تراژیک عواقب مطلب تأکید دارد. مرگ پیرزن و شکست تلاشهای بی وقفه برای نجات وی مورد توجه است. شاید اشاره به پسر پیرزن و تلاشهای وی در لید، جنبه غم انگیز مطلب را برجسته سازد. بنابراین بهتر است نوشته شود: «زن سالمندی که شعله های آتش منزل وی را فرا گرفته بود، علی رغم تلاشهای زیاد پسرش بر اثر سرایت آتش سوزی به اتاق خوابش جان سپرد. این مرد ۴۰ ساله، چندین بار تلاش کرد تا...». در مطلب نایستی تاریخ آورده شود. روزنامه ها و هفته نامه های آزاد به ندرت تاریخ مطالب خبری خود را ذکر می کنند.

بند ۲: برجنبه غم انگیز بودن تلاشهای پسر برای نجات مادر تأکید می کند.

بند ۳: پیامدهایی که برای پسر داشته است ذکر می شود.

مضمون ۲: ترتیب زمانی ماجرای غم انگیز آتش سوزی

بند ۴: با ارائه جزئیات چگونگی بروز آتش سوزی آغاز می شود؛ سپس به نوع و میزان

خسارت وارده به لوازم منزل اشاره می‌کند.

بند ۵: جزئیات بیشتری در مورد گسترش آتش‌سوزی قبل از آن که تحت کنترل درآید، ارائه می‌شود.

بند ۶: بخش ترتیب زمانی بروز آتش‌سوزی با کشف جسد از سوی آتش‌نشانها پایان می‌یابد. مضمون ۳: دیدگاه پلیس در مورد علت احتمالی بروز آتش‌سوزی و مراحل تشخیص
بند ۷: نقل قول از پلیس در مورد علت آتش‌سوزی دارای اهمیت است؛ از این رو ممکن است ارائه آن به دنبال بند ۴، جابه‌جایی مناسبی باشد.

بند ۸: مضمون «مرگ زن» ادامه می‌یابد. اگر بند ۷ جابه‌جا شود، ارائه این بند، به دنبال بندی که کشف جسد زن از سوی آتش‌نشانها را مطرح کرده است، مناسب به نظر می‌رسد.

مضمون ۴: شاهد عینی

بندهای ۹ و ۱۰: سخنان غم‌انگیز پسر که در حال فریاد بر پنجره همسایه می‌کوبد.

بندهای ۱۱ و ۱۲: نقل قول مستقیم از شاهد عینی.

بند ۱۳: نقشه وی برای قدردانی از دوست خود.

مضمون ۵: پندهایی که به دنبال می‌آید

بند ۱۴: هشدار داده شده از سوی مرکز خدمات نجات و مقابله با آتش‌سوزی. چاپ هیچ عکسی از این زن قربانی امکان‌پذیر نیست و پلیس تا زمانی که بستگان وی اطلاع یابند، از ارائه آن سرباز می‌زند.

تحلیل لید گزارش «کودکی بر اثر پرتاب بمب بنزینی در آتش سوخت» نشریه «دیلی تلگراف» (۵ مارس ۱۹۹۳).

کودکی بر اثر پرتاب بمب بنزینی در آتش سوخت

«تیم بوچر»

کودک هفت ماهه‌ای بر اثر آتش ناشی از پرتاب دو بمب بنزینی به ایوان خانه‌ای در «کاونتری»، به شدت سوخت.

«سین لاتگ» که با مادرش در خیابان «چارلز» نزدیکی مرکز شهر زندگی می‌کند، چهارشنبه شب هنگام وقوع حادثه در خانه همسایه‌شان آقای «نورمن لوچ» و همسرش «آن ماری» به سر می‌برد. هنگامی که کودک در اتاق منزل خانواده «لوچ» مشغول بازی بود، ناگهان شیشه شکست و دو بمب بنزینی به داخل اتاق بر روی کاناپه پرتاب شد.

لباسهای «سین» آتش گرفت و قبل از آن که آقای «لوچ»، ۵۲ ساله شعله‌های آتش را مهار کند، «سین» دچار ۱۲ درصد سوختگی شد. آقای «لوچ» در ناحیه دست دچار سوختگی مختصری شد. آتش فوراً مهار گردید و خسارت وارده به خانه جزئی بود.

سخنگوی پلیس «وست میدلندز» گفت پرتاب بمبهای بنزینی «حمله کینه توزانه‌ای» بوده که به دنبال درگیری میان یک عضو خانواده لوچ با جوانی در محل صورت گرفته است. شب گذشته پلیس مرد جوانی را در ارتباط با این حمله مورد بازجویی قرار داد. دختر آقای لوچ، «آنیتا» ۱۳ ساله، اظهار داشت که برادرش «وینی» ۱۵ ساله، در مورد یکی از دوستانش، مشاجره‌ای با یک جوان داشته است. «آن جوان با گروهی از دوستانش از هنگام ظاهر شدنشان در خیابان، فحش و ناسزا سرداده بودند.»

«من کنار شومینه نشسته بودم که ناگهان صدای شکستن پنجره به گوش رسید؛ سپس شعله‌های آتش همه جا را فرا گرفت. کودک در کف اتاق مشغول بازی بود که شعله‌های آتش از کاناپه به لباسهای او سرایت کرد.»

«همه در حال جیغ زدن و فریاد کشیدن بودند. پدرم، «سین» را برداشت و به سوی آشپزخانه دوید و وی را زیر جریان آب سرد قرار داد تا شعله‌های آتش را خاموش کند.»

«سین» به بخش سوختگی بیمارستان بیرمنگام منتقل و وضعیت عمومی وی وخیم اعلام شد. هنگامی که آتش‌نشانها به صحنه آتش سوزی رسیدند، دریافتند که قبل از ورود آنان، آتش از سوی افراد محلی از جمله پدر «جیلز هریس - ایوانز»، کشیش کلیسای محلی «سنت پیترز» خاموش شده است.

یکی از همسایگان اظهار داشت: «گروهی از جوانان با «نورمن» و پسرش «وینی» مشاجره کردند، اما پس از چند لحظه، محل را ترک کردند. نیم ساعت بعد صدای انفجار به گوشم رسید؛ فوراً بیرون دویدم و خانه «نورمن» را در شعله‌های آتش یافتیم.»

لید مطلب بر جنبه غم‌انگیز جراحی کودک بر اثر انفجار بمبهای بنزینی تأکید دارد. در لید، تاریخ وقوع آتش‌سوزی نیامده؛ زیرا این حادثه، دو روز قبل از انتشار روزنامه روی داده بود. ذکر تاریخ در لید از تأثیر غم‌انگیز بودن حمله به کودک با بمبهای بنزینی می‌کاهد. زبان گزارش زبانی واقعی است و هیچ صفت و یا قید بیش از اندازه احساسی (مانند «در حمله‌ای بیرحمانه» و یا «نجات قهرمانانه کودک توسط همسایه») به کار نرفته است.

به ساختار زبان گزارش توجه کنید: کودک اول مطرح می‌شود. گزارشگر، گزارش را این‌گونه آغاز می‌کند: «کودک هفت ماهه‌ای بر اثر آتش ناشی از پرتاب دو بمب بنزینی به ایوان خانه‌ای در «کاونتری» به شدت سوخت.» ضعیف‌تر از آن، ارائه مطلب بدین ترتیب می‌بود: «ایوان خانه‌ای در «کاونتری» بر اثر اصابت دو بمب بنزینی دچار آتش‌سوزی شد. کودکی به نام «سین لانگ» که در اتاق مشغول بازی بود، بر اثر اصابت بمبهای بنزینی به کاناپه دچار سوختگی شدید شد.» بند ۲: ترتیب زمانی این بخش با بازی کودک در منزل همسایه آغاز می‌گردد.

برخورد مطبوعات با تظاهرات: تهیه گزارش از راهپیمایی‌ها

مطبوعات و خط مشی سیاسی آنها بیش از پیش با یکدیگر همسازند. هر چند تاریخ وقوع تظاهرات به زمانهای قبل از شکل‌گیری رسانه‌های جمعی برمی‌گردد، با این حال بُعد رسانه‌ای تظاهرات دارای اهمیتی خاص است. مردم، پلاکاردهایی را که شعارهای مشخصی بر آن نقش بسته با خود حمل می‌کنند، لباسهای نامتعارف بر تن می‌کنند، آواز سر می‌دهند، آلات موسیقی می‌نوازند، روشی نمادگرایانه را برمی‌گزینند، بیانیه‌هایی را توزیع می‌کنند و سخنگویان برجسته‌ای را نیز با خود همسو می‌سازند؛ اتخاذ تمامی این روشها دلایل سیاسی دارد. اما این قبیل راهکارها برای جلب توجه رسانه‌ها نیز به کار می‌رود.

تظاهرات اهداف بسیاری را دنبال می‌کند. برای شرکت‌کنندگان و برپاکنندگان آن، بیانگر ارائه بیانیۀ عمومی از همبستگی افراد برای هدفی مشترک است. هنگامی که مردم خشمگین و یا نگران هستند ممکن است تظاهراتی را برپا دارند. گویی راههای سنتی بحث و عملکرد سیاسی

در اتاقهای مملو از دود سیگار هیأتها، رسانه‌ها، پارلمان و جلسات اعتراض آمیز قادر به بیان چنین احساسات برانگیخته‌ای نیستند. از این رو مردم برای بیان احساسات خود به خیابانها می‌ریزند.

برگزاری تظاهرات و تحصن در لندن رویدادی عادی محسوب می‌شود؛ از این رو جای تعجبی ندارد که اغلب این تظاهرات از سوی مطبوعات نادیده گرفته شود. حتی اغلب تظاهرات گسترده (که با شرکت هزاران نفر برگزار می‌شود) نیز به همان سرنوشت دچار می‌شوند و صرفاً به صورتی حاشیه‌ای در مطبوعات با آن برخورد می‌شود. برای انعکاس گردهمایی‌های سیاسی در مطبوعات، ممکن است به چاپ عکس زیبایی از تظاهرات بسنده شود و یا این که با تأکید بر حضور و انعکاس سخنان فرد مشهوری، بیش از اندازه به این گردهمایی جنبه شخصی داده شود.

لحن و جنبه‌های گوناگون اغلب گزارشها، معمولاً از نگرش روزنامه‌ها به رویدادها تأثیر می‌پذیرد. تظاهرات گسترده سازمان مبارزه برای خلع سلاح هسته‌ای، طی سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰، بازتابی منفی در مطبوعات داشت؛ زیرا روزنامه‌ها اغلب نگرش مخالفت آمیزی نسبت به خلع سلاح هسته‌ای یکجانبه داشتند. در مقابل گردهمایی لندن که در حمایت از معدنچیان و به دنبال اطلاعیه ناگهانی دولت مبنی بر بستن معادن در سال ۱۹۹۲ صورت گرفت، بازتاب گسترده مثبتی در مطبوعات داشت و بسیاری از گزارشهای صفحه اول را به خود اختصاص داد. تظاهراتی که به خشونت می‌گراید، همواره بازتاب منفی در مطبوعات دارد. حتی اگر این خشونت فقط دسته کوچکی از شرکت‌کنندگان را درگیر ساخته باشد و یا این که فقط دقایقی به طول بیانجامد و یا حتی اگر آغازگر خشونت نیز نیروهای پلیس باشند. اغلب لید گزارشهای روزنامه‌ها در مورد فقدان خشونت است: «تظاهرات دیروز سازمان مبارزه برای خلع سلاح هسته‌ای در لندن به آرامی برگزار شد. تنها مشکلی که برای پلیس ایجاد شد، ترافیک سنگین خیابانها بود.»

هنگامی که خشونت به بار می‌آید، تقصیر آن صریحاً یا به طور ضمنی متوجه تظاهرکنندگان

می‌شود. گاهی انعکاس تظاهرات در مطبوعات در ستونهای خبری و بدون اتخاذ هیچ موضعی صورت می‌گیرد؛ اما در مقالات، تفسیرها و یا سرمقاله‌ها، معمولاً از سوی مطبوعات موضعی حمایت‌آمیز و یا مخالفت‌آمیز اتخاذ می‌شود.

برای مطبوعات محلی، وقوع یک تظاهرات (حتی از نوع صلح‌آمیز آن)، موضوع خوبی برای گزارش محسوب می‌شود. اغلب پیش از وقوع تظاهرات، برنامه‌های برگزارکنندگان تظاهرات و همچنین نیروهای پلیس در مطبوعات محلی مطرح می‌شود.

دستورالعمل برای تهیه گزارش از تظاهرات

● گزارش از تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات دارای اهمیت است. اغلب میان آماری که از سوی برگزارکنندگان تظاهرات و همچنین نیروهای پلیس ارائه می‌شود، تفاوت چشمگیری وجود دارد. منبع آمارها همواره بایستی مشخص شود. منابع خبری همچنین ممکن است در مورد تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات نظراتی داشته باشند. آنان ممکن است از تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات خشنود یا ناامید شوند. و یا وضعیت بد هوا را مقصر اصلی قلمداد کنند. هرگز صحبت یک برگزارکننده تظاهرات را، که تظاهرات برگزار شده را گسترده‌ترین تظاهرات در شهر می‌خواند بدون تحقیق منعکس نسازید. ادعاهایی از این قبیل نیازمند بررسی مجدد است.

● اگر این تظاهرات شامل راهپیمایی بوده است، مسیر راهپیمایی را در گزارش مشخص کنید. همچنین واکنش عابران را نسبت به این راهپیمایی منعکس سازید.

● همواره حضور در راهپیماییها برای تهیه گزارش، ارزشمند است. انعکاس شعارهایی که در تظاهرات مطرح می‌شوند، به جذابیت عینی گزارش می‌افزاید. در برخی موارد، معرفی خود به‌عنوان یک روزنامه‌نگار، کار مدبرانه‌ای نخواهد بود. برخی گزارشگران و عکاسان، از سوی تظاهرکنندگانی که از پیشداوریهای اغلب روزنامه‌ها، دل‌خوشی نداشته‌اند، مورد حمله قرار گرفته‌اند. تسلیم برخی سردبیران مطبوعات در برابر خواسته‌های نیروهای پلیس مبنی بر تحویل

دادن عکسهای افراد درگیر در تظاهرات، روزنامه‌نگاران را در برابر چنین مسائلی مورد حمایت قرار نمی‌دهد.

● شرکت‌کنندگان در تظاهرات، گروههای محلی و ملی مختلفی را دربرمی‌گیرند. از این رو تعیین هویت این گروهها، کار ارزشمندی خواهد بود. به غیر از سخنگویان، می‌توان شرکت‌کنندگان عمده را نیز مشخص نمود.

● تظاهرات معمولاً با برپایی گردهمایی‌هایی که در آن سخنرانی‌هایی نیز ایراد می‌شود، پایان می‌یابد. تهیه گزارش مربوط به آن نیز بستگی به فضای موجود نشریات دارد. روزنامه‌های محلی که به عنوان «نشریات ثبت وقایع» فعالیت می‌کنند، اغلب تا حد امکان با توجه به ارزشهای خبری، سخنرانیهای مختلف را پوشش خبری می‌دهند.

● انعکاس واکنش شنوندگان در قبال سخنرانان (به‌عنوان نمونه، کف زدن، هو کردن و اخلال کردن) نیز بر جذابیت مطلب و جنبه عینی آن می‌افزاید.

● اغلب نگارش پیش زمینه برای گزارش تظاهرات ضروری است. به‌عنوان نمونه، هنگامی که تظاهرات بخشی از مجموعه اعتراضات در سطح ملی و یا در سطح کشورهای اروپایی را تشکیل می‌دهد، بایستی پیش زمینه‌ای در مورد موقعیت مکان مورد نظر و همچنین عملکرد شهری چون لندن در جای مناسب گزارش قید شود.

● اگر تظاهرات به خشونت کشیده می‌شود و یا دستگیری عده‌ای از تظاهرکنندگان را به دنبال دارد، دقت کنید با این مسائل احساسی برخورد نکنید. سعی کنید دیدگاههای متعارض را در مورد علت بروز خشونت از منابع مختلف مانند نیروهای پلیس، برپاکندگان تظاهرات، شرکت‌کنندگان و شهود عینی ارائه دهید.

● گزارشگرانی که از راهپیمایی‌ها گزارش تهیه می‌کنند بایستی از مفاد قانون نظم عمومی ۱۹۸۶ آگاه باشند. این قانون به نیروهای پلیس قدرت غیر قابل پیش‌بینی تازه‌ای بخشیده است. بر اساس این قانون، برپاکندگان تظاهرات بایستی هفت روز قبل از برگزاری تظاهرات، نیروهای پلیس را در جریان قرار دهند. در غیر این صورت برگزاری تظاهرات عملی نخواهد بود.

نیروهای پلیس مختارند که برپایی این راهپیمایی را ملزم به رعایت شرایطی بدانند و یا این که برپایی آن را ممنوع کنند. وانگهی اگر تاریخ، زمان و مسیر راهپیمایی با آنچه که قبلاً به پلیس اطلاع داده شده تفاوتی داشته باشد، از نظر مقررات جرم محسوب می‌شود. بستن جاده‌ها، روشی است که به‌طور معمول توسط پلیس اعمال می‌شود تا مانع برگزاری تظاهرات عمده از سوی مردم شود.

تخمین زده می‌شود در نتیجه اعمال روش بستن جاده‌ها از سوی نیروهای پلیس طی درگیری‌های معدنکاران زغال سنگ در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ بیش از ۳۰۰ هزار تن نتوانستند در تظاهرات شرکت کنند. صلح‌طلبان و توریه‌هایی که برگزاری فستیوال سنتی تابستانی در «استوننج» را مد نظر داشتند، با بستن جاده‌ها از سوی نیروهای پلیس مواجه شدند.

تحلیل گزارش «تظاهرکنندگان نسبت به افزایش بیکاری اعتراض کردند» نشریه «هرتز انداسکس آبزور» (۲۵ فوریه ۱۹۹۳؛ صفحه ۱۳)

تظاهرکنندگان نسبت به افزایش بیکاری اعتراض کردند

گزارش از کاترین داناچی

تظاهرکنندگان به خیابانهای «بی‌شاپ استورت فورد» ریختند و به‌عنوان بخشی از اعتراضات سراسری علیه افزایش شمار بیکاران که به‌سه میلیون تن بالغ می‌شود، مخالفت خود را ابراز داشتند. آمارها از منطقه «بی‌شاپ استورت» و «هوتفورد» حاکی از آن است که از مارس ۱۹۹۰ تاکنون ۳۵۰ درصد به شمار بیکاران افزوده شده است و طی این مدت، در منطقه «سافرون والدن» نیز ۳۷۴ درصد افزایش بیکاری نشان داده می‌شود.

حدود ۵۰ تن از اعضای اتحادیه مالی تولیدکنندگان صنعتی که اغلب از دانشگاه «وایت هال» در «بی‌شاپ استورت فورد» می‌باشند، روز پنج‌شنبه از جاده «این اوکویز» به سوی شهر به راه افتاده و اعتراضات خود را از طریق راهپیمایی و پخش اعلامیه ابراز داشتند. سخنگوی تظاهرکنندگان «تینامکی» اظهار داشت: «همراه با اعضای محلی حزب کارگر، خشم و نگرانی خود را در مورد سطح گسترده بیکاری اعلام می‌داریم».

«میزان افزایش بیکاری حیرت‌آور بوده و اکنون بیش از سه میلیون بیکار داریم- در حالی که به صورت غیر رسمی، شمار بیکاران از این آمار هم فراتر می‌رود که برآستی فاجعه است.»

«افرادی که در این طیف قرار می‌گیرند واقعاً نگرانند و ما نیز از حمایت وسیعی در سطح شهر برخورداریم.»

آمار وزارت کار حاکی از آن است که ماه گذشته ۳۷۲۲ تن در «بی‌شاپ استورت فورد» و «هرتفورد» و همچنین ۳۷۴۷ تن در «سافرون والدن» بیکار بوده‌اند.

این رقم را با ۸۲۷ بیکار در «بی‌شاپ استورت فورد» و «هرتفورد» در مارس ۱۹۹۰ و همچنین ۷۸۹ بیکار در «سافرون والدن» در آن زمان مقایسه کنید.

به عنوان بخشی از تظاهرات سراسری، «جان ادmondز»، دبیر کل اتحادیه کالاهای عمومی انگلیس خواستار اقدامی فوری برای پایان بخشیدن به «فاجعه» اقتصادی کنونی شد.

«این اقتصاد، نیازمند افزایش حداقل ۱۰ میلیارد پوند است. «جان میجر» مسؤول بدبختی مردم معمولی شناخته شده است، اما وی نه چیزی می‌شنود و نه کاری انجام می‌دهد.»

ارائه این گزارش در صفحه ۱۳ نشریه بسیار بجاست. اگر این تظاهرات به خشونت می‌کشید، احتمالاً این گزارش در صفحه اول جای می‌گرفت.

ساختار مضمونی گزارش

- بخش ۱: دیدگاه کلی از تظاهرات که جایگاهی سراسری دارد (اما نه در سطح کشورهای اروپایی) (بند ۱).
- بخش ۲: جزئیات بیکاری محلی (بند ۲).
- بخش ۳: جزئیات در مورد راهپیمایی (بند ۳).
- بخش ۴: سخنان «تینا مک‌کی» (بندهای ۴ تا ۶).
- بخش ۵: به مضمون بند ۲ باز می‌گردد. جزئیات بیشتری در مورد بیکاران (بندهای ۷ و ۸).
- بخش ۶: سخنان «جان ادmondز» (بندهای ۹ و ۱۰)

تحلیل مشروح

بند ۱: جنبه محلی مطلب همراه با ارائه آمار بیکاری در سطح کشور که از سه میلیون تن فراتر رفته است، مورد تأکید قرار می‌گیرد. هیچ تاریخی ارائه نمی‌شود، زیرا اشاره به «هفته گذشته» در این بند، از تأثیر خبری آن می‌کاهد. ارائه تاریخ «روز پنج‌شنبه» تا بند ۳ به تعویق می‌افتد.

بند ۲: ارائه جزییات محلی در مورد بیکاری، افزایش ناگهانی بیکاری از مارس ۱۹۹۰ تاکنون را مورد تأکید قرار می‌دهد. بقیه جزییات نیز بعداً ذکر می‌شود. اگر بندهای ۷ و ۸ در این بخش از گزارش آورده می‌شد، ارائه جزییات واقعی مطلب، اخبار مربوط به ضرورت وقوع چنین تظاهراتی را تحت الشعاع قرار می‌داد.

بند ۳: شرکت «حدود ۵۰ عضو» زیاد تأثیرگذار نیست (به‌ویژه در مقایسه با ۱۰۰ تن شرکت‌کننده در تظاهرات محلی همان روز که در گزارش «مات لاک مرکوری» منعکس شد). منبع ذکر نشده است. ولی مسیر راهپیمایی در این بند مشخص می‌شود.

بند ۴ تا ۶: اولین سخنگو همراه با نامش ذکر می‌شود. نقل قولها پر از لفاظی به نظر می‌رسند و صرفاً مسائل مطرح در لید را تکرار نموده‌اند و همچنین اشاره به «حمایت وسیع» در اینجا، با ذکر فقط ۵۰ تن تظاهرکننده در گزارش، هماهنگی ندارد. شاید منظور گزارشگر آن بوده است که خوانندگان کنایه آمیز بودن این عبارت را درک کنند.

بندهای ۷ و ۸: ارائه جزییات و تکرار نام مناطق بیکاران غیرضروری به نظر می‌رسد.

بندهای ۹ و ۱۰: عبارت «به‌عنوان بخشی از تظاهرات سراسری» نامشخص است در حالی که تظاهرات مشابهی نیز در سطح کشورهای اروپایی انجام شده بود؛ چون در این گزارش قبلاً به اتحادیه کالاهای عمومی انگلیس اشاره‌ای نشده است بایستی از ارائه آن به صورت اختصار پرهیز کرده و مطلب به صورت کامل آورده شود. نقل قول قاطعی نیز ارائه شده است.

ارائه عکس تا حدی تصنعی به نظر می‌رسد و بایستی دارای شرح عکس باشد.

درخواست راهپیمایان: نه ۳۱ تن... نه یک تن

«ایزولدامک نیل»

نه ۳۱، نه ۲۱، نه ۱۰ و نه یک تن، بلکه آوای اعتراض بیش از ۱۰۰۰۰ تظاهرکننده برخاست. آوای تظاهرکنندگانی که آخر هفته در دفاع از معادن زغال سنگ کشور دست به راهپیمایی گسترده زده بودند. درخواست آنان نجات ۳۱ معدن زغال سنگ بود که در معرض تعطیلی قرار گرفته بودند و همچنین فریاد اعتراض آنان که هرگونه مصالحه‌ای را مردود می‌شمردند، در خیابانهای لندن طنین انداخته بود.

در تظاهرات «زنان مخالف تعطیلی معادن زغال سنگ»، گروهی از کودکان معدنچیان که هر یک پلاکاردی حاوی فهرست اسامی معادن زغال سنگ در دست داشتند، پیشاپیش تظاهرکنندگان حرکت می‌کردند.

پلاکارد معدنچیان - که بسیاری از آنان از معادن تعطیل شده آمده بودند - تماماً به دنبال گروه زنان معترض تظاهرکننده و کودکان به نمایش درآمده بود.

همچنین مرکز فعالیتهای اتحادیه‌های کارگری آنجا بود؛ انبوه پلاکاردهای مربوط به هر یک از اتحادیه‌های کارگری انگلیس به نمایش درآمده بود.

شعارهای متفاوتی از سوی حزب کارگران سوسیالیست به چشم می‌خورد؛ اعضای این حزب از حمل پلاکاردهایی که حاوی شعارهای همسو با زنان مخالف تعطیلی معادن زغال سنگ بود، امتناع می‌کردند. علیرغم تقاضاهای مکرر از سوی زنان برپاکننده تظاهرات - و همچنین قولهایی که داده شد - آنان همچنان بر حمل شعارها و پلاکاردهای حزبی خود اصرار می‌ورزیدند.

اما این روز متعلق به زنان برپاکننده تظاهرات بود، زنانی که ستون اصلی مقاومت معادن زغال سنگ را تشکیل می‌دادند.

این امر کاملاً در شعار پلاکاردهای تجمع زنان معترض معادن زغال سنگی که در آستانه تعطیلی قرار داشت، مشخص بود.

اغلب سخنرانان را که برای گردهمایی اعتراض‌آمیز نسبت به تعطیلی معادن در «هاید پارک» سخنرانی می‌کردند، زنان تشکیل می‌دادند. «ارتور اسکارگیل» رهبر معدنچیان تنها مرد سخنران بود. «این اولین باری نیست که معدنچیان کانون تمرکز مخالفت‌های مردمی علیه دولت جزم اندیش شده‌اند.» از سخنانی بود که «مارگارت بکت»، قائم مقام رهبر اتحادیه کارگری ایراد کرد.

«مارین رونی» با تأکید بر ضرورت دفاع از پایگاههای تولید صنعتی‌مان خاطر نشان ساخت: «واقعیت این است که ما روزه روز شاهد افزایش شمار بیکاران خواهیم بود.»

«آن کلود»، نماینده حزب کارگر در پارلمان به این حقیقت اشاره نمود که اعتراض اولیه از ۷۵ سال

پیش، روزی که زنان انگلیسی حق رأی کسب کردند، آغاز شده است. وی با یادآوری این نکته که از زمان انتخاب وی به نمایندگی پارلمان ویلز، هفت معدن از هشت معدن زغال سنگ ویلز تعطیل شده‌اند، اظهار داشت: «ما ۱۰۰۰ سال دیگر در دل معادن خود، زغال سنگ داریم، اما ۱۰۰۰ سال نفت نداریم.»

«مارگارت دان»، طی سخنان کوتاه مهیجی از «آن اسکارگیل» در خواست کرد به پشت تریبون آمده و چک ۱۰۰۰ پوندی را که زنان کارگر از دستمزد ناچیز خود برای کمک به این مبارزات جمع‌آوری کرده‌اند دریافت کند.

خانم «دان» با محکوم کردن «زشتی» حملات دولت به کارگران منطقه، خطاب به جمعیتی که کف می‌زدند گفت: «بگذارید شاهد فداکاری‌های شهروندان باشیم، اجازه دهید فداکاری‌های دولت را نیز شاهد باشیم.»

«ما می‌خواهیم معادن زغال سنگ را نجات دهیم، نه برای اینکه امر خیری برای معدنچیان انجام دهیم، بلکه به دلیل ارزش اقتصادی که این امر داراست و به همین دلیل نیز مورد توجه مردم انگلیس قرار دارد.» این مطالب از سوی نماینده حزب کارگر در مجلس «دایان ابوت» اظهار شد.

ابراز احساسات بسیار گرمی از سوی جمعیت برای یک زن اعتصاب‌کننده «برن سال» که خواهرش صحبت‌های وی را از پنجابی به انگلیسی ترجمه می‌کرد، انجام شد. وی در آخر صحبت‌های خود فریاد برآورد: «درود بر اعتصاب‌کنندگان «برن سال»، درود بر معدنچیان.»

به اعتقاد سرپرست کمیته زنان کنگره اتحادیه‌های کارگری «مارگارت پروسر»، مبارزات در زمینه‌های گوناگون را بایستی با مبارزه برای نجات شوراها پیوند داد.

رهبر اتحادیه «آرتوراسکارگیل»، اظهار داشت که حرکت مردان پشت سر راهپیمایان زن به مناسبت سالگرد کسب حق رأی توسط زنان، اقدامی «کاملاً بجا» بود.

وی افزود: «من اگر نگویم زمانی فرا خواهد رسید که دیگر اقدام به راهپیمایی کافی نخواهد بود، وظیفه خود را انجام نداده و به آرمانهای خود خیانت ورزیده‌ام.»

«زمانی فرا خواهد رسید که ما متوجه این امر بشویم که در برابر ارتجاعی‌ترین دولت، بایستی واکنش نشان داد.»

آقای «اسکارگیل» عنوان کرد این واکنش بایستی عملکردی صنعتی باشد؛ وی همچنین از کنگره اتحادیه‌های کارگری و کلیه جنبش‌های کارگری درخواست کرد که به اعتصاب معدنچیان بپیوندند.

وی تأکید کرد: «بگذارید قدرت واقعی مردم را به خوبی بشناسیم.»

لحن این گزارش که در نشریه روزانه حزب کمونیست انگلیس منتشر شده با آنچه در گزارش قبلی شاهدش بودیم، تفاوت بسیاری دارد. موضع این گزارش، در حمایت از تظاهرکنندگان بسیار تعصب آمیز است. گرچه این راهپیمایی مسالمت آمیز بود، اما این گزارش آن را بسیار برجسته کرده است. واژگانی که در این گزارش به کار رفته است، واژگانی مثبت و مبارزه جویانه است؛ واژگان و عبارتهایی مانند: «آوای اعتراض»، «در خیابانهای لندن طنین انداخته بود»، «تعمداً»، «مرکز فعالیتهای اتحادیه‌های کارگری»، «انبوه»، «این روز متعلق به زنان بود»، «زمان کوتاه مهیجی»، و «ابراز احساسات بسیار گرم». همراه با واژه ساده «گفت» هنگام ارائه نقل قولها، واژه‌های تأثیرگذاری مانند «اعلام کرد»، «محکوم کرد»، «خطاب کرد» و «تأکید کرد» به کار رفته است.

این مطلب توجه خاصی به سخنرانان مختلف ابراز می‌دارد و همچنین نکات سیاسی را که در این تظاهرات نمود یافته است، برجسته می‌سازد.

بند ۱: نوع گزارش، با ارائه اهداف راهپیمایی و با شعاری که در لید آمده است، تعیین می‌شود. ارائه این شعار، آغازی قابل توجه برای این گزارش فراهم آورده است. بلافاصله تعداد شرکت‌کنندگان در راهپیمایی اعلام می‌شود؛ اما منبع این آمار مشخص نمی‌شود، بلکه فقط تاریخ «آخر هفته» ارائه می‌شود.

بند ۲: تکرار لید این بار با زبانی جذابتر.

بند ۳: ارائه گزارش عینی از جزئیات قابل توجه آن، تصویر روشنی را از این رویداد فراهم می‌آورد. تأکید بر کودکان تظاهرکننده به لحن احساسی مطلب می‌افزاید.

بند ۴: همبستگی میان معدنچیان، همسران و کودکان برجسته شده است.

بند ۵: مضمون همبستگی، (کمی پرسش برانگیز) با اشاره به «هر یک از اتحادیه‌های

کارگری» شکل می‌گیرد.

بندهای ۶ و ۷: نکته مثبتی که در این مطلب مورد تأکید قرار گرفته است فقط با اشاره به حزب کارگران سوسیالیست، تغییر می‌یابد. اهمیت نزاع گروهی چپها در ارائه این مسأله انعکاس

می‌یابد.

بند ۸: بار دیگر با اشاره به زنان «برپاکننده تظاهرات» به عنوان «ستون اصلی مقاومت معادن زغال سنگ»، به نکته مثبت مطلب باز می‌گردد.

بند ۹: اهمیت نمادین شعار پلاکاردهای آنان که قبلاً در بند ۴ آمده بود، بار دیگر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

بند ۱۰: اولین اشاره به سخنرانان راهپیمایی عنوان می‌شود؛ «آرتور اسکارگیل» به عنوان تنها مرد سخنران معرفی می‌شود.

بند ۱۱: نقل قول از «مارگارت بکت» آورده می‌شود؛ اما به عنوان سخنرانی جدید، نام وی بایستی در آغاز جمله می‌آمد.

بند ۱۲: کاربرد مناسب عبارت (با تأکید بر...) برای تغییر ساختار جمله هنگام ارائه نقل قول مشاهده می‌شود. ضمیر «مان» به جای واژه «کشور» به کار رفته است تا با ضمیر «ما» در نقل قول مستقیم هماهنگی داشته باشد.

بندهای ۱۳ و ۱۴: لید قابل توجهی برای آغاز بخش سخنان «کلود» محسوب می‌شود.

بند ۱۵: محتوای احساسی مطلب با اشاره به «سخنان کوتاه مهیج» و سخاوت مزدبگیران با دستمزد ناچیز شکل می‌گیرد.

بند ۱۶: عمق احساسی مطلب ادامه می‌یابد و جنبه سخاوتمندی فقرا در کنار آن قرار می‌گیرد و سخن «دان» با درخواست وی از شهر و دولت برای مبادرت به فداکاری برجسته می‌شود. مطلب «به جمعیتی که کف می‌زدند، گفت» لحن این بخش را مشخص می‌سازد و جذابیت عینی مختصری به آن می‌بخشد.

بند ۱۷: نقل قول مستقیم از «ابوت» ارائه می‌شود، اما نام گوینده نقل قول بایستی در شروع جمله می‌آمد.

بند ۱۸: کاربرد «ابراز احساسات بسیار گرم» جذابیت عینی بیشتری به مطلب می‌بخشد. دید مناسب گزارشگر در اینجا همراه با شعارهای مبارزه طلبانه که بیانگر فضای گردهمایی

می باشد، ارائه شده است.

بند ۱۹: سخنان «پروسر»، سرپرست کمیته زنان اتحادیه های کارگری در مورد پیوند مبارزات برای نجات شوراها ارائه می شود.

بندهای ۲۰ تا ۲۴: مطالب تنها مرد سخنران به صورتی نمادین در آخر گزارش ارائه می شود. اما وی از این امتیاز یعنی ارائه طولانی ترین نقل قول در گزارش برخوردار است. پنج بند گزارش به انعکاس نقل قول وی اختصاص می یابد.

مسائل مورد توجه مردم

مطالبی که به مسائل انسانها می پردازند، در تمامی بخشهای مطبوعات از اولویت خاصی برخوردارند؛ نه تنها در زمینه های مشخصی مانند: گزارشهای تشریحی، مرور منتخب زندگی نامه های افراد و مقالات توصیفی در مطبوعات عامه پسند، بلکه در نشریات وزین، مطبوعات محلی و در کلیه زمینه های تخصصی نیز مسائل انسانی از اولویت برخوردارند. مطالب سیاسی مطبوعات به اندازه مطالب ورزشی و هنری در کانون توجه انسانها قرار دارد. برخی مطبوعات، کشمکش میان دو فرد سرشناس را مطرح می سازند: «میجر» در مقابل «اسمیت»؛ «بروس کنت» در مقابل «تاچر»؛ «ریگان» در مقابل «گورباچف» یا «قذافی»؛ «ماکسول» در مقابل «مردوخ»؛ «بوش» در مقابل «نوریه گا» یا «صدام حسین» و غیره.

هر نشریه ای را که ورق بزنید در تمامی بخشها، با مسائل مورد توجه مردم روبه رو می شوید. به عنوان نمونه، بخشی از نشریه «لیورپول اکو» شماره ۱۵ می ۱۹۹۲ را در نظر بگیرید. در صفحه اول این نشریه، گزارشی در مورد ازدواج قهرمان بوکس جهان، «پائول هاکینسون» به چشم می خورد (جریان خوشی که فقط شش ماه به طول انجامید)؛ همچنین مطلب مربوط به بازیکن سابق راگی که وصیت کرده بود در مراسم خاکسپاری اش، قطعه «همواره شادی های زندگی را بنگر» از «موتلی پایتون» اجرا شود (در گزارشی تحت عنوان «ری» آخرین خنده خود را سرداد)، در صفحه اول دیده می شود. صفحه دو نشریه، حاوی مطلبی در مورد سفر مردی به

یوگسلاوی جنگ زده است که برای نجات مادر و دو برادرزاده خود به آنجا می‌رود. در جای دیگر، به مطلبی در مورد پدری که پسرش در «هیلزبورگ» جان سپرده و وی در تلاش دیدار با مدیر بیمارستان می‌باشد، برمی‌خوریم. مطلب دیگر در مورد تلاش خانواده یک کوماندوی نیروی دریایی سلطنتی است که ۲۶ سال قبل پسرشان کشته شده و اکنون آنها خواهان برگزاری مراسم یادبود با مراسم رسمی نظامی برای وی می‌باشند؛ گزارش دیگری در مورد مرگ غم‌انگیز قهرمان مسابقات محلی، هنگام گذراندن تعطیلات است.

همچنین با مطلبی در مورد انتظار پراضطراب خانواده دو برادر که برای جراحی پیوند کلیه اعلام آمادگی کرده‌اند و عمل جراحی آنان نیز به تعویق افتاده است، روبه‌رو می‌شویم. وحدت نظری که در مسائل مورد توجه مردم وجود دارد، ریشه در فرهنگ روزنامه‌نگارانی دارد که بر اهمیت منابع انسانی در تقابل با ایده‌های انتزاعی تأکید می‌کنند. تأکید بر ارائه عامل انسانی در مطالب نشریات و روزنامه‌ها، به ارضای حس کنجکاوی مردم درباره یکدیگر کمک می‌کند. میان تمامی پیچیدگیهایی که در زندگی امروزی بشر به چشم می‌خورد، بررسی مسائل مورد توجه مردم راز تکامل تاریخ را در مفهوم واژه‌هایی برای ما آشکار می‌سازد، که به مسائل انسانی می‌پردازند، و از جمله آنهاست عواطف اصلی مثل: عشق، شهوت، تنفر، خشم، تراژدی، غم، افسوس و شادی. مردم را می‌توان با این‌گونه عواطف و مسائل قابل توجهی که در اطراف آنان می‌گذرد، شناخت. جالب توجه آن که بسیاری از مطالب نشریه «اکو» در مورد مسائل خانوادگی است.

عوامل اقتصادی نیز اساسی هستند. از زمان ظهور مطبوعات پر فروش انگلیس در قرن حاضر، صاحبان نشریات از تأثیر ارائه مطالبی که به مسائل انسانی می‌پردازند بر افزایش تیراژ نشریات کاملاً آگاه‌اند. به همین جهت با افزایش رقابت میان نشریات، برشمار مطالبی که به مسائل انسانی می‌پردازند نیز افزوده شده است.

بررسی مسائل مورد توجه انسانها اغلب با ارائه زندگی‌نامه افرادی که در پویایی تاریخ تأثیر داشته‌اند، پایان می‌یابد. گفته می‌شود که روزنامه‌ها، اولین پیش‌نویس تاریخ را رقم می‌زنند. اما

این تاریخ، معمولاً تحریف شده و انتخاب‌گرایانه است. عراق در تداوم قدرت برخی افراد، موجبات حذف شمار دیگری از مردم و همچنین شرح فعالیت‌های آنان در تاریخ را فراهم می‌آورد.

این جنبه از حق انتخاب داشتن در مسائل مورد توجه مردم، از پدیده‌های مهم دموکراسی به حساب می‌آید. ارائه حوادث غم‌انگیز و اشاره به امیدها، هراسها و اوضاع اسفبار مردم «معمولی» که هر روزه در این مطالب انعکاس می‌یابد، همان‌گونه که گرایش مطبوعات بر ارائه ضعف‌های قدرتمندان (از طریق بیان فجایع و افشاگریها) استوار است، موجب توسعه این بُعد مخرب از دموکراسی می‌شود.

تحلیل گزارش «آنان در پول غوطه‌ورند: «جان» و «جف» در شرط‌بندی پیروز شدند.»

نشریه «رایپلی اند هینور نیوز»؛^(۱) ۲۶ فوریه ۱۹۹۳

آنان در پول غوطه‌ورند: «جان» و «جف» در شرط‌بندی پیروز شدند

«کریکت»، اولین ورزش محبوب «جان هاردویک» است، اما این بازی فوتبال بود که لبخند را بر لبان وی آورد. وی هفته جاری در شرط‌بندی بازی فوتبال «لیتل وودز»، مبلغ ۱۹۶۹۵۴ پوند و ۷۵ پنس برنده شد.

«جان» بر طبق عادت در خانه‌اش در خیابان «اینز»، واقع در «ساوت وینگ فیلد»، به صدای تق تق دورنویس، که نتایج شرط‌بندی‌های فوتبال را اعلام می‌کرد، گوش فرا می‌داد.

شب گذشته، وی در حالی که به موسیقی گوش می‌کرد، ناگهان چشمش به هفت رقمی که بر صفحه تلویزیون نقش بسته بود، افتاد که دقیقاً با شماره برگه شرط‌بندی وی تطبیق می‌کرد، وی منتظر نمایش رقم هشتم بود زیرا در صورت تحقق آن وی به پول هنگفتی دست می‌یافت.

«هنگامی که شماره من نمودار شد، باورکردنی نبود. در آن لحظه، آرزو می‌کردم که دچار حمله قلبی نشوم و تا لحظه دریافت پول زنده بمانم.»

وی گفت: «من نتوانستم دو شب بعد را نیز بخوابم، زیرا نگران بودم برگه ارسالی من به دست آنان نرسد. اکنون که مطلع شدم این برگه به دست آنان رسیده واقعاً حیرت‌زده و خوشحالم. بهتر از این

نمی‌شود.»

«جان» بدون این که شماره برگه خود را بررسی کند، هنگام مشاهده شماره، دریافت که برنده خوشبخت خودش است. وی که مدت ۱۸ سال بود هر هفته برگه‌ای با همین شماره تهیه می‌کرد؛ منتظر ماند که به محض باز شدن دفتر «لیتل وودز» با آنان تماس گرفته و جایزه خود را طلب کند.

شریک شرطبندی

اولین تماس وی با شریکش در شرطبندی «جف هریس» بود که در این پیروزی با وی سهیم است. وی طرفدار سرسخت تیم «دری» است و روز شنبه در مسابقه حضور داشت؛ اما هنگامی که پیام «جان» را در پیغام‌گیر تلفن شنید، فوری فهمید که در شرطبندی پیروز شده‌اند. این دو تن از زمانی که در شرکت «الفرتون» در «اکسکم» کار می‌کردند، شراکت در شرط بندیها را ابتدا آغاز کردند.

«جف» که در خیابان «بیرکوود» در «سومرکوتز» زندگی می‌کند، ۱۰ سال قبل این کارش را برای شروع کار جدیدی به‌عنوان کارگزار بیمه، رها کرد ولی «جان» همچنان به‌عنوان سرپرست فروشگاه در آنجا ماند.

آنان تماس با یکدیگر را ادامه داده و شرطبندی را با هم انجام می‌دادند. برای شرطبندی، روشی را ابداع کرده بودند و برای انتخاب شماره از جایگشت سه ردیف هشت از ده استفاده می‌کردند. مبلغ شرطبندی هفتگی آنان، سه پوند و ۲۴ پنس بود و برای هر ردیفی که برنده می‌شدند، فقط ۴۵ پنس دریافت می‌کردند. آنان قبلاً برای تک ردیف، هشت بار برنده شده بودند ولی فقط ۱۲۰ پوند نصیبشان شده بود.

«جان»، ۴۴ ساله که با «وال» ازدواج کرده و ۴ فرزند دارد - «استیون» (۱۸)، «روبرت» (۱۶)، «پائولا» (۱۴) و «پائول» (۱۲) - اظهار داشت: «تصور نمی‌کنم پس از دریافت این پول هنگفت عقل خود را از دست بدهیم. این مبلغ برای رها کردن کار و فعالیت کافی نیست؛ ولی با تصاحب این پول، ما دیگر تأمین خواهیم بود.»

«در حال حاضر، من به بررسی تاریخ «ساوت وینگ فیلد» مشغولم، شاید اولین چیزی که خریداری کنم، کامپیوتر خانگی باشد که به من کمک کند. اما گذشته از آن، من هنوز فرصتی برای فکر کردن به دست نیاورده‌ام.» این صحبت‌هایی بود که «جان» اظهار داشت.

«جف» ۴۰ سال دارد و با «اندره» ازدواج کرده و دارای دو فرزند: «اما» دو ساله و نوزادش هفته‌ای به نام «تام» است.

وی مبلغی از پول دریافتی خود را در باغچه خانه‌ای که به تازگی خریداری کرده، خرج خواهد

کرد.

این دو شریک به آینده می‌نگرند. آنان برای بازی این شنبه نیز برگه شرط‌بندی خریداری کرده‌اند. این هفته «لیتل وودز»، روش جدیدی به علاقه‌مندان عرضه خواهد کرد تا شمار برندگان جوایز استثنایی خود را افزایش دهد.

این گزارش که در صفحه اول نشریه به چاپ رسیده است، دارای بسیاری از عناصر مورد توجه مردم می‌باشد. عامل احساسی این گزارش قوی است؛ در اینجا شادی، عامل انسانی است. چقدر این شادی در چهره و حرکات این دو دوست که تصویر آنان در کنار گزارش به چاپ رسیده، نمودار است! سایر مطالب مورد توجه مردم نیز در همین شماره نشریه به چشم می‌خورد، از جمله، گزارشی تحت عنوان «رویایی که به حقیقت می‌پیوندد» در مورد دو موسیقی‌دان محلی که خیلی زود در «تاوریالروم»، «بلک پول» به موفقیت دست می‌یابند (عنصر شادی)؛ نصف صفحه نیز در مورد مراسم عروسیهای محلی (عنصر شادی)؛ یک صفحه آگهی‌های درگذشت (عنصر غم)؛ یک صفحه عروسیهای طلایی (عنصر شادی) و کسب جایزه طلایی دوک «ادینبرگ» توسط مردی مسن (عنصر افتخار).

در گزارش بالا، مردی محلی به توفیقی ظاهراً دست نیافتنی دست می‌یابد و می‌خواهد در مورد آن صحبت کند. چه نکته جالبی برای صحبت؛ چه موضوع محلی خوبی. همچنین تبلیغات خوبی برای شرکت در شرط‌بندی خواهد بود.

اخبار بسیاری در مطبوعات، مردم را این‌گونه به تصویر می‌کشند: افراد در معرض مسائلی قرار می‌گیرند که خارج از کنترل آنان است. در این مورد، سرنوشت با دو مرد خوش شانس این گزارش مهربان بوده است؛ این «خبر خوب» است. شرط‌بندیها، نقش نمادین مهمی را در فرهنگ عامه بر عهده دارند. شرط‌بندی، مظهر نیروی شانس و پول است که به عنوان «حلّال مشکلات» مطرح می‌شود. از یک جنبه، این مقاله به‌طور نمادین بیانگر سیستمی است که این دو مرد را به چنین «ثروتی» رسانده است. هزاران شرکت‌کننده در شرط‌بندی که به علت عدم موفقیت ناامید شده‌اند، به هیچ‌وجه ارزش خبری ندارند.

بخش اول - بند ۱: پیروزی

پسچیدگی در آغاز مطلب دیده می‌شود؛ یعنی همان تناقضی که در ابتدای مطلب مشاهده می‌شود. وی علاقه‌ای مفرط به ورزش کریکت دارد، اما دستیابی وی به ثروت از طریق فوتبال صورت می‌گیرد. حقایق مهم (مبلغ برد و نام شرکت برگزارکننده شرط‌بندی) و عنصر «کی» گزارش که دارای ارزش خبری است (هفته جاری) برجسته می‌شوند. جنبه محلی مطلب در این بند مطرح نمی‌گردد، زیرا جمله بند یک که از ۲۶ کلمه تشکیل شده است دیگر جایی برای ذکر آن باقی نمی‌گذارد.

بخش دوم - بندهای ۲ تا ۶: شرح ماجرا

بند ۲: ادامه مضمون «تناقض». جنبه محلی گزارش به طرز هوشمندانه‌ای در اشاره‌ای جذاب به «صدای تق‌تق دورنویس»، نشان داده می‌شود. عنصر صمیمیت در مطلبی که مورد توجه مردم است با کاربرد نام کوچک وی «جان» مورد تأکید قرار می‌گیرد. کاربرد «آقای هاردویک» یا «جان هاردویک»، بیش از اندازه رسمی به نظر می‌رسد.

بند ۳: گزارش به خوبی ادامه می‌یابد. اکنون «صدای تق‌تق»، جای خود را به «گوش دادن به موسیقی» داده است. در اینجا، با دیدن هفت رقم شماره که با شماره «جان» مطابقت دارد، با عامل تعلیق در شرح ماجرا مواجه‌ایم.

بند ۴: شرح کوتاه ماجرا به عنصر شادی ختم می‌گردد. ارائه نقل قولی جذاب، تمامی این هیجان را منعکس می‌سازد.

بند ۵: شدت احساس در این نقل قول نیز نمایان است. کاربرد واژگانی مانند «حیرت‌زده» و خوشحال، جنبه احساسی ماجرا را القا می‌کند.

بند ۶: گزارش، سریع و هوشمندانه ترتیب زمانی حوادث را تغییر می‌دهد. مسیر ارائه جزئیات پیش‌زمینه‌ای (وی به مدت ۱۸ سال، هر هفته همان شماره را انتخاب می‌کرده است) سریعاً به ارائه جنبه خبری ماجرا (که وی سریعاً به سوی تلفن می‌رود) تغییر می‌یابد.

بخش سوم - بندهای ۷ تا ۱۰: شرکت در شرط بندی

بند ۷: عنوان میانی «شریک شرط بندی»، از سوی ویراستار به آن افزوده شده تا فضایی میان این دو بخش مطلب ایجاد شده باشد. هدف این امر، ضرورتاً طراحی شکل مطلب بوده است. واژگان عناوین میانی بایستی ارتباط منطقی با موضوع گزارش داشته باشند، اما معمولاً این عناوین از اهمیت عمده‌ای برخوردار نیستند.

توجه به شریک شرط بندی معطوف می شود. نگارش غیررسمی است و این گام به درستی برداشته می شود؛ با کاربرد واژه «شنید» به جای «دریافت کرد» که رسمی تر است، مواجه ایم. بند ۸: ارائه پیش زمینه برای اطلاعات مربوط به شراکت. کاربرد واژه «ابتدا» در عبارت «ابتدا آغاز کردند» اضافی است.

بند ۹: ارائه پیش زمینه در مورد زندگی «جف» و «جان»، بر روی مشاغل آنان متمرکز است. بند ۱۰: روش شرط بندی آنان برجسته می شود. ارائه جزئیات خاص در مورد مبلغ شرط بندی از جذابیت بسیاری برخوردار است.

بخش چهارم - بندهای ۱۱ و ۱۲: «جان»، مرکز توجه

بندهای ۱۱ و ۱۲: وضعیت تأهل و سن «جان» و همچنین اسامی و سن فرزندان وی آورده می شود. فاصله میان فاعل «جان» و فعل «اظهار داشت»، بیش از اندازه است. شاید بهتر بود که این جمله به دو بخش تقسیم می شد: «جان» با «وال» ازدواج کرده و دارای ۴ فرزند است... وی اظهار داشت...

پاسخ به پرسش بدیهی «با این همه پول چه خواهی کرد؟» در اینجا مطرح شده است. ارائه «جان اظهار داشت» در پایان بند از لحاظ دستوری نادرست است، زیرا در ابتدای شروع نقل قول در بند پیشین... («جان»... اظهار داشت) آمده بود.

بخش پنجم - بندهای ۱۳ و ۱۴: «جف»، مرکز توجه

بند ۱۳: جزییات مورد توجه مردم: سن، همسر و فرزندان (انعکاسی از مطلب مربوط به «جان»); شاید لازم بود در دو سوی مطلب برای حفظ سبک، گیومه به کار رود.

بند ۱۴: پاسخ به پرسش «با پولهایت چه خواهی کرد؟» به صورت نقل قول غیرمستقیم آمده است.

واپسین بخش - بند ۱۵: تگرش به آینده

بند ۱۵: تا حدی، پایانی نامتعارف ارائه شده است. علیرغم پیروزی‌شان، باز این افراد می‌خواهند شرط‌بندی کنند. همچنین این مطلب، تبلیغ خوبی برای شرکت «لیتل وودز» به شمار می‌رود.

فصل هشتم

تهیه گزارش از همایشها، کنفرانسهای مطبوعاتی،

سخنرانی‌ها و نگارش مشهودات

رویارویی با چالشها

تهیه گزارش از گردهمایی‌ها

تبلیغات و جار و جنجال، از ابعاد ذاتی همایشهای عمومی بشمار می‌روند. چنین گردهمایی‌هایی، محل تبادل نظر هستند؛ در این گردهمایی‌ها، مسائل مختلف مطرح می‌شود و تصمیم‌هایی نیز اتخاذ می‌گردد. اطلاعات و دیدگاهها در محل گردهمایی به حضار انتقال می‌یابد و از طریق مطبوعات نیز به اطلاع عموم می‌رسد. همه روزه گردهماییهای مختلفی در سراسر انگلیس برگزار می‌شوند. برخی خصوصی

هستند و شرکت در برخی دیگر برای عموم آزاد است؛ اما تنها بخش کوچکی از این گردهماییها در مطبوعات انعکاس می‌یابد. سیستم ارزشی خبری نهفته‌ای، تعیین‌کننده است که از کدام گردهمایی گزارش تهیه شود و برگزاری کدام گردهمایی نادیده گرفته شود.

برخی مانند جلسات پارلمان، شوراها، محلی و هیأت‌های مختلف طبق زمان‌بندی مشخصی برگزار می‌شوند؛ از این رو، گزارشهای مربوطه به‌طور مرتب در مطبوعات انعکاس می‌یابد. جزئیات آن نیز به‌طور روزانه در بخش خبری روزنامه انعکاس پیدا می‌کند و معمولاً توسط کارشناسان، مطالب این بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

برخی سازمانها مانند «دوستان کره زمین» یا سازمان «عفو بین‌الملل» به‌طور مرتب، گردهمایی‌های عمومی و برخی اوقات کنفرانسهایی در سراسر کشور برگزار می‌کنند؛ اما معمولاً خبر این گردهمایی‌ها در مطبوعات منعکس نمی‌شود، زیرا در سیستم سنتی ارزشهای خبری، انعکاس چنین مطالبی در مطبوعات از ارزش اندکی برخوردار است.

همچنین دسته‌ای از گردهمایی‌ها و کنفرانسهای غیرمعمول نیز وجود دارد که توجه مطبوعات را به خود جلب می‌کند. سازمانها معمولاً از سخنران و یا هیأت برجسته‌ای دعوت به عمل می‌آورند تا با طرح بهتر مسائل، ارزش گردهمایی‌ها را ارتقا دهند و همچنین بحثهای مورد نظر آنان را برجسته سازند. آگاهی این گردهمایی‌ها ممکن است در مطبوعات منتشر شود، گاه پوسترهایی بر دیوارها نصب و همچنین اعلامیه‌های آن میان مردم توزیع می‌شود.

در سایر موارد، برپاکنندگان گردهمایی ممکن است آنچنان علاقه‌مند به تبلیغات نباشند و حتی از حضور مطبوعات در جلسات نیز خشنود نشوند. اطلاعیه مربوط به اعلام برگزاری گردهمایی نیز ممکن است در خبرنامه‌های کم تیراژ یا مجلات منتشر شود. ولی چون ممکن است ارزش خبری بالقوه این گردهمایی قابل توجه باشد؛ از این رو تهیه گزارش از این‌گونه رویدادها چه برای گزارشگران حرفه‌ای و یا گزارشگران آزاد، دارای اهمیت است.

وانگهی، گردهمایی‌ها و کنفرانسهایی نیز وجود دارند که خصوصی هستند، اما از مطبوعات برای شرکت در آن، دعوت به عمل می‌آید. کنفدراسیون صنایع بریتانیا ممکن است در مورد

تشکل صادرات اروپا، همایشی ترتیب دهد؛ کنگره اتحادیه‌های کارگری نیز ممکن است در مورد طرح‌های خصوصی سازی دولت، گردهمایی ترتیب دهد. اتحادیه‌ها، گروه‌های مبارز، بنیادهای خیریه و انجمن‌های حرفه‌ای نیز ممکن است همایش‌های سالانه‌ای برگزار کنند. تمامی این رویدادها می‌تواند منبع غنی خبری برای مطبوعات محسوب شود.

آماده باش (شعار سودمند روزنامه نگاران)

مسائلی که قرار است از آنها گزارش تهیه شود، سوابق سخنرانان و دیدگاه‌های برپاکنندگان گردهمایی، همه اینها، زمینه‌هایی است که قبل از شرکت در گردهمایی، ارزش تحقیق و بررسی را داراست. اگر گردهمایی در مورد مسائل روز و حوادث جاری برگزار می‌شود، بررسی بریده‌های جراید در این مورد، ضروری خواهد بود.

در تهیه مطلب از چنین گردهمایی‌هایی، به دلیل آن که - مانند مصاحبه - منبع برخورداری رودررو وجود ندارد، احتمال می‌رود این تصور در شما ایجاد شود که می‌توانید بدون آمادگی جدی در گردهمایی به اظهار نظر پردازید؛ اما ممکن است دقیقاً مانند انجام مصاحبه، با مسائل عمده‌ای مواجه شوید که آمادگی رویارویی با آن را ندارید. ممکن است یادداشتهای شما نامرتب باشد یا نکته ظریفی در بحث را متوجه نشده باشید؛ از این رو نکته مهم خبری از دست می‌رود و یا این که به اشتباه گزارش می‌شود.

اما علیرغم این مشکلات، خبرسازی امری پرتکاپوست؛ از این رو، آمادگی برای آن برخی اوقات امکان‌پذیر نخواهد بود. معمولاً گزارشگران عمومی، از سوی بخش خبری نشریه‌شان برای تهیه گزارش از گردهمایی‌هایی که چندان دارای اهمیت نیستند، اعزام می‌شوند. این گزارشگران همواره بایستی از سرعت انتقال فراوان در مورد آنچه باید انجام دهند، برخوردار باشند. تمرین و تجربه و همچنین تسلط به اخبار جاری در این مورد بسیار یاری دهنده است.

اگر گردهمایی و یا کنفرانس، دارای اهمیت بسیاری باشد، ممکن است پیش‌نویس و مطلبی

که به مسائل، افراد، بحثها، درگیری‌ها و یا تصمیم‌ها و نتایج احتمالی گردهمایی و کنفرانس پرداخته است، نوشته شود.

روشهای تهیه گزارش از گردهمایی‌ها

● روشهای تهیه گزارش، به میزان و کیفیت خبری گردهمایی بستگی دارد. تهیه گزارش از گردهمایی که دارای جلسات هر روزه است و همچنین کنفرانسهای سه روزه با توجه به میزان تمرکز حواسی که برای شرکت در جلسات آن لازم است، ممکن است خیلی خسته‌کننده باشد. روزنامه‌نگاران ممکن است بخواهند از تمامی مطالب گزارش تهیه کنند. همچنین ممکن است، آن دسته از مطالبی را که مهم‌تر می‌دانند، انتخاب نموده و در مورد سایر مطالب نیز تحقیق کنند تا اطمینان حاصل کنند که مطلب مهمی نادیده گرفته نشده است.

اگر گردهمایی بیش از سه ساعت به طول انجامد، گزارشگر نشریه روزانه ممکن است در حالی که بخش خبری نشریه را از مسائل مورد بحث در گردهمایی مطلع کرده و همچنین نسخه‌ای از گزارش خود را برای انتشار در ویژه نامه نشریه ارسال کرده است، بتواند مدت زمان کوتاهی محل گردهمایی را ترک کند. در گردهمایی‌های عصر که به عنوان نمونه، دو ساعت طول می‌کشد، معمولاً از مسائل مطرح شده در آن از ساعات آغازین تا پایان جلسه، گزارش تهیه می‌شود.

● هرگز تصور نکنید که ناچارید مطالب تمامی سخنرانان را در گزارش خود منعکس کنید. برخی نشریات محلی کوچک ممکن است به‌طور مرتب و بدون توجه به ارزشهای خبری، گزارشی از تمامی سخنرانان در نشریات خود منتشر کنند که در این صورت، روزنامه‌نگاری به‌شکلی از روابط عمومی (ممکن است استدلال شود که این نیز در جوامع کوچک، دارای جایگاهی خاص است) تبدیل می‌شود. ممکن است بخش خبری نشریه در مورد نوع گزارش درخواستی خود توضیحاتی داده باشد. اگر مشخص شود که گزارش از ارزش بسیار زیاد و یا بسیار کمتر از آن برخوردار بوده است، شما بایستی دلایل خود را در این مورد مطرح سازید. اگر

خبر مهمی وجود ندارد، شما نبایستی تصور کنید که حتماً باید از آن گزارشی تهیه شود.

● به همین گونه، هرگز تصور نکنید که مطالب سخنرانان را بایستی به ترتیب زمان سخنرانی در گزارش منعکس سازید. گزارش گردهمایی که از سوی یک فرد غیر روزنامه‌نگار تهیه می‌شود، اغلب با گزارش اولین سخنران آغاز شده و با گزارشی از آخرین سخنران نیز پایان می‌یابد. ارزشهای خبری، ترتیب زمانی را بر هم می‌زنند. گاه ممکن است مهم‌ترین نکته لید از آخرین سخنانی که مطرح شده است، آورده شود.

● هرگز تصور نکنید که ناچارید در گزارشهای خود اولویتهای برپاکندگان گردهمایی و یا سخنرانان را منعکس سازید. ممکن است ۹۵ درصد مطالب مطرح در یک سخنرانی به موضوعی که فاقد ارزش خبری است، اختصاص داده شده باشد. شما ممکن است فقط یک درصد مطالب را دارای ارزش خبری بیابید و همان یک درصد نیز کانون توجه گزارش شما را تشکیل دهد و حتی ناچار شوید بقیه مطالب را به کلی حذف کنید.

● ممکن است منشأ با ارزشترین مطلب خبری، به جای سکوی سخنرانی، جایگاه حضار و یا پرسشی که از سوی حضار مطرح می‌شود، باشد. در این مورد ارزش آن را دارد که با چنین افرادی در میان حضاران تماس گرفته شود تا اسامی آنان و همچنین عنوان مطالب‌شان، برای انعکاس در گزارش پرسیده شود. گاه صدای یکی از افراد که پرسشی را مطرح کرده ممکن است به خوبی شنیده نشود، از این رو بهتر است گزارشگر نزد او رفته صحبت‌هایش را بررسی و در صورت امکان دیدگاههای او را مطرح کند.

● تهیه گزارش از گردهمایی‌هایی که سخنان طنزآمیز در آن مطرح می‌شود، بسیار دشوار است. زیرا وسوسه می‌شوید به جای نوشتن صحبت‌های طنزآمیز، در صندلی خود لم داده و از شنیدن چنین صحبت‌هایی لذت ببرید. گاه شنیدن سخنان طنز، شما را به خندیدن و می‌دارد و از این رو، حرکات شما هنگام خندیدن، مانع نگارش راحت مطالب می‌شود. ارائه مطالب طنزآمیز در مطلب خبری که حاوی عناصر خبری است (که معمولاً مطلبی جدی است)، از لحاظ سبک نیز کار دشواری است.

یک راه حل، کاستن از جدی بودن گزارش، با استفاده از شوخ طبعی در سراسر مطلب است. راه حل دیگر، ارائه گزارش اصلی به صورت خبری جدی و نیز ارائه مطلب دیگری به صورت طنز در ستون یادداشتهای روزانه یا در یک ستون خاص راجع به همان رویداد است.

● واکنش حضار همواره ارزش توجه را دارد. از جمله اشاره به مطالبی از قبیل: «با خنده/ هو کردن/ تمسخر/ کف زدن/ سکوت از وی استقبال شد.» موجب می شود جنبه‌ای جذاب، عینی و گویا، هر چند ناچیز، به گزارش افزوده شود.

● حتی شرکت در خسته‌کننده‌ترین گردهمایی و یا کنفرانس، برای گزارشگر مفید خواهد بود. در این مکانها، ارتباط ایجاد می شود و ایده‌های جدیدی برای تهیه گزارش شکل می‌گیرد. در همایش‌های ملی، مردم از سراسر کشور شرکت خواهند داشت. به عنوان نمونه، فردی از شمال «نورتموم بریا» ممکن است ماجرای فوق‌العاده‌ای را برایتان نقل کند که در غیر این صورت ممکن بود هرگز آنرا نشنوید و ممکن است شما را به پیگیری آن ماجرا ترغیب کند.

● کسالت آور بودن در هر صورت تصویری ذهنی است. چیزی که برای شما کسالت آور است ممکن است برای فرد دیگری دارای جذابیت باشد. یکی از ترفندهای روزنامه‌نگاری، گزارش مطالب کسالت آور به شیوه‌ای جذاب است.

● برخی گردهمایی‌های عمومی به جای سخنرانی‌های از قبل طرح‌ریزی شده، شامل بحث و تبادل نظر غیر رسمی است. در این موارد، نگرش گزارشگر در تهیه گزارش بایستی بیشتر توصیفی باشد و تفسیر و عوامل توصیفی را به متن گزارش بیفزاید. شرکت در گردهمایی، به خودی خود نمی‌تواند پدیدآورنده یک گزارش مناسب باشد؛ بلکه گفت‌وگو با یک و یا چند شرکت‌کننده گردهمایی پس از پایان جلسات می‌تواند در تهیه گزارش مناسب بسیار مؤثر باشد.

پس از گردهمایی

بسیاری از گردهمایی‌هایی که در مطبوعات انعکاس یافته‌اند، بدون حضور گزارشگر بوده است. افزایش میزان «روزنامه‌نگاری تلفنی» بدان معناست که گزارش بسیاری از این

گردهمایی‌ها، از طریق مکالمات تلفنی تهیه شده است. روزنامه‌نگاران با یک یا چند نفر که در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته و یا دیدگاه‌های آنان در نتایج احتمالی تأثیرگذار بوده است، تماس می‌گیرند؛ یا گزارشگری با جمع‌آوری مطالب و مسائل مطرح در گردهمایی، گزارشی در مورد آن تهیه می‌کند و یا یک مقاله توصیفی درباره گردهمایی و دستاوردهای آن می‌نویسد.

رویدادها یا شبه رویدادها؟

تهیه گزارش از کنفرانس مطبوعاتی

کنفرانس‌های مطبوعاتی، اغلب منابع خبری مهمی برای روزنامه‌نگاران به شمار می‌روند. با نگاهی گذرا به صفحات آخر هر شماره از نشریه «پرس‌گازت»^(۱) منتخبی از مطالب مطرح در هفته آینده را شاهد خواهید بود. همچنین با فهرستی از تعداد کنفرانس‌های مطبوعاتی روبه‌رو خواهید شد.

کنفرانس‌های مطبوعاتی هم برای برپاکنندگان و هم برای روزنامه‌نگاران سودمند خواهد بود. برای برپاکنندگان همایش، برگزاری آن بیانگر تلاش برای تأثیرگذاری بر جریان خبری روز است. برای روزنامه‌نگاران نیز موقعیتی فراهم می‌آید تا از دیدگاه آن سازمان، نگاه عمیقی بر مسائل مورد بحث داشته و با برخی از صاحب‌نظران مهم آن نیز دیدار داشته باشند.

برای روزنامه‌نگاران، این رویداد ابزاری را برای تهیه گزارش خبری، از قبیل جمع‌آوری دیدگاهها و اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و برقراری تماسهای بیشتر فراهم می‌آورد.

معمولاً سازمانها، جزییات برگزاری کنفرانس مطبوعاتی خود را سه یا چهار هفته قبل از برگزاری آن اعلام می‌دارند. اگر دبیر اخبار نشریه، انتشار خبرش را ارزشمند بداند، جزییات کنفرانس در بخش اخبار روز نشریه به چاپ خواهد رسید. سایر مطالب آن، و به عنوان نمونه نشانی‌ها، شماره‌های تماس و اسامی نیز نگهداری خواهند شد. اگر عکسی مربوط به این

رویداد نیز دریافت شود، به بخش عکاسی نشریه ارسال خواهد شد. سازمانها اغلب چند روز قبل از برگزاری همایش، برای یادآوری با روزنامه‌مربوطه تماس می‌گیرند. گاهی آنان مطالب دقیقی حاوی مسائل مورد بحث در همایش را (که بعضاً تا پایان همایش نیز اعلام نمی‌شود) برای روزنامه‌ها ارسال می‌کنند.

همایش‌ها را در هر زمانی می‌توان برگزار نمود. رهبران جامعه اروپا ممکن است دیدار یک روزه‌ای داشته و حدود ساعت ۴ بعدازظهر برای اعلام تصمیمات اتخاذ شده، کنفرانس مطبوعاتی ترتیب دهند. اما مناسبترین زمان برای برگزاری کنفرانس بین ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۱:۳۰ است. در این حالت، روزنامه‌نگاران، زمان کافی برای مراجعه به تحریریه و بررسی نامه‌های ارسالی، رسیدگی به برنامه‌های روز و همچنین نگارش گزارش روز گذشته و یا گزارش کوتاهی از همان روز را خواهند داشت.

دوشنبه‌ها و جمعه‌ها به‌عنوان روزهای نامناسبی برای برگزاری کنفرانس مطبوعاتی شناخته شده‌اند. دوشنبه‌ها به‌دلیل تعطیلی روزنامه‌ها در یکشنبه، و جمعه‌ها نیز به‌دلیل آن که روزنامه‌های محلی شنبه‌ها معمولاً خوانندگان کمتری دارند، روزهای نامناسب برای برگزاری کنفرانس به‌شمار می‌روند.

هنگامی که به محل برگزاری کنفرانس می‌روید، معمولاً از شما خواسته می‌شود، نام خود و همچنین نام روزنامه‌تان را (اگر روزنامه‌نگار آزاد هستید، این موضوع را قید کنید) در فهرست اسامی روزنامه‌نگاران بنویسید. ممکن است برنامه جلسه به شما داده شود. به‌عنوان نمونه، ساعت ۱۱ صبح مقدمه و خوشامدگویی رییس جلسه؛ ۱۱:۵ اولین سخنران هیأت برگزارکننده؛ ۱۱:۱۵ دومین سخنران؛ ۱۱:۲۵ طرح پرسشهای حضار، ۱۱:۴۵ پذیرایی با نوشیدنی / قهوه. گاهی اوقات پلاکی هم به شما داده می‌شود که حاوی نام و مشخصات خود شماست. رونوشت متن یک یا چند سخنرانی تهیه می‌شود و گاه سایر اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در مورد سازمان برگزارکننده و مسائل مربوطه نیز فراهم می‌گردد. مقایسه متن سخنرانی با صحبت‌های سخنران، دارای اهمیت است؛ گاهی، تفاوت‌های جزئی که میان متن سخنرانی و اصل سخنان وی وجود

دارد، بیانگر ماجرابی نهفته در آن است. به عنوان نمونه، ممکن است در آخرین دقیق، توافق روی داده باشد که موجب حذف برخی اظهارنظرهای جنجالی شده است.

به همین ترتیب، جملات معترضه‌ای که در متن سخنرانی درج نشده‌اند، می‌تواند جالبترین نقل قولها و جنبه‌های خبری را به دنبال داشته باشد.

این مسأله دارای اهمیت است که بلافاصله پس از ورود هر سخنران، نام و عنوان وی یادداشت شود؛ زیرا ممکن است سخنرانان سریعاً تمویض گردند. بدون مشخص نمودن دقیق گوینده نقل قول برای هر یک از نقل قولها، نگارش گزارش در فرصتهای بعدی بسیار دشوار خواهد بود.

کنفرانسها معمولاً سر وقت و یا حداکثر با پنج دقیقه تأخیر، آغاز می‌شوند؛ از این رو، ورود سر وقت روزنامه‌نگاران دارای اهمیت بسیاری است. در هر صورت، اگر شما تأخیر داشته باشید، تأثیر ناخوشایندی بر جای خواهد گذارد.

● یک سازمان ممکن است بیشترین زمان کنفرانس را به مسأله‌ای که مهم می‌شمارد اختصاص دهد. در حالی که این مسأله از نظر روزنامه‌نگاران چندان ارزش خبری نداشته باشد. به عنوان نمونه، سازمانی ممکن است کنفرانس مطبوعاتی را به تشریح «اساسنامه ۱۴ ماده‌ای جنبش حمایت از مصرف‌کنندگان سبز» اختصاص دهد. گاه ممکن است نظریه‌گذاری که از سوی سخنران ایراد شده، دارای ارزش خبری بیشتری باشد. یک طرفدار برجسته محیط زیست ممکن است ادعا کند تفسیر شب گذشته بی‌بی‌سی، تصویر نادرستی از طرفداران محیط زیست ارائه داده است؛ از این رو، سازمان وی درصدد است تا اعتراض خود را در این مورد رسماً اعلام کند. در این صورت، این جنبه مهم خبری در لید برجسته می‌شود و سپس به موضوع طرح «۱۴ ماده‌ای» اشاره می‌شود. گاه ممکن است این مسأله ارجحیت یافته و گزارشگر برای پیگیری آن با بی‌بی‌سی و گروههای زیست محیطی تماس بگیرد.

طرح پرسشها

اغلب طرح پرسش دارای اهمیت است، به‌ویژه اگر شما تصور کنید که در آینده فرصت مناسبی برای طرح آن ایجاد نخواهد شد، شاید هم مقام مهمی خاطر نشان کرده است که دست‌اندرکاران کنفرانس ناچارند بلافاصله پس از پایان همایش آنجا را ترک کنند.

برخی اوقات، روزنامه‌نگاران به صورت گروهی مجموعه‌ای از پرسشها را مطرح می‌کنند تا اطلاعات بسیار پیچیده و حساس را یکجا کسب کنند. گاهی هم، روزنامه‌نگاران به صورت دسته جمعی عمل کرده و مطالب مهم و نقل قولهای دریافتی را با یکدیگر مبادله می‌کنند.

هنگامی که پرسشها به صورت علنی و در جمع مطرح می‌شوند، برای روزنامه‌نگاران تعیین جنبه مهم و «انحصاری» پاسخها دشوار خواهد بود. همایش‌های مطبوعاتی قادرند فرهنگی را ارتقا دهند که در آن گزارش خبری که همه در مورد آن اتفاق نظر دارند، بدون هیچ انتقادی پذیرفته شود.

در برخی موارد، مهم‌ترین بخش کنفرانس مطبوعاتی برای گزارشگر، همان پرسشهای غیررسمی است که پس از پایان همایش مطرح می‌شوند. این امر موقعیتی را فراهم می‌آورد تا با پیگیری جنبه‌های مهم فردی، مسأله‌ای عمیقتر مورد بررسی قرار گیرد. همچنین این امر موجب می‌شود که گزارشگر فرصت بررسی مجدد جزئیات، نقل قولها و نگارش اسامی را پیدا کند. هرگز در مورد طرح پرسش برای روشن ساختن نکته مبهمی احساس دستپاچگی نکنید. معمولاً افراد به دلیل طرح این پرسشها شما را تحقیر نمی‌کنند، بلکه تحسین هم می‌کنند. بهتر است مطالب را به جای سرهم بندی، به درستی انعکاس دهید. معمولاً در چنین گردهمایی‌های غیررسمی، شما با ایده‌های نو برای پیگیری و همچنین با افراد جدید آشنا می‌شوید. علاوه بر سخنرانان، سایر افرادی که از سازمان مربوطه در همایش شرکت می‌کنند، اغلب منابع خبری سودمندی برای کسب اطلاعات محسوب می‌شوند.

در مواقع غیررسمی، شرایط مختلف، روشهای متفاوتی را برای چگونگی استفاده از دفتر یادداشت می‌طلبد. گاهی اوقات، شما در حالی که دفتر یادداشت و قلم در دست دارید، با افراد

به گفت‌وگو می‌پردازید. در زمانهای دیگر، شاید مناسبتر آن باشد که گفت‌وگویی دوستانه و در محیطی آرام، شاید هنگام صرف نوشیدنی انجام دهید؛ در این موارد بایستی تمام صحبتها را به‌خاطر بسپارید و پس از ملاقات، آن را یادداشت کنید (البته اگر نکات مهمی دربرداشته باشد).

طرح‌ریزی و کنترل ماهواره

برخورد با تمامی کنفرانس‌های مطبوعاتی، بایستی با دقت صورت گیرد. جامعه‌شناسان این همایشها را نمونه‌ای از رویداد خبری «ساختگی» نامیده‌اند. کنفرانس مطبوعاتی مانند مسابقه فوتبال، سانحه رانندگی و یا دادرسی پرونده‌ای در دادگاه، رویدادی «واقعی» نیست. بلکه این امر به‌طور مصنوعی برنامه‌ریزی شده و هدف آن کسب شهرت است. برگزاری کنفرانس مطبوعاتی، هدف دیگری به جز انعکاس در رسانه‌ها، ندارد.

یک سازمان از طریق مطلع کردن مطبوعات، پیام خود را عرضه می‌دارد. گاه سازمانهای برپاکننده کنفرانس‌های مطبوعاتی پا را فراتر گذاشته و همراه با ارسال جزئیات همایش به نشریات، برای روزنامه‌نگاران نیز محل ویژه‌ای را در نظر می‌گیرند و نوشیدنی تهیه می‌کنند (و گاه به صرف غذا مهمان می‌کنند) اما در مقابل، انتظاراتی نیز دارند. عمدتاً هدف آنان کسب شهرت است و ترجیحاً شهرت خوب.

همواره این خطر وجود دارد که از روزنامه‌نگاران به‌عنوان عوامل مناسب در روابط عمومی سازمانها استفاده شود. همایش مطبوعاتی معمولاً به‌عنوان ابزاری برای ایجاد اخبار دلخواه به کار می‌رود.

● از آنجا که برگزاری این همایشها کاملاً از پیش طرح‌ریزی شده است، شما بایستی همواره این مسائل را مد نظر داشته باشید: آنان قصد دارند چه مطلبی را به من بگویند و به‌ویژه سعی دارند چه مطالبی را از من پنهان کنند؟

ذکر تجربه گزارشگر جنگی استرالیایی، «ویلفرد بورچت» در اینجا مناسب است. در پایان جنگ جهانی دوم به‌دنبال بمباران هیروشیما و ناکازاکی، ۶۰۰ روزنامه‌نگار، گزارشهای خود در

مورد وضعیت ژاپنی‌ها را خارج از محل رویداد، تهیه و ارسال کردند؛ فقط «بورچت»، ارزشهای خبری رایج را بر هم زده و با غلبه بر دشواریها و همچنین با شهادت فراوان به هیروشیما رفت. از آنجا بود که وی یکی از معروفترین و منحصر به فردترین گزارشها را ارسال کرد.

توصیف وی از ویرانی‌های این شهر پس از بمباران اتمی و همچنین از رنج و مرگ مردم که به عوارض ناشی از تشعشعات اتمی دچار شده بودند، در نشریه «دیلی اکسپرس» سپتامبر ۱۹۴۵ تحت عنوان «طاعون اتمی: من این را به‌عنوان هشدار برای جهان می‌نویسم»، منتشر شد. گزارش وی از بیماریهای ناشی از تشعشعات اتمی، حتی در سالهای بعد نیز به شدت تکذیب شد. در حالی که وی حق داشته است و تشعشعات اتمی موجب بروز بیماریهای سختی میان مردم شده بود.

تهیه گزارش از گزارشها

گزارشها، منابع مهمی را برای نگارش مطالب خبری و مقالات توصیفی تشکیل می‌دهند. این گزارشها را می‌توان در کتاب و یا به شکل اعلامیه و یا بیانیه، در مقالات نشریات تخصصی، برگه‌های توضیح جلسات و یا صورت جلسه‌گردهمایی‌ها یافت.

ارزش این گزارشها در تحقیقات عمیقی که شالوده‌تهیه آن را تشکیل می‌دهد، نهفته است. گزارش از گروههایی مانند «شلتز»، «انستیتو بین‌المللی مطالعات استراتژیک»، «عفو بین‌الملل»، «بنیاد جوزف روتتری»، «واحد حمایت از مزدبگیران با دستمزد ناچیز»، «گروه عملیات علیه فقر کودکان»، «اکسفام» و سایر سازمانهای خیریه عمده را می‌توان به‌عنوان منابع موثقی برای استفاده روزنامه‌نگاران و نگارش مقاله به شمار آورد. گزارشها معمولاً به بحث و بررسی در مورد مسأله‌ای می‌پردازند و یا به نتایجی دست می‌یابند که توصیه‌هایی برای راهکارها را نیز به دنبال دارد. این‌گونه گزارشها معمولاً گزارش خوب تشخیص داده می‌شوند.

در نگارش گزارش، روزنامه‌نگاران بایستی مراقب باشند که گوینده نقل قولها را به درستی مشخص نمایند. جالبترین دیدگاهها معمولاً به صورت نقل قول مستقیم مطرح می‌شوند؛ سایر

جزئیات و دیدگاههای مهم را نیز می‌توان به صورت چکیده در نقل قول غیرمستقیم آورد. برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی، گاه با انتشار گزارشهایی همراه است. این امر موقعیتی را برای روزنامه‌نگاران فراهم می‌آورد که به گزارش خود، شخصیتی انسانی بخشند و دیدگاهها را از طریق صحبت‌های سخنرانان و همچنین گزارشهای غیر شخصی ارائه دهند. هنگامی که کنفرانس‌های مطبوعاتی برگزار نشوند، گزارشگران اغلب با نویسندگان تماس گرفته و از آنان نظرخواهی می‌کنند. در تمامی موارد ممکن است برای دریافت پاسخ با سایر افراد نیز تماس بگیرند.

وام‌گیرندگان؛ «فقرای جدید» به شمار می‌روند

گزارش از «رزی واترهاوس» و «کولین براون»

خانواده‌های کارگری که وام مسکن گرفته‌اند و کارگران آزاد، «فقرای جدید» به شمار می‌روند؛ این امر در گزارش هیأت منتخبی که در مورد فقر در سالهای نخست‌وزیری «تاجر» تحقیق می‌کند، اعلام شده است.

گزارش و آمار مربوط به و خانواده‌های کم درآمد سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ که دیروز از سوی هیأت تأمین اجتماعی، انتشار یافت، بیانگر نگرش تازه و قابل توجه به افرادی است که با سطح زندگی زیر خط فقر طبقه‌بندی می‌شوند.

این آمارها که دولت خواهان انتشار آن نیست، بیانگر آن است تعداد خانواده‌هایی که به صورت کارگر تمام وقت کار می‌کنند و با درآمدی کمتر از میزان اولیه مستمری بیکاری زندگی می‌گذرانند، در یک دهه دو برابر شده و از میزان ۴۷۰ هزار نفر به یک میلیون تن افزایش یافته است.

پژوهشگران «انستیتو مطالعات مالی» فاش ساختند که حدود نیمی از ۹۷۰ هزار خانواده که به صورت کارگر با دستمزد زیر خط فقر کار می‌کنند، کارگران آزاد بوده و دوسوم آنان نیز یعنی ۲۰ هزار خانواده وام مسکن گرفته‌اند. اما در سال ۱۹۷۹، از ۴۷۰ هزار خانواده کارگر زیر خط فقر، کمتر از نیمی از آنان یعنی ۲۰۰ هزار خانواده، وامدار بوده‌اند.

صاحبخانه‌های کم درآمد، به دلیل قوانین بهره وام مسکن در دام فقر گرفتار آمده‌اند. اگر آنان بیکار بودند و درآمد حمایتی بیکاران را دریافت می‌کردند، سازمان تأمین اجتماعی نیز وام مسکن آنان را پرداخت می‌کرد. اما بهره وام برای افرادی که کار تمام وقت دارند- یعنی بیش از ۱۶ ساعت در هفته کار می‌کنند- پرداخت نمی‌شود.

همچنین افراد کم درآمد که در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کنند، شامل دریافت کمک هزینه

مسکن می‌شوند و بخشی از اجاره آنان پرداخت می‌شود. اما افرادی که وام مسکن گرفته‌اند، چنین کمکی دریافت نمی‌کنند.

«استیووب» اقتصاددان که این پژوهشها را انجام داده است، اظهار داشت اگر سازمان تأمین اجتماعی برای افراد شاغل که وام مسکن گرفته‌اند نیز بهره اجتماعی پرداخت می‌کرد تقریباً ۵۰ هزار از ۶۲۰ هزار خانواده، زیر خط فقر زندگی نمی‌کردند.

وی گفت: «گروههایی که به‌طور سنتی فقیر تلقی می‌شوند مانند مستمری بگیران، وضعیت زندگی بهتری پیدا کرده‌اند و جای خود را به فقرای جدید مانند کارگران کم درآمد و وامدار و کارگران آزاد داده‌اند.»

سازمانهای خیریه که به خانواده‌هایی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، کمک می‌رسانند، (مانند دفتر انجمن ملی یاری به شهروندان و انجمن حمایت از کودکان) اعلام کرده‌اند که بیشترین افزایش فقر میان خانواده‌هایی بوده است که بهره وام مسکن می‌پردازند.

«ایان اسپارکز»، سرپرست انجمن حمایت از کودکان اظهار داشت: «بر خلاف خانواده‌هایی که مستمری دریافت می‌کنند، کارگران کم درآمد در حالی که ناچارند مبلغی را نیز به بازپرداخت بهره وام مسکن اختصاص دهند، هیچ کمکی دریافت نمی‌کنند. آنان در دشواریهای طاقت فرسای گرفتار آمده‌اند و این امر اغلب به ضبط و از دست دادن خانه‌هایشان منجر می‌شود.»

به عقیده برخی وزیران، دولت بایستی برای مصیبت صاحبان خانه که قادر نیستند بهره وام مسکن خود را پرداخت کنند به‌عنوان اولویتی برای جلب حمایت مجدد رأی دهندگان مردم حزب محافظه کار، چاره‌ای بیاندیشد.

آنان واهمه دارند بر اثر سلب اعتماد در بازار مسکن، حزب محافظه کار، طرفداران خود را میان عده‌ای از صاحبخانه‌ها - که خانه‌های خود را تحت قانون «حق خرید» تاچر خریداری کرده‌اند - از دست بدهد.

یک مشاور سابق وزیر اظهار داشت: دولت بایستی تدابیری برای طرح معافیت مالیاتی این افراد کم درآمد و یا اخذ بهره‌های جدید با مراعات وضعیت کم درآمدها که در بازپرداخت وام مسکن خود با مشکلات بسیاری مواجه شده‌اند، اندیشیده باشد.

«پیتز لیلی»، وزیر تأمین اجتماعی قرار است تغییرات گسترده‌ای را در مقررات بازپرداخت وام ایجاد کند.

انتشار گزارش مبنی بر افزایش ۵۰ درصدی تعداد افرادی که با درآمدی کمتر از مستمری بیکاری گذران زندگی می‌کنند، «فرانک فیلد»، رییس هیأت را برآن داشت تا خواستار تغییر در اجرای نظام بهزیستی همگانی شود که سالیانه ۸۰ میلیارد پوند برای خدمات رفاهی رایگان هزینه می‌کند.

صاحبخانه‌هایی که در دام فقر گرفتار آمده‌اند

«سو تامسون» و «ری اسمیت» که ۲۰ سال شریک زندگی وی بوده است، نمونه‌ای بارز از «فقیران جدید» هستند. کم درآمدهایی که در دام بازپرداخت وام مسکن گرفتار آمده‌اند. «رزی واترهاوس» در مورد آنان می‌نویسد:

تنها راهی که آنان می‌توانند از ضبط خانه‌شان جلوگیری کنند، کاهش هزینه غذایی و همچنین کاهش سایر هزینه‌های ضروری است تا بتوانند بدهی‌های خود را که سال گذشته به ۳ هزار پوند رسیده بود، پرداخت کنند.

این زوج و سه فرزندشان، «لئون» ۱۶، «ریکا» ۱۵ و «لسلی» ۱۲ ساله قادر نیستند هزینه مراسم عزاداری مادر آقای «اسمیت» را که این هفته در گذشته است، تقبل کنند.

آنان فقط قادرند یک اتاق را در خانه کوچک سه خوابه‌شان در نزدیکی «کورتون»، چهارمیلی «لوستوف»، «سافولک» با بخاری هیزمی گرم کنند. هیزم این بخاری نیز توسط آقای اسمیت و فرزندان از جنگلی در نزدیکی محل سکونتشان آخر هر هفته جمع‌آوری می‌شود.

این خانواده فقط هفته‌ای یک بار غذای گوشتی مصرف می‌کنند و رژیم غذایی آنان را نان، میوه و سبزی خانگی تشکیل می‌دهد. خانم «تامسون» توانست هدایای کوچکی برای فرزندان خود هنگام عید کریسمس تهیه کند. وی سه سال است که هزینه خرید هدایا را به صورت قسطی پرداخت می‌کند. زندگی راحت آنان در این خانه ۶۰ هزار پوندی که با پرداخت ۲۰ هزار پوند در سال ۱۹۸۴ با وام مسکن خریداری شد، دو سال بعد از خرید خانه پایان یافت. زیرا دو سال بعد از خرید خانه، شرکت کاناپه‌سازی که آقای اسمیت ۲۵ سال در آن خدمت می‌کرد، تعطیل شد.

از آن زمان به بعد آقای اسمیت به مشاغل کم درآمد و حقیر روی آورد. به عنوان پدر سه فرزند، وی هفته‌ای ۱۳۰ پوند درآمد دارد، ولی اگر بیکار بود می‌توانست با استفاده از کمک‌های انجمن‌های حمایت از خانواده و کودکان، ۴۰ پوند بیشتر در هفته دریافت کند. البته در این صورت وی ۲۰ پوند کمتر دریافت می‌کرد، اما بازپرداخت وام مسکن وی یعنی ۶۰ پوند در هفته به عهده انجمن حمایت از خانواده و کودکان بود. این در حالی است که خانم «تامسون» معتقد است نمی‌تواند بپذیرد مانند انگل با وی رفتار شود.

حتی اگر اجاره‌نشین هم بود، درآمد بهتری می‌داشت، زیرا در آن صورت حتی اگر کار هم می‌کرد، می‌توانست هفته‌ای ۵۷ پوند کمک هزینه مسکن دریافت کند.

توجه کنید چگونه این گزارش در نشریه «ایندپندنت» (۱۵ ژانویه ۱۹۹۳) از پاسخهای منابع

مختلف استفاده کرده است. بند ۷ برگردآورنده تحقیقات تأکید دارد، بند ۹ به دفتر انجمن ملی یاری به شهروندان و انجمن حمایت از کودکان اشاره می‌کند. بند بعدی بر دیدگاه سرپرست انجمن حمایت از کودکان تأکید دارد. آنگاه به وزیرانی که نامشان فاش نشده است، اشاره می‌شود مانند «یک مشاور سابق وزیر» که بنا به دلایلی از بیان سخن صریح در مورد گزارش هیأت واهمه دارد. سرانجام به رییس هیأت که رسماً سخن گفته است، اشاره می‌شود. در ترتیب زمانی انجام تحقیق، آخرین نظریه را می‌توان به راحتی در ابتدای مطلب عنوان کرد. روشی معمول برای برجسته نمودن محتویات گزارش، افزودن مواردی است که به جنبه‌های مورد توجه مردم پرداخته باشد.

گزارش نشریه ایندپندنت که در بالا آمده - صاحبخانه‌هایی که در دام فقر گرفتار آمده‌اند - این روش را دنبال کرده است و تأکید مطلب بر زوجی است که «نمونه‌ای بارز از فقیران جدید» هستند و مسائل آنان در گزارش اصلی برجسته شده است. عکسی از این زوج می‌توانست این جنبه مورد توجه مردم را برجسته‌تر سازد.

به برخی گزارشهای ملی نیز موارد مشابه محلی افزوده می‌شود. مانند نمونه زیر در نشریه «دربی ایونینگ تلگراف» (۵ فوریه) که به دنبال دو گزارش انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت منتشر شده و دیدگاه یک مبارز محلی و بند آخر نیز واکنش جامعه در قبال این مسأله را مطرح می‌سازد.

مادر مبارز گزارشهای سوء استفاده از کودکان را مورد انتقاد قرار می‌دهد

«کلراملی»

مادر مبارز «جولی بونیفیس»، درخواست سازمان ملی خیریه مبنی بر ضرورت انجام اقدامات بیشتر برای حمایت از کودکان معلول در برابر سوء استفاده را مورد انتقاد قرار داد. وی که مادر چهار فرزند است می‌گوید، دو گزارش انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت، که در هفته جاری انتشار یافت، صرفاً «هدردادن هزینه» بوده است، زیرا قبلاً اقداماتی از این قبیل در جهت رفع مشکلات موجود صورت گرفته است.

تحقیقات انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت، سوءاستفاده‌های جسمی و جنسی از کودکان معلول را در سطحی وسیع فاش ساخت؛ به‌ویژه در مورد کودکان معلولی که معمولاً سخنی بر زبان نمی‌آورند.

این یافته‌ها مسؤولان را بر آن داشت که افراد مراقب کودکان معلول را تحت آموزشهای بهتری قرار دهند تا قادر باشند نشانه‌های سوء استفاده را در کودکان پیدا کنند.

اما خانم «بونیفیس» می‌گوید به مبارزات دو ساله وی برای انجام اقداماتی مشابه، پاسخ داده شده و وی توانسته است توجه وزیران دولتی را در این مورد جلب کند.

وی می‌گوید سایر تحقیقات نیز نتایج مشابهی را دربرداشته است.

این خانم افزود: «البته برجسته کردن فجایعی که روی می‌دهد، کار خوبی است اما به‌چه دلیل انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت، هزینه‌ای را برای یافتن امری که قبلاً شناخته شده و در مورد آن نیز اقدام شده، اختصاص داده است.»

«آنان بهتر می‌بود این هزینه تحقیق را صرف آموزش افراد مراقب کودکان معلول می‌کردند - یکی از اقداماتی که آنان نیز درخواست نموده‌اند.»

خانم «بونیفیس» به کمک همسرش «ایوان»، گروه خودیاری را برای کمک به قربانیان سوء استفاده‌ها در سال ۱۹۹۱ برپا نمود. این اقدام وی به دنبال سوء استفاده جنسی از دختر ۲۴ ساله معلولش در خانه خیریه «دربی من کپ»، صورت گرفت.

فرد مراقب وی بعداً زندانی شد، اما این زوج وحشتزده دریافتند که کادر آنجا فاقد صلاحیت بوده و هیچ آموزشی در مورد شناخت علائم سوء استفاده را نگذرانده‌اند.

آنان تلاش کردند تا در مورد تمامی افراد مراقب کودکان معلول از سوی پلیس تحقیق شود و همچنین قرار است روز ۲۳ مارس در مجلس عوام با حضور «تیم‌یو» وزیر بهداشت، نشست در این مورد برگزار شود.

همچنین سال گذشته از خانم «بونیفیس» درخواست شد تا در تحقیقات دولت در مورد سوء استفاده جنسی از کودکان شرکت کند.

پژوهشهای انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت، در سه سال اخیر بیانگر آن است که براساس شواهد، هتک حرمت و تزیق اجباری در مورد این افراد معلول مشاهده شده است.

یک سخنگوی انجمن ملی حمایت از کودکان در برابر خشونت در این مورد اظهار داشت: «ما می‌دانیم که خانم «بونیفیس»، کارش را خیلی خوب انجام داده است، اما تصور ما این است که این گزارشها نیز می‌تواند به آگاهیهای عمومی در این مورد بیفزاید.»

انتشار چنین گزارش‌هایی می‌تواند جنبه خبری مهمی را برای نگارش یک مقاله توصیفی فراهم آورد. شما ممکن است در مورد حالات عصبی قبل از عادت ماهیانه تحقیق کنید و جزئیات و نقل قول‌های جالبی نیز در این زمینه داشته باشید. انتشار گزارشی جدید در مورد این موضوع می‌تواند خبر مهمی باشد.

همچنین شما ممکن است تماس‌های نزدیکی با سازمان یا افرادی که می‌توانند شما را در جریان اطلاعات انحصاری در مورد گزارش مهمی قرار دهند، داشته باشید. در غیر این صورت، شما می‌توانید برای مطرح ساختن واکنش در برابر گزارشتان، با منبعی انحصاری در این مورد تماس بگیرید.

گرچه در نگارش گزارش‌هایی از این دست، روزنامه‌نگاران معمولاً زمان حال ساده به کار می‌برند؛ اما این امر نیز کاملاً قابل قبول است که روزنامه‌نگاران مثلاً بنویسند: «گزارشی که دیروز منتشر شد حاکی از آن است» و نگارش بقیه مطلب را در زمان حال ساده ادامه دهند. یافته‌های گزارش هنوز به‌عنوان «امروز» مصداق دارد؛ همان‌گونه که «دیروز» هنگام انتشار مصداق داشت: کاربرد زمان گذشته و نقل قول غیرمستقیم در این موارد غیرضروری است.

انتشار گزارش به‌طور طبیعی خبر تلقی نمی‌شود. آغاز مطلب بدین صورت خسته‌کننده خواهد بود: «گزارشی که خطرات تماشای بیش از اندازه برنامه‌های تلویزیونی را مورد تأکید قرار داده است، دیروز از سوی گروهی از چشم‌پزشکان منتشر شد.» این مطلب بیش از اندازه کلی‌گویی است. نگارش لید خاصتری لازم است: «بر اساس گزارش‌های جدید، افرادی که بیش از پنج ساعت در روز به تماشای برنامه‌های تلویزیونی می‌نشینند، آسیب جدی بر سلامت چشمان خود وارد می‌سازند.»

● در اینجا به نسبتی که در لید داده شده است، توجه کنید. آغاز مطلب بدین صورت نادرست خواهد بود: «افرادی که بیش از پنج ساعت در روز به تماشای برنامه‌های تلویزیونی می‌نشینند، آسیب جدی بر سلامت چشمان خود وارد می‌سازند.» این مسأله حقیقت ندارد. این مطلب، از تحقیقی که ممکن است نادرست باشد، گرفته شده است و صرفاً یک اظهار نظر است

که می‌بایست مشخص گردد.

● جایی که اطلاعات گرفته شده از گزارشی، حقیقت محض است و صرفاً اظهار نظر نیست، نسبت دادن آن نیز عجیب به نظر خواهد رسید. در گزارشی ممکن است چنین مطلبی آورده شود: «ماه آینده، قرار است چهار روزنامه سراسری جدید به شبکه اطلاع رسانی پیوندند.» این می‌تواند اساس نگارش لید را تشکیل دهد، اما نسبت دادن آن به عنوان نمونه به گزارشی در کتابخانه روزنامه، که از سوی رییس کتابخانه دانشگاه تهیه شده است، نادرست خواهد بود. پیوستن به شبکه اطلاع رسانی مسأله ابراز عقیده نیست، بلکه امری است که درست و یا نادرست می‌باشد.

بہتر است در لید این‌گونه نوشته شود: «چهار روزنامه سراسری قرار است ماه آینده به شبکه اطلاع رسانی پیوندند؛ این اقدام از سوی رییس کتابخانه دانشگاه «بلانک تان» مورد استقبال قرار گرفته است.»

اغلب این امکان برای روزنامه‌نگاران فراهم می‌آید تا از طریق پایگاه انگلیسی، مطالب خود را در سطح بین‌المللی انتشار دهند. گزارشی از سوی یکی از گروه‌های همبستگی (مانند «گروه اقدام برمه»، «جنبش ضد آپارتاید»، «مبارزه همبستگی نیکاراگوئه» و «گروه حمایت از فیلیپینی‌ها») می‌تواند پایه‌ای برای تهیه گزارشی مشروح و معتبر باشد. پیگیری گزارش از سوی نمایندگان محلی گروه‌ها می‌تواند به جنبه خبری محلی آن بیفزاید. «در سطح بین‌المللی تفکر کنید و در سطح محلی اقدام نمایید»، شعاری است که برای هر روزنامه‌نگار ارزش به خاطر سپردن را دارد.

● اغلب ارائه جزئیات گزارش در پایان مطلب، مفید خواهد بود، مانند: عنوان کامل، نام ناشر، هزینه و حتی نشانی.

تحلیل گزارش «۴۰۰ مرگ در یک روز»؛ نشریه «لیورپول اکو» (۲۲ می ۱۹۹۲)

۴۰۰ مرگ در یک روز

پژوهش‌های تازه بیانگر آن است که یک سوم سیگاری‌ها بر اثر این عادت مهلک، جان خود را از دست خواهند داد.

«گزارشگر اکو»

بر اساس گزارش‌های جدید، بیش از یک پنجم افراد در کشورهای توسعه یافته، بر اثر بیماری‌های ناشی از مصرف سیگار جان خود را از دست می‌دهند.

در انگلیس روزانه ۴۰۰ تن به‌طور متوسط و یک تن در هر چهار دقیقه، بر اثر مصرف توتون جان خود را از دست می‌دهند.

افزایش

در حالی که مصرف سیگار میان مردان انگلیس به میزان قابل توجهی کاهش یافته است، مصرف سیگار میان زنان روبه افزایش است و سالیانه مرگ و میر ۱۵۰۰۰۰ زن را به دنبال دارد.

تحقیقات واحد مطالعات سرطان «بنیاد سلطنتی پژوهش‌های سرطان» دانشگاه آکسفورد که در نشریه «لنست» منتشر شده بیانگر آن است که از کل جمعیت جهان ۲۵۰ میلیون نفر - معادل جمعیت ایالات متحده - جان خود را بر اثر ابتلا به بیماری‌های ناشی از مصرف سیگار از دست خواهند داد.

این گزارش حاکی است که سالانه دو میلیون نفر در کشورهای صنعتی بر اثر مصرف توتون می‌میرند و در دهه ۱۹۹۰ نیز حدود ۲۱ میلیون نفر بر اثر این عادت مهلک جان خود را از دست خواهند داد.

از این افراد، پنج تا شش میلیون در کشورهای اروپایی و پنج تا شش میلیون نیز در ایالات متحده آمریکا و ۱۰ میلیون در کشورهای در حال توسعه درگیر عواقب سیگار کشیدن خواهند بود. این ارقام در دهه‌های آینده افزایش خواهد یافت.

سرطان‌های ناشی از مصرف توتون عبارت‌اند از سرطان‌های ریه، دهان، حلق، حنجره، مری، کبد و مثانه. سایر بیماری‌ها که از مصرف سیگار ناشی می‌شوند، عبارت‌اند از بیماری‌های کرونری، شریان‌ها و مغز، نیز بیماری‌های مزمن ریوی و دستگاه تنفسی

استاد آمار پزشکی در آکسفورد و همچنین رییس واحد مطالعات سرطان در بنیاد سلطنتی پژوهش‌های سرطان، «ریچارد پیتو» اظهار داشت: «اغلب افراد می‌دانند که مصرف سیگار خطرناک است، اما نمی‌توانند تشخیص دهند تا چه حد این خطر جدی است.»

«مطالعات جدید آمریکایی‌ها بیانگر آن است که بیش از یک سوم سیگاری‌های معمولی بر اثر

ابتلای به سیگار جان خود را از دست خواهند داد و مرگ حدود نیمی از آنان نیز در میانسالی خواهد بود.»

ترک سیگار

«آنهايي که بر اثر مصرف توتون در میانسالی می‌میرند، دست‌کم ۲۴ سال از سالهای زندگی را از دست داده‌اند.»

«در برخی کشورها، مصرف سیگار از سوی نوجوانان روبه افزایش است و افرادی که از سنین نوجوانی به مصرف سیگار روی می‌آورند، بیشتر در معرض خطر مرگ و میر ناشی از مصرف توتون در سنین میانسالی قرار دارند.»

«تنها خبر خوب آن است که ترک سیگار بسیار مؤثر خواهد بود.»

«اگر ترک سیگار را تا ابتلا به سرطان ریه، به تعویق اندازید، قطعاً بسیار دیر خواهد بود.»

بند ۱: جزییات گزارش، مهم‌تر از انتشار کل یافته‌ها در این زمینه است. گزارش بدین صورت آغاز نمی‌گردد: «گزارش تازه‌ای که امروز منتشر شده، این حقیقت، که بیش از یک پنجم افراد در کشورهای توسعه یافته بر اثر ابتلا به بیماریهای ناشی از مصرف سیگار جان می‌سپزند، را مورد تأکید قرار می‌دهد.» گزارش مستقیماً، جالبترین اطلاعاتی را که به تازه‌ترین گزارش نسبت داده می‌شود، مطرح می‌کند.

گزارشگر به جای آن که جنبه محسوستر گزارش را که به انگلیس مربوط است و در بند بعدی نیز برجسته شده مطرح کند، به جزییات قابل توجه مربوط به «کشورهای توسعه یافته» می‌پردازد.

بند ۲: جزییات خبری در مورد انگلیس، به صورت خلاصه مطرح می‌شود و نیازی به نسبت دادن اطلاعات به منبعی خاص وجود ندارد. این مسأله از بند پیشین مشخص شده است.

بند ۳: تمرکز روی کشور انگلیس ادامه می‌یابد و سیگاری‌های مرد و زن با یکدیگر مقایسه می‌شوند. بار دیگر نیازی به نسبت دادن اطلاعات به منبعی خاص نیست.

بند ۴: سرانجام منبع مشخص می‌شود. این منبع قدری دور از ذهن است، (تحقیقاتی که از

سوی واحد مطالعات سرطان «بنیاد سلطنتی پژوهش‌های سرطان آکسفورد»، در نشریه «لنست» منتشر شده است). اگر این منبع، در بندهای پیشین مشخص می‌شد، سایر جزئیات مهم را تحت الشعاع قرار می‌داد. اگر لید بدین صورت بود: «بیش از یک پنجم افراد در کشورهای توسعه یافته، بر اثر ابتلا به بیماری‌های ناشی از سیگار جان خود را از دست می‌دهند؛ این یافته جدید از سوی واحد مطالعات سرطان «بنیاد سلطنتی پژوهش‌های سرطان» دانشگاه آکسفورد عنوان شده است»، گروهی در «لیورپول» را که چندان هم شناخته شده نبود، برجسته می‌ساخت.

بند ۵: «این گزارش حاکی است... آشکارا، منبع مطلب بعدی را مشخص می‌سازد. این وسوسه برای گزارشگر وجود دارد که جملات دیگر را نیز با ساختاری مشابه آغاز کند؛ اما در اینجا گزارشگر از این وسوسه پرهیز کرده است.

بند ۶: «از این افراد...»، عبارت ربطی سودمند و موجزی محسوب می‌شود و بار دیگر تأکیدی بر مطالب جدی و واقعی است.

بندهای ۷ و ۸: توجه خاصی بر جزئیات بیماری‌های ناشی از مصرف توتون می‌شود. بندهای ۹ تا ۱۴: در اینجا مشخص نیست که «پیتو» از طریق تماس تلفنی و یا در کنفرانس مطبوعاتی صحبت می‌کند. ختی در مقدمه گزارش نیز چنین است. اما مشخص نمودن این نوع جزئیات، ضروری نیست. گزارشگر به صراحت، صحبت‌های «پیتو» را مطرح می‌کند. اطلاعاتی را که در بند ۱۰ آورده شده مبنی بر اینکه یک سوم سیگاری‌های معمولی بر اثر این عادت مهلک، جان خود را از دست خواهند داد، می‌توان در بند ۲ نیز مطرح کرد. به ویژه ارائه عنوان نیز برای جلب توجه به این نکته مهم است. این مقاله به خوبی تشریح شده است.

تحلیل گزارش: «اکینو» مهم شد که فیلیپین را به کشور بیوه‌ها تبدیل کرده است؛ نشریه نیویورک تایمز (۵ نوامبر ۱۹۹۱)

نویسنده گزارش در اینجا، تعدادی منبع را مورد توجه قرار داده است: اظهارنظرهای «گارلوس الونز» و همچنین گزارش‌های غفو بین‌الملل و «اکسفام». جزئیاتی از این قبیل بایستی

گزینه‌ش شده و به ترتیب اهمیت در گزارش مطرح گردد.

«اکینو» متهم شد که فیلیپین را به کشور بیوه‌ها تبدیل کرده است

بر اساس اظهارات نماینده فدراسیون ملی کارگران تولید شکر، «کارلوس الونز»، سرکوب اتحادیه‌های کارگری فیلیپین در دوران ریاست جمهوری «کوری اکینو»، پس از دوران ریاست جمهوری «فردیناند مارکوس» بوده است.

وی اوایل این ماه به دنبال گزارش سازمان عفو بین‌الملل، به منظور جلب حمایت اتحادیه‌های کارگری انگلیس به بریتانیا رفته بود. گزارش عفو بین‌الملل بیانگر آن بود که «در فیلیپین نیروهای امنیتی و جوخه‌های نیمه رسمی مرگ شماری از اعضای اتحادیه‌ها را به قتل رسانده‌اند.»
«دولت هر نوع عکس‌العمل کارگران صنایع را با مخالفت مسلمانان یکسان پنداشته است؛ از این رو، اتحادیه‌های کارگری هدف اقدامات ضد شورش دولت قرار می‌گیرند.» بنابر گزارش عفو بین‌الملل، کارگران تولید شکر، قربانیان اصلی این اقدامات بوده‌اند.

از زمان به قدرت رسیدن «اکینو» در سال ۱۹۸۶، بالغ بر ۲۵۰ تن از اعضای فدراسیون ملی کارگران تولید شکر، به طور غیرقانونی بازداشت شده و ۴۰ تن از سوی نیروهای دولتی به قتل رسیده و همچنین ۷ تن «ناپدید» شده‌اند. در ماه مه نیز، ۱۱ رهبر فدراسیون ملی کارگران تولید شکر به شرکت در اقدامات براندازی حکومت متهم شدند.

«الونز» اظهار داشت: «خانم «اکینو» به‌عنوان بیوه‌ای غمگین در نبردهای انتخاباتی شرکت کرد. اما تحت رهبری دولت وی، کشور ما به کشور بیوه‌ها تبدیل شده است. همزمان بر شمار جوخه‌های مرگ، افراد ناپدید شده و اعدام‌های بی‌رویه افزوده شده است.»

«هنگامی که حقوق اولیه خود را طلب می‌کنیم، برچسب کمونیست بودن می‌خوریم. این مانند محکومیت به مرگ است. ما در فوریه ۱۹۸۶ امید داشتیم به آزادی هست یابیم، ولی با کاپوس مواجه شدیم. آنچه به‌عنوان قدرت مردم خوانده می‌شد، اکنون در دست گروه‌های جنایتکار است.»

عضو سازمان عفو بین‌الملل در گزارش خود، چندین مورد قتل رسمی اعضا و کارگران فدراسیون ملی کارگران تولید شکر را ذکر کرده است. ۲۶ ژانویه ۱۹۹۰، «هنراندو پیلارو» و «بابلیتو لابرادور» که ۱۶ سال داشتند، درحالی که با سایر کارگران مزرعه در یک فروشگاه محلی به نوشیدن قهوه مشغول بودند، بدون هشدار قبلی مورد اصابت رگبار گلوله یک واحد پلیس و افراد مسلح شبه نظامی قرار گرفتند.

برخی افراد حاضر در فروشگاه که زخمی شده بودند، به مخیابان انداخته شدند. سربازی که تصور

می‌کرد «پلارو» و «لابرادور» از اعضای فدراسیون ملی کارگران تولید شکر باشند، با شلیک گلوله‌هایی آنان را به قتل رسانده بود.

در حادثه دیگری، ۱۰۰ سرباز به دهکده‌ای در مزرعه شکر وارد شده و از اهالی خواستند که اعضای اتحادیه را به آنان نشان دهند؛ سپس سربازان، «ادواردولازونا» را به‌عنوان یکی از سازمان دهندگان فدراسیون کارگران به قتل رساندند.

گزارشی از «اکسفام» که ماه گذشته منتشر شده، حاکی از آن است: «استراتژی توسعه (در فیلیپین) که توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی شکل گرفته است، گرایش ضد اتحادیه‌ای دارد... زیرا تهیه نیروی کار ارزان، کاری و حرف شنو برای کارایی این استراتژی، امری ضروری است.»

این استراتژی ناچار است مبلغ هنگفت ۲۰ هزار میلیون پوند بدهی را که مارکوس بالا آورده بود پرداخت کند. بخش عمده‌ای از این مبلغ، صرف پروژه‌های بی‌فایده‌ای شد که از سوی شرکت‌های چند ملیتی پیشنهاد شده بود. بهره‌ای از پرداخت بدهی کارخانه نیروگاه هسته‌ای «باتان» (که هرگز مورد استفاده قرار نگرفت، زیرا آن کارخانه در منطقه‌ای زلزله‌خیز واقع شده است) ۲۰۰ هزار پوند در روز است.

«فیلیپین: بدهی و فقر» از آکسفام.

«نقض حقوق بشر و جنبش کارگری در فیلیپین» عفو بین‌الملل.

بخش مضمونی ۱: واپس‌زدگی در فیلیپین، براساس نظرات «الونز» و عفو بین‌الملل

بند ۱: ادعایی که با انتظارات در تناقض قرار می‌گیرد، برجسته می‌شود. ارزش خبری آن در همین نکته است؛ «اکینو» در سال ۱۹۸۶، به دنبال انقلاب مردم و سرنگونی دولت سرکوبگر و دیکتاتور مورد حمایت آمریکا (فردیناند مارکوس) به ریاست جمهوری فیلیپین منصوب شد؛ بر اساس منبع این روزنامه، خلاف انتظارات مردم مشاهده شد. توجه کنید که چگونه با پیروی از آداب معمولی روزنامه‌نگاری، اظهارنظرهای جنجالی در لید ارائه شده است.

به منبع خبر توجه کنید. روزنامه‌های سراسری و محلی، طرح وی را غیرمعمول می‌شمارند: نماینده اتحادیه کارگری که از زمان انقلاب از جریان خبری معمول کنار گذاشته شده است.

این روزنامه با اعمال گرایش‌های سیاسی خود، ارزش خبری زیادی برای اظهارات «الونز» قائل می‌شود. مطبوعات پرتیراژ معمولاً با توجه به گرایش‌های خود، دیدگاه‌های چنین افرادی را به کلی نادیده گرفته و یا به صورت حاشیه‌ای با آن برخورد می‌کنند. نظریات «آلونز» برجسته

شده‌اند، زیرا عاملی «منحصر به فرد» در آن نظریات مشاهده می‌شود. گزارشهای «سازمان عفو بین‌الملل» و «اکسفام» نیز دیدگاههای قاطعی همراه با جزئیات آن ارائه می‌دهند؛ اما رسانه‌های جمعی بخشی از آن را منعکس می‌سازند. از نظر روزنامه‌نگاری نیز سخن شفاهی، قاطعتر و جذابتر از مطلب کتبی است. گزارش از یک سخنران، بُعدی حیاتی و انسانی به خبر می‌بخشد. اما گزارش کتبی، در مقایسه با آن از چنین قرابتی برخوردار نیست.

بند ۲: عنصر خبری «کی» گزارش توضیح داده می‌شود (اوایل این ماه به دنبال...) که موجب می‌شود مطلب با گزارش عفو بین‌الملل ادامه یابد؛ این گزارش تأییدی بر ادعای آغازین مطلب است.

بند ۳: به گزارش عفو بین‌الملل نسبت داده می‌شود و جزئیات بیشتری را در حمایت از اتهام اولیه گزارش ارائه می‌دهد.

بخش مضمونی ۲: پیش زمینه

بند ۴: «از زمان به قدرت رسیدن «اکینو»...» نیز عبارتی انتقالی است که به ارائه جزئیات دقیق از حقایقی که مضمون سرکوب را مورد تأکید قرار می‌دهد، منتهی می‌شود.

بخش مضمونی ۳: بازگشت به منبع اصلی با ارائه نقل قول مستقیم

بندهای ۵ و ۶: اظهارات «الونز» دقیق است و بار عاطفی دارد. ارائه واژگان و عباراتی چون: «بیوه‌ای غمگین»، «کشور بیوه‌ها»، «جوخه‌های مرگ»، «آزادی»، «کابوس»، و «گروههای جنایتکار» از تأثیر فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

بخش مضمونی ۴: بازگشت به گزارش عفو بین‌الملل

بندهای ۷ تا ۹: دو بند به اظهارات «الونز» اختصاص داده شده بود؛ اکنون نویسنده گزارش دو بند را نیز به تشریح گزارش عفو بین‌الملل اختصاص می‌دهد. «در حادثه دیگری»، عبارت انتقالی است که جریان کشتار «پلارو» و «لابرادور» را به حادثه «لازونا» مربوط می‌سازد.

بخش مضمونی ۵: «اکسفام» معرفی می‌شود

بندهای ۱۰ و ۱۱: ارزش خبری گزارش «اکسفام» با ارائه عبارت «ماه گذشته منتشر شد» مورد تأکید قرار می‌گیرد. چون «سوسیالیست»، نشریه‌ای ماهیانه است، اشاره به «ماه گذشته» از اعتبار خبری زیادی برخوردار است. نقل قول مستقیم تأثیرگذار است و ادعای اولیه را مورد تأکید قرار می‌دهد. بند آخر نیز از نظر ارائه جزئیات واقعی تأثیرگذار است و بخش‌های گزارش «اکسفام» را به‌طور چکیده و به بیانی دیگر توضیح می‌دهد.

بخش مضمونی ۶، دو بند آخر: ارائه اطلاعات به خوانندگان

این دو بند، اطلاعاتی را در اختیار افرادی که مایل‌اند از گزارش‌های «اکسفام» یا «عفو بین‌الملل» مطلع شوند، قرار می‌دهد. اغلب روزنامه‌های سراسری از انعکاس جزئیات آن سر باز می‌زنند. نشریه «سوسیالیست» برای جزئیات گزارش، نقشی آموزشی قائل می‌شود.

این گزارش بیانگر آن است که چگونه می‌توان گزارش‌های خارجی را از پایگاه‌های انگلیس به‌صورتی تأثیرگذار منتشر کرد. هر روز شماری از افراد مبارز، سیاستمداران، نویسندگان، دانشگاهیان و پناهندگان از سراسر جهان به انگلیس وارد می‌شوند و برخی از آنان نیز منابع خبری بالقوه‌ای محسوب می‌گردند. روزنامه‌های سراسری اغلب از محدودیت‌های مالی که برای تهیه گزارش‌های خارجی وجود دارد، گله می‌کنند. استفاده خلاق از منابع موجود در انگلیس نیز می‌تواند تا میزان قابل توجهی از این مشکلات بکاهد.

این مقاله در حالی که از منابع داخلی انگلیس استفاده کرده است، به هیچ وجه وضع دشوار فیلیپینی‌ها را ترحم‌آمیز جلوه نداده است. اخبار کشورهای خارجی معمولاً هنگامی در روزنامه‌ها و مجلات انگلیسی منعکس می‌گردند که سیاست‌های لندن و یا واشنگتن به آن توجه کرده و یا این امر به نحوی در انگلیس دارای اهمیت باشد. یک تاجر انگلیسی ممکن است به اتهام جاسوسی در کشوری خارجی دستگیر شود و یا در روابط تجاری انگلیس با آن کشور، به دلیلی خاص تأثیر گذارده باشد، اما این گزارش بر خلاف معمول بر جنبه‌های داخلی فیلیپین

تأکید دارد.

تهیه گزارش از سخنرانی‌ها

سخنرانی رویدادی مناسب برای تهیه گزارش خبری است زیرا از جنبه‌های آغازین، میانی و پایانی درخور برخوردار است. از یک سخنران منتخب می‌توان چندین گزارش تهیه نمود، به گونه‌ای که یک مسأله پیچیده و بحث‌برانگیز، ممکن است به صورت صحبت‌های فردی و به شکلی ساده ارائه شود.

جنگ داخلی بوسنی ممکن است امری پیچیده و مستمر باشد که ریشه‌ای عمیق در اختلافات قومی در جمهوری سابق یوگسلاوی دارد. تهیه گزارش از سخنرانی در مورد این جنگ که از سوی فردی مشهور و یا سیاستمداری برجسته ایراد شده، موضوع خوبی برای تهیه گزارش است و موجب می‌شود از پیچیدگی‌های آن مسأله کاسته شده و به صورت رویدادی قابل فهم برای همگان در آید.

در برخی از سخنرانی‌هایی که در مطبوعات منعکس می‌گردند، روزنامه‌نگاران شرکت نداشته‌اند. بخش روابط عمومی (از احزاب سیاسی، شرکتها، سازمانهای مبارز و دولت) به طور مرتب، جزواتی را که حاوی مطالب سخنرانی‌های آنان است (چه به صورت اصل و یا چکیده) در اختیار مطبوعات قرار می‌دهد.

در صورتی که روزنامه‌نگاری در جلسه سخنرانی حضور یابد، تلاش می‌کند تا جنبه‌های عینی و مشهود حضور روزنامه‌نگار را نیز به متن گزارش بیفزاید. او ممکن است صحبت‌های حضار و حالت‌های سخنرانان را نیز انعکاس دهد.

در یک گزارش، معمولاً ترکیبی از نقل قول مستقیم و غیرمستقیم دیده می‌شود. معمولاً کاربرد نقل قول مستقیم برای ارائه جذابترین نظریات در نظر گرفته می‌شود.

مانند مطالب خبری متداول، ارائه عناصر خبری «که»، «چه» و «کی» در بخش لید دارای

اهمیت است.

در نمونه زیر از نشریه «لیورپول دیلی پست» (۲۷ نوامبر ۱۹۹۲) به این نکته توجه کنید:

«گرید» از عدم حمایت بی‌بی‌سی از برنامه «الدورادو» می‌گوید:

سرپرست کانال ۴، «مایکل گرید» شب گذشته، مسئولان بی‌بی‌سی را به عدم حمایت از برنامه «الدورادو» که در اسپانیا تهیه شده و مورد استقبال چندانی هم قرار نگرفته است، متهم کرد. وی در فستیوال بین‌المللی تلویزیون در «ادینبورگ» چنین اظهار داشت: «واقعاً نمی‌توان چنین مبلغ هنگفتی را صرف تهیه برنامه کرد، بدون آن که مسأله در سطح بالایی مورد تأیید قرار گیرد.» «پیام گسترده حمایت برنامه‌ای از سوی افراد رده بالا، هرگز بدون نتیجه باقی نمی‌ماند. این پیام برای مسئولان نیز کسب اعتبار به دنبال خواهد داشت.»

آقای «گرید»، کارگردان سابق برنامه‌های تلویزیونی بی‌بی‌سی گفت: «اما به محض آن که برنامه‌ای مورد استقبال قرار گرفت، آنان جزو اولین افرادی هستند که اظهار می‌دارند: ما همواره می‌دانستیم این برنامه خوبی است.»

«دنباله‌روی، دومین خصوصیت مسئولان بی‌بی‌سی است.»

«اما آنچه فراموش شده و یا توجهی بدان نشده، از این قرار است: بی‌بی‌سی همواره افتخار می‌کرد که حمایتگر برنامه‌هایی است که خیلی زود مورد استقبال قرار نمی‌گیرند.»

آقای «گرید» که به دلیل کاهش بینندگان کانال ۴ تلویزیون از زمان تصدی وی به مقام سرپرستی کانال ۴، مورد انتقاد قرار گرفته است، اظهار داشت: «هرگز نبایستی به برنامه‌های این کانال به‌عنوان برنامه‌هایی که خیلی زود مورد استقبال قرار می‌گیرند، نگاه کرد؛ زیرا استقبالی‌های سریع معمولاً در مورد برنامه‌های عامه‌پسند صورت می‌گیرد.»

وی همچنین با انتقاد شدیداً لحن از هیأت مدیره بی‌بی‌سی، آنان را متهم کرد که فقط در ظاهر برنامه‌های سطح بالا را به برنامه‌های عامه‌پسند ترجیح می‌دهند.

بنابر اظهارات وی، بی‌بی‌سی به دلیل وجود مسائلی از قبیل عدم پرداخت منظم دستمزدها، دخالت سیاسی از سوی دولت و عدم دریافت حمایت از سوی تهیه‌کنندگان سطح بالا، آینده نامشخصی خواهد داشت.

«سیاست بی‌بی‌سی را رفتاری نامعقول و ساده‌انگارانه تشکیل می‌دهد و این امر از محبوبیت آن می‌کاهد و علاقه عمومی نسبت به این رسانه را کاهش می‌دهد.»

آقای گرید در بزرگداشت «جیمز مک تاگارت» که اولین فستیوال را بنیان گذارده بود، سخنرانی

کرد.

سپس، «هاول جیمز»، مدیر دفتر همکاری‌های بی‌بی‌سی، صحبت‌های آقای «گرید» را متهورانه و برانگیزاننده و در عین حال «نادرست» توصیف کرد. وی گفت: «او در هیچ جای صحبت خود، به تغییرات قابل توجهی که از زمان تصویب اساسنامه جدید بی‌بی‌سی در سال ۱۹۸۱ تاکنون روی داده است و این امر که روند تغییرات در سال آینده شتاب بیشتری خواهد داشت اشاره‌ای نکرده است.» خدمات جدید تلویزیون و رادیو، به طرز مؤثری عادات دیداری و شنیداری مردم را متحول خواهد ساخت.»

بند ۱:

که - سرپرست کانال ۴ تلویزیون «مایکل گرید».

کی - شب گذشته.

چه - مسؤولان بی‌بی‌سی را به عدم حمایت از برنامه «الدورادو» که در اسپانیا تهیه شده و مورد استقبال چندانی هم قرار نگرفته است، متهم کرد.

بند دوم، روش معمول گزارش سخنرانی را به کار برده است: ارائه نقل قول مستقیم کوتاهی که از مطلب لید حمایت و آنرا تشریح کرده است. علاوه بر آن، این بند شامل عنصر خبری «کجا» یا همان «فستیوال بین‌المللی تلویزیون در ادینبورگ» است.

توصیف بخشهایی از سخنرانی مانند: «در بزرگداشت جیمز مک تاگارت که اولین فستیوال را بنیان گذارده بود»، برای برپاکنندگان سخنرانی دارای اهمیت است ولی از نظر معیارهای ارزش خبری ارزش ثانویه دارد. از این رو این مطلب در بند یازدهم، در آخر بخش «گرید» ارائه می‌شود.

تاچر انتقاد شدیدی نسبت به عدم کارایی اقدامات غرب در بوسنی به عمل آورد.

خانم تاچر، انتقاد شدیدی نسبت به عدم کارایی اقدامات غرب در جنگ داخلی یوگسلاوی به عمل آورد.

وی در سخنرانی خود که خشم دولت انگلیس را برانگیخت، برای برقراری صلح میان گروه‌های متخاصم که موجب بروز جنگ در بوسنی شده‌اند، تقریباً خواستار دخالت نظامی غرب شد. نخست‌وزیر پیشین انگلیس در سخنرانی خود در نشست سران اقتصادی آلمان با لحن تحقیر آمیزی اظهار داشت: «چقدر بهتر می‌بود اگر غرب فقط به ارائه کمک‌های بشردوستانه اکتفا نمی‌کرد، بلکه به ریشه مسائل توجه می‌کرد و مانع بروز فجایع وحشتناکی که روی داده است، می‌شد.» «افسوس، ما تلاش داریم بر اساس توافق جمعی عمل کنیم و اغلب هنگامی که وجود رهبری واحد و موثر ضروری است، کسب توافق جمعی به عدم کارایی می‌انجامد.» «تفاوت آن با مسأله جنگ خلیج [فارس] کاملاً آشکار است؛ در آن مورد، ایالات متحده نقش رهبری را برعهده گرفته بود و در نتیجه، اقدامات نیروهای متجاوز نیز متوقف شد.»

شاعر

«در نظم نوین جهانی، اروپا بایستی شجاعت آن را داشته‌باشد که عقیده‌ای راسخ از خود بروز دهد.» وی همچنین سخنان شاعر آلمانی را که به توصیف پادشاهی کهن «هابسبورگ» پرداخته است، نقل کرد: «این مصیبت قدیمی هاست، ابزار نیمه‌کاره و گام‌های نیمه برداشته شده، ما را فقط به نیمه راه اهدافمان رهنمون می‌سازد.»

خانم تاجر در سخنرانی روز چهارشنبه خود در فرانکفورت زمانی که دولت امیدوار است همچنان مسأله ماستریخت فرونشیند، مطالب خود را مطرح نمود.

وی سخنان تحقیرآمیز زیادی در مورد وزیران کشورهای اروپایی ابراز داشت، و مدعی شد که این وزیران نتوانسته‌اند به تردیدهای فزاینده‌ای که در سراسر جامعه اروپا نسبت به این پیمان بروز کرده است، پی‌برند.

وی گفت: «شک و تردید، روبه افزایش است. مردم احساس می‌کنند دولتهایشان با سرعتی بیش از اندازه پیش می‌روند؛ در حالی که آنان نسبت به این مسیر اطمینانی ندارند.» «مشکل اینجاست که وزیران کشورهای اروپایی، زمان بسیاری را در ملاقات با یکدیگر صرف می‌کنند، در حالی که تماس‌هایشان با مردم کشور خودشان قطع شده است.» «مردم مایل نیستند به شهروندان ابر دولت اروپایی تبدیل شوند.»

از «دیلی میل»

در بند اول گزارش تاجر در نشریه «دیلی میل» (۲۷ نوامبر ۱۹۹۲)؛ واژه، «به عمل آورد» بدون ذکر تاریخ آمده است و همچنین به سبک نگارش روزنامه‌های تابلوید، عبارتهایی نظیر

«انتقاد شدید» به کار رفته است. این روش در سایر بخشهای گزارش نیز به کار رفته است و عبارتهایی مانند «با لحن تحقیر آمیزی اظهار داشت»، «قویاً آن را مطرح نمود» و «سخنان تحقیر آمیز بسیاری» مورد استفاده قرار گرفته است.

روش عدم ذکر تاریخ در ابتدای مطلب به این دلیل است که سخنرانی در روز چهارشنبه به عمل آمده و انعکاس مطالب آن در روزنامه جمعه، دیرتر از زمان معمول است.

در بند دوم اظهار نظر و تفسیر مطلب به کار رفته است. بر خلاف گزارش نشریه «لیورپول دیلی پست»، هیچ جای گزارش، زیاده روی در تحلیل و تفسیر مشاهده نمی شود. بخش «در سخنرانی خود که خشم دولت انگلیس را برانگیخت» به عنوان واقعیت ارائه شده است، اما این مطلب فقط یک اظهار نظر است. دولت انگلیس احتمالاً در آن روز مسائل متعدد دیگری نیز برای بررسی داشته است، ولی در توضیح بخش «وی برای برقراری صلح میان گروههای متخاصم... تقریباً خواستار دخالت نظامی غرب شد»، مقداری زیاده روی شده است.

در زمان خود، نشریه «دیلی میل» خواهان دخالت نظامی غرب در بوسنی شد. اما بانو تاچر صریحاً خواستار دخالت نظامی غرب نشد، بلکه وی مطالبی را عنوان کرد که روزنامه‌ها بدین گونه تفسیر و تعبیر کردند که وی تقریباً خواستار تحقق آن امر شده است. از این رو این تفسیر، قبل از ارائه مطالب سخنرانی در گزارش مطرح می شود.

عنصر «کجا» در سومین بند دیده می شود: «نشست سران اقتصادی آلمان»؛ نام این شهر به دلیل آن که از ارزش خبری بالایی برخوردار نیست، در بند ۸ آمده است.

در این گزارش و گزارش قبلی، عمده مطالب نقل قول از خانم تاچر و یا «مایکل گرید» بوده است. به گرید فقط یک بار به عنوان «سرپرست کانال ۴» و یک بار به عنوان «کارگردان سابق برنامه‌های تلویزیونی بی بی سی» اشاره شده است و کاربرد آن به این دلیل که وی از کارفرمایان سابق خود انتقاد می کند، ضروری بوده است؛ به خانم تاچر فقط یک بار به عنوان «نخست وزیر سابق» اشاره شده است. سایر عبارات، توصیفی و یا تکرار عناوین چند واژه‌ای بوده است.

ساختار هر دو گزارش مشخص است. بخش خانم تاچر به دو قسمت تقسیم می شود: بخش

اول تا بند ۷ که در مورد مسأله بوسنی تأکید دارد؛ دومین بخش از بند ۸ تا پایان گزارش ادامه می‌یابد که در آن توجه به موضوع «ماستریخت» معطوف است. عبارات مهمی که این دوبخش را به یکدیگر ربط می‌دهد، از این قرار است: «خانم تاچر در سخنرانی روز چهارشنبه خود در فرانکفورت در زمانی که...»

بخش‌گراید در گزارش قبلی نیز به دو قسمت تقسیم می‌شود: بخش اول در بند ۱۱ پایان می‌یابد؛ بخش دوم از بند ۱۲ آغاز و تا پایان گزارش که حاوی نقل قولهایی از بی‌بی‌سی است، ادامه می‌یابد. بخش اول را نیز می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود که قسمت اول در مورد برنامه «الدورادو» و قسمت دوم در مورد «هیأت مدیره و سیاست آن» است.

در گزارش میل، نام نویسنده مقاله مشخص نیست. این گزارش «تبلیغ» آشکاری برای خانم تاچر به نظر می‌رسد، زیرا نقل قولهای طولانی از وی آورده شده ولی هیچ تلاشی در جهت ایجاد توازن در گزارش از طریق نقل قول فردی، که نسبت به خطرات دخالت نظامی هشدار دهد، دیده نمی‌شود. یک توضیح این امر می‌تواند آن باشد که این گزارش از روی بیانیه سازمان برپاکننده نشست تنظیم شده است. نگارش آن شاید به شیوه نشریه «میل» از روی بیانیه سازمان و از سوی ویراستاران صورت گرفته، از این رو نام نویسنده آن درج نشده است.

مطالب از دیدگاه شاهد عینی: نگارش مشهودات

روزنامه‌نگاران تماشاگران تاریخ‌اند. هنگام برداشته شدن دیوار برلین، روزنامه‌نگاران در آنجا حضور داشتند و رویدادهای جنجالی واقعه را توصیف کردند. هنگامی که آمریکایی‌ها، «گرنادا» را اشغال و حضور روزنامه‌نگاران را در آن جزیره ممنوع اعلام کردند، روزنامه‌نگاران جسور سوار بر قایقهای مستور از چشمان اغیار به جزیره رفتند تا مقررات رژیم سانسور را زیر پا گذارده و گزارشی دست اول از این حمله، تهیه کنند.

این بعد «شهود عینی» (که به عنوان مشاهده مستقیم نیز شناخته می‌شود)، یکی از شاخصترین خصوصیات روزنامه‌نگاری است.

گزارشگران احتمالاً قادر نیستند خود شاهد تمام رویدادهایی باشند که گزارش می‌کنند. از این رو، ناچارند برای تهیه سایر مطالب بر دیگران متکی باشند. کاهش اعضای هیأت تحریریه نشریات در سالهای اخیر بیش از پیش، عنصر عینی را در اخبار نشریات کاهش داده است. به عنوان نمونه تهیه گزارش از نشستها و همایشها اغلب بدون حضور مستقیم گزارشگران انجام می‌شود. اما هنگامی که روزنامه‌نگاران در محل وقوع رویدادی حضور دارند، حضور آنان بر تأثیرگذاری مطلب در خواننده می‌افزاید.

حتی گزارش مستقیم از یک گردهمایی را می‌توان با افزودن شاهد عینی، مانند توصیف ظاهر شرکت‌کنندگان، چگونگی پرسشهای حضار و همچنین واکنشهای شرکت‌کنندگان به صورتی تأثیرگذار و زنده مطرح کرد.

به گزارش زیر از نشریه «ایندیندنت ان ساندی» (۳۱ ژانویه ۱۹۹۳) و شیوه توصیف نویسنده از واکنش حضار توجه کنید.

تاچر در مورد چه کسی صحبت می‌کرد؟

گزارشگر سیاسی: «استفن کسل»

در آن لحظات داغ لاف‌زندهای خطیبانه، اسم وی ذکر نشد؛ اما حضار شرکت‌کننده در مراسم شام لندن برای پی بردن به فرد مورد نظر در سخنان تند تاچر، نیازی به استفاده از آموخته‌های خود نداشتند.

در آن هفته زمانی که جان میجر علیه دو مجله، اقامه دعوی کرد، تاچر خاطر نشان ساخت که سیاستمداران بایستی نسبت به آنچه مطبوعات در موردشان می‌نویسند، هشیار باشند. وی بدون آن که به مطلب هزل آمیزی در مطبوعات اشاره کند، چنین گفت: «جای شکرش باقی است که من روزنامه‌ها را نخوانده‌ام، اما به موضوع پی برده‌ام.»

وی با کاربرد استعاره درینوردان، نیاز دولت به آمال و اصول را برشمرد: «اگر ستاره‌ای ندارید که شما را هدایت کند بانقطه‌ای ثابت در آسمان و یا جهت‌یابی که راهنمایی‌تان کند، در آن صورت برده قوه تخیل خواهید شد. حال ستاره‌های جدیدی در آسمان کبود دیده می‌شود... ستاره‌هایی

درخشان؛ این ستاره‌ها همان مسالمت و توافق هستند.»

آیا این ستاره‌های سرگردان می‌توانند سیاست اقتصادی دولت انگلیس را هدایت کنند؟ خانم تاجر با صراحت چنین صحبتی نکرد بلکه اظهار داشت: «ما می‌دانیم که هزینه‌ها را بایستی کاهش دهیم؛ لیکن اگر شیوه درست تأمین بودجه دنبال نشود، قطعاً از لحاظ مالی با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهیم شد (تشویق حضار). از طرفی اگر به هر درخواستی جواب مثبت داده شود، در دام بدهی‌های اسفبار گرفتار می‌آییم و بدین شیوه، نخواهیم توانست احترام مردم را کسب کنیم.»

در مورد مسائل دفاعی، در ایامی که نیروهای نظامی در آماده باش کامل به سر می‌برند، وی خاطرنشان ساخت: «در هیچ زمانی نبایستی تردید کنیم که آیا ما از آرایش دفاعی درستی برخوردار هستیم یا نه؟ باید مطمئن باشیم که از چنین امری برخورداریم.»

تاجر این جمله از تنودور روزولت را نقل می‌کند: «به جای قرار گرفتن در حالت مبهم دایمی که نه پیروزی و نه شکستی در پی دارد، بسیار بهتر است که با شجاعت، به کارهای بزرگ دست زنیم، حتی اگر با شکست روبه‌رو شویم.» عجیب است که کتاب فرهنگ لغت من واژه «یکنواخت و کسالت‌آور» را برای واژه «دایمی» جایگزین کرده است.»

۶۰۰ تن حضار در تالار «نیوکانات» لندن که روز پنج‌شنبه به سخنرانی تاجر گوش می‌دادند، انتظار ایراد سخنرانی مهیجی از سوی نخست‌وزیر سابق را داشتند، با شنیدن سخنان وی ناامید نشدند. چون علاوه بر زخم زبانهای تلویحی علیه دولت آقای میجر، ستایش‌هایی از چرچیل، نظریه‌هایی در مورد سیاست خارجی؛ و تقاضایی صمیمانه برای افزایش کمک‌های غرب به روسیه نیز عنوان شد.

در مورد اروپا هم تاجر، که موقعیت وی در مورد لایحه ماستریخت و ارائه آن به مجلس اعیان اهمیت فزاینده‌ای یافته است، از تصمیم خود مبنی بر امضای قانون اروپای متحد حمایت کرد ولی با ایده پول واحد اروپایی (یورو) مخالفت نمود. به گفته وی، «لایحه ماستریخت بیش از پیش دامنه‌دار شده است.» وی (در میان تحسین پرهیاهوی حضار) گفت: «این امر به معنای تسلیم بیشتر و بیشتر در برابر دیوانسالاری و همچنین اعمال کمتر و کمتر دموکراسی در پارلمان منتخب خودمان است.»

میهمانها ترکیب عجیبی از طرفداران حزب محافظه‌کار، «بسیار پیر و همچنین بسیار جوان» بودند. نمایی از کادر دفتری محافظه‌کاران نیز دیده می‌شد و یک عضو کابینه که قرار بود سخنران اصلی - یعنی مقام بسیار عالی‌رتبه‌ای از وزارت دارایی، «مایکل پورتیلو» را معرفی کند، پیام عذرخواهی خود را ارسال کرده بود. وی به دلیل شکست لایحه «ماستریخت» ناچار به لغو برنامه شده بود.

گزارش عینی، نقش عمده‌ای در گزارش بعدی نشریه «ساندی اکسپرس» (۳ ژانویه ۱۹۹۳) دارد. هنگامی که جمهوری چک و اسلواک از یکدیگر جدا شدند، «مک‌الپاین»، مشاهدات خود در پراگ را توصیف کرده است: «مردم در خیابانها سرگردان بودند و در مجاورت بنای یادبود «پالاک» هیاهو به راه انداخته بودند. پلها مملو از جمعیت بود و بر فراز پلها آتشبازی جریان داشت. وی در حالی که به تفاوتها می‌پردازد، می‌نویسد: «آنان می‌نوشتند، اما سرخوش نبودند. آنان جشن می‌گرفتند، اما شاد نبودند. جدایی مسالمت‌آمیز قطعی بود.»

تا مرگ ما را از هم جدا سازد

پس از ۷۴ سال پیوند، دو ملت از هم جدا شدند

«الیستایر مک‌آلپاین» در پراگ

«آن نقشه را جمع کنید، در این دهه دیگر نیازی بدان نیست»؛ این سخنان نخست‌وزیر «ویلیام پیت» بود که در آغاز قرن ۱۹ بر زبان آورد.

در آخر قرن بیستم تقریباً هر هفته، طراحی نقشه‌های نو مورد نیاز است. اروپا دائماً در حال تغییر شکل است.

میان سردرگمی فروپاشی شوروی، جنگ یوگسلاوی و خطر تهدیدآمیز در «مقدونیه»، جدایی میان جمهوریهای چک و اسلواک حتمی به نظر می‌رسد.

در ۳۱ دسامبر، با اعلام نیمه شب، چکسلواکی به دو سرزمین تقسیم می‌گردد.

جمعیتی در میدان مجاور بنای یادبود «یان پالاک» - دانشجوی جسوری که به خاطر آزادی در برابر تانک ایستاده و جان باخته بود - گرد آمده بودند و محل دفن وی را از گل پوشانده بودند.

قهرمانی

با فرا رسیدن غروب، مردم به خیابانها ریختند و آتش بازی بر فراز آسمان دیده می‌شد.

اما به نظر می‌رسید که اشتیاق زیادی در کار نیست و شادی واقعی میان مردم وجود ندارد.

آیا مردم خواهان این جدایی که از سوی سیاستمداران ترتیب داده شده بود، هستند؟

آری که در پاییز از مردم اخذ شد، بیانگر آن بود که آنان راضی نیستند.

فروشگاهها از کالاها انباشته شده است. اما کالا برای توریستها!

شبی بسیار سرد و ظاهر مردم فقیرانه بود. خوشبختی فقط جنبه‌ی ظاهری داشت. من بر روی پل

«چارلز» قدم زده و به تماشای قصر نورانی و برجهای کلیسای «پراگ» پرداختم. رودخانه «ولتاوا»، سیاه

ویخ زده به نظر می‌آمد.

این پل با فرا رسیدن سال نو مملو از جمعیت بود. آتش بازی رگباروار بر فراز پل فرود می‌آمد. در جمعیتی که به سمت میدان قدیم شهر در حال حرکت بودند، تعدادی افراد روس که بسیار مست هم بودند، دیده می‌شدند.

به محض آنکه آونگ ساعت شهر، ساعت ۱۲ را نواخت، اثری از ابراز شادی میان مردم مشاهده نشد، از آوازهای میهن پرستانه و یا فریادهای امیدآفرین خبری نبود، فقط آتش‌بازی بود و آسمان که به رنگهای مختلف در آمده بود.

میان جمعیت عظیمی به سمت خانه‌ام قدم می‌زدم. آنان می‌نوشیدند ولی سرخوش نبودند، آنان جشن گرفته بودند، ولی شاد نبودند. جدایی مسالمت‌آمیز قطعی بود.

تنها چیزی که باقی مانده تقسیم ذخایر نه چندان مهم است. آنچه درموزه‌هاست، به تاریخ هر دو کشور جدید تعلق دارد.

البته اینها مسائل کوچکی است که معمولاً در جدایی دو کشور مشکل‌ساز می‌شود. شاید زمان زیادی نمی‌گذرد که آنان از یکدیگر متنفر شوند ولی حالا در حیرت‌اند که چرا چنین بوده است.

اما در عین حال هر پیوندی، دوام تاریخی خود را دارد.

این دو کشور جدید که ۷۴ سال به‌عنوان چکسلواکی شناخته می‌شد، زمانی دست نازی‌ها و سپس در دست کمونیستها قرار داشت. مردم به رهبری «الکساندر دوبچک» در جست‌وجوی آزادی بودند، اما سرکوب کمونیستها در پراگ، در بهار ۶۸، بدان خاتمه داد.

در سال ۱۹۸۷، دانشجویان در شهر به تظاهرات پرداخته و سرانجام پس از ۲۴ روز کشور خود را آزاد کردند.

«واسلاو هاول» نماینده‌نویس، در کسب دموکراسی آنها را رهبری نمود. اولین انتخابات آزاد برگزار شد و ۹۷ درصد جمعیت در رأی‌گیری شرکت کردند.

واپس‌زدگی

یک اسلواک به نخست‌وزیری فدرال رسید. هر بخش از کشور نیز نخست‌وزیری از ملیت خود را انتخاب نمود.

بدین‌سان چکسلواکی آزاد شد. واپس‌زدگی کمونیسم زوده شد و دولت اجرای برنامه‌های اعطای آزادی و خصوصی‌سازی را در پیش گرفت.

از آن پس، پایتخت زیبای پراگ توریستهای بسیاری را به سوی خود جلب کرد.

همه چیز به نظر خوب می‌رسید. آینده سخت ولی روشنی بود. ملت غرق در امید و شاد و

خوشبین بودند.

خوب در این صورت، چه چیز کار را خراب کرد؟ چه مسأله‌ای به این جدایی انجامید؟ مسأله کوچکی آغازگر این جدایی شد. معمولاً رویدادی کوچک به جدایی می‌انجامد. در این مورد فقط یک خط فاصل (-) وجود داشت. ابتدا، به نظر می‌رسید حذف واژه سوسیالیست از اسم کشور چکسلواکی کافی است.

چون نام جمهوری چکسلواکی به نظر مناسب می‌رسید. سپس این پیشنهاد مطرح شد که یک خط فاصل میان چک و اسلواکی قرار گیرد. این بحث، هفته‌ها ادامه یافت. در همین حال، پارلمان فدرال اختیارات بیشتری به دولت‌های این دو ایالت اعطا کرد. در فوریه ۱۹۹۱، ائتلافی که بر چکسلواکی حکم می‌راند، به هم خورد و به دو حزب تقسیم گردید. در بخش «چک»، «واسلاو کلاوس» و در اسلواک، «ولادیمیر مسیار» مردی که به خوبی قادر بود اهرم قدرت را در دست گیرد، با هم به رقابت پرداختند. این دو فرد کاملاً متفاوت بودند. «مسیار» که زمانی کمونیست افراطی و عضو پلیس امنیتی بود، مردی ناشکیبا ولی متکی به خود به شمار می‌رفت.

دوستان

«واسلاو کلاوس» وزیر دارایی سابق هواخواه اصلاحات بنیادین اقتصادی بود و مانند بانکدارها خواهان کسب پیروزی به نظر می‌رسید.

وی تصویر روشنی از آینده کشورش و چگونگی رسیدن به آن اهداف را در دست داشت. این امر همراه با توانایی در تجزیه و تحلیل مسائل، او را از گمنامی به در آورده بود. اما سرانجام این افراد با یکدیگر کنار نیامدند و تصمیم گرفتند دو ملت - چک و اسلواک - را از یکدیگر جدا کنند. جدایی مسالمت‌آمیز. جدایی‌ای که با کمترین خشونت، این دو حزب بتوانند دوستی خود با یکدیگر را حفظ کنند.

کلاوس همچون مهارت‌شنای مرغابی در آب، به خوبی مذاکرات را پیش برد و از این جدایی بسیار خشنود شد. وی و سایرین، آینده روشنی را برای جمهوری چک جدید رقم زدند. اغلب جمعیت این سرزمین، زبان آلمانی را بلدند. به اعتقاد آنان بازار مرقه آلمان در دسترس آنان خواهد بود. و آنان خود را مستحق رقابت در این بازار می‌دانند. اما برای جمهوری اسلواک چه آینده‌ای وجود دارد؟ دستاوردهای بسیار اندک، و بیشتر رویارویی با مشکلات اقتصادی برای آینده اسلواکی پیش‌بینی می‌شود.

در مقاله «توصیفی عینی» زیر از گاردین (۴ ژانویه ۱۹۹۳)، مشاهدات «هلاپیک»، به عنوان فردی از گروه کوچک روزنامه‌نگارانی که دبیرکل سازمان ملل را همراهی کردند، بخشی از مطلب خبری را تشکیل می‌دهد. در این مطلب می‌توان ماجراهای غم‌انگیز، خطر، تهدید به خشونت و فریبکاری را مشاهده نمود.

دبیرکل سازمان ملل به علت حمله گروهی از اوباش، ناچار به فرار از سومالی شد

شاهد عینی: «هلاپیک» در موگادیشو

سازمان ملل دیروز با اقدام خفت‌باری از سوی طرفداران ژنرال «محمد فرح عیدید»، رهبری از گروه‌های متخاصم سومالی روبه‌رو شد. این گروه دبیرکل سازمان ملل، «پطروس غالی» را مجبور کردند، زمان دیدارش از پایتخت سومالی، را کاهش دهد.

جمعیت خشمگین با پرتاب سنگ و زباله به مقر سازمان ملل، «غالی» را وادار به پناه گرفتن در مقر نیروی دریایی ایالات متحده کردند؛ همچنین آقای «غالی» ناچار شد مکان همایش مطبوعاتی خود را تغییر داده و در فرودگاه شهر آن را برگزار کند.

هنگامی که «غالی» موگادیشو را با هواپیما ترک می‌کرد، دو مقام ارشد سازمان ملل و گروه کوچکی از روزنامه‌نگاران در مقر سازمان ملل تحت محاصره قرار داشتند؛ فرماندهان نظامی آمریکایی با نگهداری این افراد در مقر سازمان ملل تا پرواز هواپیمای دبیرکل، جمعیت خشمگین را فریب دادند. آقای «پطروس غالی» در شب برگزاری همایشی در آدیس آبابا که از سوی رهبران گروه‌ها برگزار شده بود، برای تلاش در تحکیم مبانی مسالمت ملی به موگادیشو رفت؛ اما علی‌رغم خشونت‌های دیروز در موگادیشو، ژنرال «عیدید» و رهبر گروه رقیب وی، «علی مهدی محمد» اظهار داشتند که قصد دارند هیأتی را برای شرکت در گردهمایی بفرستند.

برغم مشاهده از سرگیری اغتشاشات در خیابانهای پایتخت، آقای پطروس غالی اظهار داشت که به اعتقاد وی این همایش، آغازی برحل بحران سومالی خواهد بود. وی قول داد: «۱۹۹۳، سال بازسازی، مسالمت و توان بخشی خواهد بود».

دیدار دیروز وی به قصد حمایت از گروه کوچک کارمندان سازمان ملل در سومالی انجام شد. وی دیروز صبح هنگام پرواز به پایتخت اعلام کرد: «این افراد جان خود را به خطر انداخته‌اند و باید آنان را مورد حمایت قرار داد».

چقدر زود دریافتیم که گفته‌های وی حقیقت داشته است. هنگامی که هواپیمای ما در موگادیشو به زمین نشست، ابتدا دبیرکل را با چرخبال به پایگاه کمک‌رسانی در «افکویی» بردند؛ سپس بقیه افراد

شامل «جیمز جونا» معاون دبیر کل سازمان ملل در امور افریقا و خاورمیانه، «لیزابوتوتیهم» دستیار ارشد، و چهار روزنامه‌نگار بدون اسکورت نظامی در اتومبیل‌های سفید در حالی که پرچم سازمان ملل بر روی آنها در اهتزاز بودند، به محل اقامتشان رفتیم.

عوامل عینی، اغلب در گزارش‌های تشریحی دیده می‌شوند. در اینجا «کارولین فیلیپز» در نشریه «ایونینگ استاندارد» لندن (فوریه ۱۹۹۳)، درباره موضوع گزارش خود سخن می‌گوید:

مصاحبه «کارولین فیلیپز»

رمان‌نویس ۸۰ ساله، «مری وزلی» تجربیات خود را از زندگی و این که چرا از مرگ استقبال می‌کند، شرح می‌دهد.

دهه اخیر برای «مری وزلی» بسیار خوب بوده است. وی نویسنده پرفروش‌ترین کتاب تحت‌عنوان «بابونه» است. او که اولین کتاب خود را که ۱/۵ میلیون جلد آن به فروش رفته است در سن ۷۰ سالگی نوشت، می‌گوید: «من همواره در زمان پایان گرفتن کتاب خود وحشتزده می‌شوم با این تصور که اکنون با یک فاجعه روبه‌رو خواهم شد. من همیشه این تصور را دارم: می‌خواهم چه بکنم؟ من که دیگر نمی‌توانم بنویسم. هنوز هم هنگام اتمام یک کتاب تصور می‌کنم که این یکی دیگر آخرین کتاب من خواهد بود.»

کتابهای وی به کتابهای «جین آستین» تشبیه شده است با این تفاوت که در کتابهای وی به مسائل جنسی نیز پرداخته شده است. رمانهای وی رمانهای پرشوری هستند که به مسائل و روابط جنسی افراد طبقه متوسط نیز پرداخته‌اند. کتابهای وی همراه با ترجمه‌های ژاپنی و دانمارکی یک قفسه کتابخانه را در کلبه دور افتاده وی در «توتنر»، «دوون» به خود اختصاص داده‌اند.

این هفته شاهد انتشار داستان وی تحت عنوان «ارثیه مشکوک» بودیم، همچنین بهار امسال فیلمی از داستان دیگر وی تحت عنوان «طاووسهای پراق‌دار» تهیه شده است که در تلویزیون نمایش داده خواهد شد. نویسنده در چند جلسه تهیه سریال حضور یافته و با کارگردان فیلم گفت‌وگو کرد. وزلی گفت: «خیلی خسته‌کننده و تکراری بود، هنگامی که آنان سرگرم تهیه فیلم هستند از دخالت دیگران خوششان نمی‌آید.»

«وزلی»، ۸۰ ساله با پولوور مشکی کرکی و شلوار که لباس محبوب وی است، بسیار باوقار به نظر می‌رسد. در عین حال با موهای نقره‌ای و همچنین چهره‌ای که حاکی از اقتدار و حجب است، ظریف و دوست‌داشتنی است. وی پشت تلفن، چالاک، سرسخت و سطح بالا به نظر می‌آید. در ملاقات

حضوری خانم وزلی سرزنده و شوخ است. همچنین تیزهوشی وی از صحبت‌هایش استنباط می‌شود و به طور کلی با توجه به سنش، زنی فوق‌العاده است.

اما آنچه روزنامه‌نگاران بر اساس مشاهده مستقیم فردی گزارش می‌کنند، لزوماً واقعیت ندارد. چون مشاهده کردن امری ذهنی است. گزارشگران نیز مانند سایرین با تمام تعصبات فردی و عقاید شخصی، فرهنگی، روانشناختی و سیاسی، مسأله‌ای را مورد قضاوت قرار می‌دهند. تجربه فردی سیاهپوست و یا سفیدپوست، یک مرد یا زن و یا کودک، در مواجهه با هر رویدادی متفاوت است. چه، از لحاظ روانشناختی و یا جسمی برای گزارشگران غیرممکن است که همه چیز را ببینند. بهترین کار آن است که در رویارویی با هر تجربه‌ای، با صداقت برخورد کنند.

به‌عنوان نمونه در جنگها، گزارشگری ممکن است آنچه را که شخصاً در خط مقدم جبهه می‌بیند، گزارش کند. (هر چند در جنگهای عمده امروزی که بخصوص ایالات متحده و انگلیس درگیر آن هستند، گزارشگران معمولاً بخاطر پرهیز از احتمال بروز هر نوع خطری از خط مقدم دور نگه‌داشته می‌شوند). فقط بخش کوچک (و احتمالاً سانسور شده‌ای) از آنچه واقعاً اتفاق می‌افتد، گزارش می‌شود. و در کل آنچه واقعاً روی می‌دهد، خارج از دسترس گزارشگران است. از طرفی مشاهده آنچه واقعاً روی می‌دهد ممکن است دید گزارشگر را کاملاً تغییر دهد. جنگ در سطوح مختلفی در جریان است. رسانه‌ها معمولاً اولویت را به ارتش می‌دهند. جنبه‌های مختلف اجتماعی، دیپلماتیک، اقتصادی، روانشناختی و افسانه‌ای در این مورد وجود دارد. گزارش عینی خط مقدم، از سوی گزارشگر فقط بخش کوچک و در عین حال مهمی از واقعیت را منعکس می‌سازد.

فصل نهم

اطلاعات مهم: گزارش اقدامات دولت ملی و محلی

«جان ترنر»

سیاست مربوط به قدرت است، ولی اطلاعات خود قدرت است. روزنامه‌نگاران در کار مبادله اطلاعات سهم دارند؛ از این رو در روند سیاست که در اعمال قدرت دخالت دارد، از نقشی حیاتی برخوردارند. افراد قدرتمند، از جمله وزیران کابینه یا کارمندان عالی رتبه دولت و یا مسؤولان اجرایی در شوراهای محلی، نه تنها در حفظ قدرت فردی خود، بلکه در پنهان نمودن میزان قدرت خود در درجه اول، کوشا هستند. میان این دو گروه یعنی میان افراد قدرتمندی که تصمیمات را اتخاذ و اجرا می‌کنند و همچنین افرادی که اغلب ناچارند از چنین تصمیماتی پیروی کنند، روزنامه‌نگاران از جایگاهی اساسی برخوردارند. هر حکومت دموکراتیک بر مردمی متکی است که از سوی رسانه‌ها نسبت به مسائل، آگاهی درستی پیدا کرده و سیاست آموخته باشند. رسانه‌ها، معمولاً اخبار کامل و درستی که مجموعه گسترده و متنوع از عقاید

سیاسی را دربرمی‌گیرد، به مردم ارائه می‌دهند.

رسانه‌ها به‌طور کلی نقش مهم و فزاینده‌ای در سیاست دارند؛ البته هنوز شواهد مشخصی برای تعیین ماهیت و میزان این تأثیر وجود ندارد. ارزیابی تأثیر سیاسی رسانه‌ها به‌ویژه مطبوعات کار دشواری است زیرا:

● مجزا نمودن رسانه‌ها از سایر عوامل تأثیرگذار مانند خانواده، تحصیلات، کار و شرایط اقتصادی، امری دشوار است.

● هزاران عامل تأثیرگذار متقابل وجود دارد که رابطه میان روزنامه و خواننده را پیچیده می‌سازد. تأثیر سیاسی یک نشریه فقط به مطالب آن بستگی ندارد، بلکه بیشتر فردی که مطلب را می‌خواند و همچنین سطح معلوماتی که وی در سیاست دارد، تعیین‌کننده است.

● تأثیر هر یک از رسانه‌ها متفاوت است؛ تلویزیون، رادیو و نشریات سراسری در مقایسه با نشریات محلی، تأثیرگذاری متفاوتی دارند. از این رو رابطه مستقیم میان تأثیرگذاری هر رسانه بر مسائل سیاسی، امری نامشخص است.

● چگونگی دریافت و تفسیر پیامهای مشابه از سوی افراد مختلف متفاوت خواهد بود. و لذا این ادعا که رسانه‌ها صرفاً برای اهداف تبلیغاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، صحت ندارد.

پیش از پرداختن به جنبه‌های سیاستهای محلی و ملی، بررسی مختصر و فشرده سه روش ارزیابی تأثیرگذاری رسانه‌ها دارای اهمیت است.

● برجسته‌سازی مشخصه‌های اولیه: در این روش رسانه‌ها به این متهم نمی‌شوند که مستقیماً به مردم القا می‌کنند یا چه چیز را باور دارند؛ بلکه رسانه‌ها به‌طور غیرمستقیم، بر آنچه مردم فکر می‌کنند و همچنین چگونگی قضاوت آنان در مورد مسائل مختلف تأثیر می‌گذارند. برجسته‌سازی شامل تأثیر متقابل و دایمی میان روزنامه و خوانندگان آن است. از سوی دیگر، روزنامه‌ها از منابع اطلاعاتی عمده‌ای برخوردارند که تعیین‌کننده و جهت‌دهنده برداشتهای اولیه افراد نسبت به مسائل خاص است. بدین‌گونه بسیاری از مطالب خبری مطبوعات منعکس‌کننده تفسیرهایی است که از سوی منابع رسمی ارائه شده است.

● استحکام و سلطه: در این روش رسانه‌ها نگرش‌ساز نیستند؛ بلکه بیشتر در جهت تقویت و تحکیم عقاید و تعصبات موجود گام برمی‌دارند. این امر به مسأله تصور سلطه که از طریق آن، رضایت افراد نسبت به انتخاب راههایی هماهنگ با دیدگاه صاحبان قدرت جلب می‌شود، برمی‌گردد.

● تأثیرات مستقل: این دیدگاه که رسانه‌ها تأثیر مستقیم و مستقلی بر عقاید و رفتارهای افراد دارند، به‌طور روزافزونی مطرح می‌شود. دلایل این دیدگاه نیز قابل بحث است. ظهور فن‌آوری در رسانه‌های جدید، به نسبت میزان کاربرد آن در رسانه‌ها می‌تواند در نگرشها و رفتارهای افراد تأثیرگذار باشد.

«نیوتن» صاحب‌نظر در مسأله ارتباطات، به وجود تناقض در تأثیر رسانه‌ها بر آگاهی سیاسی اشاره کرده است. در حالی که امروزه اطلاعات سیاسی، سریعتر و به افراد بیشتری انتقال می‌یابد، با این حال تابلوهای عامه‌پسند از محتوای سیاسی اندکی برخوردارند و آنچه گزارش می‌کنند معمولاً شخصی، کم‌اهمیت، احساسی و جانبدارانه است. به این ترتیب شمار زیادی از مردم به آگاهیهای محدودی از اتفاقات جاری دست می‌یابند. این تناقض از سوی «سیمور-یر»، مورد بحث قرار گرفته است. وی سطوح مختلف خوانندگان را، که از مردم عامی تا افراد مطلع سیاسی را دربرمی‌گیرد، تعیین کرده است. میان گروه کوچک تحصیلکرده‌ها که برای کسب آگاهی بیشتر به رسانه‌ها روی می‌آورند و همچنین گروه وسیع مردم عامی که فقط برای خواندن ستون شایعات و همچنین صفحات ورزشی، سراغ مطبوعات می‌روند و به همین دلیل بیشتر در معرض تأثیرپذیری از اخبار جانبدارانه قرار دارند، فاصله اطلاعاتی وجود دارد. نشریات محلی نیز حرفهایی برای گفتن دارند. آنها بخش مهمی از سیستم سیاسی و روند آن محسوب می‌شوند و روزنامه‌نگارانی که در نشریات محلی مشغول کارند نظریاتی در مورد چگونگی عملکرد سیاسی دارند. امروزه فاصله میان سیاست ملی و محلی بسیار کم‌رنگتر شده است. دولت محلی به‌طور روزافزونی به بازوی دولت مرکزی تبدیل شده است. به عنوان نمونه در مورد سیاستهای آموزشی، جدا نمودن مسائل ملی و محلی دشوار است. به همین ترتیب،

هیچ مسأله ذاتاً محلی در روزنامه‌های محلی وجود ندارد. بیشتر آنچه اخبار ملی محسوب می‌شود، در منبع و ماهیت محلی است. در واقع سنت انگلیس در مورد تسلط نشریات ملی، موجب شده است که نوعی کوله فکری مصنوعی در نشریات محلی ایجاد شود و این امر، انتقادات بسیاری در مورد دید تنگ نظرانه نشریات محلی نسبت به سیاستها را به دنبال داشته است. ماهیت ملی سیستم سیاسی و فرهنگ سیاسی انگلیس را در این جنبه نبایستی دست کم گرفت؛ زیرا همواره تأثیرپذیری فراوانی از مطالب سیاسی مندرج در نشریات محلی داشته است.

سیستم سیاسی انگلیس

مطالعه در مورد سیستم سیاسی انگلیس، به سابقه فرهنگ غنی شهری در آن برمی‌گردد، که همواره از سوی سیستم ثابت و منسجمی حمایت شده است. قدرت در انگلیس، تمرکز یافته است و براساس دیدگاه سنتی، این قدرت در اختیار کابینه، پارلمان و دولت انگلیس قرار دارد و پیمانهای سیاسی، انسجام احزاب سیاسی و همچنین برخورداری از حق کنترل خزانه و مسؤولیت‌پذیری وزارتخانه‌ها حامی آن است. این الگوی با قدرت و منسجم از دولت انگلیس، با تسلط نخست‌وزیر، آن هم بدون اجبار به پاسخگویی - که به دلیل وجود قانون آزادی اطلاعات و منشور حقوق شهروندان اعمال می‌شود - برجسته‌تر شده است. پیش از بررسی جنبه‌های این نهاد توجه به ماهیت بنیادین فرهنگ سیاسی انگلیس دارای اهمیت است.

فرهنگ حرمت

حرمت و سنت

مردم انگلیس حرمت زیادی برای نهادهای سیاسی برجسته قائل‌اند. جاذبه سنتها، به عنوان

روشی برای دفاع از نهادهایی که بخش ثابتی از سیستم سیاسی حاکم محسوب می‌شوند، به کار رفته است. سلطنت، مجلس اعیان، نقش برجسته نخست‌وزیر و پنهان‌کاری، از اجزای این فرهنگ سیاسی به شمار می‌روند که حتی بدنبال انقلاب یا جنگ نیز بدان خاتمه داده نشده است. «لیی»؛ این سیستم را به کوه عظیمی تشبیه کرده که بناهای یادبود بسیاری بر بدنه آن نقش بسته است. برخی از این بناها هنوز قدرتمندند و برخی دیگر نیز به دست فراموشی سپرده شده‌اند. یک نمونه از آن نقش حق انحصاری سلطنت است، در حالی که این قدرت دیگر در دست خاندان سلطنتی نیست و در اختیار نخست‌وزیر و دستگاه اجرایی قرار گرفته است. قبل از اعتراض اعضای پارلمان در سال ۱۹۹۳، دولت اختیار پارلمان را در قبول یا رد تصمیم‌های مربوط به پیمان ماستریخت، انکار می‌کرد. دفتر مطبوعاتی نخست‌وزیر این‌گونه استدلال می‌کرد که بر اساس حق انحصاری سلطنتی، تصویب چنین پیمان‌هایی دیگر نیازی به رأی مجلس ندارد و می‌تواند از سوی نخست‌وزیر به نمایندگی از سلطنت مورد تأیید قرار گیرد.

مشارکت سیاسی

حفظ چنین حرمتی موجب شده انگلیس کشوری نسبتاً قانون‌مدار به شمار رود. احترام کلی نسبت به اقتدار قانون سطح پایینی از مشارکت سیاسی را محقق می‌سازد. بسیاری از دانشمندان اجتماعی با حیرت دریافتند که وجود بیکاری گسترده در دهه ۱۹۸۰، اختلال اجتماعی عمده‌ای را به دنبال نداشته است. در انتخابات عمومی، ۷۵ درصد در رأی‌گیری‌ها شرکت کردند و در انتخابات محلی نیز این آمار به حدود ۵۰ درصد تنزل یافت. گرچه حدود ۵ درصد افراد از اعضای احزاب سیاسی به شمار می‌روند، اما فقط ۲ درصد آنان فعالیت گسترده حزبی دارند.

مرکزیت و تمرکز قدرت

در لندن تصمیم‌گیری نهادهای سیاسی تا حد زیادی بر دولت، پارلمان و مسئولان اجرایی متکی است. دولت واحد و ملی توانسته تصور تفویض قدرت به دولتهای محلی به سبک فدرال

را توسعه دهد. از این رو دولتهای محلی تحت کنترل شدید دولت مرکزی قرار دارند و از سوی احزاب سیاسی، که بر پایه‌های مرکزی و ملی برپا شده‌اند، تقویت می‌گردند. در اسکاتلند و ویلز بحثهای تفویض اختیارات به مجلس، مورد مخالفت قرار گرفته است. در حالی که ایرلند شمالی با قوانین پارلمان انگلیس اداره می‌شود.

سیاستهای پیرامونی

در ده سال گذشته بیش از ۵۰ ماده قانونی که به دولت محلی مربوط می‌شود، تصویب شده و بخشهای اصلی سیستم دولت محلی نیز تغییر یافته است. همچنین تغییراتی در سیستم اداره شورای شهر لندن و شش مرجع صلاحیتدار امور پایتخت (در سال ۱۹۸۶) و مراکز آموزشی شهر لندن (در سال ۱۹۹۰) ایجاد شده است؛ یافته‌های تازه یک کمیسیون تحقیقاتی در این مورد نیز می‌تواند موجب افزایش کارایی سیستم شود. برخی خدمات از مسؤولیت مستقیم مقامهای کشور خارج شده‌اند، مانند ارائه مناقصه رقابتی، که مثلاً شرکتهای خصوصی بتوانند خدماتی از قبیل پاکیزگی معابر و خیابانها و جمع‌آوری زباله را برعهده گیرند. ارائه پیشنهاداتی در زمینه کاهش بودجه و تغییراتی در نحوه وصول مالیاتهای سرانه، سیستم مالی را نیز دستخوش تغییر قرار داده است. اقدامات داخلی نیز بر اثر هشدار گزارش «ویدی کامب» مبنی بر سیاست‌زدگی روزافزون دولت محلی، در سال ۱۹۸۶ مورد تجدید نظر قرار گرفته است (گزارش هیأت تحقیق عملکرد مقامات اقتصادی محلی). وانگهی قوانین مهمی که ماهیت خدمات را در زمینه‌های مسکن، خدمات اجتماعی، تحصیل و شهرسازی تغییر می‌دهد، تصویب شده است.

پنهان کاری

امر پنهان کاری که با تمرکزگرایی حاکمیت ارتباط دارد، بر سیاستهای انگلیس سایه افکنده است و از این فرضیه که «دولت بهتر از سایرین می‌داند»، حمایت می‌کند. هیچ حق عمومی و یا منشور حقوق شهروندی برای دستیابی به اطلاعات وجود ندارد. گرچه تفسیر این مسائل به

دادگاه واگذار شده است؛ با این حال دولت از طریق قانون رسمی محدودیت افشای اطلاعات، دستیابی آزادانه به اطلاعات را ممنوع کرده است.

سیاستهای حزبی

از سالهای دهه ۱۸۸۰ تاکنون احزاب سیاسی در انگلیس قدرت گرفته‌اند و سیاستها نیز بر پایه سیستم دو حزبی تدوین می‌شوند. در دهه ۱۹۸۰، گرایشهای حدود ۸۰ درصد مردم هنوز با معیار هواداری آنها از یکی از دو حزب عمده کشور سنجیده می‌شد و در انتخابات عمومی ۱۹۹۲ نیز بیش از ۵۰ درصد رأی دهندگان، به نامزدهای این دو حزب رأی دادند. احزاب، موارد مورد بحث سیاسی را از طریق تشکیلات حزبی و انضباط حرفه‌ای کنترل می‌کنند؛ رهبران حزبی نیز از طریق نمایندگان حزبی در پارلمان بر امور پارلمانی تسلط دارند.

تأکید بر اقتصاد آزاد

انگلیس از دولتی قوی و اقتصادی آزاد برخوردار است. برای اطمینان از اجرای قانون، نظم و همچنین کنترل اجتماعی، دخالت فعال دولت مشاهده می‌شود؛ اما برای ایجاد اشتغال و افزایش عدالت اجتماعی، دولت دخالت چندانی ندارد. در دهه گذشته، روندی که از سال ۱۹۴۵ به سوی نظام مالکیت اشتراکی و گروه‌گرایی، آغاز شده بود، متوقف شده و اصول بازار آزاد، دخالت دولت در این امر را تضعیف کرده است.

زبان و نمادهای سیاست

کاربرد واژه‌های خاص، هویت‌های سیاسی را توصیف کرده و طرفداران آن را مشخص می‌کند. برای «دست راستی‌ها» عبارت‌ها و واژگانی مانند «آزادی انتخاب»، «وطن پرستی»، «فردگرایی» و «کارایی» به کار می‌رود؛ به چپ‌ها، برچسب «افراطی»، «کمونیست»، «سرخ» و

«فاقد عرق ملی» زده می‌شود. البته در مورد چپ‌ها واژگانی مانند «برابری»، «سوسیالیسم»، «طبقه» و «دولت» نیز کاربرد دارد و به راستی‌ها نیز برجستگی مانند «بی‌احساس»، «سرمایه‌دار»، «فاشیست» و «خودخواه» زده می‌شود. کاربرد چنین واژگانی تفاوت‌های میان احزاب را برجسته می‌سازد.

توافق عمومی

علیرغم ایجاد تغییرات بنیادی در مورد سیاست‌های دولت تاجر، هنوز توافق‌هایی در سطوح بالا در زمینه‌های عمده سیاست انگلیس مشاهده می‌شود. در مورد سیاست‌هایی مانند روابط خارجی (در برابر عراق و بوسنی)، ایرلند شمالی، روابط نژادی و مدیریت اقتصادی توافق میان احزاب و دولت بر این بوده است که با گروه‌های فشار، مذاکره و مسالمت صورت گیرد.

سیاست مردم باوری مستبدانه

سیاست‌های مردم باورانه دولت تاجر در دهه ۱۹۸۰، تأکید تازه‌ای بر خود اتکایی، فردگرایی، اقتصاد بازار آزاد، تحت کنترل درآوردن اتحادیه کارگری و ترغیب بخش خصوصی در خود داشت. همچنین حملات شدیدی بر برخی نهادهای سنتی وارد آمد و ادارات دولتی، خدمات بهداشتی و مسائل حقوقی، هدف این حملات قرار گرفتند. تاجر، عوامل مهم توافق پس از جنگ را مورد حمله قرار داد و آماده بود تا از طریق درخواست مستقیم از رأی دهندگان، گامی فراتر از پارلمان و کابینه بردارد.

«هال»، از اعضای انجمن‌های محلی و دست‌اندرکاران مطبوعات به عنوان مفسران اولیه اخبار جاری یاد کرد. چراکه آنان تلاش می‌کردند جریان اطلاعات رسمی را کنترل کرده و شرایط و مسائل خاص را به میل خود توصیف کنند. روزنامه‌نگاری خبری محلی، وابستگی زیادی به منابع محلی معتبر و مدیران خبری شوراها پیدا کرد. بنابراین بسیاری از اخبار محلی، تفسیرهای تجدید نظر شده این مفسران اولیه را ارائه دادند. به عنوان نمونه، «شیینال» ادعا کرده است:

نهادهای، سعی دارند با کسب وجهه عمومی کنترل افکار را در دست گیرند و بدین طریق ایده‌های خاصی را پیش ببرند.

بر اساس اظهارات «بایرن»، روزنامه‌های محلی، ابزار اصلی ارتباطات در مسائل محلی به حساب می‌آیند و میان شورا و اجتماع ارتباط ایجاد می‌کنند. اغلب رأی دهندگان در «گلاسگو»، از طریق مطبوعات محلی، مطالب بسیاری را فرا می‌گیرند و از هر ده تن، هشت تن خواننده دائمی مطبوعات هستند. «کاکس» و «مورگان» دریافتند که یک چهارم ستونهای روزنامه‌های محلی به اخبار و حدود ۱۰ درصد نیز به انعکاس سیاستهای محلی اختصاص یافته است. در عین حال راجع به محتوای کوتاه فکرا نه مطالب روزنامه‌های محلی انتقاداتی نیز ابراز شده است:

● **ارائه:** در این روزنامه‌ها، تفسیر و تحلیل اندکی به چشم می‌خورد. «کاکس» و «مورگان» دریافتند که این روزنامه‌ها به جای پرداختن به مطالب گسترده‌تر، بیشتر مسائل مربوط به گردهمایی‌های خاص شوراها را منعکس می‌سازند.

● **منابع:** روزنامه‌نگاران محلی بیش از اندازه برای کسب اطلاعات به شوراها محلی وابسته‌اند و دیدگاههای مسؤلان ارشد، مقامهای مطبوعاتی و اعضای برجسته انجمنهای محلی را مورد تأکید بسیار قرار می‌دهند. تهیه خبر در مورد اقدامات دولت محلی با کاربرد روش کسب خبر از طریق تماس تلفنی، بیانیه‌های سازمانی، دستور جلسات شورا، کنفرانسهای مطبوعاتی و دریافت مطالبی که قابل انتشار نیستند و فقط برای اطلاعات بیشتر روزنامه‌نگاران ارائه می‌شوند، به مسأله‌ای روزمره و ثابت تبدیل شده است.

● **سرمقاله‌ها:** معمولاً سرمقاله‌ها، اجتماع محلی را به عنوان اجتماعی کامروا و هماهنگ ترسیم می‌کنند. طرح انتقادهای افراطی در مورد شوراها محلی به مصلحت شهر تشخیص داده نمی‌شود.

● **ارزشهای اجتماعی و سیاسی:** این ارزشها در نشریات محلی به میزان قابل ملاحظه‌ای به سوی هم‌رنگی باجماعت و محافظه‌کاری سنتی گرایش دارند. از این رو نشریات محلی معمولاً از ارزشهای خانوادگی، انضباط در مدارس و اصول اخلاقی پروتستانی در محیط کار دفاع

می‌کنند. «جکسون» دریافت که مطبوعات محلی کمتر از نشریات سراسری، کورکورانه عمل می‌کنند و مطالعات «کارن» بیانگر آن بود که چگونه مسائل مورد بحث سیاسی محلی از سوی تابلویدهای سراسری توصیف می‌شوند.

گزارش تشریحی

روزنامه‌نگار به‌عنوان مشاهده‌گر

گزارش تشریحی از «نگایو کروکر»، کارشناس دولت محلی

«نگایو کروکر» بیشتر ترجیح می‌دهد که مشاهده‌گر سیاست باشد تا آن که در آن شرکت جوید. «کروکر»، گزارشگر دولت محلی نشریه «این‌دیندنت» می‌گوید: «هنگامی که اوایل دهه ۷۰، رییس اتحادیه دانشجویی دانشگاه «منچستر» بودم، واقعاً تصور می‌کردم با صداقت و شایستگی می‌توانم به اهداف سیاسی مشخصی دست یابم. اما چنین نبود. صحنه سیاسی آکنده از آدم‌هایی است که به اهداف شخصی خود می‌اندیشند. من این واقعیت را با حیرت بسیار دریافتم.»

«به‌عنوان نمونه برای دست زدن به حرکتی در شورای اتحادیه، ناچار بودم با برخی از افراد معامله کنم؛ برخی می‌گفتند: «تو از من حمایت کن و من هم در مورد دیگری از تو حمایت خواهم کرد.» من هم در موارد زیادی، از آنان حمایت می‌کردم، ولی وقتی نوبت به من می‌رسید، آنها مرا فراموش می‌کردند. تصورم این است که آن زمان خیلی ساده‌لوح بودم.»

علیرغم این تجربه، علاقه نگایو کروکر به سیاست ادامه یافته و درحرفه وی نقش مهمی را پیدا کرده است. وی در آموزش و نحوه اداره یک دولت محلی تخصص گرفته است. از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۸، وی گزارشگر شهری نشریه «بیرمنگام پست» بود و در مورد گروه‌ها و مسائل گسترده‌ای گزارش تهیه می‌کرد. این موارد شامل شورای شهر، تحقیقات فراوان در مورد فساد دستگاه‌های اداری، کمیسیون‌ها و شوراهای «وست میدلندز»، مقامات مسئول آب و گاز، مسئولان بهداشت منطقه و انتخابات میان دوره‌ای پارلمان بود.

پس از هشت سال کار روی ضمیمه آموزش عالی نشریه تایمز، وی در سال ۱۹۸۶ گزارشگر آموزشی نشریه «ایندپندنت» شد. سپس در ژانویه ۱۹۹۳، کارشناس دولت محلی این نشریه گردید.

سیاستمداران، از جمله بسیاری از عوامل نفوذی، منابع عمده خبری او را تشکیل می دهند؛ «بهترین عوامل، افراد رده بالا هستند، مردمان طبقه متوسط معمولاً ترسو هستند. زیرا آنها بیم دارند موقعیت خود را از دست بدهند. افراد فرودست نیز با صراحت لهجه حرف می زنند، اما معمولاً از اطلاعات زیادی برخوردار نیستند.»

در برخی موارد، نگایوکروکر اعتراف می کند که منابع سطح بالا، به طور پنهانی از وی به عنوان ابزاری جهت مقاصد خود استفاده کرده اند و مثلاً از او خواسته اند ایده ای را انتشار دهد تا واکنشهایی را که در قبال آن ایجاد می شود، به دقت بسنجند. به گفته او: «اگر وزیری، شما را از ماجرای جالبی مطلع کرد، خیلی سخت است این مسأله را انتشار ندهید. اما اگر یک بار از شما استفاده شد، دفعه بعد هنگامی که سراغ شما می آیند، بسیار محتاط تر عمل خواهید کرد.»

وی که هفته ای دو یا سه بار ناهار را با منابع خبری صرف می کند می گوید: «از مطالبی که منابع هنگام صرف ناهار بیان می کنند، دفترچه یادداشتی درست کرده ام. البته تهیه گزارش بدین شیوه زیاد هم مخلصانه نیست. اگر آنان را سالهاست می شناسم، ممکن است بگویم: «می توانم از این صحبت های شما یادداشت بردارم؟» این سوال هم فقط برای این است که آنان را از جریان آگاه سازم. من تجربه های خوبی در مورد این مسائل داشته ام. اگر آنان را دوست نداشته باشم، حتی به خود زحمت نمی دهم برای صرف ناهار دعوتشان کنم.»

برای یادداشت برداری، هنگامی که لازم باشد از مهارت تندنویسی استفاده می کند، ولی به ندرت ضبط صوت به کار می برد: «من بارها احساس کرده ام که حضور و تهدید فیزیکی ضبط صوت، موجب می شود مردم زیاد صحبت نکنند؛ شما بدون کاربرد ابزاری مانند ضبط صوت که مانع ایجاد می کند، می توانید با افراد ارتباطی واقعی برقرار سازید.»

کروکر تاکنون دوبار از ضبط صوت استفاده کرده است: برای مصاحبه با وزیر آموزش

و همچنین سخنگوی مخالفان شیوه‌های آموزشی؛ «خیلی با دقت عمل کردم، زیرا آنان می‌توانستند ادعا کنند که هرگز چنین مطلبی را بیان نکرده‌اند.»

کسب تخصص وی در زمینه دولت محلی، زمانی صورت گرفت که دولت مرکزی به اعمال تجدیدنظرهای عمده در مورد آنها مشغول بود: «تمام افراد مهم دولت محلی از یک قماش‌اند؛ در نشستها و کنفرانس‌های مطبوعاتی شرکت می‌کنند و این امر برای تماس مستمر با آنان بسیار سودمند است.»

اما کروکر تفاوت‌های بسیاری میان تحصیلاتش و همچنین تخصص در دولت محلی پیدا کرده است. هر روز و تقریباً در هر گزارشی که وی در مورد مسائل آموزشی نوشته است، چنین مطلبی به چشم می‌خورد: «همه آموزش را درک می‌کنند. همه به مدرسه رفته‌اند. بسیاری از مردم از جمله روزنامه‌نگاران، آموزش عالی را گذرانده‌اند. اما اکثریت مردم، شناختی از دولت محلی ندارند. یا رابطه زیادی با آن ندارند، به جز آن که مایل‌اند در مورد شوراها شکایت کنند. در این شرایط انعکاس این قبیل مسائل در نشریات دشوارتر است.»

همچنین وی استدلال می‌کند: «اعضای انجمنهای محلی برای روزنامه‌های سراسری منابع خوبی به شمار نمی‌روند؛ بلکه گروههای ملی، انجمن شوراهای استانی، انجمن مسؤولان مرکزی و انجمن شوراهای منطقه‌ای، منابع جذابتری هستند. در حالی که اعضای انجمنهای محلی بسیار کم حرف به نظر می‌رسند، در مقابل، من به‌عنوان گزارشگر امور آموزشی همواره از سوی خوانندگان نشریه، پیامهای تلفنی دریافت می‌کنم که ایده‌های جالبی برای تهیه گزارش، برایم دارند.»

نشستهای شورا، به ندرت ارزش گزارش را دارند: «برای من بهتر است با سه نفر، هر یک به مدت ۱۵ دقیقه گفت‌وگو داشته باشم تا اینکه ساعت‌های متوالی را در نشستهای شورا تلف کنم.»

یک هفته از زندگی «نگایو کروکر»

اغلب ساعت ۱۰:۳۰ صبح کار او آغاز می‌شود. از این رو وقت کمتری در رساندن فرزندان به مدرسه دارد: «اگر همایش مطبوعاتی مهمی در ساعت ۹ صبح آغاز شود، من معمولاً ترتیبی می‌دهم که در آنجا شرکت کنم. اما اگر جلسه مهمی نباشد، اولویت را برای فرزندانم می‌گذارم.» وی پس از آن که انبوه نامه‌های رسیده را بررسی کرد (۹۰ درصد آنها مطالب تبلیغاتی بیهوده هستند)، با ایده‌هایی که در ذهن دارد، به تحریریه می‌رود. «گاه ممکن است صفحات نشریه از مطلب پرباشد، بنابراین چاپ گزارش من به روز بعد موکول می‌شود که معمولاً در صفحات مرغوب نشریه به چاپ می‌رسد. اگر شما گزارشی را تهیه کرده‌اید، می‌توانید با اعضای تحریریه در مورد زمان مناسب انتشار آن به گفت‌وگو بپردازید.»

مصاحبه‌های وی معمولاً از طریق تلفن انجام می‌شود و همزمان به وی توصیه می‌شود برای پیگیری مطلبی به مسافرت برود.

وی معمولاً کارش را بین ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر تمام می‌کند. اما اگر قرار است گزارش او در صفحه اول چاپ شود، کارش ممکن است تا ساعت ۹ شب نیز ادامه پیدا کند.

یکشنبه

به «دورهام» سفر می‌کند.

دوشنبه

ساعت ۱۰ صبح، همایش مطبوعاتی در مورد پیشنهادات کمیسیون دولت محلی برای تجدید سازماندهی «کلیولند» و «دورهام» برگزار می‌شود. گزارشی از مطالب مطرح و واکنش‌هایی که در قبال آنها صورت گرفته تهیه می‌شود.

سه‌شنبه

گزارشی از پیشنهادات کمیسیون در مورد «دربی شایر» تهیه می‌شود. شام را همراه مدیر اجرایی مسؤلان محلی صرف می‌کند.

چهارشنبه

کروکر گزارشی در مورد آمار مالیات سرانه می‌نویسد و در همایش مطبوعاتی انستیتو مسکن حاضر می‌شود؛ ناهار را با رابط شورای استانی صرف می‌کند.

پنج‌شنبه

گزارش کمیسیون حسابرسی در مورد ارزیابی هزینه‌های مناسب تهیه می‌شود. وی در جلسه انجمن شوراهای منطقه‌ای که در مورد تجدید سازمان و سایر مسائل تشکیل شده است، شرکت می‌کند.

جمعه

در جلسه انجمنهای مسکن گروه فشار شرکت می‌کند. ناهار را با رابط کارمند دولت صرف می‌کند و برای بررسی مالیات شوراها تماس می‌گیرد.

یکشنبه

روز بعد از ارائه پیشنهادات تجدید سازمان به دربی شایر سفر می‌کند.

گزارش تشریحی

روزنامه نگار به عنوان وقایع نگار معاصر

گزارش تشریحی از «دیوید شاو»، گزارشگر پارلمانی

«دیوید شاو» می‌گوید: «من از حس نقل وقایع تاریخ معاصر لذت می‌برم؛ حسی که گاهی شما را قادر می‌سازد تا تصمیمات و رویدادها را شکل دهید.»

«شاو» که گزارشگر پارلمانی نشریه «ایونینگ استاندارد» لندن است، برای نشان دادن قدرت مطبوعات، ماجرای رابازگو می‌کند که در جولای ۱۹۸۶ نوشته بود، ماجرا در مورد پسری بود که مدیر مدرسه به دلیل گرفتن نمرات پایین او را کتک می‌زد.

«این ماجرا، درست قبل از رأی‌گیری مجلس عوام در مورد لایحه آموزش اتفاق افتاد و موجب شد که ماده‌ای نیز به ممنوعیت تنبیه بدنی در مدارس اختصاص یابد. من با پسر و مادر وی مصاحبه کردم و سردبیر نیز این تصمیم شجاعانه مبنی بر چاپ تصویری از آن پسر بچه را که بر اثر کتکهای مدیر مدرسه کبود شده بود، به اجرا گذارد. با کمال تعجب عصر آن روز شاهد بودیم نمایندگان مجلس خواهان ممنوعیت تنبیه در مدارس شدند و نسخه‌هایی از تصویر و متن گزارش نشریه را نیز در مجلس ارائه دادند و در صحبت‌های خود نیز به آن استناد کردند.»

«در پایان بحثها در پارلمان این ماده با اکثریت آرا به تصویب رسید. آیا اگر این گزارش و تصویر آن پسر بچه در نشریه چاپ نمی‌شد، این ماده در آن زمان به تصویب می‌رسید؟»

به اعتقاد شاو می‌توان اطلاعاتی را که از منابع خبری به دست می‌آیند ولی قابل انتشار نیستند، به نحو دیگری انتشار داد. گزارشگران ممکن است ایده‌ای و یا تغییرات احتمالی در سیاستی را در گزارش خود مطرح کنند تا واکنش‌هایی را که در برابر آن بروز می‌کند، بسنجند. اما وی انتقاداتی را که به گروه گزارشگران پارلمانی وارد می‌شود، نمی‌پذیرد و این‌گونه استدلال می‌کند که سایر روزنامه‌نگاران هم در سیستم‌های مشابه آن عمل می‌کنند. بنابراین هم گزارشگر پارلمانی سالم و هم غیرسالم وجود دارد. آنان به‌طور مرتب با سیاستمداران برجسته دیدار می‌کنند و از آنان اطلاعاتی را که قابل انتشار هم نیستند، درخواست می‌کنند. گزارشگران

پارلمانی با انتقادات بسیار بیشتری روبه‌رو هستند، زیرا کار آنان بزرگتر و برجسته‌تر است: «ما روزانه گزارشهای بیشتر و مهم‌تری را تهیه می‌کنیم.»

شاو که یکی از اعضای گروه چهارنفری است قطعاً دارای برنامه‌ای فعال است. نگارش هشت گزارش در روز برای او، امری غیرمعمول نیست و معمولاً دو گزارش وی هر هفته در صفحه اول به چاپ می‌رسد که هر کدام به استثنای گزارشهای مهم حدود ۳۰۰ کلمه دارد. شاو که معمولاً ناهار و نوشیدنی را با وزرا صرف می‌کند و با نمایندگان مجلس و کارمندان مهم دولتی رابطه نزدیکی دارد، می‌گوید: «همان‌گونه که آشنایی با افرادی که سیاستها را تعیین می‌کنند دارای اهمیت است، آشنایی با افرادی که اتاقها را جارو می‌کنند نیز می‌تواند در زمان خود مهم باشد.»

اغلب روزها جلسات مجلس ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر تشکیل می‌گردد و لذا ارسال مطالب مربوطه برای چاپ در روزنامه‌های عصر همان روز دیر وقت خواهد بود؛ از این رو انعکاس بحثهایی که در مجلس صورت می‌گیرد از اهمیت حیاتی برخوردار نیست. در این نوع روزنامه‌نگاری گزارشگر ناچار است در مجلس مدام به دنبال اخبار و اطلاعاتی باشد که ممکن است از دست برود. او در راهروهای مجلس و یا حتی هنگام صرف چای، با افراد به صورت غیررسمی گفت‌وگو می‌کند و در جلسات گزارشگران پارلمانی و یا وزارت امور خارجه شرکت می‌نماید و در تمام مدت ناچار است چشمها و گوشهای خود را برای دریافت اخبار و شایعات بازنگه دارد.

مسائل مربوط به دولت، طی جلسات مجلس در مواقع خاصی مطرح می‌شود که بایستی به آنها توجه داشت. «در حالی که اطلاعات و اخبار مدام در حال تغییر است، فرصتهای دستیابی به موقع به این اطلاعات نیز بسیار اندک است.»

جای تعجبی ندارد که وی برخورداری از هشیاری جسمی و ذهنی را لازمه کار می‌داند. «من می‌دانم که گزارشهای مرا ملکه، سیاستمداران، کارمندان عالیرتبه و به‌طور کلی اندیشمندان می‌خوانند؛ هر یک از آنان با مشاهده اشتباهی در گزارش، سریعاً تماس گرفته و مسأله مورد نظر

خود را ابراز می‌دارند. اما هنگامی که کار گروهی انجام می‌دهی، می‌توانی با چنین فشارهای روحی مقابله کنی.»

برخورداری از مهارت تندنویسی، ضرورتی مطلق است. شاو دارای مدرک تندنویسی است. «اغلب گزارشگران پارلمانی از مهارت تندنویسی برخوردارند. در نتیجه تجارب تلخ کمتری دارند. زیرا می‌توانند برای پیگیری مطلبی به یادداشتهای خود و یا سایر گزارشگران مراجعه کنند. همراه داشتن ضبط صوت در مجلس، مجاز نیست. اگر چه برخی به این امر توجهی نمی‌کنند، ولی من هنوز پی نبرده‌ام چرا برخی از اصحاب مطبوعات به این عمل دست می‌زنند.» به جز آخر هفته، شاو ساعت ۵:۱۰ صبح بیدار می‌شود و طبق معمول سریعاً به جمع‌آوری خبر می‌پردازد. وی اخبار تلویزیون را تماشا می‌کند، اخبار تلکس را بررسی می‌کند و در اتومبیل به عنوان خبر گوش می‌دهد و تمامی نشریات روز را نیز بررسی می‌کند.

حدود ساعت ۷:۱۵ صبح به مجلس می‌رود و مطلبی را که از عصر روز قبل باقی مانده به اتمام می‌رساند، گزارشهای آژانسهای خبری را در کامپیوتر بررسی می‌کند و همچنین برنامه‌های رادیو تلویزیون را نیز برای مصاحبه با سیاستمداران از نظر می‌گذراند.

«طی چهار و یا پنج سال گذشته دولت به‌طور روزافزونی از مصاحبه‌های رسانه‌ها استفاده کرده است. این مصاحبه‌ها مانند کنفرانس مطبوعاتی رادیو تلویزیونی است. آنان می‌دانند که از طریق این برنامه‌ها می‌توانند موضوع مورد نظر خود را مطرح سازند.»

گروه گزارشگران پارلمانی ساعت ۸ صبح اولین جلسه برنامه‌ریزی خود را برگزار می‌کند. ساعات بعد تا انتشار اولین کار بسیار فشرده خواهد بود. معمولاً سه چاپ در روز انتشار می‌یابد. اما در زمانهای خاص، مانند بحران ۱۹۹۰ در مورد تاجر و یا درگیری خلیج [فارس] سال ۱۹۹۱، تعداد چاپ‌ها در روز بیشتر است و معمولاً تا ساعت ۷:۳۰ بعد از ظهر هم طول می‌کشد.

معمولاً ساعت ۵ بعد از ظهر کارش را تمام می‌کند. در منزلش واقع در «باکینگهام شایر» به‌طور مرتب اخبار ساعت ۹ و ۱۰ را تماشا می‌کند. روز طولانی و پرکاری بوده است، اما حقوق دریافتی وی چقدر است؟ «میزان آن متفاوت است. برای گزارشگر پارلمانی در یک نشریه

محلّی پنجاه هزار پوند در سال ولی برای گزارشگران نشریات سراسری می‌تواند ۶۰ هزار پوند در سال و نیز کسب شهرت را به همراه داشته باشد.»

«شاو» معتقد است تجربه‌ی وی در مهارت گزارشگری روزنامه، در کار قبلی وی ارزش چندانی نداشته است. او در سال ۱۹۶۸ کار خود را آغاز کرد. در آن زمان برای روزنامه‌های گروه «لیندزی» در «لینکولن شایر» گزارش تهیه می‌کرد. (همچنین در نشریات «گریمزبای اندایمینگهام نیوز»، «هورن کسل نیوز» و «مارکت ریسن میل» کار کرده است.)

او که در زمانهای مختلف به‌عنوان گزارشگر خبری، نویسنده‌ی مقاله‌ی توصیفی، ویراستار و دبیر اخبار کار کرده است می‌گوید: «من بسیار سریع در مورد منابع خبری و اهمیت پنهان‌نگه‌داشتن منابع و همچنین چگونگی نگارش به‌طور غیرمستقیم و به‌گونه‌ای که بتوان تماسها را با منابع حفظ نمود و در عین حال از بروز مشکلات احتمالی قانون نیز دوری جست، مطالب فراوانی آموختم.»

شاو در سال ۱۹۷۳ زمانی که در نشریه‌ی «کنت ایونینگ پست» کار می‌کرد از سوی انستیتو روزنامه‌نگاران به‌عنوان روزنامه‌نگار جوان سال انتخاب شد. یکی از کارهای مهم خبری وی، مصاحبه‌اش با بیوه‌ی اولین محافظ امنیتی بود که هنگام انجام وظیفه به قتل رسید. غالب روزنامه‌نگاران، پشت‌خانه‌ی وی تجمع کرده و خواهان مصاحبه بودند ولی او امتناع می‌ورزید. اما هنگامی که گروه روزنامه‌نگاران برای صرف صبحانه، موقتاً آن محل را ترک کرده بودند؛ ناگهان وی در منزلش را باز کرد و گفت مایل است صحبت کند.

در سال ۱۹۷۶، شاو کار در نشریات «بیرمنگام پست» و دیلی میل را آغاز کرد و پس از کسب مهارت و کارشناسی در زمینه‌ی آموزشی، در سال ۱۹۸۱ به‌عنوان گزارشگر آموزشی در نشریه‌ی «ایونینگ استاندارد» مشغول به کار شد. قبل از انتخابات سال ۱۹۸۷، شغل فعلی خود را آغاز کرد. وی اظهار می‌دارد: «گزارشگری از مسائل انتخابات به‌عنوان اولین تجربه، بسیار دشوار و در عین حال هیجان‌آور است.»

یک هفته از زندگی «دیوید شاو»

دوشنبه

حزب کارگر قرار است در ساعت ۱۰ صبح کنفرانس مطبوعاتی در مورد مسائل درون شهری برگزار کند. تهیه این گزارش برای اولین چاپ دیر خواهد بود؛ بنابراین شاو ناچار است برای کسب اطلاعات تازه با منابع تماس گرفته و قبل از آغاز کنفرانس آن را ارسال کند. این برنامه عادی روزانه وی است که شاو به آن عادت کرده است.

ساعت ۱۱ صبح برای شرکت در اولین جلسه گزارشگران پارلمانی، به پارلمان می‌رود. از ۲۰۰ گزارشگر مطبوعاتی معتبر (که اغلب آنان مرد هستند) حدود ۳۰ الی ۴۰ گزارشگر در جلسه صبح شرکت جسته‌اند. این جلسات معمولاً از ۵ تا ۵۰ دقیقه طول می‌کشد. بعد از آن گزارشگران بار دیگر برای بحث در مورد مسائل مطرح در جلسه نشستی برپا می‌کنند و اگر لازم باشد تغییراتی در برنامه روز می‌دهند.

بعد از ظهر در جلسه توجیهی دفتر وزارت امور خارجه شرکت می‌کند. این دفتر که مسائل مربوط به رویدادهای مهم خارجی را ارائه می‌دهد، یکی از مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسانی شاو محسوب می‌شود. خبر قابل توجه امروز، نشست فوق‌العاده شورای امنیت سازمان ملل در مورد بمباران مناطق امن مسلمانان از سوی صربهای بوسنی است.

این مسأله در طول روز ادامه می‌یابد و وی گزارشهای خبرگزاریهای رويتر و آسوشیتدپرس را با دقت بررسی می‌کند و گزارش خود را سروقت برای چاپ سوم ارسال می‌دارد. ساعت ۲:۳۰ مجلس کار خود را آغاز می‌کند. اما هیچ خبر تازه‌ای از دیدگاههای دولت تا ساعت ۳:۳۰ ارسال نمی‌شود. وی قبل از آن که پارلمان را به سمت منزل ترک کند در جلسه توجیهی بعد از ظهر گزارشگران پارلمانی شرکت می‌کند.

سه‌شنبه

در جلسه توجیهی گزارشگران پارلمانی و دفتر امور خارجه شرکت می‌کند. خبر فرستادن نیروهای انگلیسی بیشتری به بوسنی، ارسال می‌شود. وی نقل قولی از منابع ارشد دولتی را مبنی بر اثرات اعزام نیروهای بیشتر بر عملکرد سازمان ملل در بوسنی ارائه می‌دهد.

در ساعت ۲:۳۰ بعدازظهر پرسشهایی در مورد مسائل آموزشی مطرح می‌شود. سپس در ساعت ۳:۱۵ پرسشهایی از نخست‌وزیر مورد بحث قرار می‌گیرد: «ما انتظار داشتیم تاریخ دقیق انتخابات میان‌دوره‌ای اعلام شود تا زمان طرح پرسش از نمایندگان پارلمان نیز مشخص گردد.»

«اگر قبلاً تاریخ دقیق مشخص نشود، دیدگاه روشنی در این مورد وجود نخواهد داشت.»

شاو خبری مبنی بر دیدار اعضای مهم هیأت دولت برای بحث در مورد کاهش احتمالی بودجه رفاهی دریافت می‌کند: «هیچ اعلام رسمی نرسیده است. من دقیقاً می‌دانم برای کسب اطلاعات سراغ چه کسانی بروم. آنها هنگامی که به شما اطمینان کنند، اطلاعات را در اختیار شما خواهند گذارد.»

چهارشنبه

وزیر امور خارجه، «داگلاس هرد» در کمیسیون منتخب امور خارجه حضور می‌یابد. سِر «نورمن فولر» قرار است ساعت ۵/۱۵ بعدازظهر در کمیسیون منتخب وزارت کشور حاضر شود: «این برای ما بسیار ناگوار است. زیرا ناگزیریم در مورد پاسخهای احتمالی سؤالات وی، از افراد مختلف پرسش کنیم.»

سخنرانی رهبر حزب کارگر، «جان اسمیت» در همایش سالانه اتحادیه کارگری ایراد می‌شود. گزارش طولانی وی تحت‌عنوان: «اسمیت با جنگ مخالف است»، برای انتشار در صفحه دوم نشریه در نظر گرفته می‌شود. «این سخنرانی گسترده‌ای بود. روزنامه‌های دیگر به نکات متفاوتی پرداختند. معمولاً شما نکته خاصی را می‌یابید و سپس متوجه می‌شوید که

دیگران نیز بدان پرداخته‌اند.»

شاو از منابع مطمئن درمی‌یابد که قرار است دولت طرح‌های خود را برای اعزام هواپیماهای نیروی هوایی سلطنتی برای پیوستن به نیروهای سازمان ملل در بوسنی اعلام کند. «این دیگر نهایت کار است، نگارش و تهیه گزارش از واقعه‌ای که هنوز ادامه دارد.»
گاه منابع برای ارائه اطلاعات به سراغ وی می‌آیند. اما در ۹۰ درصد موارد، خود ناچار است دنبال آنها بگردد.

پنج‌شنبه

هیأت دولت ساعت ۹:۳۰ صبح جلسه دارد: «ما بایستی از اتفاقاتی که روی داده است، مطلع شویم؛ اما این به ندرت امری ارادی است، زیرا تعداد اندکی از مردم از وقایعی که روی می‌دهد، باخبرند. ما بایستی از منابع عالی‌رتبه‌ای برخوردار باشیم تا بتوانیم به اخبار دست‌بیایم.»
سازمان خدمات رسانی به نیروهای داوطلب اعزام به خارج از کشور، در مورد مشکلات جدیدشان برای فراخوان نیروهای جدید با شاو تماس می‌گیرد، وی نیز در کنفرانس مطبوعاتی آنان در مجلس عوام شرکت می‌کند. با استفاده از منابع رده بالا، شاو می‌تواند گزارشی را در مورد بیانیه‌ای که قرار است از سوی وزیر دفاع «مالکوم ریفکیند» اعلام شود، قبل از اعلان رسمی آن تهیه کند. وی به مطالبی در مورد بررسی نقش سربازان پاره وقت و همچنین نقل قولهایی از کمیسیون دفاعی مجلس عوام مبنی بر هشدار در مورد تأثیر کاهش شدید نیروهای ذخیره دست می‌یابد.
آخرین آمار در مورد تورم و اشتغال اعلام می‌شود که می‌توان گزارش‌های مهمی از آن تهیه نمود.

جمعه

امروز هیچ خبر خاصی روی نمی‌دهد: «تاریخ برپایی یک سازمان ظاهراً مستقل در آینده‌ای نزدیک، اعلام می‌شود. یک بند در مورد آن نوشتم که کافی نخواهد بود. باز هم در مقابل مونیتور کامپیوتر نشسته‌ام و با صفحه‌ای خالی روبه‌رو شده‌ام؛ بنابراین بایستی چند تماس تلفنی حساب شده با منابع خبری برقرار کنم. یکی از این موارد راجع به اتهامات وارده از طرف لیبرال دموکراتها به محافظه‌کاران، مبنی بر ترس فزاینده آنان از شکستی تحقیرآمیز در انتخابات آینده است.»

فصل دهم

قانون و بی‌نظمی: تهیه گزارش از دادگاهها

«هنری کلوتر»

چرا گزارش از دادگاه؟

اولین باری که شما برای تهیه گزارش به دادگاه اعزام می‌شوید، تجربه‌ای تشویش‌آور است. ساختمانهای قدیمی یا نوساز آن، دلگیر و رعب‌انگیز به نظر می‌رسند. نیروهای پلیس، وکلا و مسؤولان دادگاه با اصطلاحات و زبان خاص حقوقی صحبت می‌کنند. اگر شما شانس بیابید، گزارشگر ویژه دادگاهی را که دارای تجربه است پیدا می‌کنید تا شما را راهنمایی کرده و با محیط آنجا آشنا سازد و همچنین شما را از صداهای وحشتناکی که در آنجا خواهید شنید، آگاه کند. شما باید مسائل بسیاری را فراگیرید.

تهیه گزارش از دادگاهها، نه تنها به دلیل آن که دادگاهها، منابع فوق‌العاده‌ای برای کسب

خبرهای جرایم و مسائل مورد توجه مردم می‌باشند، دارای اهمیت است؛ بلکه به این دلیل مهم است که قانون، اساس جامعهٔ متمدن است و بایستی از افراد ضعیف و آسیب‌پذیر (که معمولاً با تضييع حقوق خود روبه‌رو هستند)، حمایت کند. هر شهروند، در صورتی که سروکارش به دادگاه افتد، حق برخورداری از محاکمه‌ای عادلانه را داراست؛ بدون این حق اساسی، حقوق انسانها بی‌معنی جلوه می‌کند؛ زیرا ضمانت اجرایی ندارد. بنابراین گزارشگران دادگاه بایستی به خاطر بسپارند که در محاکمات از کسی جانبداری نکنند. این اساس قوانین حاکم بر دادگاه است. ولی این امر در عین حال نبایستی مانع اجرای وظیفهٔ اصلی روزنامه‌نگار مبنی بر تهیهٔ گزارش درست و عادلانه از واقعیتها شود.

گزارشگران به‌عنوان چشم و گوش مردم در دادگاه حضور می‌یابند. این گزارشگران از امتیاز بزرگی که قانون به آنان اعطا کرده برخوردارند. این امتیاز که «امتیاز کیفی» نامیده می‌شود، آنان را از اتهام افترا معاف می‌دارد. امتیاز در این جا به معنای اشاره به برخورداری از جایگاهی خاص نیست، بلکه بدین معناست که گزارشگران از آزادی برخوردارند تا اتهامات و بیانات مطرح در دادگاه را بدون آن که در معرض اتهام افترا قرار گیرند، گزارش کنند. البته این مصونیت در مورد مصاحبه‌هایی که خارج از دادگاهها انجام می‌شود، صدق نمی‌کند.

«کیفیت» بدان معناست که گزارشهای دادگاه بایستی درست، متوازن و «مقارن» باشد. منظور از مقارن آن است که گزارش بایستی در اولین شمارهٔ نشریه پس از تشکیل دادگاه منتشر شود، نه این که برای افزایش تأثیرگذاری آن انتشارش به تعویق افتد. توصیف دو معیار دیگر دشوارتر خواهد بود و به رویارویی تلخ روزنامه‌نگاران و قضات می‌انجامد. با این همه چنین حمایت نیم‌بندی از پرداخت جریمه‌های یک میلیون پوندی در مورد اتهام افترا، بهتر خواهد بود.

قانون اساسی جامعهٔ متمدن است. اما هنوز می‌توان از ابزار قانون برای سرکوب اقلیتها و ارتکاب بی‌عدالتی استفاده کرد. همان‌گونه که در پرونده‌های معروفی مانند «بیرمنگام ۶»، «گیلدفورد ۴» و «وست میدلندز» می‌توان مشاهده کرد. حضور یک روزنامه‌نگار در دادگاه بایستی بیش از کاربرد ضبط صوت، حالت انسانی داشته باشد. او باید به صورت مظهر وجدان

اجتماعی مردم خارج از دادگاه عمل کند و همچنین هنگامی که دادگاه از مسیر اصلی منحرف می‌شود، به‌عنوان عامل بازدارنده عمل کند. روزنامه‌نگاران به قانون احترام می‌گذارند، به همین جهت هرگز نبایستی در انجام وظیفه روزنامه‌نگاری خود تخطی کنند. بلکه باید خطاها و راههای پیشنهادی را برای اصلاح و پیشرفت قانون گوشزد نمایند.

گاهی این بحث پیش می‌آید که تهیه گزارش از دادگاه، بخشی از روند طبیعی کار قضایی است و گزارشگر از طریق آگاهی دادن به عموم در مورد یک جرم و مجازات آن، جرم را در معرض دیدگاه عموم قرار داده و به سایرین هشدار می‌دهد و همچنین برچسب مایه ننگِ عموم را نیز به مجازات مجرم می‌افزاید. اغلب افرادی که در دادگاه مجرم شناخته شده‌اند، هنگام رویارویی با گزارشگران از آنان درخواست می‌کنند تا مطلبی در مورد آنها انتشار نیابد. همواره چنین درخواستهایی به دبیرخبر و یا سردبیر انتقال داده می‌شود؛ گرچه شرایط فردی نیز بایستی در نظر گرفته شود، اما گاهی موردی که درخواست عدم انتشار آن شده است، جزو موارد ضروری برای انتشار است.

علیه این دیدگاه سنتی تهیه گزارش، دو استدلال به‌عنوان بخشی از مجازات مطرح است: اولین استدلال آن است که دیگر مانند گذشته موارد دادگاهها، مانند سایر رویدادها، کامل و مرتب گزارش نمی‌شوند. روزنامه‌ها و ایستگاههای رادیویی محلی، حتی با کمک گزارشگران آزاد نیز به اندازه کافی گزارشگر برای تهیه گزارش از دادگاهها ندارند. در مورد شوراها محلی و هیأتها نیز وضعیت به همین منوال است. گزارشگران خوب از رابطهای خود برای پیگیری پرونده‌های جذاب استفاده می‌کنند. اما امروزه، اغلب پرونده‌های دادگاهی از جریان خبری کنار گذارده می‌شوند. به‌طور اتفاقی برخی از دادگاههای شهرهای بزرگ مورد بازدید گزارشگران خبرگزاری‌ها قرار می‌گیرند.

نکته دوم آن که گزارشگران، از تمام حقایق و مدارکی که در اختیار هیأت منصفه قرار دارد آگاه نیستند و مانند هر فرد دیگری ممکن است دچار پیشداوری شوند. ضمناً این امر وظیفه مطبوعات نیست که باری بر دوش افرادی که قبلاً به اندازه کافی مجازات شده‌اند، بنهند.

پیگیری مواردی مانند موضوع مرد و یا زن فقیری که چند پوند بیشتر مستمری بیکاری دریافت کرده است و گاه در مطبوعات عامه پسند بدان دامن زده می‌شود، دیگر از جذابیت برخوردار نیست.

فقدان تهیه گزارش تأثیرگذار از دادگاهها و شوراها بدین معناست که نه تنها دادگاههای جنایی، بلکه دادگاههای مدنی و دادگاههای ویژه نیز موشکافی کمتری نشان می‌دهند و حتی در رسیدگی به مسائل، سرسری عمل می‌کنند؛ در حالی که این امر می‌تواند تأثیر عمیقی بر زندگی مردم عادی بگذارد. یکی از معمولترین شکایات از سوی افرادی که در دادگاهها و یا هیأت‌های تحقیق درگیر می‌شوند، این است که حقایق کامل در مورد مسائلی مانند سوانح صنعتی و یا وحشی‌گریهای نیروهای پلیس هرگز بیان نمی‌شود. گاه از شهود خواسته می‌شود قسم بخورند که حقیقت را بیان کنند و چیزی جز حقیقت نگویند. ولی هرگز تمام حقیقت را نیز افشا نکنند.

چگونه تهیه گزارش از دادگاهها متفاوت است؟

در ابتدا ممکن است گفته شود که چنین چیزی نیست و اساس تهیه گزارش از دادگاهها صحت آن است؛ زیرا در مورد زندگی مردم تصمیم‌گیری می‌شود. در حالی که انتشار یک نام و یا نشانی اشتباه، آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر حیثیت مردم بیگناه وارد می‌سازد. برخورداری از آگاهی اولیه در مورد قانون رسانه‌ها و مقررات حرفه‌ای مختلف، مانند اصول رفتاری اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران برای اصحاب مطبوعات از ضروریات حرفه‌ای خواهد بود.

دفتر یادداشت تندنویسی با ورقهای فراوان و دو خودکار (همواره یک خودکار اضافی همراه داشته باشید)، ابزار کار محسوب می‌شوند؛ زیرا همراه داشتن ضبط صوت و دوربین در جلسات دادگاه مجاز نیست. دفترچه تلفن شامل تلفنهای ضروری «انجمن حقوقدانان» و «انجمن عدالت و آزادی» و نیز یک نقشه محلی برای بررسی نشانیها و اسامی مکانها از دیگر ابزار اساسی به‌شمار می‌آید.

لباسی که هنگام حضور در جلسات دادگاه بر تن دارید، بایستی با محیط آنجا تناسب داشته

باشد. در محیط رسمی دادگاهها، پوشیدن لباسهای مرتب و لباسهایی که جلب توجه نکند، مرسوم است؛ شامل پیراهن یقه‌دار و کراوات برای آقایان و لباسهای مرتب و آراسته برای خانمها. اگر لباسستان مرتب نباشد شما را اخراج نمی‌کنند، ولی قضات، وکلا و مسؤلان دادگاه با شما همکاری کمتری خواهند داشت.

تندنویسی

در تهیه گزارش از گردش کار دادگاه، برخورداری از مهارت تندنویسی بسیار مؤثر است. این توانایی اغلب از سوی شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران در خواست می‌شود. اگر شما قادر هستید هنگام نگارش مطالب اساسی و نقل قولهای عمده، ویرایش آن را نیز انجام دهید، بدون مهارت تندنویسی هم می‌توانید گزارش دادگاه را تهیه کنید. سیستمهای تایید شده تندنویسی مانند «تی لاین»، «پیت منز» و «گریگ»، بسیار بهتر از سایر روشهای تندنویسی هستند. گرچه شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران و شورای آموزش دوره‌های روزنامه‌نگاری، سرعت ۱۰۰ واژه در دقیقه را طلب می‌کنند، اما در عمل شما بایستی از مهارت نوشتاری ۱۲۰ واژه در دقیقه برخوردار باشید تا بتوانید از مطالب دادگاه یادداشت بردارید. با این همه، همان‌گونه که یکی از سردبیران اظهار داشته است: «مهارت تندنویسی برای یک روزنامه‌نگار بایستی به منزله عصای کمکی باشد نه چوب زیربغل».

مهم‌ترین ابزار روزنامه‌نگار برای حضور در دادگاه، آگاهی کافی از قانون است. از همین رو، ضروری است روزنامه‌نگاران با قوانین، به ویژه قانون افترا و اهانت به دادگاه آشنا باشند. مطالب این فصل نیز به منظور کمک به روزنامه‌نگارانی تدوین شده که از دادگاهها گزارش تهیه می‌کنند.

تمامی گزارشها و ستونیهایی که در مورد قانون در نشریات به چاپ می‌رسند، به ویژه در نشریات تایمز، دیلی تلگراف، گاردین و ایندپندنت را مطالعه کنید و همچنین برنامه‌های تلویزیونی مانند «مجازات غیر عادلانه» را تماشا کنید و به برنامه‌های رادیویی «قانون در عمل»

بی‌بی‌سی نیز گوش فرا دهید.

تهیه گزارش از دادگاهها

شما ابتدا باید از زمان شروع دادرسی آگاه باشید. متأسفانه هیچ سیستم استانداردی برای ارائه فهرست محاکمه‌ها وجود ندارد. گوا اینکه، وزارت کشور طی بخشنامه‌ای اعلام کرده است گزارشگران می‌توانند به محض انتشار فهرست دادرسی‌ها نسخه‌ای از آن را داشته باشند، ولی فهرست‌ها معمولاً خارج از دادگاههای بخش و دادگاههای کیفری و فقط در روزهای محاکمه ارائه می‌شوند. در مورد دادگاههای کیفری و دادگاههای ویژه، فهرست‌ها چند روز و یا چند هفته جلوتر تهیه می‌شوند. اما ممکن است این فهرست‌ها تغییر کنند؛ از جمله، زمانی که دسترسی به شواهد اصلی برای حضور در دادگاه امکان‌پذیر نباشد یا هنگامی که برخی مسائل حقوقی مطرح شود. در این فهرست‌ها مشخصات و موارد اتهام متهمان و همچنین قانونی که به موجب آن دادرسی انجام می‌شود و نیز شماره و درجه افسرپلیسی که مورد را معرفی نموده درج شده است. در برخی دادگاهها، نشانیها نیز اعلام می‌شوند؛ اما شغل افراد معمولاً در فهرست قرار نمی‌گیرد. در دادگاههای ویژه تحقیق در مورد مرگهای مشکوک، موارد با ذکر نام، سن و نشانی متوفی توضیح داده می‌شود.

برای کسب اطلاعات در مورد نشانیها و مشاغل افراد معمولاً می‌توانید به منشی دادگاه و یا مأموران زندان مراجعه کنید.

ارتباطها

روزنامه‌نگاران معمولاً به دلیل ضرورت حفظ فاصله لازم با امور قضایی، ارتباط کمی با دادگاههای بخش و قضاات دارند. مهم‌ترین رابط در دادگاههای بخش، منشی دادگاه است که مسائل را تحت نظر دارد. در دادگاهی کوچک که دارای فقط یک محل برای محاکمه است، منشی در میز جلوی قاضی دادگاه می‌نشیند و تمامی موارد مطرح در پرونده‌ها را یادداشت

می‌کند. در دادگاههای بزرگ که بیش از دو محل محاکمه وجود دارد، منشی‌ها در همه دادرسی‌ها حضور دارند. آنان افرادی موقر و معمولاً گوشه‌گیر هستند که هنگام آغاز دادرسی، توجه خاصی به گزارشهای صحیح دارند و عمدتاً افراد بسیار مطلعی در امور حقوقی و قضایی هستند. وکلای مدافع نیز از ارزشی که انتشار موارد دادگاه برای حرفه‌شان دربردارد، آگاه‌اند و معمولاً در این زمینه کمک بسیاری می‌کنند.

دومین گروه مهم و ضروری برای کسب اطلاعات، چه درون دادگاه و یا بیرون از آن، نیروهای پلیس هستند. تا همین اواخر دادگاههای بخش، دادگاههای پلیس نامیده می‌شدند و از این رو فهرست اسامی زندانیان و اتهاماتشان در اختیار آنها قرار می‌گرفت. امروزه دادستانی کل مسؤلیت تعقیب کیفری را بر عهده دارد و نیروهای پلیس در این زمینه دیگر نقشی ندارند.

افراد پلیس که در دادگاههای کیفری مشغول به کارند، یا به‌عنوان افسر دادگاههای ویژه تحقیق درباره مرگهای مشکوک انجام وظیفه می‌کنند، معمولاً دارای تجربه بوده و آموزشهای خاصی را گذرانده‌اند. شما می‌توانید برای کسب اطلاعات در این موارد به آنان مراجعه کنید. نیروهای پلیس و روزنامه‌نگاران با یکدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ دارند و یکدیگر را تغذیه کاری می‌کنند و گاه نیز کمکهای غیرمستقیم روزنامه‌نگاران به بازداشت مجرمان توسط افسران پلیس و کارآگاهان می‌انجامد. نیروهای پلیس که در مسائل مربوط به پیشگیری از جرایم شرکت می‌کنند، معمولاً واژگان خاصی را به کار می‌برند؛ آنان برای تعیین محل سرقت و یا سایر موارد نیز از نشانه‌های ویژه‌ای استفاده می‌کنند.

هر چه شما ارتباطات خود را با نیروهای پلیس ارتقا دهید، به منابع بهتری دست می‌یابید و اطلاعات بیشتری کسب می‌کنید. در پاره‌ای موارد می‌توانید برای کسب اطلاعات مربوط به حوادث از کامپیوترهای نیروهای پلیس استفاده کنید. روابط با کارمندان دادگاه، البته رسمی خواهد بود؛ اما منشی‌ها و راهنماها در صورتی که شما رفتاری معقول‌تر بروز داده و اعتماد آنان را جلب کنید، کمک زیادی به شما خواهند نمود.

ایجاد روابط با مسؤولان دادگاه و کسب اطلاعات درباره موارد دادرسی برای گزارشگران

ویژه دادگاهها که به طور مرتب در دادگاهها شرکت می‌کنند، امتیاز عمده‌ای محسوب می‌شود. اما گزارشگران عام که به طور اتفاقی از طرف تحریریه برای تهیه گزارش در مورد مسأله‌ای اعزام می‌شوند؛ به دلیل عدم برخورداری از اطلاعات کافی ناچارند برای تهیه گزارش خود به گزارشگران ویژه دادگاهها متکی باشند.

گودش کار دادگاهها

مهم‌ترین بخشهای یک مورد محاکمه را معمولاً آغاز و پایان دادرسی تشکیل می‌دهند. در آغاز، اتهامات مربوط برای پیگیری پرونده اعلام می‌شود و معمولاً نکته اصلی که وکلای مدافع به آن اشاره دارند، عنوان می‌شود. در پایان دادرسی نیز جمع‌بندی برای هیأت منصفه صورت می‌گیرد. در نهایت حکم صادر می‌شود و اگر فرد متهم مجرم شناخته شود، حکم کیفری با هر تفسیری که قاضی لازم بداند، صادر می‌شود. طرح دفاعیه‌ها در گزارش دادگاه از اهمیت خاصی برخوردار است.

اگرچه گزارش خوب را در هر زمان و مکان می‌توان مطرح نمود، گاهی - در زمان تنفس - از میان صحبت‌های شاهدان نه چندان مهم، می‌توان مطالب قابل توجهی دریافت. ورود و خروج شما در دادگاه بایستی کاملاً بی‌سر و صدا و زمانی باشد که وقفه کوتاهی در جریان دادرسی پیش آمده است. برخی گزارشگران اگر از دادگاهی به دادگاه دیگر می‌روند معمولاً در جایگاه تماشاچیان می‌نشینند. تا آنجا که می‌توانید سعی کنید یادداشتهای کامل بردارید و اسامی را نیز به طور کامل و واضح بنویسید. جزییاتی که در ابتدای گزارش مطرح می‌شوند گاهی به نظر بی‌اهمیت جلوه می‌کنند؛ در حالی که ممکن است بعداً مشخص شود نکات بسیار مهمی را دربرداشته‌اند. همواره جزییات قابل توجه را در نظر بگیرید؛ برای مثال، به این نمونه توجه کنید: «براساس کیفرخواست، مردی که لباس آبی‌رنگ برتن داشته، زن جوانی را مورد حمله قرار داده است. اما مردی که در جایگاه متهم نشسته است در آن روز مشخص، لباسی قهوه‌ای رنگ برتن داشته است.» مراقب باشید هنگام شنیدن اظهارات شهود، دچار هیجان زدگی بی‌مورد

نشوید؛ زیرا در این صورت ممکن است فراموش کنید یادداشت کامل بردارید؛ قلم شما بایستی سریعاً حرکت کند، و تمام مطالب را یادداشت کند.

مراقب حوادث بخصوصی باشید که ممکن است در جلسه دادرسی روی دهد. گاه شاهد، پس از احضار به دادگاه، آشفتگی روانی پیدا می‌کند، یا متهم دچار احساسات ناگهانی می‌شود یا در جمع حضار دادگاه اختلال پیش می‌آید. معمولاً این مسائل برای طرح در گزارش مناسب‌اند (البته اگر حوادث واقعی باشند).

فهرست کارهایی که باید انجام شود

- یادداشت کاملی بردارید. به‌ویژه از حقایق با اهمیت، نظیر اتهامات، درخواستها، اسامی، سن افراد، نشانی‌ها، تاریخها، محکومیتها و همچنین جریمه‌ها. اسامی و نشانی را با حروف برجسته و یا واضح بنویسید.
- مراقب باشید در مسائل بیش از حد غرق نشوید؛ زیرا ممکن است یادداشت‌برداری از جزئیات مهم را فراموش کنید.
- به هر صحبتی که ممکن است نقل قول خوبی محسوب شود، توجه کنید. ارائه نقل قول در گزارش، آن را زنده‌تر و موثق‌تر می‌سازد.
- از موارد دادخواهی، دفاع و جمع‌بندی جریان دادرسی توسط قاضی برای هیأت منصفه و همچنین اظهارنظرهای وی یادداشت کاملی بردارید.
- نسبت به هر مسأله‌ای که اطمینان ندارید، با منشی دادگاه و یا سایر رابطها برای بررسی بیشتر گفت‌وگو کنید.
- از کاربرد واژگان تخصصی حقوقی بپرهیزید. کاربرد واژگان فنی حقوقی مانند «مدعی علیه»، «خواهان»، «احضاریه» و «کیفر خواست»، خواننده را دچار سردرگمی می‌سازد و روند پیگیری مطلب از سوی خواننده را کند می‌سازد؛ همین امر در مورد شواهد پزشکی هولناک در

دادگاه‌های ویژه تحقیق مرگ‌های مشکوک صدق می‌کند؛ زیرا کاربرد واژگان نامأنوس مطلب را برای خوانندگان ثقیل می‌سازد.

● پس از اتمام دادرسی، نگارش گزارش خود را، قبل از آن که موارد مهم را به فراموشی بسپارید، آغاز کنید. با پایان گرفتن نگارش گزارش، آن را در اولین فرصت از طریق تلفن یا فاکس ارسال کنید. گزارشی که سریعتر ارسال شود، در جای مناسبتری از نشریه به چاپ می‌رسد.

● گزارش خود را قبلاً با دقت بخوانید تا در صورت وجود اشتباه املائی و یا سایر اشتباهات آن را اصلاح کنید. همواره میزان اشتباهاتی که حتی دقیق‌ترین گزارشگر نیز مرتکب می‌شود، هراس‌آور است.

● به دنبال پیگیری مطلب باشید. همواره از خود پرسید: «پس از آن چه اتفاق تازه‌ای روی داده است؟»

هر ماجرای با آینده ارتباط مستقیم دارد؛ مواردی مانند مردی که در یک نشریه تابلوید از او به عنوان هیولا نام برده شده است، در جریان دادرسی بیگناه شناخته می‌شود. یا زنی که مورد هتک حرمت قرار گرفته، تا زمان رهایی مرد مهاجم در وحشت به سر خواهد برد. شما نمی‌بایست فردی را در نزد خود محاکمه کنید یا این که افترايي به فرد خاصی وارد سازید؛ اما می‌توانید میزان رنجی را که یک زن می‌برد، با حساسیت توصیف کنید.

● کار ناتمام: اگر دادرسی هنوز پایان نیافته است، چنین بنویسید: «این مورد ادامه دار است» یا «این مورد امروز ادامه می‌یابد». اگر هیأت منصفه مشورت می‌کند و یا قاضی اعلام مجازات را به روز خاصی موکول کرده است؛ اینها را نیز برای خوانندگان توضیح دهید.

● متن یادداشتهای خود را دور نریزید. از نظر سنتی، گزارشگران یادداشتهای خود را برای احتمال بروز اتهام افترا تا شش ماه نگه می‌دارند؛ اما به‌طور کلی مدت سه ماه کافی است. ممکن است پس از درج گزارش‌تان با شکایات خوانندگان یا مشکل حقوقی دیگری مواجه شوید.

● توازن مطلب خود را حفظ کنید. بر اساس قانون، گزارشهای دادگاه بایستی متوازن باشند؛ اما این امر مشخص نشده که حفظ این توازن در تمامی گزارشها ضروری است یا فقط در

مواردی که دادرسی چندین روز به طول می‌انجامد ضرورت پیدا می‌کند. مشکلات عملی زمانی بروز می‌کند که گزارشگران مختلفی در روزهای متفاوت، یک موضوع واحد را دنبال کنند. زیرا گاه محدودیتهای مکانی اجتناب‌ناپذیر است. وکلا و گزارشگران سعی دارند در دفاع و پیگیری، با پرداختن به مسائل هر دو طرف دعوی، این توازن را حفظ کنند.

این امر بسیار منطقی به نظر می‌رسد. اما در عمل، مورد پیگیری در اول دادرسی جای می‌گیرد؛ زیرا از لحاظ وجهه عمومی برای وکیل شاکی، امتیاز بزرگی است. اغلب مورد مربوط به دفاع، در روز بعد به چاپ می‌رسد، اما معمولاً این مورد اتهام است که با تمامی جزئیات ناخوشایندش در ذهن خوانندگان جای می‌گیرد. گزارشگر ممکن است گزارش کامل و محکمی را در مورد دفاع از پرونده تهیه کند، به طوری که تک‌تک موارد اتهام را نفی کند؛ اما این گزارش دارای آن ارزش خبری نخواهد بود. معمولاً اگر به جای آن که به موارد اتهام پرداخته شود، روی آنچه فرد متهم انجام نداده تأکید شود، تأثیر منفی روی خواننده گزارش می‌گذارد.

نمونه ۱

نشریه‌ای محلی، گزارش برجسته‌ای را درباره رویدادی که در یک رستوران محلی روی داده است، با عنوان چهارستونی به چاپ رسانده است. اما در این گزارش اسامی افراد و مکانها تغییر یافته است.

جوانان شرور در رستوران محلی، وحشت آفریدند.

گروهی از جوانان که سر خود را تراشیده و اهل درگیری و خشونت بودند با پنجه بوکس و چکش، یک کافه تریای محلی را برهم زدند.

«جان رابینسون»، ۲۰ ساله و سه دوست وی از محله «هارلی کراس» شنبه شب در حالی که به دنبال دردرس می‌گشتند، وارد کافه تریای «کران اندانکر» در خیابان «اندول» در «تانبوری» شدند.

«رابینسون» و «جیمز اسمیت» ۲۳ ساله، «روبرت براون» ۲۰ ساله و «جوزف دو» ۲۱ ساله، همگی اتهام اقدام به اخلال، خشونت و مضروب ساختن شدید صاحب رستوران را انکار کردند.

دادیار، آقای «جانانان جونز» اظهار داشت رابینسون و دوستانش از اعضای گروه کله پوستی‌ها هستند که «پسران کله تاس» نیز نامیده می‌شوند؛ آنان پس از مشاهده نوشته روی دیوار مبنی بر «کله

تاس‌ها آدمهای عوضی هستند، دچار خشم شدند.

آنها پس از آن که وارد کافه‌تريا شدند درگیری لفظی را آغاز کردند و سپس با «کیم ول کرو» یک گروه محلی که به چاقو و قمه مسلح بودند، به زد و خورد پرداختند.

رایبسون ابتدا پرسید: «کیم ول»ها کدام گوری هستید؟ شنیده‌ام که کار شما بوده است. و چندی بعد نبردی آغاز شد که در آن رایبسون مورد حمله قرار گرفت، بینی‌اش دچار شکستگی شد و بر اثر وارد آمدن ضربات چاقو مجروح گردید.

پس از استماع اتهامات و بحثهای حقوقی، قاضی دادگاه بخش، رسیدگی به این مورد پرونده را نپذیرفت.

در نگاه اول، گزارش حیرت‌آور می‌نماید؛ زیرا پرداختن به درگیری میان دسته‌های اوباش، کار ناخوشایندی به نظر می‌رسد. اما عنوان تکان‌دهنده این گزارش اولین قانون ویرایش را زیر پا می‌گذارد، زیرا عنوان و لید مطلب، با مطلبی که به دنبال آن آمده هماهنگ نیست. این گزارش دارای دو جنبه است. لید مطلب حاکی از آن است که اختلال عمده‌ای در نظم عمومی روی داده، در حالی که ادامه مطلب بیانگر آن است که نبرد میان گروههای اوباش روی داده و این مورد از سوی قاضی دادگاه بخش پذیرفته نشده است.

نمونه ۲

این گزارش که در یک روزنامه عصر به چاپ رسیده، جالب توجه است.

مردی به دلیل بالا بودن میزان الکل در «آزمایش الکل رانندگان» زندانی شد.

مردی که قبل از سوار شدن به اتومبیل، به دلیل افراط در مصرف الکل چهار دست و پا راه می‌رفت، به دلیل ایجاد اختلال در امنیت عمومی زندانی شد.

قاضی دادگاه بخش «لودفورد»، متهم «ورنون داکسون» ۴۳ ساله را به مجازات سه ماه حبس محکوم کرد. به اعتقاد وی این مجازات برای مردی که تا آن حد مشروبات الکلی مصرف کرده، منصفانه

است. قاضی همچنین وی را به مدت پنج سال از حق رانندگی محروم ساخت. دادیار «دونالدگیتز» نیز به دادگاه اعلام کرد «داکسون» قبل از سوار شدن به اتومبیل مرسدس خود، بر اثر افراط در مصرف الکل چهار دست و پا راه می‌رفته، همچنین یک بطری «ودکا» در اتومبیل وی پیدا شده است.

اما «فرانک فورت رایت»، وکیل مدافع متهم اظهار داشت که «داکسون» از بیماری صرع رنج می‌برد. وی افزود، «داکسون» نتوانست در جلسات دادرسی شرکت کند، چون تحت نظارت پلیس در بیمارستان بستری بود.

آقای «دونالدگیتز» اظهار داشت: «وضعیت سلامتی ورنون داکسون بسیار وخیم است. و به او هشدار داده شده که اگر باز هم الکل مصرف کند، دو روز بیشتر زنده نخواهد ماند.» گیتز افزود: «شواهد پزشکی حاکی از آن است که وضعیت بدکبد اکسون، نتیجه آزمایش الکل را تا این حد بالا نشان داده است.»

«اگرچه نتیجه آزمایش، مصرف الکل را خیلی بالا نشان داده است، اما وی قبل از دستگیری ۲۴ ساعت بود که الکل مصرف نکرده بود.»

در جریان دادرسی هنگامی که به پنج بار دستگیر شدن داکسون به علت رانندگی در حال مستی اشاره شد، دادگاه وی را به مدت ۱۸ سال از رانندگی محروم ساخت.

داستان غم‌انگیزی است؛ اما وکیل مدافع و گزارشگر به بهترین وجه عمل کرده و حتی یک زندگی را نجات داده‌اند. این نوع گزارش نویسی کامل و متوازن این روزها در روزنامه‌های سراسری به ندرت مشاهده می‌شود، اما خوشبختانه هنوز می‌توان در نشریات استانی چنین مواردی را یافت.

پس از جریان دادرسی

برای تهیه گزارش ممکن است شما با شخصی که تبرئه شده، یا با دوستان و خانواده افرادی که مجرم شناخته شده‌اند مصاحبه کنید. هیچ دلیلی برای انجام مصاحبه پس از اتمام دادرسی وجود ندارد؛ طی جریان دادرسی نیز به دلیل امکان وارد آوردن اتهام اهانت به دادگاه بهتر است از مصاحبه صرف نظر کنید. مراجعه به هیأت منصفه‌ای که در حال تصمیم‌گیری در مورد نتیجه دادرسی هستند یا ورود به اتاق هیأت منصفه‌ای که در حال رای‌گیری هستند، ممنوع است.

هنگامی که با افرادی غیر از هیأت منصفه مصاحبه‌ای انجام می‌دهید، سعی کنید در راهروهای شلوغ دادگاه نباشد، بلکه مصاحبه خود را به صورت گفت‌وگویی آرام مثلاً در چایخانه دادگاه انجام دهید.

در مواردی که نام اشخاص برجسته در محاکمات مطرح است، اغلب مقاله‌ای توصیفی قبل از گزارش نوشته می‌شود که در آن از روش زندگی شخص و محرومیت‌های او در زمان کودکی سخن به میان می‌آید. پژوهش برای نوشتن این مقالات باید قبل از برگزاری جلسات دادگاه صورت پذیرد و خارج از ساعات اداری انجام شود. لازمه چنین تحقیقاتی شب‌بیداری و کار در کتابخانه‌ها، همچنین همکاری با سایر گزارشگران است.

نظام دادگاه

روزنامه‌نگاران وکلای دعاوی نیستند. اما از آنان انتظار می‌رود تا آنجا که به کارشان مربوط می‌شود از دانش کافی در مسائل حقوقی برخوردار باشند. از این رو نه تنها آگاهی از محدودیت‌های قانونی بسیاری که برای روزنامه‌نگاران وجود دارد، ضروری است، بلکه اطلاع از آن که تا چه اندازه مجازند حقایق مطرح در دادگاه را انعکاس دهند، نیز امری ضروری به نظر می‌رسد. برخی از روزنامه‌نگاران به دلیل عدم اطلاع از قوانین، ترس بی‌موردی از احتمال این که برچسب افترا و اهانت به دادگاه بخورند، دارند و از این رو معمولاً به خودسانسوری غیرضروری متوسل می‌شوند. این محدودیتها فقط هنگامی که فردی مورد اتهام قرار گرفته و دستگیر شده است، مصداق ندارد، بلکه از زمانی که دستگیری فرد قریب‌الوقوع است، مصداق پیدا می‌کند. پس از آن چون پرونده مورد رسیدگی حقوقی قرار می‌گیرد، از این رو، انتشار هیچ مطلبی نباید روند طبیعی دادگاه را برهم بزند.

فصل یازدهم

گزارشهای توصیفی؛ عمیق، متنوع و مشروح

گزارشهای خبری توصیفی در قیاس با مطالب خبری، از تفسیر، تحلیل، تنوع، اطلاعات و گونه‌گونی منابع بیشتری برخوردارند و همچنین با دیدی باز به مسائل می‌نگرند. همین وسعت دایره مقاله‌های توصیفی است که امکان دربرگیری عناصر متمایز را امکان‌پذیر می‌سازد. به‌ویژه بخش لید این‌گونه مقاله‌ها که «تم» و لحن کلی مطلب را آشکار می‌سازد، نسبت به لید مطالب خبری جدی از جذابیت و تنوع بیشتری برخوردار است. در مقاله‌های توصیفی می‌توان مسأله‌ای را به بحث گذارد و همچنین دیدگاه‌های شخصی نویسنده را برجسته نمود. تأکید مطلب نیز همچنان بر جنبه خبری آن است.

لید

شیوه‌های مختلف و متعددی برای نگارش لید در گزارش‌های خبری توصیفی وجود دارد.

برخی از این شیوه‌ها عبارت‌اند از:

روایی با چرخشی در آخر لید

«لنا یوریکا بیدگارد» به‌عنوان سوارکار بین‌المللی اسب، عادت مستمری داشت که هرگز آن را ترک نمی‌کرد. این زن موخرمایی، ورزشکار ۲۶ ساله‌ای است که، سوار بر اتومبیل «بی-ام-و» مشکی رنگ خود هر روز صبح عازم محل اصطبل خود می‌شد و پس از ساعتها سوارکاری، برای صرف ناهار به ویلای پدرش در حومه بروکسل می‌رفت. هفته گذشته این سوارکار سوئدی، کاری بر خلاف عادت همیشگی خود انجام داد: او ناپدید شد! ساندی تایمز (۲۴ ژانویه ۱۹۹۳)

معما فکنی

«روزاموند چمبرلین»، ۶۰ ساله و ساکن «لیدز»، نامه خارق‌العاده‌ای از مؤسسه خیریه «دی-اس» دریافت کرده است. «ایندپندنت ان ساندی» (۲۸ فوریه ۱۹۹۳)

توصیف شهود عینی

شعارها، یکی پس از دیگری به چشم می‌خورند؛ پوسترهایی که هشدار می‌دهند: «سارقان «مونزا»، دوره شما به سر رسیده است» و «زمان دستگیری سارقین فرارسیده است. شما هیچ راهی جز تسلیم ندارید».

شعارهای دیگر هشدار می‌دهند: «ما فیا از طریق احزاب راه خود را به شمال باز کرده است»، «ما در محله‌های رأی‌گیری، می‌توانیم پیشرفت ما فیا را متوقف سازیم». اینها شعارهایی است که از سوی یک سخنران محبوب داده می‌شود، سحر کلام این سخنران توانسته ۱۵۰۰ شهروند را از تماشای مسابقه فوتبال میان تیم‌های «میلان» و «ایندهوون»، منصرف ساخته و مردم را به محل سخنرانی خود بکشاند. جمعیتی از جای خود برخاسته و سالن سخنرانی را با غریو فریادهای تحسین و شادی‌شان پر کرده‌اند.

در این مطلب توصیفی در ایندپندنت (۱۲ دسامبر ۱۹۹۲)، تأکید اصلی روی شهر کوچک

«مونزا» و همچنین چگونگی بازتاب تنشهای سیاسی گسترده معلمان سیاست ایتالیاست.

سابقه تاریخی

مدرسه «های بوری گرو» در شمال لندن در سال ۱۹۷۲ دارای مشهورترین معلمان دبیرستان کشور بود، برای نمونه باید از «رودز بویسون» مدیر مدرسه نام برد که دارای لهجه خاصی بود. وی پس از شرطبندی با شاگردانش، ریش «دیکنزی» گذاشت که با فلسفه آموزشی خاص وی هماهنگی کامل داشت.

این مدیر برجسته معتقد بود با شاگردان طبقه کارگر بایستی به گونه‌ای رفتار کرد که گویی در مدارس خصوصی درس می‌خوانند. یعنی با به کارگیری همان شیوه‌ها، بازیهای آموزشی و همان آموزگاران. شماری از هواداران وی در مطبوعات (وی از مهارتهای فوق‌العاده‌ای در روابط عمومی برخوردار بود)، براین باور بودند که با اتخاذ این شیوه او به نتایجی نیز دست یافته است. و بالاخره، در زمینه آموزش هم او بود که موفقترین طرح دبیرستان جامع شهری را به اجرا گذارد.

هنوز پس از گذشت بیست سال، مدرسه «های بوری گرو» از معروفترین مدیریتها در دبیرستانهای جامع انگلیس برخوردار است. ولی نیمه‌شب پنجشنبه گذشته، شورای «ایزلینگتون» به دنبال شکایت اعضای هیأت مدیره مدرسه، مدیر دبیرستان مورد بحث را که «پیترسیرل» نام داشت از کار معلق کرد.

این گزارش «ایندیپندنت» (۲۷ نوامبر ۱۹۹۲) بر وضعیت ۲۰ سال گذشته مدرسه «های بوری گرو» و عملکرد ممتاز مدیر آنجا «رودز بویسون» تأکید دارد. پس از دو بخش کوتاه، مطلب به زمان حال باز می‌گردد و تقابل میان مدیر ۲۰ سال پیش و مدیر تعلیمی فعلی را برجسته می‌سازد. پراتزی که در بند ۲ به کار رفته است، به ندرت در مطالب خبری جدی مشاهده می‌شود. زیرا جریان طبیعی گزارش را مختل می‌سازد.

دستاویز خبری

همان‌گونه که کنفرانس حساس صلح خاورمیانه به سوی گفت‌وگوهای مهم دو جانبه پیش می‌رود، نشریه «سوسیالیست» نیز به عقاید عامه مردم در سرزمینهای اشغالی توجه کرده و زمینه بین‌المللی این جریان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

**اسرائیل خود را برای درگیری آماده می‌سازد.
با بالاگرفتن خشونت‌ها، جناح چپ فلسطینی‌ها با مسلمانان همسو می‌شود
بن‌کوهن**

فلسطینی‌های ساحل غربی و نوار غزه، به دستاوردهای کنفرانس مادرید اطمینانی ندارند. تظاهرات گسترده‌ای در سراسر سرزمینهای اشغالی در مخالفت با این کنفرانس برپا شده است. روز دوشنبه پنج هزار تن در دانشگاه «بیت‌الحم» اجتماع کردند. این گردهمایی، از سوی طرفداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین، اصولگرایان اسلامی حماس و گروه جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین به رهبری «نایف حواتمه» برگزار شده بود. (در جریان کنفرانس نیز دو دستگی ایجاد شد.)

این رویدادها، بیانگر خشم روزافزون مردم علیه برنامه‌های آمریکا در فلسطین و همچنین همسویی نگران‌کننده جناح چپ فلسطین با جنبش اسلامی است.

این لید از گزارش نشریه «سوسیالیست» (۶ تا ۱۹ نوامبر ۱۹۹۱) بسیار شبیه لید مطلب خبری جدی است. اما از پنج عنصر مهم خبری و سنتی لید در اخبار جدی، عنصر «کی» مشاهده نمی‌شود. به همین دلیل، این مطلب حالت مقاله توصیفی پیدا می‌کند؛ زیرا این دو مطلب به جای پرداخت صرف به جنبه خبری کنفرانس، زمینه‌هایی از کنفرانس حساس صلح خاورمیانه را مطرح کرده‌اند.

توصیف متنوعی از یک شخص همراه با یک چرخش

«کاتباس»

«کاترین فیلد»

«فرانک هوبنر» از ظاهری آراسته و قدرت کلام بسیار مطلوب برخوردار است. به همسر و فرزند

کوچکش توجه بسیاری دارد. وی هنگام گفت‌وگو بسیار مؤدب صحبت می‌کند. اتومبیل «بی-ام-و» قرمز رنگی دارد و شبها را بادوستانش در رستوران می‌گذرانند. با این همه، «هوبنر» ۲۶ ساله، رهبری گروهی متشکل از ۵۰۰ متعصب نظامی نئونازی که حزب دویچه را تشکیل می‌دهند، بر عهده دارد و هر هفته چهارشنبه شب در رستورانی با همکیشان خود به طرح‌ریزی برنامه‌های دستیابی به قدرت می‌پردازد.

کاترین فیلد نشریهٔ آبزور ۱۹۹۲

در این مقاله توصیفی «آبزور» (۲۹ نوامبر ۱۹۹۲)، فیلد، موضوع گزارش خود را شرح می‌دهد. اما میان مطالب بند اول و دوم، اختلاف قابل توجهی وجود دارد: میان «آراسته» و «مؤدب» در بند اول، و «متعصب نظامی» که به طرح‌ریزی برنامه‌های دستیابی به قدرت می‌پردازد؛ در بند دوم، نویسنده ابتدا نمای نزدیکی از یک فرد را ارائه می‌دهد، سپس با چرخشی، بُعد وسیعتری از مسأله را که همان رشد نئونازیسم در آلمان است نشان می‌دهد. این شیوهٔ سینمایی (که ابتدا از نمای نزدیک شروع شده و سپس در بُعد وسیع نشان داده می‌شود)، یکی از رایجترین شیوه‌های آغازین مقالات توصیفی به شمار می‌رود.

تفسیر طعنه آمیز

از «جان پاسمور» و «تونی ماگور»

کاهش اخیر نرخ بهره، به گفتهٔ دلان معاملات ملکی بسیار چشمگیر بوده است و بزودی در وضعیت معاملات مسکن بهبودی مشاهده خواهد شد. در ماههای آینده بر اساس پیش‌بینی انجمن ملی دلان معاملات ملکی که ۱۰ هزار عضو دارد، بازار را کد مسکن بهبود خواهد یافت و انبوه‌های فروش ملک که به علت رکود معاملات، در حال پوسیدگی قرار داشت، پایین خواهد آمد و افق روشن تازه‌ای در این مورد پدیدار خواهد شد و سرانجام غول موانع از میان خواهد رفت.

به بیان متنوع این لید که از مقاله‌ای در نشریه «ایونینگ استاندارد» لندن (۲۸ ژانویه ۱۹۹۳) انتخاب شده توجه کنید: «انبوه‌های فروش ملک که به علت رکود معاملات، در حال پوسیدگی

قرار داشت، پایین خواهد آمد و افق روشن تازه‌ای در این مورد پدیدار خواهد شد. و سرانجام غول موانع از میان خواهد رفت.» این مطلب هر چند طعنه‌آمیز است، اما زمان و لحن مطلب، آن را در ردیف مقالات توصیفی قرار می‌دهد.

تأکید غیرمتعارف

وداع دردآور، سرانجام یانکی‌ها رفتند.

از «کریستی کمپبل» گزارشگر امور دفاعی

نیروی هوایی ایالات متحده، سرانجام هفته گذشته زمان خروج نیروهایش را اعلام کرد. آیا در آن هنگام دوستان و همسایگان پایگاه جنگنده‌های «بنت واترز» در «سوفولک»، علاقه خود به همبرگر، ژامبون یا لوبیای تنوری را هم ابراز داشتند؟ ماه آینده، اولین گامهای خروج تدریجی نیروی هوایی آمریکا از انگلیس و همچنین تعطیلی پایگاه با این علامت که «مأموریت به پایان رسیده است» برداشته خواهد شد. و این امر، نواختن موسیقی زمان جنگ «گلن میلر» را تداعی خواهد نمود.

«کریستی کمپبل»، مقاله خود در «ساندی تلگراف» (۳ ژانویه ۱۹۹۳) را با خروج نیروهای ایالات متحده از انگلیس آغاز می‌کند در مقاله او به طرز غیرمنتظره‌ای بر همبرگر، ژامبون و یا لوبیای تنوری تأکید شده است.

روایی شخصی

چشمان راننده سفیدپوست، هنگامی که من پس از یک مسافر مسن سفیدپوست سوار اتوبوس شده و برای سفر پنج دقیقه‌ای خود به مرکز «پرتوریا»، معادل ۲۵ پنس را پرداختم، از حیرت از حدقه درآمد. وی با داد و فریاد اظهار داشت: «تو نمی‌تونی در این اتوبوس سوار بشی». من گفتم چرا نمی‌توانم. وی پاسخ داد: «ما امثال تو رو نمی‌بریم، تو باید پیاده بشی.»
«من متوجه نمی‌شوم. مگر این اتوبوس به مرکز شهر نمی‌رود؟» این جمله‌ای بود که من به دلیل عدم اطلاع از مقررات سخت تبعیض نژادی در «پرتوریا» مبنی بر جدایی اتوبوس سیاهپوستان

وسفیدپوستان اظهار کردم.

مطالب خبری جدی به ندرت به دخالت شخصی گزارشگر تاکید دارند. اما در مقابل، در مقالات خبری توصیفی می‌توان گزارشگر را به‌عنوان شاهد مستقیم در کانون مطلب مطرح نمود. همان‌گونه که در مقاله بالا «آنجلا جانسون» از گاردین (۹ ماه می ۱۹۹۰) مطرح کرده است. یا اینجا در «آبزور» (۱۸ آوریل ۱۹۹۳)، «جان پیلجر»، تجارب متفاوت خود در «کامبوج» را نقل می‌کند.

دو سال بود که من در «کامبوج» نبودم و از این رو آمادگی رویارویی با تغییرات حیرت‌آور آنجا را نداشتم. دوسال پیش، سرانجام خورشید هستی‌بخش در «پنوم پن»، که به دلیل ۱۵ سال انزوای بین‌المللی در حال نابودی بود، تابیدن آغاز کرد. در آن زمان هیچ بارقه صلح و یا نیرویی از سازمان ملل در این شهر جنگ زده به چشم نمی‌خورد. در این شهر هرج و مرج حکمفرما بود؛ و تنها دوچرخه‌ها و موتورهای گازی شبها با حرکت خود در جاده‌های شهر، روشنایی به شهر می‌دادند. اما با پایان گرفتن جنگ و در زمان حاضر خیابانها مملو از خودروهای سفیدرنگ جیب با چراغهای پرنور، مرسدس‌بنزها با صندلیهای دارای روکش طلایی، و بالاخره دوچرخه‌های صندوقداری است که سفارشات پیتزا را در «کامبوج» جا به جا می‌کنند. در عین حال، در حاشیه جاده‌ها، مردان جوانی به چشم می‌خورند که دست یا پای خود را در جنگ از دست داده‌اند، آنها در حالی که لباسهای سبز نظامی بر تن دارند، تکدی می‌کنند.

«جان پیلجر» «آبزور» ۱۹۹۳

تأکید بر تقابلها

ظاهراً در «کامبرتون» اتفاق زیادی روی نمی‌دهد، اما کنکاش در آن دهکده که ظاهراً بسیار آرام و ساکت هم به نظر می‌رسد، نشانگر فعالیتهای فراوانی است که در آنجا وجود دارد. گر چه اکنون آهنگ روند تغییرات که از دهه ۶۰ با گستردگی عظیمی در آنجا آغاز شد، کاهش یافته است، با این همه ۵۰ سازمان محلی موجود، گروههای سنی مختلفی را پوشش می‌دهند.

این لید که توسط «دیوید واترسان» از نشریه شماره ۶۰ «کمبریج ایونینگ نیوز» (۲۶ ژانویه ۱۹۹۳) نوشته شده است، تقابل میان ظاهر آرام دهکده و واقعیت آن را نشان داده است.

یک پرسش

آیا آن احساس ناخوشایند را به یاد می‌آورید؟

روز طولانی در مدرسه - فراگیری درس ریاضی، زیست‌شناسی کسل‌آور و دستور زبان دشوار فرانسه - و در پی آن، کار شاق انجام تکالیف درسی در منزل. شما واقعاً مایل‌اید صدای موسیقی پاپ را بسیار بلند بشنوید، اما از خشم دوشیزه اسمیت می‌هراسید که تأکید بسیاری بر حفظ آرامش و سکوت، هنگام انجام تکالیف درسی در منزل دارد. دانش‌آموزان امروزی ممکن است کار طاقت‌فرسای انجام تکالیف درسی یک‌شبه در منزل را آن‌گونه که من به خاطر می‌آورم، نداشته باشند. اما مطالعه خارج از مدرسه آنان ممکن است از این هم دشوارتر باشد.

مطلب نشریه «ایسترن دیلی پرس» (۱۶ فوریه ۱۹۹۳) با پرسشی آغاز می‌شود که فضای مطلب و زمان آن را مشخص می‌کند و سپس با اشاره به «دانش‌آموزان امروزی»، تفاوت‌های زمانی را مشخص می‌سازد.

فوریت ضروری

در حالی که در لید مقالات خبری توصیفی، ابزارها و شیوه‌های مختلف و گسترده‌ای به کار گرفته می‌شود، محتوای لید نیز بایستی با خبری که در متن مطلب آمده است، همخوانی داشته باشد. لید مقالات توصیفی بایستی مانند بند آغازین اخبار جدی، به گونه‌ای نگارش یابد که توجه خوانندگان را به خود جلب کند. انعطاف مطلب در این بخش بیشتر است. اما بسیار چکیده و کوتاه بایستی نوشته شود.

«میرو» روز اول سال نو نیز با سردرد از خواب برخاست. او برای این عارضه، دلایل فراوانی داشت. نه‌ری که از مزرعه وی می‌گذشت و آن را به دو قسمت تقسیم می‌کرد، اینک در اعلام سال ۱۹۹۳ میلادی، از لحاظ مرزبندی بین‌المللی در تجزیه چکسلواکی، شهر را در کشور دیگری قرار داده است. در آینده هر وقت مزرعه‌دار ۴۵ ساله اسلواک از پل کوچکی که از خانه وی به مزرعه سبب‌زمینی امتداد یافته می‌گذرد، در معنا از کشور «اسلواک» خارج شده و به جمهوری «چک» که بر اثر تجزیه چکسلواکی در اروپای مرکزی ایجاد شده‌اند، گام گذارده است.

این مقاله توصیفی از «ساندی تلگراف» (۳ ژانویه ۱۹۹۳) بر مطلب مورد توجه مردم و آنچه که در مورد میرو و مزرعه‌اش می‌گذرد، تأکید دارد؛ اما جنبه خبری مطلب در بند ۲ یعنی «ایجاد جدیدترین مرزبندی بین‌المللی» آمده است.

سرجوخه «سانی» و همکارش «تری» هنگامی که چشم افسران خود را که به گشت‌زنی مشغول بودند، دور دیدند، زیر سایه درخت آفاقا نشستند و یونیفرم سنگین نیروی دریایی آمریکا را از تن در آوردند تا تن عرق‌دارشان خشک شود.

«سانی» که دو هفته پیش به موگادیشو پایتخت سومالی وارد شده بود، آهی کشیده می‌گوید: «حالا یک نوشیدنی خنک می‌چسبید.» در روز کریسمس در «بایدرا»، تنها رویدادی که وی با آن روبه‌رو شد، مشاهده بزی بود که در حال خوردن علفهای اطراف محل گشت‌زنی، به طرف تفنگ ام ۱۶ و نارنجک‌انداز وی جذب شد.

این مطلب تایمز (۲۶ دسامبر ۱۹۹۳)، با مطالبی در مورد سرجوخه «سانی» و «تری» آغاز می‌شود؛ اما بسیار سریع، جنبه خبری آن مطرح شده و مطلب به وضعیت نیروی دریایی ایالات متحده در سومالی آن هم در هنگام کریسمس می‌پردازد.

بخش اصلی متن

در حالی که عواملی چون تنوع، توصیف، ایده، تحلیل، نقل قول، گفت‌وگو و اصولاً بافت تاریخی مطلب ممکن است در مقاله خبری توصیفی دارای اهمیت باشند؛ با این حال باید توجه داشت که این عوامل بر اساس رویدادهای واقعی و حس خبری نگارنده شکل گرفته‌اند. همانند مطالب خبری که در آنها اطلاعات مهم در ابتدا آورده می‌شوند و سپس از اهمیت مطالب ارائه شده بعدی کاسته می‌شود، در مورد مقالات خبری توصیفی نیز چنین امری مصداق پیدا می‌کند.

ساختار مضمونی

به همین ترتیب ساختار مقالات خبری توصیفی نیز به‌طور منطقی به بخشهای مضمونی متفاوتی تقسیم شده و به ترتیب ارزش خبری در متن مقاله ارائه می‌گردند. همان مفهوم هرم‌های وارونه‌ای که در مطالب خبری صدق می‌کند، در این مورد نیز کاربرد دارد. این مقاله توصیفی که توسط «کریستی کمپیل» (ساندی تلگراف، ۳ ژانویه ۱۹۹۳) نوشته شده، نمونه‌ای از این دست است.

وداع دردآور، سرانجام یانکی‌ها رفتند

از «کریستی کمپیل» گزارشگر امور دفاعی

نیروی هوایی ایالات متحده، سرانجام هفته گذشته را زمان خروج نیروهایش اعلام کرد. آیا در آن هنگام دوستان و همسایگان پایگاه جنگنده‌های «بنت واترز» در «سوفولک»، علاقه خودبه همبرگر، ژامبون ویا لوبیای تنوری را هم ابراز داشتند؟ ماه آینده، اولین گامهای خروج تدریجی نیروی هوایی آمریکا از انگلیس و تعطیلی این پایگاه با این علامت که «مأموریت به پایان رسیده است»، برداشته خواهد شد و این نواخته شدن موسیقی زمان جنگ «گلن میلر» را تداعی خواهد نمود.

این موقعیت جالبی خواهد بود، زیرا نیم قرن از زمانی که اولین نیروهای هوایی ایالات متحده برای نبرد با نیروهای هیتلر وارد انگلیس شدند، می‌گذرد. تعطیلی پایگاه «بنت‌واترز» هم از قبل

به‌عنوان بخشی از برنامه‌های «دولت بوش» برای خارج نمودن نیروها در دوران پس از جنگ سرد، در نظر گرفته شده بود؛ طبق این برنامه، فقط ۱۵۰ هزار نیروی آمریکایی در اروپا باقی خواهند ماند.

رییس‌جمهور جدید «کلینتون» می‌گوید در نظر دارد این میزان را نیز کاهش دهد و احتمالاً فقط ۷۵ هزار نیروی آمریکایی در اروپا باقی خواهند ماند. اما این اقدام کلینتون، مورد مخالفت ژنرال «کلین پاول»، فرمانده فعلی نیروهای مشترک ناتو قرار گرفته است.

بر اساس برنامه‌های «بوش» از ۲۰ هزار نفر کادر نظامی مستقر در انگلیس در سال گذشته که شامل پرسنل نیروی هوایی و برخی از خانواده‌های آنان نیز بود، نه‌هزار تن به آمریکا بازگشته‌اند. همچنین بیش از ۱۵ هزار کارگر انگلیسی در پایگاه‌های آمریکایی شاغل بوده‌اند.

مشکلات اقتصادی ناشی از آن، هم‌زمان با صدای جتهای جنگنده آمریکایی در بخش شرقی انگلیس احساس می‌شود. «مایکل روبرتز» از روزنامه آمریکایی می‌گوید: «تعطیلی هر یک از این پایگاهها، حدود ۱۵ میلیون پوند در سال از اقتصاد محلی می‌کاهد و شهرهایی مانند «وودبریج» و «ایپسویچ» با بحران روبه‌رو خواهند شد.»

یکی از فرماندهان «میدن هال»، مقر مرکزی نیروی هوایی ایالات متحده در انگلیس می‌گوید: «بدبختی این است که ما نمی‌دانیم برنامه کلینتون چه خواهد بود، شاید تو بتوانی به ما بگویی.» اما هنگامی که دولت جدید آمریکا ترکیب حضور نیروهای خود در خارج از مرزها را برای حفظ صلح جهانی تغییر می‌دهد؛ انگلیس، که به منزله ناو هوایمابر غرق ناشدنی آمریکا در اروپا تلقی می‌شود، نقش مهمی را برعهده دارد.

دوران هسته‌ای روبه پایان است. موشکهای قاره‌پیما از «گرین هام» برجیده شده‌اند و ناوگان زیردریایی‌های ایالات متحده، «هولی لوخ» را ترک کرده‌اند. بر اساس گزارشها، انگلیس همچنین از دولت آینده، این تضمین را دریافت کرده که در برنامه‌های کاهش نیروهای ایالات متحده، و تهیه موشکهایی که برنامه‌های هسته‌ای مستقل انگلیس به آن وابسته است، خللی وارد نسازد.

اما در دنیایی که به سوی حذف سلاحهای هسته‌ای پیش می‌رود، برنامه‌ریزان پنتاگون هنوز انگلیس را به عنوان یک سکوی حیاتی برای انجام اقدامات کوچک در شرق اروپا می‌دانند. یک پایگاه عمده هسته‌ای در «لیکن هیت» در «سوفولک» همچنان باقی می‌ماند. در حالی که بتازگی انواع جدید جنگنده‌ها نیز در این پایگاه مستقر شده‌اند.

«میدن هال» در «سوفولک» نیز به پایگاهی برای نگهداری هواپیماهای سوخت‌رسان اروپایی در نیروی هوایی ایالات متحده تبدیل شده است. همچنین ایستگاه سوختگیری عظیمی برای هواپیماهایی که نیروهای نظامی رابه سومالی و نیروهای سازمان ملل را به بالکان می‌برند، ایجاد شده است. «میدن هال» همچنین پایگاهی برای نقل و انتقالات نظامی میان اروپا و آمریکا محسوب

می‌شود.

پایگاه بمب‌افکن‌های اف ۱۱۱ «اپرهی‌فورد» در «اکسفوردشایر» در سال ۱۹۹۴، بسته خواهد شد و همچنین پایگاه‌های «بنت واترز» و «وودبریج» که به عنوان انبارهای ابزار نظامی در جنگ خلیج [فارس] به شمار می‌رفتند، در آستانه تعطیلی قرار دارند. اما طرح سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون پوندی در «لیکن هیت» در دست اجراست تا آنجا را به یک پایگاه عظیم هسته‌ای تبدیل سازد.

تحلیل‌گران امور دفاعی پیش‌بینی می‌کنند پایگاه‌های اف - ۱۵ در انگلیس که قادر به ساخت بمب‌های هسته‌ای و غیراتمی هستند به‌عنوان اساس سیاست دفاعی ایالات متحده همچنان باقی خواهند ماند؛ این درحالی است که پایگاه‌های هسته‌ای و موشک‌های با برد متوسط از آلمان برجیده خواهند شد.

انگلیس از لحاظ مأموریت‌های سزّی و موقعیت امنیتی دارای اهمیت ویژه‌ای است. پایگاه «الکون بری» در کمبریج شایر اکنون به مقر هواپیماهای جاسوسی «یو آر» تبدیل گشته است؛ این پایگاه همچنین نیروهای ویژه‌ای که مقررشان از آلمان برجیده شده را در خود جای داده است. این هواپیماها مأموریت‌های جاسوسی و سزّی را در تمامی نقاط اروپا به انجام می‌رسانند.

پایگاه استراق سمع الکترونیکی مهمی در «چیک سندز» به کار خود ادامه خواهد داد و با هر اقدامی در جهت برجیدن شبکه گردآوری اطلاعات و پایگاه‌های نیروهای امنیتی انگلیس و آمریکا، به‌شدت مقابله خواهد شد.

هر چه پرزیدنت کلینتون از بودجه‌ها بکاهد، باز ناو هواپیما بر غرق ناشدنی آمریکایی همچنان در آب‌ها شناور خواهد ماند.

بخش ۱: بندهای ۱ و ۲، تعطیلی پایگاه جنگنده‌های «بنت واترز».

بخش ۲: بندهای ۳ و ۴، طرح‌های کلینتون برای کاهش نیروهای آمریکایی مستقر در اروپا و نیز نیروهای مستقر در انگلیس.

بخش ۳: بند ۵، تأکید بر شرق انگلیس؛ ارائه نقل قولی از یک روزنامه‌نگار.

بخش ۴: بند ۶ تا آخر، اما انگلیس هنوز نقش عمده‌ای در استراتژی نظامی ایالات متحده بر عهده دارد (با توجه به جزئیات خاصی که در مورد پایگاه‌های «لیکن هیت»، «اپرهی‌فورد»،

«الکون بری» و «چیک سندز» عنوان می‌شود).

این مقاله را می‌توان به دو بخش متمایز تقسیم نمود: بخش اول (بندهای ۱ تا ۶) به برچیدن پایگاه‌های نیروهای ایالات متحده پرداخته است. بخش دوم (بند ۶ تا آخر مقاله) به پدیده متناقض تداوم نقش حیاتی پایگاه‌های انگلیس برای ایالات متحده اشاره دارد. ارائه تناقض میان برچیدن ظاهری پایگاه‌ها و تداوم حضور نیروها در این مقاله آن را متمایز و برجسته ساخته است.

اگر این مقاله به صورت مطلب خبری جدی ارائه می‌شد، چنین مطلبی می‌آمد: «نقش انگلیس به‌عنوان «ناو هواپیمابر غرق ناشدنی» برای ایالات متحده، با توجه به طرح‌های رییس جمهور جدید کلینتون، مبنی بر خروج گسترده نیروهای آمریکایی از اروپا، به‌طور روزافزونی دارای اهمیت گردیده است.» این مقاله توصیفی نیز از همان عناصر خبری برخوردار است، ولی به صورت تلویحی به آنها اشاره کرده است. به ساختار ارائه واقعیات در این مقاله توجه کنید: در بند ۴، آمارهای ۲۰ هزار، ۹ هزار و پانزده هزار ارائه می‌شود. نقش پایگاه‌های «لیکن هیت»، «اپرهیفورد»، «الکون بری» و «چیک سندز» به صورت مشروح آمده است. جنگ یا دفاع زمینه‌هایی است که پرداختن به آنها، واژگان خاص خود را می‌طلبد. اما زبان «کمپبل»، همواره درک‌پذیر است؛ تنها مطلب خاصی که عنوان می‌شود، منبع آن یک روزنامه آمریکایی ذکر می‌گردد. این روزنامه آمریکایی فقط برای مردان و زنانی است که در پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در انگلیس به سر می‌برند و معمولاً به دست خوانندگان عام نمی‌رسد.

این مقاله توصیفی، به‌ویژه برای آنچه نادیده گرفته قابل توجه است؛ به‌عنوان نمونه، هیچ نقل قولی از جنبش صلح برای ایجاد توازن، در این مقاله ذکر نشده است.

شکوفایی نهایی

مطلب خبری جدی، اطلاعات مختلف را به ترتیب اهمیت و ارزش خبری‌شان ارائه می‌کند و آخرین بند مطلب، کم‌اهمیت‌ترین محسوب می‌شود؛ از این رو، حذف آن از میزان تأثیرگذاری

کلی مطلب نمی‌کاهد. اما یک مقاله خبری توصیفی ممکن است از این نظر متفاوت باشد. ارزشهای خبری در مورد مقالات خبری توصیفی صدق می‌کنند و بخش‌هایی اغلب از اهمیت خاصی برخوردار است. در یک مقاله توصیفی ممکن است دیدگاه‌های مختلفی در مورد یک موضوع مطرح شود و در مورد هر یک از دیدگاهها نتیجه‌گیری کند و تفسیر متفاوتی به دست دهد؛ در مقاله توصیفی دیگری نیز ممکن است مسأله دیگری مورد بررسی قرار گیرد و سرانجام در بخش‌هایی، نتیجه‌گیری آن هم ارائه شود. در بند آخر نیز ممکن است مسأله شخصی مطرح شود. حتی ممکن است نقل قول مستقیم قابل توجه و یا جمع‌بندی درباره یک بحث ارائه گردد.

ویراستاران مقاله توصیفی بایستی در مورد این امر حساس باشند. گاهی نویسندگان مقالات، عبارت «بند ضروری» را در داخل پرانتز، قبل از نگارش بند آخر قید می‌کنند تا اهمیت آن را به ویراستار مربوطه خاطر نشان سازند.

اما مقاله «کمپیل» خصوصیت خاص خودش را داراست. این مقاله مسأله اصلی را به بحث می‌گذارد و آن را با زبانی متنوع و در عین حال صریح ارائه می‌دهد.

مقاله زیر از نشریه «آیندپندنت ان ساندی» (۳۱ ژانویه ۱۹۹۳) با نقل قول مستقیمی پایان می‌یابد؛ ارائه پاسخی مرموز به مسأله‌ای آشکار.

«بیت میلاک» سرآشپز ۲۴ ساله می‌گوید: «بی‌قیدی در لباس پوشیدن آن است که به ظاهر اهمیت ندهی و یا این که مبلغ ضروری برای خرید لباس هزینه نکنی. اما این که می‌گویند بی‌قیدی در لباس پوشیدن مد روز شده، واقعاً مسخره است. شما در مورد این موضوع، مطالبی در مجلاتی مانند «ال» می‌خوانید. مثل این مطلب که لباسهای خوب قیمت‌های بالایی هم دارند.»

آقای «میلاک» خود در لباس پوشیدن، بی‌قید است. وی کاپشن چرمی مندرسی بر تن دارد که مدعی است آن را پیدا کرده است، پیراهن یک پوندی که در بازار «بریکستون» و دستمال گردن دو پوندی که از بازار «کامدن» خریداری کرده بر تن دارد. اماوی چه تصویری از افرادی که هزاران پوند خرج می‌کنند تا ظاهری شبیه وی داشته باشند، دارد: «اگر مردم می‌خواهند پول زیادی را خرج کنند و در عین حال ظاهر بدمی مانند من و لباسهایی که بر تن دارم، داشته باشند؛ پس خوشا به حال من!»

«روی راس» در مقاله‌ای درباره بازی چوگان که در نشریه «ایونینگ استاندارد» (۵ فوریه ۱۹۹۳)، به چاپ رسیده است، می‌نویسد: «چوگان بازی‌ای است که عمدتاً افراد سطح پایین اجتماع به آن روی می‌آورند. اما با اقبال خاندان سلطنتی بریتانیا امید می‌رود که این بازی بیش از گذشته ارتقا یابد.» این مطلب با اشاره به ماجرای «میجر رونالد فرگسون» پایان می‌یابد:

مردی که برای اولین بار هزینه مالی آشنایی خانواده سلطنتی با ورزش چوگان را به دوش کشید اکنون به‌عنوان بزرگترین مسؤول ورزشی شناخته می‌شود. وی که «میجر رونالد فرگسون» نام دارد، مسؤولیت مالی ورزشگاه سلطنتی «برکشایر» را بر عهده دارد.

درباره این مسأله که وی وجهه خوب بازی چوگان را خراب کرده است، در واقع باید گفت که چوگان وجهه «میجر» را خراب کرده است!

مقاله توصیفی «جان پیلجر» در «گاردین» (۳۰ ژانویه ۱۹۹۳)، که خانواده‌های معدنچیان زغال سنگ «دورهام» در دهکده «مورتون» را به تصویر کشیده، در آخر مطلب نتیجه کلی در مورد مصیبتی که بر آنان وارد آمده را عنوان می‌کند:

در یک بامداد مارس ۱۹۸۵، هنگامی که معدنچیان «مورتون» در هوای مه‌آلود با حالت اعتراض به معادن زغال سنگ می‌رفتند، نوازندگان سازهای برنجی معترضین را زنان صف نخست معدنچیان تشکیل می‌دادند.

چنین امری تاکنون سابقه نداشته است. اما این عمل قهرمانانه آنان چه معنایی در برداشت؟ حداقل می‌توان گفت که این مردان و زنان عادی بار دیگر سر برآورده و نبردی گسترده را آغاز کرده‌اند. این امر برای من بهترین مظهر انگلیس بود. هاله سیاهی که آن زمان سایه گسترده بود، سیاهی روزافزون ناشی از عدم تحمل نیروهای مخالف از سوی دولت مرکزی بود که اکنون بر تمامی فضای زندگی ماسایه گسترده است.

تحلیل مقاله «اسرائیل خود را برای درگیری آماده می‌سازد»

نشریه «سوسیالیست» (۶-۱۹ نوامبر ۱۹۹۱)

همان‌گونه که کنفرانس حساس صلح خاورمیانه به سوی گفت‌وگوهای مهم دوجانبه پیش می‌رود، نشریه «سوسیالیست»، به عقاید عامه مردم در سرزمینهای اشغالی توجه کرده و زمینه بین‌المللی این جریان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اسرائیل خود را برای درگیری آماده می‌سازد با بالاگرفتن خشونت‌ها، جناح چپ فلسطینی‌ها با مسلمانان همسو می‌شود.

بن‌کوهن

فلسطینی‌های ساحل غربی و نوار غزه نسبت به دستاوردهای «کنفرانس مادرید» اطمینانی ندارند. تظاهرات گسترده‌ای در سراسر سرزمینهای اشغالی در مخالفت با این کنفرانس برپا شده است.

روز دوشنبه قریب به پنج هزارتن، در دانشگاه «بیت‌الحم» اجتماع کردند. این گردهمایی از سوی طرفداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین، اصولگرایان اسلامی «حماس» و گروه جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین به رهبری «نایف حواتمه» برگزار شده بود (در جریان کنفرانس نیز دو دستگی ایجاد شده بود).

این رویدادها بیانگر خشم روزافزون مردم علیه برنامه‌های آمریکا در فلسطین و همچنین همسویی نگران‌کننده جناح چپ فلسطین با جنبش اسلامی است.

ناتوانی فلسطینی‌ها در نشست سپتامبر در شرق بیت‌المقدس، قبل از آن که شورای ملی فلسطین برای بحث در مورد کنفرانس صلح در الجزیره تشکیل جلسه دهد، آشکار بود. میان هیأت اعزامی فلسطینی‌ها، افرادی مانند «صائب اریقات» و «غضآن الخطیب» که هر دو عضو گروه مذاکره‌کننده فلسطین در مادرید بودند، نیز دیده می‌شد.

تمامی سخنگویان، بیانیه ۱۹۸۸ شورای ملی فلسطین مبنی بر درخواست ایجاد کشور مستقل فلسطین و همچنین پایان بخشیدن به استقرار اسرائیلی‌ها در سرزمینهای اشغالی را مورد تأیید مجدد قرار دادند. اریقات، خواستار خروج کامل اسرائیلی‌ها از سرزمینهایی شد که پس از جنگ ۱۹۶۷ به اشغال درآمدند، مطرح ساختن بیت‌المقدس در دستور جلسه کنفرانس و به رسمیت شناختن حق تصمیم‌گیری برای پناهندگان فلسطینی که به سرزمینهای خود بازگشته‌اند، از دیگر خواسته‌های آنان بود.

از هواخواهان جبهه خلق برای آزادی فلسطین فقط «ریاض مالکی» با شرکت در کنفرانس مخالفت کرده و اظهار داشت: «صدها پرسش وجود دارد... و این کنفرانس آمریکایی، پاسخگوی حتی یکی از آنها نیز نخواهد بود... فلسطینی‌ها بایستی «نه» بزرگی را در کنفرانس «بیکر» اعلام کنند و ما نیز بایستی به فلسطینی‌ها و مشروعیت بین‌المللی آنان «آری» بگوییم.» با این حال لزوم شرکت فلسطینی‌ها هرگز مورد تردید نبود، بلکه این اسرائیل بود که پای خود را از کنفرانس بیرون کشیده بود.

«تیکوآپارناس» روزنامه‌نگار متمایل به چپ در بیت‌المقدس می‌گوید: «اسرائیل به این دلیل در

کنفرانس شرکت می‌کند که برای استقرار بیشتر در سرزمینهای اشغالی زمان بیشتری را در اختیار داشته باشد. شما ممکن است ساعتها در ساحل غربی راندگی کنید ولی یک دهکده عرب نشین و یا حتی یک اتومبیل عرب را نیز مشاهده نکنید.»

«اسرائیل در برنامه‌های ساخت و ساز گسترده خویس برای تثبیت حضورش در سرزمینهای اشغالی، جاده‌هایی را ایجاد کرده است که درست از کنار دهکده فلسطینی‌ها می‌گذرد.»
این مسأله، مذاکره‌کنندگان فلسطینی را با امر دشواری روبه‌رو می‌سازد. «پارناس» می‌گوید:
«ساکنین چادرهای پناهندگان ناامید هستند. حال اگر مذاکره‌کنندگان نیز با دست خالی بازگردند، برای آنان دیگر همه چیز به پایان خواهد رسید.»

سازمان آزادیبخش فلسطین امیدوار است این کنفرانس، اسرائیل را وادار به عقب نشینی از ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، با ۲۵۰ هزار سکنه سازد. تحقیقاتی که از سوی مرکز ارتباطات و رسانه‌های بیت‌المقدس انجام شده بیانگر آن است که اسرائیل در نظر دارد با اسکان یهودیان شوروی تا پایان سال ۱۹۹۴، شمار سکنه این مناطق را به بیش از ۵۰۰ هزار افزایش دهد.

«عفیف صفیه» نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در لندن، می‌گوید: «یهودیان ساکن در آن مناطق هرگز «اسحاق شامیر» را که گمراهشان کرده و به سرزمینهای اشغالی آورده نخواهند بخشید. صفیه با اشاره به پیمان «کمپ دیوید» میان اسرائیل و مصر که به خروج اسرائیلی‌ها از «صحرای سینا» انجامید، بر لزوم خروج اسرائیلی‌ها از این منطقه اصرار می‌ورزد.

شمار روزافزونی از اسرائیلی‌ها به مخالفت با این استقرار پرداخته‌اند. روز شنبه قبل از شروع کنفرانس مادرید ۱۳ هزار تن به دعوت «جنبش صلح» در «تل‌آویو» دست به راهپیمایی زدند. علیرغم اعتماد به نفس بازیافته به دلیل راهپیمایی که انجام شد، جنبش مزبور تصمیم گرفته تا نماینده‌ای به مادرید اعزام نکند. این امر بیانگر موضع دراز مدت این جنبش مبنی بر انتقاد از دولت در داخل، ولی نه در خارج مرزهاست.

آن گروه از اسرائیلی‌هایی که پا را فراتر گذاشته و با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره رو در رو انجام می‌دهند، مجرم شناخته می‌شوند. ماه گذشته، یکی از فعالین صلح طلب، بنام «ابی ناتان»، پس از ملاقات با یاسر عرفات، بر اساس منع قانونی تماس اسرائیلی‌ها با سازمان آزادیبخش فلسطین، به ۱۸ ماه حبس محکوم شد.

کنفرانس مادرید بدان معنا نیست که فعالیتهای مستقل سیاسی متوقف خواهد شد. «صفیه» می‌گوید تماس میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها ادامه خواهد یافت به طوری که «حتان اشراوی» از رهبران فلسطینی اظهار داشته است «انتفاضة که تقریباً ۴ سال از عمر آن می‌گذرد با ادامه مذاکرات تشدید خواهد شد در این صورت مذاکرات چپ تندرو در اسرائیل نیز در حد حرف باقی خواهد ماند.»

حدود ۹۰ زن به‌طور هفتگی در غرب بیت‌المقدس، در حرکت شب‌زنده‌داری زنان سیاهپوش شرکت می‌کنند.

گرچه اسرائیل درصدد است به روند اشغال سرزمین فلسطین ادامه دهد، اما اسرائیلی‌ها نخواهند توانست مانع باز پس‌گیری این سرزمینها از سوی فلسطینی‌ها بشوند. عقیف صفیه می‌گوید: «ما نمی‌توانیم مرتکب این اشتباه شده و در زمانی که در مورد سرنوشت فلسطینی‌ها تصمیم‌گیری می‌شود، حضور نداشته باشیم.»

مندرجات جدی خبری در انتخاب منابع خاص، حذف سایر منابع و همچنین برجسته نمودن برخی جزئیات و کم‌بها دادن و یا نادیده گرفتن برخی دیگر، آشکارا از جهت‌گیری‌های خاصی پیروی می‌کنند. گاه ممکن است این مطالب خبری حائز مقداری تفسیر و تحلیل نیز باشند.

مقالات توصیفی خبری معمولاً این بُعد «ذهنی» مقاله را عامل برجسته ساختاری آن می‌سازند. این امر ریشه در مقررات ساختاری گزارش خبری دارد. (حس قوی ارزشهای خبری، تأکید بر جزئیات خاص، کاربرد نقل قولها و زبان دقیق). اما برخی مقالات خبری توصیفی، بیش از حد به موارد خاص می‌پردازند.

ساختار مطلب

بخش مضمونی ۱: بند ۱، مخالفت فلسطینی‌ها با کنفرانس «مادرید».

بخش ۲: بندهای ۲ و ۳، با ارائه جزئیاتی از راهپیمایی‌ها و همچنین تفسیر کلی، بخش لید را مورد تأکید قرار می‌دهد.

بخش ۳: بندهای ۴ تا ۶، اطلاعات بیشتری در مورد نشست فلسطینی‌ها در شرق بیت‌المقدس داده می‌شود.

بخش ۴: بندهای ۷ تا ۹، ارائه نقل قولهایی از روزنامه‌نگار متمایل به چپ.

بخش ۵: در بند ۱۰، دیدگاه سازمان آزادیبخش فلسطین در مورد کنفرانس مادرید و دربند

۱۱، نقل قولهایی از نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در لندن آورده شده است.

بخش ۶: بندهای ۱۲ و ۱۳، دیدگاه طرفداران فلسطینی‌ها درباره اسرائیلی‌ها.

بخش ۷: بندهای ۱۴ و ۱۵، بازگشت دوباره به گفته‌های صفیّه.

منابعی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند با آنچه معمولاً در نشریات پرتیراژ مشاهده می‌شود، متفاوت است: گردهمایی‌های دانشگاه «بیت‌الحم»، نشست فلسطینی‌ها در شرق بیت‌المقدس، دیدگاه روزنامه‌نگار متمایل به چپ، مرکز ارتباطات و رسانه‌های بیت‌المقدس، نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در لندن و زنان سیاهپوش. تمامی این منابع به‌طور کلی برای تأیید جنبه برجسته خبری لید مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

این بحث همچنین به دلیل دخالت‌های گزارشگر تداوم می‌یابد. وی اتحاد جناح چپ فلسطینی‌ها با جنبش مسلمانان را نگران‌کننده می‌خواند، این امر معمولاً در نشریات سراسری یا نادیده گرفته می‌شود و یا این که با دیدی منفی بدان نگریسته می‌شود. گزارشگر دربندهایی به جمع‌بندی بحث می‌پردازد و می‌نویسد: «اسرائیلی‌ها، نخواهند توانست مانع بازپس‌گیری این سرزمینها از سوی فلسطینی‌ها بشوند»، گزارشگر آنگاه نقل قول مستقیمی از منبعی عمده برای تأیید آن ارائه می‌کند.

مذاکره ذهنی

تماشای رویدادهای مهم ورزشی

روزنامه‌نگارانی که برای تماشای رویدادهای ورزشی می‌روند، هدفشان انعکاس رویدادها و بررسی نتایج آن از دیدگاه کارشناسی نیست، بلکه صرفاً تجربه حضور در محل رویدادها را توصیف می‌کنند. در این شرایط روزنامه‌نگار، ناظری خارج از رویداد ورزشی است که به مسائل داخل آن توجه دارد.

چنین وظیفه‌ای بیانگر چالش‌های گوناگون است. شما نیازمند آن هستید که جزئیات واقعی رویداد را بیرون کشیده و عوامل خبری آن را برجسته سازید. این امر موقعیت ارائه گزارش

متنوع و زنده توصیفی و استفاده از منابع و نقل قولهای مختلف را برای نشان دادن واکنش ذهنی آنها فراهم می‌آورد.

تجربه شرکت کردن در رویدادی به‌عنوان یک عضو معمولی جامعه با شرکت به‌عنوان گزارشگر بسیار متفاوت است. هنگامی که به‌عنوان یک روزنامه‌نگار عمل می‌کنید، معمولاً دفتر یادداشت و یا ضبط صوت برای ثبت صحنه‌ها، مصاحبه‌ها و حقایق جالب به همراه دارید. شما گوش به زنگ ثبت وقایع غیرمعمول یا حتی عجیبی هستید که از ارزش خبری برخوردارند. شما بایستی تمامی حواس خود را جمع کنید تا به جمع‌آوری اطلاعات، نقل قولها و تأثیر مسائل بر افراد پردازید تا آنها را در نگارش مقاله خود مورد استفاده قرار دهید.

از سوی دیگر ضرورت ندارد شما رویدادی را که شاهدش هستید، به ترتیب زمانی و به صورت ساده انعکاس دهید بلکه برای ورود به ماجرا، مشاهده رویداد و برجسته کردن آن لازم است ارزشهای خاص روزنامه‌نگاری را به کار بندید. شما ممکن است نقل قولی مهم و یا رویداد قابل توجه آخر مطلب را در اول مقاله و در لید ارائه کنید. همچنین شروع مقاله با توصیف جذابی از یک شرکت‌کننده و سرانجام ارائه کل رویداد می‌تواند جالب باشد.

نگارش مقاله به‌عنوان شاهد حضوری رویداد همواره بیش از اندازه ذهنی است. هرگز نباید عامل نویسنده بیش از حد در مقاله دخالت کند. اگر شما به توصیف مسابقه «هاکی زیرآب» می‌پردازید، دیگر لزومی ندارد خواننده از هراس شما از «شنای زیر آب» که به آسیب دوران کودکی‌تان در یک دریاچه برمی‌گردد، آگاه شود. البته این محدودیتها در مورد نویسندگان بسیار مشهور صدق نمی‌کند. دخالت ذهنیت نویسندگان بسیار مشهور از لحاظ ارزشهای خبری، بسیار قابل توجه است؛ از این‌رو دخالت شخصی نویسندگان مشهور در توصیف رویدادها امری شایع است. اما به‌طور کلی نگارش ذهنی هنگامی بهترین نتیجه را دربردارد که با ظرافت انجام شود. ایجاد توازن مناسب میان خودبینی و ذهنی بودن مؤثر و حساس، کار آسانی نیست.

مقالات توصیفی زنده از نویسنده‌ای که شاهد رویدادی است، معمولاً برای خوانندگان معمولی کاربرد دارد. پس شما ناچارید در صورت مشاهده استثنائاتی، با توجه به این

امر که خوانندگان خواستار آگاهی از آن هستند، جزئیات امر را در مقاله‌تان منعکس سازید.

مسأله تعصبات طبقاتی، نژادی و جنسی در انگلیس به نوعی مطرح است. و از این رو در فعالیتهای ورزشی نیز این مسأله نمود خاصی می‌یابد. برخی ورزشها نسبت به ورزشهایی مانند چوگان و شکار، بیشتر به طبقه کارگر مربوط می‌شوند (ورزشهایی مانند فوتبال، بولینگ، راگبی و دارت). ممکن است در مقاله توصیفی‌تان، موقعیت بررسی این جنبه‌ها نیز وجود داشته باشد. ورزشهای غیرمعمول نیز در سراسر انگلیس انجام می‌شوند. پس تحقیق در مورد چنین ورزشهایی در منطقه‌تان، کار باارزشی خواهد بود. اگر تا به حال شاهد چنین بازی‌هایی نبوده‌اید، نگران نباشید، جنبه خبری این تجربه، بازی را برایتان قابل توجه می‌سازد.

مانند سایر موارد، قبل از انعکاس رویداد بایستی تا حد امکان از آمادگی برخوردار باشید. برای کسب اطلاعات به کتابخانه‌های محلی مراجعه کرده و یا با شورای ورزش تماس بگیرید. شما ممکن است یک رویداد را خسته‌کننده و پیش‌پا افتاده بدانید. این امر شمارا وادار می‌سازد تلاش کنید تا این رویداد کسالت‌آور را به گونه‌ای جذاب برای خوانندگان به تصویر بکشید. همواره سعی کنید با احساسات خود صادق باشید. گاه فشارها و محدودیتهای بسیاری بر روزنامه‌نگاران تحمیل می‌شود. هرگز سعی نکنید آنچه را بسیار کسالت‌آور می‌دانید فقط برای بالا بردن ارزش مقاله خود، به‌عنوان رویدادی جذاب نشان دهید؛ بلکه می‌توانید حالت کسل‌کننده آن را نشان داده، اما شیوه نگارش جذاب به کار برید. در غیر این صورت، مطلب شما غیر معتبر به نظر خواهد رسید.

لحن مقاله دارای اهمیت بسیار است: شوخ طبعی، کنایه آمیز بودن، انتقادات شیطنت‌آمیز، تمسخرآمیز بودن، به تعصبات دامن زدن یا آنها را نکوهش کردن. اما لحن مطلب بایستی نشانگر تجربه شخصی‌تان باشد. نگارش مقاله تنها زمانی حضور نویسنده را می‌طلبد که رویداد دارای لحن واقعی باشد.

جلد دادن موضوع؛ چهره‌سازی

هر روزنامه‌ای را که ورق بزنید با دست کم یک گزارش تشریحی در آن مواجه خواهید شد که موضوع خاصی را رنگ و جلا داده است. به گفته «هارولد ایوانز»، سردبیر سابق نشریات تایمز و ساندی تایمز، مردم خود منبع خبر هستند. گزارش تشریحی که همان به تصویر کشیدن واژگان است، مظهر و نمونه‌ای از «مسائل مورد توجه مردم» در رسانه‌ها محسوب می‌شود. البته این تصویر الزاماً نیابستی از یک شخص باشد، بلکه از سازمانها، ساختمانها، گورستانها، جاده‌ها، پارکها، مدارس، سلاحها و حتی از بابائوئل ایام کریسمس نیز می‌توان چهره‌سازی کرد. با وجود این چهره‌سازی از افراد، معمولترین فرم گزارش تشریحی به شمار می‌رود.

از سویی، گزارشهای با هدف چهره‌سازی در سطوح متنوع و گسترده‌تری به علایق و سلیق افراد نیز توجه دارد.

● از منظر خوانندگان: گزارشهای مربوط به چهره‌سازی، معمولاً عامه‌پسند نیز هستند. این گزارشها حس کنجکاوی مردم درباره یکدیگر را تحریک می‌کنند. برای مثال چه چیز موجب شد آنان دعوا راه بیندازند؟ چه موانعی را آنان برطرف نمودند؟ واقعاً آن فرد در ورای چهره‌ای که به مردم ارائه داده چگونه آدمی است؟ چه عواملی سبب سقوط برخی افراد می‌شود؟ پاسخ به این‌گونه پرسشها جذابیت بسیاری برای خوانندگان دارد چون افراد به نحوه زندگی خصوصی و حرفه‌ای همدیگر با لذت و کنجکاوی می‌نگرند.

● گزارشگران: چهره‌سازی در روزنامه، هم مایه سرگرمی و هم چالش‌دار است، و اغلب موجب می‌شود روزنامه‌نگار با منابع سودمندی ارتباط برقرار کند. توانایی در نگارش چنین گزارشهایی می‌تواند مایه شهرت بسیار گزارشگر نیز باشد.

● سردبیران: سردبیران معمولاً به چهره‌سازی علاقه‌مند هستند، زیرا اغلب این گزارشها به صورت دنباله‌دار تهیه می‌شوند و بنابراین فضای مشخصی از نشریه را پر می‌کنند. خوانندگان نیز به نوبه خود، گزارشات پاورقی گونه را دوست می‌دارند، شاید به این دلیل که مطالب گزارشی

دنباله‌دار، نوعی احساس تداوم، ثبات و نظم را تداعی می‌کنند. همچنین جای این‌گونه مطالب دنباله‌دار در هر شماره از نشریه ثابت است؛ از این رو، روند پیگیری مطالب آن برای خوانندگان آسانتر خواهد بود.

● صاحبان نشریات: جنبه تجاری مهم دیگری در مورد چهره‌سازی مطبوعاتی وجود دارد. گزارشهای مربوط به چهره‌سازی به دلیل جذب آگهی و سود از جذابیت خاصی نزد صاحبان روزنامه‌ها برخوردارند. درج مصاحبه‌ای همراه با تصویر، دست کم نیم صفحه را در نشریات با قطع بزرگ پر می‌کند و در تابلوید و مجلات یک صفحه کامل و یا بیشتر را به خود اختصاص می‌دهد. گزارش تشریحی را با هزینه‌ای که صرف گزارش تحقیقی می‌شود، مقایسه کنید. گزارشگر تحقیقی ممکن است ساعتها، یا حتی ماهها به تحقیق در مورد مسأله‌ای پردازد و سرانجام نیز به هیچ نتیجه ملموسی دست نیابد.

● افرادی که مایل اند از زندگی‌شان گزارش تهیه شود: این امر می‌تواند حس غرور در آنها را ارضا کند.

● گزارش چهره‌سازی به پیشرفت کارها کمک می‌کند: به عنوان نمونه، نویسنده‌ای امیدوار است از طریق کسب شهرت خریداران بیشتری را برای کتابهایش جلب کند. معمولاً روابط عمومی‌ها مطبوعات را وادار می‌کنند تا در مورد منابع آنها چهره‌سازی کنند.

انواع گزارشها برای چهره‌سازی از مردم

● گزارش کوتاه چند عامل را که دارای ارزش خبری هستند، برجسته می‌سازد. تغییرات به عمل آمده در این نوع گزارش، به شرح مختصری از زندگی مردم در ستونهای شایعه و خاطرات بسنده می‌کند.

● برخی اوقات، گزارش چهره‌ساز بر دیدگاههای شخصی در مورد مسأله یا تجربه‌ای خاص و یا برجسته‌سازی دستاورد و یا شکستها تأکید دارد.

● هدف گزارش چهره‌ساز بلند، ارائه دیدگاهی کلی از یک زندگی است و افراد مورد نظر

به دلیل برخورداری از ارزشهای خبری انتخاب می‌شوند. شغلی تازه، کتاب، فیلم، مجموعه تلویزیونی، مبارزه سیاسی جدید و دیدار از یک کشور، موضوعهایی است که این ارزشها برجسته می‌سازند.

● ممکن است از زندگی شخصی، به دلیل برخورداری از خصوصیات غیرمعمول در زندگی‌اش، گزارشی تهیه شود. ممکن است آن فرد از محبوبترین فوتبالیستهای کشورش باشد؛ یا دارای شغلی غیرمعمول باشد (مثل مسافرت به تمام نقاط کشور و آموختن مسائل آموزشی به کولی‌ها). عامل خبری در نوع گزارشها اهمیت زیادی ندارد.

● یک نوع گزارش چهره‌ساز معتبر نیز وجود دارد که در آن خود روزنامه دیدگاه قاطعی را در مورد شخصیتی ارائه می‌دهد. معمولاً در این‌گونه گزارشها نام نویسنده ذکر نمی‌گردد زیرا مطلب منتشره حالت دیدگاه نشریه را دارد. به عنوان نمونه، چنین گزارشهایی هر شنبه در سرمقاله نشریه ایندپندنت و یا هر هفته در نشریه آبزور در صفحهٔ پس از سرمقاله مشاهده می‌شود.

● برخی آگهی‌های ترحیم، به نوعی گزارش چهره‌ساز محسوب می‌شوند.

● گزارشهای چهره‌ساز که در تابلویها معمول است، به جای تأکید بر زندگی حرفه‌ای، در مورد برخی جنبه‌های زندگی خصوصی افراد تأکید می‌کند. به عنوان نمونه نشریه «گاردین» ممکن است گزارشی راجع به «مایکل گرید»، مدیر کانال ۴ تلویزیون بریتانیا ارائه دهد و در این گزارش بر فعالیتهای حرفه‌ای وی تأکید کند. اما در مقابل نشریه «دیلی میل» ممکن است گزارش تشریحی در مورد وی تهیه کند که تأکید بر نحوهٔ مماشات وی با مادر و همسرش داشته باشد. نشریهٔ «نیوزاودی ورلد» ممکن است از زندگی خصوصی برخی از ستاره‌های سینما گزارش تهیه کند و تأکید بر به تصویر کشیدن ماجراهای خصوصی آنها داشته باشد.

انواع خاصی از گزارشهای چهره‌ساز که بر شمرده شد؛ همگی عمدتاً تأکید بسیاری بر ارائه تصویر مشخصی از زندگی افراد از زاویه‌ای خاص داشتند. مثلاً نشریهٔ «ایندپندنت ان ساندی» مطالب دنباله‌داری تحت عنوان «بزرگترین اشتباه من» را انتشار می‌دهد؛ در ضمیمهٔ آن نیز

مجموعه مقالات «چگونه ما دیدار کردیم»، در هر شماره انتشار می‌یابد. «ساندی تایمز» نیز به نوبه خود مجموعه مطالب «زندگی در این روز» و «ارزشهای نسبی» را ارائه می‌دهد که در آن، دو عضو از اعضای یک خانواده در مورد میزان تأثیرات فرد دیگر خانواده بر روی آنان سخن می‌گویند.

ضمیمه روزهای شنبه «گاردین» و برخی روزنامه‌های سراسری و محلی انگلستان به‌طور خلاصه و مجمل گفت‌وگوهایی با مردم انجام می‌دهند که در آن‌ها مردم به پرسشهای گوناگون پاسخ می‌گویند (پرسشهایی مانند بیشترین تأسّفها را از چه موضوعی دارید؟ آیا دوست دارید دیگر زندگی نکنید؟ آیا مالیاتهای خود را پرداخته‌اید؟ یا فی‌المثل از چه افرادی بدتان می‌آید؟ و سؤالاتی از این قبیل). ضمیمه رنگی نشریه «ساندی اکسپرس»، گزارشهای تشریحی از افراد مشهور هنگام خرید تهیه می‌کند. گزارشهای دیگر، که در برخی روزنامه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، شامل گفت‌وگوی غیررسمی با شخصیتها در منازل آنها نیز می‌شود.

گزارشهای چهره‌ساز که به‌طور روزافزون مورد توجه تعداد بیشتری از خوانندگان نشریات قرار می‌گیرند، معمولاً روی ویژگی خاصی از موضوعهای مطرح تأکید می‌کنند و گزیده جذباتری از آن ارائه می‌دهند. در نشریه «آبزور»، مطلب «اتاق من» بیانگر آن است که فرد مورد نظر در اتاق مورد علاقه‌اش نشسته و اشیایی که به آنها علاقه‌مند است در اطراف وی به چشم می‌خورند. (به‌عنوان نمونه، قالی، تابلویی از پیکاسو که بیانگر علائق هنری اوست، مجموعه‌ای کتاب که نشان‌دهنده فرهنگ دوستی وی است و قاب عکسهای خانوادگی روی میز که حس محبت انسانی، گرمی و امنیت را القا می‌کنند).

گاهی زندگی یک زوج در مقاله‌ای تشریح می‌شود؛ آنان باهم ازدواج کرده‌اند و یا با یکدیگر زندگی می‌کنند و یا شریک کاری همدیگر هستند. برخی روزنامه‌ها نیز از اعضای یک خانواده گزارش تهیه می‌کنند.

عناصر مهم گزارشهای چهره‌ساز

تأکید

روزنامه‌نگار باید از انواع خاص گزارشهای چهره‌ساز که نشریه درخواست می‌کند، آگاه باشد. آیا این مطلب به معنای ارائه دیدگاه کلی از زندگی یک نفر یا تأکید بر آخرین دستاوردهای اوست؟ یا این که در مورد «پیشرفت کار در خانه» یا «بررسی یک زندگی روزانه» (که با «یک روز در زندگی» بسیار متفاوت است)، سخن می‌رود؟ در هر صورت این تأکیدها بر پرسشهای فوق تأثیر می‌گذارند. شناخت روزنامه‌نگار از موضوع، طی برخوردهای اولیه و همچنین آگاهی از نوع (و گاه اندازه) گزارشها توصیه می‌شود.

تحقیقات زمینه‌ای

این تحقیقات دارای اهمیت بسیار است؛ مشخصاً هر چه آگاهی و اطلاعات روزنامه‌نگار نسبت به موضوع و زمینه خاص مربوط به آن بیشتر باشد، می‌تواند در مصاحبه جنبه‌های بیشتری مطرح سازد و مصاحبه‌شونده نیز اطلاعات بیشتری ارائه دهد.

بنابراین اگر شما با نویسنده، کارگردان سینما، شخصیت‌های ورزشی و یا تلویزیونی، رهبران شوراهای محلی و یا مبارزان سیاسی مصاحبه می‌کنید، لازم است از دستاوردهای آنان در گذشته آگاه باشید. افرادی که زندگی‌نامه‌شان در کتاب «معرفی شخصیتها» آمده است، دیگر انتظار شنیدن پرسشهایی در مورد مسائل اساسی زندگی‌شان را ندارند. ولی زمانی که مصاحبه‌شونده ناشناخته است، از این نظر کار بسیار دشوار می‌شود. از این رو روزنامه‌نگار بایستی به موضوع مورد مصاحبه و زمینه‌های خاص آن توجه نشان دهد.

قبل (و یا اگر ممکن است بعد) از انجام مصاحبه، از سایر افراد در مورد موضوع مصاحبه پرسش کنید، ممکن است مایل باشید برخی از این دیدگاهها را نیز در گزارش تشریحی خود بگنجانید. به بریده‌های جراید مراجعه کنید، ولی بهر حال قبل از انجام بررسیهای لازم، روی صحت یافته‌های خود زیاد حساب نکنید. برای کسب هر گونه اطلاعاتی در مورد موضوع بکوشید.

مکان مصاحبه

اغلب گزارش‌های چهره‌ساز بر اساس مصاحبه‌های بار اول، شکل گرفته‌اند. توصیف زمان و مکان مصاحبه به جذابیت مطلب می‌افزاید. روزنامه‌نگار خوب تمامی حواسش را به کار می‌گیرد. گاه گزارش مورد نظر در سبدشماری از مصاحبه‌های مختلف جا می‌گیرد. در یک موقعیت، مصاحبه‌شونده ممکن است آرامش داشته باشد و در موقعیت دیگر، رفتاری کاملاً متفاوت از خویش بروز دهد. ممکن است مصاحبه‌شوندگان افراد بسیار پرمشغله‌ای باشند؛ توصیف بخشهایی از گفت‌وگوها در مکانهای متفاوت می‌تواند بیانگر سبک زندگی پر تلاش آنان باشد. معمولاً دستیابی به افراد پُراشتها بسیار دشوار است. توصیف چگونگی دستیابی به آنان نیز می‌تواند بر جذابیت گزارش بیفزاید. حتی اگر تلاش شما باشکست مواجه گردد، موضوعی برای نگارش مطلب بدست آمده است. برخی افراد ممکن است از مصاحبه‌گران خجالت بکشند، اما اگر بالاخره موافقت خود را با انجام مصاحبه اعلام کردند، انعکاس این امر در گزارش ارزش برجسته شدن را دارد.

گاهی شخصیتها مایل به گفت‌وگو نیستند، اما گزارش چهره‌ساز در مورد آنان نوشته می‌شود و معمولاً تفسیرهای سایر افراد نیز در مورد آنان در گزارش منعکس می‌شود. گاه ممکن است این فرد مسأله‌ای را در مصاحبه تلویزیونی فاش ساخته باشد، از این رو می‌توان نقل قولها و جزئیات آن را نیز در گزارش تشریحی منعکس نمود.

گاهی گزارش چهره‌ساز ممکن است در مورد یک کنفرانس مطبوعاتی به نگارش درآید. در این صورت مطلب فاقد احساس نزدیکی موجود در مصاحبه‌های رودررو خواهد بود. متأسفانه امروزه گزارش‌های چهره‌ساز در مواردی، به بازنویسی مطالب از روی بریده‌های جراید با افزودن عناصر خبری به لید مطلب تبدیل شده‌اند.

شکل‌گیری یک گزارش چهره‌ساز

تأثیر مسائل خبری روز

گزارش‌های چهره‌ساز معمولاً با جنبه‌های دارای ارزش خبری آغاز نمی‌شوند. این گزارش‌ها

گاه رویداد غیر معمول و به‌ویژه قابل توجهی حتی در گذشته را نیز برجسته می‌کنند. ممکن است گزارش با نقل قولهای خاصی آغاز گردد. گاه این گزارشها، توصیفی بوده و روی ظواهر افراد و محیط پیرامون آنان در زمان مصاحبه تأکید می‌کنند. اما برخی گزارشها از مسائل خبری روز تأثیر می‌پذیرند و در چنین حالتی، جنبه خبری آنان در آخر مطلب نمی‌آید، بلکه در اوایل شروع گزارش ارائه می‌گردد.

مصاحبه با «گیلیان سلوو»

توافق، واژه‌ای است که «گیلیان سلوو» اغلب آنرا به کار می‌برد؛ از این رو وی بایستی خشنود باشد که همین توافق، موجب شد روز پنج‌شنبه پنجمین رمان وی تحت عنوان «خیانت» انتشار یابد. مضمون این داستان حول و حوش بهایی است که همواره برای تعهدات سیاسی پرداخت می‌شود. پدر وی «جوسلوو»، یکی از دو عضو سفیدپوست شورای اجرایی کنگره ملی آفریقا و سرپرست سابق شاخه نظامی «ام کی»، برای اولین بار است که ۹ ماه را در لندن به سر می‌برد. در فیلمی با نام «دنیای جدا» که فیلمنامه آن توسط «شان» خواهر گیلیان نوشته شده است، روابط عاطفی جو و مادرش در سن ۱۳ سالگی تبیین می‌شود. مادر جو از فعالان کنگره ملی آفریقا بوده و ۱۱۷ روز در سالهای اولیه دهه ۱۹۶۰ را در سلول انفرادی زندان آفریقای جنوبی گذرانده است. این برنامه، امشب از کانال ۴ تلویزیون پخش خواهد شد.

آبزور ۱۹۹۱

در مطلب فوق هفته‌نامه آبزور مصاحبه‌ای با خانم سلوو به عمل آورده (۲۱ آوریل ۱۹۹۱) و طی آن بر انتشار قریب‌الوقوع رمان تازه وی تأکید کرده است.

از هر فردی که «گنادی روژدز تونسکی» - یا به قول دوستانش «نادی» - را می‌شناسد، در مورد این رهبر ارکستر پر حرف روس بپرسید، قطعاً چنین پاسخی را دریافت خواهید کرد: دلچک، شعبده باز، جادوگر زمانه، حامی موسیقی مدرن روسی، رهبر ارکستری هولناک و در عین حال، بی‌پروا، شجاع و مدیر و مدبّر و بالاخره یکی از عجیبترین افرادی که تاکنون دیده‌اید.

سایه وجهه‌ای که وی کسب کرده است، در فضای مصاحبه سنگینی می‌کند. پالتوی پوست قهوه‌ای بر تن دارد و کلاهی مشکی بر سر گذارده است، دندانهایش از میان لبهای ضخیم خندانند نمایانند.

«روزدزتونسکی» آشنای قدیمی لندن، برای اجرای موسیقی ساخته «ماسورگسکی» به لندن آمده است. این کنسرت امشب در «کاونت گاردن» اجرا می‌شود. «روزدزتونسکی» در حالی که دستش را تکان می‌دهد، می‌گوید: «این قطعه‌ای است که صدویک بار اجرا کرده‌ام» اواخر این ماه نیز وی در «ساوث‌بنک» شرکت کرده و آثاری از موسیقی‌دانان معاصر روس «شنیتک»، «فیرسوا» و «اسمیرنوف» را اجرا خواهد نمود.

لید مقاله ایندپندنت (۶ آوریل ۱۹۹۱)، با اشاره به هدف دیدار موسیقی‌دان روس از لندن که اجرای موسیقی است، پایان می‌یابد.

در سالروز تولد ۳۰ سالگی‌اش بیکار بود. مردی با ریش بلند که موهای سرش نیز در حال ریختن بود. او با مستمری ناچیز بیکاری زندگی را می‌گذراند، معمولاً در «واندورث کامان» قدم می‌زد و فی‌الواقع نمی‌دانست هدفش از زندگی چیست. اما امروز او ۴۴ سال دارد و یکی از قدرتمندترین مردان تلویزیونی است؛ با مرسدس بنز و راننده شخصی به محل کار خود می‌رود، دستبند طلایی بر دست دارد و لبخند از لبانش محو نمی‌شود. آیا موفقیت، خلق و خوی «کرگ دایک» را تغییر داده است؟ باید گفته شود، نه خیلی زیاد.

برخی گزارش‌های چهره‌ساز، فاقد قید زمان و بدون در نظر گرفتن جنبه‌های خاص خبری هستند. گاهی هم ممکن است این افراد شخصاً ارزش خبری داشته باشند و یا مسأله جالبی در مورد آنان وجود داشته باشد. گزارش تشریحی فوق از ساندی تایمز در مورد «کرگ دایک» (۲۰ اکتبر ۱۹۹۱)، تفاوت چشمگیر زندگی وی در سن ۳۰ سالگی و ۴۴ سالگی را برجسته می‌سازد.

اهمیت نقل قول

بیشتر گزارش‌های چهره‌ساز از طریق کاربرد نقل قولهای مستقیم، دیدگاه‌های شخصی افراد را می‌نمایانند. اهمیت این مسأله برای گزارش‌های چهره‌ساز نمی‌تواند مبالغه‌آمیز باشد. با توجه به این نکته که هدف گزارش چهره‌ساز به دست دادن واضحترین تصویر از فرد مورد بحث است پس زبان مصاحبه‌شونده جنبه حیاتی در ارائه شخصیت وی دارد. گزارشی که تمام دیدگاهها در آن به صورت نقل قول غیرمستقیم مطرح شوند، بسیار بی‌روح و بی‌رتم خواهد بود. نویسنده گزارش چهره‌ساز بایستی یادداشت‌بردار زبردستی هم باشد. چون با آنکه

مصاحبه‌ها اغلب ضبط می‌شوند و نویسنده گزارش می‌تواند سیر صحبت با مصاحبه‌شونده را به راحتی ادامه دهد، اما این ممکن است کافی نباشد و گزارشگر بناچار یادداشت هم بردارد. «لین باربر» در گزارش تشریحی خود از «گوروی‌دال» در نشریه «این‌دیندنت ان ساندی» (۲۷ اکتبر ۱۹۹۱)، تفسیرهای مصاحبه‌شونده را ضبط نمود؛ زیرا نوع صحبت وی بیانگر جنبه‌ای از شخصیت او بود که این روزنامه‌نگار در صدد تأکید روی آن بود: خودبینی (به جای برخورداری از ایده‌های سیاسی).

وی این مطلب را برای من عنوان کرد و از من خواست که امتحان کنم آیا ضبط صوتم به درستی کار می‌کند. اما معلوم شد کار بی‌فایده‌ای انجام گرفته، چون ضبط صوت کار نمی‌کرد!

البته قبلاً ضبط صوت کار می‌کرد و لذا او صحبت‌های رسمی‌اش را با صحبت‌های دوستانه بعدی مقایسه نمود:

سرانجام ضبط صوت از کار افتاد، اما «گوروی‌دال» از من خواست بمانم و گفت وگویی دوستانه‌ای با وی داشته باشم. من نمی‌دانستم او می‌خواهد در مورد «هوارداستون» صحبت کند، یا این که مطالبی در مورد مادرش بگوید؛ اما در حقیقت وی مایل بود در مورد کتابهایی که به‌تازگی خوانده بود صحبت کند. گو اینکه گله می‌کرد ادبیات مرده است و داستانهای قرن بیستمی به ناکجا آباد زده‌اند. در مورد هنر روبه زوال، با گرمی و احساس صحبت می‌کرد. همچنین با حرارت در مورد «ژانت وینترسون» حرف می‌زد؛ حال که ضبط صوت خاموش بود، حتی مایل بود در مورد «مارتین امیس» هم حرف‌هایی بزند.

این «گور» - «گور»ی که در مورد کتابهای مختلف صحبت می‌کرد - بسیار متواضع تر و دوست داشتنی‌تر از «گور»ی بود که در مصاحبه شرکت کرده بود. همان گونه که صحبت می‌کردیم، من به نور خورشید که بر فراز دریای «تایرنیان» محو می‌گشت، توجه کردم؛ دیگر از تظاهر خبری نبود، فقط هوشیاری بود. شاید مانند «باری هامفرایر» هنگام برخورد با «دیم ادنا»، وی نیز ضروری می‌دید که برای تداوم جریان، شخصیتی ظاهری به عاریت گیرد.

به کاربرد «گور» در این مطلب توجه کنید. «گور» بسیار دوستانه‌تر از کاربرد رسمی «آقای ویدال» یا «گور ویدال» است که معمولاً در خبرنگاری به کار می‌رود. برخی گزارش‌های تشریحی، قطعاتی از گفت‌وگو را بی‌کم و کاست می‌آورند. (گاهی گفت‌وگوهایی که به جای یادداشت‌برداری، آنها را به خاطر سپرده‌اند). مانند نمونه زیر که گزارش تشریحی «هاتر دیویز» از «آلن یتتوب»، ناظر برنامه بی‌بی‌سی از نشریه «این‌دیندنت» (۹ مارس ۱۹۹۲) است:

مادر «جاکوب»، خانم «فیلیپاواکر» ۱۲ سال است که با «آلن» زندگی می‌کند. او قدی بلند دارد و لاغر اندام است. وقتی از او می‌پرسم: «چرا شما از دواج نکرده‌اید؟»، فیلیپا در حالی که چایی جاکوب را آماده می‌کند، می‌گوید: «اگر تا به حال زندگی ما ادامه داشته، دیگر نیازی به تثبیت آن نیست.» وی که کارگردان تلویزیونی است با تولد جاکوب، دو سال مرخصی گرفته است. والدین وی اهمیت نمی‌دهند که چرا آنان از دواج نکرده‌و یا «آلن» یهودی است. اما مادر «آلن» قدری ناراحت است که آنان باهم زندگی می‌کنند زیرا «فیلیپا» کاتولیک است.

«آلن» می‌گوید: «هنگامی که «جاکوب» متولد می‌شد، حضور داشتم. وقتی «جاکوب» را با آن موهای فری خرمایی دیدم، به فکر رفتم که آیا این فرزند من است؟»
 «فیلیپا» می‌گوید: «هنگامی که او به دنیا آمد موهای فری نداشت.»
 «آلن» می‌گوید: «بسیار خوب شما می‌دانید منظور من چیست؟ آن صحنه مرا به یاد جنوب پاسیفیک می‌اندازد، رنگها تند بودند. به‌ویژه رنگهای سرخ و سبز. اتاق کاملاً روشن بود، زیرا عمل سزارین انجام می‌شد.»

مطالب خبری جدید به ندرت با نقل قول مستقیم آغاز می‌شوند. اما در گزارش‌های چهره‌ساز این امری متداول است. عبارتی مهم و قابل توجه می‌تواند خصوصیات بسیاری از افراد را بروز دهد. مانند نمونه زیر از نشریه «ویس» (۲ فوریه ۱۹۹۳):

«هر احمقی می‌تواند پدر فرزندی باشد، اما پدر واقعی بودن هنر است»، این صحبت‌هایی بود که «لاری فیشبورن»، شخصیت عصبانی فیلم «بویزان‌دهود» بیان می‌کند. هر کسی این فیلم را مشاهده کرده تأیید می‌کند که بازی خوب «فیشبورن»، عامل اصلی موفقیت فیلم بوده است.

برخی گزارش‌های چهره‌ساز بر اساس متن دقیق مصاحبه (یا ویرایش شده آن) استوارند. اما این مورد بیشتر در مورد مجله‌های انگلیسی مصداق دارد و در روزنامه‌های سراسری و محلی کمتر به آن برخورد می‌شود.

برخی از گزارش‌ها، نقل قول‌هایی از یک گفت‌وگو را به صورت نقل قول مستقیم و طولانی می‌آورند مانند گزارشی با عنوان «زندگی در یک روز خاص» که در ضمیمه رنگی ساندی تایمز چاپ شده بود. این مبحث هر هفته انتشار می‌یابد و معمولاً در آن از مصاحبه‌شونده‌ها پرسیده می‌شود که آیا ویرایش صحبت‌های خویش را می‌پسندند یا نه.

جذابیت توصیف

برخی گزارش‌های چهره‌ساز، توصیف‌هایی را از شخص، ظاهرش، رفتارش، جملات معترضه‌اش، محیط زندگی، محیط کار، و یا فضای مصاحبه ارائه می‌دهند. تمامی این توصیف‌ها بر تنوع و جذابیت مطلب می‌افزایند. به عنوان نمونه گزارش زیر که توسط «نرولی لاسون» در مورد «کریستوفر هیت» (فردی که سابقاً بالاترین دستمزد را در سطح کشور دریافت می‌کرد و اکنون به جرگه بیکاران پیوسته است)، در نشریه «ایونینگ استاندارد»، لندن (۱۸ مارس ۱۹۹۳) منتشر شده است:

کریستوفر حسرت می‌خورد ولی مجاله نشده است. باهمه گرفتاریهایش، هنوز کار برای او در درجه اول اهمیت قرار دارد.
گاه سیگاری را دود می‌کند و گاهی عرق سرد بر صورتش می‌نشیند. اما اغلب آرام و هشیار به نظر می‌رسد.

عکسهای «سامانتا» هنوز بر دیوار است. نمونه‌های نادری از خوکهای «گلوسستر» را در حیاط کوچکی در «همپشایر» نگهداری می‌کند. نقاشی‌هایی از سگهای تریر بر دیوار نصب شده‌اند. تصویر قایق موتوری غیرعادی وی که در «پورتوفینو» لنگر انداخته به طور کامل دیده می‌شود. او با انگشت سبابه‌اش به آن تصویر دست می‌زند و غمگین می‌شود، زیرا قایق ۱۴۱ فوتی او، احتیاج به تعمیر دارد. نگران اطلاعات مهمی که در اختیار دارد نیست؛ اما بازرگانان افراد محتاطی هستند و هنوز می‌توانند روی «هیت» به عنوان مشاور حساب کنند.

توجه داشته باشید که ظاهر می‌تواند فریبنده باشد و نیز تصور نکنید آنچه افراد در مدت ملاقات کوتاه از شخصیت خود بروز می‌دهند، شخصیت واقعی آنان است. هر فردی که امروز خجالتی به نظر برسد، ممکن است فردا فردی اجتماعی و اهل بحث و فحص به نظر آید.

ترتیب زمانی

گزارش‌های چهره‌ساز به ندرت، از زمان آغاز زندگی یک فرد شروع و با ارائه وضعیت کنونی وی پایان می‌یابند؛ زیرا تنظیم مطالب به ترتیب زمانی معمولاً کسالت‌آور است و ارزش خبری چندانی ندارد.

بر عکس، این گزارش‌ها جنبه ارزش خبری فرد را برجسته می‌سازند و در متن گزارش عامل زمانی را ارائه می‌دهند. مشخص نمودن این بخش دارای اهمیت است. مانند گزارش زیر از «لئون راس» در مورد نویسنده‌ای به نام «چیناکب» در نشریه «ویس» (۲ فوریه ۱۹۹۳):

«اکب»، در ۱۵ نوامبر ۱۹۳۰ با نام «البرت چنالوموگ» در «اگیدی» واقع در شرق نیجریه متولد شد. او یکی از شش فرزند خانواده بود. پدر بزرگش یکی از اولین کسانی بود که در نیجریه به آیین مسیحیت گرویدند. پدر آلبرت، مبلغ مسیحی متعهدی بود و همواره در دوران تحصیلش چه در مدرسه محلی و چه در دانشگاه «ایبادان» درخشیده بود.

دخالت‌های غیرمنطقی در ترتیب زمانی (به عنوان نمونه نگارش مطلب به ترتیب در مورد سال ۱۹۷۵، بعد ۱۹۶۵ آنگاه ۱۹۶۸ و سرانجام ۱۹۵۲) می‌تواند موجب سردرگمی خواننده شود. اما بخش‌های شخصی و تاریخی گزارش می‌تواند در تأکید روی موقعیت طبقاتی موضوع و همچنین ارائه مسائل تأثیرگذار سیاسی، فرهنگی بر زندگی وی، مهم باشد. اغلب پرداختن به سابقه زندگی نامه افراد در گزارش، به دست دادن جنبه‌های تازه‌تری از زندگی افراد را نیز به دنبال خواهد داشت. گاهی روزنامه‌ها، جزییات زندگی نامه افراد را به صورت خلاصه در کادر بالای

گزارش مقاله می‌آورند و فضای گزارش تشریحی را به مسائل جدیدتر اختصاص می‌دهند.

حضور گزارشگر

در مطالب مربوط به هر فرد عامل ذهنی گزارشگر نیز وجود دارد. اما در برخی گزارشهای چهره‌ساز، دخالت عمدی نویسنده کاملاً مشهود است. گاهی هم گزارشگران، دیدگاههای شخصی خود را در مورد موضوعها یا مسائل مطرح در مصاحبه دخالت می‌دهند. در این موارد گزارشگران ممکن است به پویایی رابطه و یا چگونگی واکنش مصاحبه‌شونده در قبال برخی پرسشها (که با تندی یا با مکث و غیره همراه بود) اشاره کنند. بخشی از مصاحبه ممکن است بدون کم و کاست ارائه شود. «لین باربر» که سابقاً در نشریه «آیندپندنت ان ساندی» کار می‌کرد و اخیراً در نشریه «ساندی تایمز» فعالیت دارد، از شیوه نگارش خاصی پیروی می‌کند که شیوه‌ای نافذ، مطمئن، هوشمندانه و اغلب انتقادگرایانه است.

به‌عنوان نمونه، در انتهای این گزارش که از سوی «جی بالارد» در نشریه «آیندپندنت ان ساندی» (۱۵ سپتامبر ۱۹۹۱)، نوشته شده چنین استنباطی مطرح است.

وی، پافشاری من درباره موضوع را ابتدا مضحک و سپس آزار دهنده دانست:

«شما می‌گویید چرا من زندگی‌ام را هیجان‌انگیزتر نکرده‌ام؟ آیا این شما را راضی می‌کرد که من به‌صورت کارگزار بورس در «چرتسی» اقامت می‌گزیدم؟ آیا شما آن را دوست داشتی؟»
نه... «زندگی در این خانه مانند انتشار یک بیانیه سیاسی است. من موقعیت خود را با آن طبقه اجتماعی می‌سنجم که ورای دنیای مملو از بایدها و نبایدها و خودسانسوری‌های طبقات متوسط انگلیس است... این را در مقاله خود مطرح کن و قدری به آن بپرداز.» و من آن را طنز پنداشتم و به آن خندیدم. «عمداً این کار را کردم.»

حقیقت این است که وی اهمیتی نمی‌دهد که کجا زندگی کند، زیرا در واقع او درون ذهن خویش بسر می‌برد. گو اینکه مایل بود در «روک برون» در جنوب فرانسه زندگی کند. جایی که هر سال تابستان برای گذراندن تعطیلات به آنجا می‌رود و هنگام بازنشستگی‌اش نیز بالاخره بدانجا خواهد رفت. اما ضمناً «شپرتون» نیز جای خوبی است. وی از این‌که بسیاری از ساکنان آنجا در استودیوهای

فیلمبرداری کار می‌کنند، خشنود است و یا «هیترو» را دوست دارد چون پارکینگ‌های اتومبیل‌های دست دوم، و ساختمان‌های مدل دهه ۳۰ آنجا وی را به یاد برج مراقبت ترافیک هوایی می‌اندازد. او که به ندرت مسافرت می‌کند، آنجا را نه به دلیل زندگی راحت، بلکه به دلیل برخورداری از معماری تحسین برانگیزش دوست دارد. «شپرتون» را سبک آمریکایی می‌خواند و بیش از هر مکان دیگری آن را تحسین می‌کند؛ زیرا فرزندان‌ش را در «شپرتون» بزرگ کرده است و خانه، خیابانها، پارک و ساحل رودخانه، همه و همه مملو از خاطرات خوش گذشته است.

هنگامی که من آنجا را ترک می‌کردم، از من پرسید: «به زندگی کدام یک از مصاحبه‌شوندگان رشک

می‌ورزید؟»

گفتم: «خوشبختانه تعدادشان زیاد نیست. اما به شما بیش از بقیه.»

وی خندید: «چی گفتم؟ زندگی در چنین خانه‌ای حسادت دارد؟!»

نه... در محیط مادی اطراف وی چیزی که بتوان به آن رشک برد وجود ندارد. اما در مورد تمایز وی از سایرین وجود دارد. وی با خوشحالی می‌گوید: «افرادی وجود دارند که لحظه به لحظه، نکات تازه‌ای در مورد جهان کشف می‌کنند و در می‌یابند که هر دقیقه جذابیت تازه‌ای را دربردارد. و اگر آن را نوعی ساده‌انگاری بپندارید، من اطلاعی ندارم؛ اما همواره یکی از این افراد به شمار می‌روم. بامدادان که از خواب برمی‌خیزم، به «شپرتون» نگاهی می‌اندازم و همواره متفکرانه از خود می‌پرسم: این دیگر چیست؟»

در بند آغازین این مطلب وی شدت گفت‌وگو را مطرح می‌سازد. می‌خندد و مخاطبش نیز با اکراه سخن می‌گوید. سپس او در مورد سبک زندگی مخاطب خود نظر می‌دهد و در واقع با او برخوردی روانکاوانه دارد. «باربر» می‌گوید که از آغاز، از دهه ۶۰، «بالارد» را می‌شناخته است و گزارشش درباره او از حس نزدیکی و عمق و همچنین استقلال خاصی برخوردار است (که دستیابی به آن صرفاً در یک مصاحبه معمولی امکان‌پذیر نبود).

به کاربرد گفت‌وگوی کامل و نقل قول مستقیم در انتهای گزارش توجه کنید.

اغلب خود گزارشگر اقدامی برای مداخله در گزارش انجام نمی‌دهد. به نمونه زیر از نشریه

«میرور» (۲۴ آوریل ۱۹۹۳)، بند آخر نیز توجه کنید:

«ارنی» باز هم می‌درخشد

از: «الک لوم»

ده سال طول کشید تا «ارنی وایز»، کم‌دین معروف انگلیسی به این باور رسید که وی بیش از یک عضو از اعضای مشهورترین زوج کم‌دینهای انگلیسی، نزد مردم محبوبیت دارد. در گذشته وی به همراه «اریک مورکمب»، مشهورترین زوج کم‌دین راتشکیل می‌دادند و بیش از ۲۶ میلیون نفر را مجذوب خود ساخته بودند.

اکنون گروه فیلمسازی «فورتی مینتزه»، فیلمی در مورد وی تحت عنوان «اهمیت ارنی بودن» ساخته که موجب شده ارنی بار دیگر با امید به آینده بنگرد. «ارنی» می‌گوید: «هنگامی که عضوی از زوج بازیگران، به هر دلیل کنار می‌کشد، عضو دیگر قادر به ادامه بازیگری نخواهد بود.»

«این می‌رساند که دیگر بازیگری به تنهایی لطفی ندارد، زیرا بازیگری زوج‌های هنری چنان در یکدیگر تلفیق شده است که جدایی امکان‌پذیر نخواهد بود.»

«اما هنوز مشغول بازی هستم. قصد دارم ادامه دهم؛ هرگز تسلیم نمی‌شوم. می‌دانم که یک عمر «ارنی وایز» بوده‌ام، اما اکنون احساس می‌کنم که خودم هستم.» او یک قایق تفریحی در رودخانه «تیمز» و یک خانه شخصی در فلوریدا دارد و از زندگی موفق‌تری برخوردار است.

گرچه وی قادر به بیان انگیزه واقعی‌اش نیست، ولی خود را نیازمند به ادامه کار می‌بیند: «مردم که به من می‌نگرند، پیش خود می‌گویند او باید دیوانه باشد زیرا نیازی به چیزی که ندارد هیچ، بلکه همه چیز هم دارد؛ اتومبیل و خانه شخصی.»

«اما هنوز مایلم کارم را ادامه دهم. بی‌اختیار به سوی آن کشیده می‌شوم. می‌خواهم در زندگی دارای هدفی باشم.»

«این کشش می‌تواند نسبت به بازیگری باشد؛ چون می‌توانم به خوبی از عهده تهیه‌کنندگی و کارگردانی برآیم.»

«از سن شش سالگی کار کرده‌ام، از این رو قادر نیستم بیکار بمانم.»

چهل و شش سال از دوره بازیگری وی با «اریک مورکمب» گذشته است. «ما برای کار با یکدیگر ساخته شده بودیم.» «ارنی» برنامه‌های خود را اعلام می‌دارد.

«فکر می‌کنم علت موفقیت ما در کار این بود که کسی آن بالا ما را دوست می‌داشت؛ به همین دلیل توانستیم این زوج هنری موفق را تشکیل دهیم.»

«تصور نمی‌کنم افرادی غیر از «اریک» و من می‌توانستیم چنین زوج موفق را تشکیل دهیم.»

«ما همه جا با هم بودیم. و همه چیز را با یکدیگر تقسیم می‌کردیم.»

اگر «اریک» اینجا بود. به شوخی سلیلی بر گونه دوست قدیمی‌اش می‌نواخت تا موفقیت جدید وی را تبریک گوید!

لحن نگارش

لحن نگارش، مهم‌ترین عنصر مطلب محسوب می‌شود. آیا این مطلب از لحنی مهرآمیز و ملایم برخوردار است؟ آیا مطلب شما احترام‌آمیز، طنزآمیز، هوشمندانه، طعنه‌آمیز یا بیطرفانه است؟ (امیدواریم هرگز مطلبی تملق‌آمیز ننویسید). در هر یک از این موارد زبانی متفاوت به کار گرفته می‌شود.

شما ممکن است ساعتها و یا حتی روزها را با فردی که در موردش گزارش می‌نویسید، بگذرانید؛ ممکن است شما را به صرف غذا دعوت کند و نوعی روابط انسانی میان شما برقرار شود. در آن موقع چندان خوشایند و منصفانه نخواهد بود که گزارش را با موضعی علیه وی بنویسید. (گرچه بدون وارد آوردن هیچ افتزایی باشد). در مورد نگارش گزارش چهره‌ساز با موضعی تحسین‌آمیز نیز به همین ترتیب جای نگرانی وجود دارد.

در این مورد پاسخ معینی وجود ندارد. همواره، امر قضاوت بایستی باظرافت و دقت صورت پذیرد. شخصیت یک آدم کلاه‌بردار، نژادپرست و یا طرفدار تبعیض جنسی را باید همان‌گونه ارائه داد که هست.

تحلیل یک گزارش چهره‌ساز

«آبزرور» (۹ جولای ۱۹۸۹)

بی‌نظیر بوتو

روی کار آمدن دختر وظیفه‌شناس

در دسامبر سال ۱۹۷۱، بی‌نظیر بوتو در نیویورک به سخنان پدرش که خطاب به شورای امنیت سازمان ملل ایراد می‌شد گوش فرا داد. در این سال، جنگ با منطقه‌ای که بعداً بنگلادش نام گرفت، روبه پایان بود. پاکستان در آستانه شکست قرار داشت اما تاکتیکی که توسط ذوالفقار علی بوتو انتخاب و به کار گرفته شد، دلیرانه و در عین حال خشونت‌آمیز بود. بوتو معتقد بود که واقعیتها تغییر می‌کنند.

«این جمله، عمیق‌ترین تأثیر را روی من گذارد.» بی‌نظیر بوتو سالها بعد این مطلب را به‌خبرنگار «آبزور» گفت. «این سخنان پدرم تأثیر فوق‌العاده‌ای روی من گذارد و مرا در پیمودن راه آینده‌ام استوارتر ساخت.» اما در واقع امر، برای بی‌نظیر بوتو واقعیتها حتی بیش از یک بار تغییر یافته‌اند؛ بی‌نظیر از زندگی به‌عنوان دختری نازپرورده در خانواده‌ای مرفه به زندگی در سالهای حبس و انزوا و تبعید کشانده شد و امروزه به‌عنوان اولین رهبر زن یک کشور اسلامی در جهان حکم می‌راند. هفته‌گذشته وی به لندن، جایی که زمانی عملکرد احزاب مختلف مخالف را محکوم می‌کرد، آمد. روز جمعه هنگام صرف صبحانه با ۱۰۰ تن از شخصیتها، وی بار دیگر با خیال راحت دنباله‌روی از روشهای سیاسی دنیای غرب را پیش گرفت.

کشور خانم بوتو با مشکلات عظیمی دست به‌گریبان است و حدود هشت ماهی که وی به‌عنوان نخست‌وزیری برگزیده شده است، کار زیادی برای برطرف ساختن این مشکلات انجام نداده است. البته، این کار عادلانه‌ای نیست که پس از یک دوره کوتاه، حکم عدم کارایی علیه وی صادر شود. اما مخالفان وی درصددند توانایی وی در مقابله با مشکلات را زیر سؤال ببرند.

منتقدان بی‌نظیر بوتو می‌گویند که وی در مقابل بحرانهای پی‌درپی کار چندان مهمی انجام نداده است و دولت از هیچ برنامه‌ای برای اصلاحات و جلب حمایت عمومی و ارائه راه حل برای مشکلات برخوردار نیست. تکیه خانم بوتو روی حمایتهای آمریکا از دولتش کاملاً مشخص است. با چنین اوضاعی وی ناچار است شرایط خاصی را بپذیرا شود، (شرایطی که دخالت ایالات متحده در آن آشکار است). یعنی خانم بوتو نباید در ارتش، و برنامه‌های هسته‌ای کشور دخالت کرده و یا در برنامه حمایت از مجاهدین افغانستان و یا دادن تغییراتی در قانون اساسی اقدامی کند. واقعاً تحت این شرایط یک نخست‌وزیر به چه دستاوردی دست خواهد یافت؟

با وجود این موانع، بوتو به موفقیت‌هایی نیز دست یافته است. خانم بوتو تمامی زندانیان سیاسی را آزاد نموده است. فعالیت رسانه‌ها، اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی و یا تشکل‌های گوناگون را آزاد کرده است. در شش ماه گذشته حتی یک سیاستمدار هم بازداشت نشده و در سیاست خارجی نیز روابط وی با هندوستان که نخست‌وزیر آن راجیوگانندی نیز مانند «بی‌نظیر» وارث منصب خانوادگی بوده است، به طرز غیرمنتظره‌ای گرم می‌باشد و موجب شده تنش‌های میان این دو کشور تا حد زیادی بر طرف گردد. با وجود این، حتی در اینجا نیز بذر مشکلات آینده ریخته شده است، زیرا هم مخالفان و هم ارتش از این همسایه قدرتمند پاکستان، بیمناک هستند.

از طرفی بزرگترین مشکل «بی‌نظیر»، در روابط میان دولت مرکزی و استانها نهفته است. دو استان پنجاب و بلوچستان از سوی افرادی اداره می‌شوند که از دشمنان سرسخت وی به شمار می‌روند. حتی در استان «سند» که کانون سنتی قدرت خانواده بوتو است، به دلیل آن که حزب مردم پیمان خود را با احزاب کوچکتر برهم زده است، دولت وی مورد تهدید قرار گرفته است. بطور کلی اختیارات فعلی دولت مرکزی در تاریخ این کشور، در کمترین میزان خود قرار دارد.

بخشی از دلایلی که مشکلات فوق را به وجود آورده است، این اعتقاد گسترده عمومی مبنی بر آن است که «بی‌نظیر بوتو» نیز مانند اسلاف خود به سیستم چند حزبی برای اداره کشور اعتقاد ندارد. هفته گذشته، وی در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان به توازن قدرت در دهه آینده دست یافت، گفت: «در آن زمان، هیچ فردی نخواهد توانست با ما بر سر توازن قدرت مبارزه کند گو اینکه اکنون جناح مخالف در صدد است مشکلات بسیاری را در ارتش بوجود آورد.» وی همچنین، مخالفانش را متهم کرد که در صدد به ابتکارات اقتصادی وی در سطح کشور، ضربه زنند؛ اما منتقدان خانم بوتو دل به این خوش کرده‌اند که وی و حزیش، نارضایتی منطقه‌ای را تحمل نخواهند کرد و اجرای طرح‌های محلی و روستایی نیز فقط از طریق ساختار حزبی امکان‌پذیر خواهد بود.

بی‌نظیر بوتو، اولین فرزند یک خانواده چهارفرزندی و نوه دختری «شهنازخان قطام مرتضی خان بوتو» مؤسس حکومتی است که بیش از یک قرن بر ایالت جنوبی «سند» فرمان می‌رانده است. مادر بی‌نظیر، نصرت بیگم از شیعیان پاکستان است و دختر یک بازرگان ایرانی است که در بمبئی زندگی می‌کرده است. مادر بی‌نظیر، همسر دوم ذوالفقار علی بوتو است؛ همسر اول وی از خویشاوندان نزدیک ذوالفقار علی بوده و هنگام ازدواج فقط ۱۳ سال داشته است؛ از دواج اول ذوالفقار ده سال طول کشید. «بی‌نظیر» نام خواهر ذوالفقار است که در قید حیات نیست.

بی‌نظیر از کودکی دختری محجوب و در عین حال تربیت‌یافته بود. پدرش در بازگشت از مأموریت سازمان ملل به عنوان رئیس هیأت نمایندگی پاکستان، بسته‌های شکلات و لباسهای گران‌قیمتی برای او آورد که از فروشگاه‌های خیابان پنجم نیویورک خریداری شده بود. وقتی بی‌نظیر را در سن ۱۶ سالگی به مدرسه‌ای در ایالات متحده می‌فرستادند، وی به شدت اشک می‌ریخت، زیرا تا آن موقع حتی به تنهایی تا مدرسه هم نرفته بود. وی بعدها عنوان کرد که «آن دوران برای من خیلی سخت بود، اما موجب رشد من شد.» وی پدر خود را تحسین می‌کند و تاکنون سخنی علیه وی بر زبان نیاورده است. بی‌نظیر از پدرش گاهی به‌عنوان «پاپا»، گاه به‌عنوان «آقای بوتو» و گاهی به‌عنوان «شهید»

یاد می‌کند. و می‌گوید: «پدرم، فوق‌العاده بود؛ و ستاره‌ای درخشان به شمار می‌رفت.»

سالهای مهیب

اما دو روز پس از آن که بی‌نظیر بوتو در سال ۱۹۷۷ بعد از هشت سال دوری به پاکستان بازگشت، (وی در دانشگاه‌های رادکلیف و اکسفورد تحصیل کرده و مدتی نیز رهبر اتحادیه دانشجویی بوده است) پدرش توسط ارتش دستگیر شد. هنگامی که بی‌نظیر پدرش را در زندان ملاقات کرد، پدر به وی گفت «ببین، چگونه واقعیتها تغییر می‌یابند.»

دولت جدید نظامی ژنرال ضیاءالحق، ذوالفقار علی بوتو را به شرکت در توطئه قتل یک مخالف سیاسی متهم نمود و حکم اعدام را برای وی صادر کرد؛ ۱۸ ماه بعد، پدر بی‌نظیر اعدام شد. آن سال برای بی‌نظیر آغازگر سالهای مهیبی بود که به دنبال آمد. مدت شش سال یا در زندان و یا تحت نظر درخانه سپری کرد.

بی‌نظیر بوتو تأکید می‌کند که به انتقام گرفتن معتقد نیست: «من تصور می‌کنم کارهایی در این جهان وجود دارد که بسیار بهتر از کینه‌توزی و نفرت‌ورزی است.» اما علی‌رغم اراده نیرومندش، در سال ۱۹۸۵ پس از مرگ مرموز برادرش شهنواز در پاریس، افکارش دچار تغییر و تحول شد. در این باره می‌گوید: «من از خود پرسیدم: چرا دایره‌وار دور خود می‌گردم؟ چرا من زندگی‌ای را دنبال کرده‌ام که از نظر جسمی و مالی برایم طاقت‌فرسا و از نظر احساسی و اجتماعی، بی‌ثمر بوده است؟»

روحیه بی‌نظیر هنگام بازگشت به «لارکانا» برای شرکت در مراسم درگذشت شهنواز، بار دیگر تقویت شد. جمعیت انبوهی جمع شده بودند: «من در آن لحظه دریافتم اینها مردمی هستند که برایشان فداکاری کرده‌ایم. به خاطر آنهاست که ما غمگین بوده‌ایم. واقعاً می‌توان از منبع لایزال مردم کشور تجدیدقوا کرد. در خدمت مردم احساس تازه‌ای در انسان بیدار می‌شود.»

در دسامبر ۱۹۸۷، بی‌نظیر با «آصف زرداری» ازدواج کرد. ازدواج وی به سنتی‌ترین شکل خود انجام شد. دو خانواده، ترتیب دیدار بی‌نظیر و آصف را فراهم نمودند و هفت روز پس از اولین دیدار، قرار ازدواج گذاشته شد. وی در بیوگرافی خود می‌نویسد: «گرچه من هرگز طرفدار ازدواج‌های سنتی نبوده و نیستم، اما در آن موقعیت خاص دریافتم که موافقت با این ازدواج ضرورت دارد و من و شوهرم بدون انتظار فوق‌العاده‌ای از یکدیگر، فقط با حسن‌نیت و احترام نسبت به همدیگر، پیوند زناشویی بستیم.»

کمتر از یک سال بعد، هنگامی که بی‌نظیر سرگرم فعالیت‌های انتخاباتی خود پس از مرگ ژنرال ضیاء‌الحق در سانحه هوایی بود، پسر وی «بیلال» به دنیا آمد. بی‌نظیر از رهبری یک حزب مخالف دولت به نخست‌وزیری پاکستان رسید. بار دیگر واقعیات تغییر یافته بود.

هفته گذشته خانم بوتو اظهار داشت: «من خانم تاجر را برای آن که سه بار پیاپی در انتخابات پیروز شده است، تحسین می‌کنم. اما در کشورهای ما از رهبران چگونه یاد خواهد شد؟ جایی که ما در مراحل انتقال به دموکراسی قرار داریم؛ این نکته عادلانه‌ای است اما فاصله میان وجهه خانم بوتو در خارج- به‌عنوان فرد دموکرات متهوری که در انتخاباتی آزاد بر دیکتاتوری نظامی پیروز شده- و وجهه ضعیف وی در داخل کشور، به صورت یک شکاف عمیق همچنان باقی خواهد ماند.

وظیفه فوری بوتو در حال حاضر آن است که در چند جبهه به صورت همزمان پیش رود: برنامه دراز مدت داخلی را تعیین کند که از حمایت عموم برخوردار شود و با فساد در داخل حزب خود به شدت مقابله کند؛ با قاچاقچیان عمده مواد مخدر که برخی از آنان شخصیت‌های عالیرتبه نظامی نیز هستند، به‌شدت مبارزه کند؛ در جهت کسب رضایت ایالات متحده برای گفت‌وگو با کابل تلاش نماید؛ همچنین کنترل برنامه هسته‌ای پاکستان را از دست ارتش خارج ساخته و امر نظارت خود را به عهده گیرد.

محبوبیت وی از زمان دستیابی به قدرت به دلیل رویارویی با بحران‌های عظیم اقتصادی، تداوم جنگ در افغانستان و وجود مخالفان فعالی که در هر فرصتی آماده ضربه زدن هستند، تنزل بسیاری یافته است.

نکته مهم آن است که بی‌نظیر بایستی زمان بیشتری را در پاکستان بگذراند: از هنگام تصدی وی به نخست‌وزیری، او به کشورهای ترکیه، عراق، ژاپن و ایالات متحده سفر داشته و در دوماه آینده برنامه سفر به ۱۰ کشور دیگر را در پیش دارد. البته حمایت خارجی نیز برای کسب پیروزی، دارای اهمیت است؛ اما مورد استقبال قرار گرفتن در سالن‌های مجلل ضیافتها، جایگزین حمایت‌های واقعی مردمی در داخل کشور نخواهد بود.

آبزور ۹ جولای ۱۹۸۹

این گزارش تشریحی معتبری است که بدون ذکر نام نویسنده در نشریه آبزور آمده است و

بر خلاف برخی از گزارش‌های دیگر فقط به توصیف شخصیت‌های درجه اول غربی نپرداخته است. در اینجا نشریه آبرور، ارزیابی قاطعی از بی‌نظیر بوتو ارائه داده است. این گزارش صرفاً از یک مصاحبه تهیه نشده، بلکه دیدگاه‌های متفاوتی را در مورد عملکرد خانم بوتو و همچنین منابع مختلفی را برای حمایت از این بحث مطرح کرده است. لحن مقاله مسیر دقیقی را در زمینه‌های انتقاد و احترام نسبت به بی‌نظیر بوتو دنبال می‌کند. وی در رأس دولتی قرار دارد که از روابط نزدیکتری با غرب برخوردار است، اما اگر وی در رأس دولتی مخالف غرب هم قرار داشت، قطعاً لحن و زبان گزارش تفاوتی چشمگیر نمی‌یافت.

تجانسی که در عنوان مطلب به چشم می‌خورد، برای جذابیت بیشتر به کار برده شده است و عنوان و کاریکاتوری که از بی‌نظیر بوتو به چاپ رسیده دارای زیرنویسی است که این بحث نقادانه را بهتر بازتاب می‌دهد. قابل توجه آن است که اغلب گزارش‌های چهره‌ساز با تصویر و عکسی از فرد مصاحبه شونده همراه‌اند؛ گویی واژه‌ها به تنهایی برای بازتاباندن موضوع ناکافی به نظر می‌رسند. برای تهیه گزارش‌ها، اغلب عکاسی همراه گزارشگر به محل مورد نظر تهیه گزارش اعزام می‌شود.

بندهای ۱ و ۲: غیر جدی و توصیفی به نظر می‌رسد. سابقه تاریخی شخص مورد نظر با تکیه بر پدر مشهورش مطرح می‌گردد. تقابلهای برجسته می‌شوند. عملکرد وی دلیرانه و در عین حال خشونت‌آمیز است که هر دو در رسانه‌های انگلیس با دیدگاه مثبتی سنجیده می‌شود. بی‌نظیر به عنوان دختری نازپرورده توصیف می‌گردد.

مضمون «واقعیات تغییر می‌یابند»، در اوایل گزارش مورد تأکید قرار می‌گیرد. ابتدا در بند ۱ وبعد در بند دوم انعکاس آن را شاهدیم. در متن گزارش نیز این شعار، به عنوان ریشه مضمونی عمل می‌کند که بقیه گزارش از آن نشأت گرفته است. گویانکه این امر اندکی تصنعی به نظر می‌رسد. جمله «واقعیات تغییر می‌یابند»، ظاهراً بسیار عمیق است لیکن در مورد یک زن برای مبادرت به عملکردهای سیاسی ناکافی به نظر می‌رسد.

در پایان بند دوم، خواننده از فضای ۱۹۷۱ به فضای حال حاضر کشیده می‌شود: از «دختری

نازپرورده در خانواده‌ای مرفّه» به «سالهای حبس، انزوا و تبعید» و اکنون «اولین رهبر زن یک کشور اسلامی در جهان». توجه کنید چگونه این سه مرحله با هم متفاوت‌اند. درواژگان پسین این بند، فرم تازه‌ای از گزارش تشریحی شکل می‌گیرد.

بند ۳: عامل خبری با اشاره به دیدار هفته گذشته بی‌نظیر از لندن برجسته می‌شود. نشریه آبزور روز یکشنبه منتشر شده است؛ از این رو به اخبار هفته گذشته می‌پردازد.

اشاره به «صرف صبحانه با ۱۰۰ تن از شخصیتها» دارای جذابیت است. (زیرا خواننده تصور خواهد کرد که صرف صبحانه با بیش از ۱۰۰ نفر تا چه حد جالب خواهد بود.) شاید این مطلب حس کنجکاوی خواننده را هم برانگیخته باشد، زیرا اطلاع پیدا کردن از کماکیف صبحانه دسته جمعی گروهی از معروفترین و قدرتمندترین شخصیت‌های جهان جالب توجه است.

اشاره به جمله «وی بار دیگر با خیال راحت دنباله‌روی از روش‌های سیاسی دنیای غرب را پیش گرفت»، با اشاره به «کشور اسلامی» در بند پیشین، تقابل دارد و خوانندگان غربی که این مطلب را می‌خوانند، معنای «با خیال راحت» را درک می‌کنند. آیا در این جمله، تعصبات فرهنگی بر گزارش تحمیل نشده است؟

بندهای ۴ و ۵: مشخصه اصلی این گزارش ارائه تقابلهاست. در اینجا در برابر «شادی» و «خیال راحت» در لندن و آنچه در بند قبلی آمده است، ما بار دیگر با «مشکلات عظیم» و انتقادات مخالفان وی در پاکستان روبه‌رو می‌شویم.

در سه بند اول خانم بوتو به گونه‌ای توصیف شده که همدردی خواننده را نسبت به خود جلب می‌کند. بند ۴ و ۵ در صد است تا در این دیدگاه توازن ایجاد کند. تأکید این دو بند بر تفسیر و نظر منتقدان وی متمرکز است. حتی در اینجا نیز نشریه به حمایت از وی می‌پردازد: «با چنین اوضاعی که وی ناچار است شرایط خاصی را پذیرا شود؛ واقعاً یک نخست‌وزیر به چه دستاوردی دست خواهد یافت؟»

بند ۶: بار دیگر تقابلها ارائه می‌شوند. پس از طرح «مشکلات» بند پیشین، ما با «موفقیت‌های» وی و سپس بار دیگر با «مشکلات» تازه وی در پایان بند مواجه می‌شویم.

بند ۷: مشکلات بیشتر مطرح می‌شود. اما این بار، «بزرگترین» مشکل وی ارائه می‌گردد و جزئیات سودمندی در مورد اختلافات دولت مرکزی با ایالتها مطرح می‌شود.

بند ۸: اقدام ظریفی که در این بخش از گزارش، توازن ایجاد می‌کند: ابتدا طرح مسأله (وی به سیستم چند حزبی برای اداره کشور اعتقاد ندارد) و سپس پاسخ آن (ارائه نقل قول مستقیم با اشاره به زمان «هفته گذشته» که از ارزش خبری برخوردار است) مطرح می‌شود. بعد اتهام خانم بوتو مطرح می‌شود (مخالفان در صددند به ابتکارات اقتصادی وی در سطح کشور ضربه زنند) و به دنبال آن، بحث منتقدان (مبنی بر آن که وی نارضایتی منطقه‌ای را تحمل نخواهد کرد) ارائه می‌گردد.

بند ۹: این بند با بررسی گذشته، ولی با رعایت ترتیب زمانی آغاز می‌شود. توجه کنید این ترتیب زمانی تا چه حد دقیق رعایت شده است: تولد/ اصل و نسب/ کودکی/ مدرسه/ ارتباط با پدر (بار دیگر). در اینجا مسائل خصوصی و صمیمانه‌ای مطرح شده است که با تأکید بر جنبه عمومی در آغاز گزارش تقابل دارد.

بند ۱۰: تصویری که در این بند ارائه شده است، تا حدی از داستانهای هالیوودی الهام گرفته است. در این بند پدر با بسته‌های شکلات و لباسهای گران قیمت برای دختر کوچک و عزیزکرده‌اش باز می‌گردد. (تنها چیزی که فراموش شده صدای نواختن ویولون در زمینه است) مضمون پدر با کاربرد صفات عالی به اوج می‌رسد. وی مورد تحسین بسیار قرار می‌گیرد، و فوق‌العاده است.

بند ۱۱: بار دیگر به طرح مطالب به ترتیب زمانی آن برمی‌گردد. اشاره به آکسفورد و ارائه آن در پراتنز بیانگر دستاوردهای بی‌نظیر در آنجاست؛ گرچه دستاوردهای قابل توجهی بود اما ظاهراً در زندگی وی زیاد تأثیرگذار نبوده است. بار دیگر مضمون «واقعیتها تغییر می‌یابند»، طرح می‌شود. در اینجا اشاره به آن پیش پا افتاده است، و اما هدف طرح آن از نظر روزنامه‌نگاری فراهم آوردن ساختار مشخصی برای گزارش است.

بند ۱۲: اعلام و آغاز «سالهای مهیب» عنوان می‌شود. این گزارش تشریحی بر اساس ارائه

مسائل احساسی عمیق بنا شده است. (که معمولاً در تابلویدها کاربرد دارد) فرزند دل‌بندی که با معصومیت در خانه رشد یافته در چند پاراگراف بعد با وحشت زندان مواجه می‌شود.

بند ۱۳: بی‌نظیر در عین حال از خصوصیات قهرمانانه‌ای برخوردار است: رنج می‌کشد، اما به انتقام گرفتن معتقد نیست. این احساس با ارائه نقل قول مستقیم در این بند منتقل می‌شود. و بی‌نظیر نیز طبعاً زنی است با تمامی تناقضات و تقابلات انسانی. علیرغم برخورداری از «اراده‌ای نیرومند»، در مورد ارزشهای تعهد سیاسی تردیدهایی دارد. لذا می‌پرسد: «چرا من زندگی‌ای را دنبال کرده‌ام که از نظر جسمی و مالی طاقت‌فرسا و از نظر احساسی و اجتماعی بی‌ثمر است؟» این بخش بسیار قابل توجه است، زیرا یکی از جذابیتهای این نوع گزارش تشریحی را برجسته می‌سازد. ما تاکنون در مورد آسیب‌پذیری و غصه‌های افرادی که بر ما حکم می‌رانند، اطلاعات اندکی دریافت کرده‌ایم. در این حالت آنان بیشتر جنبه انسانی می‌یابند و بیشتر حس همدردی خواننده را برمی‌انگیزاند؛ شاید ما تشویق می‌شویم و در صورت دوست نداشتن لااقل تحمل می‌کنیم.

اما این روندی بسیار خاص است که از سیاست تأثیر پذیرفته است. در مورد افرادی مانند سرهنگ قذافی از لیبی یا صدام حسین از عراق که غرب به طرزی جنجالی و کم‌سابقه با آنان مخالفت می‌ورزد، مجاز نیست که در گزارشها چنین ضعفهای انسانی به آنها نسبت داده شود؛ بلکه معمولاً در رسانه‌ها از آنان، چهره‌ای یک بعدی و غیرانسانی ارائه می‌شود.

بند ۱۴: در مورد تأثیری که جمعیت انبوه شرکت‌کننده در مراسم عزاداری برادرش بروی می‌گذارد، تأکید دارد. وی که زندگی خود را به‌عنوان سیاستمدار از نظر احساسی بی‌ثمر توصیف کرده است در اینجا به طرز خاصی احساساتش در این مورد را بیان می‌کند. در هیچ جا امکان بیان صریح افکار، عقاید سیاسی و سیاستهایش نبوده است. بر اساس کلیشه‌های تعصبات جنسی، منطق در زنان به احساس می‌انجامد. در این بند نیز وی با تجدید روحیه، احساس تازه‌ای را تجربه می‌کند.

بند ۱۵: ماجرای ازدواج وی بر اساس ترتیب زمانی آن ارائه می‌گردد. بار دیگر شعارهای تقابل / تناقض نمودار می‌شود. وی طرفدار ازدواج سنتی نیست ولی به ازدواج سنتی تن در می‌دهد. اشاره به نگارش زندگی‌نامه از سوی بی‌نظیر، مطلب مهمی را در مورد وی مشخص می‌سازد. (وی با توجه به مشغله فراوان سیاسی اجتماعی در عین حال زندگی‌نامه خود را نیز می‌نویسد، چه زن فوق‌العاده‌ای!) و ارائه منبع این نقل قول بر جذابیت مطلب می‌افزاید.

بند ۱۶: تولد پسر مطرح می‌گردد. تکرار مضمون «واقعیات تغییر می‌یابند» بار دیگر مشاهده می‌شود ولی این بار قدری ساختگی به نظر می‌آید.

بند ۱۷: بار دیگر خانم بوتو به عنوان زنی با احساس مجسم می‌شود. وی خانم تاجر را تحسین می‌کند. آیا انتقادی نسبت به سیاستهای وی دارد؟ در گزارش منعکس نشده است. به هدف وی برای انتقال کشورش به سوی دموکراسی اشاره‌ای سطحی می‌شود؛ اما این امر، فوراً با خواسته‌نشریه برای ایجاد توازن در گزارش جبران می‌شود.

بندهای ۱۸ تا ۲۰: روزنامه در مورد سیاستهایی که بی‌نظیر بوتو بایستی در پیش گیرد، راهنمایی‌هایی می‌کند. وی بایستی برنامه دراز مدت داخلی را تعیین کند (گرچه این روزنامه عقاید وی در مورد این مضمون را ارائه نکرده است) با فساد داخلی مبارزه کند و غیره.

این گزارش تشریحی نتیجه‌گیری می‌کند که بوتو می‌باید زمان کمتری را در خارج از کشور بگذراند. تناقض در اینجاست که اگر وی به لندن نیامده بود، این گزارش نیز در مورد وی شکل نمی‌گرفت. فعالیتی که موجب می‌شود این روزنامه به آن پردازد و از برخی نقل قولهای مطرح نیز استفاده کند، به عاملی برای انتقاد مبدل می‌شود.

فصل دوازدهم

ستونهای شخصی، نقدنویسی و روزنامه‌نگاری آزاد

عامل «من» در ستونهای شخصی

تمامی اخبار به دلیل گذر از روند پیچیده‌گزینش خبر، ذهنی هستند. ستونهای شخصی، این ذهنیت را به حداکثر می‌رسانند. در این ستونها، هیچ تلاشی برای پنهان نمودن عامل «من» گزارشگر و ادعاهایی مانند عینی بودن، ایجاد توازن، ارائه حقیقت و بی طرف ماندن گزارشگر مطرح نمی‌شود. عامل «من» آشکار و مشخص است.

ستونهای شخصی زمانی کاربرد دارد که صدای فردی به‌ویژه با لحنی گیرا ارائه می‌شود. این ستونها ممکن است گاه طعنه‌آمیز، جنجالی، قاطعانه، جدی، از نظر فرهنگی التقاطی، محاوره‌ای، نامتعارف، مغرضانه، تفتنی، کنایه‌آمیز، اعتراضی، آمرانه، شورش‌برانگیز و یا

تحریک‌کننده به نظر برسند. در بدترین حالت، این ستونها به ترکیبی از رجزخوانی ناشیانه و دشنام‌گویی شخصی تبدیل می‌شوند. اما در هر صورت، شخصیت نویسنده همواره در تمامی بخشهای مطلب نمودار است.

در این نوع مطلب خواننده به نوعی رابطه با نویسنده دست می‌یابد. اغلب همراه این ستون، عکس کوچکی از نویسنده و یا طرحی از وی درج می‌گردد تا این رابطه را به صورت شخصی در آورد. گاه خوانندگان دوستدار پروپاقرص نویسندگان می‌شوند و به‌طور مرتب مطالب آنان را پیگیری می‌کنند و گاه نیز از نوشته‌های آنان ابراز تنفر می‌کنند. اما بدترین سرنوشتی که ستون نویسان با آن روبه‌رو می‌شوند، نادیده گرفتن و بی‌تفاوتی نسبت به آنان است.

سبک، زبان و لحن ستونهای شخصی نیز با سبک و زبان روزنامه همخوانی دارد. سبک و زبان ستونهای شخصی از مشخصه‌های کلی روزنامه تأثیر می‌پذیرند. به‌عنوان نمونه، نقل قولهایی از رمانهای داستان نویسان معاصر اروپای شرقی ممکن است در ستونی از آبرور مشاهده شود. اما در نشریه استار چنین چیزی نخواهد بود. داستان روایی مثلاً در مورد قرار و مدار عجیبی در یک آرایشگاه ممکن است برای انتشار در هفته‌نامه محلی بریتانیا مناسب باشد، اما برای انتشار در روزنامه‌ای مانند گاردین مناسب نخواهد بود. یک فرد مارکسیست و یا مسلمان معمولاً نمی‌تواند ستونی را در روزنامه ملی و یا محلی به خود اختصاص دهد. معمولاً دیدگاههای چنین افرادی نادیده گرفته می‌شود و برخورد مطبوعات نیز این بی‌توجهی را شدت می‌بخشد. اما در نشریات کم‌تیراژ گاه می‌توان به چنین مواردی برخورد.

ارزش ستون‌نویسان خوب از سوی تمامی روزنامه‌نگاران شناخته شده است. روزنامه‌های سراسری دستمزدهای کلان (تا ۱۰۰ هزار پوند) به نویسندگان مشهور ستون‌نویس خود می‌پردازند. به همین صورت برخی نشریات محلی به‌ویژه هفته‌نامه‌های رایگانی که با کساد درآمد ناشی از آگهی‌های تجارتمی مواجه می‌شوند، به‌طور موقت بخش ستونهای شخصی در نشریه‌شان ایجاد می‌کنند. در واقع به جای آن که مانند بقیه رقبای خود، نشریه ثبت وقایع محسوب شوند، با دایر کردن ستونهای خواننده پسند، ستونی هوشمند دایر کرده و در مورد

مسائل عمده هفته تفسیرهایی را ارائه می دهند. بدین سان، نشریه تلاش می کند تا به جایگاهی در میان جامعه محلی دست یابد و همچنین با ایجاد ستونهای شخصی، خوانندگان را ترغیب کند تا در مورد مسائل مطرح روزاظهار نظر (موافق و یا مخالف) کنند.

اقسام زیادی از ستونهای شخصی وجود دارند. این ستونها ممکن است یک عقیده محض و یا نتایج یک رشته تحقیقات را دربرداشته باشند. همچنین ممکن است حاوی گزیده‌ای از مقالات توصیفی کوتاه و یا داستانهای خبری باشند که منعکس‌کننده علایق نویسنده است. اغلب ستونهای شخصی منعکس‌کننده واکنشها در قبال مسائل عمده روز هستند، اما همواره چنین نیست. چه بسا ستونهای بسیاری که از سوی روزنامه‌نگاران نوشته می شوند، به بحث در مورد سایر روزنامه‌نگاران و یا رسانه‌های دیگر منتهی شوند.

ابتدا بدین سان نیست که تمامی ستونهای شخصی توسط روزنامه‌نگاران نوشته شوند. نشریه‌هایی نظیر «ایونینگ اکو» و «ساوث‌اند»، ستونهای شخصی را به انعکاس مجموعه عقاید محلی اختصاص داده‌اند؛ روزهای دوشنبه ستونی به مادران جوان و تنها اختصاص می‌یابد؛ همچنین روزهای سه‌شنبه به زنان معلول و روزهای چهارشنبه به جوانان، روزهای پنجشنبه صاحبان دیدگاههای خاص و روزهای جمعه به افراد سالمند اختصاص می‌یابد.

تقریباً از دیدگاه تمامی نشریات، ستونهای شخصی عناصری با ارزش در کل نشریه محسوب می‌شوند. مطالب خبری جدی، اخبار معمولی، مقالات توصیفی، گزارشهای تشریحی تحلیلی، طنز، نقد، مطالب تحقیقی، بخش دیدگاههای مردم، صفحات تخصصی، ورزشی، سرمقاله و کاریکاتور هر یک در نشریه‌ای متوازن و متنوع بایستی جایی به خود اختصاص دهند.

دانشجویانی که در نشریات دانشجویی فعالیت می‌کنند، بایستی تمامی این عناصر را به‌طور متنوع، به جا و به موقع به کار برند. در میان تمامی این ستونها، ستونهای شخصی جایگاه خاصی دارند. نشریه «ایونینگ تلگراف»، «پیتربورگ» (۲۰ فوریه ۱۹۹۳) ستونهایی از «رُزی ساندال» (تحت عنوان «رُزی ساندال می‌نویسد») و «مایک کولتون» (تحت عنوان «کولتون روز شنبه») منتشر می‌کند. افزون بر این، در ستونی با عنوان «دست اول»، نوشته‌هایی از «پائول استیتون» و

در ستونی که به مجموعه نقدهای «سوزان استلر» اختصاص دارد، همراه با طرحی از چهره خندان وی، تحلیل شخصیتها مشاهده می‌شود.
به نمونه‌ای از ستون «کولتون روز شنبه» توجه کنید:

سیاستمدارانی که ۱۸۰ درجه تغییر مواضع می‌دهند.

«کولتون روز شنبه»

در حالی که برای حفظ امنیت در جاده‌ها، پیچ‌های ۱۸۰ درجه‌ای جاده‌های انگلیس برطرف شده‌اند، اما در جهان سیاست این پیچ‌ها و تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای مانند کرمی که در گوشت فاسد روبه ازدیاد است، در حال افزایش هستند.

«جان میجر» و همکاران گروه وی آن قدر تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای داشته‌اند که تاکنون چندین دایره را تکمیل کرده و بار دیگر در مواضع اولیه گام برداشته‌اند. هر کدام از این افراد مظهر گستاخی خاصی به نظر می‌رسند.

آخرین اقدام وی برخورد او با مسأله «ماستریخت» بود. برخورد میجر به مثابه فردی بود که به دنبال ترازویی می‌گردد که وزن دلخواهش را به وی نشان دهد.

در چند هفته‌ای که از انتخاب رییس‌جمهور ایالات متحده می‌گذرد، وی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای کسب کرده است. با وجود تبلیغ فراوان در مورد معافیتهای مالیاتی، او پس از انتخاب شدن گفت که مالیات اخذ خواهد شد.

در این قول و قرارها، معمولاً ثباتی به چشم نمی‌خورد چون اغلب خلاف آنها ابراز می‌شود. مسأله بانزه آن است که سیاستمداران و سایر افراد رده‌های بالا مدام از مردم می‌خواهند که روشهای خویش را اصلاح نموده و اخلاقی عمل کنند.

من خود روزی از اسقف کلیسای شهر لیورپول شنیدم که می‌گفت: «همه ما خطا کاریم (من، شما و آنها). حتی اگر تنها اشتباهمان، خطاهای کوچک در رانندگی باشد.»
در این گیرودار آیا کسی هست که فقط در راه راست گام بردارد؟

ایونینگ تلگراف (۲۰ فوریه ۱۹۹۳)

این مطلب کوتاه با رعایت مهارت‌های دستوری و بسیار هوشمندانه نوشته شده است؛ هر چند جملات آن برای این که با جملات سایر مطالب نشریه همخوانی داشته باشد، کوتاه نوشته شده

است. لحن غیر متعارفی در سراسر مطلب به چشم می‌خورد و تأکید مطلب روی تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای از سوی میجر و کلینتون است. اما سبک نگارش به دلیل کاربرد استعاره و تشبیه که برای تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای عنوان شده، ادبی است.

بند ۱: در آغاز جمله، اشاره به انگلیس، جنبه داخلی مطلب را برجسته می‌سازد. تصویری که با کاربرد تشبیه «مانند کرمی که در گوشت فاسد روبه‌ازدیاد است» ارائه شده قوی است و بیانگر احساس تحقیر آمیزی است که در سراسر مطلب وجود دارد.

بند ۲: در مورد تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای استعاره‌ای هوشمندانه به کار رفته است. نیز لحن و ضرب‌آهنگ مطلب با عبارت «هر کدام از این افراد، مظهر گستاخی» به اوج خود می‌رسد.

بند ۳: لحن تحقیر آمیز با کاربرد تشبیه دیگری مانند «فردی که به دنبال ترازوئی می‌گردد که وزن دلخواهش را به وی نشان دهد»، بار دیگر تداعی می‌شود.

بند ۴: به طور ناگهانی، با مطلبی در مورد آمریکا مواجه می‌شویم. طعنه، یکی از دشوارترین لحن‌هایی است که می‌توان ارائه نمود. فقط از طریق بررسی کامل متن، خواننده در می‌یابد که هدف نویسنده برعکس چیزی است که نوشته است. در اینجا عبارت «پیشرفت قابل ملاحظه» طعنه آمیز است و لحن آن آشکار.

بند ۵: تا حدی مبهم است؛ به ویژه جمله آخری «گویی همیشه در جای اول خود قرار دارد». بند ۶ و ۷: پنج بند اول مطلب، بخشی را تشکیل می‌داد که مشکل اصلی را ارائه می‌کرد. اکنون در بخش دوم، جنبه اخلاقی موضوع نشان داده می‌شود: ریاکاری «افراد در رده‌های بالا». عبارت «مسأله بامزه»، از لحنی محاوره‌ای برخوردار است. همچنین عبارت «من خود روزی» در بند ۷.

بند ۸: نویسنده با کاربرد استعاره «راه راست»، بار دیگر به مضمون تغییر مواضع ۱۸۰ درجه‌ای می‌پردازد و پرسش اساسی مطلب را عنوان می‌کند.

در نظر بسیاری از مردم تحقیر قدرت با حس احترام توأم است. گرایشی دموکراتیک و نه هرج و مرج طلبانه، به موازات گرایش جذب شدن به سوی قدرت و هراس از بروز تغییرات

بنیادین همواره وجود داشته و دارد. روزنامه‌ها اغلب روی این احساسات ضد و نقیض انگشت می‌گذارند. از یک سو روزنامه‌ها با شخصیت‌سازی، آنها را تبدیل به ستاره و قهرمان می‌سازند و از سوی دیگر طولی نمی‌کشد که آنها را بر زمین می‌زنند. در اینجا کولتون صریحاً به حس تحقیرآمیز خوانندگان نسبت به «افراد رده بالا» اشاره می‌کند و این مطلب بسیار تأثیرگذار است.

تحلیل تفسیر «جولی بورشیل»؛ «میل آن ساندی» (۲۶ ژانویه ۱۹۹۲)

یکی از مشهورترین و پردرآمدترین نویسندگان تفسیرهای نیشدار، تحقیرآمیز و ستیزه جویانه، «جولی بورشیل» است. ستون وی معمولاً شامل مجموعه‌ای از تفسیرهای کوتاه، بحث برانگیز و قاطع در مورد نکات خبری ظریف و مطرح روز است. در مطالب وی بازی با کلمات زیاد به چشم می‌خورد. نمونه زیر بیانگر بخشی از عناصر اولیه سبک وی در نگارش است:

فقط مسأله خالکوبی بود

تا حالا شهرت خواننده موقرمز ترانه‌های سوزناک، «مایک هاکنل»، بیشتر به دلیل شباهت فوق‌العاده‌ای بود که وی در حرکات کند و آهسته‌اش به دوشس «یورک» داشت. اما اکنون من کشف کرده‌ام که وی یک خالکوبی هم دارد که با خالکوبی‌های دیگر متفاوت است. این خالکوبی، صلیبی را می‌نمایاند که دور آن راستارگان زرد فراگرفته‌اند و این نمادی از اروپاست که هر ستاره آن بیانگر یک کشور متفاوت اروپایی است.

آیا این عمل ارزشی هم دارد؟ فقط فردی که در اروپا متولد شده و دارای خودپسندی خشکی هم باشد، می‌تواند نماد فدراسیون اروپا را روی بازوی خود خالکوبی کند! در گذشته، خوانندگان مشهور موسیقی پاپ خود را در شعارهایی نظیر، «سرکش مادرزاد»، «مرگ پیش از بی‌ابرویی» یا «خون و عظمت» غرق می‌کردند.

حتی خالکوبی «مادر» روی بازو یا سینه نیز بیانگر بی‌خیالی خاص و جسارتی است که به چشمش می‌آید.

فقدان

حالا که این خواننده طرح کارتل حرفه‌ای را بر روی بازوان خود تزئین کرده است، بعد نوبت

چیست؟ لابد، طرح مک دونالد؟

«هاکنل» می‌گوید: «من بیشتر احساس اروپایی بودن می‌کنم تا انگلیسی بودن». پس بگذارید او را با کاغذبازیهای جنجال‌برانگیزش و همچنین رهنمودهای دو هزار کلمه‌ای در مورد صادرات «حریره بادام» تنها بگذاریم.

یک مسأله همچنان بدون شرح باقی می‌ماند، اگر «هاکنل» تا آن حد احساس اروپایی بودن می‌کند چرا نوای «بالالایکا»، آکارثون، سازهای «بوزوکی» و «زیترا» در آهنگهای وی شنیده نمی‌شوند؟ وی مانند ۷۵ درصد خوانندگان پاپ انگلیسی و آمریکایی که این روزها سر برآورده‌اند، از وقاحت روحیه سیاهپوستان آمریکایی برخوردار است.

اجازه دهید من مسأله را روشن کنم؛ از یک لحاظ، موسیقی دسته‌های چپی، بازتاب دهنده صدای اروپای جدید محسوب می‌شود؛ بی‌روح، خودپسندانه و بسیار کسل‌کننده.

میل ان ساندى (۲۶ ژانویه ۱۹۹۲)

بند ۱: تحقیق‌آمیز است. «مایک هاکنل»، به عنوان خواننده ترانه‌های غم‌انگیز معرفی می‌شود. فقط در بند آخر گفته می‌شود که وی چپ‌گراست. برای خوانندگانی که با شخصیت‌های موسیقی پاپ آشنایی ندارند، ممکن است این مطلب قدری پیچیده به نظر رسد. این همه هیاهو برای چیست؟

در هر صورت خانم «جولی» مصمم است که به این خواننده بیچاره توهین کند. به گفته خانم جولی، شهرت این خواننده ربطی به هنر خوانندگی وی ندارد. بلکه به علت حرکات کند و آهسته وی است که شبیه حرکات دوشس «یورک» است.

بند ۲: کشف مهمی ارائه می‌شود: وی خالکوبی دارد. (اما چگونه این کشف انجام شده است؟ آیا آن را در نشریه‌ای خوانده است؟ آیا شخصاً آن را مشاهده کرده است؟ تصور من این است که او باید این مسأله را روشن می‌کرد.) ما اجازه نداریم این نکته را که وی دارای خالکوبی است، به فراموشی بسپاریم. در یک فاصله ۱۶ کلمه‌ای، نویسنده آن را سه بار تکرار کرده است.

بند ۳: اکنون این مرد به عنوان «فردی که در اروپا متولد شده اما دارای خودپسندی خشکی نیز هست»، معرفی می‌شود و نویسنده این حرکت وی را فاقد تأثیرگذاری دانسته است. بسیاری

از رسانه‌ها در مورد حسرت گذشته بهتر قلمفرسایی می‌کنند. گذشته‌ای که در آن انسانها در حالی که متهورتر بودند، خشونت کمتری نیز به کار می‌بردند. یا غذای سالم‌تری مصرف کرده و آب آشامیدنی سالم‌تری می‌نوشیدند و از این قبیل. در اینجا «بورشیل» برای تفتن، این حسرت گذشته را در واژگانی که به کار می‌برد نشان داده است. خوانندگان واژه خالکوبی را به‌طور کلی در این مطلب دیده‌اند. از این‌رو این بار کاربرد عبارت «غرق در شعار» بسیار بجاست.

به نحوه کاربرد سه شعار «سرکش مادرزاد»، «مرگ پیش از بی‌آبرویی» یا «خون و عظمت» توجه کنید. «ماکس اتکینسون» در کتاب «نواهای اصلی ما: زبان‌گفتاری و زبان رفتاری سیاست» خاطر نشان کرده است که چگونه شعارهای سه تایی، بخش مهمی از بیان ما و سایر انواع ارتباط‌هایمان را تشکیل می‌دهند. «یکی از جذبه‌های مهم شعارهای سه تایی این است که فضایی از وحدت و کمال را تداعی می‌کنند. شعارهایی که از دو عنصر تشکیل یافته‌اند به نظر ناکامل می‌رسند.» اینجا «بورشیل»، فهرست‌های سه تایی خود را به نمایش می‌گذارد و سپس با یکی از آنان مطلب را پایان می‌دهد: «بی‌روح، خودپسندانه و بسیار کسل‌کننده.»

بند ۴: این بند به صورت غیرمنتظره‌ای مطرح می‌شود. پس از کاربرد عبارت خون و عظمت و نظیر آن، اکنون به واژه مادر اشاره می‌شود. این تغییر غیر متعارف که در مطلب تأکید شده است، در اینجا تأثیر نیکویی دارد. کاربرد واژه بی‌خیال این حالت را تداوم می‌بخشد. این واژه غیرمنتظره‌ای است که معمولاً خوانندگان متوسط نشریه میل بر زبان نمی‌آورند و عبارت «جسارتی که به چشم می‌آید»، عبارتی ساختگی به نظر می‌آید که درج آن به دنبال واژه بی‌خیال، حاوی همان شور و حال زبان عامیانه کوچکی و خیابان است.

بند ۵: ایجاز تندی که در کاربرد عبارت «کارتل حرفه‌ای» وجود دارد، برای «هاکنل» و جامعه اروپا تحقیرآمیز است.

بند ۶: تأکید بر روی دو هزار کلمه در مورد صادرات «حریره بادام»، لحن تمسخرآمیزی به این بند می‌دهد.

بند ۷: نکته عجیبی در اینجا مطرح می‌شود. آیا این بدان معناست که هر موسیقی‌دانی که از

اتحادیه اروپا حمایت می‌کند، بایستی در نوارهای خود، سازهای بالالایکا، آکاردئون، بوزوکی و زیترا به کاربرد؟ قطعاً چنین نیست.

بند ۸: اکنون، وی درصدد است دسته خوانندگان پاپ انگلیسی و آمریکایی را بد نام کند. عبارت «این روزها سر برآورده‌اند»، بیانگر تحقیر وی نسبت به آنان است.

بند ۹: بار دیگر به مضمون «هاکنل» می‌پردازد. کاربرد شعارهای سه تایی وی، بیانگر عمق احساسات وی است: «بی‌روح، خودپسندانه و بسیار کسل‌کننده»؛ تلویحاً این‌گونه تداعی می‌شود که دیدگاهها و همچنین نگارش وی بسیار بسیار مخالف آن است.

تحلیل مطلب «راه نجات» نوشته «لوسی ارجیل»؛ نشریه «دربی ایونینگ تلگراف» (۲۵ فوریه ۱۹۹۳).

راه نجات

افرادی که غرق تماشای برنامه‌های صبحگاهی تلویزیون می‌شوند، دست خود را بالا نگه دارند. تعجبی نمی‌کنم اگر دستان زیادی بالا نرفته باشد.

بنابراین چه کسی اهمیت می‌دهد که تخیل «فیونا آرمسترانگ» درست از آب در نیاید و یا رابطه وی با «مایکل ویلسون» به هم خورد؟ زیرا در آن موقع ما معمولاً سرگرم جداکردن قسمت‌های سوخته نان صبحانه و همچنین نگران شروع کار روزانه هستیم. بالطبع که دیگر نگران وضعیت خانم «آرمسترانگ» با آن چشمان پف کرده، نیستیم.

ایستگاه تلویزیونی مستقل «جی.ام. تی.وی»، آنچنان نگران کاهش بینندگان برنامه‌های تلویزیونی خود است که «کرگ دایک» را به همکاری دعوت کرده است، همان مردی که ۱۰ سال پیش با معرفی «رونالدرات» و «کوین گبریل»، ایستگاه تلویزیونی را نجات داد. وی قادر است ذهنیت عموم را نسبت به برنامه‌ها تغییر دهد.

شاید او بتواند «وگان» را نیز بیاورد؟

با این همه از زمانی که وی برنامه صبحگاهی خود را تهیه و پخش نمود، شمار بینندگان این کانال کاهش بسیاری یافت.

دربی ایونینگ تلگراف (۲۵ فوریه ۱۹۹۳)

این مطلب در انتهای ستون لوسی ارجیل، تحت عنوان «بیان آزاد» آمده است. سایر مطالب وی را مرور می‌کنیم: پیشنهاد به گیاهخواران مبنی بر آنکه برنامه غذایی خود را همراه با ایده‌شان قورت دهند!؛ تمسخر پرنس چارلز؛ و یا انتقاد سخت نسبت به جان میجر مبنی بر آن که ابتدا امور کشور خود را سروسامان بدهد و بعد برای سر و کله زدن با مقامات آمریکایی به آن کشور برود.

بند ۱: سبک آن محاوره‌ای است. اما نویسنده فاصله خود را با این سبک حفظ می‌کند و به جای آن که بگوید: «... دستها بالا...» که لحنی صمیمانه‌تر دارد، عبارت «دست خود را بالا نگه‌دارند» را به کار می‌برد. همچنین وی تلاش می‌کند افرادی که برنامه‌ها را تماشا نمی‌کنند، برجسته سازد؛ از این رو با طعنه می‌گوید: «افرادی که غرق تماشای برنامه‌های صبحگاهی تلویزیون می‌شوند.»

بند ۲: وی نسبت به هوچیگری رسانه‌ها در مورد پخش برنامه‌های ایستگاه تلویزیونی مستقل «جی ام تی وی»، نگرشی حاکی از بی‌اعتنایی دارد. نحوه ارائه مطلب در مورد به حقیقت نپیوستن خیالات فیونا آرمسترانگ نمونه‌ای از آن است. مطرح کردن مسأله کاهش بینندگان چنین برنامه‌هایی به ویژه از سوی مطبوعات عامه‌پسند، هم قابل پیش‌بینی و هم جذاب است. در عین حال واکنش عموم در این مورد پیچیده و ضد و نقیض است.

در اینجا ارجیل، احساسات تحقیرآمیزی را که در مورد هوچیگری شماری از رسانه‌ها از سوی برخی خوانندگان ابراز می‌شود ارائه می‌دهد: «چه کسی اهمیت می‌دهد اگر تخیل فیونا آرمسترانگ درست از آب در نیاید؟» توجه کنید نیازی به توضیح آن که «فیونا آرمسترانگ» یا «مایکل ویلسون» چه کسانی هستند و یا این که تخیل آنان بر چه منوال است، وجود ندارد. «ارجیل» تصور می‌کند - احتمالاً هم تصور وی درست است - که ریشه مطلب برای خوانندگانش به اندازه کافی شناخته شده است.

در مقابل تشریح وضعیت خانم آرمسترانگ و رابطه وی با «مایکل ویلسون» که با صراحت بیان نمی‌شود، «ارجیل»، واقعیت «در آن موقع ما سرگرم جدا کردن قسمت‌های سوخته نان

صبحانه و همچنین نگران شروع کار روزانه هستیم» را مطرح می‌کند و همچنین کاربرد عبارت «با چشمان پف کرده»، بیانگر عمق تحقیر وی می‌باشد.

بند ۳: تحقیر هوچیگرانه در مورد وضعیت خانم «آرمسترانگ»، به تحقیر افرادی که به تماشای چنین برنامه‌های صبحگاهی تلویزیونی می‌نشینند، و در بند ۱ به آنها اشاره شد، کشیده می‌شود (گرچه در حقیقت شمار آنها میلیونی باشد). آنان از افرادی هستند که به «رونالدرات» و «کوپن گبریل» روی می‌آورند و همین امر بیانگر ذهنیت آنان است.

بندهای ۴ و ۵: اشاره‌ای به «وگان» می‌شود. مقاله‌نویسی مانند ارجیل نام شخصیت رسانه‌ای را به میان می‌آورد و ما فوراً در می‌یابیم که «وگان» فردی است که در برنامه‌های بسیاری حضور دارد. ما به‌طور مرتب وی را مشاهده می‌کنیم و احساس خاصی نسبت به وی داریم، ما می‌توانیم وی را دوست بداریم یا از وی متنفر باشیم. یا این که نظیر مورد این مطلب اصلاً توجهی به او نداشته باشیم. آیا چیزی عجیب‌تر از غیبت از دهکده جهانی رسانه‌ای که ما همگی در آن ساکن هستیم، وجود دارد؟

هنر نقد کردن

با نقد کردن، نقادچندین کار انجام می‌دهد: اطلاعات اساسی را برای خوانندگان فراهم می‌آورد؛ به‌عنوان نمونه نقد در مورد فیلمی که اخیراً اکران شده و می‌توان در سینماها آن را تماشا کرد.

برای افرادی که قصد دیدن، خواندن یا شنیدن اثری را دارند، یا قبلاً آن را دیده و یا شنیده‌اند، نقد کردن، ایده‌ای را مطرح می‌سازد که دارای اعتبار است و می‌توان آن را با برداشت شخصی نیز مقایسه نمود.

با وجود این، معمولاً اکثریت گسترده‌ای از مردم به‌ندرت اثری را که مورد نقد قرار گرفته باشد، تجربه می‌کنند. برگزاری کنسرتی ممکن است بیش از چند صد تماشاچی را به‌خود جلب نکند. از این رو نقد بایستی به‌عنوان بخشی از ادبیات که از کاربرد خاصی نیز برخوردار است،

عمل کند. یک نقد خوب و باکیفیت بالا و متنوع، بایستی خواننده را ترغیب به پیگیری اثر سازد. نقد باید سرگرم‌کننده هم باشد، حتی اگر قبول داشته باشیم که روزنامه‌های مختلف برداشتهای متفاوتی از واژه سرگرمی دارند.

برای خالقان و صاحبان آثار نیز ارائه نقد (خوب، بد و یا بی تفاوت) می‌تواند شهرت مربوطه را به دنبال داشته باشد. برخی روزنامه‌نگاران به نقد کردن علاقه دارند. آنان اغلب از تحویلات دانشگاهی در رشته‌های گونه‌گون برخوردارند و معمولاً نقد هنری برایشان چندان دشوار نخواهد بود.

در مورد روزنامه‌ها نیز درج نقدهای مختلف می‌تواند صاحبان آگهی‌ها را به روزنامه جلب کند. به عنوان نمونه، روزنامه‌ای که بخش قابل توجهی را به نقد کتاب اختصاص می‌دهد، توجه ناشران کتاب را برای دادن آگهی‌های تبلیغاتی، به روزنامه جلب می‌کند.

در برخی هفته‌نامه‌های محلی، نقد هدف متفاوتی را دنبال می‌کند. باید گفت که یک روزنامه در جامعه‌ای محلی به عنوان نشریه ثبت وقایع مطرح است؛ مثلاً اسامی بازیکنان مسابقه‌ای که در یک مدرسه انجام می‌شود در نشریه منعکس می‌گردد.

چاپ عکسی از صحنه رویدادی خاص همراه با نقد مطلب، موجب می‌شود که این مطلب برای بسیاری از افراد ارزشمند باشد.

اما در زمینه مسأله نقد، چند چالش اساسی روزنامه‌نگاری نهفته است. مثلاً یک نویسنده بزرگ الزاماً یک منقد بزرگ محسوب نمی‌شود.

● اسامی مجریان، تهیه‌کنندگان، نویسندگان و یا شخصیت‌های مشهور و همچنین اسامی مکانها بایستی به درستی در روزنامه منعکس شود. عناوین دست‌اندرکاران ماجرا نیز بایستی در جای مناسب خود بیاید.

● آوردن نقل قول مستقیم از آثار مکتوب نیز به همین صورت بایستی انجام شود.

● طرحها (یا به عنوان نمونه محتوای نمایش) بایستی به صورتی آشکار و با بیانی صریح و

صحیح ارائه شوند.

● هر عامل خاص بایستی به زبان خاص خود ارائه شود به طوری که برای اکثریت خوانندگان قابل درک و فهم باشد.

● در برخی از موارد، حساسیت خاصی مورد نیاز است. به عنوان نمونه، معیارهای زیباشناختی را که یک گزارشگر فی‌المثل برای نقد آثار عده‌ای از افراد غیر حرفه‌ای یا تازه‌کار به کار می‌برد باید متفاوت از معیارهایی باشد که برای نقد آثار حرفه‌ای از آنها استفاده می‌کند. منتقد، عامل تعلیق در داستانهای هیجانی را از بین نمی‌برد؛ گاهی هم در آثاری، حقایق را به طور ناگهانی در پایان مطرح نمی‌سازد، بلکه مسائل را به تدریج روشن می‌کند.

● در نقد یک اثر، روزنامه‌نگاران نباید به افترا متوسل شوند.

● روزنامه‌نگار بایستی نسبت به تجربه شخصی خوانندگان صادقانه برخورد کند و بدون آن که در قالب کلیشه‌ها گرفتار آید، واژگان مناسبی را برای ارائه صحیح و دقیق مطالب مورد نظر خود بیابد.

● منتقد بایستی از توانایی نگارش هم برخوردار باشد و بتواند انواع شیوه‌ها و ساختار جمله‌ای را با اطمینان و با توجه به سبک کلی روزنامه به کار بندد. ساختار مضمونی (در تمامی مقالات توصیفی) بایستی آشکار باشد و هیچ تناقض و یا تکراری در آن مشاهده نشود.

● مانند مطالب روزنامه‌ای، لید مطلب بایستی شامل نکاتی باشد که توجه خوانندگان را به خود جلب کند. همچنین در لید ممکن است مضمون اصلی مطلب به صورت چکیده آورده شود. لید از طرفی ممکن است شامل نقل قول یا توصیف قابل توجهی باشد و یا این که طنز یا جمله‌روایی در آن ارائه شود. اگر لید مطلبی ملال‌آور، تصنعی، طولانی و یا بی‌ارتباط با مضمون اصلی مطلب یا گزارش باشد، لید مناسبی نخواهد بود.

● منتقدان معمولاً شمار متنوعی از واژگان را به کار می‌برند. همان‌گونه که «ایروینگ واردل» منتقد با سابقه تئاتر در نشریات تایمز و ایندپندنت ان ساندی معتقد است: «منتقدان خیلی زود فراموش می‌گیرند تعداد کلمات محدودی را در نگارش نقد خود مراعات کنند. آنان در می‌یابند که اگر بیش از اندازه لازم بنویسند، بدون آن که در ظاهر مطلب تغییری ایجاد شود، ایده اصلی‌شان

تأثیر لازم را نخواهد گذارد.»

● منتقدان بایستی نسبت به پیش داوری‌های گردانندگان روزنامه و یا خوانندگان آن حساس باشند. به‌عنوان نمونه نقدی که در نشریه «تریبون» یا «کاتولیک هرالد» منتشر می‌شود، با نقدی که مثلاً در نشریه «سان» و یا «آیندپندنت» منتشر می‌شود، تفاوت بسیاری دارد. سبک، محتوا، اندازه و لحن یک نقدهنری از عوامل بسیاری تأثیر می‌پذیرد. به‌عنوان نمونه، پیشداوری‌های شخصی سردبیر روزنامه می‌تواند بر انتخاب منتقد و یا اثری که مورد نقد قرار می‌گیرد، تأثیر گذارد.

نقدهایی که در نشریات عامه پسند مشاهده می‌شود، معمولاً کوتاه بوده و بیشتر برجسته سرگرمی اثر تأکید دارند. زبان آن نیز مانند زبان سایر مطالب روزنامه معمولاً شادی آفرین و صریح است. عوامل احساسی و آنچه عمدتاً مورد توجه مردم قرار می‌گیرد، معمولاً برجسته می‌شوند.

لحن مطالب می‌تواند گونه‌گون باشد: تمسخرآمیز، طعنه‌دار، تحقیرآمیز و یا تحسین‌آمیز ولی این لحن به ندرت تحلیلی خواهد بود. در نقدهای فیلم و تئاتر، و نیز نمایش تلویزیونی، تأکید اصلی مطلب اغلب روی اجرای هنریشه و یا بازیگر اصلی خواهد بود. به‌دلیل ایجاز مطلب، به‌ندرت فضایی برای ارائه سبکی متمایز از سوی منتقد باقی می‌ماند.

برخی نشریات محلی معمولاً ترکیبی از لحن و سبک عامه پسند و سطحی به کار می‌برند. زبان و کوتاه و بلندی جملات نیز از سبک کلی مطالب نشریه پیروی می‌کنند. اما در نظر گرفتن فضای بیشتر، فرصت را برای طرح نگرشهای نامتعارف فراهم می‌آورد. طرح مطالب را می‌توان با عمق بیشتری مورد بررسی قرار داد و یا می‌توان بیشتر به درون مایه مطالب پرداخت. اغلب در نشریات محلی، تأکید بیشتر بر شخصیت‌های درگیر در ماجرا است. معمولاً مقالات توصیفی، خبری و تشریحی، در بخش هنری مشاهده می‌شوند.

نشریات وزین عموماً تأکید بیشتری بر نقد دارند. گرچه در مطالب آنان، مواضع متمایزی مشاهده می‌شود. در این نشریات، درج مطالب هنری و نوع خوانندگان آن، که معمولاً

تحصیل کرده‌های بالای ۱۸ سال هستند، بیانگر سطح نشریه است. منتقدان در نشریات وزین، از عمق آگاهیها و ارزیابی‌های خود در نگارش نقد استفاده می‌کنند. همان گونه که «ادوارد گرین فیلد» که ۴۰ سال منتقد موسیقی نشریه «گاردین» بوده است، می‌گوید: «اعتقاد شخصی من آن است که هدف منتقد موسیقی بایستی قبل از هر چیز، ارزیابی اثر باشد و هرگز اجازه ندهد تحلیل و عیب‌جویی در جزئیات، صرفاً به خاطر سرگرمی خوانندگان به کار گرفته شود.»

نشریات وزین نقدهای کوتاه و مؤثر (که احتمالاً خوانندگان بسیاری نیز دارند) و همچنین نقدهای طولانی‌تر را به چاپ می‌رسانند. کاربرد زبان در نقدهای هنری، به‌ویژه موسیقی کلاسیک و کتاب، معمولاً اختصاصی است؛ زیرا نویسنده برداشت خاصی از سطح آگاهی خوانندگان خود دارد. به‌عنوان نمونه، «اندرو گراهام - دیکسون» در «این‌دیندنت»، نقدی در مورد برگزاری نمایشگاهی در «نشنال گالری» نوشته است: (۳۰ مارس ۱۹۹۳)

استعداد فوق‌العاده «چاردین»، در مهم جلوه دادن مسائل پیش پا افتاده و معمولی و همچنین بزرگ جلوه دادن فعالیتهای روزمره مانند خوردن، نظافت و یا بازنمودن بسته‌های خرید و غیره (بدون جلب توجه دیگران و با ظرافت و بدون هوچیگری) است. نقاشی‌های وی به‌طور ضمنی به تغییرپذیری قابلیت‌ها، استحاله و برگرداندن چیزهای معمولی به تصویری که موضوع مناسبی برای تأمل عمیق اخلاقی در برداشته باشد، اشاره دارد.

در نظر گرفتن جای بیشتر برای نقد در نشریات وزین، فضای گسترده‌تری را برای نویسنده فراهم می‌آورد تا بتواند شخصیتها و همچنین عوامل نامتعارف موضوع مورد بحث خود را تشریح کند. در نتیجه منتقدان تئاتر، فیلم و برنامه‌های تلویزیونی معمولاً از موقعیت ممتازی در نشریات وزین برخوردارند. افرادی مانند: «کنت تانین»، «جان کاری»، «کریل کانولی»، «گراهام گرین»، «دیلز پاول» و «نانسی بانکز - اسمیت».

نقد طولانی‌تر در نشریه‌ای وزین ممکن است علاوه بر آنچه در بالا بدان اشاره شد، دربرگیرنده برخی عناصر زیر نیز باشد:

- عوامل تحلیلی معمولاً برجسته‌تر خواهند بود.
 - مقایسه‌ای با آثار قبلی هنرمند و یا با آثار سایر هنرمندان در همان زمینه صورت می‌گیرد؛ و حس عمیقتری از آگاهی و اعتبار در نقد را تداعی می‌کند. اگر به‌عنوان نمونه یک فیلم یا برنامه تلویزیونی براساس کتاب داستانی تهیه شده باشد، معمولاً مقایسه میان کتاب و فیلم صورت می‌گیرد.
 - تفاوت‌های ظریف در لحن نوشتاری را از طریق کاربرد کنایه، طنز و کاربرد مناسب پرازنز یا گیومه، از طریق تعیین اندازه و آهنگ جملات تقابلی و از طریق کاربرد جملات عامیانه‌ای که احتمالاً در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، می‌توان دریافت.
- تمایزی که در اینجا میان مطبوعات عامه‌پسند، سطحی، محلی و همچنین وزین نشان داده می‌شود، ساده‌انگارانه است. سبک‌های متفاوت بیشماری وجود دارند که در این زمینه‌ها تداخل می‌کنند. اما برای تحلیل بیشتر به نقدی که به دنبال می‌آید، توجه کنید:

«آنچه در فیلمها می‌گذرد»

«ویلیام هال»

با یک نگاه به چشمانی که نگاه تمساح را تداعی می‌کند، دختر در می‌یابد که در مشکل بزرگی گیر افتاده است. این چشمان متعلق به «جک نیکلسون» در فیلم «در دسرمرد» است (که هفته آینده اکران خواهد شد)؛ بازیگر بار دیگر نشان می‌دهد آنچه برای دیگران کشش و جذابیت دارد در مورد وی شهوت‌رانی را القا می‌کند.

نیکلسون در این فیلم نقش یک دلال اسرارآمیز را در جدیدترین حرقه دنیای پرغوغای هالیوود بازی می‌کند؛ پرورش سگ‌های نگهبان برای محافظت از دارایی‌های چند میلیون دلاری. جک در فیلم از سوی خواننده مشهور «الن بارکین» به کار گرفته می‌شود؛ اما جک درست در همان لحظه‌ای که چشمانش به مشتری تازه‌اش می‌افتد در دام عشق وی گرفتار می‌شود. این خواننده موخرمایی و سرزنده توسط همسر سابق حسودش مورد آزار قرار می‌گیرد. همچنین دزدی که در همسایگی وی مأوا دارد، او را نگران می‌سازد.

جک همراه سگ گول پیکری به نام «دوک» که حیوان جذابی است، وارد می‌شود. این سگ ترجیح می‌دهد به جای آن که بازوی سارق یا یک خلافکار را گاز بگیرد، استخوان وی را بجودا «جک»، قلاده

سگ را باز می‌کند تا در آن حوالی گشتی بزند. در عین حال می‌کوشد خود را کارآگاه زبردستی نشان دهد. «نیکلسون» قادر است هر نقشی را به خوبی ایفا کند. اما بازی این نقش کار دشواری است؛ وی هنگامی که به تعقیب این خواننده در میان بوته‌های رز می‌پردازد؛ مرز نامشخصی میان شهوت و خنده را ارائه می‌دهد.

در این صحنه فریاد و دودیدن توأم صورت می‌گیرد و این دوتن صحنه سرگرم‌کننده‌ای را بوجود می‌آورند. اما از «باب رافلسون» کارگردان انتظار می‌رفت که کم‌دی حاوی تعلیق گزنده بسازد؛ اما اکنون کم‌دی وی به مرز نمایش مضحک نزدیک می‌شود.
«کوتاه بیا پسرا فقط یک گل سرخ کوچک کافی است»

نقد فوق که در نشریه «پی پل» (۱۷ ژانویه ۱۹۹۳) انتشار یافته، عنوانش «آنچه در این فیلمها می‌گذرد» و مضمون اصلی آن تأکید بر نقش اطلاع‌رسانی است. این نقد به خوانندگان القا می‌کند که این فیلم مهم است (به دلیل بازی هنرپیشه بزرگ هالیوود جک نیکلسون در آن) و قرار است هفته آینده اکران شود.

تمامی تأکید مطلب بر نیکلسون است. زیرنویس عکس، لید و متن، همه در مورد این بازیگر مطرح آمریکایی است، البته نه در مورد شخصیتی که در فیلم بر عهده دارد. چون هیچ کجا، نام شخصیتی که وی نقشش را در این فیلم بازی می‌کند، عنوان نشده است. همواره به عنوان «جک» به وی اشاره می‌شود؛ واقعیت با خیال ادغام می‌شود. بقیه نقد، عمدتاً به ارائه توصیف زنده از ماجرای فیلم می‌پردازد، این توصیف با کاربرد صفاتی صورت می‌گیرد تا تأثیرگذاری داستان فیلم را افزایش دهد. (مانند «دلال اسرارآمیز»؛ «دنیای پرغوغا»، «موخرمایی و سرزنده»، «دزد خائن»، «حیوان جذاب»).

دو بند مطلب به تفسیر فیلم اختصاص داده شده، و عبارات جذابی به کار رفته است («مرز نامشخصی میان شهوت و خنده» و «خواننده در میان بوته‌های رز»). آخرین جمله، جنبه طنزآمیزی به مطلب می‌بخشد، منتقد به اختصار به سگ گرگی «دوک» اشاره کرده است.

پیروزی برای ارائه حقیقت

«دیوید توماس» منتقد برنامه‌های تلویزیونی

گزارشگران تلویزیونی معمولاً نویسندگان دست جوهری جراید را به حساب نمی‌آورند. آنان

هنگام رویارویی با مطبوعات تابلوید و تلاشی که مطبوعات علیه محدودیتهای اعمال شده از سوی دولت انجام می‌دهند، از موضعی بالا برخورد می‌کنند.

اما آنان می‌بایست آگاه باشند. زیرا خود ممکن است در ردیفهای بعدی فهرست انتقاد و حمله مطبوعات قرار داشته باشند.

برای اثبات این امر می‌توان از تلاش هفته گذشته وزارت کشور برای جلوگیری از پخش مصاحبه با «دنيس نیلسن»، آدمکشی که چندین نفر را به قتل رسانده است، نام برد. این مصاحبه در برنامه «قتلی در خیال» (روز سه‌شنبه) پخش شد. این برنامه که مجموعه‌ای جدی و مستند است، به بحث روانشناسی در مورد آدمکشان حرفه‌ای می‌پردازد.

بر خلاف فیلم «سکوت بره‌ها» (که روزهای چهارشنبه از شبکه «اسکای» پخش می‌شود)، این برنامه جانپان را هیجان‌انگیز جلوه نمی‌دهد. بلکه برخورد این برنامه مانند برخوردی است که یک روزنامه‌نگار خوب با آنان دارد. هدف این برنامه جست‌وجوی حقیقت و افزایش درک عمومی است.

علت جلوگیری از پخش این مصاحبه آن بوده است که ممکن است به خانواده‌های قربانیان توهین شود. اما در این مصاحبه، نام هیچ یک از مقتولین برده نشده است؛ این امر را «کارل استوتر» که از حمله «نیلسن» جان سالم به در برده، تأیید کرده است. در حقیقت، دولت مانند همیشه از هیچ اقدامی برای محدود ساختن آگاهیهای عمومی و جلوگیری از اشاعه اطلاعات فروگذار نمی‌کند.

ما از دولتی برخورداریم که آن قدر در پنهان‌کاری پیش رفته که در هیچ دموکراسی غربی دیگری سابقه نداشته است. پخش برنامه «قتلی در خیال»، پیروزی اندکی در این زمینه محسوب می‌شود و من این اقدام تهیه‌کننده و «مایک مورلی» را تحسین می‌کنم و همچنین از قاضی «الدوس» برای صدور مجوز پخش این برنامه تشکر می‌کنم.

دلهره آور

تمامی برنامه‌های پخش شده از تلویزیون در هفته گذشته یا در مورد آدمکشی بوده و یا درباره دراکولا. روز چهارشنبه «هولمز» و «واتسون» در فیلم «آخرین خون آشام» به تحقیقات پلیسی مشغول بودند، فیلم پرخرجی که دلهره‌آورترین جنبه آن، جثه عظیم «جرمی برت» محسوب می‌شود. ضمناً فیلم «نمایش سات بانک» (که روز یکشنبه پخش شد)، نیز در مورد دراکولا بود. این فیلم در یافتن هویت جدید با دشواری بسیاری روبه‌رو می‌شود.

از سوی دیگر در سراسر فیلم، تحقیق جدی در مورد افسانه دراکولا که از کتاب «بران استاکر» برگرفته شده است، به چشم می‌خورد. معمولاً این فیلم با دراکولای «فرانسیس فورد کاپولا» مقایسه

می‌شود. البته باید گفت که تحسین هنری فیلم یک مسأله است و نقد آن مسأله‌ای دیگر. هنوز، ناهنجارتر از این هم امکان دارد؛ پخش فیلمهایی مانند «خطوط خون» ساخت دراکولای «کاپولا» (پخش از بی‌بی‌سی روزهای شنبه). این برنامه از یک کمپانی فیلم‌سازی کلمبیا خریداری شده است. کاملاً تصادفی، استودیوی کلمبیا، همان استودیوی فیلمبرداری است... بله حتماً حدس زده‌اید... که دراکولای «کاپولا» در آن استودیو فیلمبرداری شده بود. به‌بیانی دیگر، این یک برنامه ۳۰ دقیقه‌ای تبلیغاتی به شمار می‌رفت. من نمی‌دانم واقعاً «جان برت» در مورد آن چه خواهد گفت؟ خبرهای بهتری که برای آقای «برت» وجود دارد از این قرار است: بهترین فیلم هفته که روز سه‌شنبه از کانال ۲ بی‌بی‌سی پخش شد، فیلم «اروپا در آستانه» بود که بروز درگیری احتمالی میان اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۳ را به نمایش گذارده بود.

تباهی

در فیلم «اروپا در آستانه» که تهیه‌کننده آن «گلین جونز» و کارگردان آن «مارش مارشال» است، جاده‌ای مشاهده می‌شود که از «ماستریخت» به «ارماگدون» می‌رود. در این فیلم، تصاویر گرافیکی کامپیوتری پیشرفته‌ای که توسط «کریس فینز» طراحی شده‌اند، مشاهده می‌شود. اما دلهره‌آورتر آن که بخش‌هایی از اخبار واقعی شورشها، انفجار بمبهای هسته‌ای و نابودی محیط زیست در این فیلم نشان داده شده است که همه واقعی هستند.

هنگامی که فیلم تمام شد، می‌خواستم بلیت هواپیما به نیوزیلند را رزرو کنم؛ چرا که بعد از ۲۰ سال اخیر تنها مکانی که باقی می‌ماند، همان جاست.

این ستون از نشریه «ساندی اکسپرس» (۳۱ ژانویه ۱۹۹۳)، برخی عناصر نقد سطحی را نیز داراست. ذکر نام «دیوید توماس» به صورت برجسته در ابتدای مطلب، بیانگر شهرت وی به عنوان منتقد است. شما ممکن است هیچ‌یک از برنامه‌هایی را که در این مطلب تأکید شده است ندیده باشید. اما تأکید بر آن در این مطلب عاری از لطف نیست.

این مطلب را با مطلب قبلی از نشریه «بی‌پل» که نام منتقد در آخر مطلب آمده بود، مقایسه کنید. در آن مطلب تفسیر منتقد جای کمی را به خود اختصاص داده بود.

مطلب «توماس» نیز نوعی نقد عامه‌پسند محسوب می‌شود. زیرا چند اثر را تحت یک عنوان

مورد بررسی قرار داده است.

این واقعاً جالب است که مسأله اصلی خبری روز در بخشهای متنوعی مانند مقالات توصیفی و هنری نیز منعکس می‌شود. در اینجا «توماس» با اشاره‌ای غیرمستقیم به موضوع بحث برانگیز جاری در مورد اعمال محدودیت بیشتر بر مطبوعات، مطلب را آغاز می‌کند.

وی این مطلب را به تفسیری در مورد تلاش وزارت کشور برای جلوگیری از پخش مصاحبه با «دنيس نیلسن» آدمکش حرفه‌ای، که هفته گذشته مطبوعات به صورتی گسترده و مشروح بدان پرداخته‌اند، ربط می‌دهد. حس ارزش خبری، مشخصاً بر انتخاب موضوع آغازین تأثیر گذارده است.

اشاره به «نویسندگان دست جوهری جراید» استعاره‌ای است؛ که اشاره می‌کند به این نکته که با پیشرفت فن‌آوریهای جدید، دیگر داستان گزارشگران چون گذشته آلوده به جوهر نیست. (گرچه گاه گزارشگران به «آسیب‌ناشی از کشش عضلانی مکرر» مبتلا می‌شوند؛ به فصل ۱۴ مراجعه کنید). وی در بیان نگرش گزارشگران تلویزیونی نسبت به مطبوعات عامه پسند، نکته‌ای را مطرح می‌سازد، اما این مسأله که وی به تابلویدها اشاره کرده، عجیب است؛ تمامی مطبوعات با محدودیتهای دولتی روبه‌رو هستند.

به همین صورت تفسیر آغازین توماس به راحتی به بحث برنامه «قتلی در خیال» (کانال و روز پخش آن مشخص شده است)، کشیده می‌شود. کاربرد عبارت «برای اثبات این امر» عبارت ربطی بسیار مهمی است.

تفسیرها دقیق هستند. وی ترتیبی اتخاذ می‌کند تا آن را با مشهورترین و تازه‌ترین فیلمی که در مورد آدمکشهای حرفه‌ای ساخته شده است، مقایسه کند و نکته مناسبی را در مورد هدف روزنامه‌نگاری خوب نشان دهد. هدف آن جست‌وجوی حقیقت (گرچه مفهومی بسیار پیچیده دارد) و افزایش درک خواننده است.

در بند بعدی وی به استدلال افرادی که در جست‌وجوی ممنوعیت پخش این برنامه هستند، پاسخ می‌دهد و با ارائه تفسیری در مورد این خواسته دولت مبنی بر محدودیت اطلاعات، نتیجه‌گیری می‌کند. وی با انتقاد از افراطی بودن پنهانکاری دولت، مطلب را ارائه می‌دهد. این

مسأله تا حدی صحیح است. اما تناقض در این حقیقت نهفته است که این دیدگاه در نشریه «ساندی اکسپرس» عنوان شده است، نشریه‌ای که خود بخشی از سیستم حاکم است.

«توماس» بعد از قتل و آدمکشی، با کاربرد عبارت ربطی به موضوع بعدی‌اش: «تمامی هفته، برنامه‌های پخش شده از تلویزیون یا در مورد آدمکشی بوده و یا در مورد دراکولا» می‌پردازد (گرچه تا اندازه‌ای غلوّ روزنامه‌نگاری صورت گرفته است). وی سه برنامه بدین مضمون را در بخش مضمونی که از بند ۷ تا ۹ ادامه یافته است، مطرح می‌سازد.

سر دبیر فقید نشریه «پانچ» زمانی نکته هوشمندانه‌ای را مطرح کرده بود مبنی بر آن که وحشتناکترین جنبه این فیلم، ماجرای آن نیست بلکه جثه عظیم «جرمی برت» است. او تصور می‌کرد خوانندگانش که از مخاطبان رسانه‌ها به شمار می‌روند، متوجه فردی که وی بدان اشاره می‌کند، خواهند شد. توماس با ذکر واژه «ضمناً» به طرح برنامه جدیدی می‌پردازد. وی فیلم «نمایش سات بانک» را که دریافتن هویت جدید با دشواری بسیاری روبه‌رو می‌شود، مطرح می‌کند و سپس این نکته را بسط می‌دهد.

از اینجا با ذکر عبارت ربطی «هنوز ناهنجارتر از این هم امکان دارد» به بررسی فیلم «خطوط خون» می‌پردازد و نکته مهم و بحث‌برانگیز دیگری را مطرح می‌کند و آن این که برخورد با هر دوی این فیلمها به نوعی بیانگر نادیده گرفته شدن تمایز میان روزنامه‌نگاری و روابط عمومی‌هاست.

کاربرد مضمون «جان برت» آن است که بخش «کاپولا» را با بخش‌هایی مربوط سازد. اما چه تعداد از مردم از این موضوع که «جان برت»، کارگردان بی‌بی‌سی بوده است، آگاه‌اند؟ قطعاً چندین ماه پس از انتشار این نقد که ماجرای افتضاح مالیاتی وی برملا شد، تعداد بیشتری از مردم او را شناخته‌اند. اما در آن زمان فقط روزنامه‌نگارانی مانند توماس، وی را می‌شناخته‌اند. شاید توماس بیش از اندازه از خوانندگان عام خود انتظار داشته است. اشاره ساده‌ای به شغل «برت» کافی بود تا این مشکل را حل کند.

تلویزیون

«الیسون پیرسون»

فصل، فصل تابستان است و زندگی تهوع‌آور؛ گرما و بوی اجسادی که زیر کف‌پوش روی هم انباشته شده‌اند، «دینس نیلسن» را نگران کرده است. آنگاه فکری به ذهن وی خطور می‌کند: «من فکر کردم آنچه بوی بد را موجب می‌شود، معده و روده است. بنابراین یک آخر هفته، کف‌پوشها را برداشتم و اجساد را کالبدشکافی کردم. این کار وحشتناکی بود.» «نیلسن» توضیح می‌دهد که وی به شدت مست می‌کرد و به همین جهت حالتش به هم نمی‌خورد. اگر چنین کاری، حال یک آدم‌کش حرفه‌ای را بر هم زند، سازندگان برنامه «قتلی در خیال» تصور می‌کنند چه بر سر بینندگان این برنامه می‌آید؟ آیا مجبور به تماشای برنامه می‌شوند، ابلهانه به نظر می‌رسد!

وزارت کشور در این مورد اقدام بسیار بجایی به عمل آورده است. تلاش برای جلوگیری از پخش مصاحبه با «نیلسن»، شمار بینندگان را افزایش خواهد داد. هشدار قبل از پخش برنامه، حتی افرادی را که نمی‌خواستند برنامه را ببینند نیز به سوی خود می‌کشاند: «این برنامه شامل تصاویر و بیانی است که ممکن است برای برخی بینندگان آزاردهنده باشد.» «ما امیدواریم» نیز از ابتدای این جمله حذف شده است! همان گونه که مشخص شده است برنامه «قتلی در خیال» که ظاهراً در مورد راه‌های تازه دستگیری قاتلان حرفه‌ای است، برنامه‌ای تکان دهنده است: به طرز تکان دهنده‌ای طراحی شده، به طرز تکان دهنده‌ای کارگردانی شده و به طرز تکان دهنده‌ای ساده‌لوحانه است.

شروع نقد «الیسون پیرسون» در نشریه «این‌دینپندنت ان ساندی» (۳۱ ژانویه ۱۹۹۳) دربرگیرنده خصوصیات این نوع مطالب در نشریات وزین است. بار دیگر تصویر بالای ستون که حاوی عکس منتقد است، بر ویژگی شخصی مطلب تأکید می‌کند.

بلافاصله وی لحن و سبکهای مختلف را به کار می‌برد؛ در بند آغازین این مطلب با ارائه «فصل، فصل تابستان است و زندگی تهوع‌آور» که از ترانه «جورج» و «ایراگرشون» به نام «فصل تابستان» گرفته شده است و تغییر واژه «راحت» به «تهوع‌آور»، حس آشفتگی و ناراحتی را تداعی می‌کند و همچنین از دستور زبان و محتوای غریب جمله بعدی، حس ناخوشایندی القا می‌شود: «گرما و بوی اجسادی که زیر کف‌پوش روی هم انباشته شده‌اند...» نگرانی در مورد بوی اجساد با توجه به وسعت جنایاتی که صورت گرفته است (مشکل واقعی)، پیش پا افتاده به

نظر می‌رسد.

جمله‌های بیروح که در صحبت‌های «نیلسن» آورده شده و تلفیق مسأله‌ای طبیعی (تعطیلات آخر هفته) با مسأله‌ای هولناک (برداشتن کف‌پوشها و کالبدشکافی اجساد) در یک جمله، موجب می‌شود تا تأثیر نوشته افزایش یابد. «پیرسون» پرسشی را مطرح می‌سازد و پاسخ خود را با لحنی صریح و خاص («آیا مجبور به تماشای برنامه می‌شوند، ابلهانه است!») ارائه می‌کند. بدین شیوه وی با ظرافت مسأله درگیری بر سر تعداد بینندگان را برنامه‌ای که در جریان تهیه این برنامه روی داده است، عنوان کرده است.

لحن طعنه‌آمیز وی هنگام طرح مداخله وزارت کشور، همچنین هنگام ارائه مطلب هشدار پیش از برنامه که صرفاً تماشاچیان بیشتری را جذب می‌کند و همچنین با بازی با واژه «تکان دهنده» ادامه می‌یابد. از نظر وی این برنامه تکان‌دهنده بود، نه به دلیل هشدار که برای مردم در برداشت، بلکه به دلیل بیهودگی آن تکان دهنده می‌نمود. از طریق تکرار (به طرز تکان‌دهنده‌ای طراحی شده، به طرز تکان‌دهنده‌ای کارگردانی شده و به طرز تکان‌دهنده‌ای ساده‌لوحانه است) وی بر این نکته اصرار می‌ورزد.

فیلم

«درک مالکولم»

«لوئیس مال»، فیلم «آسیب» را کارگردانی کرده است. فیلمنامه آن توسط «دیوید هیر» نوشته شده و «ژوزفین هارت»، نویسنده کتابی است که این داستان عاشقانه انگلیسی از آن الهام گرفته است. مشکل فیلم در آن است که شما نمی‌توانید مطمئن باشید روی چه کسی بیشترین تأثیر را گذارده است. به هر صورت نمی‌توان با قاطعیت آن را ابراز نمود.

به‌طور کلی، این فیلم به اثری از «دیوید هیر» بیشتر می‌ماند تا اثری از «لوئیس مال». ظاهراً قرار است فیلم، نکته‌ای را برای ما بازگو کند. اما در انتهای فیلم در می‌یابیم که هدف آن تضمین این نکته بوده است: اجازه دهید شهوت بر زندگی‌تان حکم براند، در این صورت ناچار خواهید شد با همه چیزهای دیگر زندگی خداحافظی کنید.

این امر در مورد لوید جرج و جان کندی مصداق ندارد، زیرا مطلب در مورد سیاستمداری برجسته است. این سیاستمدار («جرمی ایرنزه» که در جریان فیلم عذاب زیادی می‌کشد) وزیر

محافظه کار و بلندپروازی است که زندگی خانوادگی معمولی دارد («میراندا ریچاردسون» و بچه‌ها) و به طرز بیمارگونه‌ای به دنبال پسر روزنامه‌نگارش می‌افتد. («روبرت گریوز»، نقش پسر و «ژولیت بینوش» نقش نامزد وی را ایفا می‌کند).

بررسی «مال» و «هیر» از سیستم طبقاتی انگلیس درست است؛ اما در این فیلم احساس گریزناپذیر وقوع تراژدی، خیلی زود ارائه شده است؛ قبل از آنکه برای تماشاچیان فرصت شناخت کافی شخصیت‌های فیلم و یا اهمیت قائل شدن برای آنان را فراهم آورد.

در صحنه‌های فراوان عشقی، «ایرنز و بینوش»، به صورت عجیب و ناخوشایندی در صحنه‌های ساختگی و واقعی ترکیب شده‌اند که این امر تا حدی کسالت‌آور است. وانگهی در این فیلم، خلأ احساسی را در زندگی این سیاستمدار، آن طور که در کتاب تشریح شده است، نمی‌بینیم. کتاب آنچه را تمایلات شدید وی بر سرش می‌آورد، توضیح داده است.

«مال»، لندن را در فضایی زمستانی نشان می‌دهد و همچنین فضای کافی برای نمایش اصول خود فراهم می‌آورد تا ما را ترغیب کند به تماشای آن بنشینیم. (بازی‌های شایسته «ایان بانن»، «جماکلارک» و «لزلی کارتون» قابل تحسین است).

حقیقت این که اگر در فیلم بعضی مسائل نادیده گرفته شده، تقصیر آنان نیست، بلکه نتیجه اجتناب ناپذیر فاصله‌گذاری میان صحنه‌هاست. در این فیلم نیز مانند سایر فیلم‌های «مال»، جنبه وحشی‌گری محض افراط در مسائل جنسی می‌توانست ارائه شود. وی در این مورد مانند «کیزلوسکی» و «پیلات» عمل می‌کند و همان احساسات را القاء می‌کند ولی لزوماً جنبه وحشیگری آن را نشان نمی‌دهد.

این نقد «درک مالکولم» در گاردین (۴ فوریه ۱۹۹۳)، از ساختار بسیار مشخصی برخوردار است:

بند ۱ و ۲: بیان «مشکل» و موضوع اصلی فیلم.

بند ۳: ارائه خلاصه ماجرا و فهرست اسامی افراد و نقشهایی که بر عهده دارند.

بندهای ۴ تا آخر: تفسیرهای بیشتری در مورد ارائه صحنه‌های تصنعی و نقشهای کم اهمیت و همچنین عدم موفقیت کلی آن مطرح می‌شود.

درون مایه اصلی این مطلب در بازی تقابلها و تناقضها نهفته است. در تمامی این مدت ظاهراً

«مالکولم» می‌گوید: «از یک سو... اما از سوی دیگر نیز...»

بنابراین در بند ۱، از یک سو وی از استعدادی که در تهیه این فیلم به کار رفته است، سخن می‌گوید. از سوی دیگر، چون افراد معتبر و مشهوری در مورد این فیلم اظهار نظر نکرده‌اند، وی کارایی آن را مورد تردید قرار می‌دهد. در بند ۲، از یک سو فیلم در صدد است مطلبی را برای ما بیان کند؛ اما از سوی دیگر مطلب چندان مهمی را نیز ارائه نمی‌دهد. گفته می‌شود که این فیلم صحنه‌های ساختگی و تصنعی داشته است، اما واقعیت امر چیز دیگری است. در بند بعدی نتیجه ماجرای غم‌انگیز فیلم اجتناب‌ناپذیر است. اما از سوی دیگر شخصیت‌های فیلم به خوبی شناخته نشده‌اند و کسی برای آنها اهمیت قائل نیست، و فیلم به همین صورت ادامه می‌یابد. در واقع پس از مدتی، این بازی نویسنده با تقابلها و تناقضها، قابل پیش‌بینی می‌شود.

در لید مطلب اشاره می‌شود که این فیلم بر اساس داستانی ساخته شده است. سپس در بند ۶ در مورد کتاب، مطالبی را در می‌یابیم. این مطلب نموداری از یک روزنامه‌نگاری خوب است. «مالکولم» نشان داده است که کار خود را خوب انجام داده اما در مورد آن خودستایی نکرده است. در عین حال نکته‌ای که وی از این مقایسه نشان می‌دهد، با دقت و صراحت بیان شده است.

در آغاز بند دوم در عین حال وی می‌گوید این فیلم به اثری از «دیوید هیر» بیشتر شبیه می‌باشد تا اثری از «لوئیس مال». این نکته مرموزی است که نیازمند ارائه توضیحات بیشتری است زیرا هر یک از خوانندگان عام این مطلب، می‌توانند مفهوم خاصی از آن را تعبیر کنند. کاربرد واژه «تضمین» نیز عجیب است. این واژه‌ای است که کاربرد آن مانند اشاره‌ای که به «لوید جورج» شده، نامناسب به نظر می‌رسد.

در بند ۳، کاربرد پراکنجهایی که برای ایجاز در ارائه مطالب به کار رفته‌اند، کاملاً بجا بوده است. وی سپس با ارائه جمله انتقادی از خود که «اگر این مطلب فقط به نکته کوچکی از فیلم «آسیب» اشاره دارد»، تفسیرهای کلی‌تری را مطرح می‌کند. اشاره به سیستم طبقاتی انگلیس، نمایشی و در عین حال غیرمنتظره به نظر می‌رسد، زیرا در مطلب هیچ اشاره‌ای به احتمال وجود چنین مضمونی نشده است. شاید اشاره به سیستم طبقاتی بدان معناست که مفهوم اجتماعی

عمیقتری از این فیلم ارائه شود و مطلب انتقادآمیز را با ارائه چنین تفسیر مثبتی، متوازن سازد. و تلویحاً به خوانندگان گفته می‌شود لزومی ندارد برای شخصیت‌های فیلم اهمیتی قائل شوند که این امر ظاهراً با جمله بعدی «بازی‌های شایسته هنرپیشه‌ها...» تناقض دارد.

در بند آخر کاربرد پراتزها بجاست: رعایت یک اصل حیاتی روزنامه‌نگاری مبنی بر بیان جزئیات به صورت ایجاز. اما بار دیگر چند عامل مبهم بروز می‌کند. قبلاً «مالکولم» گفته بود تماشاچیان ترغیب نمی‌شوند برای شخصیت‌های فیلم اهمیتی قائل شوند. در اینجا، وی ظاهراً اظهار می‌دارد که بازی آنان دیدنی است. آیا تناقضی در این مسأله به چشم نمی‌خورد؟ وی با ذکر نمونه‌هایی مانند «کیزلوسکی» و «پیلات»، نتیجه‌گیری می‌کند که صحنه‌های برهنگی بازیگران لزوماً جنبه‌های وحشیگری محض افراط در مسائل جنسی را نشان نمی‌دهد.

روزنامه‌نگاری آزاد: راهنمای حیاتی

همان گونه که انواع مختلفی از گزارشگران رسمی نشریات وجود دارد، انواع مختلف روزنامه‌نگاران آزاد نیز سرگرم کارند. برخی از این روزنامه‌نگاران آزاد، بالاترین میزان دستمزد را دریافت می‌کنند و از پرکارترین نویسنده‌ها به شمار می‌روند. اما برای برخی دیگر، گذران زندگی بسیار دشوار است، به‌ویژه با توجه به رکود و کاهش گسترده مشاغل روزنامه‌نگاری؛ رقابت فشرده‌ای میان روزنامه‌نگاران آزاد وجود دارد. به‌طور روزافزونی، واژه «روزنامه‌نگار آزاد» به‌عنوان حُسن تعبیری برای «بیکار بودن» کاربرد یافته است.

به همین صورت اگر شما فردی مصمم، منظم و با استعداد هستید، باید بدانید که موقعیتهای خوب هنوز در پیش رویتان قرار دارد و می‌توانید با استفاده از آن فرصتها، گامهای موفقیت را در این زمینه بردارید.

زندگی به‌عنوان روزنامه‌نگار آزاد مزایا و معایبی هم دارد: مزایای آن عبارت از برخورداری از «آزادی» است که نویسندگان تحریریه‌های سنتی اغلب فاقد آنند. روزنامه‌نگاران آزاد می‌توانند در منزل کار کنند؛ آنان ناگزیر نیستند به مقررات غالباً سخت صحن روزنامه‌ها و یا

حضور در محل کار گردن نهند؛ آنان می‌توانند از ازدحام و شلوغی محل کار در امان باشند. همچنین آنان ممکن است فرصت فراگیری تخصصی را که برای روزنامه‌نگاران رسمی اغلب با دشواریهایی همراه است، داشته باشند.

اما روزنامه‌نگاران آزاد به‌ندرت می‌توانند خود را از قیود بازار رها کنند. حتی اگر از این امور خوششان هم نیاید. روزنامه‌نگاران آزاد در بسیاری از موارد ناچارند به دنبال کسب درآمد باشند. روزنامه‌نگار آزاد می‌تواند ایده‌های متعالی در مورد روزنامه‌نگاری بر اساس ایدئولوژی داشته باشد، اما در عمل این‌گونه روزنامه‌نگاران بسیار اندک هستند.

اگر شما به روزنامه‌نگاری بالنده علاقه‌مندید؛ ابتدا شغل ثابتی برای خود پیدا کنید (به‌عنوان نمونه با کمک خیریه، و یا افراد پژوهشگر و غیره) و آنگاه تجارب روزنامه‌نگاری آزاد خود را براساس آن بنا نهید.

در برخی جنبه‌ها کار روزنامه‌نگاران آزاد دشوارتر و به مراتب پرفشارتر از روزنامه‌نگاران رسمی است. زیرا روزنامه‌نگاران آزاد نه تنها دغدغه یافتن کار، ارائه ایده‌های نو و رعایت ضرب‌الاجل برای آماده کردن مقالات را دارند، بلکه مسائل بسیاری وجود دارد که در مورد آنها نگرانیهایی نیز دارند.

مشکلات مالیاتی آنان و پرداخت به موقع مالیات به وزارت دارایی از این دست به‌شمار می‌آیند. آنان بایستی از نرخ‌ها مطلع باشند و اطمینان حاصل کنند که ابزار مورد نیازشان فراچنگ آمده است. فقدان درآمد ثابت ماهیانه که روزنامه‌نگاران رسمی دریافت می‌کنند، روزنامه‌نگاران آزاد را ناچار می‌سازد از لحاظ مالی محتاط‌تر عمل کنند.

اما در رأس تمامی این مسائل، این مشکل وجود دارد که روزنامه‌نگار آزاد از امنیت شغلی برخوردار نیست. وقتی رکود شغلی ایجاد می‌شود، روزنامه‌نگاران آزاد اولین گروهی هستند که آسیب می‌بینند. بدون مصاحبت با همکاران - که معمولاً در مشاغل تمام وقت وجود دارد - زندگی روزنامه‌نگار آزاد می‌تواند به تنهایی بگذرد.

اما با توجه به کاهش مشاغل در حرفه روزنامه‌نگاری، هر روزه روزنامه‌نگاران بیشتری به کار

آزاد روی می‌آورند. از آن‌جا که این روزنامه‌نگاران قادر نیستند کار تمام وقتی در یک نشریه پیدا کنند، لذا با نشریات گوناگون در زمینه‌های متنوع همکاری می‌کنند. ممکن است آنها دو روز با یک نشریه همکاری کنند و برای دو نشریه دیگر به‌طور منظم مقاله توصیفی ارسال کنند و یا بنا بر سفارش آنان کتاب بنویسند. آنان همچنین ممکن است کار مشاوره رسانه‌ای را نیز انجام دهند و در حالی که کتاب سفارشی می‌نویسند، مقالات در زمینه‌های مختلف را نیز برای برخی نشریات ارسال کنند. برخی برای بهتر انجام دادن کار خود به‌عنوان روزنامه‌نگار آزاد، جلسات آموزشی را در مرکز آموزش روزنامه‌نگاری محلی خود می‌گذرانند. در واقع، در دنیای «پس از دورهٔ تاجر، افراد هر کاری را که بتوانند پیدا کنند، انجام می‌دهند.

حال اگر شما مایل‌اید به‌عنوان روزنامه‌نگار آزاد کار کنید، این نکات را به‌خاطر بسپارید: شما بایستی انعطاف‌پذیر، خلاق و با انگیزه باشید. آیا مطمئن هستید که از خصوصیات یک روزنامه‌نگار آزاد برخوردارید؟ اگر چنین خصوصیتی نداشته باشید، کار برای شما بسیار دشوار خواهد بود. اما با برخورداری از چنین خصوصیتی می‌توانید به‌عنوان روزنامه‌نگار آزاد به این کار فرحبخش ادامه دهید.

آغاز کار

البته کار به‌عنوان روزنامه‌نگار آزاد کار ساده‌ای نیست. برخی روزنامه‌نگاران آزاد همان روزنامه‌نگاران رسمی و تمام وقت سابق نشریات هستند که به‌تخصص در زمینه‌ای دست یافته‌اند و از این رو مطالب خود را به نشریات سراسری ارسال می‌کنند. (روزنامه‌نگاران آزاد اغلب بر اساس تعداد سطرهایی که نوشته‌اند، دستمزد دریافت می‌کنند) سپس بر اثر انتخاب و یا احساس نیاز به کار تازه‌ای دست می‌زنند و به‌تنهایی تشکیلات مطبوعاتی کوچکی را به راه می‌اندازند.

گاه یک فرد غیرحرفه‌ای که دارای تخصص خاصی است نیز به این حرفه نزدیک می‌شود؛ ممکن است مؤسسه آنان همکاری نزدیکی با رسانه‌ها داشته باشند و گاهی هم مقالاتی را برای

انتشار در مطبوعات ارسال کنند. بدین ترتیب ممکن است چنین افرادی با تغییر شغل، به روزنامه‌نگاری به‌عنوان حرفه روی آورند.

خصوصیتی که تمامی این افراد را با یکدیگر مرتبط می‌سازد، برخورداری از تخصصی است که می‌تواند در روزنامه‌نگاری به کار گرفته شود. روزنامه‌نگاران آزاد خیلی کمی افراد به اصطلاح همه فن حریف هستند.

آرزوی برخی روزنامه‌نگاران آزاد بلند پرواز این است که در خانه‌شان مقابل کامپیوتر بنشینند و نظریات شخصی خود در مورد مسائل عمده روز را تایپ کنند و از طریق «مودم» و واسطه برای روزنامه‌هایی که همواره قدرشناس زحمات آنها هستند، ارسال کنند. هیچ مسأله‌ای، در واقعیت امر روزنامه‌نگاری آزاد تغییر ایجاد نمی‌کند. روزنامه‌های محلی یا چنین کارهایی را خیلی کم می‌پذیرند یا این که صرفاً از روزنامه‌نگارانی که سابقاً در نشریه‌شان شاغل بوده‌اند و در حال حاضر به صورت آزاد کار می‌کنند، مطلب دریافت می‌کنند. روزنامه‌نگاران آزاد، در صورت دسترسی داشتن به منابع خبری عمده و برخوردار بودن از آگاهی‌های ویژه به موقفیت‌های مهمی دست می‌یابند. از سویی، روزنامه‌نگاران آزاد بایستی خلاق باشند و همواره بتوانند ایده‌های متنوع و مبتکرانه‌ای برای نگارش مقالات توصیفی به کار برند.

ابزار اولیه

● کامپیوتر شخصی و چاپگر: داشتن کامپیوتر شخصی شما را از تایپ تکراری مطالب بی‌نیاز می‌سازد و می‌توانید مطالب خود را در حافظه آن ذخیره کنید. تمامی مطالب مهم، بایستی بر طبق تقسیم‌بندی نشریات مختلف، در حافظه کامپیوتر نگهداری شوند. برخی روزنامه‌ها مطالب روزنامه‌نگاران آزاد را از طریق واسطه‌هایی نظیر فاکس (نمابر) دریافت می‌کنند. اگر شما به صورت روزنامه‌نگار آزاد همکاری مستمری با یکی از روزنامه‌ها داشته باشید، آنان ممکن است مودمی در اختیار شما قرار دهند که مطالب را مستقیماً از طریق یک خط تلفن به سیستم کامپیوتر آنان ارسال کنید و یا حتی ممکن است کامپیوتر شخصی و دیسک برای

ذخیره کردن مطالب در اختیاران بگذارند. برخی روزنامه‌نگاران آزاد نیز با هماهنگی مسؤول سیستم کامپیوتری روزنامه، از طریق کامپیوترهای روزنامه به پایگاههای اطلاع‌رسانی دست می‌یابند.

● **دستگاه تلفن و پیام‌گیر:** برخی روزنامه‌نگاران آزاد دارای تلفن همراه هستند. بعضی دیگر از دستگاه تلفنی که گفت‌وگوها را ضبط می‌کند، استفاده می‌کنند. در مورد مسائل مالیاتی بهتر است روزنامه‌نگاران تلفنهای شخصی و کاری خود را از یکدیگر جدا کنند.

● **دستگاه فاکس:** با توجه به سرعت کارهای روزنامه، کارکرد پست معمولی اغلب خیلی کند است. استفاده از فاکس به فعالیتهای روزنامه‌نگاری سرعت می‌بخشد.

● **ضبط صوت کوچک:** برای ضبط حضوری مصاحبه‌ها.

● **یک دستگاه تلویزیون:** برخی روزنامه‌نگاران آزاد برنامه‌های مهم تلویزیونی را برای آگاهی یافتن از اخبار جدید و مهم دنبال می‌کنند. همچنین داشتن یک دستگاه رادیو نیز از ضروریات روزنامه‌نگاری است.

● **حسابداری که در مورد قوانین مالیاتی شما را راهنمایی کند:** به‌عنوان روزنامه‌نگار آزاد، شما خویش فرما محسوب می‌شوید و از این رو بایستی مالیات درآمد خود را بر اساس جدول خویش فرمایان پردازید. (بر خلاف شاغلان پاره وقت و یا شاغلان موقت که مالیاتشان تحت سیستم دیگری حساب می‌شود) اگر شما در حرفه‌تان به موفقیت‌های ویژه‌ای دست بیابید و مشهور شوید، در این صورت می‌بایست ارزش افزوده مالیاتی را نیز پرداخت کنید. اغلب روزنامه‌نگاران آزاد با ممیز مالیاتی محل خود تماس مستمر دارند.

● **دفتر کار و میزکار:** اگر شما اتاقی از خانه‌تان را منحصراً به دفتر کار اختصاص داده‌اید، در مورد مالیات کسب سرمایه با مشکل روبه‌رو خواهید شد. با حسابدار خود در این مورد مشورت کنید. دفتر کار شما معمولاً دارای کتابخانه‌ای است که حاوی کتابهای مرجع، فرهنگهای لغت، کتاب نقل قولها و همچنین روزنامه‌ها و مجلات مختلف (به‌ویژه نشریات تخصصی) است. بعلاوه، کتاب راهنمای نگارش و کتاب سال نویسندگان و هنرمندان هم ابزار اساسی شما

محسوب می‌شوند؛ این کتابها، فهرست ارزشمندی در مورد روزنامه‌ها ارائه می‌دهند. دستیابی به کتابخانه‌های عمومی و تخصصی نیز ضروری است. روزنامه‌نگاران آزادی که به‌طور دائم با نشریه‌ای همکاری دارند، معمولاً از موقعیت استفاده از امکانات کتابخانه‌ای روزنامه‌ها و آرشیو آنان برخوردارند.

● **قفسه آرشیو:** این قفسه برای نگهداری بریده‌های جراید، تهیه رونوشت از مطالب و مقالات مهم و یادداشتهای مصاحبه‌ها و منابع کتبی ضروری است. قابلیت تنظیم سیستم مرتب‌بایگانی هنر خاصی است که توانایی بسیاری می‌طلبد. هنگامی که سیستم‌بایگانی مرتب نیست، مدت زمان زیادی برای یافتن اطلاعات مورد نظر هدر می‌رود. نظارت دائمی بر آرشیوتان ضروری است. برخی فایلها دیگر به درد نمی‌خورند و بایستی دور انداخته شوند و یا لازم است فایل‌های جدیدی درباره مسائل جدید به مطالب آرشیو افزوده شوند.

● **دفتر یادداشت آرم‌دار و کارت حاوی مشخصات و نشانی.**

● **دفتر یادداشت و قلم.**

● **دفتر صورت حساب برای ارسال به ادارات مربوطه.**

● **حمل و نقل:** اغلب گزارشگران رانندگی می‌کنند و اتومبیل‌های شخصی دارند که هزینه‌هایی را بر آنها تحمیل می‌کند. برخی روزنامه‌نگاران آزاد دارای موتورسیکلت هستند و سایرین نیز از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند.

● **دوربین:** ضروری نیست. ولی ارائه گزارش با یک عکس خوب به سردبیر، توجه وی رانسبت به گزارشگر جلب می‌کند.

● **توانایی پیروی دقیق از برنامه کاری:** و برخورداری از برنامه‌ریزی عملی.

تمامی مطالب بالا بر این مسأله تأکید می‌کند که شما قبل از شروع کار نسبتاً دشوار روزنامه‌نگاری آزاد، نیاز به مقداری سرمایه دارید.

یافتن نشریه

سعی کنید میزان تقاضا در زمینه تخصصی مورد علاقه‌تان را بشناسید. سبکهای مختلف نگارش، اندازه جملات و مقالات در نشریات مختلف را فراگیرید. همچنین تلاش کنید از طریق آشنایی با اسامی نویسندگان و سنجش میزان کار روزنامه‌نگاران آزاد در هر نشریه و در هر زمینه تخصصی، حاصل کار همکارانتان در نشریات مختلف را ارزیابی کنید. ممکن است کار روزنامه‌نگاران آزاد بیشتر در زمینه گزارشهای تشریحی، یا تفسیرهای معتبر و موثق و یا مقالات توصیفی‌ای باشد که با عامل زمان کار زیادی ندارد. همواره آخرین شماره‌های نشریات را با دقت بخوانید تا مطمئن شوید مطلبی را که قبلاً کار شده است، تکرار نمی‌کنید.

تماس تلفنی با نشریات برای جمع‌آوری این نوع اطلاعات و حتی آگاهی از دیدگاههای کلی آنان در زمینه روزنامه‌نگاری آزاد کار خوبی نیست. شما بایستی تمامی این اطلاعات را با خواندن شماره‌های مختلف نشریه کسب کنید و بعد با مطلبی که آماده کرده‌اید، با نشریه مورد نظر تماس بگیرید.

اگر مطلب خبری داغی را در اختیار دارید، قطعاً بایستی با نشریه تماس تلفنی بگیرید. اما اگر مطالب غیرفوری را نوشته‌اید، اقدام به این کار لازم نیست. برخی روزنامه‌نگاران آزاد، تماس تلفنی با نشریات را ترجیح می‌دهند. برخی دیگر مایل‌اند از طریق نگارش نامه با این نشریات تماس بگیرند. همواره با مناسبترین فرد ممکن در هیأت تحریریه نشریه، تماس برقرار کنید. اگر شما مطلب خبری برای نشریه محلی در اختیار دارید، با دبیر اخبار نشریه تماس بگیرید. در وهله اول انتظار گفت و گوی مستقیم با فرد مورد نظر را نداشته باشید. بلکه این امر پس از گذر از مرحله منشی‌ها و سایر افراد انجام می‌شود.

بهترین زمان برای تماس تلفنی با نشریه سراسری روزانه، قبل از ۱۲ ظهر است. اما در مورد روزنامه‌های محلی، تماس تلفنی در بعدازظهرها بهتر خواهد بود.

نکته اصلی مطلب و همچنین میزان تقریبی کلماتی را که به کار برده‌اید توضیح دهید. همواره اهمیت مطلب و این مسأله را که مطلب برای ارسال از طریق فاکس آماده است، گوشزد کنید.

شما ممکن است بتوانید مطلب آماده شده را شخصاً به دفتر نشریه تحویل دهید. وقت زیادی را هنگام تماس تلفنی صرف نکنید. اگر گردانندگان نشریه از تماس تلفنی با شما برای کسب اطلاعات در مورد سوژه مطلبی که قبلاً بدان پرداخته‌اید، استفاده کنند؛ بدانید که شما بایستی برای آن دستمزد دریافت کنید.

اگر شما برای نشریه‌ای شناخته شده نیستید، آنان معمولاً طی یک تماس تلفنی مطلب شما را نمی‌پذیرند. دبیر خبر نشریه می‌گوید: «مطلب جالبی به نظر می‌رسد، آن را برای ما بفرستید. اما در مورد انتشار آن قولی نمی‌دهم.»

انتظار بازپس دادن متن مطلب خود را نداشته باشید. حتی تضمینی هم در مورد ارسال بسته‌پستی وجود ندارد. اما همواره یک نسخه از مطالبی را که ارسال کرده‌اید، نزد خود نگه دارید. اگر نشریه‌ای آن را نپذیرفت، آن را به نشریه دیگری ارسال کنید یا جنبه‌های خبری تازه‌ای به آن بیفزایید و سپس برای نشریه‌ای دیگر ارسال کنید. ممکن است سؤالاتی در مورد مطلب شما وجود داشته باشد که پاسخ آن فقط با مراجعه به نسخه اصلی که در دست شماست، امکان‌پذیر است. همچنین برای دفاع از خود در برابر افترای محتمل، هنگامی که نشریه‌ای با افزودن تفسیر و یا مطلب نادرستی به مطلب شما، آن را انتشار داده باشد، لازم است همواره یک نسخه اضافی در نزد خود نگه دارید.

ایده‌ها و سوژه‌هایی برای مقاله توصیفی

اخبار مهمی که تازگی و روز آمد بودن خود را از دست می‌دهند، معمولاً از سوی روزنامه‌نگاران شاغل در نشریات مورد بررسی قرار می‌گیرند. از این رو، روزنامه‌نگاران آزاد معمولاً در نگارش مقالات توصیفی تخصص دارند. (مقالات توصیفی معمولاً برای انتشار در مجلات مناسبتر هستند تا روزنامه‌ها). هنگامی که چند مورد از مقالات توصیفی شما انتشار یافته است، در موقعیتی قرار می‌گیرید که می‌توانید شیوه‌های متفاوتی را در نگارش مقاله‌تان برگزینید. شما ممکن است در خواست ملاقات با سردبیر نشریه‌ای را که با آن همکاری

می‌کنید، داشته باشید تا در مورد ایده‌های تازه خود برای نگارش مقاله توصیفی گفت‌وگو کنید و یا ایده‌های خود را برای نگارش مقالات توصیفی به دفتر نشریه ارسال کنید.

همواره نگرانی‌هایی در این مورد وجود دارد. از این قبیل که نشریه‌ای ممکن است روزنامه‌نگار خود را مسؤول پیگیری و نوشتن سوژه و ایده متعلق به شما کند. روزنامه‌نگار آزاد در این مورد، از حمایت قانونی برخوردار نیست و این در حالی است که روزنامه‌نگاران و نویسندگان از مزایای حقوق مؤلف (کپی رایت) برخوردارند، اما ممکن است ایده‌ای همزمان به ذهن دو تن خطور کند و یا حتی سرقت شود.

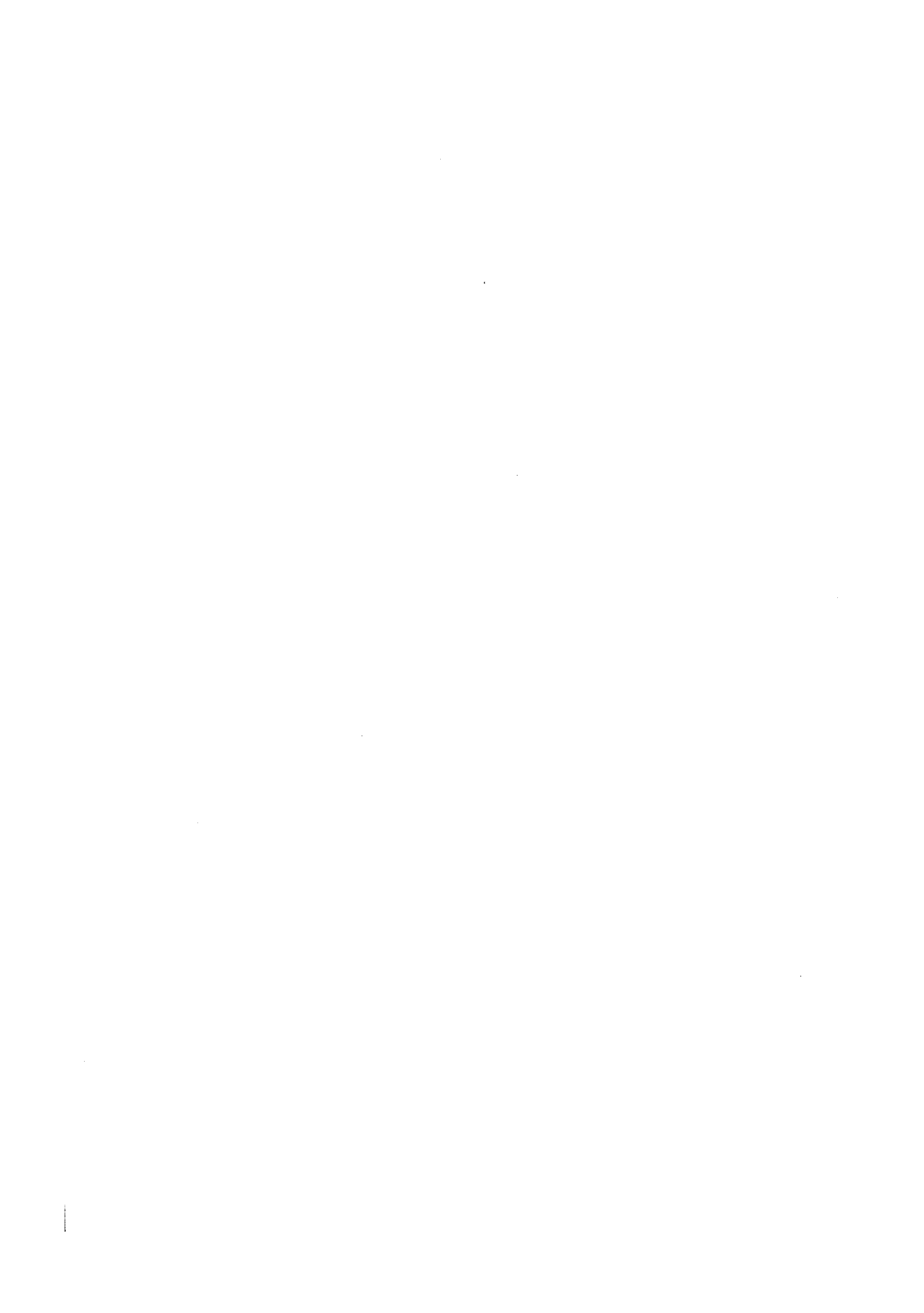
هیچ راه حل آسانی در مورد این مشکل که روزنامه‌نگاران آزاد همواره با آن مواجه‌اند، وجود ندارد. یک روش، در اختیار گذاشتن حداقل اطلاعات در مورد ایده‌تان در بدو امر است، اما پس از آن که این ایده مورد پذیرش سردبیر یا دبیر سرویس نشریه قرار گرفت، می‌توانید سایر اطلاعات را ارائه دهید. تماس رودررو و شخصی با سردبیر به ایجاد فضای اطمینان متقابل کمک می‌کند. بهترین راه اثبات قابلیت‌تان به روزنامه، از طریق ارسال مجموعه‌ای از مطالب دنباله‌دار خود به نشریه است؛ چون در این صورت، آنان مطالب شما را به رقبای دیگر واگذار نمی‌کنند. همچنین تأکید روی این مسأله ضروری است که شما تنها فردی هستید که از این اطلاعات، تماسها و یا دیدگاه‌های خاص و همچنین تمایل به نگارش مقاله در این زمینه برخوردارید. روزنامه‌نگاران آزاد مشخصاً بایستی مهارت‌های خاص چک و چانه زدن و گفت‌وگو با ارباب را کسب کنند.

هنگامی که ایده و سوژه‌ای پذیرفته می‌شود

اگر سردبیر مربوطه اظهار بدارد که: «بسیار خوب، من علاقه‌مندم مطلب شما را ببینم، ولی نمی‌توانم قول چاپ آن را بدهم»، آنها مختارند مطلب شما را بدون پرداخت دستمزد رد کنند. اما اگر سفارش نگارش مطلبی را به شما بدهند، ولی از انتشار آن سرباز بزنند، باید مبلغی که شما را راضی کند و یا کل مبلغ قرارداد را به شما بپردازند.

شما انتظار دارید در مقابل کار دشواری که انجام داده‌اید، چه میزان دستمزد دریافت کنید؟ بسیار خوب، اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران فهرستی را در مورد حداقل دستمزد روزنامه‌نگاران آزاد که معمولاً نرخ آن با گذشت زمان تغییر می‌کند، اعلام کرده است. شما می‌توانید با مراجعه به آن اطلاعاتی در مورد میزان دستمزدها کسب کنید. اما در این روزهای رکود در بازار کار، دستمزدهای روزنامه‌نگاران آزاد یا همچنان ثابت مانده و یا کمتر هم شده است.

شما نیز هنگام عقد قرارداد در مورد هزینه‌های آن مذاکره کنید. زیرا بدون توافق در این مورد ناچار می‌شوید از دستمزد خود برای صرف هزینه‌های تحقیق استفاده کنید. بلافاصله پس از اتمام مطلب خود صورت حساب مربوطه را برای نشریه بفرستید.



فصل سیزدهم

کاوش تکان‌دهنده: روزنامه‌نگاری تحقیقی

«دیوید نورتمور»

یکی از اساسی‌ترین افشاگریها، در مورد وقوع پی در پی رسوایی‌های عمدهٔ آخر دهه ۱۹۸۰ تا اوایل دهه ۱۹۹۰ پیش آمد، که افرادی مانند «ماکسول»، «گونینس»، «بارلوکلاوز»، «جانسون متی» و «پولی پک» در آن دست داشتند؛ این امر که در گزارشهای وزارت دفاع ثبت شده بود در جریان محاکمه عاملان پروندهٔ «ماتریکس چرچیل»^(۱) در پاییز ۱۹۹۲ فاش شد. در گزارشهای وزارت دفاع، در مورد احتمال افشای اطلاعات مربوط به ارسال سلاح به خاورمیانه در سال ۱۹۸۹، چنین آمده است: «احتمال افشای این اطلاعات سرّی می‌رود، به‌ویژه اگر فردی مانند یک روزنامه‌نگار تحقیقی در مورد آن پیگیری کند، در این صورت امکان علنی ساختن این اطلاعات وجود دارد.»

۱- نام پرونده ارسال غیرقانونی سلاح به عراق.

اما در مورد ارسال اسلحه به خاورمیانه، هیچ روزنامه‌نگار تحقیقی، این مسأله را برملا نساخت و در واقع، جزئیات ارسال اسلحه‌های انگلیسی به عراق، صرفاً در جریان محاکمه مسؤول اجرایی طرح «ماتریکس چرچیل»، افشاء شد. علت افشای آن نیز یک سلسله تلاشهای قانونی بود که وکلای مدافع آنها به کار بردند. نقش روزنامه‌نگاران و نشریات آنان در این ماجرا، مانند موارد محاکمات متعدد جریانهای کلاهبرداریهای مختلف، صرفاً نگرستن به ماجرا از حاشیه و سپس تحلیل مشروح آن پس از خاتمه دادرسی بوده است.

چنین تحلیلهایی دهها هزار کلمه مطلب در مورد اطلاعات گذشته و تفسیر در مورد وضع فعلی آن را می‌طلبد. ولی همواره شواهد اندکی دال بر پشت‌تاز بودن مطبوعات در جریان تحقیقات در مورد خلافاکاریهای مهم و مورد توجه مردم وجود دارد. در این قبیل موارد گروههای مطبوعاتی و خبرگزاریهای مختلف و سایر رسانه‌ها معمولاً به دریافت اطلاعاتی که در جریان دادرسی‌ها یا حسابرسی‌های رسمی افشاء می‌شود و یا اطلاعاتی که گاه از سوی منابع مطلع از چنین کمپانی‌ها و سازمانهایی ارسال می‌شود، قناعت می‌کنند.

مطبوعات در جریان تحقیقات و افشای خلافاکاریهایی که در جامعه انگلیس روی می‌دهد، چه نقشی را بایستی بر عهده گیرند؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا بررسی کوتاهی از برخی خصوصیات متمایز ساختارهای سیاسی و قانونی انگلیس، که بر نقش روزنامه‌نگاری تحقیقی تأثیر می‌گذارد، ضروری است.

ذکر این نکته که انگلیس هیچ قانون اساسی مکتوبی ندارد، دارای اهمیت است. در صورت درخواست پارلمان، حقوقی را که در مجموعه قوانین فردی گنجانده شده است می‌توان از قوانین حذف نمود و بر خلاف بسیاری از کشورهای پیشرفته اروپایی، اسکاندیناوی، شمال آمریکا و استرالیا، در کشور انگلیس هیچ مکانیزم قانونی مانند «منشور حقوق شهروندان» یا «قانون آزادی اطلاعات» وجود ندارد که حق دستیابی شهروندان یا عموم مردم را به اطلاعات رسمی و یا حق ادعای خسارت شهروندان را در صورت ضایع شدن حقوق فردی‌شان از سوی دولت تضمین کند.

در هر تلاشی که برای شرکت و یا تأثیرگذاری بر روند تصمیم‌گیری دموکراتیک صورت می‌گیرد، دستیابی به اطلاعات رسمی امری ضروری است. اما شواهد گواه این امر است که نظام حکومتی بریتانیا نه تنها به پنهانکاری رسمی دست می‌زند، بلکه تداوم حکومت را نیز به این پنهانکاری وابسته می‌داند. مورد ننگین «اسپای کچر» که در نیمهٔ دههٔ ۱۹۸۰ روی داد، بیانگر میزان کاربرد پنهانکاری‌های رسمی دولت انگلیس است. نظام حکومتی انگلیس از طریق پنهانکاری توفانهای سهمگین سیاسی را از سر می‌گذراند.

در شرایطی که فقدان حقوق قانونی، دستیابی به اطلاعات رسمی را دشوار می‌سازد، ناظری قدرتمند در زمانهای بروز اختلافات منافع مردم را حراست می‌کند. روزنامه‌نگاران به‌عنوان ناظران غیررسمی بر روند حفاظت از حقوق مردم نظارت می‌کنند.

روزنامه‌نگاری تحقیقی چیست؟

اما چه عواملی روزنامه‌نگاری تحقیقی را از سایر انواع روزنامه‌نگاری مجزا می‌سازد؟ این پرسشی است که در کتاب آمریکایی «راهنمای گزارشگران: راهنمای تحقیقی در مورد شواهد و روشهای روزنامه‌نگاری» (نشر «سنت مارتین»؛ نیویورک ۱۹۸۳) مطرح شده است؛ در این کتاب که توسط «جان اولمن» و «استیوهانی من» از کالج روزنامه‌نگاری «میسوری» تدوین شده، آمده است:

گزارشی دارای اهمیت است که با تلاش و ابتکار شخصی تهیه شده باشد و همچنین افراد و یا سازمانهایی در صدد برآیند تا آن را از دید مردم مخفی نگاه دارند. سه عامل اساسی روزنامه‌نگاری تحقیقی از این قرار است: نخست این که گزارش کار خود گزارشگر باشد نه این که گزارش از جمله تحقیقاتی باشد که دیگران انجام داده‌اند؛ دوم: موضوع تحقیق بایستی از اهمیتی منطقی برای خوانندگان برخوردار باشد و در نهایت افرادی باشند که در صدد برآیند تا مسائل را از مردم پنهان بدارند.

اگر این توصیفی مناسب برای روزنامه‌نگاری و گزارشگری تحقیقی باشد، در این صورت تحقیقات مشهوری که دربارهٔ ماجرای «واترگیت» به آنها اشاره شد، گزارش تحقیقی به شمار می‌آید.

ولی سوال اینجاست که آیا تحقیقاتی که در مورد فعالیت‌های اعضای خانواده‌های سلطنتی و یا ستارگان مشهور صورت می‌گیرد و معمولاً صفحات مطبوعات عامه‌پسند را پر می‌کند نیز، از معیارهای روزنامه‌نگاری تحقیقی برخوردارند؟ جنبهٔ اخلاقی روزنامه‌نگاری تحقیقی در مورد جست‌وجو در زندگی فردی اشخاص، بر رعایت عامل دوّم- که قبلاً ذکر شد- تأکید می‌ورزد: «موضوع تحقیق بایستی از اهمیتی منطقی برای خوانندگان برخوردار باشد.»

مقامات دولت محلی

دولت محلی مورد مناسبی برای آغاز کار روزنامه‌نگاری تحقیقی است. این امر، سه دلیل عمده دارد: دلیل اول، روزنامه‌نگارانی که برای مطبوعات استانی یا ایستگاه‌های رادیویی کار می‌کنند، بدون شک با دولت محلی به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیرندهٔ سیاست‌های محلی برخورد‌هایی پیدا می‌کنند. دلیل دوم، دولتهای محلی نمونه‌ای نادر از نهادهای سیاسی موجود در انگلیس هستند که با رعایت قانون آزادی اطلاعات اداره می‌شوند. دلیل سوم این که شوراها محلی معمولاً زمینهٔ مناسبی برای بروز اتهاماتی از قبیل کلاهبرداری و اختلاس در اموال عمومی هستند که در صورت برملا شدن، تحقیقاتی در مورد آنان صورت می‌گیرد؛ حتی مقامات میان پایهٔ محلی نیز اغلب میلیون‌ها پوند سرمایهٔ گردش کالا در اختیارشان است که میزان این سرمایه گاه با سرمایهٔ برخی از کمپانی‌های عمده برابری می‌کند.

دولت محلی (دستیابی به اطلاعات) قانون ۱۹۸۵

ابزار عمدهٔ موجود برای روزنامه‌نگاران در تحقیقات محلی، قانون سال ۱۹۸۵ دولتهای محلی مبنی بردستیابی به اطلاعات است.

این قانون به‌عنوان «لایحه پیشنهادی» از سوی اعضای عادی مجلس عوام توسط نماینده محافظه کار مجلس، «رایین اسکوپر» به پارلمان ارائه شد که بر اساس آن افراد عادی و به ویژه روزنامه‌نگاران از حق دستیابی به نتایج و دستاوردهای نشستهای شورا برخوردار شدند. این امر شامل شوراهای منطقه‌ای، شهری، مرکزی و استانی نیز می‌شود و فقط شوراهای بخش در این مورد مستثنی هستند.

این قانون همچنین گروههای دولت محلی را که برای اهداف خاصی برپا شده‌اند، شامل می‌شود. گروههایی مانند «کمیته اعطای کمکهای بلاعوض به مناطق لندن»، مقامات پلیس و هیأتهای مشترکی که بیش از یک مقام مسؤول در آن عضویت دارند. شرایط عمده عبارت‌اند از:

- مطبوعات و مردم از حق شرکت در نشستهای شورا، هیأتهای آن و هیأتهای فرعی که برای جامعه محلی تصمیم‌گیری می‌کنند، برخوردارند. این دربرگیرنده تمامی گروههای تصمیم‌گیرنده شوراهاست، از قبیل: هیأتها، احزاب و گروههایی که قدرت تصمیم‌گیری دارند.
- اطلاعیه شورا مبنی بر اعلام تاریخ، زمان و مکان کلیه نشستها بایستی حداقل سه روز کامل قبل از برگزاری چنین نشستهایی به اطلاع مردم برسد.
- قبل از برگزاری چنین نشستهایی، مطبوعات و مردم حق دارند از دستور جلسه و گزارشهایی که قرار است در نشست ارائه شود، آگاه شوند. همچنین آگاهی در مورد تمامی مدارک و شواهد مربوطه از حقوق مردم است.
- در طول دوره شش ساله، نسخه‌هایی که حاوی نتیجه مذاکرات نشستهای قبلی شورا، هیأتهای آن و همچنین هیأتهای فرعی آن است، بایستی در اختیار مردم قرار گیرد.
- تمامی دستور جلسه‌ها و گزارش نشستها بایستی برای اطلاع عموم به مدت شش سال، در دفتر اصلی نگهداری شوند. مدت نگهداری مدارک و شواهد داخلی دیگر چهار سال است.
- اگر به دلیل بررسی مسأله محرمانه‌ای قرار است مطبوعات و مردم از شرکت در نشست یا قسمتی از نشست منع شوند؛ این امر تنها با صدور قطعنامه در نشست، امکان‌پذیر خواهد بود.

در این قطعنامه دلایل ضرورت عدم حضور مردم و مطبوعات در نشست بایستی آورده شود و در گزارش نیز نتیجه مذاکرات جلسه و چکیده‌ای از آنچه در جلسه محرمانه گذشته است، باید ثبت گردد.

● مقامات بایستی برای تحقیق در دسترس باشند و در دفاتر اصلی نیز فهرست اسامی و نشانی کلیه اعضای شورا و همچنین اطلاعاتی از این قبیل در مورد اعضای هیأتها و هیأت‌های فرعی ثبت گردد.

● اگر به مقامی در شورا مسؤولیتی محول شود که بایستی در موارد خاصی از جانب شورا تصمیم‌گیری کند، مشروح آن بایستی ثبت گردد.

● لازم است شورا برای اطلاع مردم، در دفتر اصلی خود چکیده‌ای از قانون حقوق مردم در دستیابی به اطلاعات و همچنین شرکت در نشستها را نگهداری کند. این مطالب معمولاً در ساعات اداری در اختیار مردم قرار می‌گیرند.

● برای آگاهی یافتن از مدارک و شواهد داخلی ممکن است مردم ناگزیر به پرداخت مبلغی باشند، اما اطلاع از دستور جلسات و گزارشها و همچنین نتیجه مذاکرات نشستها رایگان خواهد بود.

● شورا ملزم است امکانات تکثیر را برای افرادی که مایل به گرفتن رونوشت از مدارک مجاز شورا هستند، فراهم آورد. شورا می‌تواند مبلغی مناسب برای استفاده از چنین امکاناتی دریافت کند.

● این حقوق در مورد سایر گروههای دولت محلی مانند مسؤولان آتش‌نشانی، پلیس و یا هیأت‌های متشکل از دو یا چند شورا نیز مصداق دارد.

به نظر می‌رسد که قانون ۱۹۸۵، آزادی دستیابی جامع اطلاعات را در اغلب زمینه‌های دولت محلی فراهم آورده است؛ اما در عمل، همین قانون را می‌توان به‌طور گسترده‌ای زیر پا گذاشت.

در سال ۱۹۹۱، گروه منطقه‌ای داوطلب که پیش‌نویس قانون ۱۹۸۵ را طراحی کرده بود،

وضعیت تمامی مقامات محلی در انگلیس و «ویلز» را که قانون ۱۹۸۵ در مورد آنان صدق می‌کند، بررسی نمود: حدود ۳۸ درصد مقامات اقرار کردند که مواد قانون ۱۹۸۵ را رعایت نکرده‌اند!

از همین‌رو، به هر روزنامه‌نگاری که قصد تهیه گزارش در مورد یک دولت محلی را دارد، توصیه می‌شود که با مطالعه متن قانون ۱۹۸۵، با مشروح مواد آن آشنایی پیدا کند. به‌ویژه به روزنامه‌نگاران توصیه می‌شود که بخش اول طرح ۱۲۸ (طرح VA) در مورد اسکاتلند را، که به طبقه‌بندی کارهای پشت درهای بسته و محرمانه شورا پرداخته است، مطالعه کنند. همچنین ضروری است که با بخش ۲ همان طرح نیز که به مفاد کاربرد شروط محرومیت پرداخته است، آشنا شوند.

به‌عنوان نمونه، یک مقام محلی که درصدد است در مورد عقد قرارداد شرکت در یک مناقصه رقابتی رأی‌گیری کند، ممکن است این بحث را به صورت محرمانه و پشت درهای بسته انجام دهد و دلیل خود را نیز بند ۹ بخش اول این طرح مطرح کند؛ در بند ۹ چنین آمده است:

بررسی هر امری که در طول مذاکرات از سوی مقامی پیشنهاد شود و عقد قرارداد خاصی که تملک دارایی و یا تهیه کالا و یا خدمات را به دنبال داشته باشد.

استفاده از بند ۹، در شرایطی به نظر می‌رسد کاربردی قانونی داشته باشد. گرچه مفاد بند ۴، بخش ۲ از این قرار است:

اطلاعاتی که مشمول بند ۹ بخش ۱ می‌شوند: اگر افشای آن برای مردم، موجب تضعیف مذاکرات مربوط به تملک دارایی یا تهیه کالا و یا خدمات بشود، در این صورت می‌توان آن را از قانون اشاعه اطلاعات مستثنی دانست.

همچنین خاطر نشان می‌شود گرچه شورا می‌تواند تحت بند ۹ این بخش، جلسه نشست را غیر علنی اعلام کند، اما پس از عقد قرارداد، مطبوعات و مردم حق دارند از گزارشها، مدارک مربوطه داخلی و همچنین نتیجه مذاکراتی که در مورد عقد قرارداد انجام گرفته، مطلع شوند.

با توجه به تجربیات به دست آمده باید به یاد داشت که هیچ راه حل قانونی مؤثری برای اجرای قانون ۱۹۸۵ پیش‌بینی نشده است. تنها راه قانونی که پیش‌روی شاکیان قرار دارد آن است که آنها در دادگاه عالی اقامه دعوی کنند. گاه بررسی این امر سالها به طول خواهد انجامید و هزینه‌های قانونی نیز ممکن است سر به فلک بزند!

گو اینکه، طرح این مسأله برای عموم، ممکن است راه حل مؤثرتری را در بر داشته باشد. و هر موردی که مقامات دولت محلی از رعایت قانون ۱۹۸۵ سرباز زنند، ارزش خبری خواهد داشت.

حقوق اعضای شورا در دستیابی به اطلاعات

قانون نه تنها برای دستیابی مردم (و همچنین مطبوعات) به اطلاعات، شرایط خاصی را تعیین می‌کند؛ بلکه برای دستیابی اعضای شورا به اطلاعات نیز محدودده‌ای را تعیین کرده است. ماده ۱۰۰F قانون ۱۹۸۵، برای اعضای شورا در دستیابی به اطلاعات، نسبت به مطبوعات و مردم حق بیشتری قائل شده است. در حقوق عرفی، اعضای شورا از حق دستیابی به مدارک و شواهد گسترده‌ای از شوراها برخوردارند. دستیابی به این مدارک و شواهد برای یک عضو شورا امری ضروری است.

این قدرت از مورد حقوقی ناشی می‌شود که هیأت خدمات اجتماعی به نام «شورای شهر بیرمنگام» در آن درگیر بوده است، (اشاره به گزارش حقوقی (AC.۵۹۷) که در آن حکم گُرد «برایتمن»- قاضی دادگاه- بسیار صریح و از این قرار بود:

وی به‌عنوان عضوی از هیأت شورا و بر اساس قوانین کل، از حق دستیابی به تمامی مطالب مکتوب هیأت برخوردار است. لذا من تردیدی ندارم که هر عضو هیأت خدمات اجتماعی، به‌دلیل وظیفه کاری خود می‌تواند تمامی اوراق متعلق به کارگران اجتماعی را در زمان عضویتش در شورا بررسی کند. هیچ نوع پنهانکاری میان یک کارگر اجتماعی و یک عضو هیأت خدمات اجتماعی وجود ندارد.

حقوق دستیابی اعضای شورا به اطلاعات شورا همواره مراعات نمی‌شود. زیرا هیچ کنترل قانونی بر حق آگاهی اعضای شورا از این اطلاعات انجام نمی‌گیرد. بررسی «طرح حقوق اجتماع» از مقامات محلی بیانگر آن بود که چند روزنامه محلی، مواردی از اعضای شورا را مطرح کرده بودند که دستیابی به اطلاعات شورا برایشان امکان‌پذیر نبوده است. چنین مواردی نشان می‌دهد وقتی اطلاعاتی در اختیار اعضای شورا قرار نمی‌گیرد، طبیعی است که این اطلاعات در اختیار مردم و یا مطبوعات محلی که نقش ناظر غیررسمی را برای مردم دارند، نیز قرار نخواهد گرفت. این بررسی همچنین از چند مورد موفق مبنی بر اعمال فشار بر شوراها برای علنی ساختن اطلاعات شورا برای عموم گزارش می‌دهد.

علاوه بر قانون ۱۹۸۵ و حقوق عرفی اعضای شورا برای دستیابی به اطلاعات رسمی، مقررات حقوقی مبهمی وجود دارد که در مورد دولت محلی وضع شده‌اند و این حق را برای مطبوعات و مردم فراهم آورده‌اند که به اطلاعات خاصی دست یابند.

قانون ۱۹۷۲ دولت محلی

قانون ۱۹۷۲ دولت محلی، قانون عمده‌ای است که بر نحوه شکل‌گیری دولت محلی در انگلیس نظارت دارد و یکی از مواد آن به مورد دستیابی به اطلاعات خاصی از شورا اشاره دارد. ماده (۲) ۲۲۸ از این قرار است:

یک رأی‌دهنده محلی می‌تواند رونوشتی از حواله‌ای را که بیانگر میزان پرداخت وجه از سوی یک مقام محلی است، تهیه کند.

متأسفانه، این قانون توضیح بیشتری در مورد عبارت «حواله‌ای که بیانگر میزان پرداخت وجه است»، نمی‌دهد. این عبارت از قوانین دولت محلی، زمانی استخراج شده است که هنوز شیوه‌های امروزی حسابداری و سیستم کامپیوتری به کار گرفته نمی‌شد. با وجود این هنوز از

مقامات محلی خواسته می‌شود که چنین مدارکی را در اختیار مردم قرار دهند. ماده (۲) ۲۲۸ را می‌توان بدین گونه تعبیر نمود: هنگامی که مسئول مالی شورا، چکی را صادر می‌کند، بایستی دستورالعمل خاصی برای ثبت آن در یادداشتها و گزارشها وجود داشته باشد. چنین مدرکی را می‌توان حواله‌ای که بیانگر میزان پرداخت وجه است نامید. با توجه به کاربرد مبهم این قانون، روزنامه‌نگاران می‌بایست مشروح شواهد و مدارک مربوط به هر معامله مالی را به دقت بررسی کنند.

عمل حسابرسی حسابهای شورا

بر اساس قانون مالی دولت محلی ۱۹۸۲، ضرورت دارد که حسابهای تمامی مقامات محلی همه ساله مورد حسابرسی قرار گیرد. قبل از انجام عمل حسابرسی سالیانه، مردم فرصت بررسی حسابهایی را که قرار است مورد حسابرسی قرار گیرند، دارند و همچنین می‌توانند تمامی دفاتر، اسناد، قراردادها، صورت حسابها، حواله‌ها و رسیدهای مربوط به آن را بررسی و یا از سایر مدارک رونوشت تهیه کنند.

ترتیب چنین بررسی‌هایی در مقررات حساب و حسابرسی ۱۹۸۳ (سند قانونی ۸۳/۱۷۶۱) پیش‌بینی شده است. بر این اساس، مدارک و شواهدی که مربوط به معاملات شوراها باشد، می‌تواند در اختیار عموم قرار گیرد و می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که هیچ معامله جعلی، تا زمانی که امکان پیگیری آن و رسیدگی دقیق به موارد آن وجود دارد، نمی‌تواند بدون تعقیب قانونی باشد.

هر روزنامه‌نگاری که بر اساس قانون ۱۹۸۲، قصد بررسی حسابهای شورا را دارد بایستی با بخش مالی شورا تماس گیرد و تاریخ حسابرسی شورا را جویا شود، همچنین قانون ۱۹۸۲ و مقررات حساب و حسابرسی ۱۹۸۳ را به دقت مطالعه کند.

بسیار ضروری است که روزنامه‌نگار تحقیقی، هدف مشخصی از انجام تحقیقات داشته باشد. برخی مقامات محلی سالیانه مسئولیت دهها میلیون پوند را برعهده دارند. از این رو اقدام

روزنامه‌نگار تحقیقی مبنی بر درخواست ارائه شواهد خاصی از مقامات مسؤل، معمولاً فرصت کمتری برای پنهان سازی مدارک مربوطه را فراهم می‌آورد.

برای نمونه در اوایل دهه ۱۹۸۰، روزنامه‌نگار روزنامه «سیتی اینکویرر»، از قانون حسابرسی دولت محلی استفاده و ثابت کرد که پلیس منچستر دو کامیون سلاح خریداری کرده است. در نتیجه انتشار این مطلب در مطبوعات، انتقادات گسترده‌ای علیه رئیس پلیس به عمل آمد و مقامات پلیس را ناگزیر ساخت تا در تصمیم خود تجدیدنظر کنند. روزنامه‌نگاری که به این افشاگری دست زد، بدون شک تمامی دفاتر، اسناد، قراردادهای، صورت حسابها، حواله‌ها و رسیدهای مربوط به خرید سلاح از سوی مقامات پلیس شهر را بررسی کرده بود.

مبالغ پرداختی به اعضای شورا

جنبه بحث برانگیز دیگری که در سالهای اخیر در مورد دولت محلی شدت یافته است، مبالغ پرداختی هزینه‌ها و سایر پرداختها به اعضای شورا بوده است. بر اساس قانون، تمامی این پرداختها بایستی به‌طور دقیق و با مشخص نمودن میزان پرداختی به هریک از اعضا و همچنین دلیل پرداختها ثبت شود. مردم نیز می‌توانند به این اطلاعات دست یابند.

محیط زیست

برخی مقامات محلی به‌ویژه در شوراهای منطقه‌ای، مسؤلیت مسائل زیست محیطی نظیر جمع‌آوری و دفع زباله، بهداشت زیست محیطی و مقابله با خطراتی مانند آلودگی هوا و زباله‌های صنعتی را بر عهده دارند.

در مقررات مربوط به اطلاعات زیست محیطی ۱۹۹۲ (سند قانونی ۹۲/۳۲۴۰) مبنی بر آزادی دسترسی به اطلاعات زیست محیطی، به دستورالعملهای عمده جامعه اروپا (شماره ۹۰/۳۱۳۰) استناد شده است.

این دستورالعمل، خواهان افشای عمومی مسائل مربوط به خطرات مواد رادیواکتیو و زیاله‌های آلوده به آن است. بر اساس این دستورالعمل موارد دیگری نیز باید بررسی شوند که عبارت‌اند از: موجوداتی که از لحاظ ژنتیکی تغییر یافته‌اند؛ عوامل صنعتی که موجب آلودگی هوا، زمین و آب می‌شوند؛ ریختن زیاله در دریا؛ کنترل زیاله‌ها؛ مکانهایی که از نظر علمی مورد توجه خاص هستند؛ مشکل سگهای ولگرد؛ برخورد با ضایعات صنعتی؛ انتقال ضایعات و مواد آلوده‌کننده آبها.

چنین گزارشهایی در اختیار «هیأت سلطنتی بازرسان آلودگی»، «کارشناسان رودخانه‌های ملی» و برخی ادارات دولتی مانند «مجریان امور ایمنی و بهداشت» و مراجع صلاحیتدار محلی و کمپانی‌های جدید امور آبرسانی قرار می‌گیرند. از آنجا که این موارد به طور پراکنده در سازمانهای مختلف ثبت می‌شوند، روزنامه‌نگار تحقیقی ناچار است برای پیگیری به همه سازمانهای مربوطه مراجعه کند.

به موجب قانون ارائه اطلاعات زیست محیطی و ایمنی سال ۱۹۸۸، مردم بایستی از طریق دریافت اطلاعاتی‌های سازمانهای مربوطه، نسبت به مسائل زیست محیطی و خطراتی که در این زمینه وجود دارد، آگاهی پیدا کنند. این موارد توسط مقامات محلی زیست محیطی وزارت بهداشت، مجریان امور بهداشت و ایمنی و خدمات آتش‌نشانی محلی صورت می‌گیرد. هر سازمان فقط اطلاعاتی و مدارک مربوط به خود را در اختیار دارد و اطلاعاتی‌هایی که از سوی سازمانهای دیگر در مورد مسائل زیست محیطی صادر می‌شود، الزاماً برای آنان ارسال نمی‌شود.

اهرمهای قانونی

اهرمهای قانونی دیگری برای وادار ساختن مقامات دولت محلی برای ارائه اطلاعات به عموم مردم وجود دارد؛ برای نمونه: قانون ۱۹۹۰ شهرسازی در سطح کشوری (و کاربردهای آن)، قانون ۱۹۸۰ زمین و شهرسازی دولت محلی (زمینهای بایری که در اختیار مقامات محلی

قرار گرفته‌اند) و ماده ۲۲ قانون مسکن ۱۹۶۱ (خانه‌هایی با چندین سکنه).
 به روزنامه‌نگارانی که مایل‌اند در زمینه کارشناسی امور دولت محلی به تخصصی دست
 یابند، توصیه می‌شود «فرهنگ قوانین دولت محلی» اثر «باتروث» را مطالعه کنند؛ در این
 فرهنگ، حتی مبهمترین موارد قانونی که شوراها را ملزم می‌سازد چنین اطلاعاتی را علنی
 سازند، نیز مورد بحث قرار گرفته است.

چند توصیه ضروری

ارائه روشی خاص برای برخورد با دولت محلی کار دشواری است؛ زیرا مقامات مختلف
 محلی معمولاً از نظر شیوه و ساختار و همچنین اتخاذ مواضع در برابر افشای اطلاعات، بسیار
 متفاوت عمل می‌کنند. در هر صورت بررسی چند نکته لازم است:

● توجه داشته باشید که خدمات کتابخانه محلی معمولاً توسط شورای استانی و یا
 منطقه‌ای فراهم می‌شود؛ از این رو بسیاری از اطلاعاتی که در جست‌وجوی آن هستید، ممکن
 است در قفسه‌های کتابخانه مرجع یافت شوند. می‌توانید از کتابدار درخواست کنید تا مدارک
 مربوط به شوراها را در اختیارتان بگذارد.

● هنگامی که می‌خواهید از یک مقام محلی اطلاعاتی درباره شورا کسب کنید، نوشته‌ای
 مبنی بر این درخواست تهیه کنید؛ در صورت عدم همکاری این مقام محلی، می‌توانید با دلیل و
 مدرک، مقام خاطی را تحت پیگرد قانونی قرار دهید. در این مورد جزئیات لازم بایستی
 یادداشت شوند: تاریخ، زمان و مکان درخواست، اطلاعات درخواستی و هویت مسئول شورا
 که درخواست به وی ارائه شده است.

● بهترین راه فراگیری موارد پیچیده یک قانون مشاهده آن در مرحله عمل است.
 برای احقاق حق قانونی خود مبنی بر کسب اطلاعات در مورد شوراها، تلاش لازم را به عمل
 آورید. همچنین به نگرشها و عملکردهای مقامات محلی که مورد تحقیق و پرسش شما قرار
 می‌گیرند، پی ببرید. کسب این آگاهیها اساس نگارش مطلب خوب را تشکیل می‌دهد. آیا آنان

ملزومات قانونی را رعایت می‌کنند و اطلاعات را در اختیار مردم قرار می‌دهند؟ یا این که موارد قانونی را نقض می‌کنند؟

دولت مرکزی

روزنامه‌نگاران کم شماری به موقعیت یک روزنامه‌نگار تحقیقی دست یافته‌اند. این امر دو دلیل عمده دارد:

توسعه دامنه روزنامه‌نگاری «خبری» و هزینه قابل توجه کار تحقیقات و تهیه گزارش مربوط به آن.

امروزه برخی از روزنامه‌نگاران از اطلاعاتی‌هایی که وزارتخانه‌های دولتی صادر می‌کنند، برای مطالب و گزارشهای خود استفاده می‌کنند و برای ایجاد تعادل در مطلب خود، نقل قولها و یا نظرات مخالف را نیز از احزاب سیاسی، گروههای فشار و یا گروههای خاص دریافت کرده و به مطلب خود اضافه می‌کنند. روزنامه‌نگاران از مسؤولان مطبوعاتی معتبر و یا مسؤولان اجرایی روابط عمومی‌ها، اطلاعات لازم را کسب می‌کنند. از این رو لازم نیست از تحریریه خارج شوند. به همین دلیل، در پیگیری ماجراهایی نظیر «ماتریکس چرچیل» با فقدان روزنامه‌نگار تحقیقی مواجه‌ایم.

به هر تقدیر همواره قبل از انجام تحقیقات مشروح در مورد مطلبی که به دولت مرکزی مربوط می‌شود، بهتر است تصور کنید روزنامه‌نگار دیگری در جای دیگر همان تحقیق شما را انجام داده است. پس با مراجعه به آرشیو، خبرها و مقالات روزنامه‌ها و نشریات ادواری را بررسی کنید. چنین نمایه‌هایی که در کتابخانه‌ها معمولاً موجود است عبارت‌اند از: نمایه نشریات، نمایه تحقیقی و نمایه علوم انسانی.

شواهد کمی دال بر کمک دولت مرکزی به عملکرد روزنامه‌نگاران تحقیقی وجود دارد. با وجود این، نشریه‌های منتشر شده در این زمینه عبارت‌اند از:

● کاتالوگ ماهیانه «اچ. ام. اس. او»: این کاتالوگ، نمایه ماهیانه‌ای است که کلیه انتشارات

دولتی را شرح داده است و با پرداخت ۱۷ پوند می‌توان برای یک سال، این ماهنامه را مشترک شد. اغلب کتابخانه‌های عمده مرجع، مشترک این کاتالوگ هستند. این کاتالوگ که دارای اطلاعات کامل است، برای افرادی که علاقه‌مند به کسب اطلاع از نتیجه کارهای دولت هستند، جالب خواهد بود. همچنین این کاتالوگ، برای افرادی که به تحقیقات گسترده در مورد مسائل دولت مرکزی مبادرت دارند، مرجع مناسبی به شمار می‌آید.

● **گزارشهای پارلمانی «هانسارد»:** یک منبع اطلاعاتی بالقوه در مورد دولت مرکزی، گزارشی است که به تشریح پاسخ‌هایی می‌پردازد که به پرسشهای پارلمانی داده می‌شود. به‌طور متوسط هر هفته ۱۰۰۰ پرسش از سوی نمایندگان مجلس مطرح می‌شود. بررسی «پرسشهای پارلمانی»، ارزش صرف وقت را دارد؛ زیرا نمایندگان مجلس اغلب اولین افرادی هستند که از تصمیمات جنجالی دولت یا رسوایی‌های مربوط به دولت مطلع می‌شوند. انتشار این جزئیات در «هانسارد» از مصونیت حقوقی برخوردار است. پرسشهای پارلمانی در پایگاه اطلاع‌رسانی کامپیوتری مجلس موجود است و برخی از سازمانها و رسانه‌ها در قالب اشتراک از آن استفاده می‌کنند. بررسی اطلاعات این پایگاه اطلاع‌رسانی نیز برای موضوع مورد نظر شما مفید است.

● **گروههای عمومی:** یک نشریه سالانه است که به تشریح صنایع ملی و گروههای عمومی غیر دولتی می‌پردازد. این نشریه فقط جزئیات مختصری در مورد هر گروه ارائه می‌دهد. برای نمونه، بودجه سالانه، شمار اعضای انتصابی و اسامی آنان برای تحقیقات سودمند خواهد بود. این امر ممکن است در مورد «کمیته بررسی سرطان‌زا بودن کاربرد مواد شیمیایی در غذاها»، «زیانهای وارده بر مصرف‌کننده‌ها و محیط»، تحقیق درباره «کمیته مشاوره‌ای ایمنی تأسیسات هسته‌ای» و «هیأت مشاوره و تصمیم‌گیری در مورد ورود فیلمهای مبتذل» نیز صدق کند.

● **گروههای تخصصی:** برای هر موضوع تحقیقی، یک سازمان تخصصی وجود دارد: گروه فشار، گروه حرفه‌ای، اتحادیه کارگری و یا سازمان تجاری. بار دیگر این نکته مطرح می‌شود که تصور این که فرد دیگری در جای دیگر قبلاً به موضوع تحقیق شما پرداخته است، مفید خواهد بود. این امر از ارزش جنبه تحقیقی کار شما نمی‌کاهد و فقط بدین معناست که شما از تحقیق فرد

دیگر برای کمک به ارائه بهتر تحقیق ابتکاری خود استفاده می‌کنید.

● **دفتر حسابرسی ملی:** گزارش سالیانه «دفتر حسابرسی ملی»، از مدارک حساس و مهمی است که از سوی دولت انگلیس منتشر می‌شود. منظور از انتشار این دفتر عبارت است از: «پاسخگویی به پارلمان و در نهایت به مردم در مورد این که استفاده از ذخایر، منابع و اموال عمومی، به طرز مؤثر و بجا صورت گرفته است یا نه». این گزارش می‌تواند مسائل مهمی را برملا سازد. به‌عنوان نمونه، متن گزارش ۱۹۹۲ «دفتر حسابرسی ملی» شامل چنین اظهاراتی بود:

هیچ شواهدی دال بر این که مبلغ ۳۳۳ میلیون پوند به صورت قانونی خرج شده، وجود ندارد. ما نتوانستیم ماده قانونی مربوط به اعطای کمکهای قانونی در مسائل کیفری را بیابیم و به همین صورت، مدارکی هم که بیانگر صرف این هزینه به‌طور کامل از سوی قضات دادگاههای بخش در مسائل کیفری باشد، وجود ندارد.

در این گزارش در مورد «آژانس خدمات دارایی» چنین آمده است:

هیچ شواهدی دال بر این که مبلغ ۶۵/۶ میلیون پوندی که خرج شده است، بجابوده و یا این که مشتریان این آژانس صرف هزینه‌ها را پذیرفته‌اند یا نه، در دست نیست. همچنین اشکالاتی در زمینه هزینه‌های نیروهای متحده مستقر در انگلیس وجود دارد. در زمینه کنترل مالی بر هزینه‌های امنیتی نیز ضعفهایی مشاهده می‌شود و میزان مبالغی که مستقیماً به افراد به کار گرفته شده، پرداخت می‌شود به طور دقیق گزارش نمی‌شود.

این مطلب خبری مهم که به رسانه‌ها واصل شده، فقط از سوی یک و یا دو روزنامه سراسری به صورتی گذرا منعکس شده است. بدون تردید مطالب مهم دیگری در گزارشهایی که از سوی «دفتر حسابرسی ملی» اعلام می‌شود، وجود داشته است.

● **کتاب سال خدمات دولتی:** این کتاب راهنما، بررسی صریحی از وضعیت هر یک از

وزارتخانه‌ها دارد و به تحلیل تقسیمات داخلی آنها می‌پردازد. این کتاب با ارائه توصیف کوتاهی از هر یک از بخشها، همراه با اسامی کارمندان ارشد دولت و شماره تلفنهای داخلی آنان، مرجع مفیدی برای روزنامه‌نگاران محسوب می‌شود.

● **قانون و ابزار قانونی:** این نشریات حقوقی، راه را برای عملکرد اغلب سازمانهای جامعه هموار می‌سازند. این امر در مورد وزارتخانه‌ها و بنگاههای دولتی نیز صدق می‌کند. همان‌گونه که در مطلب زیر خاطر نشان شده است، اطلاعات مفید بسیاری را می‌توان با بررسی قوانینی که به موضوع مورد نظر مربوط می‌شوند، دریافت کرد.

بررسی موردی: «ماتریکس چرچیل» و «عراق گیت»

در آغاز این فصل، تأکیدی بر محاکمه ننگین «ماتریکس چرچیل» در اکتبر ۱۹۹۲ مشاهده شد. سه مدیر کمپانی، متهم شدند که به طور غیرقانونی به عراق مهمات ارسال کردند و در پی آن، در اقدامی بی‌سابقه گزارشهای دو سرویس اطلاعاتی انگلیس Mi5 و Mi6، در دادگاه فاش شد و مأموران اطلاعاتی نیز ناچار به دادن شهادت در دادگاه شدند.

اما رسیدگی به این مورد، پس از اقرار «آلن کلارک»، وزیر دفاع سابق در دادگاه مبنی بر این‌که در فروش این سلاحها دست داشته است، فوراً متوقف شد. در بخشی از یادداشتی که در سال ۱۹۸۸ از سوی یک کارمند عالی‌رتبه به «آلن کلارک»، وزیر دفاع وقت ارسال شده بود، چنین آمده بود: «... روزنامه‌نگار تحقیقی می‌تواند با پیگیری قضیه به این مسائل پی ببرد.»

اما این امر که چنین تحقیقاتی صورت نگرفت، تا حدی حیرت‌آور است. زیرا در نوامبر ۱۹۸۹، نمایندگان مخالف در پارلمان، پرسشهای پارلمانی را در مورد شایعه انجام تحقیقات وزارت بازرگانی و صنایع در رسوایی «ماتریکس چرچیل» طرح کردند. طرح چنین پرسشهای پارلمانی، روزنامه‌نگاران را متوجه این امر کرد که مسائل مهمی پشت پرده در جریان است. برای نشان دادن چگونگی پیگیری روزنامه‌نگاران تحقیقی در جریان «ماتریکس چرچیل»، بهتر است ابتدا منابع اطلاعاتی را که به تحقیقات کمک کردند، بررسی کنیم:

● پارلمان: بررسی مرتب هفتگی پرسشهای کتبی پارلمانی و پاسخهای آن و یا تحقیق در پایگاه اطلاع رسانی مجلس نشان داد که برخی نمایندگان پارلمان در مورد توجه دولت در سال ۱۹۸۹ به مسأله «ماتریکس چرچیل» ابراز نگرانی کرده‌اند. بسیاری از پرسشهای پارلمانی از سوی نماینده حزب کارگر «تری دیویس» ارائه شده بود؛ برای نمونه وی با اشاره به دیدارهای یک مقام سرشناس دولتی از دفاتر «ماتریکس چرچیل» از کم و کیف این دیدارها سؤال کرده بود. در این پرسشها، حتی زمان دقیق این دیدارها نیز ذکر شده بود. با این همه، وزیر مربوطه از پاسخگویی امتناع ورزید. در این خصوص، اولین تماس روزنامه نگار تحقیقی با دفاتر نمایندگان پارلمانی بود که این پرسشها را مطرح کرده بودند.

● خانه شرکتها: خانه شرکتها معمولاً از اطلاعات جامعی در مورد شرکتها برخوردار است؛ اطلاعاتی از قبیل: صورت حسابها، یادداشتهای همکاری (مدارک دولتی که بیانگر سیاستهای بازرگانی شرکت است)، جزییات شرکتهای تابعه و کمپانی‌های اصلی. اطلاعاتی در مورد مدیران نیز معمولاً نگهداری می‌شود، اطلاعاتی از قبیل: جزییات مسائل مربوط به مدیران، تاریخ تولد، ملیت و نشانی منزل. برای نمونه اطلاعات خانه شرکتها از یک فروشنده سلاح، جزییات فعالیتهای فردی که خود دارای یک سهم در شرکت بود و همزمان مدیریت کمپانی‌های مختلف معامله سلاح را نیز بر عهده داشت. نام این فرد در «آرمی لیست»، کتاب سالی که اسامی تمامی افسران بازنشسته مستمری بگیر ارتش در آن آمده، دیده شده است. این فرد همچنین نماینده Mi6 یا اداره اطلاعات ارتش در هیأت مدیره این شرکتها بوده است.

● ادارات دولتی: اداره‌ای که صادرکننده گان سلاح، همچنین دلالان سلاح گرم و مهمات را کنترل می‌کند، «اداره سلطنتی عوارض گمرکی و مالیاتهای غیرمستقیم» نام دارد و تابع وزارت دارایی به شمار می‌رود. این اداره علیه «ماتریکس چرچیل» و مدیرانش اقامه دعوی نمود. صورت ثبت خدمات که از سوی «اداره عوارض گمرکی و مالیاتهای غیرمستقیم» تهیه شده است بیانگر وضعیت صادرات و واردات تحت عناوین معاملات بازرگانی با سایر کشورهاست. اطلاعات در این مورد به‌طور مشروح ارائه شده است. مشروح این خدمات در جزوه‌ای

تحت عنوان «آمار دولتی»، راهنمای کوتاه منابع، منتشر شده است. منبع اطلاعاتی دیگر در مورد «ماتریکس چرچیل»، «اداره تضمین اعتبارات صادرات» است که در جریان دادگاه «ماتریکس چرچیل» درگیر بوده است. در کتاب راهنمای کتابخانه‌ها و اطلاعات، جزییاتی درباره خدمات بیمه، گروههایی که در پروژه مشارکت دارند، اعتبارات، مسائل مالی پروژه و قراردادهای بیمه و «اداره عوارض گمرکی و مالیاتهای غیرمستقیم» ارائه شده است. گرچه مشروح اطلاعات فوق مستقیماً برای مردم ارائه نشد، اما نمایندگان پارلمان با کمک روزنامه‌نگاران و پرسشهای مناسب پارلمانی به مشروح چنین اطلاعاتی در مورد این اداره دست یافتند.

● **قانون و ابزار قانونی:** روزنامه‌نگاران و آن دسته از نمایندگان پارلمانی که به این موضوع توجه داشتند، ماده (۱) ۵۵ قانون «مدیریت عوارض گمرکی و مالیاتهای غیرمستقیم» سال ۱۹۷۹ را که قانون مهمی در مورد عوارض گمرکی و مالیاتهای غیرمستقیم محسوب می‌شود، نیز بررسی کرده‌اند. در این قانون چنین آمده است:

اعضای هیأتها از چنین اختیاراتی برخوردار خواهند بود: (الف) ثبت صادرکنندگان؛ (ب) وارد نمودن نام افرادی که برای ثبت درخواست داده و در صادرات کالا فعالیت دارند و همچنین پذیرش تقاضاهای ثبتی که مناسب تشخیص می‌دهند.

این اختیارات گسترده، طبق مواد ۶۲ و ۷۷ قانون مصوب سال ۱۹۷۹، به آنان اعطا شده است؛ براساس این مواد قانونی، «اداره عوارض گمرکی و مالیاتهای غیرمستقیم»، اختیارات وسیعی در جذب اطلاعات از صادرکنندگان بالقوه برای اجرای قانون داراست. تحقیقات مطبوعات از «اداره عوارض گمرکی و مالیاتهای غیرمستقیم» و یا پرسشهای پارلمانی خاصی که از سوی نمایندگان مطرح شده است، موجب دستیابی به اطلاعات گسترده در مورد جریان «ماتریکس چرچیل» شد.

● **گروههای تخصصی:** موضوع تولید سلاح و صادرات آن سالهاست که مسأله‌ای جنجال برانگیز بوده است. یک گروه فشار به نام «مبارزه علیه تجارت سلاح»، سرویس اطلاعاتی کاملی

را در این مورد فراهم آورده است. اطلاعات بسیاری در مورد سازندگان و صادرکنندگان سلاح که به محاکمه «ماتریکس چرچیل» انجامید، نیز از همین دارودسته به دست آمده بود.

● نشریه «جینز دیفنس ویکلی»: منبع مهم اطلاعاتی دیگری در مورد صنعت ساخت و صادرات سلاح، یک ناشر تخصصی است که نشریه هفتگی «جینز دیفنس ویکلی» را منتشر می‌کند. این نشریه شامل مطالبی است که جزئیات مربوط به دنیای اسلحه را تحت عنوان «صورت موجودی مهمات جهان و پیش‌بینی وضعیت آن» منتشر می‌کند. در این نشریه چنین آمده است:

بررسی سالیانه وضعیت ساخت و صادرات سلاح، بیش از ۱۰۰ کشور را در برمی‌گیرد که شامل مطالبی مانند صورت موجودی، مهمات، تحلیل ساختاری نیرو، سوابق تدارک و آینده وضعیت تهیه سلاح است. این سلاحها عبارت‌اند از: یک‌کش توپخانه، خودروهای زرهی، سلاحهای سنگین، خمپاره‌انداز، مهمات توپخانه‌ای، سلاحهای ضد تانک، دوربینهای خودکار و موشک‌انداز.

بخشی از گزارش نشریه جینز در مورد خاورمیانه و آفریقا از این قرار است: «این گزارش بیانگر وضعیت بودجه نظامی منطقه، قابلیت‌های تولید و موارد مورد نیاز آینده است. صورت کامل موجودی هواپیماها، کشتی‌های جنگی، موشکها، دستگاههای الکترونیکی، مهمات و ابزارهای جنگی هر کشوری تهیه می‌شود.» در گزارش نشریه، به جنبه‌های مختلف قابلیت‌های نظامی در سراسر جهان پرداخته شده است. این نشریه همچنین صریحاً اعلام می‌دارد: «خدمات اطلاع‌رسانی «جینز»، تحقیقات سفارشی و به‌ویژه هدفداری را در مورد بازار سلاح برای مشتریان خود انجام می‌دهد؛ زیرا معمولاً منابع منتشر شده، اطلاعات کافی در این زمینه ارائه نمی‌دهند... مشتریان ما را وزرای دفاع، بنگاههای دولتی و کمپانی‌های مختلف در سراسر جهان تشکیل می‌دهند.»

ارائه اطلاعات گسترده در سطح عموم و امتیازی که نمایندگان مجلس از آن برخوردارند و می‌توانند از وزرای مربوطه بخواهند که به پرسشهای پارلمانی آنان، پاسخ دهند و همچنین

پیمان موجود میان روزنامه‌نگاران تحقیقی و نمایندگان مجلسی که احساس مسؤولیت می‌کنند، می‌توانست جریان «ماتریکس چرچیل» را در همان مراحل اولیه برملا سازد. در آن صورت حدود ۳ میلیون پوند در هزینه‌های قانونی صرفه‌جویی می‌شد.

شرکتها

نه تنها سازمانهای تجاری، خود را به‌عنوان شرکتهایی با مسؤولیت محدود معرفی می‌کنند، بلکه بعضی شرکتهای غیرتجاری نیز به همین کار مبادرت می‌ورزند. مانند: «کلوب تنیس انگلیس با مسؤولیت محدود»؛ «کلوب کارلتون با مسؤولیت محدود»؛ «بیمارستان سنت بارتولومو با مسؤولیت محدود»؛ «هیأت تئاتر ملی با مسؤولیت محدود»؛ «انجمن حقوقدانان با مسؤولیت محدود»؛ «انستیتو خدماتی سلطنتی با مسؤولیت محدود»؛ «لیودز لندن با مسؤولیت محدود» و «اتحادیه ملی کارگران معدن با مسؤولیت محدود». این شرکتها معمولاً از سوی مقامات دولت محلی، مقامات بهداشت، برخی ادارات دولت مرکزی، مراکز خیریه، سازمانهای داوطلب و هر کسی که خواهان استفاده از مسؤولیت محدود است تأسیس شده‌اند.

بر اساس قوانین شرکتها، «شرکتهای دارای مسؤولیت محدود» موظفند مدارک خاصی را به خانه شرکتها تحویل دهند. خانه شرکتها یک بنگاه دولتی است که تحت نظارت وزارت بازرگانی فعالیت می‌کند. این اطلاعات شامل ارائه مشخصات مدیران، اعضا و سهامداران، مدارک اساسی شرکت، یادداشتهای همکاری و مشروح بندهای همکاری با شرکتهای تابعه و یا شرکتهای اصلی است. این مدارک را که شامل سوابق شرکت از بدو تأسیس است، می‌توان با پرداخت ۳ پوند، به صورت میکروفیش از خانه شرکتها تهیه نمود. با پرداخت مبلغی اضافی می‌توان میکروفیشهای دلخواه را از طریق پست و یا نمابر نیز دریافت نمود. گزارشهای خانه شرکتها، منبع مرکزی اطلاعاتی برای هر نوع تحقیقی در مورد شرکتها محسوب می‌شود. این مؤسسه همچنین اطلاعاتی در مورد شرکتهای با مسؤولیت محدود و خدمات آنان برای علاقه‌مندان عرضه می‌دارد.

علاوه بر آن می‌توان از کتابهای سال موجود در کتابخانه‌های مرجع که حاوی اطلاعاتی درباره شرکتها است، استفاده کرد.

بخش افتخاری

بخش افتخاری، اسم عامی است که دربرگیرنده بنیادهای خیریه، سازمانهای مبارز، گروههای فشار و گروههای مختلف غیررسمی با اهداف خاص است. این گروهها دارای قدرت هستند و برخلاف تعداد اندکشان از تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای برخوردارند و گاهی هم در فعالیتهای جنجال برانگیز و غیرقانونی درگیر می‌شوند. بسیاری از این سازمانها، شرکتهای با مسؤولیت محدود هستند؛ از این رو منابع معمول کسب اطلاعات در مورد شرکتهای مانند «خانه شرکتهای»، می‌تواند برای اهداف تحقیقاتی مورد استفاده قرار گیرد.

غیر از این موارد، روزنامه‌نگاران بایستی بریده‌های جراید و نشریات تخصصی را نیز در نظر گیرند. منبع عمده‌ای در این مورد، کتاب «شوراها، هیأتها و هیأت‌های مدیره» است که فهرست هزاران گروه شورایی، مشورتی، اجرایی و افتخاری از گروه بازاریابی «ابردین» گرفته تا «کمیته جوانان شمال ایرلند» را ارائه داده است. این کتاب به چهار بخش تقسیم می‌شود:

راهنمای الفبایی، نمایه‌اسامی کوتاه شده؛ نمایه‌روسی‌گروه و نمایه موضوعی از فعالیتهای زمینه‌های مورد توجه. در این کتاب، مشخصات هر سازمان از جمله نام، نشانی، تاریخ تأسیس، نوع عضویت، اسامی رؤسا و منشی‌ها، همچنین فعالیتهای آن ارائه شده است.

افزون بر این، نشریه‌ای تخصصی وجود دارد که جزییات فعالیتهای این سازمانها را شرح داده است. به‌عنوان نمونه فردی که مایل است در مورد دارودسته «فراماسونری» تحقیق کند، بایستی بداند که این سازمان «کتاب سال فراماسون» را انتشار می‌دهد. توضیح در مورد یک گروه پروتستان مسیحی هم را می‌توان در «کتاب سال کلیساهای مستقل پروتستان» پیدا کرد. معمولاً می‌توان منابع اطلاع‌رسانی را در مورد سازمانهای مختلف افتخاری پیدا کرد، مگر آن که گروه مورد نظر بسیار محدود باشد. به‌عنوان نمونه، برای تحقیق درباره سازمانهای دولت مرکزی، یا

گروه‌های افتخاری می‌توان از گروه تحقیق و یا گروه فشاری که تخصص آن در مورد موضوع تحقیق شماسست، اطلاعات پیش‌زمینه‌ای دریافت کرد.

نتیجه

شعار معروف «دانستن، توانستن است»، بایستی برای هر روزنامه‌نگار تحقیقی، سرمشق و راهنما قرار گیرد. اما همان‌گونه که «اولمن» و «هانی من» اظهار داشته‌اند: کار گزارشگران تحقیقی معمولاً با فشار روحی بسیار و خستگی بیش از حد همراه است. اختصاص دادن ساعات روز به تحقیق، معمولاً در زندگی اجتماعی و همچنین مسائل خانوادگی، تأثیر نامطلوبی بر جای می‌گذارد و به همین صورت با ناشران عصبی، سردبیران وحش‌زده، وکلای بدخلق، همکاران حسود و وسوسه‌دایمی کنار کشیدن از حرفه روبه‌رو خواهی بود. گزارشگر تحقیقی بیش از سایرین، در معرض تهدید، پاپوش، آزار، توهین، تنهایی و افترا قرار می‌گیرد.

آنان چنین ادامه می‌دهند:

گزارشگر تحقیقی در نظر افراد ناظر بیش از آنچه هست جلوه می‌کند. به‌طور متوسط، نه دهم افراد آن را کاری پرزحمت می‌دانند که شامل جستجو به دنبال مطلب مورد نظر در میان مدارک غیرضروری، مذاکرات طولانی با مقامات و وکلایی که موضع دفاعی به خود گرفته‌اند، ملاقاتهای فراوان با منابع کسالت‌آور و مبارزاتی که دارای آشفتگی روحی هستند، شب‌بیداری‌های طولانی با نوشیدن قهوه سرد و خستگی اعصاب که گاه‌گاهی نیز با موفقیت‌های مسرت‌بخش همراه است.

امروزه با فقدان روزنامه‌نگاری تحقیقی در انگلیس مواجه هستیم؛ همچنین در این کشور زمینه‌ای برای رشد این شیوه از روزنامه‌نگاری وجود ندارد. در این صورت به خود روزنامه‌نگار بستگی دارد که تا چه حد اهداف و برنامه‌ریزی و محدودیت‌های کار تحقیقی را در نظر گیرد. روزنامه‌نگار تحقیقی بایستی از جاذبه‌هایی که در مورد این نوع روزنامه‌نگاری ادعا شده است، آگاه باشد.

تعقیب‌های گذرا، روی پلکان‌ها ایستادن و استفاده کردن از میکروفون‌های ظریف و دوربین‌های مخفی، موارد نادری است که فقط به برگزیدگانی که در برنامه‌های تلویزیونی کار می‌کنند، محدود می‌شود.

فصل چهاردهم

فن آوری جدید:

چگونه روزنامه‌نگاری به تندرستی آسیب می‌رساند؟

روزنامه‌نگاری ممکن است به تندرستی روزنامه‌نگار آسیب برساند. کسانی که در این حرفه شاغل هستند، اغلب آن را شغلی فشارآفرین می‌دانند. فرصتهای تهیه مطالب ممکن است کوتاه باشد، رقابت سخت است و انتقادی که از همکاران می‌رسد، می‌تواند شدید باشد. همچنین ممکن است اطلاعات نادرستی ارائه دهید که تقصیر شما هم نبوده است، ولی به دنبال آن برچسب افترا به شما زده شود که بسیار پرهزینه خواهد بود. همه روزه، روزنامه‌نگاران از هر سو (از سوی تحریریه خبر، سردبیران، منابع، صاحبان آگهی‌ها و سیاستمداران) با فشارهای مختلفی روبه‌رو می‌شوند. هر چه رکود این حرفه بیشتر شود، امنیت شغلی آن‌هاش می‌یابد و فشار برای سازگاری و کار سخت‌تر برای ارتقای شغلی بیشتر می‌شود.

ظهور فن آوری جدید، برای بسیاری از روزنامه‌نگاران فشارهای روحی تازه‌ای را به بار آورده است. از سویی در سالهای اخیر، صنعت روزنامه‌نگاری دستخوش تحولی عظیم شده است. این کاریکاتور قدیمی که یک روزنامه‌نگار بر روی ماشین تحریر پر سروصدا خم شده و سیگار بر لبانش دارد (همواره این تصویر هم از یک مرد بود)، دیگر گிரایی خود را از دست داده است. روزنامه‌نگاران امروزی در دفتر کار خود در یک سالن بزرگ (که با پارتیشن به اتاق‌های کوچک تقسیم شده) در مقابل صفحه نمایشگر کامپیوتر می‌نشینند. دیگر اثری از ماشینهای تحریر قدیمی در تحریریه‌ها نیست. امروزه صدایی که در اتاقهای خبر حکم فرماست، صدای آرام دکمه‌های صفحه‌کلید کامپیوتر است. کشیدن سیگار نیز در اغلب مکانها ممنوع شده است.

اواخر دهه ۱۹۶۰، تحولی در امر صفحه‌بندی و حروف‌چینی بوجود آمد و «فتوکامپوزیشن» در نشریات استانی، جایگزین روش قدیمی شد. حروفچین مطالب روزنامه‌نگاران را بر روی صفحه‌کلید کامپیوتر، که به واحد نمایش تصویری متصل است، تایپ می‌کند. علامت‌گذاری متن نیز به‌طور خودکار انجام می‌شود و مطلب آماده شده بر روی صفحه نقش می‌بندد و سپس تصاویر مربوطه نیز در جای خود نصب می‌شوند.

اما ظهور «فتوکامپوزیشن» در صحنه روزنامه‌نگاری بریتانیا، شاید به دلیل بی‌کفایتی مدیریت و محافظه‌کاری بیش از حد اتحادیه کارگری، تا نیمه‌های دهه ۱۹۷۰ به تعویق افتاد. حتی تا سال ۱۹۸۵ نیز سه روزنامه هنوز از روش قدیمی استفاده می‌کردند و پنج روزنامه دیگر نیز ترکیبی از هر دو روش را به کار می‌بردند. در سال ۱۹۸۵ «ادی شاو» نشریه «تودی» را به صورت تمام رنگی و با فن آوری جدید انتشار داد و در همان سال به‌طور ناگهانی، عنوان گروه «نیوزایت‌رنشال» از «گریزاین رود» به «واپینگ» تغییر یافت. پس از آن تمامی نشریات سراسری، سیستم قدیمی را رها کرده و با فن آوری جدید انتشار یافتند.

نشریه تودی با ۱۳۰ عضو تحریریه، یعنی با تعدادی کمتر از یک چهارم کارکنان نشریات اکسپرس یا دیلی میل در آن زمان، آغاز به کار کرد. از آن زمان به بعد موج کاهش کارکنان تحریریه

از سوی مردوخ در «نیوزاینترنشنال» و از سوی «ماکسول» در روزنامه‌های گروه «میرور» و به همین صورت از سوی دیگران آغاز شد. آنان تعداد کارکنان نشریات خود را کاهش داده و تا به امروز نیز دوام آوردند. یکی از عواقب این کاهش مشاغل در روزنامه‌نگاری، فشارهای روانی اجتناب ناپذیری بود که بر افرادی که هنوز کار می‌کردند، وارد آمد.

در پی آن شمار حروفچینها کاهش فاحشی یافت زیرا روزنامه‌نگاران خود به حروفچینی و ویرایش مطالبشان می‌پرداختند و سپس آن را به حروفچینی کامپیوتری مرکزی انتقال می‌دادند. امروزه به‌طور روزافزونی روزنامه‌ها به سیستم صفحه‌بندی کامل بر روی صفحه نمایشگر کامپیوتر روی آورده‌اند.

رنجبران خاموش

صفحه نمایشگر کامپیوتر روزنامه‌نگار، ابزار فوق‌العاده انعطاف‌پذیری است که این حرفه را دچار تحولی عظیم ساخته است. به‌عنوان نمونه این صفحه می‌تواند به دو بخش تقسیم شود: در یک بخش گزارشگر نتایج تحقیق پایگاه اطلاع‌رسانی یا شماره گذشته روزنامه را بررسی کند و در بخش دیگر نیز همزمان مطلبی دیگر را مورد بررسی قرار دهد.

ظهور فن‌آوری جدید، همچنین خطرات تازه بسیاری را با خود آورده است که بدترین آن «آسیب ناشی از کشش مکرر» است. در سال ۱۹۹۱، حدود ۱۰۰ هزارتن از افرادی که در این حرفه اشتغال دارند و مقابل صفحه نمایشگر کامپیوتر می‌نشینند، در سراسر کشور، به این آسیب مبتلا شده‌اند. از افرادی که به شدت به این آسیب دچار شده بودند، می‌توان روزنامه‌نگاران نشریات فایننشال تایمز و گاردین در انگلیس و لوس‌آنجلس تایمز و نیوزدی در آمریکا را نام برد. همه ساله تعداد روزنامه‌نگارانی که به «آسیب ناشی از کشش مکرر» مبتلا می‌شوند، روبه‌افزایش است. در نیمه سال ۱۹۹۳، «اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران»، ۱۰۰ مورد شکایت علیه کارفرماها را در دست بررسی داشت. در آن زمان بیش از ۱۰۰۰ روزنامه‌نگار به این آسیب دچار شده بودند. البته تعداد مبتلایان بسیار بیش از این تعداد است؛ زیرا بسیاری از

روزنامه‌نگاران، «رنجبران خاموش» هستند و در مورد بروز علایم «آسیب ناشی از کشش مکرر» معمولاً صحبتی به میان نمی‌آورند، زیرا می‌ترسند که استخدام نشوند و از کارشان اخراج گردند.

«آسیب ناشی از کشش مکرر» چیست؟

تحقیقات بسیاری در مورد این آسیب انجام شده است؛ اما توضیح علت بروز آن (این که چرا فردی بدان مبتلا می‌شود و فرد دیگری مصون می‌ماند) دشوار است. مجریان امور ایمنی و بهداشت ترجیح می‌دهند آن را نوعی اختلال در ستون فقرات بنامند. زیرا برخی معتقدند که تکرار یک حالت، تنها عامل بروز آن نیست؛ بسیاری نیز آن را نشانه‌کار بیش از اندازه و خم شدن مداوم روی کامپیوتر نامیده‌اند.

«آسیب ناشی از کشش مکرر» و علایم بروز آن، بیش از ۱۵۰ سال است که وجود داشته است. نوازندگان پیانو، کارگران کارخانه، کشاورزان و یا هر فردی که به‌طور مرتب فعالیت‌های تکراری در ناحیه دست و پا دارد، در معرض ابتلا به این آسیب قرار دارد. اما اخیراً روزنامه‌نگاران به‌طور جدی به این آسیب دچار شده‌اند و نگرانی‌های تازه‌ای نیز در مورد بروز آن در سطح گسترده‌ای در رسانه‌ها به وجود آمده است.

علایم بروز «آسیب ناشی از کشش مکرر»، به تدریج طی گذشت زمان شکل می‌گیرد؛ ولی ناگهان به صورت غیرمنتظره‌ای بروز پیدا می‌کند. یک روزنامه‌نگار در این مورد می‌گوید: «من یک روز صبح که از خواب برخاستم، متوجه شدم که قادر به حرکت دادن عضله گردنم نیستم و نمی‌توانم از دست‌ها به خوبی استفاده کنم. مثلاً روزنامه از دستم می‌افتاد. حتی قادر نبودم یک فنجان چای را در دست نگه‌دارم و واقعاً وحشتزده شده بودم، چون علت بروز آن را نمی‌دانستم.» گرچه، استفاده از کامپیوتر برای مدت زمان طولانی در روز، مشکل اصلی محسوب می‌شود؛ اما علائم آن به صورت ناگهانی، به‌عنوان مثال هنگام چرخاندن پیچ گوهی، چمن زدن، نوشتن، شستشوی مو، رانندگی، حمل وسایل خریداری شده، باز کردن شیرها یا

نواختن پیانو بروز می‌کند.

چگونه از بروز «آسیب ناشی از کشش مکرر» پیشگیری کنیم؟

● اگر عضو ثابت تحریریه هستید، تلاش کنید کارفرمای خود را به پیروی از مقررات جامعه اروپا در این زمینه، که اول ژانویه ۱۹۹۳ به تصویب رسید، ترغیب کنید. بر اساس این مقررات صندلیهای محیط کار بایستی به طور کامل تنظیم شدنی باشند؛ و به تناسب قد هر فرد تنظیم شوند. کارفرمایان موظفند در صورت لزوم ابزار راحتی کارکنان را، مانند تخته‌هایی که پا را برای استراحت روی آن قرار می‌دهند، تهیه کنند.

● توجه داشته باشید که مقابل صفحه کلید کامپیوتر به طرز صحیح بنشینید. هنگام تایپ مطلبی ساعد شما بایستی به موازات سطح زمین قرار گیرد و هر دو پایتان نیز باید به طور ثابت روی کف اتاق قرار داشته باشد. اگر پاهایتان کوتاه هستند بهتر است از زیرپایی یا صندلی تنظیم شدنی مخصوص و یا از هر دو استفاده کنید. در مقابل صفحه کلید، هنگام استراحت و یا خواندن صفحه نمایشگر کامپیوتر بایستی فضای کافی برای قرار دادن مچ دستتان وجود داشته باشد. بهتر است شما با تنظیم پشتی صندلی صاف بنشینید به طوری که شانه‌ها راحت و چانه‌تان بالا باشد، و حتماً با زاویه ۱۵ درجه به صفحه نمایشگر کامپیوتر بنگرید. بایستی صندلی به گونه‌ای باشد که به رانهای شما فشار وارد آورد؛ زیرا این امر مانع گردش خون به طور طبیعی می‌گردد و فشار بیموردی بر عصب سیاتیک شما وارد می‌سازد.

● شایسته‌تر است در مدت زمانهای منظم از روی صندلی برخیزید و قدری به خود استراحت دهید. پیشنهاد «اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران» در این مورد از این قرار است که هر ۷۵ دقیقه کار مداوم در برابر صفحه نمایشگر کامپیوتر، ۱۵ دقیقه استراحت به دنبال داشته باشد؛ یا اینکه پس از هر یک ساعت کار، ۱۵ دقیقه استراحت در نظر گرفته شود. جزوه‌ای که از سوی «نیوزاینترنشنال» تهیه شده بود بیانگر آن است که بر اساس بررسی‌های کاربران کامپیوتر در «وایپنگ» ۳۰ ثانیه استراحت، پس از هر پنج دقیقه کار در مقابل صفحه نمایشگر کامپیوتر،

مؤثرتر از مدت زمانهای طولانی‌تر استراحت پس از هر یک ساعت کار است. همچنین در این جزوه خاطر نشان شده است در صورت امکان، روزنامه‌نگاران مدت زمان استراحت خود را افزایش دهند و ناهار خود را در محلی غیر از میز کار صرف کنند. گرچه صرف ناهار در میز کار نشریات پرکار و اتاقهای خبری که با کمبود جا مواجه‌اند، در سراسر کشور روبه‌افزایش است.

● «روبرت جونز» استاد روزنامه‌نگاری، پیشنهاد کرده است مبادرت به انجام چندین بار حرکات ورزشی دو دقیقه‌ای در محیط کار، موجب پیشگیری از بروز علائم «آسیب ناشی از کشش مکرر» می‌شود.

در صورت بروز علائم چه باید کرد

● اگر شما هنگام و یا پس از کار با صفحه‌کلید کامپیوتر دچار ناراحتی می‌شوید، ولی در زمانهای دیگر استفاده از دستها دردی احساس نمی‌کنید، سعی کنید مدت زمان و تعداد دفعات استراحت خود را هنگام استفاده از کامپیوتر افزایش دهید و همچنین سرعتتان در تایپ مطالب را کاهش دهید؛ نیز صندلی خود را به گونه‌ای تنظیم کنید که بر صفحه‌کلید مسلط باشید و حتماً با نماینده‌های اتحادیه خود - اگر در محل کارتان چنین نماینده‌هایی دارید - در این مورد صحبت کنید. آنان بایستی شما را راهنمایی کنند.

● اگر در کارهای دیگر نیز حین استفاده از دستهایتان چنین دردی را احساس می‌کنید، بایستی سریعاً به پزشک مراجعه کنید. هراس، اضطراب و حس گناه کمکی به شما نمی‌کند. «روبرت جونز» تأکید می‌کند که حتماً به پزشکی مراجعه کنید که در این مورد تجربه و تخصص دارد. وی می‌افزاید: «فیزیوتراپی ممکن است سودمند باشد؛ اما گاه، انجام حرکات فیزیوتراپی شرایط را بدتر می‌کند؛ مگر آن که ابتدا از سوی پزشک، وضعیت دقیق شما مشخص شود و یا این که فردی که حرکات فیزیوتراپی را انجام می‌دهد، در زمینه آسیب ناشی از کشش مکرر دارای تجربیاتی باشد.»

● ابتلا به «آسیب ناشی از کشش مکرر»، تأثیرات مخربی بر کار برخی افراد می‌گذارد؛ توژم

و درد باقی می‌ماند و معمولاً این افراد ناچار می‌شوند کار تمام وقت را رها کنند. ویراستاران معمولاً بیش از گزارشگران به این آسیب دچار می‌شوند؛ در جایی که کارفرمایان نسبت به کار کارکنان خود حساستر هستند، معمولاً افراد مبتلا، به کارهایی گمارده می‌شوند که مدت زمان کمتری در برابر صفحه‌نمایشگر کامپیوتر قرار گیرند.

نگرانیها باقی می‌ماند

بر اساس دستورالعمل ۱۹۹۳ جامعه اروپا، تمامی کارفرمایان موظفند خطر احتمالی کارکنان در محیط کار را ارزیابی کنند و نتیجه آن را در اختیار کارکنان خود قرار دهند. کارفرمایان بایستی کارکنان خود را در امور ایمنی و بهداشت در محیط کار آموزش دهند؛ همچنین زمانی را برای استراحت میان کار برای افرادی که با صفحه‌نمایشگر کامپیوتر سروکار دارند، در نظر گیرند و هزینه معاینات چشم پزشکی آنان را بپردازند و اگر لازم باشد عینکهای مخصوص برایشان تهیه کنند.

«تیم گاپسیل»، مسؤول بهداشت و ایمنی اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران می‌گوید: «اجرای مقررات، به پافشاری کارکنان بر اجرای مقررات بستگی دارد؛ اما رکود شغلی موجب شده که کارکنان اغلب از فشار آوردن بر مدیریت خودداری کنند. کارکنان هراس دارند کار خود را از دست بدهند؛ از این رو حتی در زمان استراحت به کار خود ادامه می‌دهند. کارفرمایان نیز معمولاً از افرادی که درخواست کار داده‌اند، در مورد ابتلای آنان به «آسیب ناشی از کشش مکرر»، پرسشهایی می‌کنند.»

تیم گاپسیل تأکید می‌ورزد: «علت اصلی بروز عارضه آسیب ناشی از کشش مکرر، وضعیت قرار گرفتن صندلی‌ها و یا میزها نیست، بلکه میزان کاری که افراد ناچارند انجام دهند و همچنین فشارهایی که در محیط کاری متحمل می‌شوند، عامل اصلی بروز این آسیب است.»

سایر بیماریها

علاوه بر آسیب ناشی از کشش مکرر، افراد از ناراحتیهای چشمی که بر اثر نشستن مدت زمانی طولانی در برابر صفحه نمایشگر کامپیوتر ایجاد می‌شود، رنج می‌برند. سردرد، تاری دید، سیاهی رفتن چشم، فشار روحی و زودرنجی نیز از نتایج نشستن مدت زمان طولانی در برابر صفحه نمایشگر است. اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران توصیه می‌کند که صفحه کلید، میز، دیوارها و سایر ابزاری که در اطراف روزنامه‌نگار قرار دارند، نبایستی نور قوی و زننده را منعکس سازند و همچنین در طراحی محیط کار از رنگهای خیلی روشن و یا تیره استفاده نشود. دستگاه نمایشگر کامپیوتر و یا کاربران نبایستی در مقابل پنجره قرار گیرند.

● معمولاً گرد و خاک بر صفحات نمایشگر کامپیوتر می‌نشیند و این مسأله می‌تواند به عارضه خشکی چشمان و خارش پوست منجر شود. «پگی بنتام»، روزنامه‌نگار صاحب‌نظر در این مورد پیشنهاد می‌کند کاربران زمانی که از دستگاه نمایشگر استفاده نمی‌کنند، روی آن را بپوشانند تا مانع نشستن گرد و خاک بر روی آن شود. وی همچنین توصیه می‌کند که کاربران هنگام نشستن در برابر صفحه نمایشگر کامپیوتر برای کاهش الکتریسیته ساکن، لباسهای نخی بارتن کنند.

● به دلیل وجود خطرات پرتوهای ناشی از نشستن در مقابل دستگاه نمایشگر، اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران توصیه می‌کند زنان باردار بایستی از این حق برخوردار شوند که بدون کاهش دستمزد، امتیازات و یا موقعیت شغلی، به بخشهایی که احتیاج به کار با دستگاه نمایشگر کامپیوتر ندارد، منتقل شوند.

● «مرکز پیشگیری از خطرات لندن»، همچنین خاطرنشان می‌سازد افرادی که با دستگاههای فتوکپی و چاپگرهای لیزری تولیدکننده اوزون سروکار دارند، در صورت قرار گرفتن طولانی مدت در معرض این دستگاهها به تندرستی‌شان آسیب می‌رسد. محیطهای کار این افراد با وجود این دستگاهها بایستی از تهویه مناسبی برخوردار باشد و میزکار هیچ فردی نباید در محدوده ۳ متری این دستگاهها قرار داشته باشد.

فصل پانزدهم

آموزش و مشاغل

بهترین راه فراگیری روزنامه‌نگاری، تجربه کاری و انجام حرفه ژورنالیستی است. ممکن است ایده‌های بزرگی در مورد ماهیت گزارشگری داشته باشید، همچنین تمامی مطالب روزنامه‌نگاری و تاریخ مطبوعات انگلیس قرن هیجدهم را نیز بخوبی بدانید؛ اما نتوانید در مورد یک حادثه قتل محلی سریعاً مطلبی بنویسید؛ آن وقت متوجه می‌شوید که دانسته‌های شما بی‌فایده بوده است.

این دیدگاهی است که در آغاز قرن حاضر بر این حرفه حکمفرما بوده و امروزه نیز تا حد زیادی به همان صورت باقی مانده است. گو اینکه صرفاً تغییرات جزئی در این دیدگاه فراهم آمده است. با حمایت مدیریت روزنامه‌ها و اتحادیه‌های کارگری دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری افزایش یافته‌اند. این دوره‌ها حتی در دانشگاهها نیز گسترش یافته‌اند. از یک سو این نظر رایج وجود دارد که روزنامه‌نگاران ساخته نمی‌شوند، بلکه متولد

می‌شوند وجود دارد. ممکن است از استعداد خبریابی خوبی برخوردار باشید، یا برعکس، اما همان گونه که سِر «دیوید انگلیش»، سردبیر نشریهٔ دلیلی میل می‌گوید: «روزنامه‌نگاری مهارتی است که تنها حین انجام کار می‌توان آنرا آموخت و افزون بر این موفقیت روزنامه‌نگار، بستگی به استعداد شخصی وی در این زمینه دارد.»

از سوی دیگر، گفته می‌شود روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است که از اصول اخلاقی و معیارهای حرفه‌ای خاصی پیروی می‌کند که می‌توان آنها را آموخت و مورد ارزیابی قرار داد. بنابراین فراگرفتن خصوصیات آموزشی خاص برای تازه واردین به این حرفه ضروری است؛ زیرا گذراندن دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری، بخش ضروری از شکل‌گیری هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران شناخته شده است.

دانشجویان و اساتید روزنامه‌نگاری میان این دو دیدگاه متفاوت قرار گرفته‌اند. هنگامی که اساتید، برخوردهای انتقادی و متفکرانه را در مورد نگرشهای غالب بر این حرفه افزایش می‌دهند، پیچیدگی این مسأله نیز بیشتر می‌شود. آنگاه، تردیدهایی در مورد ارزش مطالعات نظری برای گزارشگران با استعداد و بلندپرواز در سطح گسترده‌ای ابراز می‌شود.

اختلاف روشهای آموزشی روزنامه‌نگاری در آمریکا و انگلیس

آموزش روزنامه‌نگاری در انگلیس پدیده‌ای نسبتاً جدید است. در آمریکا اما، آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاهها، از آغاز این قرن شروع شد و اولین دانشکدهٔ روزنامه‌نگاری در سال ۱۹۰۸ در دانشگاه میسوری تأسیس گردید. ده سال بعد، ۸۶ دانشکده در آمریکا، چند درس روزنامه‌نگاری را ارائه دادند. که در سال ۱۹۴۰، تعداد آنان به ۵۴۲ دانشکده رسید و این افزایش چشمگیری را نشان می‌داد.

امروزه حدود ۳۲۵ کالج و دانشگاه، برنامه‌هایی را ارائه می‌دهند که دانشجویان می‌توانند در رشتهٔ روزنامه‌نگاری به تحصیل پردازند.

در قیاس با آمریکا، تا نیمه دههٔ ۱۹۶۰ در انگلیس هیچ برنامهٔ عمده‌ای در زمینهٔ آموزش روزنامه‌نگاری وجود نداشت. تنها در سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۹ در کالج «کینگ» دانشگاه لندن،

دوره‌های آموزشی در این زمینه دایر شده بود، که پس از جنگ دیگر ادامه نیافت. در سال ۱۹۴۹، هیأت سلطنتی که در مورد مطبوعات تشکیل شده بود، به نیاز آموزش بهتر و بیشتر روزنامه‌نگاران توجه کرد و «شورای ملی مشاوره برای آموزش روزنامه‌نگاران» در سال ۱۹۵۲ تأسیس گردید. سه سال بعد، این نهاد به «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران» تغییر نام یافت و نمایندگانی از «اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران»؛ «انستیتو روزنامه‌نگاران» (دو اتحادیه کارگری)، «انجمن روزنامه‌نگاران» (صاحبان روزنامه‌های استانی در انگلیس و ویلز و هفته‌نامه‌های حومه لندن)، و «اتحادیه سردبیران روزنامه‌های انگلیس» را گرد هم آورد. آنگاه «انجمن ناشران روزنامه‌ها» (که با صاحبان روزنامه‌های سراسری ارتباط داشت)، و دو گروه دیگر که از سوی صاحبان و مدیران روزنامه‌های اسکاتلند اداره می‌شدند، نیز به این جمع پیوستند.

از دهه ۱۹۶۰، کالجها و دانشگاههای متعددی دروس روزنامه‌نگاری را ارائه کردند. ابتدا دروسی تحت عنوان «ارتباطات جمعی»، که به مبحث رسانه‌ها در قالب متون جامعه‌شناسی و نظری می‌پرداخت، به آموزگاران داده شد. اما در دهه‌های اخیر، عمدتاً به دلیل افزایش تقاضای دانشجویان، توجه از مباحث نظری به مهارتهای عملی معطوف شده است. از آن پس در بسیاری از دروس «ارتباطات جمعی»، مباحث کاربردی نیز در دروسها گنجانده شد و در اوایل دهه ۹۰ رشته روزنامه‌نگاری در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاهها ارائه شد. اما برغم این تحولات، هنوز اغلب روزنامه‌نگاران فراگیری روزنامه‌نگاری را با کار در نشریات محلی آغاز می‌کنند و پس از اخذ تجربه و مهارت، در روزنامه‌ها و نشریات فراگیر مشغول به کار می‌شوند.

شرایط لازم آموزشی

در سال ۱۹۶۵، اتحادیه‌های کارگری و انجمن روزنامه‌نگاران، حداقل شرایط لازم برای ورود به این حرفه را دارا بودن سه دیپلم، که یکی از آنها زبان انگلیسی بود، اعلام کردند. اما از سال ۱۹۷۰، حداقل شرایط لازم، برخورداری از دیپلم با درجات A، B و C در زبان انگلیسی

ملاک عمل قرار گرفته است.

یکی دیگر از امتحاناتی که از سوی «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران» ضروری شناخته شده بود، گذراندن دوره‌های معادل آموزشی بود. لیکن در موارد خاص، (مثلاً در مورد افرادی که مورد توجه سردبیر بودند) از چنین شرایطی چشم‌پوشی می‌شد. در حال حاضر تنها برای افرادی که مایل‌اند در رشته روزنامه‌نگاری به تحصیل ادامه دهند، شرایط لازم از این قرار است: برخورداری از دو درجه A level و دو O level، که یکی از آنها در زبان انگلیسی باشد.

گرایش به سوی آموختن دانش این رشته در سالهای اخیر روزافزون بوده است. در سال ۱۹۶۵، تنها ۶ درصد افرادی که کارشان را در روزنامه‌های محلی آغاز می‌کردند، دارای مدرک دانشگاهی بودند. در حالی که ۳۳ درصد دارای یک و یا دو A level بودند. حدود ۲۵ سال بعد، ۵۳ درصد افرادی که کار خود را در نشریات استانی آغاز می‌کردند، دارای مدرک دانشگاهی بودند و سایر افراد نیز دارای دو A level و یا بیشتر بودند.

حتی برخورداری از شرط تحصیلات دانشگاهی به خودی خود نمی‌تواند موفقیت در گذراندن دوره آموزش روزنامه‌نگاری را تضمین کند. کالجها و روزنامه‌ها همواره با درخواستهای بسیاری مواجه‌اند. علاوه بر برخورداری از تحصیلات دانشگاهی، داوطلبان بایستی توانایی خاص خود را برای کار در این زمینه نشان دهند. برخی دانش‌آموزان از طرف مدارس به روزنامه‌ها مراجعه کرده و مایل‌اند طرح کاد مدارس را بگذرانند. سایرین نیز سردبیران را ترغیب می‌کنند تا امکان مشاهده فعالیت‌های روزنامه را در تعطیلات درسی برای آنان فراهم آورند. بسیاری نیز نامه‌ها و مقالاتی به روزنامه‌های محلی می‌فرستند. باید متذکر شد که درج تمامی این سوابق در برگه درخواست کار به روزنامه و یا آموزش در کالج تأثیر بسیاری در پذیرش آنان دارد.

دوره‌های آموزشی پیش دانشگاهی

گذراندن یک سال دوره آموزشی پیش دانشگاهی در کالج‌های سراسر کشور مانند: «انستیتو آموزش عالی بلفاست»؛ «انستیتو آموزش عالی کاردیف»؛ «دانشگاه استراتکلاید»؛ «کالج هارلو»؛ «کالج تکنولوژی‌های بری»؛ «مرکز روزنامه‌نگاری دانشگاه مرکزی لنکاشایر» در «پرستون»؛ «کالج استرادیورک» در «شیفیلد»؛ «کالج کورن وال» و «مرکز هنری رسانه‌ها و علوم اجتماعی پول»، پیش‌بینی شده است.

ممکن است شما از سوی یک نشریه محلی و یا از مقامات محلی بورس تحصیلی دریافت کنید که متضمن پرداخت هزینه‌های دانشگاهی و معیشتی شماست. اعطای بورسهای تحصیلی بنابر صلاحدید مقامات مربوطه انجام می‌شود. اگر آنان مایل باشند، پرداخت هزینه‌های شما را متحمل می‌شوند و در این مورد هیچ الزام قانونی وجود ندارد. اخیراً با توجه به کاهش بودجه دولت‌های محلی، اعطای بورسهای تحصیلی اختیاری کاهش بسیاری یافته است. دقت کنید که در درخواستهای شما، موقعیت مقامی که بورس تحصیلی را به شما اعطا کرده، بایستی مشخص شود.

در دهه ۱۹۷۰، اولین دوره روزنامه‌نگاری در کالج «کاردیف» ایجاد شد. این اقدام عمدتاً در نتیجه تلاش و ابتکار «تام هاپکینسون»، سردبیر سابق نشریه «پیکچرپست» انجام شد. این کالج برنامه‌های دانشگاه کلمبیا و نیویورک را الگو قرار داد و توانست در مرحله نخست، ۱۵ تا ۲۰ دانشجو را تحت آموزش قرار دهد. دوره یکساله مشابهی نیز در دانشگاه سیتی به سال ۱۹۷۶ با ۱۳ دانشجو آغاز به کار کرد.

جالب است که در اواخر دهه ۱۹۸۰، این دوره‌ها به‌طور گسترده‌ای مورد توجه روزنامه‌ها، نشریات ادواری و خبرگزاریهای اروپایی و بین‌المللی قرار گرفت. اما فضای بدگمانی میان مطبوعات و دانشگاهها همچنان باقی ماند. همان‌گونه که پروفیسور «هواستفنسون» از دانشگاه «سیتی» ابراز می‌دارد: «جامعه دانشگاهی در این کشور همواره نسبت به دوره‌های روزنامه‌نگاری، بیش از اندازه بدگمان بوده است و مسؤولان رسانه‌ها نیز نسبت به افرادی که از

تحصیلات دانشگاهی برخوردارند، اطمینان چندانی ندارند.»

«برایان هیچن»، سردبیر نشریه «دیلی استار» دیدگاه خود در این زمینه را با صراحت بیان

می‌کند:

من تاکنون فقط یک فارغ‌التحصیل روزنامه‌نگاری از دانشگاه را دیده‌ام که کارآمد و خوب بوده است؛ در صورتی که وضعیت اغلب آنان بسیار بد و نومیدکننده است. فقط یک راه برای فراگیری وجود دارد، که شروع به کار روزنامه‌نگاری در جریان تحصیل روزنامه‌نگاری است. افرادی که در حرفه ما وارد می‌شوند، به طرز بی‌رحمانه ولی صحیحی غربال می‌شوند و فقط «بهترین‌ها» هستند که دوام می‌آورند و به درجات و موقعیتهای بالای روزنامه‌نگاری دست می‌یابند.

راه دستیابی به مدرک

اوایل دهه ۱۹۹۰، هنگام بروز رکود شدید در این حرفه در بریتانیا، که به طور جدی و کم سابقه‌ای با کاهش نیروها در نشریات مواجه بودیم، برای اولین بار دوره‌های کارشناسی روزنامه‌نگاری به شیوه آمریکایی در پنج مرکز دانشگاهی آغاز شد: دانشگاه «بورنموث»؛ «کالج دانشگاه کاردیف»؛ «دانشگاه مرکزی لنکشایر» و «مرکز روزنامه‌نگاری کالج پریتنگ» در لندن؛ در حالی که «دانشگاه سیتی» لندن نیز دروس روزنامه‌نگاری را همراه با دروس علوم اجتماعی ارائه می‌داد.

برای برخی دوره‌های کارشناسی ارشد و بالاتر، اعطای بورسهای تحصیلی اختیاری توسط مقامات محلی امکان‌پذیر است. در سایر دوره‌ها نیز دانشجویان از سوی وزارت آموزش عالی، برای دریافت بورسیه‌گزینش می‌شوند. برخی روزنامه‌ها مانند گاردین، ساندی تایمز و ایندپندنت نیز بورس تحصیلی ارائه می‌دهند. (برای جزئیات شرایط دریافت بورس تحصیلی به خود این روزنامه‌ها مراجعه کنید) همچنین بورسهای تحصیلی خاصی برای اقلیتهای قومی وجود دارد.

شرکت در دوره‌های کارشناسی ارشد بین‌المللی در دانشگاه سیتی بیشتر برای دانشجویان خارجی و نیز برای دانشجویان داخلی که مایل‌اند در خارج از کشور به کار پردازند، مناسب است.

آموزش هنگام کار

تقریباً نیمی از افرادی که به حرفه روزنامه‌نگاری روی می‌آورند، آموزش را با کار در نشریات محلی آغاز می‌کنند. نگاهی به راهنمای رسانه‌ها (مانند راهنمای مطبوعات «بن» و «ویلینگ») در کتابخانه محلی‌تان بیاندازید و به فهرست تمامی روزنامه‌ها و نشریات ادواری کشور توجه کنید. قبل از آن که روزنامه‌ای را انتخاب کنید و با آن تماس تلفنی بگیرید و یا برای آن نامه بنویسید، بهتر است با دقت نام سردبیر را بررسی کنید که در نگارش آن اشتباه نکنید.

هنگامی که افراد پذیرفته می‌شوند، دوره شش ماهه‌ای را می‌گذرانند که شامل مطالعه در منزل همراه با آموزش و کسب تجربه در حین کار به‌عنوان روزنامه‌نگار است. بسیاری هم در دوره‌های درسی ۱۲ هفته‌ای شرکت می‌کنند.

هر کارآموزی باید در ۷ امتحان تعیین سطح کیفی آموزشی شرکت کند که عبارت‌اند از: روزنامه‌نگاری، تهیه بروشورها، حقوق (دو بخش)، دولت محلی و مرکزی (در دو بخش) و تندنویسی ۱۰۰ واژه در دقیقه. افرادی که مستقیماً وارد حرفه ژورنالیستی می‌شوند، بایستی دوره دوساله‌ای را بگذرانند. اما افرادی که دوره پیش دانشگاهی را گذرانده‌اند، معمولاً ۱۸ ماه تحت آموزش قرار می‌گیرند.

شماری از روزنامه‌های منطقه‌ای و سراسری، برنامه‌های آموزش روزنامه‌نگاری خاص خود را برپا نموده‌اند؛ روزنامه‌هایی مانند: مجموعه روزنامه‌های «کرویدون ادورتایزر»؛ «روزنامه‌های مناطق شرقی»؛ «کنت اند ساسکس کوریر»؛ «روزنامه‌های جنوبی»؛ «نشریه انجمن خبری میدلند» و نشریه «دیلی اکسپرس».

در سال ۱۹۸۹، دو گروه از بزرگترین گروه‌های روزنامه‌های استانی، «تامسون» و «وست مینیستر»، تصمیم به حذف برنامه‌ای که از سوی «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران» ارائه شده بود، گرفتند؛ گرچه روزنامه‌نگاران این دو گروه هنوز هم در امتحانات نهایی «شورای ملی آموزش روزنامه‌نگاران» شرکت می‌کنند.

فشارهای بیشتری در جهت فروپاشی این سیستم آموزشی وارد آمد. در سال ۱۹۸۹، توافق

ملی میان «انجمن روزنامه‌نگاران» و اتحادیه‌های کارگری، که بر تنظیم آموزش استانی استوار بود، با شکست مواجه شد. یک جنبه توافق از این قرار بود که کارآموزان، به‌طور کلی بایستی قبل از ورود به یک نشریه سراسری، سه سال در نشریات استانی کار کرده باشند. با پایان یافتن این توافق ملی و با توجه به فضای «تاچری» که در مدیریت ایجاد شد، دانش‌آموختگان فزاینده‌ای جذب روزنامه‌های سراسری شدند.

خصوصیات حرفه‌ای ملی روزنامه‌نگاری

اوایل دهه ۱۹۹۰، روند اجرای خصوصیات حرفه‌ای ملی (و خصوصیات حرفه‌ای اسکاتلندی) در روزنامه‌ها مطرح شد، این خصوصیات که از سوی «انجمن روزنامه‌نگاران» مطرح شده بود، کاملاً بر ارزیابی‌های کاری تأکید داشت. به‌دنبال طرح خصوصیات حرفه‌ای از طرف «شورای ملی روزنامه‌نگاران» در سال ۱۹۸۹، گروه‌هایی در «انجمن روزنامه‌نگاران»، معیارهایی را تحت سه عنوان: نگارش، تولید روزنامه‌نگاری، و عکاسی مطبوعاتی مطرح ساختند (گرافیک روزنامه‌نگاری بعدها مطرح شد).

به‌عنوان نمونه از گزارشگری که به رویدادی روزمره می‌پردازد، خواسته می‌شود نشان دهد که از توانایی جمع‌آوری حقایق به‌طور صحیح برخوردار است و همچنین قادر است مسائل حقوقی و اخلاقی را ارزیابی کند و نسخه گزارش خود را قبل از موعد مقرر تحویل روزنامه بدهد.

تمامی ارزیابی‌ها، از سوی ارزیاب‌های با تجربه مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. هیچ زمان‌بندی مشخصی برای اعطای مدرکِ برخورداری از خصوصیات حرفه‌ای ملی روزنامه‌نگاری به کارآموز وجود ندارد و کارآموز بایستی بر اساس قرارداد خود، دوره کامل را بگذراند. «شورای خصوصیات کیفی روزنامه‌ها» بر اعطای مدارک نظارت دارد. (در اسکاتلند، «شورای آموزش حرفه‌ای اسکاتلند» این کار را انجام می‌دهد) هیأت نظارت هنری انجمن سلطنتی نیز در این زمینه همکاری می‌کند.

اولین گام در دنیای روزنامه‌نگاری: کسب اولین شغل

دشواری ورود به دنیای روزنامه‌نگاری همواره زیانزد بوده است. با توجه به کاهش کادر کارکنان تمامی رسانه‌ها از اواخر دهه ۱۹۸۰، کار یابی روزنامه‌نگاری دشوارتر شده است. نه تنها کالجها جوانان بلند پرواز دانش آموخته روزنامه‌نگاری را تحویل اجتماع می دهند، بلکه بازار این حرفه با افزایش روزنامه‌نگاران با تجربه طالب استخدام تمام وقت در روزنامه‌های سراسری نیز روبه‌روست.

از این رو تماسها حیاتی هستند. دانشجویان روزنامه‌نگاری بایستی از تمامی فرصتهای ممکن برای برقراری تماس با صاحبان نشریات استفاده کنند. برای نمونه گزارشگری از یک نشریه محلی، برای ایراد سخنرانی در سمیناری به کالج شما می آید. در این سمینار، از وی پرسشهای هوشمندانه بپرسید و در صورت امکان پس از پایان سمینار گفت‌وگوی غیررسمی با وی داشته باشید. سپس با وی تماس تلفنی گرفته و در مورد مصاحبه یا طرح گزارشی که بر روی آن کار می‌کنید، گفت‌وگو کنید.

اگر شما می‌خواهید در زمینه‌ای تخصصی به فعالیت بپردازید؛ برای مثال در زمینه‌های مسائل قومی، مذهبی، اتحادیه‌های کارگری، مطبوعات سیاسی و... تلاش کنید با افراد کارشناس در این مقوله‌ها تماس بگیرید. البته تعداد افراد متخصص در این زمینه‌ها نسبتاً اندک است.

سعی کنید همراه با تحصیل، به صورت آزاد با مطبوعات همکاری کنید. تعداد دانشجویانی که درس کالج را با دریافت مدارک رسمی روزنامه‌نگاری به اتمام می‌رسانند، روبه‌افزایش است. بنابراین اگر بتوانید هنگام تقاضای کار، مطالب چاپ شده خود در مطبوعات را ارائه دهید، امتیاز بیشتری نسبت به سایرین خواهید داشت.

درخواست کار

به دلیل آنکه روزنامه‌ها با درخواستهای شغلی بسیاری مواجه‌اند، دیگر نیازی برای آگهی استخدام روزنامه‌نگار وجود ندارد. با این وجود، هنوز تعدادی آگهی استخدام روزنامه‌نگار، در نشریه «گازت» و بخش رسانه‌های نشریه «گاردین» در دوشنبه‌ها، به چشم می‌خورد. به تمامی روزنامه‌نگاران متقاضی استخدام توصیه می‌شود با مراجعه به ستون آگهی‌ها بخت خود را محک بزنند.

درخواست نامه بایستی کوتاه و صریح نوشته شود. مهم‌ترین مسأله، درج سوابق شغلی به‌طور خلاصه با ذکر تاریخ است. این درخواستها بایستی شامل نام، نشانی، تاریخ تولد، تحصیلات (مدرسه، کالج، دانشگاه و حتی دوره‌های آموزشی) با ذکر تاریخ و خصوصیات مشخصات حرفه‌ای، شغل و مشاغلی که تاکنون داشته‌اید، مهارتها و علایق خاص و همچنین نام یک معرف (با ارائه نشانی و شماره تلفن) باشد.

برخی روزنامه‌ها ممکن است در جست‌وجوی فردی باشند که سوابق شغلی خاصی دارد. حتی اگر تحصیلات خود را به پایان نرسانده‌اید، ولی تقاضا ارسال کرده‌اید، بهتر است فعالیتهای خود را در طرحهای کاری مدرسه که در روزنامه‌ها صورت گرفته و همچنین همکاری‌تان در تهیه نشریه مدرسه را خاطر نشان سازید.

همچنین توصیه می‌شود تاریخچه سوابق شغلی خود را آراسته و پیراسته تهیه کنید. زیرا تاریخچه سوابق شغلی مدرک بسیار مهمی محسوب می‌شود. اگر این مدرک به صورت مرتب و حرفه‌ای نوشته شده باشد، تأثیرگذاری آن بیشتر خواهد بود.

مصاحبه

آماده شدن برای هر مصاحبه شغلی و یا تحصیلی اهمیت بسیاری دارد. در مورد نشریه مورد نظر مطالبی را بیابید و برخی شماره‌های آن را مطالعه کنید. مصاحبه‌کننده انتظار دارد شما تا حد امکان با اطمینان کامل در مورد نشریات سراسری اظهار نظر کنید. هنگامی که مصاحبه‌گر از شما

در مورد روزنامه‌های مورد علاقه‌تان می‌پرسد، ارائه پاسخی مانند «من به نشریات میل و آبرور علاقه‌مند هستم، چون پدر و مادرم هر هفته این نشریات را خریداری می‌کنند!» از منزلت شما خواهد کاست. باید دارای قوه ابتکاری بیشتری باشید و بتوانید در مورد نشریات مختلف سراسری اظهار نظر کنید.

اگر بتوانید لغات خاص روزنامه‌نگاری را به کار ببرید، خواهید توانست بر روی مصاحبه‌کننده تأثیر مطلوبتری بگذارید. اظهار نظرهای شفافتر نشان می‌دهد که علاقه به حرفه روزنامه‌نگاری از مشاهده فیلمهای هالیوودی نشأت نگرفته است، و شما آمادگی جذب واژگان خاص روزنامه‌نگاری را دارید.

ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا هیچ روزنامه‌نگار مشهوری مورد توجه شما بوده است؟ صرفاً ذکر نام دو روزنامه‌نگار مشهور مثلاً «جان پیچلر» و «کیت ادی» چندان خوشایند نخواهد بود؛ زیرا این دو اسم اغلب تکرار می‌شوند و مصاحبه‌کننده‌ها از شما انتظار ارائه مطالب ابتکاری بیشتری را دارند. باید آمادگی صحبت در مورد گزارش تلویزیونی را داشته باشید. تمامی رسانه‌های عمده، یکدیگر را تغذیه خبری می‌کنند و از ارزشهای خبری مشابهی برخوردارند. معمولاً در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، یک کارشناس روزنامه نیز نظر می‌دهد. بی‌اطلاعی از گزارشگری تلویزیونی ممکن است به سطحی بودن سایر اطلاعات شما تعبیر شود.

سعی کنید سروقت و به موقع در مصاحبه حاضر شوید و لباس مرتبی بر تن داشته باشید. اگر مطلب چاپ شده‌ای دارید، بریده آن را همراه داشته باشید. اگر مطلب چاپ شده‌ای دارید که اسم شما در آن ذکر نشده است، حتماً از سردبیر یا دبیر اخبار بخواهید یادداشتی دال بر تایید نام شما به عنوان نویسنده این مطلب، امضا کند. بدون آن نمی‌توانید ثابت کنید که کار گزارشگری انجام داده‌اید و همچنین بایستی از صحبت‌های کلیشه‌ای که در مصاحبه‌ها وجود دارد، آگاه باشید. همواره آمادگی پرسیدن چند سؤال را داشته باشید. مصاحبه‌کننده معمولاً در مدت زمان گفت‌وگوی رسمی مصاحبه، چند مسأله عمده را مطرح می‌سازد. اگر در مورد مسائل مطرحه

پرسشی نکنید، مصاحبه‌تان موفقیت‌آمیز نخواهد بود. نوع فن‌آوری که از سوی هر شرکتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ممکن است مطرح نشود. از این‌رو، طرح پرسشی در مورد آن بیانگر توجه و فزونی قوه ابتکار شما خواهد بود.

پیوستها

پیوست ۱: اصول رفتاری حرفه‌ای اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران

- ۱- روزنامه‌نگار باید از عالیترین معیارهای حرفه‌ای و اخلاقی برخوردار باشد.
- ۲- روزنامه‌نگار بایستی در همه اوقات از اصول آزادی مطبوعات و سایر رسانه‌ها مبنی بر آزادی جمع‌آوری اطلاعات، ارائه ایده و انتقاد دفاع کند. وی بایستی برای رفع تحریف حقایق، پنهانکاری و سانسور اخبار بکوشد.
- ۳- روزنامه‌نگار باید اطمینان حاصل کند اطلاعاتی را که منتشر می‌سازد، از صحت کامل برخوردارند و از ارائه تفسیر شخصی و گمانه‌زنی به عنوان حقیقت مسلم، و همچنین از اشاعه جعلیات، تحریف حقایق و ارائه تصاویر نادرست بپرهیزد.
- ۴- روزنامه‌نگار بایستی اشتباهات فاحش را بیدرنگ اصلاح کند و مطمئن شود که اصلاحیه و پوزش، به طور مناسب و آبرومندانه ارائه شده است. او باید در مورد مسائلی که دارای اهمیت هستند، حق پاسخگویی را برای افرادی که مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، تضمین کند.

- ۵- روزنامه‌نگار مجاز است فقط از راههای مجاز، به اطلاعات مورد نیاز، عکسها و تصاویر دست یابد. کاربرد سایر ابزار، فقط با در نظر گرفتن منافع عمومی امکان‌پذیر خواهد بود. روزنامه‌نگار، محق است مخالفت شخصی‌اش را در مورد کاربرد چنین ابزاری، ابراز دارد.
- ۶- با توجه به اصل در نظر گرفتن منافع عمومی، روزنامه‌نگار به انجام کاری که موجب آزار خصوصی افراد شود، مجاز نخواهد بود.
- ۷- روزنامه‌نگار منابع اطلاعاتی محرمانه‌اش را نباید فاش سازد.
- ۸- روزنامه‌نگار مجاز به دریافت رشوه نیست و نایستی اجازه دهد دریافت سایر هدایا بر عملکرد و وظیفه حرفه‌ای‌اش تأثیر گذارد.
- ۹- روزنامه‌نگار نایستی با هدف تبلیغ و یا ملاحظات دیگر در امر تحریف و یا پنهان نگه داشتن حقیقت بکوشد.
- ۱۰- روزنامه‌نگار می‌تواند در مورد نژاد، رنگ پوست، مذهب، وضعیت تأهل و جنسیت افراد بنویسد. اما مجاز به درج مطالب تبعیض‌آمیز در هر یک از زمینه‌های فوق نیست.
- ۱۱- روزنامه‌نگار مجاز نیست از اطلاعات عمومی استفاده شخصی نماید.
- ۱۲- همچنین روزنامه‌نگار مجاز نیست از رسانه‌ای که در آن کار می‌کند، برای ارائه اظهار نظر و یا رأی خاصی به منظور تبلیغ کالاهای تجاری و یا برای پیشرفت کار شخصی‌اش استفاده کند.

پیوست ۲: ضوابط حرفه‌ای هیأت نظارت بر شکایات مطبوعات

۱- درست اندیشی

- (۱) روزنامه‌ها و نشریات ادواری بایستی مراقب باشند مطالب خلاف واقع، گمراه‌کننده و تحریف شده را انتشار ندهند.
- (۲) هرگاه تشخیص داده شود که مطلب خلاف واقع و گمراه‌کننده مهم و یا گزارش تحریف شده‌ای انتشار یافته است، اصلاحیه آن بایستی سریعاً در جای مناسب در نشریه درج گردد.

۳) هرگاه لازم باشد، باید پوزش خواهی از خوانندگان و یا افراد خاص در نشریه درج شود.
 ۴) روزنامه و نشریه ادواری، همواره باید پیامد افترا زدن را به گونه‌ای صمیمانه و صحیح منتشر کند.

۲- فرصت پاسخگویی

فرصت پاسخگویی به مطالب خلاف واقع، برای افراد و سازمانها به طور معقول می‌بایست پدید آید.

۳- تفسیر، گمانه‌زنی و حقیقت‌نویسی

روزنامه‌ها درحالی که می‌توانند جانبدارانه با مسائل برخورد کنند، اما بایستی میان تفسیر و تعبیر فردی، گمانه‌زنی و حقیقت‌گویی تمایز قائل شوند.

۴- زندگی خصوصی

دخالت و کنجکاوای در زندگی خصوصی افراد بدون رضایت آنان، عموماً پذیرفتنی نخواهد بود و صرفاً زمانی می‌توان چنین مطالبی را انتشار داد که منافع عمومی در آن نقش داشته باشد. مانند موارد زیر:

- ۱) پیگیری و فاش ساختن جرم یا یک خلافکاری جدی.
- ۲) پیگیری و افشای یک رفتار و کردار ضد اجتماعی مهم.
- ۳) حمایت از بهداشت و ایمنی عمومی.
- ۴) جلوگیری از گمراهی مردم در پیامد اظهارات و عملکرد یک فرد خاص.

۵- بیمارستانها

(۱) روزنامه‌نگاران یا عکاسانی که به پرس‌وجو در بیمارستانها و مؤسسات مشابه می‌پردازند، بایستی قبل از ورود به بخشهایی که برای عموم آزاد نیست، هویت خود را نزد مقامات مسؤل آنجا مشخص سازند و اجازه ورود را کسب کنند.

(II) محدودیتهایی که در مورد دخالت در زندگی خصوصی افراد وجود دارد، به‌ویژه در مورد چنین پرس‌وجوهایی از افراد در بیمارستانها و مؤسسات مشابه، باید رعایت شود.

۶- ارائه مشخصات نادرست

(۱) روزنامه‌نگاران بایستی به‌طور کلی از طریق ترفند و یا ارائه مشخصات نادرست، در به دست آوردن اطلاعات و یا تصاویر مربوطه بکوشند.

(۲) به غیر از مواردی که پای منافع عمومی در میان است، در سایر موارد، مدارک و عکسها را صرفاً با کسب اجازه از صاحب آن می‌توان به دست آورد.

(۳) ترفند را نیز فقط زمانی می‌توان به کار برد که منافع عموم در میان باشد و همچنین نتوان با استفاده از راههای دیگر به آن اطلاعات دست یافت. در تمامی موارد حفظ منافع عمومی شامل نکات زیر است:

- پیگیری یا فاش ساختن جرم یا خلافتکاری جدی.
- پیگیری یا افشای یک رفتار ضد اجتماعی مهم.
- حمایت از بهداشت و ایمنی عمومی.
- جلوگیری از گمراهی مردم در پیامد اظهارات و عملکرد فرد و یا سازمانی خاص.

۷- ایجاد مزاحمت

(۱) روزنامه‌نگاران بایستی از طریق ایجاد مزاحمت و تهدید، به اطلاعات و تصاویر مربوطه دست یابند.

۲) روزنامه‌نگاران نبایستی بدون اجازه افراد، در ملک خصوصی شان از آنان عکس بگیرند. هنگامی که از روزنامه‌نگاران خواسته می‌شود دیگر مزاحم نشوند، آنان نبایستی همچنان به تماس تلفنی و پرس و جو از افراد ادامه دهند. هنگامی که از روزنامه‌نگاران خواسته می‌شود محلی را ترک کنند، آنان نبایستی همچنان در محل خصوصی این افراد حضور داشته و یا به تعقیب این افراد پردازند.

۸- پرداخت برای کسب مطلب

۱) پرداخت و یا پیشنهاد پرداخت پول برای کسب مطلب، تصاویر و یا اطلاعات، به شاهدان و یا شاهدان بالقوه در دادرسی کیفری جاری و یا به افرادی که در ارتکاب جرایم دست داشته‌اند و یا وابستگان آنان، نباید مطرح گردد؛ مگر در مواردی که می‌بایست مطلبی برای حفظ منافع عموم انتشار یابد و پرداخت وجه برای دستیابی به این مطلب، ضروری باشد.

۲) «وابستگان»، شامل خانواده، دوستان، همسایه‌ها و همکاران می‌شود.

۳) پرداختها، چه مستقیم و یا غیرمستقیم از طریق واسطه، نباید صورت گیرد.

۹- پرس و جو هنگام ناراحتی و ضربه روحی

زمانی که ناراحتی یا ضربه روحی در مورد افراد وجود دارد، پرس و جوها و تحقیقات بایستی با همدردی و رعایت احتیاط صورت گیرد.

۱۰- اقوام و دوستان بی‌گناه

مطبوعات به‌طور کلی نبایستی هویت اقوام و دوستان افرادی را که محکوم شده و یا به‌ارتکاب جرمی متهم شده‌اند، مشخص سازند. مگر آن که اشاره به آنان برای ارائه گزارش دادخواهی حقوقی و کیفری، به صورتی عادلانه، صحیح و کاملاً ضروری باشد.

۱۱- مصاحبه و عکس انداختن از کودکان

(۱) معمولاً در نبود والدین و یا بدون کسب اجازه از والدین کودکان و یا فرد بزرگسال دیگری که مسئولیت آنان را برعهده دارد، روزنامه‌نگاران نیاستی با کودکان زیر ۱۶ سال در مورد موضوعاتی که به رفاه و سعادت کودک مربوط می‌شود، مصاحبه کنند و یا این که از آنان عکس تهیه کنند.

(۲) بدون کسب اجازه مقامات مدرسه، روزنامه‌نگاران حق گفت‌وگو و یا عکس‌برداری از کودکان در مدرسه را ندارند.

۱۲- کودکان در موارد آزارهای جنسی

مطبوعات حتی در مواردی که قانون نیز منع نکرده است، هویت کودکان زیر ۱۶ سالی را که در موارد مربوط به آزارهای جنسی یا خود درگیر بوده و یا به‌عنوان شاهد حضور داشته‌اند نباید فاش سازند.

۱۳- قربانیان جرایم

مطبوعات مجاز نیستند هویت قربانیان تعرضات جنسی را فاش سازند، یا این که به مواردی که ممکن است هویت آنان را فاش سازد، اشاره کنند. مگر آن که از مجوز قانونی در این زمینه برخوردار باشند.

۱۴- تبعیض

(۱) مطبوعات نباید اشاره‌ای توهین‌آمیز یا زیان‌آور به نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت، گرایش جنسی یا بیماری‌های جسمی یا روحی و یا معلولیت افراد داشته باشند.

(۲) به‌طور کلی اشاره به نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت یا گرایش جنسی افراد مجاز نیست.

مگر آن که این امر ارتباط مستقیم با مطلب و گزارش مربوطه داشته باشد.

۱۵- روزنامه نگاری مالی

۱) حتی در مواردی که قانون نیز منع نکرده است، روزنامه نگاران مجاز نیستند قبل از اطلاع عموم، اطلاعات مالی را که کسب کرده‌اند، برای منافع شخصی به کار بندند یا این که چنین اطلاعاتی را برای کسب منفعت مالی در اختیار دیگران قرار دهند.

۲) آنان نباید مطلبی را در مورد سهام و یا اوراق بهاداری که آنان و یا بستگان نزدیکشان، منافع مالی قابل توجهی در مورد آن دارند، بدون آگاهی سردبیر و یا دبیر سرویس اقتصادی منتشر سازند.

۳) خود روزنامه نگاران نبایستی به طور مستقیم و یا از طریق نماینده، در خرید و فروش سهام اوراق بهاداری که در مورد آن بتازگی مطلبی نوشته‌اند و یا این که در آینده‌ای نزدیک قصد دارند مطلبی بنویسند، شرکت کنند.

۱۶- منابع محرمانه

روزنامه نگاران از نظر اخلاقی موظف‌اند منابع اطلاعاتی محرمانه خود را بروز ندهند. به دنبال توصیه‌های هیأت «کلکات» مبنی بر ارائه قوانینی که استفاده از ابزار استراق سمع به وسیله روزنامه نگاران را محدود کند، در سال ۱۹۹۳، ماده ۵ در این مورد افزوده شد.

۱۷- ابزار استراق سمع

بجز مواردی که منافع عمومی در میان باشد، روزنامه نگاران مجاز نیستند اطلاعاتی را که از طریق کاربرد ابزار استراق سمع مخفی و یا از طریق کنترل مخفیانه مکالمات تلفنی خصوصی افراد کسب کرده‌اند، انتشار دهند.

مسئله حفظ منافع عمومی مانند سایر موارد قانونی، در این امر مستثنی است.

The Newspapers Handbook

by: Richard Keeble, 1998

Translated into Farsi

by: Maryam Tajfar

همشهری منتشر کرده است:

- آخرین اطلاعات جهان پزشکی - جلد اول.
دکتر ایسادر روزنفلد. ترجمه همشهری. ۳۲۸ صفحه. ۷۰۰۰ ریال
- آخرین اطلاعات جهان پزشکی - جلد دوم.
دکتر ایسادر روزنفلد. ترجمه سید رضا حسینی. ۳۴۲ صفحه. ۸۰۰۰ ریال
- مردان مریخی، زنان ونوسی.
دکتر جانگری. ترجمه مریم نقیبی. ۲۴۶ صفحه. ۷۳۰۰ ریال
- بچه‌های خوب، عاداتهای بد.
چارلزای شافر و ترزافوی دیگرونیمو. ترجمه میرمحمی‌الدین گل‌باز. ۱۳۰ صفحه. ۴۰۰۰ ریال
- چگونه به موفقیت فرزندان کمک کنیم.
آدل فابر و الین مازلیش. ترجمه ستاره آخوندی. ۲۸۶ صفحه. ۸۰۰۰ ریال
- بیم‌ها و امیدها (دولت خاتمی از دیدگاه صاحب‌نظران).
محسن آرمین و حجت رزاقی. ۳۲۰ صفحه. ۱۲۰۰۰ ریال
- چگونه مذاکره‌کننده بهتری باشیم (فنون مدیریت، ۱).
جیمز پترسون. ترجمه مسعود کسایی و ابراهیم شیرامیری. ۱۰۴ صفحه. ۳۶۰۰ ریال
- گفت‌وگوهای سری میان اعراب و اسرائیل.
محمد حسنین هیکل. ترجمه عبدالصاحب سعیدی. ۲۸۸ صفحه. ۹۰۰۰ ریال
- تمدنهای آسیا و خاورمیانه.
پروفسور یاروسلاو کرچی. ترجمه خسرو قدیری. ۳۸۴ صفحه. ۱۱۵۰۰ ریال

● بررسی مشکلات نوجوانان.

دالا نیکلسون و هری آیرز. ترجمه ستاره آخوندی. ۱۶۰ صفحه. ۳۵۰۰ ریال

● دانستیهای عمومی پزشکی (آشنایی با بیماریهای پوست و مو، روماتیسم و قلب).

با مسوولیت علمی دکتر منوچهر قارونی. ۱۶۸ صفحه مصور. ۵۹۰۰ ریال

● تحزب و توسعه سیاسی (کتاب اول: مبانی نظری و آموزه‌ها).

گردآورنده: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور. ۳۲۸ صفحه. ۱۰۵۰۰ ریال

● تحزب و توسعه سیاسی (کتاب دوم: تحزب در ایران).

گردآورنده: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور. ۳۸۶ صفحه. ۱۳۵۰۰ ریال

● تحزب و توسعه سیاسی (کتاب سوم: اسلام و تحزب).

گردآورنده: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور. ۲۳۴ صفحه. ۸۰۰۰ ریال

● مرگ خاموش (نگاهی به پدیده کودک‌آزاری).

بنفشه پورناجی. ۲۶۴ صفحه. ۹۲۰۰ ریال

● کارکردن با افراد ناسازگار (فنون مدیریت، ۲).

ویلیام لاندین، کتلین لاندین. ترجمه مسعود کسایی و ابراهیم شیرامیری. ۱۱۸ صفحه. ۶۰۰۰ ریال

● چگونگی پاداش‌دهی به کارکنان و تشویق آنان (فنون مدیریت، ۳).

دانا دیپ‌روز. ترجمه دکتر مسعود کسایی و ابراهیم شیرامیری. ۱۱۸ صفحه. ۶۰۰۰ ریال

● بدترین هفت اشتباهی که پدر و مادر امروزی مرتکب می‌شوند.

دکتر جان‌سی. فریل / لیندا دی. فریل. ترجمه منیژه بهزاد (شیخ‌جوادی). ۱۶۲ صفحه. ۸۲۰۰ ریال

● ترور سعید حجاریان به روایت خبرگزاری دانشجویان ایران.

گردآورنده: خبرگزاری ایسنا. ۳۳۲ صفحه. ۱۶۵۰۰ ریال